



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجة الله على الحجج، فاطمة الزهراء عليها السلام

نويسنده:

حيدر تربتي كربلايي

ناشر چاپي:

مؤلف

ناشر ديڄيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
حجة الله على الحجج، فاطمة الزهراء عليها السلام	۹
مشخصات کتاب	۹
اشاره	۹
صلوات حضرت زهراء سلام الله عليها	۱۴
فهرست عناوین	۱۵
سخن اهداکننده	۲۶
سخن ویراستار	۲۸
متن پریش	۳۰
سخن نگارنده	۳۰
سراغاز حجة الله تعريف و جایگاه	۳۲
اشاره	۳۴
حجة الله پیش از آفریدگان، همراه با آنان و پس از آفریدگان (محیط بر آفریدگان)	۳۶
قطع حجت و برهان دین در صورت نبودن حجة الله	۴۲
تسبیح فاطمة الزهراء علیها السلام پس از نماز مخصوصه حضرتش و پس از زیارت امیرالمؤمنین و سیدالشهداء علیهما السلام	۴۷
بخش یکم علت خلق الخلق	۴۹
اشاره	۴۹
برهان ۱- فاطمه، علت آفرینش هستی	۵۱
بخش دوم فاطمة حجة الله قبل الخلق	۵۴
اشاره	۵۴
برهان ۲- آفرینش نور فاطمه، پیش از آفرینش هستی	۵۶
برهان ۳- فاطمة نورالله: سیطره فاطمی در اقامه حجت الهی	۵۶
بخش سوم نور فاطمة علیها السلام	۵۸
اشاره	۵۸
برهان ۴- نور فاطمة من نور الله	۶۰
نور فاطمه من نور عظمة الله	۶۲
دعای حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام برای گرفتاری ها	۶۴
بخش چهارم نور التور	۶۵
اشاره	۶۵
برهان ۵- نور فاطمة من نور التبیق و الوصی	۶۷
بخش پنجم حجة الله مع الخلق	۶۹
اشاره	۶۹
برهان ۶- حجة الله سبب امان خلق	۷۱
جایگاه حجة الله برای زمین و زمینیان	۷۶
برهان ۷- فاطمه در میاهله (حجة الله بر نصاری)	۷۹
تسبیح حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام در روز سوّم ماه	۸۰
بخش ششم فاطمه و عبادت، غرض از خلقت	۸۱
اشاره	۸۱

برهان ۸- فاطمةُ أُمَّةُ الله -	۸۳
تسبیح و تهلیل و تحمید، ورد فاطمه از آغاز .	۸۴
تسبیحات الزهراء علیها السلام	۸۷
برهان ۹- «الصلوات» اوست	۹۳
بخش هفتم فاطمه، الله و دین الله	۹۶
اشاره	۹۶
برهان ۱۰- نام فاطمه، مشتق از نام خداست	۹۸
برهان ۱۱- أسماء فاطمة عند الله !!!	۹۸
برهان ۱۲- فاطمه «دین استوار»	۱۰۱
برهان ۱۳- امر بزرگ، ولایت فاطمه	۱۰۱
برهان ۱۴- فاطمة آية الله	۱۰۳
برهان ۱۵- فاطمه در شمار اعراف	۱۰۳
برهان ۱۶- مقام هدایت گری فاطمه	۱۰۴
برهان ۱۷- فاطمة المصطفاه و بارها مصطفاه الله	۱۰۸
برهان ۱۸- خشنودی و خشم فاطمه	۱۰۸
برهان ۱۹- سلام و صلوات خداوند بر فاطمه	۱۱۰
بخش هشتم فاطمه، الله و ملائکه	۱۱۳
اشاره	۱۱۳
برهان ۲۰- فاطمة محدثة الله و محدثة الملائكة	۱۱۵
بخش نهم فاطمة و الانبياء	۱۱۸
اشاره	۱۱۸
برهان ۲۱- ملاک الله در رسالت، فاطمه است	۱۲۰
بخش دهم فاطمة و رسول الله	۱۲۳
اشاره	۱۲۳
برهان ۲۲- فاطمة عَنت غايی خلقت افضل الانبياء و سيد الأوصياء	۱۲۵
برهان ۲۳- فاطمة، حجاب التوبة	۱۲۷
برهان ۲۴- جایگاه باب و بیت فاطمه	۱۲۷
برهان ۲۵- فاطمه، خانه اش برترین خانه های انبياء	۱۲۸
برهان ۲۶- جایگاه فاطمه نسبت به رسول الله	۱۳۰
فاطمه از رسول الله و رسول الله از فاطمه	۱۳۲
برهان ۲۷- والاترین، شریف ترین، محبوب ترین، گرامی ترین	۱۳۴
بخش یازدهم فاطمه و شجره طیبه، نبوت، رسالت و امامت	۱۳۷
اشاره	۱۳۷
برهان ۲۸- جای گاه فاطمه در شجره طیبه	۱۳۹
اشاره	۱۳۹
فاطمه الشجرة الطيبة	۱۳۹
فاطمه ورقها	۱۴۰
فاطمه فرعها	۱۴۰
فاطمه حملها	۱۴۳

۱۴۳	فاطمه لقاها
۱۴۵	فاطمه عنصر الشجرة
۱۴۷	فاطمه غصنها
۱۴۷	برهان ۲۹- فاطمه: نبوت، رسالت، عصمت و حکمت
۱۴۸	برهان ۳۰- فاطمه، برگزیده رسول الله
۱۴۹	برهان ۳۱- فاطمه، ذی القربی
۱۵۳	برهان ۳۲- «المودة الواجبة» از آن فاطمه است
۱۵۳	برهان ۳۳- فاطمه و بطن مادرش خدیجه
۱۵۴	بخش دوازدهم فاطمه و امامت
۱۵۴	اشاره
۱۵۶	برهان ۳۴- امامت نعمه الله، فاطمه نعمه الله
۱۶۰	برهان ۳۵- علی هم تالی ایمانی فاطمه
۱۶۱	برهان ۳۶- فاطمه، علی دیگر
۱۶۱	برهان ۳۷- رسول الله و فاطمه، دو رکن امیرالمؤمنین
۱۶۴	برهان ۳۸- واجب بی برو برگرد
۱۷۱	برهان ۳۹- امامت، خاص نسل فاطمه
۱۷۵	بخش سیزدهم علم فاطمه
۱۷۵	اشاره
۱۷۷	برهان ۴۰- علم فاطمه محیط بر خلق و عدم
۱۷۸	برهان ۴۱- زرفای دریای علم فاطمه
۱۷۸	برهان ۴۲- «مصحف» میراث ویژه فاطمه
۱۸۱	امامت و مصحف فاطمه
۱۸۵	بخش چهاردهم فاطمه در آیات
۱۸۵	اشاره
۱۸۷	برهان ۴۳- فاطمه در آیه نور
۱۹۳	برهان ۴۴- فاطمه، بنر معطله، امام صامت
۱۹۵	برهان ۴۵ الی ۴۷ فاطمه، «لیلة القدر» آغاز تا انجام فاطمه «روح القدس» فاطمه «لللیلة المباركة» منها الأئمة
۱۹۹	برهان ۴۸- به خدا سوگند، حجة الله است
۲۰۲	بخش پانزدهم فاطمه و اهل بیت اطهار
۲۰۲	اشاره
۲۰۴	برهان ۴۹- دورنمای جای گاه اهل بیت اطهار علیهم السلام
۲۰۵	برهان ۵۰- اتحاد نوری حضرت با اهل بیت
۲۰۸	برهان ۵۱- فاطمه در شمار اهل بیت و ائمه علیهم السلام
۲۱۰	برهان ۵۲- الشیخة فاطمة
۲۱۱	برهان ۵۳- منها الأئمة
۲۱۲	برهان ۵۴- فاطمة اسوة الحجة
۲۱۴	بخش شانزدهم فاطمه و جزاء، شفاعت
۲۱۴	اشاره
۲۱۶	برهان ۵۵- ولایت فاطمه در قیامت

۲۱۶	برهان ۵۶- مهریه فاطمه
۲۱۸	برهان ۵۷- شیعۀ فاطمۀ
۲۲۱	برهان ۵۸- شفاعت فاطمی
۲۲۳	بخش هفدهم امامت فاطمه
۲۲۳	اشاره
۲۲۵	برهان ۵۹ الی ۶۴ از صفات حجج الله در فاطمه نطفه اش از خوراک بهشتی در شکم مادر صداها را می شنود و سخن می گوید طاهر و مطهر به دنیا می آید با دو دست به دنیا می آید و دست خود بالا می برد شهادت را با صدای بلند می گوید رشد و نمو ویژه ای دارد
۲۴۳	رشد جسمی عبد الله بن عبد المطلب
۲۴۴	رشد جسمی رسول الله صلی الله علیه و آله
۲۴۵	حکایت ولادت و رشد جسمانی و ... حجة بن الحسن المهدی عجل الله فرجه
۲۵۳	برهان ۶۵- فاطمه، بهترین اهل زمین
۲۵۳	برهان ۶۶ الی ۶۹- همانند رسول الله و امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما؛ شاهد در آفرینش و اعمال خلق است اطاعتش بر همه فرض است تفویض امر خلق به او شده است ولایت در تشریح دارد
۲۵۹	بخش هجدهم فاطمۀ حجة الله
۲۵۹	اشاره
۲۶۱	برهان ۷۰- فاطمۀ حجة الله
۲۶۳	برهان ۷۱ الی ۷۵- فاطمۀ وسیلة الله خاضة الله محلّ قدس الله حجة الله فی غیبه وارثة الانبیاء
۲۶۴	اعتراف دشمن (و الفضل ما شهدت به الأعداء)
۲۶۵	پس فاطمه کیست؟
۲۶۷	فاطمۀ حجة الله علی الحجج
۲۶۹	پایان ناگزیر
۲۷۳	پی نوشت ها
۴۰۸	برخی از نوشته های مؤلف محترم
۴۱۱	درباره مرکز

حجة الله على الحجج، فاطمة الزهراء عليها السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب: حجة الله على الحجج، فاطمة الزهراء عليها السلام

نام پدیدآورنده: حضرت آية الله حيدر تربتي كربلاني

تایپ و ویرایش: محدثه تربتي

طرح جلد: محدثه تربتي

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه: Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس: 09137004612

این کتاب شریف به شما شیعه اهل بیت اطهار علیهم السلام اهدا شده است مشروط بر این که بخوانید و تبلیغ کنید و حبس ننمایید. خرید و فروش این کتاب شرعاً جایز نیست.

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است

خیر اندیش دیجیتال: مرکز خدمات حوزه علمیه اصفهان

ویراستار کتاب: محمد حسین دادخواه

ص: 1

اشاره

تو قرآنی که عقول رجال بدان قد نهد، لیلة القدر

تو قرآنی که تفسیر به رأی نشوی، اللیلة المباركة

تو قرآنی که کفر است پنهان ساختن ات، کوثر

تو قرآنی که تلقاء تو، بخشاینده است، کلمة الله

آیا شناخت تو این است؟...

توغایتی که ابتدا و انتهای آفرینش هستی، حجة الله

توغایتی که نبودی، نبی و وصی نبودی، لولائک

توغایتی که اشرف الخلائق را ریشه ای، ام اییها

توغایتی که ولایت، طفیل توست، ام الأئمة

آیا شناخت تو این است؟...

اگر راه بنمایی، هدایت شویم...

و اگر اذن نفرمایی، تسلیم هستیم...

و اگر اراده نمودی، قابل خواهیم بود...

ای فاطمة الله، دریغ مدار ما را، ای مادر

یا فاطمة اغیثینی

ص: 2

فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْحُجَّجِ

آيَةُ اللَّهِ الشَّيْخِ حَيْدَرَ التُّرْبِيِّ الْكَرْبَلَائِيِّ

ص: 1

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ماجرا از این قرار است یکی از دوست داران اهل بیت اطهار علیهم السّلام

پرسشی مطرح می کند و در پی جواب از وحی...

پرسشی درباره شخصیتی به عظمت «فاطمة الله»

و سینه ای که معارف آل الله را حمل می نماید، پاسخش را زیبا ارائه نموده هر چند خودش آن را بسیط نمی داند

و حرف ها... و حرف ها.... و حرف ها.... ناگفته می ماند که «لیس کلّما طلب وجد»،

گوهر است و قدرش را گوهری می شناسد... گوهری می طلبد...

اگر گوهرشناس بود که الحمد لله و الشکر...

و اگر نبود...

این حرف را برای اهلش بگذارد و طلا را مس نپندارد؛

که یقیناً طلا، مس نخواهد بود لکن...

ناشناس بی بهره می ماند...

تمام

ص: 2

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یُرِیْدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

وَاللّٰهُ مَعَهُ نُورُهُ

وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

سوره (61) الصّفّ آیه 9

یُرِیْدُونَ أَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

وَيَأْتِي اللّٰهُ إِلَّا أَنْ یُنِیْمَ نُورُهُ

وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

سوره (9) التّوبه آیه 32

ص: 3

صلوات حضرت زهراء سلام الله عليها

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ (الزَّهْرَاءِ) الزَّكِيَّةِ، حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ، وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ، الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا، وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا (اللَّهُمَّ)، وَ كُنِ الثَّانِرَ اللَّهُمَّ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا. اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَّةِ الْهُدَى، وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ، الْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَي أُمِّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، صَدَاقَةَ تَكْرُمُ بِهَا وَجْهَ ابْنِهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تُقَرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا، وَ أبلغُهُم عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ» (1).

ص: 4

1- مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد: ص 401- الصلاة على السيّدة فاطمة عليها السلام: و جمال الأسبوع: ص 486 و البلد الأمين: ص 304.

فهرست عناوین

سخن اهداکننده...11

سخن ویراستار...13

متن پرسش...15

سخن نگارنده...15

سرآغاز حجّة الله تعریف و جایگاه...19

حجّة الله پیش از آفریدگان، همراه با آنان و پس از آفریدگان (محیط بر آفریدگان)...21

قطع حجت و برهان دین در صورت نبودن حجّة الله...25

بخش یکم علّت خلق الخلق...29

برهان 1- فاطمه، علّت آفرینش هستی...31

بخش دوم فاطمة حجّة الله قبل الخلق...33

برهان 2- آفرینش نور فاطمه، پیش از آفرینش هستی...35

برهان 3- فاطمة نورالله: سیطره فاطمی در اقامه حجّت الهی

بخش سوم نور فاطمة علیها السلام...37

برهان 4- نور فاطمة من نور الله...39

ص: 5

نور فاطمه من نور عظمة الله...40

بخش چهارم نور التور...43

برهان 5- نور فاطمه من نور النبي و الوصي...45

بخش پنجم حجة الله مع الخلق...47

برهان 6- حجة الله سبب امان خلق...49

جایگاه حجة الله برای زمین و زمینیان...52

برهان 7- فاطمه در مباحثه (حجة الله بر نصاری)...53

بخش ششم فاطمه و عبادت، غرض از خلقت...55

برهان 8- فاطمة أمّة الله...57

تسبیح و تهلیل و تحمید، ورد فاطمه از آغاز...58

تسبیحات الزهراء علیها السلام...60

برهان 9- «الصلوات» اوست...64

بخش هفتم فاطمه، الله و دین الله...67

برهان 10- نام فاطمه، مشتق از نام خداست...69

برهان 11- أسماء فاطمة عند الله!!!

برهان 12- فاطمه «دین استوار»...71

برهان 13- امر بزرگ، ولایت فاطمه

برهان 14- فاطمة آية الله...72

برهان 15- فاطمه در شمار اعراف

برهان 16- مقام هدایت گری فاطمه...73

برهان 17- فاطمة المصطفاة و بارها مصطفاة الله...76

برهان 18- خشنودی و خشم فاطمه

برهان 19- سلام و صلوات خداوند بر فاطمه...77

بخش هشتم فاطمه، الله و ملائکه...79

برهان 20- فاطمة محدثة الله و محدثة الملائكة...81

بخش نهم فاطمة والأنبياء...83

برهان 21- ملاک الله در رسالت، فاطمه است...85

بخش دهم فاطمة و رسول الله...87

برهان 22- فاطمة علّت غائی خلقت أفضل الأنبياء و سيّد الأوصياء...89

برهان 23- فاطمة، حجاب النبوة...90

برهان 24- جایگاه باب و بیت فاطمه

برهان 25- فاطمه، خانه اش برترین خانه های انبياء...91

برهان 26 - جایگاه فاطمه نسبت به رسول الله...92

فاطمه از رسول الله و رسول الله از فاطمه...93

برهان 27- والاترين و شريف ترين و محبوب ترين و گرامی ترين...95

بخش یازدهم فاطمه و شجره طیّبه، نبوت، رسالت و امامت...97

برهان 28- جایگاه فاطمه در شجره طیّبه...99

فاطمه الشّجرة الطّیّبة

برهان 29- فاطمه، نبوت، رسالت، عصمت و حکمت...103

برهان 30 - فاطمه، برگزیده رسول الله...104

برهان 31 - فاطمة، ذی القربى...105

برهان 32 - «المودّة الواجبة» از آن فاطمه است...108

برهان 33- فاطمه و بطن مادرش خدیجه

بخش دوازدهم فاطمه و امامت...109

برهان 34- امامت نعمة الله، فاطمة نعمة الله...111

برهان 35- علی همتای ایمانی فاطمه...113

برهان 36- فاطمه، علی دیگر...114

برهان 37- رسول الله و فاطمه، دورکن امیرالمؤمنین

برهان 38- واجب بب برو برگرد...116

برهان 39 - امامت، خاص نسل فاطمه...118

بخش سیزدهم علم فاطمه...121

برهان 40- علم فاطمة محیط بر خلق وعدم...123

برهان 41- ژرفای دریای علم فاطمه...124

برهان 42- «مصحف» میراث ویژه فاطمه

امامت و مصحف فاطمة...125

بخش چهاردهم فاطمه در آیات...127

برهان 43- فاطمه در آیه نور...129

برهان 44- فاطمه، بئر معطله، امام صامت...132

برهان 45 الی 47:

فاطمه، «لیلة القدر» آغاز تا انجام

فاطمه «روح القدس»

فاطمه «اللیلة المباركة، منها الأئمة...133

برهان 48- به خدا سوگند، حجة الله است...137

بخش پانزدهم فاطمه و اهل بیت اطهار...139

برهان 49- دورنمای جایگاه اهل بیت علیهم السّلام...141

برهان 50- اتحاد نوری حضرت با اهل بیت...142

برهان 51- فاطمه در شمار اهل بیت و ائمه علیهم السّلام...144

برهان 52- السّیّدة فاطمة...145

برهان 53- منها الأئمّة...146

برهان 54- فاطمة اسوة الحّجة...147

بخش شانزدهم فاطمه و جزاء، شفاعت...149

برهان 55- ولایت فاطمه در قیامت...151

برهان 56- مهریه فاطمه

برهان 57- شیعه فاطمة...152

برهان 58- شفاعت فاطمی...155

بخش هفدهم امامت فاطمه...157

برهان 59 الی 64:

از صفات حجج الله در فاطمه

نطفه فاطمه از خوراک بهشتی

در شکم مادر صداها را می شنود و سخن می گوید

طاهر و مطهّر به دنیا می آید

با دو دست به دنیا می آید و دست خود بالا می برد

شهادت را با صدای بلند می گوید

رشد و نمو ویژه ای دارد...159

رشد جسمی رسول الله صلی الله علیه وآله

حکایت ولادت و رشد جسمانی و... حجّة بن الحسن المهديّ عجل الله فرجه...172

برهان 65- فاطمه، بهترین اهل زمین...179

برهان 66 الی 69:

همانند رسول الله و امیرالمؤمنین صلی الله علیهما وآلهما

شاهد در آفرینش و اعمال خلق است

طاعتش بر همه فرض است

تفویض امر خلق به او شده است

ولایت در تشریح دارد

بخش هجدهم فاطمة حجّة الله...183

برهان 70- فاطمة حجّة الله...185

برهان 71 الی 75:

فاطمة وسیلة الله

خاصّة الله

محلّ قدس الله

حجّة الله فی غیبه

وارثه الأنبياء...186

اعتراف دشمن...187

پس فاطمه کیست؟...188

فاطمة حجّة الله علی الحجج...189

پایان ناگزیر...191

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، ...». «... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ... آمَنْتُ بِكُمْ... وَبَرْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَمِنْ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ...».

«... ذَكَرْتُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَ... فَمَا أَحَلَى أَسْمَاءُكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَ...».

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، ...». «يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ! يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ! يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ! يَا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَاتَنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ! اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ».

مقارن با طلوع جدیدترین اثر مؤلف محترم، غواص اقیانوس بی کران علوم و حکم کتاب الله الحکیم و مفسرین حقیقی و انحصاری آن، آل الله الکریم، آل طه و آل یاسین، حضرات محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین، قلم ایشان را که بارها با تمییز سوره از ناسره، گوهرهای ناب و معارف حقّه را استخراج نموده و پیش روی حقیقت جویان و غیر ایشان تبیین نمودند؛ و این بار مزین و مغتنم و ممت دار به ذکر صدیقه کبری، ولیة الله العظمی، حجة الله علی الحجج، أم الحسنین و المحسن، آیت الله العظمی "حضرت فاطمة الزهراء سلام الله علیهم"

می باشد، ستوده؛ با ضمیمه ساختن سلام، تحیات، اظهار ارادت و دعای خیر خویش بدان ثواب هدیه این مرقومه ارزشمند را از جانب نویسنده توانا و بنده حقیر و به نیابت از خانواده، بستگان، کلیه حق داران و اموات مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات، پیش کش خدمت آن بانوی کرام و پدر و همسر و فرزندان گرامش می نمایم و فرج و ظهور موفور السّرور منتقم ایشان را از درگاه خداوند متّان مسئلت داریم.

این جانب کمترین سهم در نشر معارف اهل البیت علیهم السّلام از عزیزان مطالعه کننده تقاضا مند است به منظور ترویج و اشاعه فرهنگ غنی این خاندان، پس از مطالعه، ایمان و یقین به محتوای دُرربار و کسب حداکثر فیوضات از آن، برادران و خواهران دینی و ایمانی خویش را هم به توفیق دست یابی به محاسن کلام این بزرگواران نائل آورند.

ص: 12

سخت ترین علم روز دنیا را «کیهان شناسی» نامیده اند تلفیقی از ریاضیات و فیزیک، زیست شناسی، زمین شناسی و شیمی، مکانیک و الکترونیک؛

قرآن کریم و اهل بیت اطهار علیهم السلام، 14 قرن پیش، زمانی که بشر از ماورای جو هیچ نمی دانست، درباره آغاز آفرینش، سیاه چاله ها، گسترش هستی، تب اخترها، بافت کیهان، گردش ماه و خورشید، ثبات هستی با وجود نیروهای گرانشی و... بسیاری حقایق سماوی دیگر سخن گفته اند و امروزه برخی پژوهش گران فقط به دنبال یافتن چنین مصداق هایی هستند، از کتاب و مقاله تا قطعه های ویدئویی و سخنرانی های صوتی، مصادیق بسیار ذکر شده است.

فروردین ماه امسال، 1398 شمسی، بزرگ ترین رخداد نجومی تاریخ ثبت شد و 200 دانشمند کیهان شناس، ستاره شناس، دانشمندان فیزیک اتمی، فیزیک کوانتوم، ریاضیات پیشرفته، دانشمندان زمین شناس و صنایع الکترومکانیکی، با مرتبط ساختن 8 رصدخانه در سراسر کره زمین، توانستند از سیاه چاله کهکشانی M87 که جرم آن 6/5 میلیارد برابر خورشید است و قطری به اندازه 40 میلیارد کیلومتر دارد، عکس برداری نمایند. آنان بسیار خرسند بودند که توانستند این رصد را به ثبت برسانند. اما به راستی چه خنده آور است که بشر، فقط به خاطر دیدن یک پدیده، این چنین

ذوق زده می شود، فقط برای دیدن یک سیاه چاله، این همه تلاش و صرف هزینه های گزاف... این است کسی که نام خود را «بشروهشمند» نهاده است...

و تمام علم بشر، تمام توان مندی او، با این همه ادعا، نگاه کردن به این عظمت الهی است. نگاه می کند و گمان دارد که شناخت دارد اما خودش هم می داند سراسر نادانی است، و مدام می پرسد و خود نیز می داند که هرچه به معلوماتش اضافه می شود، مجهولات برایش بیشتر می شوند.

اما، سخت ترین دانش، کیهان شناسی نیست، سخت ترین دانش، شناخت کسی است که این همه شگفتی را آفریده، کسی که قدرت تغییر آن را دارد، کسی که کلّ این شگفتی را به خوبی می شناسد و در قبضه قدرت اوست. یا نه، در دست اوست چگونه ها.

وقتی شقّ القمر را از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم دیدند، وقتی ستاره در خانه امیرالمؤمنین افتاد، وقتی خورشید بازگشت به اراده ولیّ خدا، وقتی سنگ ریزه ها تبدیل به طلا شد، وقتی درخت به سخن آمد، وقتی مرده زنده شد و به سخن گفتن نشست... بشر کجاست از این اعجاز، و چقدر حریص است که قدرت مند باشد...

و راستی که فاطمه، لیلۀ است، پوشیده است و در عین حال، کلّ هستی را نور بخشیده و همین است که قدرش ناشناخته است؛ که متعرض شناخت او نمی شوند و اگر کسی متعرض شود متهم خواهد بود، گویی نمی بیند و نمی خواهند دیگران نیز ببینند... و باز هم کجاست قدر و منزلت حجّة الله؟...

ما نیز چون دانشمندان علوم تجربی، می خوانیم و می شنویم... و نهایتاً تسلیم می شویم، فهم کجاست؟ کیست که زهرا را دریابد؟

مجموعه ای بی نظیر پیش رو دارید، قدر بدانید، تعدی نکنید، انکار نکنید که لطف الاله است و فرموده: «مَنْ شَئْنَا» قابل آن. خدایا ما را قابل مقرر فرما، بحق فاطمه علیها السلام.

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آية الله آقای شيخ حيدر تربتی کربلائی (مدّ ظلّه)

سلام عليكم لطفاً به پرسش زیر پاسخ بفرمایید:

آیا صدیقه طاهره فاطمه زهراء سلام الله عليها علاوه بر عصمت کبری، بر مخلوقات خداوند تعالی امامت و رهبریّت دارند یا خیر؟

ادله نفی یا اثبات این مطلب را بیان بفرمایید.

با تشکر ذی الحجّه 1436 رضا دهکائی

سخن نگارنده

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين.

و السلام عليكم وعلى المسلمين أنفسهم لمحمد وآل محمد صلوات الله عليهم أجمعين.

با استعانت از حضرات اسماء الله الحسنی تبارک و تعالی، محمد وآل محمد صلوات الله و سلامه عليهم، در صدد پاسخ از وحی تنزیلی،

و تأویلی طه و آل یاسین صلوات الله

ص: 15

علیهم به پرسش مذکور درباره حضرت آیه الله العظمی حجة الله علی الحجج فاطمة الزهراء سلام الله علیها برمی آیم زیرا از آن جا که معرفت اولیاء معصوم صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین صنع و ساخت الله تبارک و تعالی بوده و موهبتی است، و نه اکتسابی، پس به ناچار آن را از او درخواست نموده و به درگاهش عرض می کنیم:

«...اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (1).

... بارالها حجّتت را به من بشناسان، که اگر حجّتت را به من نشناسانی از دینم گمراه می گردم.

ضمن این که به غیر از جواب اجمالی به اصل این سؤال شریف که قبلاً در رساله دیگری ارائه شده، این کتاب جوابی متوسط است و در این کتاب قصد شرح نداریم، امید است با توفیق الهی در زمان دیگری به شرح آن پردازیم.

درباره شخصیت های عموم مردم می توان سخن گفت لکن از شخصیت بی نظیر حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها تنها کسانی می توانند بگویند که از سنخ ذات اویند، لذا برای این مهم از آیات قرآن کریم به تفسیر و تأویل حضرات محمّد و آل محمّد صلی الله علیهم استفاده می کنیم؛ و از نشانه های دالّ بر حجّت بودن امّ الأئمّة و امّ ابیها رسول الله، صدیقه طاهره صلوات الله علیهم خطبه های سرشار از حجّت ها و معارف بلند اوست، هم چنین دعاها و مصحف با عظمت آن حضرت که فرموده اند: سه برابر قرآن کریم است و...؛

و بنابر بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام، حضرت صدیقه طاهره مطهره فاطمة الزهراء سلام الله علیها نه تنها بسیاری از علامت های خاصّ ائمه معصومین علیهم السلام را دارند، بلکه والاتر از آن این که ایشان حجّت الله

ص: 16

1- الکافی: ج 1 ص 337 ح 5 و 342 ح 29 و الغیبة، النعمانی: ص 166 ح 6 و کمال الدین: ج 2 ص 343 ب 33 ح 24 و مصباح المتهجّد: ج 1 ص 412 و إعلام الوری: ص 432 فصل 2 و جمال الأسبوع: ص 521 و 522 و ...

این جانب برای آنان که طالب معرفت ایشان هستند، به قدر توان خود برخی از آیات و احادیث در این باره را در این کتاب گرد آورده ام، امید است سبب فزونی بصیرت ما به ساحت مقدس آن حضرت گردد.

این کتاب، گنجینه ای عظیم از برخی جواهرات آیات قرآنی و احادیث نورانی درباره بانویی است که چون خالقش و خاندان اطهرش بی همتاست، او که نوبت اشراقش بر زمینیان جز آغاز طلوعی بیش نبود، او که برای ملکوتیان اشراقی نمود و آسمان ها را برایشان روشن نمود، و برای سید الأوصیاء روزی سه بار تا قبل از کسوفش با دست ناپاکی اشراق می فرمود، و برای اهل مکه و مدینه نیز تا جایی که عانته گفت: از نور چهره حضرتش در شب تاریک، نخ در سوزن می کردیم...

این اثر را که امید دارم ذخیره ای برای روز تهی دستی ام باشد به ساحت آن حجة الله - که حتی دشمنش نیز اقرار به حجّت بودنش کرد اما افسوس که اکنون جاهلان پر ادعا، آن مقامش را انکار می کنند- و غنچه سوخته اش تقدیم می نمایم؛ و من باب «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»⁽¹⁾ سپاس شایسته تقدیم می دارم به سیدی از ذراری فاطمه زهرا سلام الله علیها که به همت ایشان و انفاق طیب مال، این کتاب به زیور طبع آراسته شد.

و از ساحت آن بانویی که بیتش یاذن الله تعالی از آغاز تا همیشه مرفوع است، خواستار شفاعتش برای این کمترین عبیدش و برای والدینم و خاصه والده ام هستم که چند ماهی است در غم فراقش جانم سوخته، او که سوختن برای زهرای مظلومه شهیده علیها السلام را به من آموخت و با اشک جان سوز خویش بر آن عزیز و جان رسول الله صلی الله علیه وآله، شیره جانش را به کامم ریخت... .

ص: 17

یکی از طرق اجازات این جانب به احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، در کتاب شریف زیارات ذبیح آل محمد العاشورائیه صلوات الله علیهم وسلم آورده شده و در این کتاب شریف، یکی دیگر از آن ها را تیمناً و تبرکاً می آوریم.

الصورة

□

ص: 18

سرآغاز حجّة الله تعريف و جاىگاه

اشاره

ص: 19

پیش از آغاز لازم است متذکر شوم که رسول الله صلی الله علیه وآله صاحب همه مقامات ولایت و امامت است، و مهبط و قرار همه تفصّلات الهی است، و آن چه را که به دیگران رسیده از فاضل اوست زیرا که ایشان اشرف الخلائق اجمعین هستند؛

نبی الله حجّت الله است در ایصال وحی حدوداً و نیز توضیح و تفسیر و تبیین وحی، ولیّ و وصیّ و امام حجّت الله است در تبیین و تفسیر و محافظت وحی بقاءً. ضمن این که قبول با معرفت ولایت اهل بیت اطهار و از آن ها فاطمة الزهراء سلام الله علیهم از اصول دین اسلام محمدی صلی الله علیه وآله است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأُنزِلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (1).

برهان های دالّ بر حجّة الله بودن حضرت زهرا علیها السلام بسیار است و آن چه در این کتاب آمده، اشارتاً و به منظور تسهیل در فهم مطالب، شماره گذاری شده است و قصد احصاء در کار نیست که «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (2).

لازم به ذکر است که برخی از برهان ها برای چندین عنوان قابل استفاده می باشد.

حجّة الله پیش از آفریدگان، همراه با آنان و پس از آفریدگان (محیط بر آفریدگان)

اولین مخلوق خدای سبحان، نور محمد و آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم بود که

ص: 21

1- سوره (4) النساء آیه 175.

2- سوره (16) النحل آیه 19.

حجج الله بر ما سوی الله بودند و همراه با خلق شدند و تا پس از خلق نیز برای ابلاغ پیام های الهی به آن ها باقی خواهند بود. آنان در همه عوالم بوده و خواهند بود، و خود فرمودند: «بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتِمُ»، در نتیجه تنها واسطه ابلاغ معارف اعتقادی و احکام شرعی و اخلاق به آفریدگان، ایشان هستند. امام به حق ناطق، جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام به دو صحابی جلیل و فقیه خود محمد بن مسلم و ابان بن تغلب رضی الله عنهما فرمود:

«الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ، وَ مَعَ الْخَلْقِ، وَ بَعْدَ الْخَلْقِ» (1).

حجّت (خداوند) قبل از (آفرینش) آفریدگان (بوده)، و همراه با آفریدگان است، و پس از آفریدگان (نیز حضور خواهد داشت).

بنابر صریح حدیث شریف، نخستین مخلوق در همه عوالم «حجّت الله» است، و در ظهور حیات دنیوی نیز نور حجج الله روی زمین در پیشانی آدم ابوالبشر علی نبینا و آله و علیه السلام همراه با او و همه انبیاء باطناً بودند که قرار زمین به وجود حجّت خداست و بنابر فرمایش اهل بیت علیهم السلام، آخرین شخص روی زمین نیز حجّت خدا خواهد بود.

و این امر، وجوه و حکمت های بسیاری دارد از جمله این که حجّت خداوند جز به امام معصوم تمام نمی گردد، و بر این معنا نیز روایات بسیاری از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم صلوات الله از طریق فریقین روایت شده است از جمله؛ از معصومین امام محمد باقر، جعفر صادق، موسی الکاظم و علی الرضا علیهم السلام روایت شده که فرموده اند:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَيٍّ (حَتَّى) يُعْرِفَ».

همانا حجّت خدای عزوجل بر آفریدگانش برپا نشود مگر به سبب و واسطه امامی زنده (تا) شناخته شود.

ص: 22

1- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلّى الله عليهم: ص 487 ب 11 ح 1- حدّثنا الهيثم التّهدّي، عن البرقي، عن خلف بن حمّاد، عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». والكافي: ج 1 ص 177 ح 4- محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن البرقي، -مانند البصائر-. و الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص 135 ب 35 ح 149- سعد، عن التّهدّي، -مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 4- قول الصادق جعفر بن محمد عليه السلام -مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 221 ب 22 ح 5- حدّثنا أبي و محمد بن الحسن رضي الله عنهما قالوا: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق التّهدّي، -مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 232 ب 22 ح 36 - حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميري قال: حدّثنا الحسن بن عليّ الزّيتوني، عن ابن هلال، عن خلف بن حمّاد، عن ابن مسكان، عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام -مانند البصائر-. و الإختصاص: ص 23- أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ». و الثّاقب في المناقب، ص 117 فصل 1- إنّ الله سبحانه و تعالى خلق آدم عليه السلام، و اصطفاه، و جعله بديع فطرته، و آية قدرته، بفضائل إعلاء لقدره و تنويعاً باسمه، و جعله حجّة قبل أن يحتجّ به عليه، كما روي عن الصادقين عليهما السلام: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». و الدرّ التّظيم في مناقب الأئمة اللّهميم: ص 256- و نصب الإمام من الواجبات لقوله تعالى: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» بدأ بالخليفة قبل الخليفة، و الحكيم العليم يبدأ بالأهمّ دون الأعمّ، و ذلك تصديق قول جعفر بن محمد عليهما السلام حيث يقول: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». و لو خلق الله تعالى الخليفة خلواً من الخليفة لكان قد عرضهم للتلف.

حدیث امام محمد باقر علیه السلام:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يَعْرِفُونَهُ (يُعْرَفُ)» (1).

همانا حجّتی برای خدای عزّوجل بر خلقش به پا نشود مگر به امامی زنده که او را بشناسند (معرفت کنند).

امام جعفر الصادق و امام موسی کاظم علیهما السلام فرمودند:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ» (2).

همانا حجّت خداوند بر خلقش به پا نشود مگر به (وسیله) امامی زنده که

شناخته شود.

امام جعفر الصادق و امام موسی کاظم و امام علی الرضا علیهم السلام فرمودند:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ» (3).

همانا حجّت خدا عزوجل بر خلقش به پا نشود مگر به امامی که شناخته شود.

و به همین جهت است که امام و حجّت الله، در عوالم مختلف قبل از خلق و همراه با خلق و پس از خلق حضور دارد، زیرا که دلیل و راهنمای خلق است، امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

امامت و حجّت الهی از زمان حضرت آدم بوده و هیچ زمانی نیست مگر این که امام و حجّتی باقیست که خداوند ایشان را حجّت های خود بر خلق قرار داده است (4).

اقامه حجّت خدا بر آفریدگان و تمامیت حجّت خدا، متوقف به وجود امام است، و آخرین کسی که می میرد، امام است تا کسی نتواند بر خداوند احتجاج کند که چرا مرا بدون حجّت قرار دادی (5). امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

ص: 23

1- قرب الإسناد: ص 348 ح 1260- أحمد بن محمد بن عیسی، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال: كتبت إلى الرضا عليه السلام: ... فكتب: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ... وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يَعْرِفُونَهُ ... وَ الْإِخْتِصَاصُ: ص 268- عن الرضا عليه السلام قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ.

2- الإختصاص: ص 268- عن أحمد بن عمر، عن أبي الحسن قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ. وَ الْإِخْتِصَاصُ: ص 269- عن داود الرقي، عن العبد الصالح عليه السلام قال: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ.

3- الكافي: ج 1 ص 177 ح 2- الحسين بن محمد، عن معلی بن محمد، عن الحسن بن عليّ الوشاء قال: سمعت الرضا عليه السلام

يقول: إنَّ أبا عبد الله عليه السَّلام قال: إنَّ الحُجَّةَ لا تُقوِّمُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ. والكافي: ج 1 ص 177 ح 1- محمد بن يحيى العطار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن الحسن بن محبوب، عن داود الرقي، عن العبد الصَّالح عليه السَّلام قال: إنَّ الحُجَّةَ لا تُقوِّمُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ. وبصائر الدرجات في فضائل آل محمد صَلَّى الله عليهم: ج 1 ص 486 ب 10 ح 13- حدَّثنا عبَّاد بن سليمان، عن سعد بن سعد، عن محمد بن عمار، عن أبي الحسن الرضا عليه السَّلام قال: إنَّ الحُجَّةَ لا تُقوِّمُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ. والكافي: ج 1 ص 177 ح 3- أحمد بن محمد، عن محمد بن الحسن، عن عبَّاد بن سليمان، ... - مانند البصائر-.

4- التوحيد: ص 158 ب 15 ح 4- بسنده المتَّصل القوي عن عيسى بن راشد، عن محمد بن علي بن الحسين عليهم السَّلام في قوله عزَّ وجلَّ: «كَمِشَّةٌ كَمَا فِيهَا مِصْبَاحٌ» قال: المِشْكَاةُ نُورُ العِلْمِ فِي صَدْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ» الرُّجَاةُ صَدْرُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلام، صارَ عِلْمُ النَّبِيِّ إِلَى صَدْرِ عَلِيِّ، «الرُّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» قال: نُورٌ، «لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ» قال: لَا يَهُودِيَّةَ وَلَا نَصْرَانِيَّةَ، «يَكَادُ رَيْثُهَا يُضِيءُ» وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارًا» قال: يَكَادُ العَالِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلامُ يَتَكَلَّمُ بِالْعِلْمِ قَبْلَ أَنْ يَسَّأَلَ، «نُورٌ عَلَى نُورٍ» يَعْنِي إِمَامًا مُؤَيَّدًا بِنُورِ العِلْمِ وَ الحِكْمَةِ فِي إِثْرِ إِمَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ذَلِكَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى أَنْ تُقوِّمَ السَّاعَةَ. فَهؤلاءِ الأوصياء الذين جعلهم الله خلفاء في أرضه، وَ حُجَّجَهُ عَلَى خَلْقِهِ، لا- تَخْلُو الأَرْضُ فِي كُلِّ عَصْرٍ مِنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ. از او: مناقب آل أبي طالب عليهم السَّلام: ج 1 ص 280 و الصراط المستقيم: ج 2 ص 42 فصل 3. تفسير مجمع البيان: ج 7 ص 226 از او: تأويل الآيات الظاهرة: ص 356.

5- الغيبة، النعماني: ص 140 ب 9 ح 3 از كليني مانند الكافي: ج 1 ص 180 ح 3- محمد بن يحيى، عمَّن ذكره، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن جعفر بن محمد، عن كرام قال: قال أبو عبد الله عليه السَّلام: لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ، لَكَانَ أَحَدُهُمَا الإِمَامَ. وَقَالَ: إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الإِمَامُ، لِئَلَّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ. و الإمامة والتبصرة من الحيرة: ص 30 ب 2 ح 13 - أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمد، عن الخشاب، عن جعفر بن محمد، عن كرام ... و علل الشرائع: ج 1 ص 196 ب 153 ح 6- حدَّثنا الحسين بن أحمد رحمه الله قال: حدَّثنا أحمد بن إدريس ...

«إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ لِئَلَّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِّلَّهِ عَلَيْهِ» (1).

به تحقیق آخرین کسی که (از خلق) می میرد امام است، تا هیچ کس بر خداوند عزوجل احتجاج نکند که او را بدون حجّتی از جانب خداوند، رها نموده است.

در همین رهگذر به سادگی می توان دریافت که امامت از اصلی ترین اصول دین است زیرا چنان چه بیان شد حجّت بر خلق اقامه نمی شود مگر به امامت امام حق.

و این امر تا بعد از خلق نیز جریان دارد که حکایت از ولایت در جزاء می کند: ولایت در تقسیم بهشت و جهنم، شفاعت و... زیرا «حجّة الله» در همه عوالم و در قوس صعود و نزول مؤثّر است به عبارت دیگر حضرات حجج الله انواع تصرّفات را باذن الله تعالی در جمیع عوالم، ظهور وجودی دارند؛

امام محمد باقر علیه السّلام فرمود:

وَاللّٰهِ، مَا تَرَكَ اللّٰهُ اَرْضًا مُّندُ قُبُضِ اٰدَمَ اِلَّا وَفِيهَا اِمَامٌ يُّهْتَدٰى بِهِ اِلَى اللّٰهِ وَهُوَ حُجَّتُهُ عَلٰى عِبَادِهِ، وَلَا تَبْقٰى الْاَرْضُ بِغَيْرِ اِمَامٍ، حُجَّةٌ لِلّٰهِ عَلٰى عِبَادِهِ» (2).

به خدا سوگند، از زمانی که جان حضرت آدم ستانده شد، خداوند هیچ سرزمینی را بدون وجود امامی که به وسیله او به سوی خداوند هدایت شود رها ننمود که او (یعنی امام) حجّت خداوند بر بندگانش می باشد، و زمین به غیر امام باقی نمی ماند، حجّتی از جانب خداوند بر بندگانش.

و امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

ص: 24

1- الکافی: ج 1 ص 180 ح 3- محمد بن یحیی، عمّن ذکره، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن جعفر بن محمد، عن كرام قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لو كان الناس رجُلين، لكان أحدهما الإمام. وقال: إن آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ، لِئَلَّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِّلَّهِ عَلَيْهِ. و الإمامة والتبصرة من الحيرة: ص 30 ح 13- أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمد، عن الخشاب، عن جعفر بن محمد، عن كرام، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ... أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ. والغيبة، النعماني: ص 160 ب 9 ح 3 از کلینی مانند الکافی. و علل الشرائع: ج 1 ص 196 ب 153 ح 6- حدّثنا الحسين بن أحمد رحمه الله قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمد، عن ابن الخشاب، عن جعفر بن محمد، عن كرام قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: -مانند الکافی-.

2- الغيبة، النعماني: ص 138 ب 8 ح 7 از کلینی مانند الکافی: ج 1 ص 178 ح 8- علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال: وَاللّٰهِ، مَا تَرَكَ اللّٰهُ اَرْضًا مُّندُ قُبُضِ (اللّٰهُ - النعماني والمختصر) اَدَمَ اِلَّا وَفِيهَا اِمَامٌ يُّهْتَدٰى بِهِ اِلَى اللّٰهِ وَهُوَ حُجَّتُهُ (حُجَّةٌ لِلّٰهِ - المختصر) عَلٰى عِبَادِهِ، وَلَا تَبْقٰى الْاَرْضُ بِغَيْرِ اِمَامٍ حُجَّةٌ لِلّٰهِ عَلٰى عِبَادِهِ. و مانند آن در: مختصر البصائر: ص 63 ح 30 - (سعد)، عنهما (يعقوب بن يزيد و إبراهيم بن هاشم)، عن محمد بن الفضيل، عن علي بن أبي حمزة الشمالي، عن أبي جعفر عليه السلام... الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص 29 ب 2 ح 10- وعنه (سعد بن عبد الله)، عن محمد بن عيسى،

عن رجل، عن أبي حمزة: عن أبي جعفر عليه السلام، قال: وَاللَّهِ، مَا تَرَكَ اللَّهُ أَرْضاً مُنْذُ قَبِضَ اللَّهُ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، وَهُوَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ (إِمَامٍ)، حُجَّةٌ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ. از الإمامة: علل الشرائع: ج 1 ص 197 ب 153 ح 11 - أبي رحمه الله ومانند المحاسن: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص 205- وبهذا الإسناد (أبي ره قال: حدّثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي قال: حدّثني عبد العظيم بن عبد الله)، عن أحمد بن أبي المعزى، عن ذريح وعلل الشرائع: ج 1 ص 197 ب 13153- أبي رحمه الله قال: الإمامة والتبصرة من الحيرة: ص 31 ب 2 ح 15- وعنه (عبد الله بن جعفر الحميري)، عن إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن حفص، عن عيشم بن أسلم، عن ذريح المحاربي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: وَاللَّهِ، مَا تَرَكَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ - الكمال) الْأَرْضَ (فَطَّ - الكمال) مُنْذُ قَبِضَ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ - العلل و الكمال)، وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ - العلل) عَلَى الْعِبَادِ، وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةٌ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ. مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى (عَزَّوَجَلَّ - العلل و الكمال). ومانند آن: كمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 230 ب 22 ح 28- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر قال: حدّثنا إبراهيم بن هاشم، عن أبي جعفر، عن عثمان بن أسلم، عن ذريح و حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر، عن محمد بن عيسى، عن جعفر بن بشير و صفوان بن يحيى جميعاً، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله سواء. و كمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 220 ب 22 ح 3- حدّثنا أبي و محمد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن أبي الحسن الأول يعني موسى بن جعفر عليهما السلام قال: مَا تَرَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ فَطَّ مُنْذُ قَبِضَ آدَمَ، يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ ضَلَّ، وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. وأعلام الدين: ص 400 قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَلْفَ سَنَةٍ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ وَلَا يَتَنَا لِأَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْحَرِيهِ فِي النَّارِ، وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبِضَ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ حُجَّةٌ عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا.

«مِنَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ» (1).

امامی که فرمان برداری از او واجب است از ما اهل بیت است، هر کس او را انکار نماید یهودی یا نصرانی می میرد (مسلمان از دنیا نمی رود بلکه کافر خواهد مُرد)، به خدا سوگند که خداوند زمین را از آن گاه که آدم را قبض روح نمود، وانگذاشته مگر این که در آن امامی که به وسیله او به سوی خداوند هدایت شود، قرار داده است.

واین سه مقام آنان، بر علم آنان و مقام شاهد و صانع بودنشان و اعمال ولایت و سیطره آنان بر خلق دلالت دارد... فافهم جیداً.

قطع حجت و برهان دین در صورت نبودن حجة الله

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... اللَّهُمَّ ... وَلَا تُخَلِّ الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مِنْهُمْ بِحُجَّتِكَ، ظَاهِرًا أَوْ خَافِيًا مَغْمُورًا، لِيُنَالَا يَبْطُلَ دِينُكَ وَحُجَّتُكَ وَبُرْهَانُكَ وَبَيِّنَاتُكَ، ...» (2).

... بارالها! ... و زمین را از قیام کننده ای به حجت خویش از آن ها (یعنی امامان معصوم) خالی نگذاری، آشکار باشد یا پنهان و غیر مشهور، تا دین و حجت و برهان و بیّنات تو باطل نگردند ...

هم چنین رسول الله صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَبِيدُ وَلَا يَنْقَطِعُ، وَأَنْكَ لَا تُخَلِّي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ؛ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ، كَيْلًا»

ص: 25

1- الأصول السّنة عشر (دار الشبستري): ص 89 و دار الحديث: ص 266 ح 54/381 - (كتاب محمد بن المثنى بن القسم الحضرمي) رواية هارون بن موسى التلعكبري، عن أبي علي محمد بن همام بن سهل الكاتب: بسم الله الرحمن الرحيم حدثنا الشيخ أبو محمد هارون بن موسى بن أحمد التلعكبري أيده الله قال: حدثنا محمد بن همام قال: حدثنا حميد بن زياد الدهقان قال: حدثنا أبو جعفر أحمد بن زيد بن جعفر الأزدي البرزقي قال: حدثنا محمد بن المثنى بن القسم الحضرمي قال: حدثنا جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي، عن ذريح المحاربي): جعفر، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنا عنده فقال: **إِحْتَجَّ (يَحْتَجُّ - دار الحديث) عَلَيْهِمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَأَنُ قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ مِنَّا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِنَّ مِنَّا حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ، وَإِنَّ مِنَّا الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ الطَّاعَةَ، مَنْ أَنْكَرَهُ مَاتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا، وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا. ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ قَطُّ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا مَنْ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ إِلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ. وَالْمَحَاسِنُ: ج 1 ص 92 ب 17 ح 45 - عن إسماعيل بن مهران، عن رجل، عن أبي المغراء، عن ذريح، عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: **مِنَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ (مَا تَرَكَ الْأَرْضَ - العقاب) مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ - العقاب) آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، حُجَّةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ.****

2- كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 262 ب 24 ح 8 - حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق رضي الله عنه قال: أخبرنا أحمد بن محمد

الهمداني قال: حدّثنا محمّد بن هشام قال: حدّثنا عليّ بن الحسن السائح قال: سمعت الحسن بن عليّ العسكري يقول: حدّثني أبي، عن أبيه، عن جدّه عليهم السّلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ! لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَا دَتْهُ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مَنْ خَبَثَتْ وَلَا دَتْهُ، وَلَا يُؤَالِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ... مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ (الْأَيْمَةَ) فَقَدْ أَنْكَرَنِي، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَنِي، وَمَنْ جَحَدَنِي فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، لِأَنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَتِي، وَطَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ، وَمَعْصِيَتَهُمْ مَعْصِيَتِي، وَمَعْصِيَتِي مَعْصِيَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ... اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَى خُلَفَائِي وَأَيْمَةَ أُمَّتِي بَعْدِي، وَعَادِ مَنْ عَادَهُمْ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَ رَهْمًا، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَلَا تُخْلِ الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مِنْهُمْ بِحُجَّتِكَ ظَاهِرًا، أَوْ خَافِيًا مَغْمُورًا، لِنَلَا يَبْطُلَ دِينُكَ وَحُجَّتُكَ وَبُرْهَانُكَ وَبَيِّنَاتُكَ ...

تَبْطُلُ حُجَّتَكَ، وَلَا تَضِلُّ أَوْلِيَاءَكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ» (1).

خدایا، به راستی که می دانم علم نابود نشود و منقطع نگردد و تو زمین را از حجتی بر خلق خالی نکنی، خواه آشکار باشد و فرمانش نبرند، یا بیمناک و پنهان باشد، برای این که حجت های تو باطل نشود، و اولیاء خود را پس از آن که هدایتشان فرمودی، گمراه نکنی ...

بنابراین خالی ماندن زمین از حجت، سبب قطع حجت و برهان و دلایل روشن گر خداوند و بطلان دین است. در روایت سلمان محمدی رضی الله عنه از امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث طولانی خطاب به جاثلیق نیز چنین آمده است:

«... اللَّهُمَّ لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ بَاطِنًا مَسْتُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ، وَيَكُونَ نِحْلَةً لِمَنْ اتَّبَعَهُ وَاقْتَدَى بِهِ، ...» (2).

... بارالها! جز این نیست که زمین از قیام کننده به حجت (خداوند) خالی نمی ماند، یا به صورت آشکار و شناخته شده، یا پنهان و پوشیده شده، تا حجت های خدا و دلایل روشن گر او باطل نگردد، و او برای پیروانش و کسانی که به وی اقتدا می کنند، پیشوایی باشد ...

و در بسیاری از کتاب های شیعه امامیه به سندهایی (3) و در کتاب های مخالفین (4) به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام، فرمایش حضرت به صحابی جلیل و شهیدشان کمیل بن زیاد نخعی رضی الله عنه آمده است که فرمودند:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا

ص: 26

1- كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر: ص 162- حدّثني علي بن الحسين بن محمد قال: حدّثنا عتبة بن عبد الله الحمصي بمكة قراءة عليه سنة ثمانين وثلاثمائة قال: حدّثنا موسى القططاني قال: حدّثنا أحمد بن يوسف قال: حدّثنا حسين بن زيد بن علي قال: حدّثنا عبد الله بن حسين بن حسن، عن أبيه، عن الحسن عليه السلام قال: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا فَقَالَ بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! كَمَا نِيَّيْتُ أَنْ أُدْعَى فَأَجِيبْ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ، وَلَا تَعَلَّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يَخْلُو الْأَرْضَ مِنْهُمْ، وَلَوْ خَلَّتْ إِذْنُ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَبِيدُ وَلَا يَنْقَطِعُ، وَأَنْكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ؛ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ، أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ، كَيْ لَا تَبْطُلَ حُجَّتَكَ، وَلَا تَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ، ... و الكافي: ج 1 ص 178 ح 7- علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أسامة وعلي بن إبراهيم، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أسامة و هشام بن سالم، عن أبي حمزة، عن أبي إسحاق، عمّن يثق به من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام قال: اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ. و الكافي: ج 1 ص 335 ح 3- علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن ابن محبوب، عن أبي أسامة، عن هشام، و محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم؛ عن أبي حمزة، عن أبي إسحاق قال: حدّثني الثّقة من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام: أنّهم سمعوا أمير المؤمنين عليه السلام يقول في خطبة له: ... اللَّهُمَّ وَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَارِرُ كُفْلُهُ، وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ، وَأَنْكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ؛ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ، أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ، كَيْلَا تَبْطُلَ حُجَّتَكَ وَلَا يَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، ...

2- إرشاد القلوب إلى الصواب: ج 2 ص 314 - بحذف الإسناد مرفوعاً إلى سلمان الفارسي رضي الله عنه (في حديث طويل) قال: ... قال أمير المؤمنين عليه السلام:.

- 3- تفسير القمّي: ج 1 ص 359 و الغارات: ج 1 ص 89 و چاپ جدید: ج 1 ص 153 و الغيبة، النعماني: ص 25 والغيبة، النعماني: ص 136 ب 8 ح 1 و شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام: ج 2 ص 370 ح 732 و الخصال: ج 1 ص 187 ح 257 و كمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 291 - 29 - 4 ب 26 ح 2 و علل الشرائع: ج 1 ص 195 ب 153 ح 2 و نهج البلاغة: ص 495 حكمت 147/143 و خصائص الأئمة عليهم السلام، الشريف الرضي: ص 106 والإرشاد في معرفة حجج الله على العباد: ج 1 ص 228 و نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 57 ح 40 و الأمالي، الشيخ المفيد: ص 247 ح 3 و الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 21 مجلس 1 ح 23 و عيون الحكم و المواعظ: ص 541 فصل 2 ح 10037 و غرر الحكم و درر الكلم: ص 786 ح 384 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 1 ص 245 و عوالي اللئالي العزيزية: ج 4 ص 127 ح 216 و كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام: ص 74 و
- 4- تاريخ يعقوبي و فرائد السمطين و ينابيع المودة و

بار الاها! بله چنین است که زمین از برپادارنده حجت (الهی) برای خدا خالی نشود، یا آشکار و شناخته شده، یا ترسان و ناشناس، تا حجت های الهی و نشانه های روشن گر او نابود نگردد.

و به روایتی دیگر، مولا امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل چنین فرموده باشند:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ، وَيُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ، وَلَا يَصِلُ أَتْبَاعُ أَوْلِيَائِكَ وَشَيْعَتُهُمْ، بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ إِلَى إِمَامٍ ظَاهِرٍ مَشْهُودٍ لَيْسَ بِمُطَاعٍ، وَمُكْتَمِنٍ خَائِفٍ مَغْمُورٍ يَتَرَقَّبُ، أَوْ غَائِبٍ عَنِ النَّاسِ فِي حَالِ غَيْبَتِهِ، لَمْ يَغِبْ عَنْهُمْ أَمْرُهُ وَنَهْيُهُ، وَمُتُوبَةٌ عِلْمِهِ، فَأَيَّاتُهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ» (2).

بار الاها! چنین است که زمین از کسی که بر بندگان خدا به حجت الهی قیام کند خالی نشود، که آنان را به دین تورهنمایی کند، و علم تورا به آنان می آموزد، تا حجت تو نابود نگردد، و پیروان اولیاء تو و شیعیان آنان گمراه نشوند، پس از آن که آنان را هدایت نمودی به وسیله پیشوایی آشکار و دیده شده که فرمایش برده نشود، یا پوشیده ترسان ناشناسی که دیده دوخته است، یا از مردم در حال غیبت خویش، غایب است، امر و نهی وی و پاداش علم و کار او هرگز از میان مردم نمی رود، بنابراین نشانه های او در دل های مؤمنان ثابت شده و آنان بدان در عمل ملتزم هستند.

ص: 27

1- یا کُمَيْلَ بْنَ زَيْدَا! ... اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. اللَّهُمَّ بَلَى وَلَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَامًا ظَاهِرًا مَعْلُومًا، وَإِمَامًا خَائِفًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَامًا ظَاهِرًا مَعْلُومًا، أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُكَ وَبَيِّنَاتِكَ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ (إِمَامٍ) قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا (مَشْهُودًا)، أَوْ (وَإِمَامًا) خَائِفًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّتِهِ، ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ مُسْتَتِرًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ (إِمَامٍ) قَائِمٍ بِحُجَّتِهِ، إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّتِهِ (بِحُجَّتِهِ)، إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ بَاطِنًا مَغْمُورًا، لَيْلًا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ.

2- الهداية الكبرى: ص 362 ب 14 - عن الحسن بن محمد بن جمهور، عن علي بن إسماعيل، وعن هارون بن مسلم بن سعدان، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام، في خطبة له مع كميل بن زياد:

تسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام پس از نماز مخصوصه حضرتش و پس از زیارت امیرالمؤمنین و سیدالشهداء علیهما السلام

«سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ (مَنْ لَيْسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ)، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا وَ (سُبْحَانَ مَنْ يَرَى) وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ» (1)

ص: 28

1- كامل الزيارات: ص 214 ب 9 ح 10- حدّثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن أبي سعيد المدائني قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت: جعلت فداك أتى قبر الحسين عليه السلام؟ قال: نعم يا با سعيدي أنت قبر الحسين عليه السلام أطيب الطيبين وأظهر الظاهرين وأبر الأبرار وإذا زرته يا با سعيدي فسبح عنده رأسه تسبيح أمير المؤمنين عليه السلام ألف مرة وسبح عنده رجله تسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام ألف مرة ثم صل عنده ركعتين تقرأ فيهما يس والرحمن فإذا فعلت ذلك كتب الله لك ثواب ذلك إن شاء الله تعالى. قال: قلت في فداك علمني تسبيح علي وفاطمة عليها السلام قال: نعم يا با سعيدي، تسبيح علي عليه السلام سبحان الذي لا تنفذ خزائنه سبحان الذي لا يتبد معالمة سبحان الذي لا يقنى ما عنده سبحان الذي لا يشرك أحداً في حكمه سبحان الذي لا إله محلال لفخره سبحان الذي لا انقطاع لمدته سبحان الذي لا إله غيره. وتسبيح فاطمة عليها السلام سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان ذي العز الشامخ المتنيف سبحان ذي الملك الفاجر القديم سبحان ذي البهجة والجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى أثر النمل في الصفا وقع الطير في الهواء. وإذا أردت أن تودعه فقل: السلام عليك ورحمة الله وبركاته أسئد دعك الله وأسترعيك وأقرأ عليك السلام آمناً بالله وبالرسول وبما حنت به وذلك عليه فاكثبنا مع الشاهدين أسئد هدي في مماتي على ما شئت هديت عليه في حياتي أسئد هدي أنكم الأئمة واحد بعد واحد وأسئد هدي أن من قتلكم وحاربكم مشركون ومن ردّ عليكم في أسفل دركي من الجحيم وأسئد هدي أن من حاربكم لنا أعداء ونحن منهم برآء وأنهم حزب الشيطان اللهم إني أسألك بعد الصلاة والتسليم أن تصلي علي محمد وآل محمد وتسميهم عليهم السلام - ولا تجعله آخر العهد من زيارته فإن جعلته فاحش ربي مع هؤلاء الأئمة المسامين. اللهم وثبت قلوبنا بالطاعة والمناصحة والمحبة وحسن الموازنة والتسليم. وتسبيح تسبيح الزهراء فاطمة عليها السلام وهو: سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم، سبحان ذي العز الشامخ المتنيف، سبحان ذي الملك الفاجر القديم، سبحان ذي البهجة والجمال، سبحان من يرى أثر النمل في الصفا وقع الطير في الهواء. وفي مصباح المتهجد: ص 301 صلاة الطاهرة فاطمة عليها السلام - هما ركعتان تقرأ في الأولى الحمد ومائة مرة إنّا أنزلناه في ليلة القدر، وفي الثانية الحمد ومائة مرة قل هو الله أحد، فإذا سلّمت سبّحت تسبيح الزهراء عليها السلام ثم تقول: سبحان ذي العز الشامخ المتنيف، سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم، سبحان ذي الملك الفاجر القديم، سبحان من ليس البهجة والجمال، سبحان من تردى بالنور والوقار، سبحان من يرى أثر النمل في الصفا، سبحان من يرى وقع الطير في الهواء. وفي مصباح المتهجد: ص 671 ذو الحجة... ويستحب أن تصلي فيه صلاة فاطمة عليها السلام، وروي أنها أربع ركعات مثل صلاة أمير المؤمنين عليه السلام كل ركعة بالحمد مرة وخمسين مرة قل هو الله أحد ويسبح عقيبتها بتسبيح الزهراء عليها السلام ويقول: سبحان ذي العز الشامخ المتنيف، سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم، سبحان ذي الملك الفاجر القديم، سبحان من يرى أثر النملة في الصفا، سبحان من يرى وقع الطير في الهواء، سبحان من هو هكذا لا هكذا غيره. والإقبال بالأعمال الحسنة: ج 2 ص 44 الفصل 6 - فيما ذكره من فضل أول يوم من ذي الحجة... عن الشيخ الطوسي... وجمال الأسبوع: ص 263 الفصل 29- أربع صلوات لمولاتنا فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله في يوم الجمعة - حدّث محمد بن هارون التلعكبري قال: أخبرنا محمد بن قشير قال: حدّثنا علي بن حبشي قال: حدّثنا العباس بن محمد بن

الحسين قال: حدثنا أبي، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كانت لأمي فاطمة عليها السلام ركعتان تصدليهما علمها جبرئيل عليه السلام فإذا سلمت سبحت التسبيح وهو: سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من لبس البهجة والجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى أثر النمل في الصفا سبحان من يرى وقع الطير في الهواء سبحان من هو هكذا ولا هكذا غيره.

بخش يكم علّت خلق الخلق

اشاره

ص: 29

امام علی بن موسی علیه السلام در حدیثی در جواب به اباصلت هروی فرمودند:

... الله تعالی به آدم امر فرمودند تا به ساق عرش نظر کند، دید بر آن نوشته شده:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَزَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

عرض کرد: پروردگارا! اینان کیانند؟ فرمود:

«هُؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِي، وَلَوْ لَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ، وَلَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ، ...» (1).

اینان فرزندان توهستند، و آنان از تو و همه آفریدگانم بهتر هستند، و اگر (غایت از آفریدن) اینان نبودند، تو را نمی آفریدم، و بهشت و آتش و آسمان و زمینی را نمی آفریدم. ...

چنان چه آشکار است این حدیث شریف حاوی چندین برهان بوده که اشارتاً برخی از آن ها ذکر می شود:

اهل بیت علیهم السلام، از همه آفریدگان، از آدم خلیفه الله تا سایرین، جوهراً برتر

ص: 31

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 307 ب 28 ح 67 و معانی الأخبار: ص 124 ح 1- حدیثنا عبد الواحد بن محمد بن عبدوس التیسابوری العطار رضی الله عنه قال: حدیثنا علی بن محمد بن قتیبة، عن حمدان بن سلیمان، عن عبد السلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا علیه السلام: یا ابن رسول الله! أخبرنی عن الشجرة التي أكل منها آدم وحواء ما كانت فقد اختلف الناس فيها، فمنهم من یروی أنها الحنطة ومنهم من یروی أنها العنب ومنهم من یروی أنها شجرة الحسد؟ فقال علیه السلام: كل ذلك حق. قلت: فما معنى هذه الوجوه على اختلافها؟ فقال: یا ابا الصلت إن شجرة الجنة تحمل أنواعاً فكانت شجرة الحنطة وفيها عنب وليست كشجرة الدنيا وإن آدم عليه السلام لما أكرمه الله تعالى ذكره بإسجد ملائكتيه له وبادخاله الجنة قال في نفسه: هل خلق الله بشراً أفضل مني؟ فعلم الله عز وجل ما وقع في نفسه فنأذاه: ارفع رأسك يا آدم فانظر إلى ساق العرش، فرفع آدم رأسه فنظر إلى ساق العرش فوجد عليه مكتوباً: لا إله إلا الله، محمد رسول الله صلى الله عليه وآله، وعلی بن ابی طالب امیر المؤمنین، وزوجته فاطمة سيدة نساء العالمین، والحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة. فقال آدم عليه السلام یا رب! من هؤلاء؟ فقال عز وجل: من ذریبتك، وهم خیر منک و من جمیع خلقی، ولولاهم ما خلقتك ولا خلقت الجنة والنار ولا السماء والأرض، فإياك أن تنظر إليهم بعين الحسد فأخرجك عن جوارى، فنظر إليهم بعين الحسد، وتمنى منزلتهم فتمس لطم الشيطان عليه حتى أكل من الشجرة التي نهى عنها، وتسلط على حواء لنظرها إلى فاطمة عليها السلام بعين الحسد، حتى أكلت من الشجرة كما أكل آدم، فأخرجهما الله عز وجل عن جنته وأهبطهما عن جواره إلى الأرض.

هستند. علت آفرینش آفریدگان و نیز بهشت و دوزخ می باشند یعنی جزا بر مدار آنان است و

در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام است که الله جلّ جلاله درباره نام اهل بیت علیهم السلام که به نور جلال الهی بر ساق عرش نوشته شده بود به آدم علیه السلام فرمود:

«... لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ، هُوَ لَأَنَّ خَزَنَةَ عِلْمِي، وَأَمْنَائِي عَلَى سِرِّي...» (1)

... اگر به خاطر اینان نبود شما دو تن را نمی آفریدم، اینان گنج داران علم من، و امینان رازهای من هستند،

علت آفرینش، کسی است که ظرف قابل خزانه داری علم الهی باشد، قابلیت امانت داری اسرار حق تعالی داشته باشد، هدایت تمام و کمال را دریابد، عبادت تمام و کمال را انجام دهد و ابلاغ تمام و کمال از جانب الله تعالی به عمل آورد و این کسی نیست جز حجة الله، فتدبر... .

ص: 32

1- معانی الأخبار: ص 108 ح 1- حدّثنا أحمد بن محمد بن الهيثم العجلي رضي الله عنه قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن يحيى بن زكريا القطان قال: حدّثنا أبو محمد بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدّثنا تميم بن بهلول، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن المفصل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفَنَى عَامٍ فَجَعَلَ أَعْلَاهَا وَأَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَعَشِيهَا نُورُهُمْ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْسَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ: هُوَ لَأَنَّ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُبَّجِي عَلَى خَلْقِي وَ أَيْمَةَ بَرِيَّتِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ وَ لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي فَمَنْ ادَّعَى مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فِي أَسْفَلِ دَرَكِ نَارِي وَ مَنْ أَقْرَبُوا بَوْلًا يَتِيمَهُمْ وَ لَمْ يَدَّعِ مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَكَانَهُمْ مِنْ عَظْمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي رَوْضَاتِ جَنَّتِي وَ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ عَذِي وَ أَبْحَثُهُمْ كَرَامَتِي وَ أَحَلَلْتُهُمْ جِوَارِي وَ شَدَّ فَعْنَتَهُمْ فِي الْمُدْنِيِّينَ مِنْ عِبَادِي وَ إِمَائِي فَوَلَّاهُمْ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِي فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَ يَدَّعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَتِي؟ فَأَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشَدَّ فَعْنَ مِنْ ادِّعَاءِ مَنْزِلَتِهَا وَ تَمَنَّى مَحَلَّهَا مِنْ عَظْمَةِ رَبِّهَا فَلَمَّا أَسَدَّ كَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ الْجَنَّةَ قَالَ لَهُمَا كَلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ يَعْنِي شَجَرَةَ الْحِنْطَةِ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَنَظَرَ إِلَى مَنْزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَوَجَدَهَا أَشْرَفَ مَنَازِلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ: يَا رَبَّنَا! لِمَنْ هَذِهِ الْمَنْزِلَةُ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَزْفَعًا زُؤُسَكُمَا إِلَى سَاقِ عَرْشِي فَرَفَعَا زُؤُسَهُمَا فَوَجَدَا اسْمَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِنُورٍ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: يَا رَبَّنَا مَا أَكْرَمَ أَهْلَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةِ عَلَيْكَ وَ مَا أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَ مَا أَشَدَّ رَفَهُمْ لَدَيْكَ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ هُوَ لَأَنَّ خَزَنَةَ عِلْمِي وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي إِيَّاكُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنَّى مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كَرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْيِي وَ عِصْيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ قَالَ: رَبَّنَا وَ مِنَ الظَّالِمُونَ؟ قَالَ الْمُدَّعُونَ لِمَنْزِلَتِهِمْ بَعِيرٍ حَقٌّ. قَالَ: رَبَّنَا فَأَرْنَا مَنَازِلَ ظَالِمِيهِمْ فِي نَارِكَ حَتَّى تَرَاهَا كَمَا رَأَيْتَا مَنْزِلَتَهُمْ فِي جَنَّتِكَ، فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى النَّارَ فَأَبْرَزَتْ جَمِيعَ مَا فِيهَا مِنَ الْوَانِ النَّكَالِ وَ الْعَذَابِ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مَكَانُ الظَّالِمِينَ لَهُمُ الْمُدَّعِينَ لِمَنْزِلَتِهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكِ مِنْهَا كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَ كُلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلُوا سِوَاهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ، يَا آدَمُ! يَا حَوَاءُ! لَا تَنْظُرَا إِلَى أَنْوَارِي وَ حُبَّجِي بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَهَبِطْكُمَا عَنْ جِوَارِي وَ أَحِلَّ بِكُمْ هَوَانِي فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيَبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِيهِمَا وَ قَالَ مَا نَهَاكُمْ رَبُّكُمْ عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي

لَكُمْ لَمِنَ النَّاصِحِينَ. فَذَلَا هُمَا بِغُرُورٍ وَ حَمَلَهُمَا عَلَى تَمَنَّى مَنَزَلَتِهِمْ فَنَظَرَا إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَخَذَلَا حَتَّى أَكَلَا مِنْ شَجَرَةِ الْحِنْطَةِ فَعَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَا شَدَّ عَيْرًا فَأَصْلُ الْحِنْطَةِ كُلُّهَا مِمَّا لَمْ يَأْكُلَاهُ وَأَصْلُ الشَّعِيرِ كُلُّهُ مِمَّا عَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَاهُ فَلَمَّا أَكَلَا مِنَ الشَّجَرَةِ طَارَ الْحُلِيُّ وَالْحُلُّ عَنْ أَجْسَادِهِمَا وَ بَقِيََا عُرْيَانَيْنِ وَ طَفِقَا يَخْصِمَانِ عَلَيَّهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تَلْكُمَا الشَّجَرَةَ وَ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؟ فَ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَ إِن لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، قَالَ: اهْبِطَا مِنْ جَوَارِي فَلَآ يُجَاوِرُنِي فِي جَنَّتِي مَنْ يَعَصِيَنِي فَهَبَطَا مُوَكَّلَيْنِ إِلَى أَنفُسِهِمَا فِي طَلَبِ الْمَعَاشِ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّهِمَا جَاءَهُمَا جِبْرَائِيلُ فَقَالَ لَهُمَا إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمَا أَنفُسَكُمْ بِتَمَنَّى مَنَزَلَةٍ مِنْ فَضْلِ عَلَيَّكُمْ فَجَزَاؤُكُمْ مَا قَدْ عُوِّقْتُمَا بِهِ مِنَ الْهُبُوطِ مِنْ جَوَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى أَرْضِهِ فَاسْأَلَا رَبَّكُمَا بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ الَّتِي رَأَيْتُمُوهَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ حَتَّى يَتُوبَ عَلَيَّكُمْ فَقَالَا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَكْرَمِينَ عَلَيَّكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ إِلَّا نُبِتَ عَلَيْنَا وَ رَحِمْتَنَا فَتَابَ اللَّهُ عَلَيَّهِمَا إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، فَلَمْ تَزَلْ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ يَحْفَظُونَ هَذِهِ الْأَمَانَةَ وَ يُخْبِرُونَ بِهَا أَوْصِيَاءَهُمْ وَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ أُمَّهَاتِهِمْ فِيَابُونَ حَمَلَهَا وَ يُشْفِقُونَ مِنْ ادْعَائِهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الَّذِي قَدْ عَرِفَ، فَأَصْلُ كُلِّ ظُلْمٍ مِنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَلَيَّنَّ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. از او: بحار الأنوار: ج 11 ص 172 ب 3 ح 19 و ج 26 ص 320 ب 7 ح 2 و ج 85 ص 136 ب 43 ح 11.

بخش دوم فاطمة حجّة الله قبل الخلق

اشاره

ص: 33

برهان 2- آفرینش نور فاطمه، پیش از آفرینش هستی

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

«خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ».(1)

نور فاطمه علیها السلام پیش از آفرینش زمین و آسمان خلق شد. خدای تبارک و تعالی، براساس علم خود که از پیش می داند اینان چون به عرصه وجود پا می گذارند، عارف بالله و مطیع امرالله خواهند بود، آنان را جوهرراً ارتقاع داده و همین سبقت آفرینش نور ایشان بر هستی، نشان آشکار بر حجیت ایشان است که او افضل و اشرف واعلی، را اقدم مقرر نموده است.

برهان 3- فاطمة نورالله: سیطره فاطمی در اقامه حجت الهی

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

«... مَثَلْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ مَثَلُ الْمِسْكَةِ، وَالْمِسْكَةُ فِي الْقَدِيدِ نَوْرٌ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ، وَمَنْ أَحَبَّنَا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَهُ نَبِيًّا بُرْهَانُهُ، ثَابِتَةٌ حُجَّتُهُ، فَحَنْجُ النَّجَبَاءِ، وَنَحْنُ النُّورُ وَالصَّبِيَاءُ، وَنَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَوْلَادِ الْأَوْصِيَاءِ وَبَقِيَّةِ الْأَوْصِيَاءِ، وَشَيْعَتِنَا السُّعْدَاءُ وَالشُّهَدَاءُ، وَهَذَا كَلَامٌ فِيهِ الشُّفَاءُ».(2)

ص: 35

1- ر.ک پی نوشت شماره 49.

2- مشارق أنوار اليقين: ص 71.

مَثَل ما در کتاب خداوند، مثل چراغ دان است، و چراغ دانِ درون چراغ، نور حضرت علی و حضرت فاطمه است، خداوند برای نورش آن کس را که بخواهد هدایت کند، و هرکس ما (اهل بیت) را دوست بدارد سزاوار است که خداوند او را در حالی برانگیزد که برهانش روشنی بخش، و حجتش استوار است. «نجماء» ما اهل بیت هستیم، نور و روشنایی ما هستیم، و ما هستیم پیشی گیرندگان بر پیامبران (یا فرزندان پیامبران) و فرزندان جانشینان پیامبران و بازمانده جانشینان پیامبران، و شیعیان ما سعادت مندان و شهداء هستند، و این سخنی است که شفا در آن است.

رسول الله صَلَّى الله عليه وآله فرمود:

«... وَفَتَقَ نُورَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، فَخَلَقَ مِنْهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، فَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، وَنُورُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَفَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،...».

... و نور دخترم فاطمه را شکافت، و از او نور آسمان ها و زمین را آفرید، پس نور آسمان ها و زمین از نور دخترم فاطمه است، و نور فاطمه از نور الله است، و فاطمه برتر از آسمان ها و زمین است... .

و پس از اشراق نور فاطمه علیها السلام بر آسمان ها و زمین ، ذات احدیت جلّ جلاله به ملائکه فرمود:

«هَذَا نُورُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، فَلِذَلِكَ سَمَّيْتُ أُمَّتِي الزَّهْرَاءَ، لِأَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْ نُورِهَا ظَهَرَتْ، وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيِّ، وَ زَوْجُهُ وَصِيِّي، وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي، أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي! أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيسِكُمْ لِهَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ شَيْعَتِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».(1)

این نور بنده ام فاطمة الزهراء است، بدین جهت زهراء (نورافشان) نامیده شد،

ص: 39

1- بحار الأنوار، ج 25 ص 17 ب 1 ح 30 - من كتاب رياض الجنان، لفضل الله بن محمود الفارسي: بحذف الأسانيد عن أنس بن مالك قال: بينا رسول الله صَلَّى الله عليه وآله صَلَّى صلاة الفجر ثم استوى في محرابه كالبدن في تمامه فقلنا: يا رسول الله! إن رأيت أن تفسر لنا هذه الآية قوله تعالى: «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ»، فقال النَّبِيُّ صَلَّى الله عليه وآله: أَمَّا النَّبِيُّونَ فَأَنَا، وَأَمَّا الصِّدِّيقُونَ فَأَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَأَمَّا الشُّهَدَاءُ فَعَمِّي حَمْرَةَ، وَأَمَّا الصَّالِحُونَ فَأَبْنَتِي فَاطِمَةُ وَأَوْلَادُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. فنهض العباس من زاوية المسجد إلى بين يديه صَلَّى الله عليه وآله وقال: يا رسول الله! أأنت وأنا وأنت وعلي وفاطمة والحسن والحسين من ينبوع واحد؟! قال صَلَّى الله عليه وآله: وما وراء ذلك يا عمّاه؟ قال: لأنت لم تذكرني حين ذكرتهم، ولم تشرفني حين شرفتهم. فقال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: يا عمّاه! أَمَا قَوْلُكَ أَنَا وَأَنْتَ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ مِنْ يَنْبُوعٍ وَاحِدٍ فَصَدَقْتَ، وَلَكِنْ خَلَقْنَا اللَّهُ نَحْنُ حَيْثُ لَا سَمَاءَ مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضَ مَدْحِيَّةً، وَلَا عَرْشَ وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَارَ، كُنَّا نَسْبُحُهُ حِينَ لَا تَسْبِيحَ، وَنُقَدِّسُهُ حِينَ لَا تَقْدِيسَ، فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ بَدْءَ الصَّنْعَةِ فَتَقَّ نُورِي، فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ، فَنُورُ الْعَرْشِ مِنْ نُورِي، وَنُورِي مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَأَمَّا أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ، ثُمَّ فَتَقَّ نُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةَ، فَنُورُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ نُورِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ؟، وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَفَتَقَّ نُورُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، مِنْهُ فَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، فَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، وَنُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَفَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ثُمَّ فَتَقَّ نُورَ الْحَسَنِ، فَخَلَقَ مِنْهُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ فَدَوَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ، وَنُورُ الْحَسَنِ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَالْحَسَنُ أَفْضَلُ مِنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، ثُمَّ فَتَقَّ نُورَ الْحُسَيْنِ، فَخَلَقَ مِنْهُ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ الْعِينِ، فَنُورُ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ، وَنُورُ الْحُسَيْنِ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَالْحُسَيْنُ أَفْضَلُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ، ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الظُّلْمَةَ بِالْقَدْرَةِ، فَأَرَسَ لَهَا فِي سَحَابِ الْبَصَرِ، فَقَدَّالَتِ الْمَلَائِكَةُ سُبُوحٌ قُدُوسٌ، رَبَّنَا! مُدَّ عَرْفَنَا هَذِهِ الْأَشْبَاحَ مَا رَأَيْنَا سُوءًا، فَبِحُرْمَتِهِمْ إِلَّا كَشَفْتَ مَا نَزَلَ بِنَا، فَهَنَالِكَ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى قَنَادِيلَ الرَّحْمَةِ، وَعَلَّقَهَا عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ، فَقَالَتْ: إِلَهَنَا! لِمَنْ هَذِهِ الْفَضِيلَةُ وَهَذِهِ الْأَنْوَارُ؟ فَقَالَ: هَذَا نُورُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، فَلِذَلِكَ سَمَّيْتُ أُمَّتِي الزَّهْرَاءَ، لِأَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْ نُورِهَا ظَهَرَتْ، وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيِّ، وَ زَوْجُهُ وَصِيِّي، وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي، أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي! أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ

نَسْبِيحِكُمْ وَتَقْدِيرِكُمْ لِهَذِهِ الْمَرْأَةِ وَشَيْعَتِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. فعند ذلك نهض العباس إلى علي بن أبي طالب وقبّل ما بين عينيه وقال: يا علي! لقد جعلك الله حجّةً بالغة على العباد إلى يوم القيامة. و عيون المعجزات: ص 52- وفي حديث رسول الله صلّى الله عليه وآله لما دخل العباس في رواية أبي محمّد الجلّوديّ البصريّ، عن الفرّج بن فضالة، عن أبيه، عن يحيى بن سعيد، عن محمّد بن أبي بكر، عن عمّار قال: يا محمّد! بما ذا فضّلت علينا أهل بيتك؟ فقال صلّى الله عليه وآله: إليك يا عمّ لا تقل هذا، فإن الله تبارك وتعالى خلّقني وعلياً نوراً ثمّ فتق من نورنا سبطي ثمّ فتق من نورنا نور العرش و من نور سبطي نور الشمس والقمر، كنّا نعلم الملائكة التّسبيح والتّهلّيل والتّمجيد. ثمّ قال الله تعالى للملائكة: وعزّتي وجلالي و جودي وارتفاع لأفعلنّ، فخلق سبحانه نور فاطمة عليها السّلام كالقنديل فزهرت به السّموات فسمّيت الزّهراء، لما استنار بنورها الأفق. فخرج العباس من عنده لا يحير جواباً، فاستقبله عليّ عليه السّلام فضمّه إلى صدره وقبّل ما بين عينيه وجبينه وقال: ما أكرمكم على الله يا أهل بيت المصطفى. وكان إسماً في الدّار الدّنيا؛ فاطم و فاطر و الزّهراء و البتول و الحصان و الحوراء و السيّدة والصّدّيقة و مريم الكبرى.

زیرا که آسمان ها و زمین ها به نور او نمایان گشتند، و او دختر پیامبر من است، و همسر وصی من است، و حجت من بر آفریدگانم می باشد، ای فرشتگان! شما را گواه می گیرم که من ثواب تسبیحات و تقدیسات شما را تا روز قیامت برای این زن و شیعیان او و دوست داران او قرار دادم.

از شدت ظهور نور فرمایش اهل بیت علیهم السلام، از شرح اجتناب شده است.

نور فاطمه من نور عظمة الله

بنابر فرمایش امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام، حضرت فاطمه همراه با بقیه معصومین سلام الله علیهم، بی واسطه از نور عظمة الله آفریده شده و حجاب الله هستند.

جابر می گوید: محضر مبارک امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: برای چه فاطمه زهراء سلام الله علیها به زهراء موسوم گردید؟ حضرت فرمودند:

«لَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ، فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ بِنُورِهَا، وَعَشِيَتْ أَبْصَارُ الْمَلَائِكَةِ، وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ، وَقَالُوا: إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا، مَا هَذَا النُّورُ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ: هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي، وَأَسَدَ كُنْتُهُ فِي سَمَائِي، خَلَقْتُهُ مِنْ عَظْمَتِي، أُخْرِجُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِي، أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ، وَأُخْرِجُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَيْمَةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي، يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي، وَأَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي» (1).

زیرا الله عزوجل او را از نور عظمت خویش آفرید، چون (نور وجود فاطمه سلام الله علیها) درخشید، آسمان ها و زمین به نورش روشن شده و دیدگان فرشتگان از شدت نورش بسته شد و تمامی فرشتگان، به درگاه الهی به سجده افتاده و عرض

ص: 40

1- الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص 133 ب 35 ح 144 - به سند متصل خود از جابر گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: از برای چه حضرت فاطمة الزهراء زهراء نامیده شدند؟ فرمود: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ، فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ بِنُورِهَا، وَعَشِيَتْ أَبْصَارُ الْمَلَائِكَةِ، وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ، وَقَالُوا: إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا، مَا هَذَا النُّورُ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ: هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي، وَأَسَدَ كُنْتُهُ فِي سَمَائِي، خَلَقْتُهُ مِنْ عَظْمَتِي، أُخْرِجُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِي، أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ، وَأُخْرِجُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَيْمَةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي، يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي، وَأَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي. علل الشرائع: ج 1 ص 180 ب 143 ح 1 به سند متصل خود از جابر از امام صادق علیه السلام مانند الإمامة و التبصرة. كشف الغمة: ج 1 ص 464 از امام محمد باقر علیه السلام مانند آن. نوادر المعجزات: ص 193 ح 3/45 از جابر بن عبد الله از امام محمد باقر علیه السلام مانند آن و در آن است: وَيَهْدُونَ إِلَيَّ خَلْقِي... . الدرّ النظيم: ص 456 و حديث کرد حماد از عمرو بن شمر از جابر مانند نوادر المعجزات. العدد القويّة: ص 227 از كتاب الدرّ و كتاب مواليد الأئمة. و دلائل الإمامة: ص 149 ح 60 و يروي: أَنَّهَا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سَمَّيْتُ الزَّهْرَاءَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ. معاني الأخبار: ص 64 ح 16 - وقد روي: إِنَّمَا سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ.

کردند: الاها، معبود ما، سرور و مولای ما، این چه نوری است؟ خداوند متعال به آن ها وحی فرمود: این نوری از نور من است که در آسمانم ساکنش کرده ام، آن را از عظمت خویش آفریدم و از پشت پیامبری از پیامبرانم بیرونش می کنم که بر تمام انبیاء برتری اش داده ام، امامانی را که به امر من قیام می کنند و مردم را به (پاس داشت) حق من هدایت می نمایند، از این نور بیرون می آورم، این پیشوایان را پس از انقطاع وحی خویش، در زمین جانشینان خود قرار می دهم.

پس اشراق نور و ضیاء نور آسمان ها و زمین و همه عوالم ملکوت و جز آن ، از نور حضرت زهرا سلام الله علیها است، زیرا که ایشان از نور الله آفریده شده و افضل از جمیع انبیاء است، اضافه بر این، نور ائمه هدی نیز که خلفاء الله و قوّم به امر الله می باشند، از نور ایشان است.

ص: 41

دعای حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام برای گرفتاری ها

«بِحَقِّ يَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِحَقِّ طَهِّ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يَا مَنْ يَدِّرُ عَلَيَّ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الصَّمِيرِ، يَا مُنْقَسُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّسْوِيرِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا» (1).

ص: 42

1- الدعوات، سلوة الحزين، الراوندي: ص 54 ح 137- وعن زين العابدين عليه السلام قال: صَدَّ مَنِّي وَالِدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى صَدْرِهِ يَوْمَ قُتِلَ وَالِدُمَاءُ تَغْلِي وَهُوَ يَقُولُ: يَا بُنَيَّ! إِحْفَظْ عَنِّي دُعَاءَ عَلَمَتِيهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَعَلَّمَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَّمَهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحَاجَةِ وَالْمُهَمِّ وَالْغَمِّ وَالنَّازِلَةِ إِذَا نَزَلَتْ وَالْأَمْرَ الْعَظِيمَ الْفَادِحَ، قَالَ: ادْعُ: . از او: بحار الأنوار: ج 92 ص 196 ب 106 ضمن ح 29. امام زين العابدين علي بن الحسين عليهما السلام فرمود: در روز عاشوراء که پدرم امام حسين عليه السلام کشته شد مرا در حالی به سينه اش چسبانيد که خون از آن جوشش می کرد به من فرمود: ای پسر! دعایی را که فاطمه عليها السلام مرا ياد داد و آن را رسول الله صلى الله عليه وآله به او ياد داد، و آن را جبرئيل عليه السلام به او ياد داد از من به ياد داشته باش، که در هر حاجت و گرفتاری و غم و بلا و امر و مصیبتی (بزرگ و سنگین، دعا کن: .

برهان 5- نور فاطمه من نور النبی و الوصی

رسول الله صَلَّى الله عليه وآله و سلم خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِنَا» (1).

نور فاطمه، از نور ما (اهل بیت اطهار) است.

به این معنا که فاطمه زهرا، خلقت نوری داشته و در ارتفاع جوهری و ذاتی، علم، عصمت و نیز سایر مقامات و شئون ذاتی بنابر وحدت نوری، مانند رسول الله و امیرالمؤمنین هستند و چنانچه آنان حجة الله هستند، ایشان هم هستند. و چنانچه آنان قائم بامر الله هستند، ایشان هم هستند و تفاوتی با آنان ندارند در وحدت نوری ولی در تشخیص، رسول الله اول است و ایشان، شفیع امیرالمؤمنین است.

همچنین بر تقدّم و احاطه آن حضرت بر خلق، زماناً و رتیباً دلالت دارد.

ص: 45

1- ر.ک. پی نوشت 150.

قالت مولانا فاطمة صلوات الله و سلامه عليها

أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقُولُ عَزُوداً وَبَدُوراً وَلا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطاً وَلا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطاً

ص: 46

برهان 6- حجة الله سبب امان خلق

رسول الله صَلَّى الله عليه وآله فرمود:

زمین هرگز از هادی و امام معصوم خالی نمی ماند زیرا که آنان سبب آرامش زمین هستند. (1)

و فرمود:

تمسک به قرآن و عترت، امت را از گمراهی در امان می دارد و عترت سبب در امان ماندن اهل زمین از فرورفتن در زمین و هلاکت اند. (2)

و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

آنان (یعنی اهل بیت اطهار) سبب امنیت اهل آسمان و زمین اند. (3)

چهارده معصوم صلوات الله عليهم بر روی زمین همانند میخ ها و کوه ها، سبب بقای اهل زمین می باشند. (4)

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ، وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ، كَمَا

ص: 49

1- كفاية الأثر: ص 89- حدّثنا أبو الحسن محمد بن جعفر بن محمد التميمي المعروف بابن النجار النحوي قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن محمد بن مروان الغزال قال: حدّثني محمد بن تيم، عن عبد الرحمان بن مهدي قال: حدّثنا معاوية بن صالح، عن عبد الغفار بن القاسم، عن أبي مريم، عن أبي هريرة قال: دخلت على رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وقد نزلت هذه الآية: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فقرأها علينا رسول الله صَلَّى الله عليه وآله ثم قال: أَنَا الْمُنذِرُ أَعْرِفُونَ الْهَادِي؟ فقلنا: لا يا رسول الله . فقال: هُوَ خَاصِفُ النَّعْلِ . فَطَوَلَتِ الْأَعْنَاقُ إِذْ خَرَجَ عَلَيْنَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَعْضِ الْحَجَرِ وَبِيَدِهِ نَعْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْنَا فَقَالَ: أَلَا إِنَّهُ الْمُبْلَغُ عَنِّي، وَ الْإِمَامُ بَعْدِي، فَزَوْجُ ابْنَتِي، وَ أَبُو سِبْطِي، فَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرَّجَسَ وَ طَهَّرَنَا مِنَ الدَّنَسِ، يُقَاتِلُ بَعْدِي عَلَى التَّأْوِيلِ، كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ، هُوَ الْإِمَامُ، أَبُو الْأَيْمَةِ الزُّهْرِي. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ مِنَّا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ، يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْراً وَ ظُلْماً، لَا يَخْلُو الْأَرْضَ مِنْهُمْ إِلَّا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا. وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى مُسْتَحَقِّي التَّقْدِيمِ: ج 2 ص 14- وَ أَسَدُ ابْنِ النَّجَّارِ النَّحْوِيِّ إِلَى أَبِي هُرَيْرَةَ قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَلِيٍّ: أَلَا إِنَّهُ الْمُبْلَغُ عَنِّي... - به اختصار آورده است.

2- كفاية الأثر: ص 162- حدّثني علي بن الحسين بن محمد قال: حدّثنا عتبة بن عبد الله الحمصي بمكة قراءة عليه سنة ثمانين و ثلاثمائة قال: حدّثنا موسى القططاني قال: حدّثنا أحمد بن يوسف قال: حدّثنا حسين بن زيد بن علي قال: حدّثنا عبد الله بن حسين بن حسن، عن أبيه، عن الحسن عليه السلام قال: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا، فَقَالَ بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! كَأَنِّي أُدْعَى

فَأَجِيبُ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَلَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.

3- مشارق أنوار اليقين: ص 85- وقال أمير المؤمنين عليه السلام: نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَنَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَلَوْلَا نَا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا.

4- الكافي: ج 1 ص 525 ح 17- ... عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي وَائْتِنِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضَ يَعْني أوتادها وَ جبالها، بِنَا أوتادِ اللَّهِ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ وُلْدِي سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يُنْظَرُوا. وَ الْأصول السِّتَّةُ عشر: ص 16 وَ دار الحديث: ص 140 ح 6/40 أصل عباد العصفري، عن عمرو بن ثابت، عن أبي الجارود وَ الغيبة، الشَّيخ الطُّوسِيّ: ص 138 - ... عن أبي سعيد العصفري، عن عمرو بن ثابت، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضَ يَعْني أوتادها وَ جبالها، وَ تقريب المعارف: ص 419- وَ من الشيعة ما تناصرت به روايتهم عن أبي الجارود، عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي وَ إِثْنِي عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَوْلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أوتادُ الْأَرْضِ الَّتِي أَمْسَكَهَا اللَّهُ بِهَا أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يُنْظَرُوا.

أَنَّ النُّجُومَ أَمَانَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ وَبِنَا يُنْشِئُ الرَّحْمَةَ وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ثُمَّ قَالَ وَلَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ. (1) ما امامان (معصوم) مسلمانان و حجّت های خداوند بر جهانیان هستیم، ... و ما سبب امان اهل زمین هستیم همانند ستارگان برای اهل آسمان ها، و ما امامان هستیم که خداوند (به سبب و واسطه وجود ما) آسمان را از افتادن بر روی زمین نگه داشته است. و به خاطر ماست که زمین را از فرو بردن اهل آن باز داشته است. و به سبب ما باران را فرو فرستاده و رحمتش را می گستراند، و زمین برکات خود را بیرون می آورد، و اگر کسی از ما اولیای معصوم بر روی زمین نباشد، زمین اهل خود را در خود فرو می برد.

سپس فرمود:

و خداوند از زمانی که حضرت آدم را آفرید، (زمین را) از حجّت آشکار و شناخته شده و یا در پس پرده غیبت، خالی نگذاشت و تاقیامت کبری خالی نمی گذارد، و مردم از امام غایب، همانند خورشید پس ابرها سود می برند.

و فرمود:

و اگر یک روز زمین از حجّت خداوند تعالی خالی بماند، اهل خود را در خود (چون

ص: 50

1- الأُمالي، الصّمدوق: ص 186 مجلس 34 ح 15 و کمال الدّین و تمام النّعمة: ج 1 ص 207 ب 21 ح 22- حدّثنا محمّد بن أحمد الشّسائيّ [السّنانيّ] (السّبیانی - کمال الدّین) رحمه الله قال: حدّثنا أحمد بن یحیی بن زکریّا القطنان قال: حدّثنا بکر بن عبد الله بن حبیب قال: حدّثنا الفضل بن صقر العبدي قال: حدّثنا أبو معاوية، عن سلیمان بن مهران الأعمش، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه محمّد بن عليّ، عن أبيه عليّ بن الحسين عليهم السّلام قال: نَحْنُ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ، وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ (أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ - الإحتجاج)، كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَ بِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ، وَ بِنَا يُنْشِئُ الرَّحْمَةَ، وَ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ (تَخْرِجُ بَرَكَاتُ - الإحتجاج) الْأَرْضِ، وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. (ثُمَّ) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ لَمْ تَخْلُو [تَخْلُ] الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ (حُجَّةِ اللَّهِ - الكمال و الإحتجاج) فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ (مَشْهُودٌ - الروضة) أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ، وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ (حُجَّةِ اللَّهِ - الروضة و الإحتجاج) فِيهَا، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ. قال سلیمان: فقلت للصادق عليه السّلام: فكيف ينتفع الناس بالحجّة الغائب المستور؟ قال: كما يَنْتَفِعُونَ بِالسَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ. و روضة الواعظین: ج 1 ص 199 و الإحتجاج: ج 2 ص 317. و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج 4 ص 176 از روضة الواعظین.

و فرمود:

اگر زمین تنها یک روز بدون امام باقی بماند هرآینه اهل خود را در خود فرو می برد (و هلاک می کند)، و به راستی خداوند آنان را به شدیدترین عذاب خود کیفر دهد. به تحقیق خداوند تبارک و تعالی ما را حجت در زمینش و سبب امنیت در زمین برای اهل آن قرار داده است. تا زمانی که ما اهل بیت نبوت در زمین هستیم، آنان از فرو رفتن در آن در امان خواهند بود، آن گاه که خداوند اراده کند که آن ها را هلاک کند و مهلت و فرصتشان ندهد، ما را از میان آنان برده و نزد خود بالا ببرد، سپس هرچه خواهد و دوست بدارد با آنان بکند. (2)

هم چنین امام محمد باقر علیه السلام به روایتی دیگر فرمود:

حتی اگر یک روز، زمین از اولیاء معصوم خالی بماند، زمین اهل خود را در خود فرو می برد، و خداوند آنان را به شدیدترین عذاب خود کیفر دهد، زیرا خداوند تعالی آنان را حجت خود بر روی زمین و سبب در امان ماندن اهل زمین قرار داده است، پس هرگاه بخواید اهل زمین را عذاب کند و مهلت ندهد، امامان معصوم را از روی زمین برداشته و بالا می برد. (3)

و فرمود:

اگر امام معصوم لحظه ای از روی زمین بالا- برده شود، هرآینه زمین شکافته شده و همانند موج های دریا، اهل خود را در خود فرو می برد. (4)

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

ص: 51

1- کمال الدین و تمام النعمة: ج 1 ص 202 ب 21 ح 6 - بسنده المتصل عن ابراهيم بن ابي محمود قال: قال الرضا عليه السلام: نحن حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَخُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ، وَأَمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ، وَنَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَنَحْنُ سُهْدَاءُ اللَّهِ وَأَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ، بِنَا يُمَسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَرُولا، وَبِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَيَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَلَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مَتًّا، ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ، وَ لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. از او: إرشاد القلوب: ج 2 ص 417.

2- کمال الدین و تمام النعمة: ج 1 ص 204 ب 21 ح 14 - حدثنا ابي و محمد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدثنا عبد الله بن جعفر قال: حدثنا محمد بن أحمد عن أبي سعيد العصفري، عن عمرو بن ثابت، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمًا (+وإحداً- النوار و الدلائل) بِإِمَامٍ مِمَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَ لَعَدَّ بَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ. (+ وَ ذَلِكَ- النوار و الدلائل) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ، وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، لَمْ (لَنْ- النوار و الدلائل) يَزَالُوا فِي أَمَانٍ (بِأَمَانٍ- النوار و الدلائل) مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ، ثُمَّ لَا يُمَهِّلُهُمْ، وَ لَا يُنْظِرُهُمْ، ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ، وَ رَفَعْنَا إِلَيْهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ (+بِهِمْ مَا يَشَاءُ- النوار و الدلائل) مَا شَاءَ وَ أَحَبَّ. وَ نَوَادِرُ الْمَعْجَزَاتِ: ص 385 ح 4/172 و دلائل الإمامة: ص 436 ح 11/407 - و أخبرني أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى، عن أبيه، عن محمد بن همام، عن عبد الله بن أحمد، عن عمرو بن ثابت ...

3- الأصول الستة عشر: ص 16 و دار الحديث: ص 40 ح 7/41- عباد، عن عمرو، و عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلَا إِمَامٍ مِنَّا، لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَلَعَدَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ، وَأَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، لَنْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَهْلِكَهُمْ وَلَا يُمَهِّلَهُمْ وَلَا يُنْظِرَهُمْ، ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَرَفَعَنَا اللَّهُ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا شَاءَ وَأَحَبَّ.

4- بصائر الدرجات: ص 9 ب 12 ح 3- حدّثنا محمّد بن عيسى قال: حدّثني المؤمن، حدّثني أبو هراسة، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. والكافي: ج 1 ص 179 ح 12- عليّ، عن محمّد بن عيسى، عن أبي عبد الله المؤمن، عن أبي هراسة... والغيبة، التّعمانيّ: ص 138 ب 8 ح 10- محمّد بن يعقوب الكلينيّ، عن عليّ بن إبراهيم... لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. وكمال الدّين وتمام التّعمة: ج 1 ص 202 ب 21 ح 3 - حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن عيسى بن عبيد، عن أبي عبد الله زكريّا بن محمّد المؤمن، عن أبي هراسة... وكمال الدّين وتمام التّعمة: ج 1 ص 203 ب 21 ح 9 - حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر قالا: حدّثنا محمّد بن عيسى و محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن أبي عبد الله المؤمن و الحسن بن عليّ بن فضّال، عن أبي هراسة... و دلائل الإمامة: ص 435 ح 7/403- أبو الحسن عليّ بن هبة الله، عن أبي جعفر، قال: حدّثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن أبي عبد الله محمّد بن خالد البرقيّ، عن الحسن بن عليّ بن فضّال، عن أبي هراسة... .

بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی ماند، لکن خداوند به سبب ظلم و ستم و اسراف که (زمینیان) نسبت به خود روا داشتند، آنان را از دیدن امام و بهره بردن از امام محروم نماید، که اگر لحظه ای زمین از حجت خداوند خالی شود، اهل خود را در خود فرو برده، هلاک می کند. (1)

و امام جعفر الصادق و علی الرضا علیهما السلام فرمودند:

اگر زمین بدون امام بماند، هرآینه (اهل خود را) در خود فرو برد. (2)

و امام علی الرضا علیه السلام فرمود:

اگر زمین به اندازه یک بار پلک زدن، از حجت خالی شود، هرآینه اهل خود را در خود فرو می برد (هلاک می کند). (3)

و یکی از همین حجج الله، بنابر صریح فرمایشات معصومین علیهم السلام، صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است که سبب امان اهل زمین از بلایا است و این تنها یکی از برکات وجود ایشان بر روی زمین به عنوان حجة الله است.

جایگاه حجة الله برای زمین و زمینیان

هرچند آن چه ما از برکات امام معصوم می دانیم، به ارشاد حجة الله بوده و گاهی دلایل خرد و کلان از تجربیات و اکتسابات مطرح می شود لکن وجود امام معصوم، آثاری دارد که ما جز از طریق فرمایشات خود امام، به حس و به حدس آن راهی نداریم از جمله این که «صلاح زمین و اهل آن، جز امام معصوم نیست». (4)

و واضح است که ما صلاح اهل زمین را در داشتن رهبری معصوم می دانیم لکن صلاح «زمین» جز به امام معصوم نیست، بیانی سنگین است که یافتن و حس کردن معنای

ص: 52

1- الغيبة، التعمانی: ص 141 ب 10 ح 2- أخبرنا محمد بن همام و محمد بن الحسن بن محمد بن جمهور جميعاً، عن الحسن بن محمد بن جمهور قال: حدثنا أبي، عن بعض رجاله، عن المفضل بن عمرو قال أبو عبد الله عليه السلام: خبر تدریه خير من عشر تزويه، إن لكل حق حقیقة ولكل صواب نوراً. ثم قال: إنا والله لا نعد الرجل من شيعتنا فقیهاً حتى يُلحَنَ له فيعرف اللحن، إن أمير المؤمنين عليه السلام قال على منبر الكوفة: إن من ورائكم فتناً مظلمة عمياء منكسفة لا ينجو منها إلا النومة، قيل: يا أمير المؤمنين! وما النومة؟ قال: الذي يعرف الناس ولا يعرفونه. وأعلموا أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل ولا لکن الله سيُعيمي خلقه منها بظلمهم وجورهم وإسرافهم على أنفسهم ولو خلت الأرض ساعة واحدة من حجة لله لساخت بأهلها ولكن الحجة يعرف الناس ولا يعرفونه كما كان يوسف يعرف الناس وهم له منكرون- ثم تلا: «يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزؤن».

2- بصائر الدرجات: ص 9 ب 12 ح 2- حدثنا محمد بن عيسى، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة الثمالي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: (أ) تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لو بقيت الأرض بغير إمام، لساخت. والكافي: ج 1 ص 178 ح 10- علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى... والإمامة والتبصرة من الحيرة: ص 30 ب 2 ح 12- سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى... والغيبة، التعمانی: ص 138 ب 8 ح 8- محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم... وكمال الدين وتمام النعمة: ج 1 ص 201 ب 21 ح 1- حدثنا أبي و

محمد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن عيسى بن عبيد و محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب عن محمّد بن الفضيل ... و علل الشرائع: ج 1 ص 195 ب 153 ح 5- حدّثنا محمّد بن الحسن قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار، عن محمّد بن عيسى ... و علل الشرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 16 - حدّثنا محمّد بن الحسن رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب و محمّد بن عيسى بن عبيد، عن محمّد بن الفضيل الصيرفيّ ... و علل الشرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 18- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن النضر بن سويد، عن محمّد بن الفضيل ... و الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 220 ما رواه سعد بن عبد الله الأشعريّ، عن محمّد بن عيسى بن عبيد و محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب عن محمّد بن الفضل ... و بصائر الدّرجات: ص 9 ب 12 ح 4 - حدّثنا محمّد بن عليّ بن إسماعيل، عن العباس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن الهيثم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له يكون الأرض بلا إمام فيها؟ قال: لا إذا ساخت بأهلها. و علل الشرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 17 و عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج 1 ص 272 ب 28 ح 1- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمّد بن عيسى و عليّ بن إسماعيل بن عيسى، عن العباس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن القاسم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: تكون الأرض و لا إمام فيها؟ فقال: لا إذا ساخت بأهلها. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 201 ب 21 ح 5- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترقّ، عن أحمد بن عمر الخلال قال: قلت لأبي الحسن الرضا عليه السّلام إنا روينا عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: إنّ الأرض لا تبقى بغير إمام - أو - تبقى و لا إمام فيها؟ فقال: معاذ الله لا تبقى ساعة إذا ساخت. و علل الشرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 15 - أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب و الهيثم بن أبي مسروق النهديّ، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترقّ، عن أحمد بن عمر الخلال، عن أبي الحسن قال: قلت: تبقى الأرض بغير إمام فإنّا نروي عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: لا، تبقى، إلا أن يخطّ الله على العباد؟ فقال: لا - تبقى لو بقيت إذا ساخت. و الكافي: ج 1 ص 178 ح 11- عليّ بن إبراهيم عن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: أ تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: فإنّا نروي عن أبي عبد الله عليه السّلام: أنّها لا تبقى بغير إمام إلا أن يخطّ الله تعالى على أهل الأرض - أو - على العباد؟ فقال: لا لا تبقى إذا ساخت. و الغيبة، النعماني: ص 138 ب 8 ح 9 - از كليني مانند آن و زيادت: فقال: لا تبقى الأرض بغير إمام، و لو بقيت إذا ساخت. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 201 ب 21 ح 2- حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار قال: حدّثنا العباس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن الهيثم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: أ تبقى الأرض بغير إمام؟ فقال: لا. قلت: فإنّا نروي عن أبي عبد الله عليه السّلام: أنّها، لا، تبقى بغير إمام، إلا أن يخطّ الله تعالى على أهل الأرض - أو - على العباد. فقال: لا تبقى إذا ساخت. و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج 1 ص 245 - سئل الرضا و الصادق عليهما السّلام: تكون الأرض و لا إمام؟ قال: إذا ساخت. و بصائر الدّرجات: ص 9 ب 12 ح 7. و الكافي: ج 1 ص 178 ح 13- حدّثنا الحسين بن محمّد، عن معلّى بن محمّد، عن الحسن بن عليّ الوشاء قال: سألت الرضا عليه السّلام: هل تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: فإنّا نروي: أنّها، لا، تبقى، إلا أنّ يخطّ الله (عزّوجلّ) على العباد؟ قال: لا تبقى إذا ساخت. مانند آن: الغيبة، النعماني: ص 138 ب 8 ح 11- محمّد بن يعقوب، عن الحسين بن محمّد ... و عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج 1 ص 198 ب 153 ح 20- حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور رضي الله عنه قال: حدّثنا الحسين بن محمّد بن عامر، عن المعلّى بن محمّد البصريّ ... بصائر الدّرجات: ص 489 ب 12 ح 6 - حدّثنا محمّد بن سليمان، عن سعد بن سعد، عن أحمد بن عمر، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: هل تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: فإنّا نروي عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: لا، تبقى، إلا أن يخطّ الله على العباد؟ قال: لا تبقى إذا ساخت. و بصائر الدّرجات: ص 488 ب 12 ح 1- حدّثنا محمّد بن الحسين، عن أبي داود المسترقّ، عن أحمد بن عمر قال:

قلت لأبي الحسن عليه السلام: هل يبقى الأرض بغير إمام فإننا نروي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا، يبقى الأرض، إلا أن يسخط الله على العباد؟ قال: لا تبقى إذا لساخت. وكمال الدين وتمام النعمة: ج 1 ص 203 ب 21 ح 8- وبهذا الإسناد (حدثنا أبي رضي الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر الحميري قالوا: حدثنا إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه) علي بن مهزيار، عن الحسن بن علي الخزاز، عن أحمد بن عمر قال: سألت أبا الحسن عليه السلام: أتبقى الأرض بغير إمام؟ قال: فقال: لا. قلت: فإننا نروي: أنها لا، تبقى، إلا أن يسخط الله على العباد. فقال: لا تبقى إذا لساخت. و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 272 ب 28 ح 2 و علل الشرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 19 - حدثنا أبي قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن عبّاد بن سليمان، عن سعد بن سعد الأشعري، عن أحمد بن عمر، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: قلت له: هل تبقى الأرض بغير إمام؟ فقال: لا. قلت: فإننا نروي عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: لا، تبقى (الأرض بغير إمام - العلل)، إلا أن يسخط الله على العباد؟ فقال: لا تبقى إذا لساخت.

3- بصائر الدرجات: ص 9 ب 12 ح 8- حدثنا محمد بن محمد، عن أبي طاهر محمد بن سليمان، عن أحمد بن هلال قال: أخبرني سعيد، عن سليمان الجعفري قال: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام قلت: تخلو الأرض من حجة الله؟ قال: لو خلت الأرض طرفة عين من حجة لساخت بأهلها. مانند آن: مختصر البصائر: 64 ح 34- (سعد) عن سليمان بن جعفر الجعفري... و علل الشرائع: ج 1 ص 199 ب 153 ح 21- أبي رحمه الله قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الدينوري و محمد بن أحمد بن أبي قتادة، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن سليمان بن جعفر الجعفري... وكمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 204 ب 21 ح 15 - حدثنا أبي و محمد بن الحسن رضي الله عنهما قالوا: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن جناح، عن سليمان الجعفري... و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 272 ب 28 ح 4 - حدثنا أبي رضي الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الزيتوني و محمد بن أحمد بن أبي قتادة، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن سليمان، عن سليمان بن جعفر الحميري قال: سألت الرضا... 4- المحاسن: ج 1 ص 234 ب 21 ح 193- بسند صحيح عن زياد العطار، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن الأرض لا تكون إلا وفيها حجة، إنه لا يصلح الناس إلا ذلك، ولا يصلح الأرض إلا ذلك. وكمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 203 ب 21 ح 7- بسند صحيح عن حسن بن زياد قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن الأرض لا تخلو من أن يكون فيها حجة عالم، إن الأرض لا يصلحها إلا ذلك، ولا يصلح الناس إلا ذلك.

آن، بسیار جای بحث و بررسی دارد که البته باز هم تمسک به خود روایات راه گشا است و الا دست ما کجا و لمس خورشید؟...

برهان 7- فاطمه در مباحله (حجة الله بر نصاری)

رسول الله صلی الله علیه و آله بنا بر دستور صریح ذات احدیت جلّ جلاله در قرآن کریم، برای اتمام حجّت بر نصاری و اقامه حجّت بالغه الهی بر نصارای نجران، قرآن را نیاورد، بلکه خودش و «أَبْنَاءَنَا» حسنین را آورد و «نِسَاءَنَا» فاطمه را آورد، و «أَنْفُسَنَا» امیر المؤمنین علیهم الصلوة و السلام را آورد و این نمایش مقام حجّیت ایشان در آیه کریمه مباحله می باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (1) پس هر که بعد از این علم که تو را آمده، باز با تو به محاجّه (و جدل) بر آید، بگو: بیایید ما و شما (عزیز) پسران ما و پسران شما و (عزیز) زنان ما و زنان شما و آنانی را که مانند (جان) خودمان و آنانی را که مانند (جان) خودتان هستند بخوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار بدهیم.

حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام در این مقام، مانند اوصیاء، حجة الله و حجة الرسول بر کافران است. ناگفته نماند که در واقعه مباحله با نصارای نجران احادیث متواتر و اجماع امت بر اجتماع خمسه طیبه دلالت دارد، نه کسی غیر ایشان بلکه فقط و فقط اشخاص ایشان، نه کمتر نه بیشتر.

ص: 53

1- سوره (3) آل عمران (آل محمد صلوات الله علیهم) آیه 62.

تسبيح حضرت فاطمة الزهراء عليها السلام در روز سوّم ماه

«سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، سُبْحَانَ مَنْ احْتَجَبَ فِي سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَا عَيْنٌ تَرَاهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَدَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ وَأَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَيَاةِ، سُبْحَانَ مَنْ يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ سِوَاهُ، سُبْحَانَ مَنْ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَارْتَضَاهُ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْعَلِيمِ، سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ [الْعَلِيِّ] الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» (1).

ص: 54

1- الدعوات، الراونديّ: ص 91 تسبيح فاطمة عليها السلام في اليوم الثالث...:.

رسول الله صَلَّى الله عليه وآله در حدیثی به سلمان رضی الله عنه فرمودند:

«يَا سَلْمَانَ، إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَّارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا، فَتَفَرَّغَتْ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ)، ...» (1).

ای سلمان! همانا خداوند قلب و اعضای دخترم فاطمه را تا مغز استخوان هایش چنان از ایمان آکنده ساخته (که فوق آن نیست)؛ لذا فاطمه فارغ البال مشغول عبادت الله گردیده است، ...

و قرآن کریم می فرماید:

«وَمَا أَمْرُو إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (2).

مأمور نشده اند مگر آن که خدا را بندگی کنند، عبادت را مخصوص او کنند، موحد باشند، نماز را پیوسته برپا دارند و زکات را پردازند، که این است دین استوار.

پس امر الهی و نیز سبب خلقت، عبودیت الله تعالی و همین است موجب مقامات انبیاء و خاتم الانبیاء صلوات الله علیهم، و اما مقام فاطمه، لقب «امه الله» که الله تبارک و

ص: 57

1- دلایل الإمامة: ص 139 ح 47/47 - حدّثني أبو الحسن أحمد بن الفرج بن منصور بن محمّد، قال: حدّثنا أبو الحسن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا أبو إسحاق إبراهيم بن محمّد بن سعيد الثقفيّ قال: حدّثني عثمان بن سعيد قال: حدّثنا أحمد بن حماد بن أحمد الهمدانيّ قال: حدّثنا عمرو بن ثابت، عن أبيه، عن محمّد بن عليّ بن الحسين بن عليّ عليهم السلام قال: بعث رسول الله صَلَّى الله عليه وآله و آلِهِ سَلْمَانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ لِحَاجَةٍ. قَالَ سَلْمَانُ: فَوَقَفْتُ بِالْبَابِ وَقَفَّةً حَتَّى سَلَّمْتُ، فَسَجَعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوْاءِ، وَالرَّحَى تَدُورُ مِنْ بَرٍّ، مَا عِنْدَهَا أَيْسٌ. قَالَ: فَعُدْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! رَأَيْتُ أَمْرًا عَظِيمًا فَقَالَ: هِيَ يَا سَلْمَانُ، تَكَلَّمُ بِمَا رَأَيْتَ وَ سَجَعْتَ. قَالَ: وَقَفْتُ بِبَابِ ابْنَتِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ سَلَّمْتُ، فَسَجَعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوْاءِ، وَالرَّحَى تَدُورُ مِنْ بَرٍّ مَا عِنْدَهَا أَيْسٌ! قَالَ: فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: يَا سَلْمَانُ، إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَّارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا، فَتَفَرَّغَتْ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ جَلَّ فَبَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا اسْمُهُ رُوْفَائِيلُ - وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: رَحْمَةٌ - فَأَدَارَ لَهَا الرَّحَى فَكَفَّاهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَثْوًى الدُّنْيَا مَعَ مَثْوًى الآخِرَةِ. وَ مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 337. ر. ك. الثاقب في المناقب: ص 290 الفصل 3 ح 248.

2- سوره (98) البينة آیه 6.

تعالی، خود براون نهاده است، چنان چه وحی فرمود:

«... فَإِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ بِنْتَ حَبِيبِي مُحَمَّدَ عَبْدِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ...» (1)

... به یقین بنده ام فاطمه، دختر حبیب محمد را به ازدواج بنده ام علی بن ابی طالب در آوردم، ...

و رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

... و اما دخترم فاطمه که سیده زنان پیشین و پسین است... هرگاه به نماز بایستد، فرشتگان نور او را ببینند و خداوند تعالی خطاب به فرشتگان چنین بفرماید:

«يَا مَلَائِكَتِي! انظروا إلى أمتي فاطمة، سيدة إمامي، قائمة بين يدي، ترتعد فرائضها من خيفتي، وقد أقبلت بقلبها على عبادتي، أشهدكم أنني قد آمنت شيعتها من النار...» (2)

ای فرشتگانم! بنده ام فاطمه را ببینید، سیده (و سرور) بندگان (زن) من است، برابرم به (نماز) ایستاده، و دلش از ترس من می لرزد، و دل به عبادتم داده، شما را گواه می گیرم که شیعیانش را از آتش امان دادم، ...

حتی حسن بصری لعنة الله عليه یکی از دشمنان اهل بیت اطهار عليهم السلام حکایت کرد که عابدتر از فاطمه عليها السلام در دنیا (و در ائمت) نبوده، همیشه به نماز می ایستاد تا این که پاهایش ورم کرد. (3)

تسبیح و تهلیل و تحمید، ورد فاطمه از آغاز

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كَانَتْ الْأَزْوَاحُ...»

ص: 58

1- مناقب علی بن ابی طالب، الخطیب الخوارزمی: ص 342 إلى 354 الفصل 20 ح 364 به سند خودش از ام سلمة و سلمان الفارسی و علی بن ابی طالب علیه السلام روایت مفصل و طولانی را درباره ازدواج حضرت فاطمه عليها السلام نقل می کند تا این که می نویسد: ... قَالَ جَبْرَائِيلُ: ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ: أَنْ أَعْقِدَ عُقْدَةَ النِّكَاحِ فَإِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ بِنْتَ حَبِيبِي مُحَمَّدَ عَبْدِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَعَقَدْتُ عُقْدَةَ النِّكَاحِ، وَ أَشْهَدْتُ عَلَى ذَلِكَ الْمَلَائِكَةَ أَجْمَعِينَ، وَ كَتَبَ شَهَادَتَهُمْ فِي هَذِهِ الْحَرِيرَةِ، وَ قَدْ أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَعْرِضَهَا عَلَيْكَ، وَ أَنْ أَخْتِمَهَا بِخَاتَمِ مَسْكِ، وَ أَنْ أَدْفَعَهَا إِلَيَّ رِضْوَانًا، از او: كشف الغممة في معرفة الأئمة: ج 1 ص 357. بحار الأنوار: ج 43 ص 128 ب 5 ضمن ح 23 از كشف الغممة.

2- الأمالي، ابن بابويه القمي: ص 113 مجلس 24- حدثنا علي بن أحمد بن موسى الدقاق رحمه الله قال: حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي قال: حدثنا موسى بن عمران النخعي، عن عمه الحسين بن يزيد التوفلي، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال: إن رسول الله صلی الله علیه وآله كان جالساً ذات يوم إذ أقبل الحسن عليه السلام فلما رآه بكى ثم قال: إلیَّ إلیَّ یا

بُنَيَّ، فما زال يدينه حتى أجلسه على فخذه اليمنى ثم أقبل الحسين عليه السلام فلما رآه بكى ثم قال: إِلَيَّ يَا بُنَيَّ، فما زال يدينه حتى أجلسه على فخذه اليسرى ثم أقبلت فاطمة عليها السلام فلما رآها بكى ثم قال: إِلَيَّ يَا بُنَيَّةُ، فأجلسها بين يديه ثم أقبل أمير المؤمنين عليه السلام فلما رآه بكى ثم قال: إِلَيَّ يَا أَخِي، فما زال يدينه حتى أجلسه إلى جنبه الأيمن. فقال له أصحابه: يا رسول الله! ما ترى واحداً من هؤلاء إلا بكيت أو ما فيهم من تسرير وئيت؟ فقال صلى الله عليه وآله: «... وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ، فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ، ... مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي! انظُرُوا إِلَيَّ أُمَّتِي فَاطِمَةَ، سَيِّدَةَ إِمَائِي، قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ، تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي، وَقَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَيَّ عِبَادَتِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ بِشَيْعَتِهَا مِنَ النَّارِ،...». از او: بشارة المصطفى: ج 2 ص 198 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 360 و إرشاد القلوب: ج 2 ص 295 و الفضائل، ابن شاذان القمي: ص 9 المقدمة و بحار الأنوار: ج 28 ص 38 ب 2 ح 1 و ج 43 ص 172 ب 7 ح 13.

3- بحار الأنوار: ج 43 ص 76 ب 3 ضمن 62 من كتاب قديم من العامة: وقال الحسن: ما كان في الدنيا أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى تورم قدمها. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 341- حلية أبي نعيم و مسند أبي يعلى ... الحسن البصري: ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى تورمت قدمها. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 84 ب 4. و ربيع الأبرار و نصوص الأخبار: ج 2 ص 274 - الحسن: ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى تورمت قدمها. والمستطرف في كل فن مستظرف: ج 1 ص 26- وقال الحسن: ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة رضي الله عنها بنت رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم، وكانت تقوم بالأسحار حتى تورمت قدمها.

الله عزوجل نور او (یعنی فاطمه) را پیش از آفرینش آدم آن گاه که ارواح بودند، خلق فرمود، ...

پرسیدند: آن گاه که روح فاطمه (قبل از خلقت آدم زیر ساق عرش قرار داشت) خوراکش چه بود؟ فرمود:

«التَّسْبِيحُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّحْمِيدُ، ...» (1).

تسبیح (سبحان الله، منزه داشتن از شریک و صفات غیر) و تهلیل (لا إله إلا الله، توحید) و حمد گویی (الحمد لله، و ثناگویی) بود، ...

این بیان، مضاف بر این که تأکید بر سبقت آفرینش ایشان بر آفرینش هستی دارد، او را مسبحة و مهلله و محمده معرفی می فرماید و این خود نشان از معرفت عمیق حضرتش نسبت به الله جل جلاله دارد و این معرفت جوهری است و اکتسابی نیست چنانکه برای سایر حضرات آل الله چنین است و جز از ذات احدیت، منشأ دیگری ندارد و این مقام را ندارد مگر آن کس که حجة الله است. چنان چه خود حضرت خطاب به امیرالمؤمنین فرمودند:

إِعْلَمَ يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ نُورِي! وَكَانَ يُسَبِّحُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ فَأَضَاءَتْ، فَلَمَّا دَخَلَ أَبِي إِلَى الْجَنَّةِ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِلَهُمَا: أَنْ أَقْطِفِ الثَّمَرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَادْرُهَا فِي لَهَوَاتِكَ، فَفَعَلَ، فَأَوْدَعَنِي اللَّهُ سُبْحَانَهُ صَدَّبَ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ أَوْدَعَنِي خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَوَضَعْتَنِي، وَأَنَا مِنْ ذَلِكَ النُّورِ... (2).

ای ابا الحسن! بدان که الله تعالی نور مرا خلق کرد و او پیوسته تسبیح الله

ص: 59

1- معانی الأخبار: ص 396 ح 53 - حدَّثنا محمد بن موسى بن المتوكل رضي الله عنه قال: حدَّثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن يعقوب بن يزيد قال: حدَّثنا الحسن بن علي بن فضال، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن سدير الصيرفي، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ. فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! فليست هي إنسيّة؟ فقال صلى الله عليه وآله: فاطمة حوراء إنسيّة. قال يا نبي الله! وكيف هي حوراء إنسيّة؟ قال: خلقها الله عز وجل من نوره قبل أن يخلق آدم إذ كانت الأرواح، فلما خلق الله عز وجل آدم عرضت على آدم. قيل يا نبي الله! وأين كانت فاطمة؟ قال: كانت في حقة تحت ساق العرش. قالوا: يا نبي الله! فما كان طعامها؟ قال: التسبيح والتهليل والتحميد، فلما خلق الله عز وجل آدم وأخرجني من صلبه، أحب الله عز وجل أن يخرجها من صلبه، جعلها تفاعاً في الجنة وأتاني بها جبرئيل عليه السلام فقال لي: السلام عليك ورحمة الله وبركاته يا محمد، قلت وعليك السلام ورحمة الله حبيبي جبرئيل. فقال يا محمد! إن ربك يقرئك السلام! قلت: منه السلام وإليه يعود السلام، قال: يا محمد! إن هذيه تفاعاً أهداها الله عز وجل إليك من الجنة، فأخذتها وضمتها إلى صدري، قال: يا محمد! يقول الله جل جلاله: كلها، ففلقتها فرأيت نوراً ساطعاً ففرغت منه، فقال: يا محمد! ما لك لا تأكل؟ كلها ولا تحف، فإن ذلك النور المنصوره في السماء وهي في الأرض فاطمة، قلت: حبيبي جبرئيل! ولم سميت في السماء المنصوره وفي الأرض فاطمة؟ قال: سميت في الأرض فاطمة لأنها فطمت شيعتها من النار، وطمع أعداؤها عن حبها، وهي في السماء المنصوره، وذلك قول الله عز وجل: يفرح المؤمنون بنصر الله ينصر من يشاء، يعني نصر فاطمة لمحبّيها.

2- ر.ك. پی نوشت 150.

جلّ جلاله می گفت، سپس آن نور را به درختی در بهشت به ودیعت درآورد، در نتیجه نور افشاند، هنگامی که پدرم (در معراج) داخل بهشت شد، الله تعالی به او وحی نمود: میوه این درخت را برگیر و در کام قرار ده (و بخور)، و پدرم چنین کرد و بدین وسیله خداوند تعالی مرا در صلب پدرم صلی الله علیه و آله قرار داد، سپس در مادرم خدیجه دختر خویلد علیها السلام به ودیعت نهاد، سپس مرا زاید، من از آن نور هستم.

تسبیحات الزهراء علیها السلام

قرآن کریم در چندین آیه کریمه به «بسیار یاد نمودن خداوند» امر نموده، می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (1)

ای ایمان آوردگان! هرگاه با گروهی از دشمن روبرو می شوید، پایداری کنید و خدا را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.

و در جایی دیگر می فرماید:

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». (2)

جز آن هایی که ایمان آورده و عمل صالح نموده و خدا را بسیار یاد کنند، و هنگامی که مورد ظلم واقع می شوند، یاری می طلبند، و به زودی ستمکاران خواهند دانست که به چه حالی دگرگون می شوند.

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَ

ص: 60

1- سوره (8) الأنفال آیه 46.

2- سوره (26) الشعراء آیه 228.

الصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (1).

مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان فرمان بردار، و مردان و زنان راست گوی، و مردان و زنان شکيبا، و مردان و زنان خاشع، و مردان و زنان انفاق کننده و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان حافظ عفت، و مردان و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند، خداوند برای همه آن ها بخشش و پاداش بزرگی آماده ساخته است.

«فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (2).

پس چون نماز تمام شد، در زمین پراکنده شوید، و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار گردید. (3)

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» پرسیده شد، و حضرت فرمود:

«مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ».

هر کس خداوند را با تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام تسبیح گوید، به تحقیق همان ذکر بسیار خداوند را به جای آورده است.

و فرمود:

«تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (4).

تسبیح فاطمه علیها السلام از ذکر بسیار الله است که خداوند عزوجل فرمود:

ص: 61

1- سوره (33) الأحزاب آیه 36.

2- سوره (12) الجمعة آیه 11.

3- التبیان فی تفسیر القرآن: ج 8 ص 347- روی فی أخبارنا أن: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.

4- معانی الأخبار: ص 193 ح 5- وقد روی فی خبر آخر عن الصادق علیه السلام: أنه سئل عن قول الله عزوجل: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» ما هذا الذكر الكثير؟ قال: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ. حدَّثنا بذلك محمد بن الحسن رحمه الله قال: حدَّثنا أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد قال: حدَّثنا أبو محمد جعفر بن أحمد بن سعيد البجليّ ابن أخي صفوان بن يحيى، عن علي بن أسباط، عن سيف بن عميرة، عن أبي الصباح بن نعيم العائذي، عن محمد بن مسلم قال في حديث يقول في آخره: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ. از او: وسائل الشيعة: ج 6 ص 442 ب ح 8393- 4 و بحار الأنوار: ج 82 ص 331 ب 37 ح 8. و تفسیر العياشي: ج 1 ص 67 ح 122 عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ. و مجمع البيان في تفسیر القرآن: ج 8 ص 568- عن زرارة و حمران ابني أعين، عن أبي عبد الله عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. از او: وسائل الشيعة: ج 6 ص 443 ب 8 ح 8395- 6 و البرهان في تفسیر القرآن: ج 4 ص 476 ح 8663 و بحار الأنوار: ج 82 ص 335 ب 37 ح 22.

«مرا یاد کنید شما را یاد کنم».

و فرمود:

«تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (1).

تسبیح فاطمه الزهراء عليها السلام از ذکر کثیر است که الله عزوجل فرموده: «الله را یاد کنید یاد بسیار».

اسماعیل بن عمّار گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: حد ذکر کثیر الله در آیه «اذکروا الله ذکراً کثیراً» چیست؟ فرمود:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَنْ تُكَبِّرَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَتُسَبِّحَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً وَتُحَمِّدَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ مَرَّةً، وَبِالنَّهَارِ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرْتَ اللَّهَ كَثِيرًا» (2).

همانا رسول الله صلی الله علیه وآله به فاطمه عليها السلام یاد دادند تا 34 مرتبه الله اکبر گوید و 33 مرتبه سبحان الله بگوید و 33 مرتبه الحمد لله بگوید، پس چون در شب یک بار، و در روز یک بار چنین کنی، به تحقیق الله را بسیار یاد

کرده ای.

و به ابوهارون مکفوف فرمود:

«يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ، فَالزَّمُهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمُهُ عَبْدٌ فَشَقِي» (3).

ای ابوهارون! به درستی که ما (اهل بیت) فرزندان خود را امر میکنیم به گفتن

ص: 62

1- الکافی: ج 2 ص 500 ح 4- محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن سيف بن عميرة، عن بكر بن أبي بكر، عن زرارة بن أعين، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. از او: وسائل الشيعة: ج 6 ص 441 ب 8 ح 8390-1. و تأویل الآيات الظاهرة: ص 446 و البرهان في تفسير القرآن: ج 4 ص 476 ح 8660- قال محمد بن العباس رحمه الله: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هُوذَةَ الْبَاهِلِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ التَّهَانُونِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

2- تأویل الآيات الظاهرة: ص 446 و البرهان في تفسير القرآن: ج 4 ص 476 ح 8661- قال محمد بن العباس رحمه الله: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا مَا حُدِّثَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَنْ تُكَبِّرَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَتُسَبِّحَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً وَتُحَمِّدَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ مَرَّةً، وَبِالنَّهَارِ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرْتَ اللَّهَ كَثِيرًا.

3- الکافی: ج 3 ص 363 ح 13 - محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن أبي

هارون المكفوف، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ، فَالزَّمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمَهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ. از او: تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ب 8 ح 165 و وسائل الشيعة: ج 6 ص 441 ب ح 8391-2. و مانند آن الأمامي، الشيخ الصدوق: ص 579 المجلس 85 ح 16- حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رضوان الله عليه قال: حدثنا الحسن بن محمد بن عامر، عن عمه عبد الله بن عامر، عن محمد بن أبي عمير، عن أبي هارون المكفوف ... و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص 163- حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن أبي هارون المكفوف، عن أبي عبد الله عليه السلام قال لأبي هارون المكفوف: يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ، فَالزَّمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمَهُ عَبْدٌ فَيَسْتَقِيَ.

تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام چنان که امر می کنیم ایشان را به نماز گزاردن، بنابراین لازم است ملازم آن باشی، که به درستی هر بنده ای که آن را بر خود لازم نسازد و به آن قیام ننماید، به یقین بدبخت و بی سعادت باشد.

«مَنْ سَبَّحَ فِي عَقَبِ كُلِّ فَرِيضَةٍ تَسْبِيحِ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (1).

هر کس پس از هر نماز واجب به تسبیح فاطمه الزهراء صلوات الله عليها تسبیح گوید قطعاً ذکر الله را بسیار نموده است.

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرموده اند:

«مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ» (2).

هر که به هنگام خواب تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را به جای آورد از مردان و زنانی است که بسیار ذکر الله گفته اند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ (الزَّهْرَاءِ) فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ» (3).

(گفتن) تسبیح فاطمه (الزهراء) علیها السلام در هر روز پس از هر نماز برایم دوست داشتنی تر از هزار رکعت نماز گزاردن در هر روز است.

«مَا عِبَدَ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ، لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ» (4).

ص: 63

1- المقنعة: ص 140- و سئل الصادق عليه السلام عن قول الله عز وجل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» ما حدّ هذا الذكر؟ فقال: مَنْ سَبَّحَ فِي عَقَبِ كُلِّ فَرِيضَةٍ تَسْبِيحِ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

2- مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 8 ص 561- روي عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ. از او: وسائل الشريعة: ج 1 ص 447 ب 11 ح 8404 - 4 و بحار الأنوار: ج 22 ص 176 ب 2 و ج 82 ص 335 ب 37 ضمن ح 22.

3- الكافي: ج 3 ص 343 ح 15- (محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة - معلق) عن أبي خالد القمّاط قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: . از او: تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ب 8 ح 167 و فلاح السائل و نجاح المسائل، ص 135. و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص 163- حدّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن إسماعيل، عن أبي خلف القمّاط قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. و مكارم الأخلاق: ص 301 - فروي عن الصادق عليه السلام أنه قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي عَقَبِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. و مجموعة ورام: ج 1 ص 301 - عن الصادق عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ فَرِيضَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ

أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. وَكُشِفَ الْغَمَّةَ فِي مَعْرِفَةِ الْأَنْمَةِ: ج 1 ص 471- روي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ كُلَّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. وعوالي اللئالي: ج 1 ص 333 ح 91 - وروي عن الباقر عليه السلام أنه قال: مَا عَبْدَ اللَّهَ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. إِنَّ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ دُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. وسائل الشيعة: ج 6 ص 444 ب 9 ح 8397- 2 از الكافي و التهذيب و ثواب الأعمال. بحار الأنوار: ج 82 ص 332 ب 37 ح 9 از ثواب الأعمال و از مصباح الأنوار مرسل.

4- الكافي: ج 3 ص 343 ح 14 - (محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع - معلق)، عن صالح بن عقبة، عن عقبة، عن أبي جعفر عليه السلام قال:.. از او: تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ب 8 ح 166، ووسائل الشيعة: ج 6 ص 443 ب 9 ح 8396 و بحار الأنوار: ج 43 ص 64 ب 3 ح 56.

خداوند از سپاس‌گزاری به ذکری برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام پرستش نشده است، و اگر چیزی بهتر از آن بود رسول الله صلی الله علیه وآله آن را به فاطمه عطا می نمود. افضل عبادات و اذکار لسانی و قلبی که در قرآن کریم به تفسیر اهل بیت اطهار علیهم السلام «ذکر کثیر» از آن یاد شده است همان تسبیحات حضرت فاطمة الزهرا علیها السلام است که سرشار از معارف توحیدی است لذا هر کس صبح و شام تسبیح او گوید، مفتخر به ذکر کثیر گشته است، نمونه ای بی بدیل و بی نظیر.

بنابراین خدای تبارک و تعالی حسب معرفت و طاعت و عبادت مقام می دهد چنان چه رسول الله را حسب عبودیت محض او نسبت به ذات الله تبارک و تعالی، اشرف الخلائق مقرر فرموده است و افتخار برای رسول الله این است که در قرآن او را بنده خویش معرفی می فرماید، به همین ترتیب فاطمه زهرا سلام الله علیها در مرحله ای از عبودیت الهی قرار دارد که از سوی «آمة الله» نامیده شده و از سوی دیگر تسبیحات ایشان، ذکر الله الکثیر می شود چنان که برترین عبادت، تسبیح است؛

والاثرین مرتبه توحید، توحید تنزیهی است «سبحان الله» و برترین سپاس‌گزاری، تحمید است «الحمد لله» و والاترین تقدیس، برتر دانستن الله تبارک و تعالی از هر وصف و موصوف است «الله اکبر» و او را چنان که شایسته اوست، بزرگ و گرامی داشتن و تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها متضمن همه این ها است، برترین تقدیس و تنزیه و تحمید که حکایت از ذکر الله و عبادت اوست چنان که برخاسته از معرفت سرشار و شایسته است.

و این همه حکایت از مقام حجة الله بودن آن حضرت دارد.

برهان 9- «الصلوات» اوست

غرض از خلقت مخلوقات - چنان که صریح بیان قرآن است - عبادت برخاسته از معرفت

و قرین معرفت است، و پس از معرفت، نماز ستون دین است، و بنابر این آیه کریمه محافظت پیوسته بر نماز با رعایت همه شرایط آن واجب و منکر نماز کافر است:

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (1).

همه نمازها خصوصاً نماز میانه را محافظت نمایید و برای خدا مطیعانه به پاخیزید.

امام جعفر صادق علیه السلام درباره این آیه کریمه فرمودند:

«الصَّلَاةُ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَ «الْوَسْطَى» : أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» طَائِعِينَ لِأَيِّمَّةٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (2).

(در این آیه) «الصَّلَوَاتِ - نمازها»، رسول الله و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین هستند، و «الصَّلَاةِ الْوَسْطَى - نماز میانه» امیرالمؤمنین است، «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ - و برای خدا مطیعانه به پاخیزید» (یعنی در راه) اطاعت از اهل بیت علیهم السلام (برای خداوند به پا خیزید).

ایمان و اعتقاد به مقامات و شئون اهل بیت اطهار علیهم السلام فرض است و بدون آن عبادتی نیست، این ایمان و اعتقاد شرط صحت و قبولی است. روح عبادات قبول ولایت و ایمان به مقامات الهی آنان است، بنابر این آیه و حدیث امام علیه السلام، همان طور که فرمودند رسول الله و امیرالمؤمنین و حسنین نماز هستند، حضرت فاطمه علیها السلام را نیز فرمودند، و در این اصل نیز چون دیگر امامان از خمسه طیبه، مشترک بوده همگی امام و حجة الله هستند.

ص: 65

1- سوره (2) آیه 239.

2- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 128 ح 421- [عن زرارة]، عن عبد الرحمن بن كثير، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى - وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» قال: الصَّلَاةُ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَ الْوَسْطَى: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» طَائِعِينَ لِأَيِّمَّةٍ. از او: البرهان في تفسير القرآن: ج 1 ص 498 ح 496 ح 1320.

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هنگام نماز فاطمه پیوسته هفتاد هزار فرشته به او ندا دهند:

«يا فاطمة! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».

«يا فاطمة! افنتي لربك واسجدي وازكعي مع الراكعين».

ص: 66

بخش هفتم فاطمه، الله و دين الله

اشاره

ص: 67

برهان 10- نام فاطمه، مشتق از نام خداست

فَطَرَ در آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ...» (1) به معنی «خَلَقَ» و «أَبَدَعَ» و ایجاد است. و در آیه «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ» (2) به معنی و «إِنْشَقَّتْ» شکافتن و غایت موجودات است و رسول الله صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه فرمودند:

«وَشَقَّ لَكَ يَا فَاطِمَةُ إِسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ، فَهُوَ الْفَاطِرُ وَأَنْتِ فَاطِمَةُ، ...» (3).

و برای تو هم ای فاطمه! از اسامی خود نامی مشتق کرد، نام او فاطر است و تو فاطمه ای،

پس ایشان سبب فاعلی و غایت آفرینش است و این مقام، جز شأن ولی الله و حجة الله نیست؛ فتدبر جيداً.

برهان 11- أسماء فاطمة عند الله !!!

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ وَالصِّدِّيقَةُ وَالْمُبَارَكَةُ وَالطَّاهِرَةُ وَالرَّزِيَّةُ وَالرَّاضِيَّةُ وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالرَّهْرَاءُ» (4).

ص: 69

1- سوره (30) الروم آیه 31.

2- سوره (82) الإنفطار آیه 2.

3- معانی الأخبار: ص 56 ح 3. از او: بحار الأنوار: ج 37 ص 47 ب 50 ح 23.

4- الأمالی، ابن بابویه: ص 592 المجلس 86 ح 18 و الخصال: ج 2 ص 414 ح 3 و علل الشرائع: ص 178 ب 142 ح 3 - حدَّثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله قال: حدَّثني علي بن الحسين السعد آبادي، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي قال: حدَّثني عبد العظيم بن عبد الله الحسيني قال: حدَّثني الحسن بن عبد الله بن يونس، عن يونس بن ظبيان قال: قال أبو عبد الله الصادق عليه السلام: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ وَالصِّدِّيقَةُ وَالْمُبَارَكَةُ وَالطَّاهِرَةُ وَالرَّزِيَّةُ وَالرَّاضِيَّةُ وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالرَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ: تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سَمَّيْتَ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي. قَالَ: فَطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و دلائل الإمامة: ص 79 ح 19- أخبرني الشريف أبو محمد الحسن بن أحمد العلوي المحمدي النقيب، قال: أخبرني أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى القمي رضي الله عنه، قال: حدَّثنا محمد بن موسى بن المتوكل، قال: حدَّثنا علي بن الحسين السعد آبادي، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني، قال: حدَّثني الحسن بن عبد الله، عن يونس بن ظبيان، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ وَالْمُدْبَةُ، وَالْمُبَارَكَةُ، وَالطَّاهِرَةُ، وَالرَّزِيَّةُ، وَالرَّاضِيَّةُ، وَالْمَرْضِيَّةُ، وَالْمُحَدَّثَةُ، وَالرَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَقْسِرُ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي، فَمِمَّا فَطِمْتَ؟ قَالَ: مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و روضة الواعظين: ج 1 ص 148 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام:

ج2 ص181 وكشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج1 ص463 والدرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص455 مانند الأمالى و الخصال و الشّرائع.

فاطمه علیها السلام نزد الله عزوجل 9 نام دارد: فاطمه و صدیقه و مبارکه و طاهره و زکیه و رضیه و مرضیه و محدثه و زهراء.

امام علیه السلام نفرمود این اسماء آسمانی است و نزد آسمانیان و ملکوتیان است و یا زمینی است و نزد زمینیان است، بلکه فرمود: 9 نام نزد الله دارد!!! بسیار باید تأمل کرد، خالق را شناخت و این مخلوق را که هر کدام از آن نام ها، متضمن معارفی غیر قابل احصاء بشر است، و این حکایت از مقامات عنداللهی ایشان دارد...، شرح این اسماء بماند تا وقت دگر.

امام فرمود:

آیا می دانی چرا فاطمه نامیده شد؟

عرض کردم: نمی دانم، شما بفرمایید، فرمود:

از (همه) شرّ بریده شده است.

قرآن کریم می فرماید:

«وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ» (1)

و میان آنان (اهل بهشت و اهل دوزخ)، مانعی است و مردانی بر فراز هستند که هر کس را از روی چهره اش می شناسند و بهشتیان را ندا می دهند که سلام بر شما باد. وارد بهشت نمی شوند حال آن که امید آن دارند.

رسول الله و اهل بیت اطهار صلوات الله علیهم فرمودند:

«... وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلٍ مَعْرِفَتِنَا» (2)

... و (مقصود از) اعرف (در قرآن) ما هستیم همانان که الله شناخته نشود جز به سبب راه شناخت ما (اهل بیت).

ص: 70

1- سوره (7) الاعراف آیه 47.

2- احادیث بسیاری در کتاب های: بصائر الدرجات و الإختصاص و الکافی و غیر آن ها درباره این مطلب است، و ما در این جا به دو حدیث شریف اکتفا می کنیم: بصائر الدرجات: ص 497 ب 16 ح 7 به سند خود از اصبع بن نباته از سلمان فارسی گفت: قسم به خداوند هر آینه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که به حضرت علی علیه السلام می فرمود: يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِي - أَوْ قَالَ: - مِنْ بَعْدِكَ أَعْرَافٌ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلٍ مَعْرِفَتِكُمْ، وَأَعْرَافٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَأَنْكَرْتُمُوهُ. و بصائر الدرجات: ص 497 ب 16 ح 6 به سند صحیح از اصبع بن نباته گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ... وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلٍ مَعْرِفَتِنَا، ...

آیه و نیز احادیث شریفه ذیل آن، نشان می دهد که حضرت زهرا سلام الله علیها نیز از اعراف بوده و طریق انحصاری حصول معرفه الله هستند و جز آنان که حضرت ایمان آنان را تأیید نماید، وارد بهشت نخواهد شد و این همان مقام والای حجة الله است.

برهان 12- فاطمه «دین استوار»

«وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (1).

مأمور نشده اند مگر آن که خدا را بندگی کنند، عبادت را مخصوص او کنند، موحد باشند، نماز را پیوسته برپا دارند و زکات را بپردازند، که این است دین استوار.

در حدیثی در تأویل آیه کریمه «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ» (2).

او (یعنی دین القیمة) فاطمه علیها السلام است.

مصدق اتم دین استوار، وجود یگانه و ارزش مند فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

برهان 13- امر بزرگ، ولایت فاطمه

قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكَبِيرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» (3).

به درستی که آن، هرآینه یکی از امور بزرگ است * که برای بشر بیم دهنده است.

در حدیث صحیح ابوحزمه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام است که فرمود:

یعنی فاطمه علیها السلام (4).

بنابراین آن چه به تعبیر قرآن کریم، امری بزرگ و برای بشر بیم دهنده است، فاطمه

ص: 71

1- سوره (98) البینة آیه 6.

2- تأویل الآيات الظاهرة: ص 800- محمد بن خالد البرقي مرفوعاً، عن عمرو بن شمر، عن جابر بن يزيد، عن أبي جعفر عليه السلام قال: في قوله عز وجل: «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» قَالَ هُمْ مَكْدُبُو الشَّيْخَةِ لِأَنَّ الْكِتَابَ هُوَ الْآيَاتُ، وَأَهْلَ الْكِتَابِ الشَّيْخَةُ. وَقَوْلُهُ: «وَالْمُسْتَرِكِينَ مُنْفَكِّينَ» يَعْنِي الْمُرْجِنَةَ، «حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ» قَالَ: يَتَضَحُّ لَهُمُ الْحَقُّ. وَقَوْلُهُ: «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ» يَعْنِي مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «يَتَلَوْنَ صُحُفًا مُطَهَّرَةً» يَعْنِي يَدُلُّ عَلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُمْ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَهُمْ الصُّحُفُ الْمُطَهَّرَةُ، وَقَوْلُهُ: «فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ» أَي

عَدَدَهُمُ الْحَقُّ الْمُبِينُ. وَقَوْلُهُ: «وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» يَعْنِي مُكَذَّبِي الشَّيْعَةِ. وَقَوْلُهُ: «إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ» أَي مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْحَقُّ، «وَمَا أُمِرُوا» هُوَ لِأَصْدِقَانِ «إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» وَالإِخْلَاصُ الإِيْمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَقَوْلُهُ: «وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ» وَالصَّلَاةُ وَ الزَّكَاةُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» قَالَ: هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَقَوْلُهُ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» قَالَ: الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِأُولِي الأَمْرِ وَاطَاعُوهُمْ بِمَا أَمَرُوهُمْ بِهِ فَذَلِكَ هُوَ الإِيْمَانُ وَالعَمَلُ الصَّالِحُ، وَقَوْلُهُ: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُ رَاضٍ عَنِ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا وَالأُخْرَى، وَ الْمُؤْمِنُ وَإِنْ كَانَ رَاضِيًا عَنِ اللَّهِ فَإِنَّ فِي قَلْبِهِ مَا فِيهِ لِمَا يَرَى فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ التَّمَجُّصِ، فَإِذَا عَايَنَ الثَّوَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ الْحَقُّ حَقَّ الرِّضَا، وَهُوَ قَوْلُهُ: «وَرَضُوا عَنْهُ»، وَقَوْلُهُ: «ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ» أَي أَطَاعَ رَبَّهُ. وَمَعْنَى آخِرِ أَنْ بُولَايَتِهِمْ تَقْبَلُ الصَّلَاةَ وَ الزَّكَاةَ وَ جَمِيعَ الأَعْمَالِ. وَقَوْلُهُ: «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، أَي صَاحِبَةُ دِينِ الْقِيَمَةِ أَي المَلَّةِ المُسْتَقِيمَةِ.

3- سورة (74) المدثر آية 36.

4- تفسير القمي: ج 2 ص 396 - أخبرنا الحسين بن محمد، عن المعلّى بن محمد، عن الحسن بن عليّ الوشاء، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «إِنَّهَا لِأَحَدَى الكُبْرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» قَالَ: يَعْنِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. از او: البرهان في تفسير القرآن: ج 5 ص 528 ح 11207 وبحار الأنوار: ج 24 ص 331 ب 67 ح 55 و ج 43 ص 23 ب 3 ح 16.

می باشد، از سوی دیگر در کتاب شریف الکافی ضمن حدیثی طولانی از امام موسی کاظم علیه السلام «لَا حُدَى الْكَبِيرِ» به ولایت تفسیر شده است؛(1)

یعنی ولایت اولیاء معصوم و خود آن حضرات امری بزرگ و از دین است و با سایر امور قابل مقایسه نیست، هم چنین چون با دیگر اشیاء و اشخاص مقایسه نمی شود، پس حجت الله است و خدای تعالی با آنان حجت خود را بر همه اقامه می کند.

برهان 14- فاطمة آیه الله

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أَيْةُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَتَا اللَّهِ، عَلِيٌّ مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ».(2)

داخل بهشت شدم و بر سر در آن دیدم که با طلا نوشته بود: لا اله الا الله، محمد حبیب الله، علی بن ابی طالب ولی الله، فاطمه آیه الله، حسن و حسین دو برگزیده الله، لعنت خدا بردشمنانشان باد.

بنابراین حدیث شریف، وجود گرامی صدیقه طاهره سلام الله علیها، رهنما و برهان توحید الهی هستند در همه عوالم و بر همه آفریدگان.

برهان 15- فاطمه در شمار اعراف

قرآن کریم می فرماید:

«وَيَبْنِيهِمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ».(3)

و میان آنان (اهل بهشت و اهل دوزخ)، مانعی است و مردانی بر فراز هستند که هر کس را از روی چهره اش می شناسند و بهشتیان را ندا می دهند که سلام بر شما

ص: 72

1- الکافی: ج 1 ص 434 ح 91.

2- کنز الفوائد: ج 1 ص 149 به سند خود از موسی بن جعفر از پدران گرامش از رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم که فرمود: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أَيْةُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَتَا اللَّهِ، عَلِيٌّ مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.

3- سوره (7) الأعراف آیه 47.

باد. وارد بهشت نمی شوند حال آن که امید آن دارند.

رسول الله و اهل بیت اطهار صلوات الله عليهم فرمودند:

«... وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا» (1).

... و (مقصود از) اعرف (در قرآن) ما هستیم همانان که الله شناخته نشود جز به سبب راه شناخت ما (اهل بیت).

آیه و نیز احادیث شریفه ذیل آن، نشان می دهد که حضرت زهراء سلام الله عليها نیز از اعرف بوده و طریق انحصاری حصول معرفه الله هستند و جز آنان که حضرت ایمان آنان را تأیید نماید، وارد بهشت نخواهد شد و این همان مقام والای حجة الله است یعنی تحقق و صحت توحید و عبادت، به معرفت و طاعت آنان و اخذ معارف از آنان است.

برهان 16- مقام هدایت گری فاطمه

قرآن کریم می فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (2).

او (یعنی خداوند) است کسی که ستارگان را برایتان قرار داد تا در تاریکی های بیابان و دریا بدان هدایت یابید (راه را بیابید) به راستی که آیات را برای دانایان، باز نموده و شرح دادیم.

در تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند آمده است: «النُّجُومُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (3) (مقصود آیه از) نجوم و ستارگان، آل محمد صلوات الله عليهم هستند (که هدایت گرند)؛

اجمالاً بدین معنا: همان طور که رسول الله و ائمه اطهار عليهم صلوات الله در تاریکی های جهالت و ضلالت، هادی خلق إلى الله تعالی هستند، صدیقه طاهره

ص: 73

1- احادیث بسیاری در کتاب های: بصائر الدرجات و الإختصاص و الکافی و غیر آن ها درباره این مطلب است، و ما در این جا به دو حدیث شریف اکتفا می کنیم: بصائر الدرجات: ص 497 ب 16 ح 7 به سند خود از اصبع بن نباتة از سلمان فارسی گفت: قسم به خداوند هر آینه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که به حضرت علی علیه السلام می فرمود: يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِي - أَوْ قَالَ: - مِنْ بَعْدِكَ أَعْرَافٌ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ، وَأَعْرَافٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَأَنْكَرْتُمُوهُ. و بصائر الدرجات: ص 497 ب 16 ح 6 به سند صحیح از اصبع بن نباتة گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ... وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا، ...

2- سوره (6) الأنعام آیه 98.

3- تفسیر القمی: ج 1 ص 211، از او: مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 4 ص 178.

فاطمه سلام الله عليها نیز هدایت گر از جانب الله تعالى است و مقام او به رتبه از حضرات امام حسن و امام حسین و 9 امام از نسل امام حسین علیهم السلام بالاتر است، و دلیل آن، احادیث از کتب خاصه و عامه است که برخی از آن ها را ذکر می کنیم:

جابر بن عبد الله رحمه الله و انس بن مالک لعنه الله گویند: رسول الله صَلَّى الله عليه وآله فرمود:

«إِفْتَدُوا (إِهْتَدُوا) بِالشَّمْسِ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَافْتَدُوا (فَاهْتَدُوا) بِالْقَمَرِ، فَإِذَا غَابَ الْقَمَرُ فَافْتَدُوا (فَاهْتَدُوا) بِالزُّهْرَةِ، فَإِذَا غَابَتِ الزُّهْرَةُ فَافْتَدُوا (فَاهْتَدُوا) بِالْفَرْقَدَيْنِ».

باید دنباله روی خورشید باشید (بدان هدایت شوید)، و هرگاه که آن از دید شما دور شد، دنباله روی ماه باشید (بدان هدایت بجوید)، و چون ماه نیز از شما دور گردید، دنباله روی زهره باشید (بدان هدایت بجوید)، و چون ستاره زهره هم از دید شما پنهان گشت، دنباله روی فرقدین (دو ستاره قطبی) باشید (بدان هدایت بجوید).

اصحاب گفتند: (مراد از) خورشید و ماه و زهره و فرقدان چیست؟ فرمودند:

«أَنَا الشَّمْسُ، وَعَلِيٌّ الْقَمَرُ، وَ الزُّهْرَةُ فَاطِمَةٌ، وَ الْفَرْقَدَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ» (1).

(مراد از) خورشید منم، و ماه علی است، و «زهره» فاطمه، و «فرقدان» حسن و حسین اند.

و در روایت دیگری جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی رسول الله پس از نماز صبح که با ما به جماعت به جا آورد به ما رو کرد و فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ، وَمَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ

ص: 74

1- معاني الأخبار: ص 115 ح 2- حدَّثنا أبو الحسن محمد بن عمرو البصري قال: حدَّثنا أبو القاسم نصر بن الحسين الصفار النهاوندي بها قال: حدَّثنا أبو الفرج أحمد بن محمد بن خوزي السامري قال: حدَّثنا أبو بكر القاسم بن إبراهيم القنطري قال: حدَّثنا إبراهيم بن خالد الحلواني قال: حدَّثنا محمد بن خلف العسقلاني قال: حدَّثنا محمد بن السري، عن محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: إِفْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَافْتَدُوا بِالْقَمَرِ، فَإِذَا غَابَ الْقَمَرُ فَافْتَدُوا بِالزُّهْرَةِ، فَإِذَا غَابَتِ الزُّهْرَةُ فَافْتَدُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ. فقالوا: يا رسول الله! فما الشمس و ما القمر و ما الزُّهْرَةُ و ما الفرقدان؟ فقال: أَنَا الشَّمْسُ، وَعَلِيٌّ الْقَمَرُ، وَ الزُّهْرَةُ فَاطِمَةٌ، وَ الْفَرْقَدَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. حدَّثنا أحمد بن محمد بن عبد الرحمن المقرئ قال: حدَّثنا أبو الحسن علي بن الحسن بن بندار قال: حدَّثنا أبو الحسن بن حيسون [حيون] قال: حدَّثنا القاسم بن إبراهيم بن خالد الواسطي قال: حدَّثنا محمد بن خلف قال: حدَّثنا عبد الله بن السري، عن محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله، عن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: أَنَّهُ قَالَ: إِفْتَدُوا بِالشَّمْسِ - وذكر الحديث مثله سواء. از او: بحار الأنوار: ج 24 ص 74 ب 30 ح 9. و از کتب عامه: شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 76 ح 91 - أخبرنا أبو عبد الله محمد بن عبد الله بن أحمد الفسوي بقراءتي عليه من أصله قال: حدَّثنا أبو يعقوب بن يوسف بن مكِّي الرنجاني بهمدان قال: حدَّثنا أبو بكر أحمد بن سليمان ببغداد قال: قرئ على هلال بن العلاء الرقيي و أنا أسمع قال: حدَّثني أبي، عن الدراوردي، عن مكحول، عن محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: إِهْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَإِذَا غَابَ الشَّمْسُ فَاهْتَدُوا بِالْقَمَرِ، فَإِذَا

غَابَ الْقَمَرُ فَاهْتَدُوا بِالزُّهْرَةِ، فَإِذَا غَابَتِ الزُّهْرَةُ فَاهْتَدُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ. فقيل: يا رسول الله! ما الشَّحْسُ و ما القمر و ما الزُّهْرَةُ و ما الفرقدان؟ قال: الشَّمْسُ أَنَا، الْقَمَرُ عَلِيٌّ، وَ الزُّهْرَةُ فَاطِمَةُ، وَ الْفَرْقَدَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. و شواهد التَّنْزِيلِ لقواعد التَّفْضِيلِ: ج 2 ص 288 ح 922- أخبرنا أبو سعد السَّعْدِيُّ فِي فَوَائِدِهِ، أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّرِيِّ الْهَمْدَانِيُّ بِبَغْدَادٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَبَةَ اللَّهِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ بِاللَّهِ، حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ نَصْرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَانَ الْمُصَيِّصِيِّ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَانَ الْبَصْرِيُّ، حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ مَرْزُوقٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَانَ السَّلْمِيِّ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا فَقَدْتُمُ الشَّمْسَ فَاتُّوا الْقَمَرَ، وَ إِذَا فَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَاتُّوا الزُّهْرَةَ، فَإِذَا فَقَدْتُمُ الزُّهْرَةَ فَاتُّوا الْفَرْقَدَيْنِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الشَّمْسُ؟ قَالَ: أَنَا، قِيلَ: مَا الْقَمَرُ؟ قَالَ: عَلِيٌّ. قِيلَ: مَا الزُّهْرَةُ؟ قَالَ: فَاطِمَةُ. قِيلَ: مَا الْفَرْقَدَانِ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. و فَوَائِدُ السَّعْدِيِّ: ج 2 ص 16 ب 3 السَّمَطُ 2: ح 367 - أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْفَارُوقِيِّ، أَنبَأَنَا أَبُو طَالِبِ بْنِ عَبْدِ الْمَسِيحِ الْهَاشِمِيُّ، أَنبَأَنَا شَاذَانَ بْنُ جَبْرِئِيلَ الْقَمِيَّ بِقِرَائَتِي عَلَيْهِ، أَنبَأَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقَمِيَّ، أَنبَأَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ التَّنْزِييَّيَّ قَالَ: أَنبَأَنَا أَبُو الْفَتْحِ [الْفَتْوحُ «خ»] الْمُحَسِّنُ بْنُ أَبِي طَاهِرٍ حَامِدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصَّبَّاحِ الْمَاهِ أَبَادِي فِيمَا قَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَصْلِ سَمَاعِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَافِظُ أَبُو مَسْعُودٍ سَلِيمَانَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سَلِيمَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ الْإِمَامِ، حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَيْسَى بْنِ جَرِيرِ بْنِ مُوسَى الْبَغْدَادِيِّ بِالْبَصْرَةِ إِمْلاءً أَسَنَةً سَبْعَ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثَ مِائَةٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا الْقَاضِي يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ حَمَّادِ بْنِ زَيْدِ بْنِ دَرْهَمٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَمْرُو بْنُ مَرْزُوقٍ، عَنْ شُعْبَةَ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَانَ السَّلْمِيِّ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: اظْلُبُوا الشَّمْسَ، فَإِذَا غَابَتْ فَاطْلُبُوا الْقَمَرَ، فَإِذَا غَابَ فَاطْلُبُوا الزُّهْرَةَ، فَإِذَا غَابَتْ فَاطْلُبُوا الْفَرْقَدَيْنِ. قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَ مَنْ الشَّمْسُ؟ قَالَ: أَنَا. وَ مَنْ الْقَمَرُ؟ قَالَ: عَلِيٌّ. قُلْنَا: وَ مَنْ الزُّهْرَةُ؟ قَالَ: فَاطِمَةُ. قُلْنَا: فَمَنْ الْفَرْقَدَانِ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

فَلَيْتَمَسَّكَ بِالْفَرْقَدَيْنِ».

ای مردم، هرکس خورشید را از دست داد، باید به ماه چنگ زند و هرکس ماه را گم کرد، باید به دو ستاره متمسک شود. من و ابو ایوب انصاری و انس بن مالک گفتیم: یا رسول الله! خورشید کیست؟ فرمود: من هستم. و حضرتش برای ما مثالی زد و فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنَا وَجَعَلَنَا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّمَاءِ، كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَأَنَا الشَّمْسُ، فَإِذَا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ». راستی که الله تعالی ما را آفرید و چونان ستارگان آسمان قرار داد، هرگاه ستاره ای غروب کند ستاره ای دیگر طلوع نماید، بنابراین (مقصود از خورشید من هستم، و چون برده شوم، به ماه تمسک جویند.

گفتیم: ماه کیست؟ فرمود:

«أَخِي، وَوَصِيِّ، وَوَزِيرِي، وَقَاضِي دِينِي، وَأَبُو وُلْدِي، وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ».

برادر و وصی من است و ادا کننده دین من، و پدر فرزندانم، و جانشینم در خاندانم، علی بن ابی طالب.

گفتیم: فرقدان کیانند؟ فرمود:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ».

حسن و حسین اند.

سپس کمی مکث کرد و فرمود:

«فَاطِمَةُ هِيَ الزُّهْرَةُ. وَعَثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ».

ص: 75

لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ». (1)

فاطمه همان زهره است، و عترت من، اهل بیت من، آنان با قرآن اند و قرآن با آنان است، تا زمانی که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند از یک دیگر جدا نشوند.

برهان 17- فاطمة المصطفاة و بارها مصطفاة الله

رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود:

هنگام نماز فاطمه علیها السلام، هفتاد هزار فرشته او را در محرابش سلامش کنند و او را ندا می دهند به همان ندایی که به حضرت مریم میدادند:

«يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». (2)

ای فاطمه! همانا الله تو را برگزیده و پاک نموده و بر زنان جهان برگزیده است.

و پس از شهادت رسول الله صلى الله عليه وآله خدای تعالی او را که وحشت زده از دوری رسول الله صلى الله عليه وآله است به فرشتگان انس دهد و همان سخنی که به حضرت مریم علیها السلام می گفتند به او می گویند:

«يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا فَاطِمَةُ! اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَازْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ». (3)

ای فاطمه! همانا الله تو را برگزیده و پاکیزه نموده و بر زنان عالم برگزیده است، ای فاطمه! برای پروردگارت قنوت و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن.

پس فاطمة الزهراء سلام الله علیها «مصطفاة الله» و از خصوصیات امام، محدث بودن است و صدیقه طاهره سلام الله علیها نیز چنین بودند. (4) و این مقام، برگزیده الله بودن و بارها از عالم غیب این ندا را دریافتن، جز شایسته حجة الله نیست.

برهان 18- خشنودی و خشم فاطمه

بنابر روایات بسیاری از رسول الله صلى الله عليه وآله، در کتب خاصه و عامه رضا و

ص: 76

1- الأمالی، الطوسی: ص 516 المجلس 18 ح 1131 - 38- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل قال: حدثنا الحسن بن علي بن زكريا أبو سعيد البصري قال: حدثنا محمد بن صدقة العنبري قال: حدثنا موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي عليهم السلام، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: صلى بنا رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً صلاة الفجر، ثم انفتل و أقبل علينا يحدثنا، فقال: أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ، وَ مَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْفَرْقَدَيْنِ. قَالَ: فَقُمْتُ أَنَا وَ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ وَ مَعَنَا أَسُّ بْنُ مَالِكٍ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ الشَّمْسُ قَالَ: أَنَا، فَإِذَا هُوَ رَبُّ لَنَا مَثَلًا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنَا وَ جَعَلَنَا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّمَاءِ، كُلَّمَا غَاب

نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَأَذَا الشَّمْسُ فَإِذَا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ. فُلْنَا: فَمَنْ الْقَمَرُ؟ قَالَ: أَحْيَى وَوَصِيٌّ وَوَزِيرِي وَقَاضِي دِينِي وَأَبُو لَدِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. فُلْنَا: فَمَنْ الْقَمَرُ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. ثُمَّ مَكَثَ مَلِيًّا، وَقَالَ: فَاطِمَةُ هِيَ الزُّهْرَةُ، وَعَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. از او: بحار الأنوار: ج 24 ص 75 ب 30 ح 11.

2- الأماي، ابن بابويه القمي: ص 487 مجلس 73 - از ابن عباس از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ضمن حديثي درباره حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمودند: ... فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَإِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَيُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرِيَمَ فَيَقُولُونَ: «يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» ... وبشارة المصطفي: ج 2 ص 177 وروضة الواعظين: ج 1 ص 149 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 360 مانند الأماي.

3- الأماي، ابن بابويه القمي: ص 114 مجلس 24 به سند خود از ابن عباس از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ضمن حديثي درباره حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمودند: ... وَتَسْتَوْحِشُ إِذَا جَنَّتْهَا اللَّيْلُ لِفَقْدِ صَوْتِي الَّذِي كَانَتْ تَسْتَمِعُ إِلَيْهِ إِذَا تَهَجَّدَتْ بِالْقُرْآنِ، ثُمَّ تَرَى نَفْسَهَا ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كَانَتْ فِي أَيَّامِ أَبِيهَا عَزِيزَةً فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَنِّسُهَا اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِالْمَلَائِكَةِ، فَتَادُّهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا فَاطِمَةُ! اقْنَبِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَازْكَعِي مَعَ الرَّكْعِينَ. از او: بشارة المصطفي: ج 2 ص 198 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 360.

4- احاديث بسياری در باب محدث بودن حضرات محمد و آل محمد و حضرت فاطمه صلوات الله عليهم است که به برخی از آن ها اشاره می شود: سوره (22) الحج آیه 53: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسُخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». و تفسیر علي بن ابراهيم القمي: ج 2 ص 85 و اما در روایات خاصه همانا روایت شده است از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَصَابَهُ خِصَابَةٌ فَجَاءَ إِلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ: هَلْ عِنْدَكَ مِنْ طَعَامٍ؟ فَقَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَبَحَ لَهُ عَنَاقًا وَشَوَاءً، فَلَمَّا أَدْنَاهُ مِنْهُ تَمَنَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَنْ يَكُونَ مَعَهُ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَجَاءَ مُنَافِقَانِ، ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ بَعْدَهُمَا، فَانزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ»، يَعْنِي فُلَانًا وَ فُلَانًا». و بصائر الدرجات: ص 320 ب 5 ح 3 به سند متصل خود از حکم بن عینة قال: دخلت على علي بن الحسين يوماً فقال لي: «يا حَكَمُ! هَلْ تَدْرِي مَا الْآيَةُ الَّتِي كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْرِفُ بِهَا صَاحِبَ قَتْلِهِ (يَعْرِفُ قَاتِلَهُ بِهَا- الكافي) وَ يَعْلَمُ بِهَا الْأُمُورَ الْعِظَامَ الَّتِي كَانَ يُحَدِّثُ بِهَا النَّاسُ؟». قَالَ الْحَكَمُ: فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: قَدْ وَقَفْتُ عَلَى عِلْمٍ مِنْ عِلْمِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، أَعْلَمُ بِذَلِكَ تِلْكَ الْأُمُورَ الْعِظَامَ. قَالَ: فَقُلْتُ: لَا وَ اللَّهُ لَا أَعْلَمُ بِهِ أَخْبِرْنِي بِهَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: «وَ اللَّهُ قَوْلُ اللَّهِ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَ لَا مُحَدِّثٍ». قَالَ: «نَعَمْ وَ كُلُّ إِمَامٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَهُوَ مُحَدِّثٌ». از او: الكافي: ج 1 ص 270 ح 2 مانند او و اضافه نمود: فقال له رجل يقال له عبد الله بن زيد كان أخا عليٍّ لأمه: سبحان الله محدثاً! كأنه ينكر ذلك فأقبل علينا أبو جعفر عليه السلام فقال: «أما والله إن ابن أُمَّكَ بَعْدُ قَدْ كَانَ يَعْرِفُ ذَلِكَ». قال: فلما قال ذلك سكت الرجل. فقال: «هِيَ الَّتِي هَلَكَ فِيهَا أَبُو الْخَطَّابِ فَلَمْ يَدْرِ مَا تَأْوِيلُ الْمُحَدِّثِ وَ النَّبِيِّ». و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 336 در كتاب الأحياء است که ابن عباس آیه را چنین قرائت می نموده: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَ لَا مُحَدِّثٍ». و دلائل الإمامة: ص 80 و 152 به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: سَمِعْتُ فَاطِمَةَ مُحَدِّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهَيِّطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا كَانَتْ تُنَادِي مَرِيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ: «يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». «يَا فَاطِمَةُ! اقْنَبِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَازْكَعِي مَعَ الرَّكْعِينَ»، وَ تَحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا. مانند آن: الدرّ النظيم: ص 456. و العدد القوية: ص 226 از كتاب الدرّ و كتاب مواليد الأئمة عليهم السلام: إِسْمُهَا فَاطِمَةُ ... وَ مُحَدِّثَةٌ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانُوا يُنَادُونَهَا: «يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». «يَا فَاطِمَةُ! اقْنَبِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَازْكَعِي مَعَ الرَّكْعِينَ»، وَ تَحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا. ...

غضب الله تبارک و تعالی، رضا و غضب فاطمه است. (1)

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَرَدِّ عَمُومٍ مِي فَرَمُود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِعِغْضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا».

همانا الله تعالی برای غضب فاطمه غضب می نماید، و به رضایتش راضی می شود.

هم چنین خطاب به خود حضرت فاطمه علیها السلام می فرمود:

«يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعِغْضَبِكَ، وَيَرْضَى لِرِضَاكِ» (2)

ای فاطمه! به راستی الله تبارک و تعالی به جهت غضب تو غضب می کند، و به رضایتت راضی می گردد.

این احادیث شریف و نیز احادیثی که تحت عنوان «اتحاد نوری حضرت با اهل البيت» آورده شده، حکایت از عصمت و طهارت تامه کتبه حضرت فاطمه سلام الله علیها می کند که آیه تطهیر بر آن ظهور و دلالت دارد. رضایت آن حضرت هیچ تخلفی از رضای الهی ندارد، و او جز به رضای الهی راضی نیست، و غضب نمی کند جز آن جا که خدای تعالی غضب نماید. ملاک رضا و غضب الهی است، و غضب و رضای او به هیچ وجه نفسانی و یا شهوی نمی باشد و این مقام جز برای حجة الله نیست.

برهان 19- سلام و صلوات خداوند بر فاطمه

مأمون عباسی لعنه الله، در محضر امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام اجتماعی از علمای عراق و خراسان تشکیل داد و در آن از فضائل عترت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَخَنَ كَفْتَهُ شَدَّ تَا إِيْن كَه إِمَامُ أَزْ إِنْ إَقْرَارُ كَرَفْتُ كَه مَقْصُودُ أَزْ «يَس» دَر قُرْآنِ كَرِيمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتِ وَ فَرَمُود:

«فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَى مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَضْلًا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ»

ص: 77

1- الأماي، ابن بابويه: ص 384 مجلس 61 ح 1- به سند خود از امام جعفر صادق، از پدران گرامش، از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و سلم فرمود: «يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعِغْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ...». مانند آن: دلائل الإمامة: ص 146 ح 53 به سند خود از امام حسين از پدرش از جدش رسول الله، و الأماي، الشيخ الطوسي: ص 427 مجلس 15 ح 954 - 11 به سند خود از امام جعفر صادق، از پدرانش، از رسول الله. و روضة الواعظين: ج 1 ص 149 - از رسول الله. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: از امام صادق، و از كتاب شرف النبي ابن سعيد واعظ، و از كتاب الفضائل: از ابوصالح مؤذن، از ابن عباس، و از كتاب الإبانة عكبري، و از كتاب الديانة محمود إسفرائيني، همگی از رسول الله. و الإحتجاج: ج 2 ص 354 از حسين بن زيد، از امام جعفر صادق عليه السلام، از رسول الله، و كشف الغمة: ج 1 ص 458 از كتاب الآل، از امام حسين، از پدرش عليهما السلام، از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و سلم. و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 26 ب 31 ح 6 - به سند خود از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: «تُحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ يَوْمَ»

الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَّصْبُوعَةٌ بِالْدَّمِ، فَتَعَلَّقُ بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ: يَا عَدْلُ! أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وُلْدِي. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَيَحْكُمُ اللَّهُ تَعَالَى لِابْنَتِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ، وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَغْضَبُ بِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». و معاني الأخبار: ص 46 ب 31 ح 176- به سند خود از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». و معاني الأخبار: ص 303 ح 2 به سند خود از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ شَجَنَةٌ مِنِّي، يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا، وَ يَسِّرُنِي مَا يَسِّرُهَا، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». و كشف الغمّة: ج 1 ص 467 از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ شَجَنَةٌ مِنِّي، يُسَخِّطُنِي مَا أَسَخَطَهَا، وَيَرْضِينِي مَا أَرْضَاهَا». الأمامي، الشيخ المفيد: ص 95 مجلس 16 ح 4 - به سند خود از امام محمد باقر از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». مانند آن: إعلام الوری: ص 149 فصل 2 از رسول الله صلى الله عليه وآله، و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 325 - از حسين بن زيد بن علي، از امام جعفر صادق، و از جابر، از امام محمد باقر، از رسول الله صلى الله عليه وآله، و كشف الغمّة: ج 1 ص 467- روایت شده است از امام جعفر صادق، از رسول الله صلى الله عليه وآله. بشارة المصطفى: ج 2 ص 208- به سند خود از امام رضا، از پدرانش، از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى بِرِضَاهَا». إعتقادات الإمامية: ص 105 - و أما فاطمة صلوات الله عليها فاعتقادنا فيها أنها سيّدة نساء العالمين من الأولين والآخرين، و أن الله يغضب لغضبها، و يرضى لرضاها، و أنّها خرجت من الدنيا ساخطة على ظالميها و غاصبيها و مانعي إرثها.

2- برخی از منابع عامّه: مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ابن شهر آشوب: ج 3 ص 373 نقل از کتاب های: - شرف النبي، ابو سعيد خرگوشي - فضائل العشرة، ابو صالح المؤذن - الإبانة، ابو عبد الله العكبري - كتاب الديانة، محمود الإسفرائيني. السقيفة و فلك، الجوهری: ص 106 و مستدرک الصحيحين: ج 3 ص 167 ح 4730- المعجم الكبير: ج 2 ص 401 ح 1001 - التّدوين: ج 3 ص 42/ از چاپ جديد اين كتاب در بيروت حذف شده است - أسد الغابة: ج 5 ص 522 - ذخائر العقبی: ص 39 - كفاية الطالب: ص 219- میزان الإعتدال: ج 2 ص 72- أخبار الدّول: ص 87- الخصائص الكبرى، ج 16 ص 265 - الإصابة: ج 4 ص 366 - نظم درر السّمطين: ص 177- كنز العمّال: ج 1 ص 219 و ج 7 ص 111 و ج 13 ص 96 و ص 280- تهذيب التهذيب: ج 12 ص 441- كنوز الحقائق: ص 32- ينابيع المودّة: ص 173 و 179 و 198- رشفة الصّادي: ص 61 - مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، ابن المغازلي: ص 351 ح 401 و ص 352 ح 402 - المدهش: ص 129 مسند فاطمة الزّهراء عليها السلام: ص 74 ح 186- الذّريّة الطّاهرة: ج 2 ص 762 عيون الأخبار في مناقب الأخيار: ص 46- تهذيب الكمال: ج 22 ص 144- ترجمة الإمام الحسن عليه السلام تاريخ دمشق: ص 37 و

كُنْهَ وَصْفِهِ إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، وَقَالَ: سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَقَالَ: سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ وَ لَمْ يَقُلْ: سَلَامٌ عَلَى آلِ نُوحٍ وَ لَمْ يَقُلْ: سَلَامٌ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ لَا قَالَ: سَلَامٌ عَلَى آلِ مُوسَى وَ هَارُونَ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،...» (1).

همانا الله عزوجل به محمد و آل محمد از این جهت فضیلتی بخشیده که احدی به فهم عمق وصف آن فضیلت نرسد مگر آن کس که درباره آن تعقل نماید، و مطلب مهم آن است که حق تعالی جز بر انبیاء صلی الله علیهم بر هیچ کس سلام نگفته است که او تبارک و تعالی فرموده: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» و فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» و فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» و فرموده است: سلام علی آل نوح، و فرموده است: سلام علی آل ابراهیم و فرموده است: سلام علی آل موسی و هارون، در حالی که فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ» یعنی آل محمد صلی الله علیه و آله

پس این فضیلت تنها برای آل محمد است که خداوند در قرآن به آنان سلام داده است، یعنی ایشان پیوسته بهره مند از فیوضات ویژه و سلام خاص الله تعالی هستند و یگانه بانوی هستی حضرت فاطمه نیز از آل محمد هستند و حتی تنها با استناد به قرآن کریم نیز می توان دانست که خداوند آنان را هم تراز نه، بلکه فراتر از سایر پیامبران و خاندان آنان اعلام می فرماید، فافهم جیداً.

ص: 78

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 229 - 236 ب 23 ح 1 - حدثنا علي بن الحسين بن شاذويه المؤدب و جعفر بن محمد بن مسرور رضي الله عنهما قالا: حدثنا محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن الرِّثَانِ بن الصلت قال: حضر الرضا عليه السلام مجلس المأمون بمرو، وقد اجتمع في مجلسه جماعة من علماء أهل العراق و خراسان، فقال المأمون: أخبروني عن معنى هذه الآية: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا. فقالت العلماء: أراد الله عزوجل بذلك الأمة كلها. فقال المأمون: ما تقول يا أبا الحسن؟ فقال الرضا عليه السلام: لَا أَقُولُ كَمَا قَالُوا وَ لَكِنِّي أَقُولُ: أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ الْعِتْرَةَ الطَّاهِرَةَ... فقالت العلماء: فأخبرنا هل فسر الله عزوجل الإصطفاء في الكتاب؟ فقال الرضا عليه السلام: فَسَّرَ الْإِصْطِفَاءَ فِي الظَّاهِرِ سِوَى الْبَاطِنِ فِي اثْنِي عَشَرَ مَوْطِنًا وَ مَوْضِعًا،... وَ أَمَّا الْآيَةُ السَّابِعَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يَصَدُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِيمَ عَلَيْكَ، فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ: تَقُولُونَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَهَلْ بَيْنَكُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فِي هَذَا خِلَافٌ؟ فَقَالُوا: لَا، قَالَ الْمَأْمُونُ: هَذَا مِمَّا لَا خِلَافَ فِيهِ أَصَدًّا، وَ عَلَيْهِ إِجْمَاعُ الْأُمَّةِ فَهَلْ عِنْدَكَ فِي الْأَلِّ شَيْءٌ أَوْضَحُ مِنْ هَذَا فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: نَعَمْ، أَخْبَرُونِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يَسُّ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَمَنْ عَنَى بِقَوْلِهِ يَسُّ؟ قَالَتِ الْعُلَمَاءُ: يَسُّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمْ يَشْكُ فِيهِ أَحَدٌ. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَى مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَضْلًا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَصْفِهِ، إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، وَقَالَ: سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَقَالَ: سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ، وَ لَمْ يَقُلْ: سَلَامٌ عَلَى آلِ نُوحٍ، وَ لَمْ يَقُلْ: سَلَامٌ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ لَا قَالَ: سَلَامٌ عَلَى آلِ مُوسَى وَ هَارُونَ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ، يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقَالَ الْمَأْمُونُ: قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ فِي مَعْدِنِ التُّبُّوَّةِ شَرْحٌ هَذَا وَ بَيَانُهُ فَهَذِهِ السَّابِعَةُ،... وَ سَعِدَ السُّعُودُ لِلنَّفُوسِ مَنْصُودٌ: ص 273 [فيما نذكره من مناقب النبي و الأئمة للأستر آبادي] و منه آيات، و اختار من الوجهة الأولى من ثاني قائمة من الكراس الرابع بلفظه: وقد روى محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن الرِّثَانِ بن الصلت قال: حضر الرضا علي بن موسى عند المأمون بمرو،... و تحف العقول، ص 425 - 433.

اضافه بر روایات بسیار و فرمایش شهید اسلام محمد بن ابی بکر و تأیید امیرالمؤمنین، حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام نیز محدثه بودند، و در آخرت و قیامت نیز به جهت خطاب هایی از جانب ربّ جلیل عزوجلّ به ایشان، محدث خواهند بود، و این از ویژگی ها و شرایط امامت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام است. (1)

عنوان «فاطمة المصطفاة و بارها مصطفاة الله» نیز متضمن همین معناست. مراجعه بفرمایید.

ص: 81

1- کتاب سلیم بن قیس الهلالي: ج 2 ص 823 ح 37... فقلت لمحمد: من تراه حدث أمير المؤمنين عليه السلام عن هؤلاء الخمسة بما قالوا؟ فقال: رسول الله صلى الله عليه وآله، إنه يراه في منامه كل ليلة و حديثه إياه في المنام مثل حديثه إياه في [الحياة] و اليقظة فإن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: «من رآني في المنام فقد رآني، لأن الشيطان لا يتمثل بي في نوم ولا يقظة، ولا بأحد من أوصيائي إلى يوم القيامة». قال سلیم: فقلت لمحمد بن أبي بكر: من حدثك بهذا؟ قال علي عليه السلام. فقلت: وأنا سمعته أيضا منه كما سمعت أنت. فقلت لمحمد: فلعل ملكاً من الملائكة حدثه؟ قال: أو ذاك. قلت: و هل تحدث الملائكة إلا الأنبياء؟ قال: أما تقرأ القرآن: «وما أرسَلنا من قبلك من رسولٍ ولا نبيٍّ ولا مُحدِّثٍ»؟ قال: قلت له: أمير المؤمنين عليه السلام محدث هو؟ قال: نعم، و كانت فاطمة عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة و مريم كانت محدثة ولم تكن نبيّة و أم موسى ما كانت نبيّة و كانت محدثة و كانت سارة امرأة إبراهيم قد عانت الملائكة فبشروها «يا سحّاق و من وراء إسحّاق يعقوب» و لم تكن نبيّة. قال سلیم: فلما قتل محمد بن أبي بكر بمصر و نعي عزيت به أمير المؤمنين عليه السلام و خلوت به فحدثته بما حدثني به محمد بن أبي بكر و خبرته بما خبرني به عبد الرحمان بن غنم قال: صدق محمد رحمه الله، أما إنّه شهيد حيّ يرزق، ... و بصائر الدرجات: ص 372 جزء 8 با ح 16 به سند متصل خود از سلیم گوید: شنیدم حضرت علی عليه السلام می فرمود: اِنِّي وَ اَوْصِيَاءِي مِنْ وُدِّي (أئمة مهتدون - الاختصاص) مهديون كلنا محدثون. فقلت: يا أمير المؤمنين من هم؟ قال: الحسن و الحسين عليهما السلام، ثم ابني علي بن الحسين عليهما السلام. قال: و عليّ يومئذ رضيع - ثم ثمانية من بعده و أحداً بعد و أحدهم الذين أقسم الله بهم فقال: «و والِدٍ و ما و لدٌ»، أما الوالد فرسول الله صلى الله عليه وآله، «و ما و لدٌ» يعني هؤلاء الأوصياء. قلت: يا أمير المؤمنين! تجمع [أجمع] إمامان؟ قال: «لا إلا و أحدهما مصمت لا ينطق حتى يمضي الأول». قال سلیم السامي: سألت محمد بن أبي بكر قلت: كان علي عليه السلام محدثاً؟ قال: نعم. قلت: و هل يحدث الملائكة إلا الأنبياء؟ (و يحدث الملائكة الائمة - الاختصاص) قال: أما تقرأ: «و ما أرسَلنا من قبلك من رسولٍ ولا نبيٍّ ولا مُحدِّثٍ»؟ قلت: فأمر المؤمنين عليه السلام محدث؟ قال: نعم، و فاطمة كانت محدثة و لم تكن نبيّة. الإختصاص: ص 329 از اسماعيل بن يسار مانند البصائر با اختلافي اندك. و علل الشرائع: ج 1 ص 183 ب 146 ح 2 - از پدرش، از عبد الله بن الحسن مؤدب، از احمد بن علي اصفهاني، از ابراهيم بن محمد تقفي، از اسماعيل بن بشار، از علي بن جعفر حضرمي، از سليمان، از محمد بن أبي بكر: لما قرأ: «و ما أرسَلنا من قبلك من رسولٍ ولا نبيٍّ ولا مُحدِّثٍ»، و هل يحدث الملائكة إلا الأنبياء؟ قال: مريم لم تكن نبيّة و كانت محدثة، و أم موسى بن عمران كانت محدثة ولم تكن نبيّة، و سارة امرأة إبراهيم قد عانت الملائكة فبشروها «يا سحّاق و من وراء إسحّاق يعقوب» و لم تكن نبيّة، و فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله كانت محدثة ولم تكن نبيّة. و كشف الغمة: ج 1 ص 468 و روي أنّ محمد بن أبي بكر رضي الله عنه ... مانند العلل. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 336 از سلیم مانند علل الشرائع. و گوید: و قد ذكر سعد القمي في بصائر الدرجات و محمد بن يعقوب الكليني في الكافي باباً في ذلك. سوره (11) هود عليه السلام آيه 72: «و امرأته قائمة فضحكك فبشروناها يا سحّاق و من وراء إسحّاق يعقوب». و إرشاد القلوب: ج 2 ص 393... قال (سلیم) قلت لمحمد: من تراه حدث أمير المؤمنين عليه السلام عن هؤلاء الخمسة بما قالوا؟ فقال: رسول الله، إنه يراه كل

ليلة في المنام وحدثه إياه في المنام مثل ما حدثه إياه في اليقظة والحياة. وقد قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَلَا فِي الْيَقَظَةِ وَلَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». قال سليمان: فقلت: لمحمد: من حدثك بهذا؟ قال: أمير المؤمنين علي بن أبي طالب. فقلت: وأنا أيضا سمعته منه كما سمعته أنت، فلعل ملكا من الملائكة حدثه. قال: وهل تحدث الملائكة إلا الأنبياء؟ أو ما تقرأ كتاب الله العزيز: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَلَا مُحَدِّثٍ؟» قلت: فأمر المؤمنين عليه السلام محدث؟ قال: نعم وفاطمة عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة، ومريم عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة، وأم موسى عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة، وسارة امرأة إبراهيم عليهما السلام محدثة قد عاينت الملائكة ولم تكن نبيّة وبشروها «بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ»... قال سليمان: فلما قتل محمد بن أبي بكر بمصر ونعي عزيت به أمير المؤمنين عليه السلام وخلوت به وحدثته بما حدثني به محمد بن أبي بكر وبما حدثني به ابن غنم قال: «صَدَقَ مُحَمَّدٌ (رَحِمَهُ اللَّهُ) أَمَا إِنَّهُ شَدِيدٌ حَيٌّ مَرُزُوقٌ. يَا سَلِيمُ! إِنِّي وَأَوْصِيَاءِي أَحَدَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي أَيْمَةُ الْهُدَى مَهْدِيُونَ مُحَدِّثُونَ». قُلْتُ: وَمَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: ابْنِي [ابْنَايَ] الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، ثُمَّ ابْنِي هَذَا - وَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَهُوَ رَضِيعٌ ثُمَّ قَالَ: - ثَمَانِيَّةٌ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، وَهُمْ الَّذِينَ أَقْسَمَ اللَّهُ بِهِمْ فَقَالَ: «وَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ» فَالْوَالِدُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَنَا وَمَا وَلَدٌ، يَعْنِي هَؤُلَاءِ الْأَحَدَ عَشَرَ أَوْصِيَاءِي (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، وَاللَّعْنَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَبَدًا [أَبَدَ الْأَبْدِينَ]». قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! يَجْتَمِعُ إِمَامَانِ؟ قَالَ: «لَا، أَحَدُهُمَا لَا يَنْطِقُ حَتَّى يَهْلِكَ الْأَوَّلُ».

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

«مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَهَا، فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ بَصَّةٌ مِنِّي، وَهِيَ قَلْبِي، وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ».

ص: 82

قرآن کریم می فرماید:

«وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ. قَالَ: أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي؟ قَالُوا: أَقْرَضْنَا. قَالَ: فَاشْهَدُوا، وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (1).

و آن گاه که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که دین شما را تصدیق می کند حتماً به او ایمان می آورید و او را یاری می کنید. فرمود: آیا (به این عهد) اقرار کردید و پیمان مرا گردن گرفتید؟ گفتند اقرار کردیم، فرمود: گواه باشید، من نیز با شما از گواهانم.

شرط اساسی برای مقام نبوت انبیاء، قبول ولایت اهل بیت اطهار است، و پیامبری هیچ پیامبری تکامل نیافت مگر با معرفت و قبول و اقرار به ولایت رسول الله و اهل بیت اطهارش و نیز برتری حضرت فاطمه صلوات الله و سلامه علیهم (2).

هم چنان که به معرفت و اقرار به حضرتش، آدم خلیفه الله شد، و انبیاء و رسل به نبوت و رسالت مبعوث شدند، رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

ص: 85

1- سوره (3) آل عمران (سورة آل محمد صلی الله علیهم) آیه 82.

2- بصائر الدرجات: ص 73 ب 8 ح 7 به سند متصل خود از حدیفة بن أسید الغفاری گفت: رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم فرمود: ما تکاملت النبوة لنبی فی الأظلة، حتی عرضت علیه ولایتی و ولایة اهل بیتی ومثلوا له فأقروا بطاعتهم و ولایتهم. و غرر الأخبار: 305 فصل 24- از حدیفة بن أسید غفاری مانند البصائر و در آن است: فأقر بها بطاعتهم و ولایتهم. و غرر الأخبار: 206 فصل 7- رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود: «ما تکاملت النبوة لنبی فی الأظلة حتی عرضت علیه نبوتی و ولایة اهل بیتی فإقر بها و بإمامة ابن عمی علیه السلام». و مجمع النورین: ص 20 و فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه وآله: ص 86 از مدینه المعاجز از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «ما تکاملت النبوة لنبی، حتی أقر بفضلها و محبتها».

«ما تكاملت النبوة لِنبيِّ في الأُظَلَّةِ، حتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وِلايَتِي وَ وِلايَةُ أَهْلِ بَيْتِي، وَمَثَلُوا لَهُ، فَأَقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ، وَ وِلايَتِهِمْ» (1).

در عالم اُظَلَّة (سایه ها) پیامبری هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر این که ولایت من و ولایت اهل بیت من براو عرضه شد، و تمثال آن ها برای آن پیامبر به مثال درآورده شد، در نتیجه به طاعت و ولایت آن ها اقرار نمودند.

اهمیت موضوع تا جایی است که به پیشی گرفتن بر محبت فاطمه و اهل بیت اطهار علیهم صلوات الله مراتب تعیین گشته چنان که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لَهُ الْحَمْدُ عَرَضَ حُبِّ عَلِيٍّ وَ فاطمةَ وَ ذُرِّيَّتِهَا عَلَيَّ الْبَرِيَّةِ، فَمَنْ بَادَرَ مِنْهُمْ بِالْإِجَابَةِ جَعَلَ مِنْهُمْ الرَّسُلَ، وَ مَنْ أَجَابَ بَعْدَ ذَلِكَ جَعَلَ مِنْهُمْ الشَّيْعَةَ، وَ إِنَّ اللَّهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ» (2).

همانا الله که او را حمد سزاست، دوستی علی و فاطمه و نسل او را بر همه خلق عرضه داشت، پس هر کسی که پیشی بر اجابت آن گرفت پیامبران را از آنان قرار داد، و هر که پس از آنان اجابت نمود شیعیان را از آنان قرار داد، و قطعاً خداوند

آنان را در بهشت جمع نماید.

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«ما تكاملت النبوة لِنبيِّ حتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مُحِبَّتِهَا» (3).

نبوت هیچ پیامبری کامل نگشت تا به فضیلت و (وجوب) محبت فاطمه اقرار نمود.

اسحاق بن عمار و ابو بصیر نقل می کنند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«... وَ عَلَيَّ مَعْرِفَتِهَا دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولَى» (4).

... و قرن های آغازین بر (لزوم) معرفت (و ایمان به حضرت فاطمه) گردیده است.

ص: 86

1- بصائر الدرجات: ص 73 ب 8 ح 7 - حدَّثنا أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن سيف بن عميرة، عن أبي بكر الحضرمي، عن حذيفة بن أسيد الغفاري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما تكاملت النبوة لِنبيِّ في الأُظَلَّةِ، حتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وِلايَتِي وَ وِلايَةُ أَهْلِ بَيْتِي وَمَثَلُوا لَهُ فَاقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ وَ وِلايَتِهِمْ. و غرر الأخبار: 305 الفصل 24 از حذيفة بن أسيد غفاری مانند البصائر و در آن است: فَأَقَرَّ بِهَا بِطَاعَتِهِمْ وَ وِلايَتِهِمْ. و غرر الأخبار: 206 الفصل 7 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «ما تكاملت النبوة لِنبيِّ في الأُظَلَّةِ حتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ نُبُوتِي وَ وِلايَةُ أَهْلِ بَيْتِي فَيَقَرَّ بِهَا وَ بِإِمَامَةِ ابْنِ عَمِّي عَلَيْهِ السَّلَام».

2- ملحقات إحقاق الحق: ج 9 ص 192 از كتاب المناقب المرتضوية: ص 97 چاپ بمبئی از كتاب خلاصة المناقب رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَهُ الْحَمْدُ عَرَضَ حُبِّ عَلِيٍّ وَ فاطمةَ وَ ذُرِّيَّتِهَا عَلَيَّ الْبَرِيَّةِ، فَمَنْ بَادَرَ مِنْهُمْ بِالْإِجَابَةِ جَعَلَ مِنْهُمْ الرَّسُلَ، وَ مَنْ أَجَابَ بَعْدَ ذَلِكَ جَعَلَ مِنْهُمْ الشَّيْعَةَ، وَ إِنَّ اللَّهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ».

- 3- مجمع النورين: ص 20 و فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله: ص 86. از مدينة المعاجز از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوَّةُ لِنَبِيِّ، حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مُجِيبَتِهَا».
- 4- الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 668 مجلس 36 ح 1399 - 6- به سند متصل از اسحاق بن عمار و ابو بصير از امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَهَرَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رُبِعَ الدُّنْيَا، فَرُبِعُهَا لَهَا، وَ أَمَهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النَّارَ، تُدْخِلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ، وَ تُدْخِلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ، وَ هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى (الأولى - البحار). از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 105 ب 5 ح 19.

الله تعالى در معراج به سيد المرسلين فرمود:

«يا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا» (1).

ای احمد! اگر تو نبودی مدار هستی را نمی آفریدم، و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم، و اگر فاطمه نبود هیچ یک از شما را نمی آفریدم.

حضرت فاطمة الزهراء سلام الله عليها چون حضرات رسول الله و ائمه اطهار عليهم الصلوة و السلام اضافه بر این که علت محدثه تکوین و تشریح است، علت مبقیه تکوین و تشریح، و علت خلق و بقاء اهل بیت اطهار نیز هست و در عالم دنیا اگر کار و جهاد او پس از رسول الله صلی الله علیه و آله نبود، دیگر نه اسلامی باقی می ماند و نه قرآنی و نه صاحب و حافظ قرآن و نه اهل بیت وحی؛

مأموریت حجت الله بودنش پس از شهادت رسول الله صلی الله علیه و آله، حفظ نبوت و رسالت و زحمات رسول الله و حفظ حجیت قرآن کریم و حفظ امامت و بیان آن و ولایت ائمه هدی و حفظ جان ائمه هدی و نسل رسول الله بود، تا قرآن نیز بنا بر فرمان و ترتیب رسول الله جمع شود و در خاندان امامت بماند و مصحف فاطمه نیز فراهم گردد و این ها و

ص: 89

1- منابع حدیث شریف: 1- کشف اللآلی (مخطوط): ص 5. از او: جنة العاصمة، سيد حسن مير جهاني: ص 283 نگارنده مؤلف قاصر حسن مير جهاني طباطبائی جرقوئی اصفهانی عفی الله عن جرائمه گوید: زمانی که در نجف اشرف مشرف بودم، بر حسب اتفاق برای اخذ کتابی از فضیلة العلامة خلد مقام شیخ محمد سماوی مؤلف کتاب إِبصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام شرف خدمت ایشان را حاصل کردم، در مکتبه ایشان به کتابی مخطوط که در مقابل داشتند نگاه می کردم، از نام آن کتاب پرسیدم، فرمودند: کتاب کشف اللآلی تألیف عالم جلیل شیخ صالح بن عبد الوهّاب بن العرنس حلی است، که یکی از علماء بزرگ شیعه بوده از علماء قرن نهم، و کتاب را به من دادند، کتابی بود به قطع وزیری، کاغذ زرد، قریب سیصد صفحه بخط شیخ احمد تونی نوشته شده بود. در ضمن این که مشغول دیدن عناوین آن بودم، برخورد کردم به حدیثی که مکرر از زبان معدودی از بزرگان اهل فضل شنیده بودم به طور مرسل و هر چند تفحص کرده و از بعضی از محدثین از سند آن پرسش می کردم اظهار بی اطلاعی می کردند، و بعضی هم از احادیث موضوعه می دانستند، دیدم در آن حدیث را مسنداً نقل نموده، از مرحوم سماوی استجازه استنساخ آن را نمودم، ایشان هم مضایقه نفرمودند، من با نهایت خوشحالی در همان مجلس حدیث را نوشتم چون در فضیلت بی بی معظمه فاطمه زهراء سلام الله عليها بود مقتضی دیدم که در این کتاب درج نمایم، و العهدة علی راویه. فی کتاب کشف اللآلی لصالح بن عبد الوهّاب بن العرنس أنّه روی عن الشیخ إبراهیم بن الحسن الذّراق، عن الشیخ علی بن هلال الجزائری، عن الشیخ أحمد بن فهد الحلی، عن الشیخ زین الدین علی بن الحسن الخازن الحائری، عن الشیخ أبي عبد الله محمد بن مكي الشّهدید، بطرقه المتّصلة إلى أبي جعفر محمد بن علي بن موسى بن بابويه القمي، بطريقة إلى جابر بن يزيد الجعفي، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، عن رسول الله صلی الله علیه و آله، عن الله تبارك و تعالی أنّه قال: «يا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا». ثمّ قال جابر: هذا من الأسرار التي أمرنا رسول الله صلی الله علیه و آله بكتمانه إلا عن أهله. یعنی: به سند مذکور از جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: خدای تبارك و تعالی فرمود: ای احمد! اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم، و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم، و اگر فاطمه نبود هیچ یک از شما را نمی آفریدم. مؤلف کتاب کشف اللآلی یکی از علماء قرن نهم هجری بوده، و او یکی از مؤلفین از علماء شیعه در فقه و اصول و حدیث بوده، کان عالماً ناسکاً زاهداً

ورعاً اديباً شاعراً، و در حدود هشتصد و چهل هجری تقریباً وفات یافته، و قبر او در حلّه هیفاء مزاری است که به آن تبرک می جویند. و سلسله راویان حدیث همه عدل امامی و از بزرگان مشیخه به شمار می روند، و سند حدیث در نهایت اتقان است. 2- بحر المعارف. از او: مجمع التورین: ص 13 و 14 و فی الحدیث القدسی: «یا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»، كما ذكره الوحيد البهبهاني، و روي في بحر المعارف: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»، و في ضياء العالمين للشيخ أبي الحسن الجدّ الأُمِّي للشيخ محمّد حسن صاحب الجواهر بزيادة فقرة: «وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ». و زندگانی حضرت فاطمة الزهراء عليها السلام، حسين عمادزاده: ص 242 در بحر المعارف در دنباله عبارت: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ» می نویسد: «وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» اگر فاطمه نبود شما را (یعنی محمّد و علی) خلق نمی کردم. القطرة من بحار مناقب النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْعِتْرَةِ، المستنبت: ج 1 ص 273. و مستدرک عوالم العلوم (فاطمة الزهراء عليها السلام): ج 11-قسم 1- ص 44 ب 4 از مستدرک سفینه البحار: ج 3 ص 334 از مجمع التورین. و الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، الأنصاري: ج 1 ص 233 ح 16 از برخی از منابع. 3- ضياء العالمين، أبو الحسن بن محمّد طاهر العامليّ الفتونّي ت 1138: از او: مجمع التورین: ص 14 ... و في ضياء العالمين للشيخ أبي الحسن الجدّ الأُمِّي للشيخ محمّد حسن صاحب الجواهر بزيادة فقرة: «وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ».

بقیه موارث انبیاء و رسول الله به ائمه هدی علیهم السلام برسد.

صدیقه کبری با جهاد و شهادت خود و فرزند مظلومش، سپر دین الهی و حجج الهی گشت، او حجة الله است که چنین وظیفه خطیری را می پذیرد و به کمال، به انجام می رساند و از نبوت رسول الله و ولایت امیرالمؤمنین، صیانت می نماید.

برهان 23- فاطمه، حجاب النبوة

«... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الطَّاهِرَةِ،... الَّتِي شَرَفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَ سَلَّمْتَ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَيْمَةِ، وَ أَرْخَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ النَّبُوَّةِ،...» (1).

... الاها! بر محمد و اهل بیت او درود فرست، و بر بتول پاکیزه درود فرست، ... او که به زاده شدنش به زنان بهشت شرافت دادی، و از او نورهای امامان را بیرون کشیدی (خلق نمودی)، و پرده و حجاب نبوت را از او برداشتی، ...

پس فاطمه زهرا سلام الله علیها، به نبوت متصل بوده و پردهای میان او و حقیقت نبوت نیست و قطعاً خدای تبارک و تعالی، کسی جز حجة الله را محرم این شأن نمی داند.

برهان 24- جایگاه باب و بیت فاطمه

در حدیث شریفی از امام موسی کاظم از پدر گرامش علیهما السلام از رسول الله صلی الله علیه وآله آمده است:

حضرت (یعنی رسول الله) پیش از شهادتش سفارش ثقلین را به انصار کرد و در ضمن وصیت های خود، بر حفظ حرمت حضرت فاطمه علیها السلام سفارش اکید نموده و فرمود:

«يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ! أَلَا إِسْمَعُوا وَمَنْ حَضَرَ، أَلَا إِنَّ بَابَ فَاطِمَةَ بَابِي، وَ بَيْتُهَا بَيْتِي، فَمَنْ هَتَكَهُ فَقَدْ هَتَكَ حِجَابَ اللَّهِ».

ص: 90

1- بحار الأنوار: ج 97 ص 200 ب 5 ح 20 از الإقبال بالأعمال الحسنة: ج 3 ص 166 فصل 6 ذکر زیارتها علیها السلام.

ای گروه انصار! هلا شما و هر که حضور دارد گوش دهید، بدانید همانا درب فاطمه درب من، و خانه اش خانه من است (حرمت خانه مرا دارد)، بنابراین هر کس حرمتش را بشکند، به یقین حجاب خدا را هتک کرده است.

و چون امام موسی کاظم به این جا رسید، حدیث را قطع کرد و بسیار گریه کرد و فرمود:

«هُتَاكَ وَ اللَّهُ حِجَابُ اللَّهِ، هُتَاكَ وَ اللَّهُ حِجَابُ اللَّهِ، هُتَاكَ وَ اللَّهُ حِجَابُ اللَّهِ، وَ حِجَابُ اللَّهِ حِجَابُ فَاطِمَةَ، يَا أُمَّهُ يَا أُمَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا» (1).

سوگند به الله، حجاب الله پاره (و بی حرمت) شد، سوگند به الله، حجاب الله هتک شد، سوگند به الله، حجاب الله هتک شد، و حجاب الله حجاب فاطمه است، ای مادر! ای مادر! صلوات الله بر او باد.

دقت شود «حجاب الله، حجاب فاطمه» این جز برای حجة الله سزاوار نیست.

برهان 25- فاطمه، خانه اش برترین خانه های انبیاء

قرآن کریم می فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (2).

در خانه هایی که خدا رخصت فرموده والا شوند و در آن ها نام او یاد گردد، و هر صبح و شام در آن ها تسبیح او کنند. در روایات بسیاری در کتب خاصه و عامه از روایانی از جمله انس بن مالک و بریده روایت شده که گفتند: رسول الله این آیه را قرائت فرمود، کسی (ابوبکر) برخاست و گفت: «مراد آیه از خانه) کدام خانه است یا رسول الله؟ فرمود:

«بُيُوتِ الْأَنْبِيَاءِ».

خانه های پیامبران.

ص: 91

1- طرف من الأنبياء و المناقب، للسيد علي بن طائوس: ص 143 الطرفة 10 نقلاً من كتاب الوصية للشيخ عيسى بن المستفاد الضريير: عن موسى بن جعفر، عن أبيه عليهما السلام قال: لَمَّا حَضَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَفَاةَ دَعَا الْأَنْصَارَ وَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ! قَدْ حَانَ الْفِرَاقُ، وَقَدْ دُعِيتُ وَأَنَا مُجِيبُ الدَّاعِي، وَقَدْ جَاوَزْتُمْ فَأَحْسَبُ نَفْسِي الْجَوَارِ، وَنَصَرْتُمْ فَأَحْسَبُ نَفْسِي النَّصْرَةَ، وَوَسَّعْتُمْ فِي الْأَمْوَالِ، وَوَسَّعْتُمْ فِي السُّكْنَى، وَبَدَلْتُمْ لِي اللَّهُ مَهَجَ النَّفُوسِ، وَاللَّهُ يَجْزِيكُمْ بِمَا فَعَلْتُمْ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى. وَقَدْ بَقِيَتْ وَاحِدَةٌ، وَهِيَ تَمَامُ الْأَمْرِ وَخَاتِمَةُ الْعَمَلِ، الْعَمَلُ مَعَهَا مَقْرُونٌ إِنِّي أَرَى أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا جَمِيعاً، لَوْ قِيسَ بَيْنَهُمَا بِشَيْءٍ عَرَّةٍ مَا انْقَاسَتْ، مَنْ أَتَى بِوَاحِدَةٍ وَتَرَكَ الْأُخْرَى كَانَ جَاحِداً لِلأَوْلَى، وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفاً وَلَا عَدلاً. قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَيْنَ لَنَا نَعْرِفُهَا، وَلَا نُمْسِكُ عَنْهَا فَتَنْصِلَ وَنَرْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ، وَالنَّعْمَةُ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَسُولِهِ عَلَيْنَا، فَقَدْ أَنْقَذَنَا اللَّهُ بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَقَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَأَدَيْتَ، وَكُنْتَ بِنَا رَءُوفاً رَحِيماً، شَفِيقاً مُشْفِيقاً، فَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ لَهُمْ: كِتَابُ اللَّهِ وَ أَهْلُ بَيْتِي، فَإِنَّ الْكِتَابَ هُوَ الْقُرْآنُ، وَ فِيهِ الْحُجَّةُ وَ التَّوْرُ وَ الْبُرْهَانُ، وَ كَلَامُ اللَّهِ جَدِيدٌ غَضُّ طَرِيٍّ،

شَاهِدٌ وَ مُحَكَّمٌ عَادِلٌ، دَوْلَةٌ قَائِدٌ بِحَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ وَ أَحْكَامِهِ، بَصِيرٌ بِهِ، قَاضٍ بِهِ، مَضْمُومٌ فِيهِ، يَتَقَوْمٌ غَدًا فَيُحَاجُّ بِهِ أَقْوَامًا، فَتَزَلُّ أقدامُهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ، فَاحْفَظُونِي مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ فِي أَهْلِ بَيْتِي، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. أَلَا وَإِنَّ الْإِسْلَامَ سَقْفٌ تَحْتَهُ دَعَامَةٌ، وَ لَا يَقُومُ السَّقْفُ إِلَّا بِهَا، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَتَى بِذَلِكَ السَّقْفِ مَمْدُودًا لَا دَعَامَةَ تَحْتَهُ، فَأَوْشَكَ أَنْ يَخْرَّ عَلَيْهِ سَقْفُهُ فَهَوَى فِي التَّارِ. أَيُّهَا النَّاسُ! الدَّعَامَةُ دَعَامَةُ الْإِسْلَامِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ، فَالْعَمَلُ الصَّالِحُ طَاعَةُ الْإِمَامِ - وَ لِي الْأَمْرُ - وَ التَّمَسُّكُ بِحَبْلِ اللَّهِ. أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا فَهَيْتُمْ؟ اللَّهُ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي! مَصَابِيحُ الْهُدَى، وَ مَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَ بِنَائِبِ الْحِكْمِ، وَ مُسْتَقَرِّ الْمَلَائِكَةِ، مِنْهُمْ وَ صِبْيِ وَ أَمِينِي وَ وَارِثِي، وَ هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَلَا هَلْ بَلَغْتُ؟! وَ اللَّهُ يَا مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ! لَتُفَرَّنَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْكُمْ، أَوْ لَيُضْرَبَنَّ بَعْدِي بِالذُّلِّ. يَا مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ! أَلَا إِسْمَعُوا وَمَنْ حَضَرَ، أَلَا إِنَّ بَابَ فَاطِمَةَ بَابِي، وَ بَيْتَهَا بَيْتِي، فَمَنْ هَتَكَهُ فَقَدْ هَتَكَ حِجَابَ اللَّهِ. قَالَ عَيْسَى بْنُ الْمُسْتَفَادِ: فَبَكَى أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَوِيلًا، وَ قَطَعَ عَنْهُ بَقِيَّةَ الْحَدِيثِ، وَ أَكْثَرَ الْبُكَاءِ، وَ قَالَ: هُنِكَ وَ اللَّهُ حِجَابُ اللَّهِ، هُنِكَ وَ اللَّهُ حِجَابُ اللَّهِ، هُنِكَ وَ اللَّهُ حِجَابُ اللَّهِ، وَ حِجَابُ اللَّهِ حِجَابُ فَاطِمَةَ، يَا أُمَّه يَا أُمَّه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا. از او: بحار الأنوار: ج 22 ص 476 با اختلافی.

2- سورة (24) النور آیه 37.

ابو بکر برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! این خانه از آن هاست (خانه علی و فاطمه)؟ فرمود:

«نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِهَا» (1).

آری، از برترین آن ها است.

خانه اش از برترین خانه هایی است که خداوند اجازه فرموده بالا رود و نام او در آن یاد شود، تسبیح صبح و شامی که خداوند از آن یاد نموده و آن را تأیید می فرماید، نه برای گذشته یا حال و آینده بلکه برای همه زمان ها.

برهان 26- جایگاه فاطمه نسبت به رسول الله

صدیقه طاهره سلام الله علیها، وعاء و ظرف همه علوم قرآن است، زیرا لیلۃ القدر اول است که به نحو انزال بود و لیلۃ القدر تا آخر است که تقدیرات همه عالم خلق و امر به نحو تنزل، اوست، و بنابر وحدت نوری، هم چون رسول خاتم و سید الأوصیاء صلوات الله علیهم، امر خلق و همه علوم و معانی ظاهری و باطنی قرآن و همه کتب آسمانی را داراست و بنابر این که در نور یکی هستند، هرچه بر رسول و ائمه نازل می شود بر او نازل می شود لکن بنابر رتبه و ترتیب؛

و حضرت فاطمه علیها السلام همه کمالات و مقامات و فضائل رسول الله و ائمه اطهار علیهم صلوات الله را واجده است به جز نبوت تأسیسی، و رسول الله صلی الله علیه وآله به بیان خود در موقعیت های مختلف و متعدد آن را اظهار فرمودند، مجاهد گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله روزی دست فاطمه را گرفته و از منزل خارج شدند و به مردم فرمودند:

«مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ بَصْرَةٌ مَنِّي، وَهِيَ قَلْبِي، وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» (2).

ص: 92

1- تفسیر علی بن ابراهیم القمّی: ج 2 ص 103- به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «هِيَ بَيْتُ الْأَنْبِيَاءِ، وَبَيْتُ عَلِيٍّ مِنْهَا. وَ تفسیر فرات الکوفی: ص 282 ح 382 - به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «... هِيَ بَيْتُ الْأَنْبِيَاءِ، وَبَيْتُ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْهَا». و تفسیر فرات الکوفی: ص 286 ح 386- به سند خود از زید علیه السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود: «هِيَ بَيْتُ الْأَنْبِيَاءِ». فقال أبو بکر: هذا منها - یعنی بیت علی بن ابی طالب-؟ فقال له النَّبِيُّ: «هَذَا مِنْ أَفْضَلِهَا». والکافی: ج 8 ص 113 ح 92 - به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «... وَ هِيَ بَيْتَاتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرَّسُولِ وَ الْحُكَمَاءِ وَ أئِمَّةِ الْهُدَى، فَهَذَا بَيَانُ عُرْوَةِ الْإِيمَانِ الَّتِي نَجَا بِهَا مَنْ نَجَا قَبْلَكُمْ، وَبِهَا يَنْجُو مَنْ يَتَّبِعُ الْأئِمَّةَ». و کامل الزیارات: ص 53 ح 2 - به سند خود از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام که فرمودند: «... طِبْتُمْ وَطَابَتْ مَنبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بَيْتِ أَيْمَانِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعُ وَيَذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، ...». مانند آن: من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 613 و عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 275 و کمال الدین: ج 1 ص 218. شواهد التنزیل: ج 1 ص 533 ح 567 - به سند خود از انس بن مالک و بریده که گفتند: رسول الله این آیه را قرائت فرمود کسی برخاست و گفت: (مراد آیه از خانه) کدام خانه است ای رسول الله؟ فرمود: «بَيْتُ الْأَنْبِيَاءِ». پس أبو بکر برخاست و گفت: ای رسول الله! این خانه از آن هاست (خانه علی و فاطمه)؟ فرمود: «نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِهَا». شواهد التنزیل: ج 1

ص 533 ح 568 به سند دیگری از انس و بريدة مانند آن. خصائص الوحي المبین: ص 79 و الصّراط المستقیم: ج 1 ص 293 از تفسیر ثعلبی مانند آن. و كشف الغمّة: ج 1 ص 319 از کتاب ما نزل من القرآن في شأن عليّ عليه السّلام از ابن مردويه مانند آن. و تأويل الآيات الظاهرة: ص 308 و تفسیر البرهان: ج 3 ص 138 از محمّد بن العباس الماهيار مانند آن.

2- كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج 1 ص 466- و روي عن مجاهد قال: خرج النبيّ صلّى الله عليه وآله وسلّم وهو أخذ بيد فاطمة عليها السّلام فقال: «مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ بَصَّةٌ مِنِّي، وَهِيَ قَلْبِي، وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ». و نقلت من كتاب لأبي إسحاق الثعلبيّ، عن مجاهد قال: خرج رسول الله صلّى الله عليه وآله وقد أخذ بيد فاطمة عليها السّلام وقال: مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ بَصَّةٌ مِنِّي، وَهِيَ قَلْبِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 54 ب 3. والمحتضر، الشيخ حسن بن سليمان الحلبيّ قدس سرّه: ص 403 ح 387 - من كتاب لأبي إسحاق الثعلبيّ، عن مجاهد ... و الغدير: ج 3 ص 20 از: الفصول المهمّة، ابن الصّبّاغ المالكيّ: ص 150 و نزهة المجالس: ج 2 ص 228 و نور الأبصار، الشّبلنجيّ: ص 45.

هرکه این (بانو) را می شناسد که می شناسد، و هر که او را نمی شناسد، (بداند) او فاطمه دختر محمد است، و او پاره ای از من است، و او قلب من است، و جان میان دو پهلوی من است، بنابراین هر که او را بیازارد به تحقیق مرا آزرده است، و هر که مرا بیازارد قطعاً خدا را آزرده است.

فاطمه از رسول الله و رسول الله از فاطمه

الله تعالی در قرآن کریم می فرماید:

«لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (1)

صدا کردن پیامبر را بین خودتان مانند صدا کردن بعضی از بعضی دیگر قرار ندهید. خداوند کسانی از شما را که در پناه یک دیگر پنهانی فرار می کنند می شناسد؛ بنابراین آنانی که از فرمان او سرپیچی می کنند، باید بترسند از آن که فتنه ای به آنان برسد یا گرفتار عذابی دردناک گردند.

سید رضی قدس سره به سند خود از امام جعفر صادق از پدرانش از حضرت فاطمه علیهم السلام نقل کرد که فرمود:

عَلَيَّ سَيِّدِي (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ: لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا، فَحِثُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ: يَا أَبَاهُ، فَجَعَلْتُ أَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَقْبَلَ عَلَيَّ، وَقَالَ: يَا بُنَيَّةُ! لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ مِنْ قَبْلُ، قَالَ: أَنْتِ مَعِي، وَ أَنَا مِنْكَ، وَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ، وَ إِنِّ قَوْلِكَ: يَا أَبَاهُ، أَحَبُّ إِلَيَّ قَلْبِي، وَ

ص: 93

أَرْضَى لِلرَّبِّ، ثُمَّ قَالَ: أَنْتِ نِعَمَ الْوَالِدِ، وَقَبْلَ وَجْهِ، وَ مَسْحَنِي مِنْ رِيقِهِ، فَمَا احْتَجْتُ إِلَى طَيْبِ بَعْدَهُ» (1).

سرورم (صلوات الله وسلامه عليه) بر من این آیه را تلاوت فرمود: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»، نزد نبی اکرم صلی الله علیه وآله آمدم و خواستم او را صدا بزنم و بگویم: ای پدر! اما به جای آن گفتم: یا رسول الله! حضرت به من رو کرد و فرمود: ای دخترکم! این آیه در شأن تو و خانواده ات نازل نشده. و فرمود: تو از من هستی، و من از تو هستم، و همانا این آیه در شأن اهل جفا نازل شده (که به درستی و تندی مرا صدا می زنند)، و بدان «ای بابا» گفتن تو برای قلب من دوست داشتی تر و برای خداوند رضایت مندتر است. سپس فرمود: توجه بهترین فرزند هستی، سپس صورتم را بوسید، و از آب دهانش بر من مالید، که از آن پس دیگر مرا نیازی به عطر و بوی خوش نبود.

ابن شهر آشوب رحمه الله از کتاب قاضی ابو محمد الکرخی از عامه به سند خود از امام جعفر صادق از حضرت فاطمه علیهما السلام نقل کرده که فرمود:

«لَمَّا نَزَلَتْ: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»، هَبْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ: يَا أَبَتِ! فَكُنْتُ أَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَعْرَضَ عَنِّي مَرَّةً وَ ائْتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ وَ لَا فِي نَسَبِكَ، أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْعِظَمَةِ مِنْ فُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَدَخِ وَ الْكِبْرِ، قُولِي: يَا أَبَتِ! فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ، ...» (2).

هنگامی که این آیه نازل شد، من از این که به رسول خدا صلی الله علیه و آله و

ص: 94

1- تفسیر البرهان: ج 4 ص 104 ح 7734 از کتاب المناقب الفاخرة في العترة الطاهرة سيّد رضی به سند خود از امام جعفر صادق از پدرانش از حضرت فاطمه علیهم السلام فرمود: عَلَيَّ سَيِّدِي (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»، فَحِثْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنْ أَقُولَ لَهُ: يَا أَبَاهُ، فَجَعَلْتُ أَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَقْبَلَ عَلَيَّ، وَ قَالَ: يَا بِنْتِي، لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ مِنْ قَبْلِ، قَالَ: أَنْتِ مِنِّي، وَ أَنَا مِنْكَ، وَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ، وَ إِنْ قَوْلِكَ: يَا أَبَاهُ، أَحَبُّ إِلَيَّ قَلْبِي، وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ، ثُمَّ قَالَ: أَنْتِ نِعَمَ الْوَالِدِ، وَقَبْلَ وَجْهِ، وَ مَسْحَنِي مِنْ رِيقِهِ، فَمَا احْتَجْتُ إِلَى طَيْبِ بَعْدَهُ». و الدرّ النظيم: ص 462 به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام مانند آن. و در کتب مخالفین: ملحقات إحقاق الحق: ج 19 ص 94 از مناقب الإمام علي بن أبي طالب علیه السلام ابن المغازلی: ص 364 چاپ اسلامية طهران به سند متصل خود از امام جعفر صادق علیه السلام مانند آن. و در المناقب چاپ جدید: ص 292 ح 411.

2- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 320 از کتاب قاضی ابو محمد الکرخی از امام صادق از حضرت فاطمه علیهما السلام که فرمود: لَمَّا نَزَلَتْ: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»، هَبْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ: يَا أَبَتِ! فَكُنْتُ أَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَعْرَضَ عَنِّي مَرَّةً وَ ائْتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ وَ لَا فِي نَسَبِكَ، أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْعِظَمَةِ مِنْ فُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَدَخِ وَ الْكِبْرِ، قُولِي: يَا أَبَتِ! فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ، ...

سَلَّمَ «پدر» بگویم خودداری می کردم و لذا ایشان را با عنوان «رسول الله» مخاطب قرار می دادم ولی ایشان سه مرتبه، در زمانی که او را با این عنوان مورد خطاب قرار می دادم، از من اعراض نمود و دوری کرد و در دفعه بعد خطاب به من فرمود: ای فاطمه! این آیه درباره تو و اهل خانه تو و نسلی که از تو باقی می ماند نازل نشده، زیرا تو از من هستی و من از تو هستم، بلکه این آیه درباره ستم کاران و متکبران قریش نازل شده و لذا تو هم چنان مرا با لفظ «پدر» خطاب کن، زیرا قلب من به این کلمه خشنود گشته و زنده می شود، و خداوند نیز آن را بیشتر دوست می دارد.

فراز «تو از من هستی و من از تو هستم» تعبیری است که قرارداد و بیان آن جز برای مقام حجة الله نخواهد بود و بدین معناست که وجود مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها، در همه ابعاد از رسول الله هستند، نه تنها بعد نسب بلکه در معنا و واقع ظرف قابلی هستند که نبوت خاتم الأنبياء در آن جای دارد لکن نه نبوت تأسیسی ضمن این که صامت اند به حسب امر و حکمت و مصلحت الهی. و این که رسول الله از حضرت فاطمه اند، به اتحاد نوری ایشان و نیز مقام علم و عصمت و ولایت ایشان اشاره دارد.

برهان 27- والاترین، شریف ترین، محبوب ترین، گرامی ترین

رسول الله صَلَّى الله عليه وآله فرمود:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ خَلْقٌ أَحَبَّ إِلَيَّ عَزَّوَجَلَّ، وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنَّا...» (1).

سوگند به خدایی که به حق مرا مژده دهنده مبعوث نموده، هیچ مخلوقی بر روی زمین نزد او محبوب تر و گرامی تر از ما نیست ...

از امام جعفر صادق علیه السلام است در حدیث فرمودند:

ص: 95

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَامِ بِالْقِيَامِ، فَجَعَلَ أَعْلَاهَا وَأَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَعَشِيهَا نُورُهُمْ. فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْسَّمَاوَاتِ وَالْجِبَالِ: هُوَ لَاءِ أَحِبَّائِي، وَأَوْلِيَّائِي، وَحُجَجِي عَلَى خَلْقِي، وَأَيْمَةُ بَرِيَّتِي، مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، وَلِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي، وَلِمَنْ خَالَفَهُمْ وَعَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي، ...» (1)

همانا الله تبارك و تعالی جان ها را دو هزار سال قبل از کالبدها خلق کرد، و عالی ترین و شریف ترین آن ها را، روح محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان صلوات الله عليهم قرار داد، آن گاه ارواح آنان را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه نمود، و نور آنان همه را فرا گرفت، سپس خداوند تبارک و تعالی به آسمان ها و زمین و کوه ها فرمود: اینان دوستان و اولیاء و حجت های من بر آفریدگانم می باشند، و پیشوایان مخلوقات من هستند، هیچ مخلوقی را نیافریده ام که بیشتر از ایشان دوستش بدارم، و بهشت خود را برای دوست داران ایشان آفریده ام، و آتش جهنم را برای هر کس که با آنان مخالفت و دشمنی ورزد پدید آورده ام ... بنابراین روح مطهره مولانا حضرت فاطمة الصدیقة سلام الله علیها، اقدم، اعلی و اشرف ارواح و نیز محبوب ترین آن ها نزد خدای تبارک و تعالی هستند.

ص: 96

1- معاني الأخبار: ص 108 ح 1- حدّثنا أحمد بن محمد بن الهيثم العجلي رضي الله عنه قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن يحيى بن زكريا القطن قال: حدّثنا أبو محمد بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدّثنا تميم بن بهلول، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن المفصل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَامِ بِالْقِيَامِ، فَجَعَلَ أَعْلَاهَا وَأَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَعَشِيهَا نُورُهُمْ. فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْسَّمَاوَاتِ وَالْجِبَالِ: هُوَ لَاءِ أَحِبَّائِي، وَأَوْلِيَّائِي، وَحُجَجِي عَلَى خَلْقِي، وَأَيْمَةُ بَرِيَّتِي، مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، وَلِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي، وَلِمَنْ خَالَفَهُمْ وَعَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي فَمَنْ ادَّعَى مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَمَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَجَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ بِي فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْ نَارِي وَمَنْ أَقْرَبَ بَوْلًا يَتِيمًا وَلَمْ يَدْعِ مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَمَكَانَهُمْ مِنْ عَظْمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي رَوْضَاتِ جَنَّتِي وَكَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ عِنْدِي وَأَبْحَثُهُمْ كِرَامَتِي وَأَحْلَلْتُهُمْ جِوَارِي وَشَفَعْتُهُمْ فِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِبَادِي وَإِمَانِي فَوَلَّيْتُهُمْ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِي فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَقْوَالِهَا وَيَدَّعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَتِي؟ فَأَبَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْ ادِّعَاءِ مَنْزِلَتِهَا وَتَمَنَّى مَحَلَّهَا مِنْ عَظْمَةِ رَبِّهَا فَلَمَّا أَسَدَّ كَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ وَزَوْجَتَهُ الْجَنَّةَ وَقَالَ لَهُمَا: كَلَّا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ يَعْنِي شَجَرَةَ الْجَنَّةِ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَنَظَرَا إِلَى مَنْزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي الْجَنَّةِ فَوَجَدَهَا أَشْرَفَ مَنَازِلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَا: يَا رَبَّنَا! لِمَنْ هَذِهِ الْمَنْزِلَةُ؟ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: إِزْفَعَا رُءُوسَهُ كَمَا إِلَى سَاقِ عَرْشِي فَرَفَعَا رُءُوسَهُمَا فَوَجَدَا أَسْمَاءَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِنُورِ الْجَلَالِ فَقَالَا: يَا رَبَّنَا مَا أَكْرَمَ أَهْلَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةِ عَلَيْكَ وَمَا أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَمَا أَشْرَفُهُمْ لَدَيْكَ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ هُوَ لَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي وَأَمْنَائِي عَلَى سِرِّي يَا كَمَا أَنْ تَنْظُرَا إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ وَتَتَمَنَّىا مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَمَحَلَّهُمْ مِنْ كِرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْبِي وَعِصْيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ قَالَا: رَبَّنَا وَمَنِ الظَّالِمُونَ؟ قَالَ: اللَّهُ دَعُونَ لِمَنْزِلَتِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ. قَالَا: رَبَّنَا فَأَرْنَا مَنْزِلَةَ ظَالِمِيهِمْ فِي نَارِكَ حَتَّى نَرَاهَا كَمَا رَأَيْنَا مَنْزِلَتَهُمْ فِي جَنَّتِكَ، فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى النَّارَ فَابْرَزَتْ جَمِيعَ مَا فِيهَا مِنَ النَّوَالِ وَالْعَذَابِ وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: مَكَانُ الظَّالِمِينَ لَهُمْ الْمُدْعَيْنَ لِمَنْزِلَتِهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْهَا كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَكُلَّمَا نَصَبَتْ جُلُودَهُمْ بُدِّلُوا سِوَاهَا لِيَذُقُوا الْعَذَابَ، يَا آدَمُ! يَا حَوَاءُ! لَا تَنْظُرَا إِلَى أَنْوَارِي وَحُجَجِي بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَاهْبِطْكُمَا مِنْ جِوَارِي وَأَحِلُّ بِكُمْ هَوَانِي، فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبَدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِبِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ.

فَدَلَاهُمَا بِعُزْرٍ وَ حَمَلَهُمَا عَلَى تَمَنِّي مَنَزَلَتِهِمْ فَنَظَرَا إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَخُذِلَا حَتَّى أَكَلَا مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ الْحِنْطَةَ فَعَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَا شَ عَيْرًا فَأَصْلُ الْحِنْطَةِ كُلُّهَا مِمَّا لَمْ يَأْكُلَاهُ وَأَصْلُ الشَّعِيرِ كُلُّهُ مَا عَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَاهُ فَلَمَّا أَكَلَا مِنَ الشَّجَرَةِ طَارَ الْحُلِيُّ وَالْحُلُّ عَنْ أَجْسَادِهِمَا وَبَقِيََا عُرْيَانَيْنِ، وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا: أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَقَلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ؟ فَ قَالَا: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَ إِن لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، قَالَ: إهبطَا مِنْ جَوَارِي فَلَا يُجَاوِرُنِي فِي جَنَّتِي مَنْ يَعَصِي بِنِي، فَهَبَطَا مُوَكَّلَيْنِ إِلَى أَنفُسِهِمَا فِي طَلَبِ الْمَعَاشِ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمَا جَاءَهُمَا جِبْرَائِيلُ فَقَالَ لَهُمَا: إِنَّكُمَا ظَلَمْتُمَا أَنفُسَكُمَا بِتَمَنِّي مَنَزَلَةَ مَنْ فَضَّلَ عَلَيْكُمَا فَجَزَاؤُكُمَا مَا قَدَّ عَوْقِبْتُمَا بِهِ مِنَ الْهُبُوطِ مِنْ جَوَارِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى أَرْضِهِ فَسَلَا رَبُّكُمَا بِحَقِّ الْأَسِّ مَاءِ الَّتِي رَأَيْتُمُوهَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ حَتَّى يَتُوبَ عَلَيْكُمَا، فَقَالَا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَكْرَمِينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا تُبَّتْ عَلَيْنَا وَ رَحِمْتَنَا، فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، فَلَمْ يَزَلْ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ يَحْفَظُونَ هَذِهِ الْأَمَانَةَ وَ يُخْبِرُونَ بِهَا أَوْصِيَاءَهُمْ وَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ أُمَّهَاتِهِمْ فَيَأْبُونَ حَمَلَهَا وَ يُشْفِقُونَ مِنْ إِدْعَائِهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الَّذِي عَرِفَ، فَأَصْلُ كُلِّ ظَلَمٍ مِنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أشفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. از او: بحار الأنوار: ج 11 ص 172 ب 3 ح 19 و ج 26 ص 320 ب 7 ح 2 و ج 85 ص 136 ب 43 ح 11.

الله تعالی در قرآن کریم درباره اهل بیت اطهار علیهم السلام مثالی زده است و می فرماید:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (1).

آیا ندیدی که خداوند چگونه مثالی برای کلام پاکیزه زد که سخن پاکیزه، چون نهال پاکیزه است، ریشه آن برقرار و شاخه هایش در آسمان است؟ میوه اش را در همه وقت به اجازه پروردگارش می دهد. و خداوند این گونه مثل ها را برای مردم می زند تا متذکر گردند.

فاطمه الشجرة الطيبة

حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام در حدیث مفاخره با امیرالمؤمنین علیه السلام در محضر رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«... وَأَنَا الشَّجَرَةُ الَّتِي تُخْرَجُ أَكْلُهَا أَعْنِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، ...» (2).

... و منم شجره (طیبه) که میوه اش را می دهد، مقصود (از آن میوه) حسن و حسین هستند....

ص: 99

1- سوره (14) ابراهیم علیه السلام آیه 14 و 15.

2- الفضائل، ابن شاذان القمی: ص 80 - خبر مفاخره علی بن ابی طالب و فاطمة الزهراء علیهما السلام: روي أنه جاء في الخبر أن الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام كان ذات يوم هو وزوجته فاطمة عليها السلام يأكلان تمرًا في الصّحراء إذ تدعبا بينهما بالكلام فقال علي عليه السلام: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحِبُّنِي أَكْثَرَ مِنْكَ. فَقَالَتْ وَاعَجَبًا مِنْكَ! يُحِبُّكَ أَكْثَرَ مِنِّي وَأَنَا ثَمَرَةٌ فَوَادِهِ، وَغُضُوٌّ مِنْ أَعْضَائِهِ، وَغُضُنٌّ مِنْ أَعْصَانِهِ، وَلَيْسَ لَهُ وَلَدٌ غَيْرِي؟! فَقَالَ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا فَاطِمَةُ! إِنْ لَمْ تُصَدِّقْنِي فَاْمُضِي بِنَا إِلَى أَبِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: فَمَضَيْنَا إِلَى حَضْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَقَدَّمَتْ وَآلِهِ فَتَقَدَّمَتْ وَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنَا أَمْ عَلِيٌّ؟ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَعَلِيٌّ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْكَ. فَعِنْدَهَا قَالَتْ سَيِّدُنَا وَمَوْلَانَا الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَمْ أَقُلْ لَكَ أَنَا وَلَدُ فَاطِمَةَ ذَاتِ النَّقِيِّ؟ قَالَتْ فَاطِمَةُ: وَأَنَا ابْنَةُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، ... قَالَ عَلِيُّ: وَأَنَا شَجَرَةٌ تُخْرَجُ مِنْ طُورِ سَيْبِينِ، قَالَتْ فَاطِمَةُ: وَأَنَا الشَّجَرَةُ الَّتِي تُخْرَجُ أَكْلُهَا أَعْنِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، ...

از ابن عباس روایت شده که جبرئیل علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه وآله عرض کرد:

«أَنْتَ الشَّجَرَةُ، وَعَلِيٌّ غُصْنُهَا، وَفَاطِمَةُ وَرَقُّهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَارُهَا» (1).

(مقصود از) درخت (در قرآن) شما هستید، و علی شاخه آن، و فاطمه برگ آن، و حسن و حسین میوه های آن هستند.

فاطمة فرعها

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«أَنَا الشَّجَرَةُ، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَشَيْعَتُنَا وَرَقُّهَا، (وَأَصْلُ الشَّجَرَةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ)، (وَ الْأَصْلُ وَالْفَرْعُ وَاللَّقَاحُ وَالْوَرَقُ وَالثَّمَرُ فِي الْجَنَّةِ)، (وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ)» (2).

درخت من هستم، و فاطمه شاخه آن، و علی بارورکننده آن، و حسن و حسین میوه هایش، و شیعیان ما برگ هایش هستند، (و ریشه درخت در بهشت عدن است)، (و ریشه و شاخه و بارور کننده و برگ و میوه اش در بهشتند)، (سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«أَنَا الشَّجَرَةُ، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا،...» (3).

درخت من هستم، و فاطمه شاخه آن، و علی بارورکننده اش، و حسن و حسین میوه هایش هستند....

امام جعفر صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود:

ص: 100

1- مجمع البیان فی تفسیر القرآن: ج 1 ص 480- و روی عن ابن عباس قال: قال جبریل علیه السلام للنبی صلی الله علیه وآله: أَنْتَ الشَّجَرَةُ، وَعَلِيٌّ غُصْنُهَا، وَفَاطِمَةُ وَرَقُّهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَارُهَا.

2- الأمالی، الشیخ المفید، ص 245 المجلس 28 ح 5- أخبرني أبو محمد عبد الله بن محمد الأبهری قال: حدّثنا علي بن أحمد بن الصباح قال: حدّثنا إبراهيم بن عبد الله ابن أخي عبد الرزّاق قال: حدّثني عمي عبد الرزّاق بن همام بن نافع قال: أخبرني أبي همام بن نافع قال: أخبرني مينا مولى عبد الرّحمان بن عوف الزّهري قال: قال لي عبد الرّحمان: يا مينا! ألا أحدثك بحديث سمعته من رسول الله صلی الله علیه وآله؟ قلت: بلى قال: سمعته يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَ مُجْبُوهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَرَقُّهَا رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. از او: الأمالی، الطوسي: ص 19 المجلس 1 ح 20. وبشارة المصطفى لشيعته المرتضى: ص 40 - از شیخ حسن بن الحسين بن الحسن بن بابويه از شیخ طوسی از شیخ مفید - بقیه سند و متن مانند الأمالی شیخ مفید - . والأمالی، الطوسي: ص 610 المجلس 28 ح 10-1262- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل قال: حدّثنا محمد بن سعيد بن محمد بن شرحبيل أبو بكر

التَّرخميِّ بحمص و عبد الرِّزَّاق بن سليمان بن غالب الأزديِّ بارتاح و اللفظ له، قالوا: حدَّثنا أبو عبد الغنيِّ الحسن بن عليِّ الأزديِّ المعاني بمعان قال: حدَّثنا عبد الرِّزَّاق بن همام قال: أخبرني أبي، عن مينا بن أبي مينا مولى عبد الرِّحمان بن عوف قال: سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله يقول: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا. وَ زَادَ عَبْدَ الرَّزَّاقِ: وَ شِيعَتُنَا وَرَقُّهَا، الشَّجَرَةُ أَصْلُهَا فِي جَنَّةِ عَدْنٍ، وَ الْفَرْعُ وَ الْوَرَقُ وَ الثَّمَرُ فِي الْجَنَّةِ. وَ إِعْلَامُ الْوَرَى: ج 1 ص 296 مانند الأمامي طوسی و با اضافه عبد الرِّزَّاق. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 406 ح 429 - أخبرنا أبو القاسم القرشي و كتبه لي بخطه قال: أخبرنا علي بن بندار قال: حدَّثني أبو بكر الرازي قال: حدَّثني محمَّد بن أبي يعقوب قال: حدَّثني إبراهيم بن عبد الله، قال: حدَّثني عبد الرِّزَّاق قال: حدَّثني أبي [قال: حدَّثني مينا مولى عبد الرِّحمان بن عوف قال: قال عبد الرِّحمان: يا مينا ألا أحدثك حديثه قبل أن تشابَّ الأحاديث بالباطيل؟! سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَ مُجْبُوهُمُ مِنْ أُمَّتِي وَرَقُّهَا. ثُمَّ قَالَ: هُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ. وَ شَوَاهِدُ التَّنْزِيلِ لِقَوَاعِدِ التَّفْضِيلِ: ج 1 ص 407 ح 430 - حدَّثني أبو عبد الله الدينوري قال: حدَّثنا محمَّد بن الحسن بن صقلاب قال: حدَّثنا محمَّد بن الفيض بن محمَّد بدمشق قال: حدَّثنا مؤمل بن يهاب قال: حدَّثنا عبد الرِّزَّاق، عن أبيه، عن مينا مولى عبد الرِّحمان بن عوف، عن أبيه قال: سمعت عبد الرِّحمان بن عوف يقول: خذوا مِنِّي حديثًا قبل أن تشابَّ الأحاديث بالباطيل، سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله يقول: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَ شِيعَتُنَا وَرَقُّهَا، وَ أَصْلُ الشَّجَرَةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ سَائِرُ ذَلِكَ فِي سَائِرِ الْجَنَّةِ. وَ مِلْحَقَاتُ إِحْقَاقِ الْحَقِّ: ج 5 ص 246 از كفاية الطالب: ص 278 چاپ نجف اشرف - أخبرنا المفتي أبونصر بن هبة الله الشيرازي، أخبرنا الحافظ علي بن عساكر، أخبرنا أبو القاسم ابن السمرقندي، أخبرنا إسماعيل بن مسعدة، أخبرنا حمزة بن يوسف، أخبرنا أبو أحمد بن عدي، حدَّثنا عمر بن سنان، حدَّثنا الحسن بن عليِّ أبو عبد الغنيِّ الأزديِّ، حدَّثنا عبد الرِّزَّاق، عن أبيه، عن مينا بن أبي مينا مولى عبد الرِّحمان بن عوف، عن عبد الرِّحمان بن عوف، عن عبد الرِّحمان بن عوف أنه قال: ألا تسألوني قبل أن يشوبَّ الأحاديث بالباطيل؟ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَ شِيعَتُنَا وَرَقُّهَا، وَ الشَّجَرَةُ أَصْلُهَا فِي جَنَّةِ عَدْنٍ، وَ الْأَصْلُ وَ الْفَرْعُ وَ اللَّقَاحُ وَ الْوَرَقُ فِي الْجَنَّةِ. قلت: أخرجه محدث دمشق بطرق شتى. وَ مِلْحَقَاتُ إِحْقَاقِ الْحَقِّ: ج 23 ص 135 از تاريخ مدينة دمشق: ج 3 ص 15 از كفي نسخه كتاب خانه سلطان أحمد سوم در استانبول - وَ مِلْحَقَاتُ إِحْقَاقِ الْحَقِّ: ج 18 ص 347 از ترجمة الإمام الحسين عليه السلام تاريخ دمشق: ص 124 چاپ بيروت - أخبرنا أبو القاسم ابن السمرقندي، أنبأنا إسماعيل بن مسعدة، أنبأنا حمزة ابن يوسف، أنبأنا أبو أحمد ابن عدي، أنبأنا عمر بن سنان، أنبأنا الحسن بن عليِّ أبو عبد الغنيِّ الأزديِّ، أنبأنا عبد الرِّزَّاق، عن أبيه، عن ميناء بن أبي ميناء مولى عبد الرِّحمان بن عوف، عن عبد الرِّحمان بن عوف، عن عبد الرِّحمان بن عوف أنه قال: ألا تسألوني قبل أن تشوبَّ الأحاديث بالباطيل؟ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله و سلم: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فَاطِمَةُ أَصْلُهَا - أَوْ فَرْعُهَا - وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، وَ شِيعَتُنَا وَرَقُّهَا، فَ الشَّجَرَةُ أَصْلُهَا فِي جَنَّةِ عَدْنٍ، وَ الْأَصْلُ وَ الْفَرْعُ وَ اللَّقَاحُ وَ الْوَرَقُ وَ الثَّمَرُ فِي الْجَنَّةِ. وَ مِلْحَقَاتُ إِحْقَاقِ الْحَقِّ: ج 23 ص 135 از الكامل في ضعفاء الرجال: ج 2 ص 748 و از ج 6 ص 2451 چاپ بيروت - ثنا عمر بن سنان، ثنا الحسن بن عليِّ الأزديِّ أبو عبد الغنيِّ، - بقيه سند و متن مانند تاريخ دمشق با اختلاف اندک در متن - . وَ تَفْسِيرُ جَوَامِعِ الْجَامِعِ: ج 2 ص 282- عن النبي صَلَّى اللهُ عليه وآله: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، وَ شِيعَتُنَا أَوْرَاقُهَا.

3- الأمامي، الطوسي: ص 611 المجلس 28 ح 1264 - 12- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل قال: حدَّثنا الحسن بن عليِّ بن زكريَّا العاصمي قال: حدَّثنا صهيب بن عبَّاد بن صهيب قال: حدَّثنا أبي، عن جعفر بن محمَّد، عن أبيه، عن جدِّه، عن أبيه، عن عليِّ بن أبي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، وَ أَعْصَانُ الشَّجَرَةِ ذَاهِبَةٌ عَلَى سَاقِهَا، فَأَيُّ رَجُلٍ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَدْ عَرَفْنَا الشَّجَرَةَ وَ فَرْعَهَا، فَمَنْ أَعْصَانُهَا؟ قَالَ: عِثْرَتِي، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا، وَ حَاسَبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحَاسِبَ، إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ. وَ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ: ج 1 ص 145 ب 46- وعن عليِّ عليه السلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ

وَ الْحَسَنِ بْنِ ثَمَرُهَا، وَ شَيْعَتُنَا أَغْصَانُهَا، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا وَ حَاسَبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يُحْلَلَ رَمْسَهُ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. وَ بِشَارَةَ الْمُصْطَفَى لِشَيْعَةِ الْمُرْتَضَى: ص 40 وَجَدت في كتاب ابن الفقيه أبي القاسم بن محمد رحمة الله عليه مكتوباً بخطه: حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْحَسَنُ الْمُتَكَلِّمُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَمْرٍو أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّانِي، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَدِيٍّ بِجَرَجَانَ، حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ ضَرِيْسٍ الْكُوفِيِّ بِفَيْدٍ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ سَهْلٍ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ سَفِيَانَ الثَّوْرِيِّ، عَنْ لَيْثِ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَمَا قَوْلُكُمْ فِي شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُهَا، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا، وَ شَيْعَتُنَا أَوْزَاقُهَا؟! فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا سَاقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَنْ تَرَكَهَا هَوَى فِي النَّارِ. وَ غَرَّرَ الْأَخْبَارُ: ص 211 الْفَصْلُ 17- ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْطُبُ، فَقَالَ لِلْأَنْصَارِ: أَلَمْ تَكُونُوا ضِدًّا لَنَا فَهَذَا كُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِي؟ أَلَمْ تَكُونُوا خَائِفِينَ فَاَمَنَّكُمْ اللَّهُ بِي؟ أَلَمْ تَكُونُوا ذُلًّا لَنَا فَاعَزَّكُمْ اللَّهُ بِي؟ ثُمَّ قَالَ: مَا لِي لَا أَرَاكُمْ تُجِيبُونَ؟ قَالُوا: مَا نَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ قَدْ صَدَقْتَ؟ قَالَ: تَقُولُونَ: أَنْفَسْنَا وَ أَمْوَالَنَا لَكَ (الْفِرْدَاءُ) يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا الْوَدَّ فِي الْقُرْبَى)؛ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الشَّجَرَةَ أَنَا أَصْلُهَا، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا، وَ شَيْعَتُهُمْ وَ رَفَقُهَا، طَيِّبَتُهُمْ طَيِّبَةٌ مُبَارَكَةٌ. وَ مَلْحَقَاتُ إِحْقَاقِ الْحَقِّ: ج 18 ص 344 از أهل البيت، توفيق أبو علم: ص 124 چا پرخانه السعادة قاهرة: عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال صلى الله عليه وآله وسلم: خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَمَا قَوْلُكُمْ فِي شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُهَا، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا، وَ شَيْعَتُنَا أَوْزَاقُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا سَاقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَنْ تَرَكَهَا هَوَى إِلَى النَّارِ.

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ جَدْرُهَا، وَعَلِيٌّ ذِرْوُهَا، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَالْأَيْمَةُ أَغْصَانُهَا، وَشَيْعَتُهُمْ أُورَاقُهَا، ...» (1).

سوگند به الله که رسول الله صلى الله عليه وآله ریشه آن (درخت طیبیه)، و علی بالای آن، و فاطمه تنه آن، و امامان شاخه هایش، و شیعیان نشان برگ های آن (درخت) هستند، ...

فاطمه حملها

«أَنَا شَجْرَةٌ، وَفَاطِمَةُ حَمْلُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنَيْنِ ثَمْرُهَا، وَالْمُحِبُّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَقُّهَا، إِلَى الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا.» (2).

درخت من هستم، و فاطمه بار آن، و علی بارورکننده اش، و حسن و حسین میوه اش، و دوستان اهل بیت برگ هایش هستند، (همه روانه) به سوی بهشت هستند به حق و به حق (وراستی).

فاطمه لقاحها

رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود:

«أَنَا شَجْرَةٌ، وَعَلِيٌّ الْقَلْبُ، وَفَاطِمَةُ اللَّقَاحُ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ الثَّمَرُ، وَشَيْعَتُنَا الْوَرَقُ، ...» (3).

(مقصود از) درخت من هستم، و علی قلب است، و فاطمه بارورکننده اش، و حسن و حسین میوه اند، و شیعیان ما برگ ها هستند، ...

«خَلَقَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا، وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمْرُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا، وَمَنْ زَاغَ عَنْهَا هَوَى، ...» (4).

ص: 101

1- بصائر الدرجات: ص 60 ح 2- حدَّثنا موسى بن جعفر قال: وجدت بخط أبي رواية، عن محمد بن عيسى الأشعري، عن محمد بن سليمان الدليمي مولى عبد الله، عن سليمان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله تعالى: «سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى» وقوله: «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ». فقال: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ جَدْرُهَا، وَعَلِيٌّ ذِرْوُهَا، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَالْأَيْمَةُ أَغْصَانُهَا، وَشَيْعَتُهُمْ أُورَاقُهَا...».

2- الصراط المستقيم: ج 1 ص 209 - وقال صلى الله عليه وآله: أَنَا شَجْرَةٌ، وَفَاطِمَةُ حَمْلُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنَيْنِ ثَمْرُهَا، وَالْمُحِبُّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَقُّهَا، إِلَى الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا. و ملحقات إحقاق الحق: ج 18 ص 347 از ترجمة الإمام الحسين (عليه السلام) تاريخ دمشق: ص 123 چاپ بيروت- أخبرنا أبو الفرج عبد الخالق بن أحمد بن عبد القادر بن محمد بن يوسف، أنبأنا أبو نصر محمد بن محمد بن علي الزينبي، أنبأنا أبو بكر محمد بن عمر بن خلف بن زبور، أنبأنا أبو بكر محمد بن عمر بن علي بن خلف الوراق، عن أبي بكر محمد بن المقرئ ابن عثمان التمار، أنبأنا نصر بن شعيب، أنبأنا موسى بن نعمان، أنبأنا ليث بن سعد، عن ابن جريح، عن مجاهد، عن ابن عباس قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بأذني و إلا فصممتا وهو يقول: أَنَا شَجْرَةٌ، وَفَاطِمَةُ حَمْلُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمْرَتُهَا، وَالْمُحِبُّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَقُّهَا، مِنَ الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا. و از وسيلة المال: ص 77 خطی از ابن عباس مانند تاريخ دمشق. و ملحقات إحقاق الحق: ج 23 ص 135: از تفسير آية المودّة: ص 46- وعن ابن عباس رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وآله وسلم

يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَفَاطِمَةٌ حَمْلُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، وَالْمُحِبُّونَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَرَفَقَهَا، هُمْ فِي الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا. واز استجلاب ارتقاء الغرف بحبّ أقرباء الرسول، ص 35 از کپی نسخه خطی کتاب خانه استانبول و او از المسند دیلمی از ابن عباس مانند آن.

3- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: ج 1 ص 408 ح 431- أخبرنا أبو عثمان الحیري قال: حدّثنا أبو الحسن محمّد بن منصور النوشري قال: حدّثنا أبو بكر أحمد بن موسى بن عمران البلخي قال: حدّثنا إسحاق بن إبراهيم بن عبّاد بصنعاء الیمن قال: حدّثنا عبد الرزّاق، قال: أخبرني أبي، عن مينا مولى عبد الرّحمان بن عوف قال: حدّثني مولاي عبد الرّحمان بن عوف بحديث [و] ذكر أنّه سمع من النبيّ صلّى الله عليه وآله، سمعته يقول: سمعت رسول الله صلّى الله عليه وآله يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَعَلِيٌّ الْقَلْبُ، وَفَاطِمَةُ اللَّقَاحُ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ الثَّمَرُ، وَشَيْعَتُنَا الْوَرَقُ، وَحَيْثُ يَنْبُتُ الشَّجَرُ تَسَاقَطُ وَرَقُهَا. ثُمَّ قَالَ: فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَالَّذِي بَعْتَنِي بِالْحَقِّ. وح 432 - حدّثنيه عالياً الحاكم أبو عبد الله الحافظ قال: حدّثنا أبو بكر محمّد بن حيويه بن المؤمل التّحويّ بهمدان قال: حدّثنا إسحاق بن إبراهيم الدّبريّ ب «صنعاء» به. وساق الحديث كلفظ الدينوري سواء.

4- ملحقات إحقاق الحق: ج 16 ص 131 از ترجمة الإمام عليّ من تاريخ دمشق: ج 1 ص 132 چاپ بيروت - و أنبأنا ابن السمسار، أنبأنا علي بن الحسن الصوري، وأنبأنا سليمان ابن أحمد أيوب الطبراني اللخمي بأصبهان، أنبأنا الحسين بن إدريس الحريري التستري، أنبأنا أبو عثمان طلوت بن عباد البصري الصيرفي، أنبأنا فضال بن جبر (ظ)، أنبأنا أبو أمامة الباهلي قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وسلّم: خَلَقَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا، وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا، وَمَنْ زَاغَ عَنْهَا هَوَى. وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَأَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ. ثم تلا: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. و ملحقات إحقاق الحق: ج 5 ص 262 از كفاية الطالب: ص 178- أخبرنا الحافظ يوسف بن خليل بن عبد الله الدمشقيّ بحلب، أخبرنا محمّد بن إسماعيل بن محمّد الطرسوسيّ، أخبرنا أبو منصور محمّد بن إسماعيل الصّيرفيّ، أخبرنا أبو الحسين بن فاذشاه، أخبرنا الحافظ أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب الطّبرانيّ، أخبرنا الحسين بن إدريس التّستريّ، حدّثنا أبو عثمان طلوت بن عبّاد الصّيرفيّ البصريّ، حدّثنا فضال بن جبير، حدّثنا أبو أمامة الباهليّ قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا، وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا، وَمَنْ زَاغَ عَنْهَا هَوَى، وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ. ثم تلا: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. قلت: هذا حديث حسن عال رواه الطّبرانيّ في معجمه كما أخرجه سواه و رواه محدث الشّام في كتابه بطرق شتّى. و ملحقات إحقاق الحق: ج 5 ص 263 از لسان الميزان، ابن حجر العسقلانيّ: ج 2 ص 226 و ج 4 ص 434 چاپ حيدر آباد دكن - أنبت عن محمّد بن إسماعيل الطرسوسيّ، أخبرنا محمود الصّيرفيّ، أخبرنا ابن فاذشاه، أنا الطّبرانيّ، ثنا الحسين بن إدريس التّستريّ، ثنا طلوت بن عبّاد، ثنا فضال، ثنا أبو أمامة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، أَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا، وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا. و از تنزيه الشريعة، الكنانيّ المصريّ: ج 1 ص 400 چاپ قاهره - عن أبي أمامة مانند لسان الميزان. لازم به ذكر است كه: اين حديث را به همين روايت و سند بسيارى از مخالفين با حذف آن قسمت كه مربوط به حضرت فاطمه عليها السلام است روايت نموده اند از جمله خود طبراني، و يا اين كه در چاپ اين كتاب ها حذف نموده اند.

خداوند پیامبران را از درخت های گوناگونی آفرید، و من و علی را از یک درخت آفرید، من ریشه آن (درخت) هستم، و علی شاخه (تنه) آن، و فاطمه بارورکننده آن، و حسن و حسین میوه اش، پس هر کسی که به شاخه ای از شاخه هایش آویزان شود نجات یافته، و هر کسی که از آن منحرف گردد هلاک شود، ...

فاطمه عنصر الشجرة

امام محمد باقر علیه السلام در تأویل شجره طیبه در آیه کریمه فرمود:

«الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ، نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَغُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَغْصَانُ الشَّجَرَةِ وَثَمَرُهَا الْأَيُّمَةُ، وَوَرَقُ الشَّجَرَةِ الشَّيْعَةُ، ...» (1)

درخت (طیبه) رسول الله است، نسب او ثابت (و صحیح) از بنی هاشم است، ریشه درخت فاطمه است، و تنه آن علی امیرالمؤمنین است، و شاخه ها و میوه اش امامان هستند، و برگ هایش شیعیانند....

«الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَصْلُهَا نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُنْصُرُ (غُصْنُ) الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَثَمَرُهَا الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَشَيْعَتُهُمْ وَرَقُهَا». (2) درخت (طیبه) رسول الله صلی الله علیه وآله است، ریشه اش نسب اوست که ثابت (و صحیح) در بنی هاشم است، و تنه آن علی بن ابی طالب علیه السلام است، و ریشه (شاخه) درخت فاطمه علیها السلام است، و میوه اش امامان از فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام هستند، و شیعیانشان برگ هایش هستند، ...

ص: 102

1- بصائر الدرجات: ص 59 ب 2 ح 3- حدَّثنا أحمد، عن الحسن بن محبوب، عن مؤمن الطَّاق، عن سلام بن المستنير قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى: «كَشَّجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ قال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ، نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَغُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَغْصَانُ الشَّجَرَةِ وَثَمَرُهَا الْأَيُّمَةُ وَوَرَقُ الشَّجَرَةِ الشَّيْعَةُ. وَإِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْهُمْ لَيُولَدُ فَتُورِقُ وَرَقَةً، وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْهَا وَرَقَةً. قال: جُعِلَتْ فِدَاكَ: تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ قال: مَا يُفْتِي الْأَيُّمَةُ شَيْعَتُهُمْ فِي كُلِّ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. وبصائر الدرجات: ص 59 ب 2 ح 2- حدَّثنا يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن الأحول، عن سلام بن المستنير قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى: «كَشَّجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ فقال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ، نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ، وَغُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ، وَأَغْصَانُهَا الْأَيُّمَةُ، وَوَرَقُهَا الشَّيْعَةُ. وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْهَا وَرَقَةً، وَإِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْهُمْ لَيُولَدُ فَتُورِقُ وَرَقَةً. قال: قلت له: جُعِلَتْ فِدَاكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ قال: هُوَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْإِمَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى شَيْعَتِهِ. و تفسير جوامع الجامع: ج 2 ص 282- وعن الباقر عليه السلام: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفَرْعُهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا، وَأَغْصَانُهَا وَوَرَقُهَا شَيْعَتُهَا (شَيْعَتُنَا).

2- تفسير القمّي: چاپ بیروت: ج 1 ص 370- فحدَّثني أبي، عن الحسن بن محبوب، عن أبي جعفر الأحول، عن سلام بن المستنير، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن قول الله: «مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً» قال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَصْلُهَا نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُنْصُنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَثَمَرُهَا الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ

السَّلَامُ، وَشِدَّ يَعْتَهُمْ وَرَقَّهَا. وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَّةٌ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَوْلِدُ فَيُورِقُ الشَّجَرَةَ وَرَقَّةً. قُلْتُ: أَرَأَيْتَ قَوْلَهُ «تُوتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؟ قَالَ: يَعْنِي بِذَلِكَ مَا يُفْتُونَ بِهِ الْأَيِّمَةُ شِدَّ يَعْتَهُمْ فِي كُلِّ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ (فَهَذَا مِثْلُ آلِ مُحَمَّدٍ ... - تفسير البرهان چاپ سنگی). از او، مختصر تفسير القمي، ابن العنقبي: ص 262 ح 24-26 و البرهان في تفسير القرآن: چاپ الأعلمی بیروت: ج 4 ص 320 ح 7 و چاپ بعثت تهران: ج 3 ص 297 ح 5716. و تأويل الآيات الظاهرة، تحقيق مدرسة الإمام المهدي قم: ج 1 ص 242 ح 2 و چاپ وزارت ارشاد: ص 247 - ما ذكره علي بن إبراهيم رحمه الله في تفسيره قال: روي عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: «كَشَّ جَرَّةٌ طَيِّبَةٌ أَصَدُّ لَهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ، وَنَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَغُصْنُ (عُنْصُرٌ - چاپ ارشاد) الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ، وَثَمَرَتُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَيِّمَةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَعِلْمُ الْأَيِّمَةِ مِنْ أَوْلَادِهِمْ أَغْصَانُهَا وَشِدَّ يَعْتَهُمْ وَرَقَّهَا وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَرَقَّةٌ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَوْلِدُ لِلْمُؤْمِنِ مِنْهُمْ فَيُورِقُ الشَّجَرَةَ وَرَقَّةً. قُلْتُ: أَرَأَيْتَ قَوْلَهُ: «تُوتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؟ قَالَ: عَلِمَهَا وَهُوَ مَا يُفْتِي بِهِ الْأَيِّمَةُ شِدَّ يَعْتَهُمْ فِي كُلِّ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. فَضَرَبَ اللَّهُ لآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ هَذَا مِثْلًا أَنَّهُمْ فِي النَّاسِ عَلَى هَذَا الْقِيَاسِ، ... و كنز جامع الفوائد: ج 1 ص 263 - ما ذكره علي بن إبراهيم رحمه الله في تفسيره، قال: روي عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: «شَجَرَةٌ طَيِّبَةٌ أَصَدُّ لَهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» فَالشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ، وَنَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَعُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ، وَثَمَرَتُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَيِّمَةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَعِلْمُ الْأَيِّمَةِ مِنْ أَوْلَادِهِمْ أَغْصَانُهَا، وَشِدَّ يَعْتَهُمْ وَرَقَّهَا. وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنَ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَرَقَّةٌ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَوْلِدُ لِلْمُؤْمِنِ مِنْهُمْ فَيُورِقُ الشَّجَرَةَ وَرَقَّةً. قُلْتُ: أَرَأَيْتَ قَوْلَهُ: «تُوتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؟ قَالَ: عَلِمَهَا وَهُوَ مَا يُفْتِي بِهِ الْأَيِّمَةُ شِدَّ يَعْتَهُمْ فِي كُلِّ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. فَضَرَبَ اللَّهُ لآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ هَذَا مِثْلًا، أَنَّهُمْ فِي النَّاسِ عَلَى هَذَا الْقِيَاسِ، ... و شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 406 ح 428- أخبرنا أبو عبد الله الشيرازي قال: أخبرنا أبو بكر الجرجاني قال: حدَّثنا أبو أحمد البصري قال: حدَّثني المغيرة بن محمد قال: حدَّثني جابر بن سلمة قال: حدَّثني حسين بن حسن، عن عامر السراج، عن سلام الخثعمي قال: دخلت على أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام فقلت: يا ابن رسول الله! قول الله تعالى: «أَصَدُّ لَهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»؟ الشَّجَرَةُ مُحَمَّدٌ، وَالفَرْعُ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالثَّمَرُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ؛ وَشِدَّ عَبُّ ذَلِكَ الْغُصْنِ الْأَيِّمَةِ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالْوَرَقُ شِدَّ يَعْتَهُمْ وَثَمَرَتُنَا وَنَسَبُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ، فَإِذَا مَاتَ مِنْ شَيْعَتِنَا رَجُلٌ تَنَازَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَّةً، وَ إِذَا وُلِدَ لِمُجِبِّينَا مَوْلُودٌ إِخْصَرَّ مَكَانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَرَقَّةً. فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «تُوتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» مَا يَعْنِي؟ قَالَ: يَعْنِي الْأَيِّمَةُ تُفْتِي شَيْعَتَهُمْ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فِي كُلِّ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ.

امام محمد باقر علیه السلام در روایت دیگری چنین فرمود:

«أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفَرْعُهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَثَمَرُهَا
أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَوَرَقُهَا شِيعَتُنَا...» (1).

درخت (در آیه) رسول الله صلی الله علیه وآله است، و تنه آن علی علیه السلام، و شاخه درخت فاطمه دختر رسول الله صلوات الله علیها است، و میوه آن فرزندان او علیهم السلام، و برگ های آن شیعیان ما هستند، ...

شجره طیّبه، شجره ولایت و امامت اهل بیت اطهار علیهم السلام است و اصل آن، تنه، شاخه و میوه های آن، همه حجّت های الهی هستند، چطور ممکن است که حضرت فاطمه سلام الله علیها که از مهم ترین ارکان این شجره و بخش ضروری و بدل ناپذیر آن هستند، در شمار حجج الهی و از برترین ایشان نباشد؟

اما این که به عنوان مثال امیرالمؤمنین و حضرت زهرا سلام الله علیها، هر دو بزرگوار به عنوان تنه درخت معرفی می شوند، هیچ منافاتی با هم ندارد بلکه نشان دهنده این است که حضرت زهرا سلام الله علیها همان مقامات را دارا هستند و مانند امیرالمؤمنین علیه السلام، اصل، فرع، عنصر، لقاح و الی آخره هستند و البته حجّة الله هستند.

ضمناً روایاتی که ثمره درخت را اولاد آن حضرت و امامان معصوم اعلام می فرماید، متضمّن این معناست که البته ایشان به طریق اولی از اولاد کرام خویش بالاتر و دارای مقام حجّة الله بر حجج می باشند.

برهان 29- فاطمه؛ نبوت، رسالت، عصمت و حکمت

امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان فرمودند:

ص: 103

1- معانی الأخبار: ص 400 باب نوادر المعانی ... ح 61 - حدّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقاني رحمه الله قال: حدّثنا عبد العزيز بن يحيى قال: حدّثنا عبد الله بن محمد الصّبّی قال: حدّثنا محمد بن هلال قال: حدّثنا نائل بن نجیح قال: حدّثنا عمرو بن شمر، عن جابر الجعفی قال: سألت أبا جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام عن قول الله عزوجل: «كَشَّ جَرَّةً طَيِّبَةً أَصْدَلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كَأَنَّ كَلْبًا حِينٌ يَأْذَنُ رَبِّهَا» قال: أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفَرْعُهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَوَرَقُهَا شِيعَتُنَا. ثم قال عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شِيعَتِنَا لَيَمُوتُ فَيَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً، وَإِنَّ الْمُؤَلَّدَ مِنْ شِيعَتِنَا لَيُولَدُ فَيُورِقُ الشَّجَرَةَ وَرَقَةً. و مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 6 ص 480 - و روی ابن عقده، عن أبي جعفر عليه السلام: إِنَّ الشَّجَرَةَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفَرْعُهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَوْرَاقُهَا شِيعَتُنَا. ثم قال عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً، وَأَنَّ الْمُؤَلَّدَ مِنْ شِيعَتِنَا لَيُولَدُ فَيُورِقُ مَكَانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَرَقَةً. از او: بحار الأنوار: ج 9 ص 112.

«... يَا بِنْتَ الصَّفْوَةِ، وَبَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ...» (1).

... ای فرزند برگزیده (خداوند)، و ای باقی مانده نبوت ...

و فرمودند:

«... يَا بَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ، وَ شَمْسَ الرِّسَالَةِ، وَ مَعْدِنُ الْعِصْمَةِ وَ الْحِكْمَةِ...» (2).

و فرموده اند:

«إِنَّ فَاطِمَةَ بَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ، وَ بَرَزْخُ بَيْنَ بَحْرِ النَّبُوَّةِ وَ الْإِمَامَةِ» (3).

همانا فاطمه باقی مانده نبوت، و برزخ (و واسطه) میان دریای نبوت و امامت است.

لازم به ذکر است که هرکدام از این احادیث نورانی، در باطن خود معارف بسیار بلندی را داراست که نیاز به شرح و تفسیر آن است و از ذات احدیت جلّ و علا خواهان آن هستیم؛ اجمالاً آن چه نتیجه این بیانات نورانی است این که فاطمه مطهره، برزخ و میانه نبوت کبری و رسالت، و ولایت عظمی است. مقام ایشان نزد خداوند مقام ویژه ای است که حتی از امامت نیز بالاتر بوده و نشان از حجة الله علی الحجج بودن ایشان دارد.

برهان 30- فاطمه، برگزیده رسول الله

امام حسین علیه السلام فرمودند:

«لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرًّا، وَعَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا، ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ، وَ زَائِرَتِكَ، وَ الْبَائِثَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ، وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ. قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَ عَفَا عَنِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»

ص: 104

1- الأمايلي، الشيخ الطوسي: ج 2 ص 295 ح 8 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 2 ص 51 و الإحتجاج: ج 1 ص 145 و شرح ابن ميثم: ج 5 ص 105 و الدرّ النظيم: ص 145.

2- مشارق أنوار اليقين: ص 133 الفصل 3.

3- زندگانی حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها نوشته حسین عمادزاده: ص 242.

تَجَلَّدِي، إِلَّا أَنْ لِي فِي التَّأْسِي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعٌ تَعَزُّ...» (1).

چون فاطمه عليها السلام درگذشت، امیرالمؤمنین او را پنهانی به خاک سپرد، و جای قبرش را ناپدید کرد، سپس برخاست و روبه جانب قبر رسول الله صلی الله علیه وآله کرد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا از جانب من، و از جانب دخترت، و دیدارکننده ات، و آن که در خاک رفته و در بقعه توجای گرفته، او که خدا زود پیوستن به شما را برایش برگزید. ای رسول خدا! از دوری دختر برگزیده ات شکیبایی ام کم شد، و خویشتن داری من به خاطر سیده زنان جهانیان از دست رفت. اما برایم پیروی از سنت شما، در فراق عظیم شما، موجب تسلیت است ...

رسول الله کیست؟ و برگزیده رسول الله کیست؟ رسول الله که اشرف اولین و آخرین است، کسی جز حجة الله را برگزیده نمی فرماید، و بسیار نادرست است اگر بیانات از این دست را، تعارف های احساسی و غیر واقعی بدانیم، زیرا که این مقام عصمت است که سخن می گوید، و هرگز هوای نفس و یا احساسات بر او غلبه نداشته و نخواهد داشت؛ «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدٌ الْقُوَىٰ»، (2) فتاؤل.

برهان 31- فاطمه، ذی القربی

قرآن کریم می فرماید:

«وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ...» (3).

و حق خویشاوند و در مانده و در راه مانده را بده ...

«فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (4).

پس حق خویشان و مستمندان و در راه ماندگان را بده، آن بهتر است برای کسانی که رضای خدا را می خواهند، و آن ها رستگاران هستند.

ص: 105

1- الکافی: ج 1 ص 458 ح 3- أحمد بن مهران رحمه الله رفعه؛ وأحمد بن إدريس، عن محمد بن عبد الجبار الشيباني قال: حدثني القاسم بن محمد الرزازي قال: حدثنا علي بن محمد الهرمزي، عن أبي عبد الله الحسين بن علي عليهما السلام قال: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرًّا، وَعَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا، ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ، وَزَائِرَتِكَ، وَالْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبَيْتِكَ، وَ الْمُخْتَارِ لِلَّهِ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ. قُلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَعَفَا عَنِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلَّدِي، إِلَّا أَنْ لِي فِي التَّأْسِي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعٌ تَعَزُّ، فَلَقَدْ وَسَدَّنْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَفَاصَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَصَدْرِي بَلَىٰ وَفِي كِتَابِ اللَّهِ لِي أَنْعَمُ الْقَبُولِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَدْ اسْتُرَجِعَتِ الْوَدِيعَةُ وَ أَخَذَتِ الرَّهِيئَةَ وَ أُخْلِستِ الزُّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءُ وَالْغُبْرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَأَمَّا لَيْلِي فَمَسَّ هَدٌّ وَ هَمٌّ لَا يَبْرُحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَحْتَارُ اللَّهُ لِي دَارَكَ النَّبِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ كَمَا دُمِّيحٌ وَ هَمٌّ مُهَيِّجٌ سَرْعَانَ مَا فَرَّقَ بَيْنَنَا وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو وَ سَتُنْبِتُكَ ابْنَتُكَ بِتَطَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفَهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَحْبِرْهَا الْحَالَ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَنِّهِ سَبِيلًا وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ سَلَامٌ مُودِعٌ لَا قَالٍ وَ لَا سَمِيمٌ فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَن مَلَالَةٍ وَ إِنْ أَقِمَّ فَلَا عَن سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَاهَا وَ الصَّبْرُ أَيْمَنُ وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ

لَا غَلْبَةَ الْمُسْتَوْلِينَ لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ وَاللَّبْثَ لِرَامًا مَعَكُوفًا وَلَا عَوْلَتْ إِعْوَالَ الثُّكْلَى عَلَى جَلِيلِ الرَّزِيَّةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرًّا وَتُهَضَّمُ حَقَّهَا وَ تُمْنَعُ إِزْنُهَا وَ لَمْ يَتْبَاعِدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذُّكْرُ وَ إِلَى اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَ فِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنُ الْعَزَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ الرُّضْوَانُ. وَ الْأَمَالِي، الشَّيْخُ الْمَفِيدُ: ص 281 المجلس 33 ح 7 - قال: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الرَّازِيِّ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْهَرَمَزَانِيِّ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا مَرِضَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَصَّتْ إِلَى عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ يَكْتُمَ أَمْرَهَا، وَ يُخْفِيَ خَبْرَهَا، وَ لَا يُؤْذِنَ أَحَدًا بِمَرَضِهَا، فَفَعَلَ ذَلِكَ، وَ كَانَ يَمْرُضُهَا بِنَفْسِهِ، وَ تُعِينُهُ عَلَى ذَلِكَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عَمِّيسَ رَحِمَهَا اللَّهُ عَلَى اسْتِسْرَارٍ بِذَلِكَ كَمَا وَصَّتْ بِهِ فَلَمَّا حَصَرَ رَتَهَا الْوَفَاءُ وَصَّتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَتَوَلَّى أَمْرَهَا، وَ يَدْفِنَهَا لَيْلًا وَ يُعْفَى قَبْرَهَا فَتَوَلَّى ذَلِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ دَفَنَهَا، وَ عَفَى مَوْضِعَ قَبْرِهَا فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تَرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ فَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَيْهِ وَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنِّي، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ ابْنَتِكَ وَ حَبِيبَتِكَ وَ قُرَّةِ عَيْنِكَ، وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِئَةِ فِي الثَّرَى بِبِقَعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ لَهَا اللَّهُ سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَدَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ ضَعْفُ عَنْ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ تَجَلُّدِي إِلَّا أَنْ فِي النَّاسِ لِي بِسُدَّتِكَ وَ الْحُزْنِ الَّذِي حَلَّ بِي بِفِرَاقِكَ مَوْضِعَ التَّعْزِي، ... وَ الْأَمَالِي، الشَّيْخُ الطُّوسِيُّ: ص 109 المجلس 4 ح 166-20- از شيخ مفيد به سندش ... و دلائل الإمامة: ص 138 ح 46/46 - أخبرني أبو الحسن علي بن هبة الله قال: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْقَمِّيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَسْكَانَ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَ عَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا بِيَدِهِ، ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ، وَ الْبَائِئَةِ فِي الثَّرَى بِبِقَعَتِكَ، وَ الْمُخْتَارِ لَهَا اللَّهُ سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ؛ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَ عَفَا عَنْ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي، إِلَّا أَنْ لِي فِي النَّاسِ بِسُدَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزُّ، ... وَ روضة الواعظين: ج 1 ص 152 - وَ روي أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جِوَارِكَ وَ السَّرِيعةِ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ رَقَّ عَنْهَا تَجَلُّدِي إِلَّا أَنْ فِي النَّاسِ بِعَظِيمِ فُرْقَتِكَ وَ فَادِحِ مُصِيبَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزُّ، ... وَ بِشَارَةِ الْمَصْطَفَى لِشَيْعَةِ الْمَرْتَضَى: ص 259 - قال: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوِيهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْغَفَّارِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الرَّازِيِّ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْهَرَمَزَانِيِّ [الهرمزاني]، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: . وَ مَنَاقِبُ آلِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: ج 3 ص 364- وَ روي أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ: . وَ كَشَفَ الْغَمَّةَ فِي مَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ: ج 1 ص 504 - وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ دَفْنِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَالْمَنَاجِي بِذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ قَبْرِهِ: . وَ نَهَجُ الْبَلَاغَةِ: ص 319 الْكَلِمَةُ 202 - وَ مِنْ كَلَامِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ روي عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَالْمَنَاجِي بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ قَبْرِهِ: .

2- سورة (53) النّجم آيات 4-6.

3- سورة (17) الإسراء آية 27.

4- سورة (30) الرّوم آية 39.

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّمَيِّزِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (1).

و بدانید هر چه فایده بردید، پنج یک آن برای خداست و مال رسول و خویشان رسول و یتیمان و در ماندگان و در راه ماندگان است، (چنین کنید) اگر به خدا و آن چه در روز جدایی، روزی که دو گروه یک دیگر را ملاقات می کنند، بر بنده مان نازل کرده ایم، ایمان دارید، که خداوند بر همه چیز تواناست.

«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (2).

آن چیزهایی که خداوند از ثروت مردم آبادی ها نصیب پیامبر خویش کرد، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا در بین ثروت مندان شما دست به دست نگردهد، و آن چه پیامبر برای شما می آورد، به کار بندید و آن چه نهی می کند خودداری نمایید، از خدا بترسید که قطعاً خداوند مجازات شدیدی دارد.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (3).

همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و نیکی می دهد و دادن حق خویشاوندان امر

ص: 106

1- سوره (8) الأنفال آیه 42.

2- سوره (59) الحشر آیه 8.

3- سوره (16) النحل آیه 91.

می کند و از فحشاء و کارهای زشت و تجاوز نهی می کند و به شما پند می دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید.

در تفسیر شریف فرات بن ابراهیم کوفی محدث عصر غیبت صغری، سه روایت از امام محمد باقر علیه السلام درباره این آیه کریمه آمده که حضرتش پس از قرائت آیه فرموده:

«الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْإِحْسَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِيتَاءُ ذِي الْقُرْبَى فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ»⁽¹⁾.

(مقصود از) «عدل» (در این آیه) رسول الله صلی الله علیه و آله است، و «احسان» امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (و ولایت او) است، و «ذی القربی» فاطمه الزهراء علیها السلام است.

و در یکی از این روایات اضافه دارد:

«ذی القربی» فاطمه و امامان از فرزندان اوست .

و در روایاتی آن چه را که به ایتاء ذی القربی مأمور شده ایم، چنین بیان شده است: خداوند دستور داده است به سوی ایشان برویم و ایشان را مودت نماییم و به ایشان ظلم نکنیم و به سوی دیگران نرفته و آنان را دوست نداشته باشیم و جای گزین اهل بیت علیهم السلام نماییم. در روایات بسیاری اضافه بر بیان این که عدل رسول الله و احسان امیرالمؤمنین و ذی القربی اهل بیت علیهم السلام هستند، بیان می کنند که «فحشاء» و «منکر» و «بغی» که از آنها نهی شده ایم فلانی و فلانی است.

امر الهی چنین مقرر شده: همان طور که ایمان داشتن به رسول الله و ائمه اطهار و مقامات الهی آن ها بر ما واجب است، باید به آنان اقتدا کرده و از آنان اطاعت کنیم و همان جای گاه را برای فاطمه الزهراء علیها السلام بدانیم، ایمان داشته باشیم و اطاعت نماییم.

ص: 107

1- تفسیر فرات الکوفی: ص 236 ح 319 - حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن أبي جعفر [محمد بن علي] عليه السلام قال: كنت معه جالساً فقال لي: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» قال: الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْإِحْسَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِيتَاءُ ذِي الْقُرْبَى فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ. و تفسیر فرات الکوفی: ص 236 ح 320 - حدّثني جعفر بن محمد بن سعيد الأحمسي معنعناً، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» قال: الْعَدْلُ النَّبِيُّ، وَالْإِحْسَانُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَذِي الْقُرْبَى فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ. و تفسیر فرات الکوفی: ص 236 ح 321 - حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن أبي جعفر عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» قال: الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْإِحْسَانُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَذِي الْقُرْبَى فَاطِمَةُ وَأَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

برهان 32- «المودة الواجبة» از آن فاطمه است

خداوند تبارک و تعالی خطاب به پیامبرش می فرماید:

«... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ...» (1).

... بگو برای (ابلاغ رسالت الهی) از شما پاداشی درخواست نمی کنم جز دوستی خویشاوندانم (که بر شما واجب است)

در بسیاری از کتاب های تفسیر و حدیث و فضائل اهل بیت علیهم السلام از شیعه امامیه و مخالفین در تفسیر مودت در آیه کریمه، و مودت آل محمد و به ویژه حضرت فاطمه علیهم السلام، احادیث بسیاری ذکر شده است. مودت حضرات اهل بیت اطهار علیهم السلام بر همه واجب است، واجب الهی، و فاطمة الزهراء علیها السلام قطب اهل بیت اطهار است؛ و خداوند این مقام و جوب مودت مطلق یا به تعبیر صحیح تر مطلق مودت داشتن را نسبت به کسانی واجب مقرر نموده که مطیع اوامر الهی و امر کننده به فرامین خداوند هستند و این، جز مقام حجة الله نیست.

برهان 33- فاطمه و بطن مادرش خدیجه

رسول الله صلی الله علیه وآله به حضرت فاطمه درباره مادر گرامش امّ المؤمنین خدیجه علیهما السلام فرمود:

«إِنَّ بَطْنَ أُمِّكَ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً» (2).

همانا شکم مادرت ظرفی برای امامت بود.

دلالت نصّ این حدیث شریف واضح بوده و بر این است که حضرت خدیجه، مادر امامان است، یعنی فرزند بلافضل ایشان، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز امام هستند. ضمن این که بنابر احادیث رسول الله صلی الله علیه وآله، افضلیت ایشان بر مادر گرامش و نیز بر امامان از نسل خودش مسلم است.

ص: 108

1- سوره (42) الشوری آیه 26: «ذَلِكَ الَّذِي يُسِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ».

2- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 335 - و دخل النبي صلی الله علیه وآله على فاطمة فرآها منزعة فقال لها: ما لك؟ قالت: «الحميراء افتخرت على أمي أنها لم تعرف رجلاً قبلك، وإن أمي عرفتها مسنة. فقال صلی الله علیه وآله: «إِنَّ بَطْنَ أُمِّكَ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً». از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 43 ب 3.

بنابر نص آیه کریمه

«... وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...» (1).

... و اگر نعمت های الهی را بشمارید، نتوانید...».

نعمت های الهی قابل شمارش نیستند و اصل و علت، آغاز و انجام «نعمه الله»، حضرات محمد و آل محمد صلی الله علیهم هستند، امامت و ولایت حضرات اهل بیت اطهار محمد و آل محمد صلوات الله وسلامه علیهم نعمت الله است، و بنابر آیه کریمه تبدیل آن به غیر آنان کفر و سبب خلود در عذاب الهی است:

«الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ» (2).

کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به نابودی کشانند.

مولی الموحّدين علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیثی درباره امر امامت خود و ائمه علیهم السلام این آیه کریمه را قرائت کرد و فرمود:

«نَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا فَازَ مَنْ فَازَ» (3).

سوگند به الله، نعمه الله که خداوند به بندگانش ارزانی داشته، ما (اهل بیت اطهار)

ص: 111

1- سوره (14) ابراهیم علیه السلام آیه 35 و سوره (16) النحل آیه 19.

2- سوره (14) ابراهیم علیه السلام آیه 29.

3- تفسیر القمّی: ج 1 ص 85- حدیثی ابی، عن إسحاق بن الهيثم، عن سعد بن ظريف، عن الأصْبَغِ بن نباتة: أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا فِيهِنَّمَا مِنْ مَخْلُوقٍ فِي جَوْفِ الْكُرْسِيِّ، وَ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَمْلاكِ يَحْمِلُونَهُ بِأُذُنِ اللَّهِ؛ (فَأَمَّا الْمَلِكُ الْأَوَّلُ) فَفِي صُورَةِ الْأَدَمِيِّينَ، وَ هِيَ أَكْرَمُ الصُّورِ عَلَى اللَّهِ، وَ هُوَ يَدْعُو اللَّهَ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِبَنِي آدَمَ. (وَ الْمَلِكُ الثَّانِي) فِي صُورَةِ الثَّوْرِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الْبَهَائِمِ، وَ هُوَ يَطْلُبُ إِلَى اللَّهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِبَنِي آدَمَ. (وَ الْمَلِكُ الثَّلَاثُ) فِي صُورَةِ النَّسْرِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الطَّيْرِ، وَ هُوَ يَطْلُبُ إِلَى اللَّهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِجَمِيعِ الطَّيْرِ. (وَ الْمَلِكُ الرَّابِعُ) فِي صُورَةِ الْأَسَدِ، وَ هُوَ سَيِّدُ السَّبَاعِ، وَ هُوَ يَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِجَمِيعِ السَّبَاعِ. وَ لَمْ يَكُنْ فِي هَذِهِ الصُّورِ أَحْسَنُ مِنَ الثَّوْرِ، وَ لَا أَشَدُّ انْتِصَابًا مِنْهُ، حَتَّى اتَّخَذَ الْمَلَأُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعِجْلَ إِلَهًا، فَلَمَّا عَكَفُوا عَلَيْهِ وَ عَبَدُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ خَفِضَ الْمَلِكُ الَّذِي فِي صُورَةِ الثَّوْرِ رَأْسَهُ اسْتِحْيَاءً مِنَ اللَّهِ أَنْ عَبَدَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شَيْءٌ يُشَبِّهُهُ، وَ تَخَوَّفَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ الْعَذَابُ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الشَّجَرَ لَمْ يَزَلْ يَزَلْ حَصِيْدًا كُلُّهُ حَتَّى دُعِيَ لِلرَّحْمَانِ وَ لَدَّ، أَعَزَّ الرَّحْمَانُ وَ جَلَّ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَ لَدٌّ، فَكَادَتِ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ، وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ، وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا، فَعِنْدَ ذَلِكَ أَفْشَعَرَ الشَّجَرَ، وَ صَارَ لَهُ شَوْكٌ حِدَارٌ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ الْعَذَابُ، فَمَا بَالُ قَوْمٍ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَدَلُوا عَنْ وَصِيَّتِهِ فِي حَقِّ عَلِيِّ وَ الْأَيْمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا يَخَافُونَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ؟! ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ». ثُمَّ قَالَ: نَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، بِنَا فَازَ مَنْ فَازَ. وَ تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ: ج 2 ص 229 ح 24 - عن الأصمغ بن نباتة قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه في قول الله: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» قال: قال: نَحْنُ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ الْعِبَادِ.

هستیم، و هر که رستگار شد (به سبب ایمان به امامت و ولایت) ما (که برترین نعمت و اصل آن هستیم) رستگار شد. امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی در وصف اهل بیت اطهار علیهم السلام فرمود:

«... وَ نَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، ...» (1).

... و از جمله «نعمه الله» بر آفریدگانش ما (اهل بیت) هستیم...

عثمان بن عیسی گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه کریمه پرسیدم و آن حضرت فرمود:

«نَزَلَتْ فِي الْأَفْجَرَيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ، وَ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ، وَ بَنِي الْمُغِيرَةَ. فَأَمَّا بَنُو الْمُغِيرَةَ فَقَطَعَ اللَّهُ دَابِرَهُمْ يَوْمَ الْبَدْرِ، وَ أَمَّا بَنُو أُمَيَّةَ فَمَتَّعُوا إِلَى حِينٍ، وَ نَحْنُ وَ اللَّهُ نِعْمَةَ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَى عِبَادِهِ، وَ بِنَا يُعَوِّزُ مَنْ فَازَ.» (2).

درباره دو نابکار قبیله قریش و بنی امیه و بنی مغیره نازل شده، اما بنی مغیره را خداوند در جنگ بدر دمار از روزگارشان درآورد، ولی بنی امیه تا مدتی آزادند. و به خدا سوگند ما (اهل بیت) هستیم آن نعمتی که خداوند به مردم ارزانی داشته، و به وسیله ما رستگار گردد آن که رستگار گردد.

و امامت را در واقعه غدیر خم نیز نعمت خاص خود اعلام فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.» (3).

امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را برایتان تمام نمودم و برای شما اسلام را به عنوان دین، پسندیدم.

بنابراین، آن چه میان فاطمه زهرا سلام الله علیها و سایر اهل بیت در این زمینه مشترک است، مقام امامت و حجة الله بودن ایشان است.

ص: 112

1- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليه: ص 63 ب 3 ح 10- حدّثنا عبد الله بن عامر، عن العباس بن معروف، عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله البصري، عن أبي المعزى، عن أبي بصير، عن خيثمة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ صِدْقُهُ، وَ نَحْنُ خَيْرُهُ، وَ نَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ نَحْنُ أَمَنَاءُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ أَرْكَانُ الْإِيمَانِ، وَ نَحْنُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، وَ نَحْنُ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ، وَ بِنَا يَخْتِمُ، وَ نَحْنُ أئِمَّةُ الْهُدَى، وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، وَ نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى، وَ نَحْنُ السَّابِقُونَ، وَ نَحْنُ الْآخِرُونَ، وَ نَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا غَرَقَ، وَ نَحْنُ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ نَحْنُ خَيْرُهُ اللَّهُ، وَ نَحْنُ الطَّرِيقُ، وَ صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ، وَ نَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ الْمُنْهَاجُ، وَ نَحْنُ مَعْدِنُ النَّبُوَّةِ، وَ نَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ إِلَيْنَا مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَ نَحْنُ السَّرَاجُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا، وَ نَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ أَقْتَدَى بِنَا، وَ نَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ نَحْنُ عِزُّ (عُرَى) الْإِسْلَامِ، وَ نَحْنُ الْجُسُورُ، وَ الْقَنَاطِرُ، مَنْ مَضَى عَلَيْهَا سَبَقَ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مَحَقَّ، وَ نَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا نَزَلَتِ الرَّحْمَةُ، وَ بِنَا تَسْقُونَ الْعَيْثَ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصْرَفُ عَنْكُمْ الْعَذَابُ، فَمَنْ عَرَفَنَا، وَ نَصَرَنَا، وَ عَرَفَ حَقَّنَا، وَ أَخَذَ بِأَمْرِنَا، فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا. و كمال الدین و تمام التعمه: ج 1 ص 206 ب 21 ح 20- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن العباس بن معروف، عن عبد الله بن عبد الرحمن البصري، عن أبي المغراء حميد بن المثنى العجلي، عن أبي بصير،

عن خيشمة الجعفي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ، وَنَحْنُ صَفْوَتُهُ، وَنَحْنُ حَوْزَتُهُ، وَنَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَحْنُ أَمَنَاءُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَنَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ، وَنَحْنُ أَرْكَانُ الْإِيمَانِ، وَنَحْنُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، وَنَحْنُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَنَحْنُ مَنْ بِنَا يُفْتَحُ، وَبِنَا يُخْتَمُ، وَنَحْنُ أَيْمَةُ الْهُدَى، وَنَحْنُ مَصَابِيحُ الدُّجَى، وَنَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى، وَنَحْنُ السَّابِقُونَ، وَنَحْنُ الْآخِرُونَ، وَنَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لَحِقَ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا غَرِقَ، وَنَحْنُ قَادَةُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَنَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ، وَصِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَنَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ، وَنَحْنُ الْمِنْهَاجُ، وَنَحْنُ مَعْدِنُ التُّبُوءِ، وَنَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ إِلَيْنَا تَخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةُ، وَنَحْنُ السَّرَاجُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا، وَنَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا، وَنَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَنَحْنُ عُرَى الْإِسْلَامِ، وَنَحْنُ الْجُسُورُ وَالْقَنَاطِرُ، مَنْ مَضَى عَلَيْهَا لَمْ يُسَبِّحْ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مَحِقٌ، وَنَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُنَزَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرَّحْمَةَ، وَبِنَا يُسَقَوْنَ الْغَيْثَ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصَدِّفُ عَنْكُمْ الْعَذَابَ، فَمَنْ عَرَفَنَا، وَأَبْصَرَنَا، وَعَرَفَ حَقَّنَا، وَأَخَذَ بِأَمْرِنَا، فَهُوَ مِنَّا، وَ إِلَيْنَا.

2- تفسير القمي: ج 1 ص 372 - حدثني أبي، عن محمد بن أبي عمير، عن عثمان بن عيسى، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قول الله: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا؟» قال: نَزَلَتْ فِي الْأَفْجَرَيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ، وَمِنْ بَنِي أُمَيَّةَ، وَبَنِي الْمُغِيرَةَ. فَأَمَّا بَنُو الْمُغِيرَةَ فَقَطَعَ اللَّهُ دَابِرَهُمْ يَوْمَ بَدْرٍ، وَأَمَّا بَنُو أُمَيَّةَ فَمَتَّعُوا إِلَى حِينٍ. ثُمَّ قَالَ: وَنَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا يُفُوزُ مَنْ فَازَ. و تفسير القمي: ج 1 ص 388 - قال الصادق عليه السلام: نَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا فَازَ مَنْ فَازَ.

3- سورة (5) المائدة آية 4.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ! لَقَدْ عَاتَبَنِي رَجَالٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ وَقَالُوا: حَطَبْنَاهَا إِلَيْكَ فَمَنْعْتَنَا وَزَوَّجْتَ عَلِيًّا. فَقُلْتُ لَهُمْ: وَاللَّهِ مَا أَنَا مَنْعْتُكُمْ وَزَوَّجْتُهُ، بَلِ اللَّهُ مَنْعَكُمْ وَزَوَّجَهُ. فَهَبَطَ عَلِيٌّ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: لَوْلَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ مِنْ أَدَمَ فَمَنْ دُونَهُ» (1).

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند: ای علی، به راستی که مردانی از قریش درباره فاطمه مرا سرزنش نمودند و گفتند: او را از تو خواستگاری کردیم و ما را بازداشتی، و به علی ترویج نمودی. به آنان گفتم: به خدا سوگند، نه من شما را بازداشتتم و نه او را به شوهر دادم بلکه الله تعالی شما را بازداشت و او را شوهر داد. سپس جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمده، گفت: ای محمد، به راستی خداوند - جل جلاله - می فرماید: اگر علی را نمی آفریدم، برای دخترت فاطمه، هم تایی بر روی زمین نبود، از آدم گرفته تا دیگران.

یونس بن ظبیان گوید: شنیدم حضرت (امام جعفر صادق علیه السلام) می فرمود:

«لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ مِنْ أَدَمَ وَمَنْ دُونَهُ» (2).

اگر خدای تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علیه السلام را برای فاطمه نمی آفرید، بر روی زمین، هم تایی برای او نبود، از آدم گرفته تا سایرین.

ص: 113

1- در عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 225 ح 3 - حدّثنا أبو محمّد جعفر بن التّميم السّاذناني رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، حدّثنا إبراهيم بن هاشم، عن عليّ بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن عليّ بن موسى الرّضا، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ عليهم السّلام قال: . و در عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 225 ح 4- حدّثنا بهذا الحديث أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني رضي الله عنه، حدّثنا عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن عليّ بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن الرّضا، عن آبائه، عن عليّ بن أبي طالب علیه السّلام، عن رسول الله صلی الله علیه وآله. وقد أخرجت ما روّيته في هذا المعنى في كتاب مولد فاطمة عليها السّلام وفضائلها. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 92 ب 5 ح 3.

2- الكافي: ج 1 ص 461 ح 10- عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد، عن الوشاء، عن الخيريّ، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال سمعته يقول: لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ مِنْ أَدَمَ وَمَنْ دُونَهُ. مانند آن: تهذيب الأحكام: ج 7 ص 470 ب 41 ح 90 - أحمد بن محمّد، عن عمر بن عبد العزيز، عن الخيريّ، عن المفصل، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كُفُوٌ عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ مِنْ أَدَمَ فَمَنْ دُونَهُ. و الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 43 المجلس 2 ح 46- 15 حدّثني جماعة، عن أبي غالب الزّراريّ، عن محمّد بن يعقوب، عن عدّة من أصحابه، عن أحمد بن محمّد، عن الوشاء، عن الخيريّ، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: سمعته يقول: لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ. و بشارة المصطفى: ج 2 ص 267 و كشف الغمّة: ج 1 ص 472. و بحار الأنوار: ج 100 ص 375 ب 21 ح 17 از مصباح الأنوار. و من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 393 باب الأکفاء ح 4383 - وقال رسول الله صلی الله علیه و آله: لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ فَاطِمَةَ لِعَلِيٍّ مَا كَانَ لَهَا عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ كُفُوٌ مِنْ أَدَمَ فَمَنْ دُونَهُ.

«لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَدَمُ فَمَنْ دُونَهُ» (1).

اگر نبود که امیرالمؤمنین علیه السلام با او ازدواج کرد، قطعاً تا روز قیامت از آدم گرفته تا دیگران، کسی که هم تایی او باشد برایش نبود.

کفو ایمانی فاطمه الزهراء علیها السلام، امیر المؤمنین علیه السلام است و از سوی دیگر ولایت و امامت بر اساس درجه ویژه و یگانه ای از ایمان است، واضح مطلب نیز مقام حجة الله است.

برهان 36- فاطمه، علی دیگر

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمودند:

«وَ الْفَجْرِ» هُوَ الْقَائِمُ عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ، «وَ اللَّيَالِي الْعَشْرِ» الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَى الْحَسَنِ، «وَ الشَّفْعِ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، «وَ الْوَتْرِ» هُوَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ» هِيَ دَوْلَةُ حَبْتَرٍ، فَهِيَ تَسْرِي إِلَى قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ» (2).

سخن خداوند که فرمود: «وَ الْفَجْرِ» او حضرت قائم عجل الله فرجه است، «وَ لَيَالِي الْعَشْرِ» ائمه از امام حسن تا امام حسن هستند، «وَ الشَّفْعِ» امیرالمؤمنین و فاطمه علیهما السلام هستند، «وَ الْوَتْرِ» الله است که یگانه است و شریک ندارد

«وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ» دولت حبتراست که تا قیام قائم عجل الله فرجه ادامه دارد.

برهان 37- رسول الله و فاطمه، دو رکن امیرالمؤمنین

حماد بن عیسی از امام جعفر صادق از پدرش علیهما السلام نقل می کند و آن حضرت از

ص: 114

1- الأمالی، ابن بابویه، ص 592 المجلس 86 ح 18 و الخصال: ج 2 ص 414 ح 3 و علل الشرائع: ص 178 ب 142 ح 3 - حدیثنا محمد بن موسی بن المتوکل رحمه الله قال: حدیثی علی بن الحسین السعد آبادی، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي قال: حدیثی عبد العظيم بن عبد الله الحسيني قال: حدیثی الحسن بن عبد الله بن یونس، عن یونس بن ظبیان قال: قال أبو عبد الله الصادق علیه السلام: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ وَ الصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ: تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سَمِيَتْ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي. قَالَ: فَطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. وَ دَلَائِلُ الْإِمَامَةِ: ص 79 ح 19- أَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْعُلُوِّيِّ الْمُحَمَّدِيَّ النَّقِيبَ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْقَمِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ السَّعْدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ، وَ الْمَذُوبَةُ، وَ الْمُبَارَكَةُ، وَ الطَّاهِرَةُ، وَ الزَّكِيَّةُ، وَ الرَّاضِيَّةُ، وَ الْمَرْضِيَّةُ، وَ الْمُحَدَّثَةُ، وَ الزَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَ تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي، فَمِمَّا فَطِمْتَ؟ قَالَ: مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ

السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَّا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. وروضة الواعظين: ج 1 ص 148 و مناقب آل أبي طالب عليهم السَّلَام: ج 2 ص 181 و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج 1 ص 463 و الدرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص 455 مانند الأمالى و الخصال و الشرائع.

2- تأويل الآيات الظاهرة: ص 766 به سند از جابر جعفى از امام جعفر صادق عليه السَّلَام فرمود: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَالْفَجْرُ هُوَ الْقَائِمُ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ، «وَاللَّيَالِي الْعَشْرُ» الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَى الْحَسَنِ، «وَالشَّفْعُ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، «وَالْوَتْرُ» هُوَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ» هِيَ دَوْلَةُ حَبْتَرٍ، فَهِيَ تَسْرِي إِلَى قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ.

جابر بن عبد الله انصاری که گفت: سه روز پیش از آن که رسول خدا صلی الله علیه وآله جهان را وداع گوید شنیدم که به علی علیه السلام می فرمود:

«سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (1).

ای پدر دو گل من! سلام خدا بر تو باد، سفارش می نمایم تو را درباره دو گلم از دنیا (یعنی امام حسن و امام حسین)، به زودی دو رکن تو ویران می شوند، و خداوند جانشینم بر توست. و هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وآله دیده از دنیا فرویست، علی علیه السلام فرمود: این یکی از آن دو رکن من بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله به من خبر داد. و پس از آن که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، علی علیه السلام فرمود: این دومین رکنی بود که رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود.

متن تلفیق از کتب عامه:

«سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيَا، أَوْصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا خَيْرًا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ (يَذْهَبُ) رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ، فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (1).

ص: 115

1- الأملی، الصدوق: ص 135 المجلس 28 ح 4 - حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوکّل رحمه الله قال: حدّثنا محمّد بن يحيى العطار، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن حمّاد بن عيسى قال: حدّثنا الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه عليهما السلام قال: قال جابر بن عبد الله سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلي بن أبي طالب عليه السلام قبل موته بثلاث: سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. و معاني الأخبار: ص 403 ح 69 - أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمّد بن عيسى قال: حدّثنا محمّد بن يونس قال: حدّثنا حمّاد بن عيسى قال: حدّثنا جعفر بن محمّد، عن أبيه عليهما السلام قال: ... و روضة الواعظين: ج 1 ص 152 قال جابر: ... و بحار الأنوار: ج 3 ص 261 ح 4 از الأملی شيخ صدوق و معاني الأخبار.

عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ (الرُّكْنَيْنِ) الدِّينِ (الَّذِي) قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا رُكْنُ (الرُّكْنِ) الثَّانِي (الرُّكْنُ الْأَخْرُ) الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (1)

کسی که مقام رسول الله و امیرالمؤمنین را دریابد، معنای رکن بودن فاطمه سلام الله علیها را برای آن حضرت خواهد دانست. فاطمه کیست که در این جایگاه با رسول الله شریک است؟ و امیرالمؤمنین کیست که فاطمه رکن اوست؟

و آن کس که معنای رکن را دریابد، خواهد دانست که هیچ کس جز حجة الله نمی تواند رکن حجة الله باشد. فتأمل جيداً.

برهان 38- واجب بی پرو برگرد

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مِنَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، وَاللَّهُ مَا تَرَكَ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبْضِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ». (2)

امامی که فرمان برداری از او واجب است از ما اهل بیت است، هر کس او را انکار نماید یهودی یا نصرانی می میرد (مسلمان از دنیا نمی رود بلکه کافر خواهد مُرد)، به خدا سوگند که خداوند زمین را از آن گاه که آدم را قبض روح نمود، وانگذاشته مگر این که در آن امامی که به وسیله او به سوی خداوند هدایت شود، قرارداده است.

ابو بصیر، گوید: از امام ابو جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام از مصحف فاطمة صلوات الله علیها پرسیدم، ... تا این که فرمود:

ص: 116

1- مسند أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة: ج 2 ص 623 ح 1067- و فضائل (مناقب) علي بن أبي طالب عليه السلام، أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني المتوفى 241 برواية ابنه عبد الله، تحقيق سيد عبد العزيز الطباطبائي: ص 234 ح 189- حدثنا محمد بن يونس، ثنا حماد بن عيسى الجهني [غريق الجحفة] قال: حدثنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي بن أبي طالب: سلام عليك أبا الریحانتين من الدنيا، فعن قليل يذهب (ينهد) ركنك، والله خليفتي عليك. فلما قبض النبي صلى الله عليه وآله قال علي: هذا أحد الركنين الذي قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله. فلما ماتت فاطمة، قال: هذا الركن الآخر الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله. از او: الرياض النضرة: ج 2 ص 154 چاپ محمد أمين الخانجي در مصر و جواهر المطالب في مناقب الإمام علي عليه السلام، الباعوني: ص 30 از كتاب مناقب علي عليه السلام احمد حنبل. و تذكرة الخواص: ص 320 و سمط النجوم: ج 2 ص 485 و عمدة صحاح الأخبار، ابن البطريق: ص 803 ح 215 و ذخائر العقبى: ص 56 و أرجح المطالب ص 12 چاپ لاهور. زوائد القطيعي على فضائل الصحابة: ج 2 ص 623 الرقم 1067 و جزء ألف دينار: ص 410؛ الرقم 269. و مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، ابن مردويه المتوفى 410: ص 204 ح 285 - عن جابر قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال لعلي قبل موته بثلاثة أيام: سلام الله عليك يا أبا الریحانتين، أوصيك بریحانتين من الدنيا، فعن قليل ينهد ركنك، والله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال علي: هذا أحد ركني الذي قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. قال: فلما ماتت فاطمة، قال علي: هذا الركن الثاني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. از او: كشف الغمة في معرفة الأئمة: ج 1 ص 66 از كتاب

مناقب ابن مردويه: عن جابر رضي الله عنه قال: ... وكتاب القاب الرسول وعترته عليهم السلام (ضمن مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمة عليهم السلام): ب2 ص 225 از ابن مردويه: حدّثنا أحمد بن إسحاق بن سنجاب، حدّثنا محمد بن يونس موسى، حدّثنا حماد بن عيسى، حدّثنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر، سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول لعليّ عليه السلام قبل موته بثلاث: ... وفتح التّجاء: ص 50 و أرجح المطالب: ص 12 چاپ لاهور. و تنبيه الغافلين عن فضائل الطّالبيين، المحسن بن كرامة المتوفى 494: ص 43 روى السيّد الإمام أبو طالب بأسناده عن جابر، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قبل موته بثلاث، وهو يقول لعليّ سلام الله عليه: سلام الله عليك يا أبا الرّيحانين، أوصيك برّيحانتيّ من الدّنيا، فعن قليل ينهدّ ركناك، والله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال عليّ: هذا أحد ركني الذي قال النبيّ صلى الله عليه وآله وسلم. قال: فلما ماتت فاطمة، قال عليّ: هذا الركن الثاني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. و تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر ت 571: ج 14 ص 167- أخبرنا أبو طالب عليّ بن عبد الرّحمان، أنا أبو الحسن عليّ بن الحسن، أنا أبو محمد بن التّحّاس، أنا أبو سعيد بن الأعرابي، أنا محمد بن يونس، أنا أبو العبّاس الحارثي، أنا حماد بن عيسى الجهنيّ بالجحفة، أنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعليّ: سلام عليكم أبا الرّيحانين، أوصيك برّيحانتيّ من الدّنيا من قبل أن ينهدّ ركني، والله عزّ وجلّ خليفتي عليك. قال: فلما مات النبيّ قال عليّ: هذا أحد الركنين الذي قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. فلما ماتت فاطمة، قال عليّ: هذا الركن الثاني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. وأخبرنا أبو العلاء عيسى و أبو الوفاء عتيق ابنا محمد بن عيسى و أبو بكر ناصر بن منصور بن محمد الشوكاتيون قالوا: أنا أبو طاهر محمد بن عيسى بن محمد بن عيسى الفقيه، أنا أبو الحسن أحمد بن محمد بن أحمد بن عبدوس بن كامل السّراج الفقيه المعروف بالزّعفرانيّ، أنا أبو بكر أحمد بن جعفر بن حمدان بن مالك القطيعي، أنا محمد بن يونس بن موسى القرشيّ سنة أربع وثمانين وماتين، أنا حماد بن عيسى الجهنيّ، أنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعليّ بن أبي طالب: سلام عليك أبا الرّيحانين، أوصيك برّيحانتيّ من الدّنيا، فعن قليل ينهدّ ركناك، والله خليفتي عليك. فلما قبض النبيّ صلى الله عليه وآله وسلم قال عليّ: هذا أحد الركنين الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. فلما ماتت فاطمة، قال عليّ: هذا الركن الثاني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. و ملحقات إحقاق الحق: ج 20 ص 439 از: توضيح الدلائل: ص 134 و النسخة مصورة من مكتبة الملي بفارس) قال: عن جابر رضي الله تعالى عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وبارك و سلم يقول لعليّ عليه السلام قبل موته بثلاث: سلام عليك أبا الرّيحانين، أوصيك برّيحانتيّ من الدّنيا، فعن قليل ينهدّ ركناك، والله خليفتي عليك. و غاية المرام في رجال البخاري إلى سيّد الأنام، الشيخ محمد الباقر المتوفى سنة 925: ص 76 نسخه كتاب خانه جستر بيتي در ايرلند) - قال جابر: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول لعليّ قبل موته بثلاث: سلام عليك أبا الرّيحانين، أوصيك برّيحانتيّ من الدّنيا، فعن قليل ينهدّ ركناك، والله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال عليّ: هذا أحد ركني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. فلما ماتت فاطمة، قال: هذا الركن الثاني. و معرفة الصحابة: ج 1 ص 87 الرّم 341 و حلية الأولياء، أبو نعيم الإصبهانيّ ت 430، چاپخانه السّعادة مصر: ج 3 ص 201- حدّثنا أبو بكر بن خلاد (و أبو بجر محمد بن الحسن - الحلية) و أحمد بن جعفر بن حمدان، قالوا: ثنا محمد بن يونس، ثنا حماد بن عيسى غريق الجحفة، ثنا جعفر، عن أبيه، عن جابر قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول لعليّ بن أبي طالب قبل موته بثلاث (ة أيام): سلام (الله) عليك أبا الرّيحانين، أوصيك برّيحانتيّ من الدّنيا خيراً؛ فعن قليل ينهدّ ركناك، والله خليفتي عليك. قال: فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال عليّ عليه السلام: هذا أحد ركني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. فلما ماتت فاطمة رضي الله عنها، قال عليّ عليه السلام: هذا ركني الثاني الذي قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. و در حلية الأولياء اضافته نمود: هذا حديث غريب من حديث جعفر، تقدّر به عنه حماد بن عيسى و يعرف بغريق الجحفة، لم نكتبه إلا من حديث محمد بن يونس عالياً. از او: مقتل الحسين عليه السلام، الخوارزمي ت 568: ص 62 طبعة الغريّ و چاپ ديگري: ج 1 ص 62 و چاپ دار أنوار الهدى قم: ج 1 الفصل 5 ح 31 - عن أبي العلاء، أخبرنا أبو عليّ الحدّاد، عن أبي نعيم، أخبرنا أبو بكر بن

خَلَاد، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ، أَخْبَرَنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى، أَخْبَرَنَا جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ. فَلَمَّا مَاتَ فَاطِمَةُ، قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الثَّانِي الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَكَفَايَةُ الطَّلَبِ: ص 212 - أَخْبَرَنَا أَبُو طَالِبٍ عَبْدِ اللَّطِيفِ بْنِ الْقَبِيظِيِّ وَالْخَطِيبِ أَبُو تَمَّامٍ قَالَا: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْبَاقِيِّ، أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَضْلِ بْنُ أَحْمَدَ الْأَصْبَهَانِي، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، حَدَّثَنَا، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ خَلَادٍ وَأَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ السَّامِيُّ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى الْجَهَنِّي، حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا خَيْرًا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَاضْأَفَهُ نَمُود: قَلْتُ: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ عَالَ مِنْ حَدِيثِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، تَفَرَّدَ بِهِ حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى وَيَعْرِفُ بِغَرِيقِ الْجَحْفَةِ، لَمْ نَكْتَبْهُ إِلَّا مِنْ حَدِيثِ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ السَّامِيِّ عَالِيًا. وَمِيزَانُ الْاِعْتِدَالِ: ج 4 ص 76 - اَزْ حَلِيَةِ الْأَوْلِيَاءِ. وَفَرْدُوسُ الْأَخْبَارِ: ص 185 مَخْطُوطٌ - رَوَى عَنْ جَابِرٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ. فَلَمَّا مَاتَ فَاطِمَةُ، قَالَ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي. وَكَنْزُ الْعَمَالِ: ج 13 ص 664 وَفَضَائِلُ الْخَمْسَةِ: ج 3 ص 227. فَضَائِلُ الصَّحَابَةِ، أَبُو نَعِيمِ الْأَصْبَهَانِي: ج 2 ص 773 الرَّقْمِ 1067 - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ، ثَنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى الْجَهَنِّي، ثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (وَآلِهِ) وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَيْنِ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَذْهَبُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَ فَاطِمَةُ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا الرُّكْنُ الْآخِرُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَمَانِدُ الْحَلِيَةِ: مَنَاقِبُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَخْطَبَ خَوَارِزْمُ ت 568: ص 141 ح 160 - وَأَنْبَاءُ الْأَمَامِ الْحَافِظِ أَبُو الْعَلَاءِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَطَّارِ الْهَمْدَانِيِّ إِجَازَةً، أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُقْرِي، أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظِ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ خَلَادٍ وَأَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ حَمْدَانَ قَالَا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى غَرِيقِ الْجَحْفَةِ، حَدَّثَنَا جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَ فَاطِمَةُ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَفَرَاغُ السَّمَطِينِ: ج 1 ص 382 ح 314 - أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الصَّالِحُ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شَيْخِ الْإِسْلَامِ عَمْرُ بْنُ مُحَمَّدِ السَّهْرُورِيِّ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ بِبَغْدَادَ، قَلْتُ لَهُ: أَخْبَرَكَ الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُعْتَزِّ الْبَغْدَادِيِّ إِجَازَةً بِرَوَايَتِهِ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ نَاصِرِ إِجَازَةً بِرَوَايَتِهِ، عَنْ الْحَافِظِ أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ السَّمَطِينِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْعَارِفُ أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلَابَاذِيِّ الْبَخَارِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْبَيْكَنْدِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْكَلِيمِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادٌ ... وَنَظْمُ دَرَرِ السَّمَطِينِ: ص 98 - عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَمَسْنَدُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، السَّيُوطِيُّ ص 73 چَاپْ خَانَهْ عَزِيزِيَهْ حِيدَرْ أَبَادْ هِنْدَ: اَزْ مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ أَبُو نَعِيمٍ وَدِيلَمِي وَابْنِ التَّجَّارِ اَزْ جَابِرٍ. وَكَنْزُ الْعَمَالِ: ج 13 ص 664 - ح 37688 اَزْ مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ أَبُو نَعِيمٍ وَابْنِ التَّجَّارِ وَغَيْرِ آنْ هَا. وَكَنْزُ الْعَمَالِ: ج 11 ص 625 ح 33044 اَزْ

أبو نعيم وابن عساکر: سلام عليك أبا الريحانتين! أوصيك بريحانتي من الدنيا، فعن قليل ينهدم ركنك، والله خليفتي عليك - قاله لعلّي. و الفائق في غريب الحديث: ج 1 ص 162- حديث علي عليه السلام: أن رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم قال له: أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتي خيراً في الدنيا قبل أن ينهد ركنك. فلما مات رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال علي: هذا أحد الركنين، فلما ماتت فاطمة قال: هذا الركن الآخر. و النهاية في غريب الحديث و الأثر: ج 2 ص 288 - الحديث: قال لعلّي رضي الله عنه: أوصيك بريحانتي خيراً في الدنيا قبل أن ينهد ركنك. فلما مات رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال: هذا أحد الركنين، فلما ماتت فاطمة رضي الله عنها قال: هذا الركن الآخر. و لسان العرب: ج 2 ص 459- وفي الحديث: قال لعلّي رضي الله عنه: أوصيك بريحانتي خيراً قبل أن ينهد ركنك. فلما مات رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال: هذا أحد الركنين، فلما ماتت فاطمة قال: هذا الركن الآخر. و تاج العروس من جواهر القاموس: ج 4 ص 62 - وفي آخر: قال لعلّي رضي الله عنه: أوصيك بريحانتي خيراً قبل أن ينهد ركنك. فلما مات رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال: هذا أحد الركنين. فلما ماتت فاطمة عنها قال: هذا الركن الآخر. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 361- السمعاني في الرسالة و أبو نعيم في الحلية و أحمد في فضائل الصحابة و التنزي في الخصائص و ابن مردويه في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام و الزمخشري في الفائق: عن جابر: قال رسول الله لعلّي قبل موته: السلام عليك أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتي من الدنيا، فعن قليل ينهد ركنك عليك. قال: فلما قبض رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله قال علي: هذا أحد الركنين. فلما ماتت فاطمة قال علي: هذا الركن الثاني. و مقصد الراغب: 122 (مخطوط) و تحقيق مكتبة العلامة المجلسي: ص 320 ب 23 ح 1/283 - قال السمعاني في كتابه: من رواية جابر بن عبد الله: أن رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله قال لعلّي عليه السلام: «سلام عليك يا أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتي من الدنيا، فعن قليل ينهد ركنك، و الله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله قال علي عليه السلام: هذا أحد الركنين. فلما ماتت فاطمة عليها السلام قال: هذا الركن الثاني». و ح 2/284 - و أخبرني والذي قال: أخبرنا أبو منصور عبد الله بن محمد بن هبة الله قال: أخبرنا الشريف الخطيب أبو الغنائم محمد بن محمد بن المهدي قال: حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن عمر بن أحمد البرمكي قال: حدثنا أبو بكر أحمد بن جعفر القطيعي قال: حدثنا محمد بن يونس قال: حدثنا حماد بن عيسى الجهني قال: حدثنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله لعلّي بن أبي طالب عليه السلام: «سلام الله عليك يا أبا الريحانتين من الدنيا، وعن قليل يذهب ركنك، و الله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله قال علي عليه السلام: هذا أحد الركنين الذي قال رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله. فلما ماتت فاطمة قال: هذا الركن الآخر الذي قال رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله. ر.ك. مجمع بحار الأنوار: ج 2 ص 53 و تأريخ الخميس: ج 2 ص 275 و مناقب العشرة: ج 4 ص 232 و شرح المرقاة: ص 597 و كنوز الحقائق: ص 79. و موسوعة ملحقات إحقاق الحقّ از بسياری از منابع عامه این روایت را نقل کرده است که آدرس آن ها را در ملحقات در این جا می آوریم: ج 4 ص 237 و 367 و ج 10 ص 622 و 623 و 624 و ج 15 ص 599 و 600 و ج 19 ص 174 و 284 و ج 20 ص 438 و 439 و ج 21 ص 677 و 678 و ج 22 ص 235 و 236 و ج 23 ص 582 و 587 و ج 25 ص 200 و 255 و ج 26 ص 175 و ج 3 ص 142 و 151.

2- الأصول السبعة عشر (دار الشبستري): ص 89 و دار الحديث: ص 266 ح 54/381 (كتاب محمد بن المثنى بن القسم الحضرمي) رواية هارون بن موسى التلعكبري، عن أبي علي محمد بن همام بن سهل الكاتب: بسم الله الرحمن الرحيم حدثنا الشيخ أبو محمد هارون بن موسى بن أحمد التلعكبري أيده الله قال: حدثنا محمد بن همام قال: حدثنا حميد بن زياد الدهقان قال: حدثنا أبو جعفر أحمد بن زيد بن جعفر الأزدي البزاز قال: حدثنا محمد بن المثنى بن القسم الحضرمي قال: حدثنا جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي، عن ذريح (المحاريبي): جعفر، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنا عنده فقال: إحتجّ (يحتجّ - دار الحديث) عليهم علي عليه السلام بأن قال: و الله إن منّا لرسول الله صلى الله تعالى عليه وآله، و إن منّا حمزة سيد الشهداء، و إن منّا الإمام المفترض الطاعة، من أنكره مات إن شاء يهودياً، و إن شاء نصرانياً. ثم قال: و الله ما ترك الله الأرض قط منذ قبض الله آدم إلا وفيها من يهندي به إلى الله و هو حجة الله إلى العباد،

مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ. و المحاسن : ج 1 ص 92 ب 17 ح 45 - عن إسماعيل بن مهران، عن رجل، عن أبي المغراء، عن ذريح، عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مِمَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ مَاتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ (مَا تَرَكَ الْأَرْضُ - العقاب) مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ - العقاب) آدَمَ إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، حُجَّةً عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ.

«... وَ لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا طَاعَتُهَا مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنَّ، وَ الْإِنْسِ، وَ الطَّيْرِ، وَ الْبَهَائِمِ، وَ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الْمَلَائِكَةِ ...» (1).

... و قطعاً (فاطمه) - صلوات (و درودهای) الله بر او باد - اطاعت از او بر همه آفریدگان؛ جنّ و انس، پرندگان و چهارپایان، و پیامبران و فرشتگان واجب بود....

وقتی بر همه از جمله بر انبیاء و حجج الله، حجت الله است و معرفت و طاعتش بر آنان فرض، پس در همه عوالم و درجات و مراتب و شئونات، واسطه در ایجاد و استمرار فیوضات الهی (معنوی و مادی)، بر آنان می باشد تا آخر و بعد از خلق.

قرآن کریم به اطاعت محض از الله تعالی امر می کند، سپس به اطاعت محض از رسول الله و ائمه معصومین صلوات الله علیهم امر می کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (2).

و بنابر فرمایشات و نیز تفسیر طه و آل یاسین صلوات الله علیهم از آیاتی از قرآن کریم، و اطاعت از حضرت صدیقه طاهره فاطمه الزهراء سلام الله علیها بر همه فرض، و امامتش بر حضرات ائمه معصومین از نسل خود صلی الله علیهم ساری و جاری است. اضافه بر این که در حدیثی که تحت عنوان «دورنمای ولایت اهل بیت» ذکر شده به نقل از - امام موسی کاظم علیه السلام درباره جایگاه امامان هدایت مطالب ارزشمندی آمده است و حضرت در آخر حدیث می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ إِشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْعِلْمِ وَ الطَّاعَةِ» (3).

به راستی خداوند علم و نیز واجب بودن اطاعت را میان پیامبران و جانشینان

ص: 117

1- دلایل الإمامة: ص 104-106 ح 34 - حدیثی ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری قال: حدیثنا ابي قال: حدیثنا ابو علي محمد بن همام قال: حدیثنا جعفر بن محمد بن مالک الفزاري قال: حدیثنا محمد بن أحمد بن حمدان قال: حدیثنا علي بن سليمان و جعفر ابن محمد، عن علي بن أسباط، عن الحسين بن أبي العلاء و علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام عن مصحف فاطمة صلوات الله عليها؟ فقال: أنزل عليها بعد موت أبيها. فقلت: ففيه شيء من القرآن؟ قال: ما فيه شيء من القرآن. قال: قلت: فصيفه لي. قال: له دفتان من زبرجدتين على طول الورد و عرض حمرأوين. قلت له: جعلت فداك صيف لي ورفه. قال: ورفه من ذر أبيض قيل له: (كن) فكان. قلت: جعلت فداك، فما فيه؟ قال: فيه خبر ما كان، و خبر ما يكون إلى يوم القيامة، و فيه خبر سماء سماء، و عدد ما في سماء سماء من الملائكة، و غير ذلك، و عدد كل من خلق الله مرسلاً و غير مرسلاً، و أسماءهم، و أسماء الذين أرسلوا إليهم، و اسماء من كذب و من أجاب منهم، و فيه اسماء جميع من خلق الله من المؤمنين و الكافرين، من الأولين و الآخرين، و اسماء البلدان، و صفة كل بلد في شرق الأرض و غربها، و عدد ما فيها من المؤمنين، و عدد ما فيها من الكافرين، و صفة كل من كذب، و صفة القرون الأولى و قصصهم، و من ولي من الطواغيت و مدة ملكهم و عددهم، و فيه أسماء الأئمة و صفتهم، و ما يملك واحداً واحداً، و فيه صفة كراتهم، و فيه صفة جميع من تردد في الدوار من الأولين و الآخرين. قال: قلت: جعلت فداك و كم الأدوار؟ قال: خمسون ألف عام، و هي سبعة

أَدْوَارٍ؛ وَفِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَآجَالَهُمْ، وَصِفَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَعَدَدُ مَنْ يَدْخُلُهَا، وَعَدَدُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ، وَ أَسْمَاءُ هَوَالَاءَ وَأَسْمَاءُ هَوَالَاءَ، وَفِيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَمَا أُنزِلَ، وَعِلْمُ التَّوْرَةِ كَمَا أُنزِلَتْ، وَعِلْمُ الْإِنْجِيلِ (كَمَا أُنزِلَ-خ ل)، وَ (عِلْمٌ-خ ل) الزَّبُورِ، وَعَدَدُ كُلِّ شَجَرَةٍ وَمَدْرَةٍ فِي جَمِيعِ الْبِلَادِ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُنزِلَهُ عَلَيْهَا، أَمَرَ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْ يَحْمِلُوا الْمُصْحَفَ فَيُنزِلُوا بِهِ عَلَيْهَا، وَذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثَّلَاثِ الثَّانِي مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهِ عَلَيْهَا وَهِيَ قَائِمَةٌ تَصَدَّقُ لِيَّ، فَمَا زَالُوا قِيَامًا حَتَّى قَعَدَتْ، فَلَمَّا فَرَعَتْ مِنْ صَلَاتِهَا سَلَّمُوا عَلَيْهَا، وَقَالُوا لَهَا: السَّلَامُ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ. وَوَصَّ عُوا الْمُصْحَفَ فِي حِجْرِهَا، فَقَالَتْ لَهُمْ: اللَّهُ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَيْكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ. ثُمَّ عَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا زَالَتْ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ تَقْرَأُ، حَتَّى أَتَتْ عَلَى آخِرِهِ. وَلَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا طَاعَتُهَا مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَالْإِنْسِ، وَالطَّيْرِ، وَالْبَهَائِمِ (وَالْوَحْشِ-خ ل)، وَالْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَلَائِكَةِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمَّا مَضَتْ إِلَى مَنْ صَارَ ذَلِكَ الْمُصْحَفَ؟ فَقَالَ: دَفَعْتُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا مَضَى صَارَ إِلَى الْحَسَنِ، ثُمَّ إِلَى الْحُسَيْنِ، ثُمَّ عَدَدَ أَهْلِهِ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. فَقُلْتُ: إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ كَثِيرٌ! فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ هَذَا الَّذِي وَصَفْتَهُ لَكَ لَفِي وَرَقَتَيْنِ مِنْ أَوَّلِهِ، وَمَا وَصَفْتُ لَكَ بَعْدَ مَا فِي الْوَرَقَةِ الثَّلَاثَةِ، وَلَا تَكَلَّمْتُ بِحَرْفٍ مِنْهُ.

2- سورة (4) النساء آية 60.

3- الإختصاص، ص 90 - أبو الفرج، عن أبي سعيد سهل بن زياد، عن رجل، عن عبد الله بن جبلة، عن أبي المغراء، عن موسى بن جعفر عليهما السلام قال: سمعته يقول: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ، وَأَرَادَ أَنْ يَرَانَا، وَأَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَغْتَسِلْ ثَلَاثَ لَيَالٍ، يُتَاجَى بِنَا، فَإِنَّهُ يَرَانَا، وَيُغْفَرُ لَهُ بِنَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَوْضِعُهُ. قُلْتُ: سَيِّدِي! فَإِنَّ رَجُلًا رَأَى فِي مَنَامِهِ وَهُوَ يَشْرَبُ النَّبِيذَ؟ قَالَ: لَيْسَ النَّبِيذُ يُفْسِدُ عَلَيْهِ دِينَهُ، إِنَّمَا يُفْسِدُ عَلَيْهِ تَرْكُنَا، وَتَخَلُّفَهُ عَنَّا. إِنَّ أَشْقَى أَشْقِيَاكُمْ مَنْ يَكْذِبُنَا فِي الْبَاطِنِ بِمَا يُخْبِرُ عَنَّا، يُصَدِّقُنَا فِي الظَّاهِرِ، وَيَكْذِبُنَا فِي الْبَاطِنِ. نَحْنُ أَبْنَاؤُ نَبِيِّ اللَّهِ، وَأَبْنَاؤُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَبْنَاؤُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَحِبَّابُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، نَحْنُ مِفْتَاحُ الْكِتَابِ، فَبِنَا نَطُقُ الْعُلَمَاءَ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَخَرَسُوا. نَحْنُ رَفَعْنَا الْمَنَارَ، وَعَرَفْنَا الْقِبْلَةَ، نَحْنُ حَجَرُ الْبَيْتِ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، بِنَا غُفِرَ لِأَدَمَ، وَبِنَا أُبْتُلِيَ أَيُّوبُ، وَبِنَا أُفْتُقِدَ يَعْقُوبُ، وَبِنَا حُسِّ يُوْسُفُ، وَبِنَا دُفِعَ الْبَلَاءُ، بِنَا أَضَاءَتِ الشَّمْسُ. نَحْنُ مَكْتُوبُونَ عَلَى عَرْشِ رَبِّنَا، مَكْتُوبُونَ مُحَمَّدٌ خَيْرُ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيِّ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ، أَنَا طَالِبُ الْبَابِ، أَنَا صَاحِبُ الصِّفِّينَ، أَنَا الْمُنتَقِمُ مِنَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، أَنَا صَاحِبُ كَرْبَلَاءَ، مَنْ أَحَبَّنَا وَتَبَّرْنَا مِنْ عَدُوِّنَا كَانَ مَعَنَا، وَمَنْ فِي الظُّلِّ الْمَمْدُودِ، وَالْمَاءِ الْمَسْكُوبِ. - وَالْحَدِيثُ طَوِيلٌ وَفِي آخِرِهِ: - أَنْ اللَّهَ اشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ فِي الْعِلْمِ وَالطَّاعَةِ. وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: أَنْ اللَّهَ خَلَقَنَا قَبْلَ الْخَلْقِ بِالْفِي أَلْفِ عَامٍ، فَسَدَّ بَحْنًا فَسَدَّ بَحْتِ الْمَلَائِكَةِ لَتَسْبِيحِنَا. از او: بحار الأنوار: ج 26 ص 258 ب 5 ح 33.

پیامبران، به اشتراک نهاده است.

بنابراین هم چنان که ولایت در معرفت دارد، ولایت در طاعت نیز از آن اوست؛ همان طور که معرفت او واجب است، اطاعت از او نیز همانند سایر اهل بیت اطهار علیهم السلام بر همگان حتی بر انبیاء علیهم السلام واجب است. حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند:

«... فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، ... وَطَاعَتَنَا (أَهْلَ الْبَيْتِ) نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا

(أماناً) لِلْفُرْقَةِ، ...» (1).

... الله برای پاک بودن از (آلودگی) شرک؛ ایمان را بر شما واجب فرمود، ... و اطاعت از ما اهل بیت را برای نظام ملت، و امامت ما را برای اجتماع (و امانی) از تفرقه مقرر نمود، ... ایمان را سبب طهارت از شرک فرمود، و دقت شود که فرمود: «... وَطَاعَتَنَا (أَهْلَ الْبَيْتِ) نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا ...» زیرا که حضرتش از اهل بیت است، در نتیجه اطاعت از او بر انبیاء و غیر آنان - چنان چه گذشت - واجب است، زیرا او نیز حجة الله است و فرمود: «وَإِمَامَتَنَا...» بنابراین ایشان نیز شیعیانی دارد.

برهان 39- امامت، خاص نسل فاطمه

امام علی الرضا علیه السلام در حدیث وصف امام و امامت و عجز مردم از شناخت و اختیار امام علیهم السلام فرمود:

«...، فَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيَارِ الْإِمَامِ؟! وَالْإِمَامُ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ، مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَسْلِ الْمُطَهَّرَةِ الْبُتُولِ، ...» (2).

... پس چگونه می توانند امام اختیار کنند؟! با آن که باید امام کسی باشد که دانا است و نادانی نمی کند، ... و مخصوص به دعوت از طرف رسول خدا

ص: 118

1- بسیاری از محدثین و مؤرخین خطبه فدکیه حضرت فاطمه سلام الله علیها را نقل نموده اند: دلایل الإمامة: ص 109 - 113 ح 36 - به سندهای متصل از: ابن عباس، و به چند سند از حضرت زینب علیها السلام، و از چند تن دیگر، و از عبد الله محض از گروهی از بنی هاشم، و به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام از پدرش از حضرت زینب، و از ابن عائشه و از زید بن علی بن الحسین از حضرت زینب؛ از حضرت فاطمه سلام الله علیها که در خطبه خود فرمودند: «... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ - الاحتجاج) اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، ... وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا (أماناً - الاحتجاج) لِلْفُرْقَةِ، ...». و الاحتجاج: ج 1 ص 97-99 - به سند خود از عبد الله محض. و كشف الغمّة: ج 1 ص 480-483 از کتاب السقيفة جوهری به سندها و طرق خود: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، ... وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ، ...». الدرّ النظیم في مناقب الأئمة اللهمم: ص 465-469 - از ابن عباس از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، ... وَطَاعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ، ...». ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 567 و 568 ح 4940 - به سند خود از جابر از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، ... وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا مِنَ الْفُرْقَةِ، ...». علل الشرائع: ج 1 ص 248 و 249 ب 182 ح 2 و 3 و 4 - از أحمد بن محمد بن جابر و جمعی از بنی هاشم و زید بن علی، از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، ... وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا مِنَ الْفُرْقَةِ، ...». ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 568 ح 4940.

2- الكافي: ج 1 ص 198 ح 1. و تحف العقول، ص 436 و الغيبة، النعماني: ص 216 ب 13 ح 6 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 219 ب 20 ح 1 و كمال الدين و تمام النعمة: ج 2 ص 675 ب 58 ح 32 و معاني الأخبار: ص 96 ح 2 و الأمل، ابن بابويه: ص 675 مجلس 97 ح 1 و الإحتجاج: ج 2 ص 433 و الصراط المستقيم: ج 1 ص 83. بحار الأنوار: ج 25 ص 120 ب 4 ح 4 از: كمال الدين و معاني الأخبار و الأمل و العيون و الإحتجاج و التحف و الغيبة و الكافي.

صلی اللہ علیہ وآلہ باشد و از جانب او تعیین شود، و از نژاد و نسل فاطمه زهراء مطہرہ بتول است،

اضافہ کنید این حدیث را بہ حدیثی کہ تحت عنوان «فاطمہ و بطن مادرش خدیجہ» آورده شد، امامت بر مردم انتصابی الہی است، و در خصوص نسل رسول اللہ و فاطمہ صلی اللہ علیہما وآلہما است.

ص: 119

رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَأَنَا مِنْهَا، ...»

وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، ...»

مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ،

وَمَنْ آذَى اللَّهَ أَكَبَّهُ اللَّهُ فِي النَّارِ، ...»

يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا، وَيَعْصَبُ لِعَصَبِهَا، ...».

ص: 120

حضرت فاطمه خطاب به امیرالمؤمنین فرمود:

«إِعْلَمُ يَا أَبَا الْحَسَنِ!... أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ، وَ مَا لَمْ يَكُنْ. يَا أَبَا الْحَسَنِ! الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعَالَى» (1).

یا ابا الحسن! بدان که نسبت به هر آن چه بوده، هست و خواهد بود و آن چه نخواهد بود دانایم. یا ابا الحسن! مؤمن به نور الله تعالی می بیند.

صدیقه طاهره فاطمة الزهراء علیها السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أُذُنٌ لِأَحَدِكُمْ بِمَا كَانَ وَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَ بِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ».

نزدیک بیا تا به تو بگویم آن چه را واقع شده و آن چه واقع خواهد شد و آن چه تا روز قیامت (یعنی زمان ظهور) رخ ندهد تا برپا شدن ساعت (یعنی روز قیامت).

دانش نسبت به گذشته و حال و آینده و آن چه رخ خواهد داد، به کسی جز حجة الله داده نمی شود زیرا که او برای هدایت خلق و اعمال ولایت خویش، ناگزیر از دانش مند بودن است و این نیز مقامی از مقامات شامخ ولیة الله العظمی فاطمه زهرا سلام الله علیها است که بر حجیت ایشان بر خلق دلالت دارد.

ص: 123

1- عیون المعجزات: ص 54 و چاپ جدید عتبه حسینیة علیه السلام: ص 101 ح 2/41- و روی عن حارثة بن قدامة قال: حدّثني سلمان الفارسي قال: حدّثني عمّار و قال: أخبرك عجباً قلت: حدّثني يا عمّار! قال: نعم، شهدت علي بن ابي طالب عليه السلام و قد وليج على فاطمة عليها السلام، فلما (أ)بصرت به نادت: أذن لأحدك بما كان و بما هو كائن و بما لم يكن إلى يوم القيامة حين تقوم الساعة. قال (عمّار): فرأيت أمير المؤمنين عليه السلام يرجع القهقري، فرجعت برجوعه، إذ دخل على النبي صلى الله عليه و آله فقال له: أذن يا أبا الحسن، فدنا فلما اطمان به المجلس، قال له: تحدّثني أم أحدك؟ فقال: الحديث منك أحسن يا رسول الله. فقال: كآني بك و قد دخلت على فاطمة و قالت لك كيت و كيت فرجعت؟ فقال علي عليه السلام: نور فاطمة من نورنا؟ فقال صل الله عليه و آله: أ و لا تعلم؟ فسجد علي شكراً لله تعالى. قال عمّار: فخرج أمير المؤمنين و خرجت بخروجه، فولّج على فاطمة عليها السلام و ولجت معه، فقالت: كآني رجعت إلى أبي صلى الله عليه و آله فأخبرته بما قلته لك؟ قال: كان كذلك يا فاطمة. فقالت: اعلم يا أبا الحسن! أن الله تعالى خلق نوري، و كان يسبح الله جلّ جلاله، ثم أودعه شجرة من شجر الجنة فأضاءت، فلما دخل أبي إلى الجنة أوحى الله تعالى إليه إلهاماً: أن اقتطف الثمرة من تلك الشجرة و أدها في لهواتك، ففعل، فأودعني الله تعالى صلّ على الله عليه و آله، ثم أودعني خديجة بنت خويلد عليهما السلام، فوصّعتني، و أذا من ذلك النور، أعلم ما كان، و ما يكون، و ما لم يكن. يا أبا الحسن! المؤمن ينظر بنور الله تعالى. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 8 ب 1 ح 11.

بنابر آیه کریمه

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» (1).

دو دریا را که با هم ملاقات دارند به هم آمیخت.

و احادیث ذیل آن، این دو دریا، استعاره از مولانا امیرالمؤمنین و سیدتنا فاطمة الزهراء می باشد و دریا عبارت از دریای ژرف علم الله است. و واضح است که الله تعالی، کسی جز حجة الله را امین علم خویش مقرر نفرموده است.

برهان 42- «مصحف» میراث ویژه فاطمه

مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«وَلَقَدْ أُعْطِيتُ زَوْجَتِي مُصْحَفًا فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَسْبِقْهَا إِلَيْهِ أَحَدٌ، خَاصَّةً مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (2).

و به راستی به همسر مصحفی مشحون از علم داده شده که هیچ کس در این امر، بر او پیشی نگرفته است، ویژگی مختص برای او از جانب الله و پیامبرش.

امام جعفر صادق علیه السلام ضمن حدیثی به ابوبصیر فرمودند:

«... وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ؟ قَالَ: مُصْحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ... هُوَ شَيْءٌ أَمْلَاهَا اللَّهُ، وَأَوْحَى إِلَيْهَا، ...» (3).

... و چه می دانند مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: مصحفی است مانند این قرآن شما، 3 برابر... چیزی است که خداوند بر او (یعنی حضرت فاطمه) املا فرموده و وحی نموده است...

حضرت واسطه علوم و موارث الهی و انبیاء و مصحف خود برای ائمه است.

هرچند جریان مصحف فاطمه، پس از رسول الله بوده است لکن بنابر احادیث بسیار،

ص: 124

1- سوره (55) الرحمن آیه 20: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ». تفسیر علی بن ابراهیم القمی: ج 2 ص 344 و تفسیر فرات الکوفی: ص 459 ح 600 از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ بَحْرَانِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَيَّ صَاحِبِهِ... - علی و فاطمه دو دریای ژرف اند که هر کدام بر دیگری ستم نکند... و تفسیر فرات الکوفی: ص 460 ح 601 به سند خود از امام علی رضی الله عنه درباره آیه فرمود: ذَلِكَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ... و تفسیر فرات کوفی: ص 459 ح 599 و 602 از ابن عباس و أبو ذر غفاری رضی الله عنه درباره آیه فرمود: أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و فاطمة عليهما السلام... و تفسیر فرات الکوفی: ص 461 ح 603 به سند خود از عبد الله بن مسعود در جمعی از مهاجرین و انصار از او درباره این آیه پرسیده شد وی گفت (مراد این است که): لَا يَبْغِي عَلِيٌّ عَلَيَّ فَاطِمَةَ وَلَا

تَبْغِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ، يُنْعِمُ عَلَيَّ بِمَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ وَخَصَّهُ مِنْ نَعِيمِهِ بِفَاطِمَةَ. و شواهد التنزيل: ج 2 ص 284 ح 918 إلى 921 و 923 به سند خود از ضحاک و سلمان و ابن عباس در باره این آیه گفتند (مقصود): عَلَيَّ وَ فَاطِمَةَ... الخصال: ج 1 ص 65 ح 96 و روضة الواعظين: ج 1 ص 148 به سند خود از امام جعفر صادق عليه السلام در تفسیر این آیه فرمود: عَلَيَّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَحْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَيَّ صَاحِبِهِ... الفضائل: ص 81 در خبر مفاخرت علي بن أبي طالب و فاطمة الزهراء عليهما السلام آمده است که:... أمير المؤمنين فرمود: أَنَا شَيْعَتِي مِنْ عِلْمِي يَسْطُرُونَ. حضرت فاطمه در پاسخ فرمود: وَأَنَا مِنْ بَحْرِ عِلْمِي يَغْتَرِفُونَ،... مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 318 از کتاب های مخالفين؛ کتاب اللوامع و شرف المصطفى خرگوشی به سندش از سلمان، و أبو بکر شیرازی در کتابش از ابو صالح و ابو اسحاق ثعلبی و علی بن أحمد الطائي و أبو محمد بن الحسن بن علویة القطان در تفسیرهایشان از سعید بن جبیر و سفیان ثوری، و ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن في أمير المؤمنين عليه السلام از حماد بن سلمة از ثابت از انس، و از ابو مالک از ابن عباس، و قاضی نطنزی از سفیان بن عینة از امام جعفر صادق عليه السلام همه گی در تفسیر آیه گفتند که: عَلَيَّ وَ فَاطِمَةَ بَحْرَانِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَيَّ صَاحِبِهِ. و در روایتی چنین است: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ» رَسُولُ اللَّهِ... مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 319 - أبو معاوية الصّري، عن الأعمش، عن أبي صالح عن ابن عباس: أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَكَتُ لِلْجُوعِ وَالْعُرْيِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِفْعَيْ يَا فَاطِمَةُ بَرْزُوحِي، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا، سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ، وَاصَّةٌ لَحَ بَيْنَهُمَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِيانِ يَقُولُ: أَنَا اللَّهُ أَزْسَلْتُ «الْبَحْرَيْنِ» عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ بَحْرَ الْعِلْمِ، وَ فَاطِمَةَ بَحْرَ التُّبُوَّةِ، «يَلْتَمِيانِ» يَتَّصِلَانِ، أَنَا اللَّهُ أَوْعَتُ الْوَصْلَةَ بَيْنَهُمَا. از او: بحار الأنوار: ج 24 ص 99 ب 36 ح 6.

2- بصائر الدرجات: ص 200 ب 9 ح 2- حدّثنا عبد الله بن محمّد، عن إبراهيم بن محمّد الثقفي، عن بعض رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال: الْفَضْلُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ الْمُقَدَّمُ عَلَى الْخَلْقِ جَمِيعًا، لَا يَتَقَدَّمُهُ أَحَدٌ، وَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُتَقَدَّمُ مِنْ بَعْدِهِ، وَ الْمُتَقَدَّمُ بَيْنَ يَدَيَّ عَلَيَّ كَالْمُقَدَّمِ بَيْنَ يَدَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ كَذَلِكَ يَجْرِي لِلْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَ رَابِطِيهِ عَلَى سَبِيلِ هُدَاةٍ، لَا يَهْتَدِي هَادٍ مِنْ ضَلَالَةٍ إِلَّا بِهِمْ، وَ لَا يَصِلُ خَارِجٌ مِنْ هُدًى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى مَا أَهْبَطَ مِنْ عِلْمٍ أَوْ عُذْرٍ أَوْ نَذْرٍ، وَ شِدْ هِدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ، جَرَى لِأَخْرِهِمْ مِنَ اللَّهِ مِثْلَ الَّذِي أُوجِبَ لِأَوْلِيهِمْ، فَمَنْ اهْتَدَى بِسَبِيلِهِمْ وَ سَلَّمَ لِأَمْرِهِمْ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ عَزَّوَهُ اللَّهُ الْوَقْفَى، وَ لَا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ، وَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: أَنَا قَسِيمٌ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، لَا يَدْخُلُهَا أَحَدٌ إِلَّا عَلَيَّ أَحَدٍ قَسَمِي، وَ إِنِّي الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ، وَ قَرْنٌ مِنْ حَدِيدٍ، وَ بَابُ الْإِيمَانِ، وَ إِنِّي لَصَاحِبُ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ، لَا يَتَقَدَّمُنِي أَحَدٌ إِلَّا أَحْمَدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيُدْعَى فَيُكْسَى، ثُمَّ يُدْعَى فَيَسَّ تَنْطِقُ فَيَنْطِقُ، ثُمَّ أَدْعَى فَأَنْطِقُ عَلَى حَدِّ مَنْطِقِهِ، وَ لَقَدْ أَقْرَتُ لِي جَمِيعَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الْأَنْبِيَاءِ بِمِثْلِ مَا أَقْرَتُ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ لَقَدْ أُعْطِيتُ السَّبْعَ الَّذِي لَمْ يَسَّ بَقِيَّتِي إِلَيْهَا أَحَدٌ، عَلِمْتُ الْأَسْمَاءَ، وَ الْحُكُومَةَ بَيْنَ الْعِبَادِ، وَ تَفْسِيرَ الْكِتَابِ، وَ قَسَمَةَ الْحَقِّ مِنَ الْمَعَانِمِ بَيْنَ بَنِي آدَمَ، فَمَا شَدَّ عَنِّي مِنَ الْعِلْمِ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمَنِيهِ الْمُبَارَكُ، وَ لَقَدْ أُعْطِيتُ حَرْفًا يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ، وَ لَقَدْ أُعْطِيتُ رُوحَتِي مُصْحَفًا فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَسْبِقْهَا إِلَيْهِ أَحَدٌ، خَاصَّةً مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ. از او: بحار الأنوار: ج 39 ص 343 ب 90 ح 15.

3- بصائر الدرجات: 151 ب 14 ح 70- حدّثنا أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد الجمال، عن أحمد بن عمر، عن أبي بصير قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت له: إني أسألك جعلت فداك، عن مسألة ليس ها هنا أحد يسمع كلامي؟ فرجع أبو عبد الله عليه السلام سترًا بيني وبين بيت آخر فاطلع فيه ثم قال: يا أبا محمد! سلّ عمّا بدا لك. قال: قلت: جعلت فداك إن الشيعة يتحدثون؛ أن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابًا يَفْتَحُ مِنْهُ أَلْفَ بَابٍ. قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! عَلَّمَ وَاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ لَهُ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ. قال: قُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ هَذَا لِعِلْمٍ. فَكَتَبَتْ سَاعَةً فِي الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ لِعِلْمٍ وَ مَا هُوَ بِذَلِكَ. ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! وَإِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَ مَا يَدْرِيهِمْ مَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ: صَدْحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِمْلَاءٍ مِنْ فُلُقٍ فِيهِ وَ خَطٌّ عَلَيَّ بِبَيْمِنِهِ فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي

الْحَدِيثِ - وَصَدَّ رَبُّ بِيَدِهِ إِلَيَّ فَقَالَ: - تَأْذُنُ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا أَنَا لَكَ إِصْنَعُ مَا شِئْتُ. قَالَ فَعَمَّرَنِي بِيَدِهِ فَقَالَ: حَتَّى أُرْشُ هَذَا كَأَنَّهُ مُغْضِبٌ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ. ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عِنْدَنَا الْجَفْرَ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَفْرُ مِسْكٌ شَاهٍ أَوْ حِلْدٌ بَعِيرٌ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْجَفْرُ؟ قَالَ: وَعَاءٌ أَحْمَرٌ أَوْ أَدَمٌ [أَدِيمٌ] أَحْمَرٌ فِيهِ عِلْمُ النَّبِيِّنَ وَ الْوَصِيِّينَ. قُلْتُ: هَذَا وَاللَّهِ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَلِكَ. ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: وَ إِنَّ عِنْدَنَا لِمُصَدِّحَفَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصَدِّحَفُ فَاطِمَةَ؟ قَالَ: مُصَدِّحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَاللَّهِ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ أَمْلَاهَا اللَّهُ وَ أَوْحَى إِلَيْهَا. قَالَ: قُلْتُ: هَذَا وَاللَّهِ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ. قَالَ: ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عِنْدَنَا لَعِلْمٌ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا وَاللَّهِ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَلِكَ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيُّ شَيْءٍ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ وَ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. مانند آن: الكافي: ج 1 ص 239 ح 1.

مسلم است که آن چه از وحی و الهام از ذات احدیت می رسد، نخست به روح رسول الله داده می شود و بعد از او به حضرات اهل بیت اطهار علیهم السلام می رسد؛

مصحف فاطمه سلام الله علیها نیز به واسطه روح و نور وجود رسول الله به حضرت فاطمه سلام الله علیها رسیده است. مصحف او فیض عظیم الله تعالی بر فاطمه است به واسطه رسول الله صلی الله علیه وآله،

و ما أدراک ما مصحف فاطمة؟

از این حدیث شریف معلوم می شود که مصحف او بر همه کتب آسمانی هیمنه و سلطنت دارد اضافه بر این که مصحف او سه بار مانند قرآن شماسست، سه برابر بزرگ تر، زیرا اضافه بر ظاهر قرآن، باطن آن و حقیقت و تأویل آن نیز هست.

امامت و مصحف فاطمة

ابو بصیر گوید: از امام ابو جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام درباره مصحف فاطمه صلوات الله علیها پرسیدم... تا آن جا که فرمود:

«... وَ فِيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَمَا أُنْزِلَ، وَ عِلْمُ التَّوْرَةِ كَمَا أُنْزِلَتْ، وَ عِلْمُ الْإِنْجِيلِ (كَمَا أُنْزِلَ)، وَ (عِلْمُ) الزُّبُورِ، ...» (1)

در (مصحف فاطمه) علم قرآن است هم چنان که نازل شده، و دانش تورات است آن چنان که نازل شده، دانش انجیل است آن چنان که نازل شده و دانش زبور است، آن چنان که نازل شده است... .

تمامی علوم قرآنی و کتب آسمانی «به نحو انزال و نه تنزیل» در مصحف فاطمه علیها السلام است. مصحف او بر آن کتاب ها هیمنه و سلطنت دارد، نه تنها ظاهر آن بلکه حاوی تأویل و باطن آن است.

و از دیگر سوی، مصحف فاطمه علیها السلام که از موارث و لوازم امامت است، امام

ص: 125

1- دلایل الإمامة: ص 104-106 ح 34 - حدیثی ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری قال: حدیثنا ابي قال: حدیثنا ابو علي محمد بن همام قال: حدیثنا جعفر بن محمد بن مالک الفزاری قال: حدیثنا محمد بن أحمد بن حمدان قال: حدیثی علي بن سليمان و جعفر ابن محمد، عن علي بن أسباط، عن الحسين بن أبي العلاء و علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام عن مصحف فاطمة صلوات الله عليها؟ فقال: أنزل عليها بعد موت أبيها. فقلت: ففيه شيء من القرآن؟ قال: ما فيه شيء من القرآن. قال: قلت: فصيفه لي. قال: له دفتان من زبرج دتین علی طول الورق و عرضہ حمراوین. قلت له: جعلت فداك صيف لي ورقه. قال: ورقه من در أبيض قيل له: (كن) فكان. قلت: جعلت فداك، فما فيه؟ قال: فيه خبر ما كان، و خبر ما يكون إلى يوم القيامة، و فيه خبر سماء سماء، و عدد ما في سماء سماء من الملائكة، و غير ذلك، و عدد كل من خلق الله مرسلا و غير مرسلا، و أسماءهم، و أسماء الذين أرسلوا إليهم، و أسماء من كذب و من أجاب منهم، و فيه أسماء جميع من خلق الله من المؤمنين و الكافرين، من الأولين و الآخرين، و أسماء البلدان، و صفة كل بلد في شرق الأرض و غربها، و عدد ما فيها من المؤمنين، و عدد ما فيها من الكافرين، و صفة كل من كذب، و صفة القرون الأولى و قصصهم، و من ولي من الطواغيت و مدة ملكهم و عددهم، و فيه أسماء الأئمة و صفتهم، و ما يملك واحدا و احدا، و فيه صفة كراتهم، و

فِيهِ صِدْقَةٌ جَمِيعٌ مَّنْ تَرَدَّدَ فِي الْأَدْوَارِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَمْ الْأَدْوَارُ؟ قَالَ: حَمْسُونَ أَلْفَ عَامٍ، وَهِيَ سَبْعَةُ أَدْوَارٍ؛ وَفِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَآجَالَهُمْ، وَصِدْقَةٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَعَدَدٌ مَّنْ يَدْخُلُهَا، وَعَدَدٌ مَّنْ يَدْخُلُ النَّارَ، وَ أَسْمَاءُ هَؤُلَاءِ وَأَسْمَاءُ هَؤُلَاءِ، وَفِيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَمَا أُنزِلَ، وَعِلْمُ التَّوْرَةِ كَمَا أُنزِلَتْ، وَعِلْمُ الْإِنْجِيلِ (كَمَا أُنزِلَ-خ ل)، وَ (عِلْمٌ-خ ل) الزَّبُورِ، وَعَدَدٌ كُلُّ شَجَرَةٍ وَمَدْرَةٍ فِي جَمِيعِ الْبِلَادِ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُنَزِّلَهُ عَلَيْهَا، أَمَرَ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْ يَحْمِلُوا الْمُصْحَفَ فَيُنزِلُوا بِهِ عَلَيْهَا، وَذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثَّلَاثِ الثَّانِي مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهَ عَلَيْهَا وَهِيَ قَائِمَةٌ تَصَلِّي، فَمَا زَالُوا قِيَامًا حَتَّى قَعَدَتْ، فَلَمَّا فَرَعَتْ مِنْ صَلَاتِهَا سَلَّمُوا عَلَيْهَا، وَقَالُوا لَهَا: السَّلَامُ يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ. وَوَصَّ عُمَا الْمُصْحَفِ فِي حِجْرِهَا، فَقَالَتْ لَهُمْ: اللَّهُ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَيْكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ. ثُمَّ عَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا زَالَتْ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ تَقْرَأُ، حَتَّى أَتَتْ عَلَى آخِرِهِ. وَلَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا طَاعَتُهَا مَفْرُوضَةٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَالْإِنْسِ، وَالطَّيْرِ، وَالْبَهَائِمِ (وَالْوَحْشِ-خ ل)، وَالْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَلَائِكَةِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمَّا مَضَتْ إِلَى مَنْ صَارَ ذَلِكَ الْمُصْحَفُ؟ فَقَالَ: دَفَعْتُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا مَضَى صَارَ إِلَى الْحَسَنِ، ثُمَّ إِلَى الْحُسَيْنِ، ثُمَّ عِنْدَ أَهْلِهِ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. فَقُلْتُ: إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ كَثِيرٌ! فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ هَذَا الَّذِي وَصَفْتُهُ لَكَ لَفِي وَرَقَتَيْنِ مِنْ أَوْلِيهِ، وَمَا وَصَفْتُ لَكَ بَعْدَ مَا فِي الْوَرَقَةِ الثَّلَاثَةِ، وَلَا تَكَلَّمْتُ بِحَرْفٍ مِنْهُ. در کتاب دلایل الإمامة از ابو بصیر نقل می کند که گفت: از امام ابا جعفر محمد بن علی علیه السلام در مورد مصحف فاطمه پرسیدم حضرت فرمودند: مصحف فاطمه کتابی است که بعد از فوت رسول خدا بر فاطمه نازل شد. گفتم: آیا در آن از قرآن هم آمده است؟ فرمود: خیر؛ در آن چیزی از قرآن نیست. گفتم: آن را برای من توصیف کن و بشناسان. فرمود: آن مصحف دو جلد دارد و از یاقوت کبود می باشد که طول و عرض ورق آن، قرمز است. عرضه داشتم: فدایت شوم ورق و کاغذ آن را برای من توصیف کن. فرمود: کاغذ آن از درزی سفید است که هر چه بخواهی همان شود. گفتم: فدایت شوم در آن مصحف چیست؟ و مطالب آن چه می باشد؟ فرمود: همه اخبار و حوادث تا روز قیامت در آن می باشد و هم چنین اخبار آسمان ها و آن چه در آن است و تعداد فرشتگان و دیگران و همچنین تعداد مخلوقات خداوند از پیامبران و غیر آن ها و اسامی همه پیامبران و اسامی همه کسانی که پیامبران را تکذیب و یا دعوت آن ها را اجابت کردند. و اسامی همه مردم از مؤمنان و کافران از پیشینیان و پسینیان و نام همه شهرهای شرق و غرب عالم و اوصاف همه آن ها و تعداد مؤمنان و کافران هر شهری و مشخصات و اوصاف تکذیب کنندگان و اوصاف قرون اولیه و داستان های آن ها و هر کس از سرکشان و طاغوت هایی که حکومت کرده اند و مدت زمامداری و تعداد آن ها و اسامی پیشوایان و اوصاف آن ها و همه زمامداران و بزرگان آن ها و هرکسی که در طول ادوار تاریخ زندگی کرده است. گفتم: فدایت شوم ادوار تاریخ چند سال است؟ فرمود: پنجاه هزار سال که در هفت دوره می باشد. در آن مصحف، اسامی همه خلق خدا و اجل آن ها و نیز صفت بهشتیان و تعدادشان و تعداد داخل شوندگان آتش و اسامی همه آن ها آمده است. هم چنین علم قرآن، چنان که نازل شده است و علم تورات چنان که نازل شده است و علم انجیل چنان که نازل شده است و علم زبور و تعداد هر درخت و کلوخی در همه سرزمین ها در آن وجود دارد. و فرمود: و چون خداوند اراده کرد، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل بر او (حضرت زهرا) نازل فرمود تا آن مصحف را برای آن حضرت حمل کردند و به وسیله آن ملائکه کتاب را بر او نازل فرمود و این واقعه در یک سوم آخر بعد از نیمه شب جمعه اتفاق افتاد پس هبوط کرد با مصحف مذکور در حالی که او (فاطمه زهرا) ایستاده مشغول نماز بود، آن ها (میکائیل و جبرئیل و اسرافیل) ایستاده بودند (به احترام حضرت) تا او نشست و بعد از فراغ از نماز بر او سلام کردند و گفتند: خداوند به تو سلام می رساند و بعد مصحف را در اتاقش قرار دادند. فاطمه فرمود: همه سلام ها برای اوست و از اوست و به سوی اوست و بر شما ای فرستادگان خداوند سلام باد. سپس آن سه فرشته به سوی آسمان عروج کردند، پس حضرت فاطمه، آن مصحف را بعد از نماز صبح تا موقع ظهر قرائت فرمود تا به آخر خواند و اطاعت از او بر جمیع مخلوقات خداوند از جن و انس و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب می باشد. گفتم: فدایت شوم آن مصحف بعد از زمان فاطمه زهرا علیها السلام چه شد؟ و در دست که افتاد؟ فرمود: آن را به امیرالمؤمنین سپرد و بعد از او به امام حسن و سپس امام حسین رسید و بعد از او در نزد اهلس است تا به دست صاحب الامر خواهد

رسید. گفتم: این علم بسیار عظیم و کثیری است؟ امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمد آن چه برای تو صیغ کردم در دو ورق اول آن کتاب است و حتی يك حرف و بیش از آن نردم. (یعنی همه آن چه ذکر شد فقط در دو ورق از کل کتاب است).

«لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ؛ ... ، وَإِذَا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَيَّ رَافِعاً صَوْتَهُ بِالشَّهَادَتَيْنِ، ... وَبِكَوْنِ مُحَدَّثًا، ... وَبِكَوْنِ عِدَّةِ مُصْحَفِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ» (1).

امام نشانه هایی دارد؛ ...، و (از جمله) هنگامی که از شکم مادر بر زمین افتد، دو کف دست خود را بر زمین نهاده و صدایش را به شهادت بلند کند، ... و محدث باشد، ... و مصحف فاطمه علیها السلام نزد او باشد.

مصحف حضرت، حاوی علوم عوالم ملکوت و غیر آن و حوادث گذشته و حال و آینده همه عوالم و طبقات و اصناف آن است و این همه از موارث امامت است، به یقین او، کسی جز حجة الله نیست.

ص: 126

1- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 418 ح 5914 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 213 ب 19 ح 1 و الخصال: ج 2 ص 527 و معاني الأخبار: ص 102 ح 4 - حدثنا محمد بن إبراهيم ابن إسحاق الطالقاني رضي الله عنه قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عقدة الكوفي قال: حدثنا علي بن الحسن بن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال: لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ؛ يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ، وَ أَحْكَمَ النَّاسِ، وَ أَتْقَى النَّاسِ، وَ أَحْلَمَ النَّاسِ، وَ أَشَجَعَ النَّاسِ، وَ أَسْحَى النَّاسِ، وَ أَعْبَدَ النَّاسِ. وَ يُوَلِّدُ مَحْتُونًا، وَ يَكُونُ مُطَهَّرًا، وَ يَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَ إِذَا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَيَّ رَافِعاً صَوْتَهُ بِالشَّهَادَتَيْنِ، وَ لَا يَحْتَلِمُ، وَ يَنَامُ عَيْنُهُ وَ لَا يَنَامُ قَلْبُهُ، وَ يَكُونُ مُحَدَّثًا، وَ يَسْتَوِي عَلَيْهِ دَنْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ لَا يَرَى لَهُ بَوْلٌ وَ لَا غَائِطٌ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ وَكَّلَ الْأَرْضَ بِإِتِّلَاعِ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ، وَ تَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ، وَ يَكُونُ أَوْلَى بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ، وَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ، وَ يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ يَكُونُ آخِذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ، وَ أَكْفَى النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ، وَ يَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا، حَتَّى إِنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ بِنِصْفَيْنِ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ سَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ، وَ تَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ شِيعَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ تَكُونُ عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَ هِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا، فِيهَا جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ لَدُودِ أَدَمَ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَفْرُ الْأَكْبَرُ، وَ الْأَصْغَرُ، إِهَابٌ مَاعِزٌ وَ إِهَابٌ كَبِشٌ فِيهِمَا جَمِيعُ الْعُلُومِ حَتَّى أَرْشُ الْخَدَشِ وَ حَتَّى الْجِلْدَةُ وَ نِصْفُ الْجِلْدَةِ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. وَ الْإِحْتِجَاجُ: ج 2 ص 437 وَ كَشْفُ الْغَمَّةِ: ج 2 ص 290 وَ غَررُ الْإِخْبَارِ: ص 340 الْفَصْلُ 30. بحار الانوار: ج 25 ص 116 ب 4 ح 1 از معاني الاخبار و الخصال و عيون اخبار الرضا عليه السلام و الإحتجاج. ر.ك. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 1 ص 253.

قرآن کریم می فرماید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثَّةٍ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (1)

خداوند، نور (یعنی روشنی بخش) آسمان ها و زمین است، (صفت و) مَثَلِ نور او چون قندیلی است که در آن چراغی است و آن چراغ در شیشه ای است، آن شیشه گویی ستاره درخشانی است از درخت پر برکت زیتون، با آن که نه شرقی و نه غربی است (شرق و غرب جهان به آن روشن است)، (از شدت صافی آن روغن) نزدیک است بدون تماس با آتش روشنی دهد؛ نوری است بر فراز نور دیگر، خدا هر که را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خداوند برای مردم

مثال ها می زند، و او به همه چیزداناست.

در حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله فرازهای آیه نور به حضرت فاطمه و دوازده امام

ص: 129

1- سوره (24) التور آیه 36: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثَّةٍ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

عليهم السّلام تفسير شده است؛ «نور» نام رسول الله صلّى الله عليه وآله و «المشكاة» امير المؤمنين و «كأنّها كوكبٌ درّيّ» بر امام محمّد باقر و «يكادُ زَيْتُهَا» بر امام حسن زكّي - عسكری و «يُضِيءُ» بر صاحب الزّمان عليهم السّلام بیان شده است. (1)

و در حدیث امیرالمؤمنین علیه السّلام «المشكاة» به رسول الله صلّى الله عليه وآله و «كأنّها كوكبٌ درّيّ» به امام علی بن الحسین و «يكادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» به امام محمّد جواد عليهم السّلام تفسیر شده است. (2)

و امام علی بن الحسین علیه السّلام فرمود:

«مَثَلُنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ الْمَشْكَاةِ، فَنَحْنُ الْمَشْكَاةُ، ...» (3)

مثل ما اهل بیت در کتاب الله همانند چراغ دان است، (مقصود از) آن چراغ دان ما اهل بیت هستیم ...

و امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

«المشكاةُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السّلامُ، ... «كأنّها كوكبٌ درّيّ» كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السّلامُ كوكبٌ درّيّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ (أَهْلِ الدُّنْيَا) (العالمين) وَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ)، ... يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ (يَنْفَجِرُ) مِنْهَا، «و لَوْ لَمْ تَمَسُّهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ، ...» (4)

مقصود از «چراغ دان» فاطمه علیها السّلام است، ... «گویی ستاره ای درخشان است» گویی فاطمه علیها السّلام ستاره ای درخشان است در میان زنان اهل زمین (زنان اهل دنیا) (زنان جهان) (و زنان اهل بهشت)، ... نزدیک است که نور علم از او درخشش گیرد (از شدت خلوص و صافی)، «هرچند که آتش به او نرسد، نوریست برفراز نوری» امامی از آن بعد از امامی، ...

ص: 130

1- مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج 1 ص 280 - تظاهرت الروايات عن النبي صلّى الله عليه وآله في قوله: «اللّه نُورُ السَّمَاوَاتِ» أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! «النُّورُ» اسْمِي، «و الْمَشْكَاةُ» أَنْتَ يَا عَلِيُّ، «مِصْبَاحٌ» الْمِصْبَاحُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، «الرُّجَاةُ» عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، «كأنّها كوكبٌ درّيّ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ» جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، «مُبَارَكَةٌ» مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، «زَيْتُونَةٌ» عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، «لا شَرْقِيَّةٌ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، «وَ لا غَرْبِيَّةٌ» عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، «يكادُ زَيْتُهَا» الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، «يُضِيءُ» الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

2- تفسیر البرهان: ج 4 ص 72 ح 764 گوید: از جابر بن عبد الله الأنصاری روایت شده است که گوید: داخل مسجد کوفه گردیدم و امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه عليه را دیدم که با انگشت خود بر زمین می نوشت و لبخند می زد، عرضه داشتم: ای امیر المؤمنین! چه چیز شما را خندان نموده است؟ فرمود: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ وَ لَمْ يَعْرِفْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا». فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّ آيَةٍ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: «قَوْلُهُ تَعَالَى: «اللّه نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ»، الْمَشْكَاةُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» أَنَا الْمِصْبَاحُ «فِي رُجَاةٍ» الرُّجَاةُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السّلامُ «كأنّها كوكبٌ درّيّ» وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السّلامُ «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السّلامُ «زَيْتُونَةٌ» جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السّلامُ «لا شَرْقِيَّةٌ» مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السّلامُ «وَ لا غَرْبِيَّةٌ» عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السّلامُ «يكادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السّلامُ «وَ لَوْ لَمْ تَمَسُّهُ نَارٌ» عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السّلامُ «نُورٌ عَلَى نُورٍ» الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السّلامُ «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السّلامُ «وَ يَصِدُّ رَبُّ اللَّهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

3- تأويل الآيات الظاهرة: ص 356- قال محمد بن العباس رحمه الله: حدثنا محمد بن جعفر الحسني، عن إدريس بن زياد الحنطاط، عن أبي عبد الله أحمد بن عبد الله الخراساني، عن يزيد بن إبراهيم أبي حبيب الساجي، عن أبي عبد الله، عن أبيه، عن علي بن الحسين عليهم السلام أنه قال: مثلنا في كتاب الله كمثل المِسْكَاءِ، فَنَحْنُ الْمِسْكَاءُ، وَالْمِسْكَاءُ الْكَوْءُ، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» وَ «الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاجَةٍ» وَ الرُّجَاجَةُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، «كَانَها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» قَالَ: عَلِيُّ «رَيْثُونَةَ لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ بِكَادُ رَيْثُونَةَ يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورِ الْقُرْآنِ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي لَوْلَا يَتَنَا مَنْ أَحَبَّ. وَ تأويل الآيات الظاهرة: ص 367 - قال (محمد بن العباس رحمه الله) أيضا: حدثنا الحسين بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن عبد الرحمن قال: حدثنا أصحابنا أن أبا الحسن عليه السلام كتب إلى عبد الله بن جندب قال: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنَّ مَثَلَنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ الْمِسْكَاءِ، وَ الْمِسْكَاءُ فِي الْقَنْدِيلِ، فَنَحْنُ الْمِسْكَاءُ، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» وَ الْمِصْبَاحُ: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، «الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاجَةٍ» نَحْنُ الرُّجَاجَةُ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» عَلِيُّ، «رَيْثُونَةَ» مَعْرُوفَةٌ، «لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ» لَا مُنْكَرَةَ وَ لَا دَعِيَّةَ، «يَكَادُ رَيْثُونَةُ يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ الْقُرْآنِ، «عَلِيٌّ نُورٌ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» بَانَ يَهْدِي مَنْ أَحَبَّ إِلَيَّ وَ لَا يَتَنَا. بحار الأنوار: ج 23 ص 311 ب 18 ح 16 از كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهرة.

4- تفسير علي بن ابراهيم القمي: ج 2 ص 102- حدثنا محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد قال: حدثنا محمد بن الحسن الصانع قال: حدثنا الحسن بن علي، عن صالح بن سهل الهمداني قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول في قول الله: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْسِ كَاءِ»: الْمِسْكَاءُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ «فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ» الْحَسَنُ، وَ الْحَسَنُ «فِي رُجَاجَةٍ الرُّجَاجَةُ»، «كَانَها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» يُوقَدُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ وَ عَلَى نِسْبَتَا وَ آلِهِ السَّلَامِ، «لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ» يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةَ وَ لَا نَصْرَانِيَّةَ، «يَكَادُ رَيْثُونَةُ يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ مِنْهَا، «وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورِ إِمَامٍ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ مَنْ يَشَاءُ، أَنْ يَدْخُلَهُ فِي نُورٍ وَ لَا يَتِيهِمْ مُخْلِصًا، «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». بحار الأنوار: ج 23 ص 304 ب 18 ح 1 از تفسير علي بن ابراهيم قمي: ج 2 ص 102 - حدثنا محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد قال: حدثنا محمد بن الحسن الصانع قال: حدثنا الحسن بن علي، عن صالح بن سهل الهمداني قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول في قول الله: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ - مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْسِ كَاءِ»: «الْمِسْكَاءُ» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ «فِيهَا مِصْبَاحٌ» الْحَسَنُ، الْمِصْبَاحُ الْمِصْبَاحُ الْحَسَنُ «فِي رُجَاجَةٍ» الرُّجَاجَةُ، «كَانَها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَانَتْ فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» يُوقَدُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، «لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ» لَا يَهُودِيَّةَ وَ لَا نَصْرَانِيَّةَ، «يَكَادُ رَيْثُونَةُ يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ مِنْهَا، «وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورِ إِمَامٍ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ مَنْ يَشَاءُ أَنْ يَدْخُلَهُ فِي نُورٍ وَ لَا يَتِيهِمْ مُخْلِصًا «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». الكافي: ج 1 ص 195 ح 5- علي بن محمد و محمد بن الحسن، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن بن شَمُون، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، عن عبد الله بن القاسم، عن صالح بن سهل الهمداني قال: قال أبو عبد الله عليه السلام في قول الله تعالى: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْسِ كَاءِ» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» الْحَسَنُ، «الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاجَةٍ» الْحَسَنُ، «الرُّجَاجَةُ كَانَتْها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، «رَيْثُونَةَ لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ» لَا يَهُودِيَّةَ وَ لَا نَصْرَانِيَّةَ، «يَكَادُ رَيْثُونَةُ يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِهَا، «وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورِ إِمَامٍ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ مَنْ يَشَاءُ، «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ» تأويل الآيات: ص 357 و تفسير البرهان: ج 4 ص 71 ح 7639- وقال محمد بن العباس رحمه الله: حدثنا العباس بن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب الرِّبَات قال: حدثني أبي، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، بإسناده إلى صالح بن سهل الهمداني قال: قال أبو عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْسِ كَاءِ فِيهَا مِصْبَاحٌ» قَالَ: الْحَسَنُ «الْمِصْبَاحُ»، «فِي رُجَاجَةٍ» الْحَسَنُ الرُّجَاجَةُ، «كَانَتْها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» إِبْرَاهِيمَ، «رَيْثُونَةَ لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ» لَا يَهُودِيَّةَ وَ لَا

نَصْرَانِيَّةً، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَتَفَجَّرُ مِنْهَا، «وَلَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَيْمَةِ مَنْ يَشَاءُ، «وَيَصَدِّ رَبُّ اللَّهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». و تفسیر فرات الكوفي: ص 282 ح 383 - حدثني جعفر بن محمد الفزاري، معنعناً عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: « اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» الْحَسَنُ مِصْبَاحٌ، «الْمِصْبَاحُ» وَالْحُسَيْنُ فِي زُجَاجَةٍ «الرُّجَاجَةُ» «كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ مِنْ [بَيْنِ] نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ [زَيْتُونَةٍ]» إِبْرَاهِيمَ [الْحَلِيلِ]، [زَيْتُونَةٍ] «لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةً وَلَا نَصْرَانِيَّةً، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْبَعُ مِنْهَا.

و امام موسى الكاظم عليه السلام فرمود:

«الْمِشْكَاةُ» فَاطِمَةُ، ... «كَانَتْ كَوْكَبًا دُرِّيًّا بَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، ... «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ»، يَكَادُ الْعِلْمُ أَنْ يُنْطِقَ مِنْهَا...» (1).

«چراغ دان» فاطمه است، ... «گویا ستاره ای درخشان است» آن حضرت ستاره ای درخشان در میان زنان جهانیان بود، ... «نزدیک است روغنش درخشش گیرد» نزدیک است که علم (پیش از وحی) از او نطق گیرد... .

و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«... مَثَلُنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ مِشْكَاةٍ، وَالْمِشْكَاةُ فِي الْقَنْدِيلِ، فَتَحْنُ الْمِشْكَاةُ «فِيهَا مِصْبَاحٌ»، الْمِصْبَاحُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» مِنْ عُنْصُرَةِ طَاهِرَةٍ، ... فَالنُّورُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَهْدِي اللَّهُ لَوْلَا يَتَنَا مَنْ أَحَبَّ،...» (2).

... مَثَلِ ما (اهل بیت اطهار)، در کتاب الله همانند چراغ دان است، و چراغ دان در آویز است، (مقصود از) مشکات ما هستیم، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» مصباح محمد رسول الله صلى الله عليه وآله است، «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» از عنصری طاهره (و پاکیزه) است، ... و «نور» علی علیه السلام است، هرکه را الله دوست دارد به ولایت ما هدایت فرماید... .

این احادیث و دیگر احادیث در تفسیر قسمت های این آیه کریمه تصریح و دلالت دارند بر این که «مَثَلُ نُورِهِ» «كَمِشْكَاةٍ» «فِيهَا مِصْبَاحٌ» «الْمِصْبَاحُ» «فِي زُجَاجَةٍ» «الزُّجَاجَةُ كَانَتْهَا كَوْكَبُ دُرِّيٌّ» «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» «نُورٌ عَلَيَّ نُورٍ» «لِنُورِهِ» همه حکایت از اهل بیت

ص: 131

1- عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، يحيى ابن بطريق الحلبي: ص 356 ح 686 و كشف اليقين: ص 416 المبحث 21 و الصراط المستقيم: ج 1 ص 296 و الطرائف: ج 1 ص 135 و تفسير البرهان: ج 4 ص 72 ح 7642 - از مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، ابن المغازلي: ص 271 ح 319 و چاپ دیگری: ص 316 ح 361- أخبرنا أحمد بن [محمد بن] عبد الوهاب، عن عمر بن عبد الله بن شاذب، عن محمد بن الحسن بن زياد، عن أحمد بن الخليل، عن محمد بن أبي محمود، عن يحيى بن أبي معروف، عن محمد بن سهل البغدادي، عن موسى بن القاسم، عن علي بن جعفر، قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن قول الله عز وجل: «كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» قَالَ: «الْمِشْكَاةُ» فَاطِمَةُ، وَ «الْمِصْبَاحُ» الْحَسَنُ، وَ «الزُّجَاجَةُ» الْحُسَيْنُ، «كَانَتْهَا كَوْكَبُ دُرِّيٌّ» كَانَتْ كَوْكَبًا دُرِّيًّا بَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» الشَّجَرَةُ الْمُبَارَكَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» لَا يَهُودِيَّةٍ وَلَا نَصْرَانِيَّةٍ «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» قَالَ: يَكَادُ الْعِلْمُ أَنْ يُنْطِقَ مِنْهَا «وَلَوْلَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورٍ عَلَيَّ نُورٍ» قَالَ: فِيهَا إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» قَالَ: يَهْدِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَوْلَا يَتَنَا مَنْ يَشَاءُ».

2- تفسير القمي: ج 2 ص 104- فإنه حدثني أبي، عن عبد الله بن جندب قال: كتبت إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام أسأل عن تفسير هذه الآية - فكتب إليّ الجواب: أمّا بعدُ، فإنَّ مُحَمَّدًا كَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ، فَتَحْنُ أَمْنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، عَدَدْنَا عِلْمَ الْمَنَائِمِ وَالْبَلَايَا وَنَسَابَ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدَ الْإِسْلَامِ وَ مَا مِنْ فِتْنَةٍ تَضِلُّ مَادَّةً بِهِ وَ تَهْدِي مَائَةً بِهِ إِلَّا وَنَحْنُ نَعْرِفُ سَائِقَهَا وَ قَائِدَهَا وَ نَاعِقَهَا، وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ حَقِيقَةِ النِّفَاقِ. وَ إِنَّا شَرِيعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقُ، يَرِدُونَ مَوْرِدَنَا وَ يَدْخُلُونَ مَدْخَلَنَا، لَيْسَ عَلَيَّ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ غَيْرَنَا وَ غَيْرُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، نَحْنُ

الْآخِذُونَ بِحُجْرَةِ نَبِيِّنَا، وَنَبِيِّنَا آخِذٌ بِحُجْرَةِ رَبِّنَا، وَالْحُجْرَةُ النُّورُ، وَشَيْعَتُنَا آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا، مَنْ فَارَقَنَا هَلَكَ، وَمَنْ تَبِعَنَا نَجَا، وَالْمُفَارِقُ لَنَا وَالْجَاوِدُ لَوْلَايَتِنَا كَافِرٌ، وَمُتَّبِعُنَا وَتَابِعٌ أَوْلِيَانَا مُؤْمِنٌ، لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ، وَلَا يُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ. وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ يُحِبُّنَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنَا، نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ تَبِعَنَا، وَهُدًى لِمَنْ اهْتَدَى بِنَا، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ مِنَّا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ. وَبِنَا فَتَحَ اللَّهُ الدِّينَ وَبِنَا يَخْتِمُهُ، وَبِنَا أَطْعَمَكُمُ اللَّهُ عُشْبَ الْأَرْضِ، وَبِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَبِنَا أَمَنَكُمُ اللَّهُ مِنَ الْغَرَقِ فِي بَحْرِكُمْ، وَمِنَ الْخَسْفِ فِي بَرْكُمُ، وَبِنَا نَفَعَكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ، وَفِي قُبُورِكُمْ، وَفِي مَحْشَرِكُمْ، وَعِنْدَ الصِّرَاطِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ دُخُولِ الْجَنَانِ. مَثَلُنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ مِشْكَاةٍ، وَالْمِشْكَاةُ فِي الْفُنْدِيلِ، فَنَحْنُ الْمِشْكَاةُ «فِيهَا مِصْبَاحٌ»، الْمِصْبَاحُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» مِنْ عُنُقِرَةِ طَاهِرَةٍ «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» لَا دَعِيَّةٍ وَلَا مُنْكَرَةَ «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» الْقُرْآنُ، «نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» فَالنُّورُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَهْدِي اللَّهُ لَوْلَايَتِنَا مَنْ أَحَبَّ، وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَ وَلِيًّا مَشْرِقًا وَجَهُّهُ، مُبِيرًا بُرْهَانَهُ، طَاهِرَةً عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ، حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ أَوْلِيَاءَنَا الْمُتَّقِينَ مَعَ الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا، فَشَهِدْنَا لَهُمْ فَضْلَ عَلَى الشُّهَدَاءِ بِعَشْرِ دَرَجَاتٍ، وَلِشَهِيدِ شَيْعَتِنَا فَضْلًا عَلَى كُلِّ شَهِيدٍ غَيْرِنَا بِتِسْعِ دَرَجَاتٍ، فَنَحْنُ التُّجَبَاءُ، وَنَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَحْنُ أَوْلَادُ الْأَوْصِيَاءِ، وَنَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِينَهُ، فَقَالَ فِي كِتَابِهِ: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ! وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى، قَدْ عَلَّمْنَا وَبَلَّغْنَا مَا عَلَّمْنَا وَاسْتَوَدَعْنَا عِلْمَهُمْ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَوْلِي الْعِلْمِ، وَأَوْلِي الْعِزْمِ مِنَ الرَّسُولِ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ: «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»، مِنَ الشُّرْكِ مَنْ أَشْرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» مِنْ وِلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُحَمَّدُ! «فِيهِ هُدًى، يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» مَنْ يُجِيبُكَ إِلَى وِلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتَابٍ فَتَدَبَّرْهُ وَافْهَمْهُ، فَإِنَّهُ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَنُورٌ». وَتَأْوِيلُ الْآيَاتِ الطَّاهِرَةِ: ص 356 و البرهان في تفسير القرآن: ج 4 ص 72 ح 7641 و بحار الأنوار: ج 4 ص 23 ب 3 از مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 7 ص 226- روي عن الرضا عليه السلام أنه قال: نَحْنُ الْمِشْكَاةُ فِيهَا، وَ «الْمِصْبَاحُ» مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، يَهْدِي اللَّهُ لَوْلَايَتِنَا مَنْ أَحَبَّ.»

عصمت و طهارت علیهم السلام دارد و بر آنان دلالت می‌کنند، و حضرت فاطمة الزهراء سلام الله علیها نیز از آنان و در ولایت هم سان آنان است، و یازده امام از ائمه اطهار از آن مشکات و نور الهی هستند.

همه آنان چراغ دان و چراغ و جام و روغن چراغ، مبارک، نه شرقی و نه غربی هستند، نور درخشان و بر نور دیگرند، همه نورند و از نورند و نور از آنان است، امامت و ولایت در آنان و از آنان و به آنان است آغاز و انجام آن، و همه از یک دیگرند، و حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام رتبه و مقام ویژه ای دارد زیرا که او «عُنْصَرَةَ طَاهِرَةٍ» است که

«يَكَادُ الْعِلْمُ يَتَفَجَّرُ مِنْهَا» و «يَكَادُ الْعِلْمُ أَنْ يَنْطِقَ مِنْهَا»؛

شرح آن؟؟؟ بگذار و بگذر که کنونش نه مجال است

برهان 44- فاطمه، بئر معطله، امام صامت

قرآن کریم می‌فرماید:

«فَكَأَيُّ مِثْلٍ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» (1).

چه بسیار شهرها که (اهل آن) ستمگر بودند و هلاکشان کردیم. آن گاه آن شهرها بر سقف‌ها خراب شدند، و چه چاه‌های آب بلا استفاده و کاخ‌های بلند که متروک ماند.

امام جعفر صادق علیه السلام در جواب سؤال نصر بن قابوس و ابوبصیر و ابراهیم بن زیاد، و امام موسی کاظم علیه السلام در جواب برادرش علی بن جعفر درباره این آیه فرمودند:

«الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ» (2).

(مقصود از) چاه بلا استفاده، امام صامت است، و کاخ بلند (و سرفراز) امام ناطق.

این دو امام علیهما السلام «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ» را به امام صامت تفسیر نمودند.

ص: 132

1- سوره (22) الحج آیه 46.

2- بصائر الدرجات: ص 505 ب 18 ح 4 و معانی الأخبار: ص 111 ح 2 - هردو به سند متصل خود، از نصر بن قابوس گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم درباره آیه کریمه: «وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ». و کمال الدین و تمام النعمة: ج 2 ص 417 ب 40 ح 10 - به سند متصل خود از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نمود که حضرت درباره آیه کریمه: «وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ». و معانی الأخبار: ص 111 ح 1 - به سند متصل خود، از ابراهیم بن زیاد گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره کلام خداوند: «وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» پرسیدم فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ». الکافی: ج 1 ص 427

ح 75 - به سند متصل خود، از علی بن جعفر، از برادرش امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدم از تفسیر آیه کریمه: «وَبِئْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعْطَلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ». مانند آن: مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 88.

احمد بن حمید هاشمی گفت: در کتاب جامع امام جعفر صادق علیه السلام درباره سخن خدای تعالی «وَبِئْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ» آمده بود که حضرت فرموده اند: رَسُولُ اللَّهِ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبِئْرُ الْمُعْطَلَةُ عَلَيَّ. (1) یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق «الْبِئْرُ الْمُعْطَلَةُ» فرموده است.

صالح بن سهل، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود:

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبِئْرُ الْمُعْطَلَةُ فَاطِمَةُ وَوُلْدُهَا مُعْطَلِينَ مِنَ الْمُلْكِ». (2)

کاخ محکم (و استوار) امیرالمؤمنین علیه السلام است، و چاه بلا استفاده فاطمه و فرزندان او هستند که از ملک وامانده اند.

بنابراین حضرت فاطمه و امامان از فرزندان ایشان نیز چون امیرالمؤمنین علیهم السلام، امام صامت هستند و هم چنان که می دانیم حقوق آنان غصب گردیده و معطل از ملک می باشند. فاطمه زهرا نیز تمام شرایط امامت را دارند لکن بئر معطله و حجة الله صامت هستند و این به جهت وجود موانع برای خلق ناقابل است که نمی توانند بهره آن چنان که باید ببرند لکن برای خودشان حجة الله هستند و همیشه ناطق.

و حتی با این وجود، عمل کرد حضرت پس از رسول الله، میزان حق و باطل بوده و راه گشای حق جویان بوده و هست و خواهد بود.

برهان 45 الی 47 فاطمه، «ليلة القدر»، آغاز تا انجام فاطمه «روح القدس» فاطمه «الليلة المباركة» منها الأئمة

بنابر فرمایش امام جعفر صادق علیه السلام «شب قدر» فاطمه است، حمران (بن اعین)

ص: 133

1- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 88 - احمد بن حمید هاشمی گفت: در کتاب و جامع جعفر صادق علیه السلام درباره سخن خداوند تعالی: «وَبِئْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ» چنین آمده بود که: فرموده بود: «رَسُولُ اللَّهِ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبِئْرُ الْمُعْطَلَةُ عَلَيَّ».

2- معاني الأخبار: ص 111 ح 3- به سند متصل خود، از صالح بن سهل، از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبِئْرُ الْمُعْطَلَةُ فَاطِمَةُ وَوُلْدُهَا مُعْطَلِينَ مِنَ الْمُلْكِ». تأویل الآيات الظاهرة: ص 339 و تفسیر البرهان: ج 3 ص 895 ح 7376 از تفسیر محمد بن العباس رحمه الله، به سند متصل خود، از صالح بن سهل، از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: قوله تعالى: «وَبِئْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ» «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبِئْرُ الْمُعْطَلَةُ فَاطِمَةُ وَوُلْدُهَا مُعْطَلُونَ مِنَ الْمُلْكِ».

گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم در شب قدر چه چیز ممتاز و پراکنده می شود؟ آیا همان است که خداوند در آن تقدیر می کند؟ فرمود:

«لَا تُوصَفُ قُدْرَةُ اللَّهِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، فَكَيْفَ يَكُونُ حَكِيمًا إِلَّا مَا فُرِّقَ؟، وَلَا تُوصَفُ قُدْرَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، لِأَنَّهُ يُحَدِّثُ مَا يَشَاءُ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْنِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَقَوْلُهُ: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» وَالْمَلَائِكَةُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالرُّوحُ الْقُدُسُ، وَهُوَ فِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ»، يَقُولُ: مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مُسَلَّمَةٍ، «حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»، يَعْنِي حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (1)

قدرت الله وصف نمی شود، جز این که او (یعنی خود خداوند) فرمود: «در آن (شب) هر کاری استوار فیصله می یابد»، و چگونه چیزی استوار است مگر آن چه به طور مشخص برنامه ریزی و تعیین شده باشد؟ و قدرت خداوند سبحان وصف نمی شود، زیرا او آن چه را که بخواهد، پدید می آورد. این که فرموده است: «شب قدر از هزار ماه بهتر است» مقصود فاطمه علیها السلام است، و این سخن او که فرمود: «فرشتگان و روح در آن (شب) فرود می آیند»، فرشتگان در این جا مؤمنانی هستند که علم آل محمد علیهم السلام را دارا شده اند، و «روح» روح القدس است، که همان فاطمه علیها السلام است، «برای هر امری (فرمان و سرنوشتی)، سلام است»، می فرماید: هر امری که تسلیم شده باشد، «تا طلوع سپیده»، یعنی تا زمانی که قائم علیه السلام قیام کند.

ص: 134

1- تأویل الآيات الظاهرة: ص 791 - و روي أيضاً عن محمد بن جمهور، عن موسى بن بكر، - عن زرارة، عن حمran قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عما يفرق في ليلة القدر هل هو ما يقدر الله فيها؟ قال:..

بنابراین، خشنودی و خشم حضرت زهرا سلام الله علیها، در تقدیر مؤثر بوده و «روح القدس» که در تنزل ملائکه و مقدرات از هر امری از جانب ساحت قدس ربوبی، به امام و ولی عصر نقش اساسی دارد، او نیز فاطمه است. (1)

بلکه روح القدس، شأنی از شئون فاطمه طاهره است. و این مقامی است که به تعبیر امام، «قدرة الله وصف نگرده». مردی نصرانی از امام موسی کاظم علیه السلام از باطن آیات نخستین سوره مبارکه دخان پرسید و امام در تفسیر آن ها فرمود:

«أَمَّا حُمُ فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ فِي كِتَابِ هُودِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْهِ، وَهُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ، وَأَمَّا الْكِتَابُ الْمُبِينُ فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَمَّا اللَّيْلَةُ (الْمُبَارَكَةُ) فَفَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ...» (2)

اما «حُم» همان محمد صلی الله علیه و آله است، (نام) او در کتابی که بر هود نازل شد (چنین) است، نام محمد با نقص حروف آمده است (که میم اول و دال باشد)، و اما «کتاب مبین» امیرالمؤمنین علیه السلام است، و اما «اللیلة المباركة» مقصود فاطمه علیها السلام است، اما این که فرمود: «در آن (شب) هر امر استواری ممتاز شود» یعنی خیر بسیاری از او بر آید؛ مردی حکیم و مردی حکیم و مردی حکیم... .

او لیله است لکن «لیلة القدر»، شب الله است، اوست لیلة القدر و ظرف انزال تمام قرآن کریم و جمیع کتب وحی، انزالاً من الرب الجلیل. خیر بسیار و با برکت از اوست، و این بطن فاطمه است که ظرف قابل قرار و انتقال امامان و اولیاء معصوم است؛ و از

ص: 135

1- تفسیر فرات الکوفی: ص 581 ح 747- به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ، وَ الْقَدْرُ اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا -أَوْ- مِنْ مَعْرِفَتِهَا، وَ قَوْلُهُ: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ، وَ هِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ. وَ الرُّوحُ الْقُدْسُ هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ. «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ» يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

2- الکافی: ج 1 ص 478 ح 4- أحمد بن مهران و علي بن إبراهيم جميعاً، عن محمد بن علي، عن الحسن بن راشد، عن يعقوب بن جعفر بن إبراهيم قال: كنت عند أبي الحسن موسى عليه السلام إذ أتاه رجل نصراني ونحن معه بالعريض ... «حُم. وَالْكِتَابُ الْمُبِينُ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ. فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» ما تفسیرها فی الباطن؟ فقال علیه السلام: ... أَمَّا حُمُ فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ فِي كِتَابِ هُودِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْهِ، وَهُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ، وَأَمَّا الْكِتَابُ الْمُبِينُ فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَمَّا اللَّيْلَةُ فَفَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ... . از او: تأویل الآيات الظاهرة: ص 555.

لیلة القدر وجود او طلوع فجر حسین علیه السلام است و فجر قیام مهدی آل محمد صلی الله علیهم خواهد بود، از روح و نور و جان و قلب و همه وجود او مردانی حکیم پا به عرصه وجود گذاشته و به عالم دنیا نیز بیانند...

اما در باب معرفت روح القدس، امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«يَا جَابِرُ! إِنَّ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ؛ رُوحَ الْقُدْسِ وَرُوحَ الْإِيمَانِ وَرُوحَ الْحَيَاةِ وَرُوحَ الْقُوَّةِ وَرُوحَ الشَّهْوَةِ، فَبِرُوحِ الْقُدْسِ يَا جَابِرُ عَلِمْنَا مَا تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى».

ای جابر! همانا در پیامبران و جانشینان پیامبران پنج روح است: روح قدسی، روح ایمان، روح زندگی، روح قوت، روح شهوت، پس به وسیله روح قدسی امور و مطالب زیر عرش تا زیر خاک را می دانیم.

سپس فرمود:

«يَا جَابِرُ! إِنَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحَ يُصَيِّبُهَا الْحَدَثَانُ، إِلَّا رُوحَ الْقُدْسِ لَا يَلْهُو وَلَا يَلْعَبُ».

ای جابر! این چهار روح (اخیر را) پیش آمد و آفت می رسد، ولی روح قدسی بازی و یاوه گری نکند.

و فرمودند: روح القدس خلق است لکن بزرگ تر از ملائکه؛ از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل است. (1)

در صحیح هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام است که گوید: شنیدم امام علیه السلام درباره روح در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» فرمود:

«خَلَقَ أَعْظَمُ مِنَ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ، لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى غَيْرِ

ص: 136

1- بصائر الدرجات: ص 460 ب 18 ح 1 - به سند صحیح از هشام بن سالم گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود درباره این آیه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»: «خَلَقَ أَعْظَمُ مِنَ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ، لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى غَيْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ مَعَ الْأَيْمَةِ، يُوقِّعُهُمْ وَيُسَدِّدُهُمْ، وَلَيْسَ كُلُّ مَا طَلِبَ وَجِدَ». و بصائر الدرجات: ص 461 ب 18 ح 5 - به سند صحیح از ابو بصیر گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم از آیه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» فرمود: «هُوَ خَلَقَ أَعْظَمُ مِنَ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ، كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ يُوقِّعُهُ، وَهُوَ مَعَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ مَعَ الْأَيْمَةِ، يُوقِّعُهُمْ وَيُسَدِّدُهُمْ، وَلَيْسَ كُلَّمَا طَلِبَ وَجِدًا.

مخلوقی است بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل که همراه هیچ یک از پیغمبران گذشته جز محمد صلی الله علیه وآله نبوده است، و او همراه ائمه می باشد، و ایشان را حفظ و راهنمایی می کند، چنان نیست که هر چه طلب شود، به دست آید. فاطمه است روح القدس که واسطه انزال قرآن و تنزل مقدرات تمامی عوالم و تنزل ملائکه بر ولی معصوم است، او که لهو و لغو و لعب و حدثنای بر او نیست، و حضرات انبیاء و آل الله را توفیق و تسدید کرده و می کند و علم آموخته و می آموزد. (1)

نه تنها دارای روح قدسی است بلکه خود «روح القدس» است، او که رسول الله و ائمه هدی علیهم صلوات الله به آن منزلت نبوت و رسالت و امامت را حمل نمودند؛

«وَلَيْسَ كُلَّمَا طَلِبَ وَجِدًا».

برهان 48- به خدا سوگند، حجة الله است

امام محمد جواد علیه السلام فرمود:

«يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَقْلُجُوا، فَوَ اللَّهُ إِنَّهَا لِحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ، وَإِنَّهَا لَعَايَةُ عِلْمِنَا، ...» (2).

ای گروه شیعیان! با سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» (با مخالفین) مخاصمه و مباحثه کنید تا پیروز شوید، به خدا قسم که آن سوره پس از رسول الله صلی الله علیه وآله حجت خدای تبارک و تعالی است بر خلق، و آن سرور دین شماست، و نهایت دانش ماست، ...

بنابر فرمایش امام محمد جواد علیه السلام، سوره قدر پس از رسول الله صلی الله علیه وآله،

ص: 137

1- در این باره احادیث بسیاریست و ما در این جا به چند مورد اکتفا می کنیم: بصائر الدرجات: ص 447 ب 14 ح 4 - به سند خود از جابر از امام محمد باقر علیه السلام گوید: از امام درباره علم عالم (ائمه) پرسیدم که فرمود: «يَا جَابِرُ! إِنَّ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ؛ رُوحَ الْقُدْسِ وَ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ رُوحَ الْحَيَاةِ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ، فَبِرُوحِ الْقُدْسِ يَمَّا جَابِرُ عَلِمْنَا مَا تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى». ثُمَّ قَالَ: «يَا جَابِرُ! إِنَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحَ يُصَيَّبُهَا الْحَدَثَانُ إِلَّا رُوحَ الْقُدْسِ فَإِنَّهَا لَا يَلْهُوُ وَلَا يَلْعَبُ». وبصائر الدرجات: ص 453 ب 15 ح 12 - به سند خود از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَيْمَةَ عَلَى خَمْسَةِ أَرْوَاحٍ؛ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ رُوحَ الْحَيَاةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ وَ رُوحَ الْقُدْسِ، فَرُوحُ الْقُدْسِ مِنَ اللَّهِ وَ سَائِرُ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ يُصَيَّبُهَا الْحَدَثَانُ، فَرُوحُ الْقُدْسِ لَا يَتَغَيَّرُ وَلَا يَلْعَبُ، وَ بِرُوحِ الْقُدْسِ عَلِمُوا يَا جَابِرُ مَا دُونَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى».

2- الكافي: ج 1 ص 249 ح 6 - (محمد بن أبي عبد الله و محمد بن الحسن، عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد جميعاً، عن الحسن بن العباس بن الحريش - معلق)، عن أبي جعفر عليه السلام قال: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَقْلُجُوا، فَوَ اللَّهُ إِنَّهَا لِحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ، وَإِنَّهَا لَعَايَةُ عِلْمِنَا. يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا بِحُمِ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ، فَإِنَّهَا لَوْلَا الْأَمْرُ خَاصَّةً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. يَا

مَعَشَرَ الشَّيْعَةِ! يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ. قِيلَ: يَا أَبَا جَعْفَرٍ! نَذِيرُهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: صَدَقَتْ فَهَلْ كَانَ نَذِيرٌ وَهُوَ حَيٌّ مِنَ الْبَعْثَةِ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ؟ فَقَالَ السَّائِلُ: لَا، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرَأَيْتَ بَعِيثَهُ أَلَيْسَ نَذِيرَهُ كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَعْثَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَذِيرٌ؟ فَقَالَ: بَلَى. قَالَ: فَكَذَلِكَ لَمْ يَمُتْ مُحَمَّدٌ إِلَّا وَهُوَ بَعِيثٌ نَذِيرٌ. قَالَ: فَإِنْ قُلْتُ: لَا فَقَدْ ضَيَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ مِنْ أُمَّتِهِ. قَالَ: وَمَا يَكْفِيهِمُ الْقُرْآنُ؟ قَالَ: بَلَى إِنْ وَجَدُوا لَهُ مُفَسِّرًا. قَالَ: وَمَا فَسَّرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: بَلَى، قَدْ فَسَّرَهُ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ وَفَسَّرَ لِلْأُمَّةِ شَأْنَ ذَلِكَ الرَّجُلِ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ السَّائِلُ: يَا أَبَا جَعْفَرٍ! كَانَ هَذَا أَمْرًا خَاصًّا، لَا يَحْتَمِلُهُ الْعَامَّةُ؟ قَالَ: أَبِي اللَّهُ أَنْ يُعْبَدَ إِلَّا سِرًّا حَتَّى يَأْتِيَ إِبَانُ أَجَلِهِ الَّذِي يُظْهِرُ فِيهِ دِينَهُ كَمَا أَنَّهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ مَعَ خَدِيجَةَ مُسْتَبْرَأً حَتَّى أُمرَ بِالْإِعْلَانِ. قَالَ السَّائِلُ: يَنْبَغِي لِصَاحِبِ هَذَا الدِّينِ أَنْ يَكْتُمَ؟ قَالَ: أَوْ مَا كَتَمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ أُسْلِمَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُهُ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: فَكَذَلِكَ أَمْرُنَا حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ.

حجّة الله بر خلق است، و «الليلة» و «الروح» فاطمه عليها السلام است، از اعتبارات سوره قدر این است که ظرف مقدرات الهی برای خلق است که بر امام معصوم زمان نازل می شود و روح حامل آن است.

امام محمد جواد علیه السلام ابتدا قسم جلاله یاد نموده، سپس می فرماید «إنّها»، این تأکید است و می فرماید: «ل» لام نیز تأکید دیگری است، «فَوَاللَّهِ إِنَّهَا لِحُجَّةُ اللَّهِ» به خدا سوگند آن حجّة الله است، امام معصوم است که سوگند به الله یاد می کند، و آن را پس از رسول الله، حجّة الله بر خلق می داند.

و فرمود: به راستی سیده دین شماس است. در سوره قدر سخن از نزول دفعی قرآن و کتب آسمانی است، و فاطمه مصحفی دارد که حاوی جمیع آن ها و تأویل و علوم آن ها می باشد.

و فرمود: غایت علم ما (امامان) است. و مصحف او حاوی علم به آن چه اتفاق نیافتاده و در آینده خواهد شد نیز هست.

اما این که فرمودند: «با سوره انا انزلناه (با مخالفین) مخاصمه و احتجاج نمایید» بسیار تأمل برانگیز است.

وقتی سوره قدر حجّة الله بر خلق پس از رسول الله است و امام زمان عجل الله فرجه در تویع از عالم آل محمد صلوات الله عليهم روایت نموده اند که فرمود:

«عَجَبًا لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي صَلَاتِهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ تُقْبَلُ صَلَاتُهُ؟!» (1)

شگفتا از کسی که در نمازش سوره قدر را نمی خواند، چگونه نماز او قبول می شود؟!

اکنون، مقام فاطمه کجاست؟!

ص: 138

1- الغيبة، الطوسي: ص 374-377- وقال ابن نوح: أول من حدّثنا بهذا التّوقيع أبو الحسين محمد بن علي بن تمام... وَرُوِيَ فِي ثَوَابِ الْقُرْآنِ فِي الْفَرَائِضِ وَغَيْرِهَا أَنَّ الْعَالِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَجَبًا لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي صَلَاتِهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ تُقْبَلُ صَلَاتُهُ؟!!!! و الإحتجاج: ج 2 ص 482: و ممّا خرج عن صاحب الزّمان صلوات الله عليه من جوابات المسائل الفقهيّة أيضاً ما سأله عنها محمد بن عبد الله بن جعفر الحميريّ فيما كتب إليه و هو: ... وَرُوِيَ فِي ثَوَابِ الْقُرْآنِ فِي الْفَرَائِضِ وَغَيْرِهَا أَنَّ الْعَالِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَجَبًا لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي صَلَاتِهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ تُقْبَلُ صَلَاتُهُ؟!!!!. وسائل الشيعة: ج 6 ص 79 ب 23 ح 7399 - 5 از الإحتجاج، و بحار الأنوار: ج 53 ص 152 ب 31 ضمن ح 1 از غيبة طوسي و ج 82 ص 31 ب 23 ح 21 از الإحتجاج.

در حدیثی از امام موسی کاظم علیه السلام آمده است:

... تنها چیزی که دین شخص را فاسد می کند این است که ما اهل بیت را ترک کند، و از (پیروی) ما باز بماند، ... ما (اهل بیت) فرزندان رسول الله صلی الله علیه وآله هستیم ... ما کلید کتاب (تکوین و تشریح) هستیم. به وسیله ما دانش مندان سخن می گویند که اگر این نبود، گنگ می شدند. و ما مناره (هدایت) را برافراشتیم، و قبله را شناسانیدیم، ما در آسمان و زمین (به منزله) سنگ بنای خانه (خدا) هستیم (یعنی معرفت موضوعی و طریقی ما، قسمت بسیار مهم دین است). به (سبب و واسطه) ما آدم بخشیده شد... و به واسطه ما بلا دفع شده و خورشید نورانی شد، ... نام ما بر عرش - خدا ثبت است، بر عرش چنین نوشته: محمد بهترین پیامبران، و علی سرور اوصیاء، و فاطمه بهترین زنان دو جهان است، ... هر کس ما را دوست بدارد، و از دشمن ما بیزاری جوید، با ما خواهد بود، ... (1).

ص: 141

1- الإختصاص: ص 90 - أبو الفرج، عن أبي سعيد سهل بن زياد، عن رجل، عن عبد الله بن جبلة، عن أبي المغراء، عن موسى بن جعفر عليهما السلام قال: سمعته يقول: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ، وَأَرَادَ أَنْ يَرَانَا، وَأَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَغْتَسِلْ ثَلَاثَ لَيَالٍ، يُنَاجِي بِنَا، فَإِنَّهُ يَرَانَا، وَيُغْفِرُ لَهُ بِنَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَوْضِعُهُ. قُلْتُ: سَيِّدِي! فَإِنَّ رَجُلًا رَاكَ فِي مَنَامِهِ وَهُوَ يَشْرَبُ النَّبِيذَ؟ قَالَ: لَيْسَ النَّبِيذُ يُفْسِدُ عَلَيْهِ دِينَهُ، إِنَّمَا يُفْسِدُ عَلَيْهِ تَرْكُنَا، وَتَخَلُّفَهُ عَنَّا. إِنَّ أَشْقَى أَشْقِيَائِكُمْ مَنْ يَكْذِبُنَا فِي الْبَاطِنِ بِمَا يُخْبِرُ عَنَّا، يُصَدِّقُنَا فِي الظَّاهِرِ، وَيَكْذِبُنَا فِي الْبَاطِنِ. نَحْنُ أَبْنَاءُ نَبِيِّ اللَّهِ، وَأَبْنَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَبْنَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَحِبَّابُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. نَحْنُ مِفْتَاحُ الْكِتَابِ، فَبِنَا نَطَقَ الْعُلَمَاءُ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَحَرَسُوا. نَحْنُ رَفَعْنَا الْمَنَارَ، وَعَرَفْنَا الْقِبْلَةَ، نَحْنُ حَجَرُ الْبَيْتِ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، بِنَا غُفِرَ لِأَدَمَ، وَبِنَا أُبْتُلِيَ أَيُّوبُ، وَبِنَا أُفْتُقِدَ يَعْقُوبُ، وَبِنَا حُسَّ يُونُسُ، وَبِنَا دُفِعَ الْبَلَاءُ، بِنَا أَضَاءَتِ الشَّمْسُ. نَحْنُ مَكْتُوبُونَ عَلَى عَرْشِ رَبِّنَا، مَكْتُوبُونَ مُحَمَّدٌ خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيِّ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ، أَنَا طَالِبُ الْبَابِ، أَنَا صَاحِبُ الصِّفِّينَ، أَنَا الْمُنتَقَمُ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، أَنَا صَاحِبُ كَرْبَلَاءَ، مَنْ أَحَبَّنَا وَتَبَّرْنَا مِنْ عَدُوِّنَا كَانَ مَعَنَا، وَمَنْ فِي الظِّلِّ الْمَمْدُودِ، وَالْمَاءِ الْمَسْكُوبِ. - وَالْحَدِيثُ طَوِيلٌ وَفِي آخِرِهِ -: أَنَّ اللَّهَ إِشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ فِي الْعِلْمِ وَالطَّاعَةِ. وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: أَنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا قَبْلَ الْخَلْقِ بِالْفِي أَلْفِ عَامٍ، فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ لِنَسِيحِنَا. از او: بحار الأنوار: ج 26 ص 258 ب 5 ح 33.

طاهره مطهره فاطمه الزهراء علیها السلام بضعه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله است. (1)

بخاری در صحیح خود و مسلم و ترمذی در صحاح خود این حدیث را به چند طریق و صورت های مختلف روایت کرده اند.

از بزرگان محدثین عامه مانند صاحب مشکوٰۃ المصابیح پس از نقل حدیث می نویسد:

این حدیث متفق علیه است.

در کتب فریقین به تواتر و به روایت دوست و دشمن حتی به اقرار آن دو دشمن و ظالم آمده است که: رسول الله صلی الله علیه و آله در جای جای مکرر می فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي».

فاطمه پاره ای از من است، هر که او را بیازارد قطعاً مرا آزرده است.

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي».

فاطمه پاره ای از من است، هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي».

همانا فاطمه پاره ای از من است، هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

«فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهَا، وَيَسْرُنِي مَا يَسْرُهَا».

همانا فاطمه پاره ای از من است، آن چه او را به درد آورد مرا به درد آورده، و آن چه که او را شاد کند مرا شاد کرده است.

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُرْضِنِي مَا أَرْضَاهَا، وَيُسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا».

همانا فاطمه پاره ای از من است، آن چه که او را راضی کند مرا راضی نموده است، و آن چه او را به خشم آورد مرا خشمگین نموده است.

ص: 142

1- کتاب سلیم بن قیس الهمدانی: ج 2 ص 869 ح 48... قالت: نَسَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ سَدَّ جَعْتُمَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي؟ قَالَ نَعَمْ فَرَفَعَتْ يَدَهَا إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَتْ: اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَدْ آذَيَانِي فَأَنَا أَشَدُّ كُوهُمَا إِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ، لَا وَاللَّهِ لَا أَرْضَى عَنْكُمَا أَبَدًا حَتَّى أَلْقَى [أَبِي] رَسُولَ اللَّهِ فَأُخْبِرَهُ بِمَا سَدَّ نَعْتُمَا فَيَكُونُ هُوَ الْحَاكِمَ فِيكُمَا... و كفاية الأثر: ص 62 - 65 به سند متصل از جابر بن عبد الله الأنصاري از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی در آخر عمر حضرت در بستر شهادت به

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ أَحَبَّهَا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي».

«أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي، وَمَنْ غَاظَهَا فَقَدْ غَاظَنِي».

آگاه باشید همانا فاطمه پاره ای از من است، بنابراین هر که او را بیازارد به درستی که مرا آزرده، و هر که او را شادمان کند مرا شاد نموده است. و هر که او را به خشم آورد مرا خشمگین نموده است.

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي، وَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي، يَسُوءُنِي مَا سَاءَهَا، وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا».

یاعلی! همانا فاطمه پاره ای از من است، و او نور دیدگانم است، و میوه دلم، آن چه او را ناخوش آید مرا ناخوش آمده، و آن چه او را شاد کند مرا شاد نموده است.

«إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، ...». همانا فاطمه پاره ای از من است، و او روح میان دو پهلوی من است،

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَ أَنَا مِنْهَا، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ، وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي، وَ مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي».

فاطمه از من است، و من از اویم، هر که او را بیازارد قطعاً مرا آزرده است، و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده، و هر که او را پس از مرگم بیازارد مانند آن است که در زنده بودنم او را آزرده، هر که او را در زنده بودنم بیازارد چنان است که پس از مرگم بیازارد.

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، ... فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ».

فاطمه پاره ای از من است، ... فاطمه نزد من عزیزترین خلق است.

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهَا، وَيُؤْذِنِي مَا يُؤْذِنُهَا». «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُرْضِنِي مَا أَرْضَاهَا، وَيُسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا».

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ».

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا، وَيَغْضَبُ لِعِغْضِهَا، وَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».

فاطمه پاره ای از من است، هر که او را بیازارد همانا مرا آزرده است، به رضایت او خدا راضی می شود، و به غضب او غضب می کند، و او سرور زنان عالمیان است.

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ، وَمَنْ آذَى اللَّهَ أَكَبَّهُ اللَّهُ فِي النَّارِ».

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا، وَيُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا».

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُرْبِنِي مَا رَابَهَا، وَيُؤْذِنِي مَا آذَاهَا».

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُسْعِفُنِي مَا أَسْعَفَهَا».

از احادیثی که ذکر شد استفاده می شود که حضرت فاطمه الزهراء سلام الله علیها پاره و قطعه ای از وجود رسول الله صلی الله علیه وآله است و نه این که تنها از نسل اوست، فتدبر.

برهان 51- فاطمه در شمار اهل بیت و ائمه علیهم السلام

حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند:

«... فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، ... وَ طَاعَتَنَا (أَهْلَ الْبَيْتِ) نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا (أَمَاناً) لِلْفُرْقَةِ...» (1).

... الله برای پاک بودن از (آلودگی) شرک؛ ایمان را بر شما واجب فرمود، ... و

ص: 144

1- بسیاری از محدثین و مؤرخین خطبه فدکیه حضرت فاطمه سلام الله علیها را نقل نموده اند: دلائل الإمامة: ص 109 - 113 ح 36 - به سندهای متصل از: ابن عباس، و به چند سند از حضرت زینب علیها السلام، و از چند تن دیگر، و از عبد الله محض از گروهی از بنی هاشم، و به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام از پدرش از حضرت زینب، و از ابن عائشه و از زید بن علی بن الحسین از حضرت زینب؛ از حضرت فاطمه سلام الله علیها که در خطبه خود فرمودند: «... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ - الاحتجاج) اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ؛ ... وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا (أَمَاناً - الاحتجاج) لِلْفُرْقَةِ...». و الاحتجاج: ج 1 ص 97-99 - به سند خود از عبد الله محض. و كشف الغمّة: ج 1 ص 480-483 از کتاب السقیفة جوهری به سندها و طرق خود: «... فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ؛ ... وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ، ...». الدرّ النظیم فی مناقب الأئمة اللّهمیم: ص 465-469 - از ابن عباس از

حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ لَكُمْ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، ... وَطَاعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لَمَّا لِفُرْقَةٍ، ...» .
ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 567 و 568 ح 4940 - به سند خود از جابر از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ
تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، ... وَ الطَّاعَةَ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الْإِمَامَةَ لَمَّا مِنْ لِفُرْقَةٍ، ...» . علل الشرائع: ج 1 ص 248 و 249 ب 182 ح 2 و 3 و 4 - از
أحمد بن محمد بن جابر و جمعی از بنی هاشم و زید بن علی، از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ،
... وَ الطَّاعَةَ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الْإِمَامَةَ لَمَّا مِنْ لِفُرْقَةٍ، ...» . ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 568 ح 4940.

اطاعت (از ما اهل بیت) را برای نظام ملت، و امامت ما را برای اجتماع (وامانی) از تفرقه مقرر نمود... .

ایمان را سبب طهارت از شرک اعلام نموده و دقت شود که می فرماید: «... وَ طَاعَتَنَا (أَهْلَ الْبَيْتِ) نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا ...» زیرا که حضرتش از اهل بیت و حجة الله است، در نتیجه اطاعت از او بر انبیاء و غیر آنان - چنان چه گذشت - واجب است، ضمن این که به تصریح حضرت که فرمودند: «إِمَامَتَنَا»...، فتدبر.

برهان 52- السیّدة فاطمة

در بسیاری از روایات و احادیث کتب خاصه و عامه درباره حضرت فاطمه علیها السلام تعابیری آمده است نظیر:

«فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ...».

فاطمه سیّده (و سرور) بانوان اهل بهشت است ...

«فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ».

فاطمه سیّده (و سرور) بانوان اولین تا آخرین جهان است.

«سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ».

فاطمه سیّده (و سرور) بانوان همه اهل بهشت است.

بنابراین حضرت فاطمه سلام الله علیها، سیّده همه زنان اهل بهشت است اجمعین، بلکه سیّده اولین و آخرین است سوای خاتم النبیین، چنان چه از اهل بیت اطهار علیهم السلام روایت است که فرمودند:

«لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةَ الْوَفَاةَ بَكَتْ، فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: يَا سَيِّدَتِي مَا يُنْكِيكِ؟ قَالَتْ: أَبْكِي لِمَا تَلَقَىٰ بَعْدِي. فَقَالَ لَهَا: لَا تَبْكِي فَوَاللَّهِ إِنَّ

ذَلِكَ لَصَغِيرٍ عِنْدِي فِي ذَاتِ اللَّهِ...» (1).

چون زمان وفات حضرت فاطمه فرا رسید، امیر المؤمنین به ایشان فرمودند: ای سیده من، چرا می گویی؟ فرمود: برای آن چه پس از من می بینی. حضرت به ایشان فرمودند: گریه نکن، به خدا سوگند در راه خدا، آن (چه پس از شما بر من

جاری خواهد شد) نزد من بسیار ناچیز است ...

سیده حجة الله، به یقین و به طریق اولی حجة الله است.

برهان 53- منها الأئمة

فاطمه، مادر ائمه است، ظرف امامت است، اگر او نبود، ائمه هدی از فرزندان او نیز نبودند و یکی از فرازهایی که معصومین علیهم السلام، علی الخصوص آن جا که در مقام احتجاج و معارضه برآمده اند، مکرر خاطر نشان نموده اند، زهراء زاده بودن است؛ تعبیری نظیر «أنا ابن فاطمة الزهراء» و یکی از معانی این تعبیر وراثتی بودن ولایة الامری آنان از مادر بزرگوارشان است، ولایة الامری او قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق است و به مشیت و اراده و قدر و قضاء و اذن و کتاب و اجل حاکم و جاری است؛

قرآن کریم می فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (2).

مثل آنان که اموال خویش را در راه الله انفاق می کنند، همانند دانه ای است که 7 خوشه برویاند و در هر خوشه 100 دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد چندین برابر کند، و خدا (رحمتش) وسعت بخش و داناست.

امام جعفر صادق علیه السلام در تأویل «كَمَثَلِ حَبَّةٍ...» فرمود:

ص: 146

1- بحار الأنوار: ج 43 ص 218 ب 7 ضمن ح 49 و ج 78 ص 391 ب 10 ضمن ح 56 - از مصباح الأنوار خطی: ص 257 از امام جعفر بن محمد، از پدرانش علیهم السلام که فرمودند: «لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةَ الْوَفَاةَ بَكَتْ، فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: يَا سَيِّدَتِي مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: أَبْكِي لِمَا تَلَقَى بَعْدِي. فَقَالَ لَهَا: لَا تَبْكِي، فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَصَغِيرٌ عِنْدِي فِي ذَاتِ اللَّهِ...». مستدرک الوسائل: ج 2 ص 290 ب 29 ح 1995 از بحار الأنوار.

2- سوره (2) آیه 262.

«الْحَبَّةُ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، وَالسَّبْعُ السَّنَابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِهَا، سَابِعُهُمْ قَائِمُهُمْ» (1).

(مراد از) دانه (در این آیه) فاطمه صلوات الله علیها است، و (مقصود از) هفت خوشه، هفت تن از (امامان از) فرزندان او هستند، که هفتمین آنان (حضرت مهدی) قائم (از) آنان است.

ارزش والای این مقام تنها توسط ولی معصوم شناخته می شود و همین نشان دهنده هیمنه و سلطنت علم و عصمت و امامت حضرت فاطمه علیها السلام بر ائمه هدی از فرزندانش می باشد.

برهان 54- فاطمة اسوة الحجة

شیخ الطائفة الحقه طوسی قدس سره به سند متصل خود توقیعی را نقل می کند که از ناحیه مقدسه مهدیه عجل الله فرجه الشریف صادر شد و در آن است:

«... وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (2).

... و در دختر رسول الله صلى الله عليه وآله برای من الگو (و سرمشق) نیکویی است...

و پر واضح است که اسوه حجة الله، کسی جز حجة الله نیست و البته به طریق اولی از او نیز بالاتر است که اسوه او قرار گرفته است.

ص: 147

1- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 147 ح 480 - عن المفصل بن محمد الجعفی قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله: «حَبَّةٌ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ» قال: الْحَبَّةُ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، وَالسَّبْعُ السَّنَابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِهَا سَابِعُهُمْ قَائِمُهُمْ. قُلْتُ: الْحَسَنُ؟ قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ مُفْتَرَضٌ طَاعَتُهُ، وَ لَكِنْ لَيْسَ مِنَ السَّنَابِلِ السَّبْعَةِ، أَوْلَهُمُ الْحُسَيْنُ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ. فَقُلْتُ: قَوْلُهُ «فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ» قَالَ: يُوَلِّدُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي الْكُوفَةِ مِائَةً مِنْ صُلْبِهِ، وَ لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا هَؤُلَاءِ السَّبْعَةُ. از او: البرهان في تفسير القرآن: ج 1 ص 542 ح 1464.

2- الغيبة، الشیخ الطوسی: ص 285 فصل 4 - به سند متصل خود، از ناحیه مقدسه مهدیه عجل الله فرجه الشریف توقیعی صادر شد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَافَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْفِتَنِ، وَ وَهَبَ لَنَا وَ لَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ، وَ أَجَارَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ، ... وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، ...» . و مانند آن: الإحتجاج: ج 2 ص 467.

امير المؤمنين خطاب به صديقه طاهره عليهما السلام فرمودند

يَا بَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ وَ شَمْسَ الرِّسَالَةِ وَ مَعْدِنَ الْعِصْمَةِ وَ الْحِكْمَةِ

ص: 148

رسول الله صلی الله علیه وآله در حدیثی مفصل درباره شهادت امام حسین علیه السلام خطاب به حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام فرمود:

«... يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ! أَمَا تُحِبِّينَ أَنْ تَأْمُرِينَ عَدَاً بِأَمْرِ فَتَطَاعِينَ فِي هَذَا الْخَلْقِ عِنْدَ الْحِسَابِ؟ ...» (1).

... ای فاطمه دختر محمد، آیا دوست نداری که فردا (ی قیامت) هنگام محاسبه اعمال درباره این آفریدگان، به هر امری آمر نموده، اطاعت شوی؟ ...

حضرت فاطمه علیها السلام به اذن الله تعالی در قیامت کبری حاکم است و امرش مطاع.

برهان 56- مهریه فاطمه

اسحاق بن عمار و ابو بصیر نقل می کنند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَهَرُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رُبْعَ الدُّنْيَا، فَرُبُعُهَا لَهَا، وَأَمَهَرَهَا الْجَنَّةَ وَالنَّارَ، تُدْخِلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ، وَتُدْخِلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ، وَهِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى، وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.» (2).

به راستی الله تعالی، یک چهارم دنیا را مهریه حضرت فاطمه علیها السلام مقرر فرمود پس یک چهارم دنیا از آن اوست، و بهشت و دوزخ را نیز مهریه او قرار داد،

ص: 151

1- تفسیر فرات الکوفی: ص 171 ح 219- فرات قال: حدَّثني جعفر بن محمد الفزاري معنعناً، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ، فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِكَ، وَ أَهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَازِرِينَ عَلَيْكَ، وَ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ. قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا أَبَتِ! أَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ؟ قَالَ: يَا بِنْتَاهُ! ذَكَرْتُ [ذَكَرْتَهُ] مَا يُصِيبُ بَعْدِي وَبَعْدِكَ مِنَ الْأَذَى وَالظُّلْمِ [وَالْغَدْرِ] وَالْبَغْيِ، وَهُوَ يَوْمٌ فِي عَصَبَةٍ كَانَتْهُمْ نُجُومُ السَّمَاءِ، يَتَهَادُونَ إِلَى الْقَتْلِ، وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مُعَسَّكَرِهِمْ، وَإِلَى مَوْضِعِ رِحَالِهِمْ وَتُرْبَتِهِمْ، قَالَتْ: يَا أَبَتِ! وَأَنْتِ [وَأَيْنَ] هَذَا الْمَوْضِعِ الَّذِي تَصِفُ؟ قَالَ: مَوْضِعٌ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ، وَهِيَ دَارُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ عَلَيْنَا وَعَلَى الْأُمَّةِ، يَخْرُجُ [عَلَيْهِمْ] شِرَارُ أُمَّتِي وَإِنْ أَحَدُهُمْ لَوْ [وَلَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ أَنَّ] يَشْفَعُ [شَفَعَ] لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ مَا شَفَعُوا فِيهِ وَهُمْ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ. قَالَتْ: يَا أَبَتِ! فَيَقْتُلُ؟! قَالَ: نَعَمْ يَا بِنْتَاهُ، وَ مَا قَتَلَ قَتَلْتَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ، وَ تَبَكَّيهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْمَلَائِكَةُ [وَالْوَحْشُ] وَالنَّبَاتَاتُ وَالْبِحَارُ وَالْجِبَالُ، وَ لَوْ يُؤَدِّنُ لَهَا [مَا بَقِيَ] عَلَى الْأَرْضِ مُنْتَفِسٌ، وَ يَأْتِيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبِّينَا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَلَا أَقْوَمُ بِحَقِّنَا [لِحَقِّنَا] مِنْهُمْ، وَ لَيْسَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَمِثُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلَمَاتِ الْجُورِ، وَ هُمْ الشُّفَعَاءُ، وَ هُمْ وَارِدُونَ حَوْضِي عَدَا، أَعْرِفُهُمْ إِذَا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسِيْمَاهُمْ، وَ كُلُّ أَهْلِ دِينٍ [يَطْلُبُونَ] أُمَّتَهُمْ وَ هُمْ [يَطْلُبُونَ] [وَأَيُّ] لَا يَطْلُبُونَ غَيْرَنَا، وَ هُمْ قَوْمُ الْأَرْضِ، وَ بِهِمْ يَنْزِلُ الْعَيْثُ. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ [الزَّهْرَاءُ] ع: يَا أَبَتِ! إِنَّا لِلَّهِ، وَ بَكَتْ. فَقَالَ لَهَا: يَا بِنْتَاهُ! إِنَّ أَهْلَ الْجَنَانِ هُمْ الشُّهَدَاءُ فِي الدُّنْيَا، بَدَلُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ، يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ، وَ عَدَا عَلَيْهِ حَقًّا، فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا [وَمَا فِيهَا]، قَتَلَتْهُ أَهْوَانٌ مِنْ مَيْتَتِهِ، مَنْ كَتَبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ خَرَجَ إِلَى مَصَدِّعِهِ، وَ مَنْ لَمْ يُقْتَلْ فَسَوْفَ يَمُوتُ. يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ! أَمَا تُحِبِّينَ أَنْ

تَأْمُرِينَ غَدًا [بِأَمْرِ] فَتَطَاعِينَ فِي هَذَا الْخَلْقِ عِنْدَ الْحِسَابِ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ إِيَّاكَ مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ [أَنْ يَكُونَ] أَبُوكَ يَأْتُونَهُ [يَأْتِيهِ] يَسْأَلُونَهُ الشَّفَاعَةَ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ بَعْلُكَ يَذُودُ الْخَلْقَ يَوْمَ الْعَطَشِ عَنِ الْحَوْضِ فَيَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَهُ وَيَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَهُ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ بَعْلُكَ قَسِيمَ النَّارِ [الْجَنَّةِ وَ] يَأْمُرُ النَّارَ فَتَطِيعُهُ يُخْرِجُ مِنْهَا مَنْ يَشَاءُ وَيَتْرُكُ مَنْ يَشَاءُ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَنْظُرِينَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ عَلَى أَرْجَاءِ السَّمَاءِ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَإِلَى مَا تَأْمُرِينَ بِهِ، وَيَنْظُرُونَ إِلَيْكَ بَعْلُكَ [وَ] قَدْ حَصَرَ الْخَلَائِقَ وَهُوَ يُخَاصِمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ، فَمَا تَرِينَ اللَّهَ صَانِعَ بَقَائِلِ وَلَدِكَ وَقَاتِلِكَ إِذَا أَفْلَحْتَ [فَلَجَبَتْ] حُجَّتَهُ عَلَى الْخَلَائِقِ وَأَمَرَتِ النَّارَ أَنْ تُطِيعَهُ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونَ الْمَلَائِكَةُ تَبْكِي لِإِيَّاكَ وَيَأْسَفُ عَلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ مَنْ أَتَاهُ رَأِيْرًا فِي صَمَانِ اللَّهِ وَيَكُونَ مَنْ أَتَاهُ بِمَنْزِلَةٍ مِنْ حَجِّ إِلَى بَيْتِ [اللَّهِ الْحَرَامِ] وَاعْتَمَرَ وَلَمْ يَخْلُ [يَخْلُ] مِنَ الرَّحْمَةِ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَإِذَا مَاتَ مَاتَ شَهِيدًا، وَإِنْ بَقِيَ لَمْ تَزَلِ الْحَفَظَةُ تَدْعُو لَهُ مَا بَقِيَ، وَلَمْ يَزَلْ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَأَمِنَهُ حَتَّى يُفَارِقَ الدُّنْيَا؟ قَالَتْ: يَا أَبَتِ! سَلَّمْتُ وَرَضِيْتُ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، فَمَسَحَ عَلَى قَلْبِهَا وَمَسَحَ [عَلَى] عَيْنَيْهَا [جَنَاحًا] فَقَالَ: إِنِّي [أَنَا] وَبَعْلُكَ وَأَنْتِ وَإِيَّاكَ فِي مَكَانٍ تَقْرَأُ عَيْنَاكَ وَيَفْرَحُ قَلْبُكَ. قسمتي از اين حديث شريف در كامل الزيارات: ص 69 ب 22 ح 2- حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، عن مسمع بن عبد الملك، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ، فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِبَكَ، وَأَهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَازِينَ عَلَيْكَ، وَحَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ. قَالَتْ فَاطِمَةُ: يَا أَبَتِ! أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ؟ قَالَ: يَا بِنْتَاهُ! ذَكَرْتُ مَا يُصِيبُهُ بَعْدِي وَبَعْدَكَ مِنَ الْأَذَى وَالظُّلْمِ وَالْغَدْرِ وَالْبَغْيِ، وَهُوَ يَوْمَئِذٍ فِي عَصَبَةِ كَاتِبِهِمْ نُجُومُ السَّمَاءِ، يَتَهَادُونَ إِلَى الْقَتْلِ، وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مُعَسَّكَرِهِمْ، وَإِلَى مَوْضِعِ رِحَالِهِمْ وَتُرْتِيهِمْ، قَالَتْ: يَا أَبَتِ! وَإِنَّ هَذَا الْمَوْضِعَ الَّذِي تَصِفُ؟ قَالَ: مَوْضِعٌ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ، وَهِيَ دَارُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ عَلَيْنَا وَعَلَى الْأُمَّةِ، يُخْرِجُ عَلَيْهِمْ شِرَارُ أُمَّتِي وَلَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ يَشْفَعُ شَفَعَهُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ مَا شَفَعُوا فِيهِمْ وَهُمْ الْمُحَلَّدُونَ فِي النَّارِ. قَالَتْ: يَا أَبَتِ! فَيَقْتُلُ؟! قَالَ: نَعَمْ يَا بِنْتَاهُ، قُتِلَ قَبْلَهُ أَحَدٌ كَانَ تَبْكِيهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالْوَحْشُ وَالْحَيَاتَانُ فِي الْبَحَارِ وَالْجِبَالِ، لَوْ يُؤَذَّنُ لَهَا مَا بَقِيَ عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ، وَيَأْتِيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبِّينَا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمَ بِاللَّهِ وَلَا أَقْوَمَ بِحَقِّهَا مِنْهُمْ، وَلَيْسَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَفِتُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلُمَاتِ الْجَوْرِ، وَهُمْ الشَّفَعَاءُ، وَهُمْ وَارِدُونَ حَوْضِي غَدًا، أَعْرِفُهُمْ إِذَا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسِيمَاهُمْ، وَكُلُّ أَهْلِ دِينٍ يَطْلُبُونَ أَيْمَتَهُمْ وَهُمْ يَطْلُبُونَنَا وَلَا يَطْلُبُونَ غَيْرَنَا، وَهُمْ قَوْمٌ الْأَرْضِ، وَبِهِمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ - وذكر الحديث بطوله. بحار الأنوار: ج 44 ص 264 ب 31 ح 22 از هردو.

2- الأمامي، الشيخ الطوسي: ص 668 مجلس 36 ح 1399 - 6- به سند متصل از اسحاق بن عمار و ابو بصير از امام جعفر صادق عليه السلام فرمود:.. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 105 ب 5 ح 19.

دشمنانش را وارد آتش و دوستانش را وارد بهشت می نماید، و اوست صدیقه کبری و قرن های آغازین بر (لزوم) معرفت او (و ایمان به حضرت فاطمه) گردیده است.

جز حجة الله هیچ کس نیست که دشمنی و دوستی او تا این حد نافذ باشد و چنین ولایت شگفتی را در اختیار داشته باشد. ولایت بر بهشت و دوزخ تنها شایسته کسی است که اطاعت از او، رضای محض الهی باشد و او همان حجة الله است؛

اما این که براساس معرفت او، قرون نخستین گردیده است، یعنی معرفت او بر پیشینیان، از نبی و غیر او، همه واجب بوده است.

برهان 57- شیعة فاطمة

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ * لَا يَسْعَوْنَ حَسِيسَةً بِهَا وَهُمْ فِي مَا شَاءَ تَهَتَّ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ * لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (1)

آنانی که از قبل به آنها وعده نیک داده ایم، از آتش دور شده هستند * صدای آتش را نمی شنوند و هر چه را مایل باشند، برای همیشه در اختیارشان هست * وحشت بزرگ آنان را غمگین نم یکنند و فرشتگان الهی به استقبال آن ها می آیند و می گویند: این، همان روزی است که به شما وعده داده می شد.

بنابر روایت تفسیر فرات از امام جعفر صادق از پدر گرامش علیهما السلام از رسول الله صلی الله علیه وآله روایت است که فرمودند:

خدای تعالی در روز قیامت... خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید:

... ای دختر حبیب من، ستمی را که امت پدرت انجام داده اند، بدان جهت به تو نشان دادم تا آن تسلیتی را که برای تو ذخیره نموده ام، به تو بنمایم:

«... وَإِنِّي جَعَلْتُ تَغْزِيَتَكَ الْيَوْمَ أَنِّي لَا أَنْظُرُ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ حَتَّىٰ

ص: 152

تَدْخُلِي الْجَنَّةَ أَنْتِ وَ ذُرِّيَّتُكَ وَ شَيْعَتُكَ وَ مَنْ وَالَاكُمْ [أَوْلَاكُمْ] مَعْرُوفاً مِمَّنْ [بِمَنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شَيْعَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَنْظُرَ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ. فَتَدْخُلُ فَاطِمَةُ ابْنَتِي الْجَنَّةَ وَ ذُرِّيَّتَهَا وَ شَيْعَتَهَا وَ مَنْ وَالَاهَا [وَالَاهُمْ أَوْلَاهَا] مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِهَا فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ. قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، وَ هُمْ فِي مَا إِشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ، هِيَ وَ اللَّهُ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتَهَا وَ شَيْعَتَهَا وَ مَنْ وَالَاهُمْ مَعْرُوفاً [مِمَّنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شَيْعَتِهَا». (1)

و من تسلیت تو را این قرار دادم که امروز به حساب احدی رسیدگی نخواهم کرد تا زمانی که تو و فرزندان و شیعیان و افرادی که شیعه نبودند ولی به شما خدمتی کرده باشند داخل بهشت شوید. در همین موقع است که دخترم فاطمه و فرزندان و شیعیانش و اشخاصی که شیعه نبودند ولی به ایشان خدمتی کرده باشند، داخل بهشت خواهند شد، به الله قسم منظور از آن افرادی که این آیه فرموده: «ترس بزرگ ایشان را غمگین نخواهد کرد»، همین است. و به الله سوگند روز قیامت چنان که در آیه می فرماید: «ایشان در حالی در بهشت جاویدان خواهند بود که هر چه بخواهند موجود است»، کسانی که این آیه فرموده منظور فاطمه و فرزندان او و شیعیانش و کسانی است که به فاطمه خدمتی کرده باشند.

می بینیم که در این حدیث شریف الله تعالی و رسول الله صلی الله علیه و آله چهار بار از تعبیر «شیعیان فاطمه علیها السلام» استفاده فرموده اند.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم می گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ص: 153

1- تفسیر فرات الکوفی: ص 268 ح 362- حدیثی الحسین بن سعید معنعناً، عن جعفر، عن أبيه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ بِنْتِ حَبِيبِ اللَّهِ إِلَى قَصْرِهَا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ابْنَتِي، [فَتَمُرُّ وَ] عَلَيْهَا رِيظَتَانِ خَصَّ رَاوَانَ حَوَالَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ فَإِذَا بَلَغَتْ إِلَى بَابِ قَصْرِهَا وَجَدَتْ الْحَسَنَ قَائِماً وَ الْحُسَيْنَ نَائِماً مَقْطُوعَ الرَّأْسِ فَتَقُولُ لِلْحَسَنِ مَنْ هَذَا؟ فَيَقُولُ: هَذَا أَخِي، إِنَّ أُمَّةً أَيْبِكَ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأْسَهُ، فَيَأْتِيهَا النِّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ: يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ! إِنِّي إِنَّمَا أَرَيْتُكَ مَا فَعَلْتَ بِهِ أُمَّةً أَيْبِكَ، إِنِّي إِدْخَرْتُ لَكَ عِنْدِي تَعْزِيَةً بِمُصِيبَتِكَ فِيهِ، وَ إِنِّي جَعَلْتُ تَعْزِيَتِكَ الْيَوْمَ أَنِّي لَا أَنْظُرُ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ حَتَّى تَدْخُلِي الْجَنَّةَ أَنْتِ وَ ذُرِّيَّتُكَ وَ شَيْعَتُكَ وَ مَنْ وَالَاكُمْ [أَوْلَاكُمْ] مَعْرُوفاً مِمَّنْ [بِمَنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شَيْعَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَنْظُرَ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ. فَتَدْخُلُ فَاطِمَةُ ابْنَتِي الْجَنَّةَ وَ ذُرِّيَّتَهَا وَ شَيْعَتَهَا وَ مَنْ وَالَاهَا [وَالَاهُمْ أَوْلَاهَا] مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِهَا فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ. قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ فِي مَا إِشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ، هِيَ وَ اللَّهُ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتَهَا وَ شَيْعَتَهَا وَ مَنْ وَالَاهُمْ مَعْرُوفاً [مِمَّنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شَيْعَتِهَا. از او: بحار الأنوار: ج 7 ص 335 ب 17 ح 21 و ج 43 ص 63 ب 3 ح 54.

چون روز قیامت شود دخترم فاطمه بر ناچه ای از ناچه های بهشت رو به محشر نماید که دو پهلویش نگار دارد و مهارش از لؤلؤ تر (مروارید تازه) و چهارپایش از زمرد سبز و دمش از مشک اذفر و دو چشمش از یاقوت سرخ است، بر پشت آن گنبدی از نور است که برونش از درونش دیده شود و درونش از برونش، درون آن گذشت خداست و برونش رحمت خدا؛

بر سر آن مخدره، تاجی است از نور که 70 رکن دارد و هر رکنی مرصع به مروارید و یاقوت است، بدرخشد چنان چه اختر فروزان در افق آسمان می درخشد، و سمت راستش هفتاد هزار فرشته باشد و سمت چپش هفتاد هزار فرشته؛

جبرئیل مهار ناچه را گرفته و به بانگ بلند فریاد کشد: «دیده بر هم نهید تا فاطمه دختر محمد بگذرد» در آن روز هیچ پیامبر و فرستاده و نه صدیق و شهیدی نماند، جز آن که همه دیده برهم نهند تا فاطمه بگذرد و خود را برابر عرش پروردگارش جلّ جلاله رساند و از ناچه بزیز اندازد و گوید:

«معبود من، سرورم، میان من و هر کس به من ستم کرده، حکم کن، خدایا حکم کن میان من و هر کس که فرزندانم را کشت».

ناگاه از جانب خدای جلّ جلاله پاسخی در رسد: ای حبیب من و حبیب زاده من، از من بخواه تا به تو عطا شود و شفاعت کن تا پذیرفته گردد، به عزّت و جلالم سوگند که ستم ستمگر را کیفردهم. عرض می کند:

«إِلَهِي وَسَيِّدِي! ذُرِّيَّتِي وَشَيْعَتِي وَشَيْعَةَ ذُرِّيَّتِي، وَمُحِبِّي، وَمُحِبِّي ذُرِّيَّتِي! فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَشَيْعَتُهَا وَمُحِبُّوهَا وَمُحِبُّو ذُرِّيَّتِهَا؟ فَيَقْبَلُونَ وَقَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ، فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَتَّى تَدْخُلَهُمُ الْجَنَّةَ». (1)

ص: 154

1- الأمايلي، ابن بابويه: ص 18 مجلس 5 ح 4 - حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا أبو جعفر محمد بن جرير الطبري قال: حدّثنا أبو محمد الحسن بن عبد الواحد الخزاز قال: حدّثني إسماعيل بن علي السندي، عن منيع بن الحجاج، عن عيسى بن موسى، عن جعفر الأحمر، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نَوْقِ الْجَنَّةِ مُدْبَجَةَ الْجَنَّبِينَ خِطَامُهَا مِنْ لَوْلُؤٍ رَطْبٍ قَوَائِمُهَا مِنَ الزَّمُرْدِ الْأَخْضَرِ ذَنْبُهَا مِنَ الْمَسْكِ الْأَذْفَرِ عَيْنَاهَا يَاقُوتَانِ حَمْرَاوَانِ عَلَيْهَا قَبَّةٌ مِنْ نُورٍ يَرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلُهَا عَفْوُ اللَّهِ وَخَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رُكْنًا كُلُّ رُكْنٍ مُرْصَعٌ بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ يُضِيءُ كَمَا الْكَوْكَبُ الذَّرِّيُّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ وَعَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ وَعَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ وَجَبْرَائِيلُ أَخَذَ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص فَالْبَيْتِيُّ يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا رَسُولٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا غُضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتَسِيرُ حَتَّى تُحَادِيَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَنْزَحُ بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَتَقُولُ إِلَهِي وَسَيِّدِي! أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي اللَّهُمَّ أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ قَتَلَ وَلَدِي فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا حَبِيبِي وَإِنِّتَ حَبِيبِي! سَلِّبْنِي تُعْطِي وَاشْفَعِي تُشْفَعِي، فَوْعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا جَازِي ظَلَمَ ظَالِمٍ. فَتَقُولُ: إِلَهِي وَسَيِّدِي! ذُرِّيَّتِي وَشَيْعَتِي وَشَيْعَةَ ذُرِّيَّتِي وَمُحِبِّي وَمُحِبِّي ذُرِّيَّتِي. فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَشَيْعَتُهَا وَمُحِبُّوهَا وَمُحِبُّو ذُرِّيَّتِهَا؟ فَيَقْبَلُونَ وَقَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَتَّى تَدْخُلَهُمُ الْجَنَّةَ. از او: بشارة المصطفى: ص 18 ح 15، 14 و روضة الواعظين: ج 1 ص 148. و در الفضائل: ص 11 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 327 مانند آن با اختلافی اندک.

الاه من ، سرورم ، فرزندانم و شیعیانم و شیعیان فرزندانم و دوست دارانم و دوست داران فرزندانم.

از جانب خدای جلّ جلاله ندا رسد: فرزندان فاطمه کجا هستند؟ و شیعیان و دوستان او و دوستان فرزندان او؟ آنان روی می آورند در حالی که فرشتگان رحمت، گرداگرد ایشان را گرفته اند، فاطمه بر آنان پیش بیافتد تا آنها را وارد بهشت کند.

برهان 58- شفاعت فاطمی

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«... يَا فَاطِمَةُ! الْبُشْرَىٰ فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَّحْمُودٌ، تَشْفَعِينَ فِيهِ لِمُحِبِّكَ وَشِيعَتِكَ فَتُشَفَّعِينَ...» (1).

... ای فاطمه! مژده! مقامی ستوده نزد خداوند داری، برای دوستان و شیعیان شفاعت خواهی کرد و شفاعتت پذیرفته شود... .

حضرت زهرا در مقام شفاعت، شریک رسول الله، امیرالمؤمنین، امام مجتبی و سید الشهداء علیهم صلوات الله هستند و این نیز جایگاهی ویژه و بی بدیل برای ایشان است. حضرات انبیاء و از آنها آدم و ابراهیم، به خمسه طیبه علیهم السلام متوسل شدند که یکی از آنان فاطمه زهراست، خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید:

«فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (2).

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (3).

جویندگان می توانند به روایات ذیل این دو آیه کریمه مراجعه نمایند .

ص: 155

1- کنز الفوائد، الکرّاجکی: ج 1 ص 149- و ممّا حدّثنا به الشیخ الفقیه أبو الحسن بن شاذان رحمه الله قال: حدّثني أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا ابن الوليد محمّد بن الحسن قال: حدّثنا الصّفاة محمّد بن الحسين قال: حدّثنا محمّد بن زياد، عن مفضّل بن عمر، عن يونس بن يعقوب رضي الله عنه قال: سمعت الصادق جعفر بن محمّد عليه السلام يقول: . والدّرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص 458 و ص 641 و العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة: ص 225. بحار الأنوار: ج 29 ص 346 ح 21 و ج 23 ص 355 ب 17 ح 21 از كنز الفوائد.

2- سوره (2) آیه 38.

3- سوره (2) آیه 124.

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ

وَالْحَقُّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ

ای فاطمه هر کی بر تو صلوات فرستد خداوند او را آمرزیده

و به من ملحق کند هر کجای بهشت که باشم

ص: 156

برهان 59 الی 64 از صفات حجج الله در فاطمه نطفه اش از خوراک بهشتی در شکم مادر صداها را می شنود و سخن می گوید طاهر و مطهر به دنیا می آید با دو دست به دنیا می آید و دست خود بالا می برد شهادت را با صدای بلند می گوید رشد و نمو ویژه ای دارد

یکی از بخش های مهم اعتقاد شیعه، باور او نسبت به ویژگی های امام است که کاملاً او را از سایرین متمایز می سازد. در این قسمت به دنبال آن هستیم اثبات کنیم که صدیقه طاهره سلام الله علیها در بسیاری از نشانه های امامت با ائمه از اهل بیت اطهار علیهم السلام مشترک هستند، و حتی اختصاصاتی نیز دارند تا جایی که از ائمه از فرزندان نیز افضل می باشند؛

از جمله در احادیث بسیاری از اهل بیت اطهار علیهم السلام در کتاب های معتبر شیعه امامیه هم چون بصائر الدرجات و الکافی و غیر آن ها آمده است که از علامت ها و ویژگی های امام و حجّت الله تعالی این است که نطفه امام از بهشت و میوه ها و خوراکی های بهشت است، از شکم مادر با دو دست بیرون می آید و دست خود را بلند

ص: 159

می کند و شهادت را با صدای بلند می گوید و... و محدث است، ... و مصحف فاطمه علیها السلام نزد اوست،... (1)

و صدیقه طاهره فاطمه الزهراء سلام الله علیها تمام این ویژگی ها را دارا هستند. به جهت رعایت اختصار برخی در پی نوشت مسنداً نقل شده و خواهد شد که جویندگان را به آن ارجاع می دهم و در ادامه نیز برخی دیگر مفصلاً نقل می شود:

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ نُطْفَةَ الْإِمَامِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَإِذَا وَقَعَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعَ وَهُوَ وَاصِعٌ يَدُهُ إِلَى الْأَرْضِ، رَافِعٌ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ.» (2)

به راستی نطفه امام از بهشت است، و چون از شکم مادر بر زمین افتد (زاده شود)، دست خود را بر زمین نهاده، و سر بر آسمان بالا برد.

همه این انوار که در همه نشأت اول موحد و عابد بوده اند و سابق به توحید و عبادت، در این نشئه دنیویّه نیز اول ساجدند و اول مبتهل زماناً و رتبه و... چنان چه درباره رسول الله نیز حضرت آمنه بنت وهب علیها السلام می فرماید:

«... فَلَمَّا وَضَعَتْهُ رَأْيَتْهُ سَاجِدًا قَدْ رَفَعَ إصْبَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُبْتَهْلِ الْمُتَضَرِّعِ...» (3)

چون وضع حمل نمودم، دیدم سجده کنان، انگشت به سوی آسمان بلند نموده مانند کسی که با تضرع، تهلیل می گوید.

یکی دیگر از شروط امام این است که هنگام تولد، پاک و پاکیزه زاییده می شود، چنان چه والده ماجده خاتم الانبیاء حضرت آمنه بنت وهب علیها السلام فرمود:

«إِنَّهُ أَتَانِي الْمَخَاضُ وَأَنَا وَحْدِي، فَلَمَّا وَضَعْتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَآلِهِ رَأَيْتُهُ سَاجِدًا قَدْ رَفَعَ إصْبَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُبْتَهْلِ الْمُتَضَرِّعِ، ثُمَّ غَشَّيْتِي سَحَابَةً عَيْبَتْهُ»

ص: 160

1- در بصائر الدرجات: ص 430؛ باب 7، 11 حدیث از امام محمد باقر و امام جعفر صادق و ائمه علیهم السلام، و در باب 8 تعداد 3 حدیث و در باب 9 تعداد 7 حدیث و در باب 10 تعداد 2 حدیث و در باب 11 تعداد 4 حدیث و در باب 12 تعداد 2 حدیث و در کافی شریف و دیگر کتب معتبر حدیث شیعه امامیه احادیثی در این باب می باشد.

2- بصائر الدرجات: ص 223 ب 3 ح 13- حدیثنا عبّاد بن سلیمان، عن محمد بن سلیمان الدیلمی، عن أبیه سلیمان، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: إِنَّ نُطْفَةَ الْإِمَامِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَإِذَا وَقَعَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعَ وَهُوَ وَاصِعٌ يَدُهُ إِلَى الْأَرْضِ، رَافِعٌ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَلِمَ ذَاكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ مُنَادِيًا يَنَادِيهِ مِنْ جَوِّ السَّمَاءِ مِنْ بَطْنِ الْعَرْشِ مِنَ الْأَعْلَى: يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ! أُثْبِتُ فِإِنَّكَ صَدَقْتَنِي مِنْ خَلْقِي وَعَيْبَةُ عِلْمِي وَ لَكَ وَ لِمَنْ تَوَلَّكَ أَوْجِبْتُ رَحْمَتِي وَ مَنَحْتُ جَنَانِي وَ أَحَلْتُ [أُحْلِكَ] جَوَارِي ثُمَّ وَعَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَصْدَ لَمِينٍ مَنْ عَادَاكَ أَشَدَّ عَدَاوِي وَ إِن أَوْسَعَتْ عَلَيْهِمْ فِي دُنْيَايَ مِنْ سَعَةِ رِزْقِي. قَالَ: فَإِذَا انْقَضَى صَوْتُ الْمُنَادِي أَجَابَهُ هُوَ: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ فَأَنِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَإِذَا قَالَهَا أَعْطَاهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَ الْعِلْمَ الْآخَرَ وَ اسْتَحَقَّ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. وَ دَلَائِلُ الْإِمَامَةِ: ص 305 ح 2/259- حدیثنا أبو المفضل محمد بن عبد الله قال: حدیثنا أبو النجم بدر ابن عمار الطبرستانی قال: حدیثنا أبو جعفر محمد بن علی، رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام، قال: إِنَّ حَمِيدَةَ أَخْبَرْتَنِي بِشَيْءٍ ظَنَنْتُ أَنِّي لَا أَعْرِفُهُ، وَ كُنْتُ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهَا. قُلْنَا لَهُ: وَ

مَا أَخْبَرْتِكَ بِهِ؟ قَالَ: ذَكَرْتُ أَنَّهُ لَمَّا سَقَطَ مِنَ الْأَحْشَاءِ سَقَطَ وَاضِعاً يَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ، رَافِعاً رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَأَخْبَرْتُهَا أَنَّ ذَلِكَ أَمَارَةٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْوَصِيِّ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَطْنِ أُمَّهِ، أَنْ تَفَعَّ يَدَاهُ عَلَى الْأَرْضِ، وَرَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَيَقُولُ: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...، أَعْطَاهُ اللَّهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ، وَالْعِلْمَ الْآخِرَ، وَاسْتَحَقَّ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَهُوَ أَعْظَمُ خَلْقًا مِنْ جِبْرِئِيلَ.

3- كنز الفوائد: ص 71 و 72 و چاپ جدید: ج 1 ص 166- فروي عنها (آمنة بنت وهب عليها السلام) من الآيات التي شاهدتها ليلة حملها به وعند ولادتها ما يطول ذكره، فكان مما قالت: إِنَّهُ أَتَانِي الْمَخَاضُ وَأَنَا وَحْدِي فَلَمَّا وَضَعَتْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَيْتُهُ سَاجِدًا قَدْ رَفَعَ إِصْبَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُبْتَهَلِ الْمُتَضَرِّعِ، ثُمَّ غَشَّتْنِي سَحَابَةٌ غَيَّبَتْهُ عَن عَيْنِي، وَ سَمِعْتُ مِنْهَا كَلَامًا، ثُمَّ أُعِيدَ إِلَيَّ وَ هُوَ مُدْرَجٌ فِي ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَرِيرَةٌ خَضْرَاءُ، وَ وُلِدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَاهِرًا مُطَهَّرًا.

عَنْ عَيْنِي، وَ سَمِعْتُ مِنْهَا كَلَاماً، ثُمَّ أُعِيدَ إِلَيَّ وَ هُوَ مُدْرَجٌ فِي ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَرِيرَةٌ خَصَّةٌ رَاءً، وَ وُلِدَ طَاهِراً مُطَهَّراً» (1).

تنها بودم و مرا درد زایمان گرفت، چون او را زاییدم، دیدم سجده کنان انگشت به سوی آسمان بلند نموده مانند کسی که با تضرع، مناجات می کند، ابری مرا در بر گرفت که او را از دید من پنهان کرد، سخنی از او شنیدم، سپس به من بازگردانده شد در حالی که در پیراهنی پشمینه از برف سفیدتر، پیچیده شده بود و زیر او ابریشمی سبز. و پاک و پاکیزه زاده شد.

«... ثُمَّ خَرَجَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَخَرَّ سَاجِداً لِلَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ، وَ رَفَعَ إِصْبَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُتَضَرِّعِ الْمُبْتَهَلِ، وَ رَأَيْتُ سَحَابَةً بَيضاءَ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى غَشِيَتْهُ، وَ سَمِعْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي: طُوفُوا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمُوا لَهُمُ شَرَقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ الْبِحَارِ لِيَعْرِفُوهُ بِصُورَتِهِ وَ اسْمِهِ وَ نَعْتِهِ، ... وَ وُلِدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمُوا لَهُمُ طَاهِراً مُطَهَّراً...» (2).

... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمده، بلافاصله برای الله -جل ذکره- به سجده افتاد و انگشت به سوی آسمان بلند نمود مانند کسی که زاری کنان دعا می کند. و ابری سپید دیدم که از آسمان فرود می آید تا این که او را فرا گرفت و شنیدم کسی فریاد می زد: محمد صلی الله علیه و آله و سلم را شرق و غرب زمین و دریاها، بگردانید تا او را به صورت و نام و ویژگی اش بشناسند... و حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پاک و پاکیزه زاده شد... .

و ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز چنین بود:

ص: 161

1- کنز الفوائد: ج 1 ص 166- فروي عنها (آمنة بنت وهب عليها السلام) من الآيات التي شاهدتها ليلة حملها به و عند ولادتها ما يطول ذكره. فكان مما قالت: إنه أتاني المَخاضُ وأنا وحدي فلما وصد عنه صلى الله عليه وآله رأيتُه ساجداً قد رفع إصبعه إلى السماء كالمُبتَهَلِ المُتَضَرِّعِ، ثم غشيتني سحابةٌ غيبتني عن عيني، و سَمِعْتُ مِنْهَا كَلَاماً، ثُمَّ أُعِيدَ إِلَيَّ وَ هُوَ مُدْرَجٌ فِي ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَرِيرَةٌ خَصْرَاءُ، وَ وُلِدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ طَاهِراً مُطَهَّراً. از او: إثبات الهداة: ج 1 ص 423 ح 630.

2- و روي عن آمنة بنت وهب أنها قالت:

«... إِنَّهُ وُلِدَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا...» (1).

... او پاک و پاکیزه زاده شد...

و همه ائمه معصومین علیهم السلام پاک و پاکیزه به دنیا آمدند، و حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام نیز این چنین بوده اند:

«... فَوَضَعَتْ خَدِيجَةَ فَاطِمَةَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً...» (2).

... خدیجه، فاطمه را پاک و پاکیزه زاید...

در این ره گذر متذکر عهود و موثیق غلیظ و سختی می شوم که از نبی الله آدم و دیگر انبیاء و اوصیاء علیهم السلام گرفته شده است بر این که نطفه خود را در ارحام طیبیه قرار دهند، و این همه ثابت کننده مقام حجة اللهی ایشان و نیز به جهت حراست مقام حجّت اللهی از بدی و پلیدی است.

یکی دیگر از نشانه های امام این است که در شکم مادر صداها را می شنود و بعضاً روایاتی هستند که حکایت از پاسخ گویی امام دارد. امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا يَسْمَعُ الْكَلَامَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ سَطَعَ لَهُ نُورٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِذَا دَرَجَ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» (3).

همانا امام از ما (اهل بیت اطهار) در شکم مادر سخن را می شنود، و آن گاه که به دنیا بیاید، نوری برای او از آسمان به زمین بتابد، و چون راه بیفتند برایش ستونی از نور برپا گردد که با آن میان مشرق تا مغرب را بیند.

و حضرت صدیقه کبری فاطمة الزهراء سلام الله علیها نیز در شکم مادر می شنید و با مادر گرامش سخن می فرمود.

جابر بن عبد الله الأنصاری گوید: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

ص: 162

1- الفضائل، ابن شاذان القمي: ص 58 و روضة الواعظين: ج 1 ص 80.

2- الأمالي، الشيخ الصدوق، ص 593 المجلس 87 ح 1 و دلائل الإمامة: ص 76 ح 17 و روضة الواعظين: ج 1 ص 143 و ...

3- بصائر الدرجات: ص 435 ب 8 ح 2- حدّثنا معاوية بن حكيم، عن أبي داود المسترق، عن محمد بن مروان، عن الفضيل بن يسار قال: إِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا يَسْمَعُ الْكَلَامَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ سَطَعَ لَهُ نُورٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِذَا دَرَجَ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. و إثبات الوصية: ص 180- و روي عن الفضيل بن يسار قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا يَسْمَعُ الْكَلَامَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذَا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ أَعْمَالَ عِبَادِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. و عن الفضل بن يسار، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا يَسْمَعُ الْكَلَامَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَإِذَا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ أَعْمَالَ عِبَادِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.

«دَخَلْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَقَدْ حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَكَانَتْ وَحْدَهَا تَتَكَلَّمُ، فَقَالَتْ: إِنَّ الْجِنِّينَ الَّذِي فِي بَطْنِي يُكَلِّمُنِي وَأُكَلِّمُهُ، وَ لِي بِهِ أُسٌّ فِي حَالِ وَحْدَتِي» (1).

بر حضرت خدیجه داخل شدم در حالی که به حضرت فاطمه علیها السلام باردار شده بود، و او تنها بود و سخن می گفت، فرمود: همانا جنینی که در شکم من است با من سخن می گوید و با او سخن می گویم، و در تنهایی ام با او انسی دارم.

و مفضل بن عمرو گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: ولادت حضرت فاطمه علیها السلام چگونه بود؟ فرمود:

نَعَمْ، إِنَّ خَدِيجَةَ (رَضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهَا) لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَجَرَتْهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ، فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا، وَلَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا، وَلَا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا، فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ، وَكَانَ جَزَعُهَا وَغَمُّهَا حَادِرًا عَلَيْهِ (وَكَانَ حُزْنُ خَدِيجَةَ وَحَدْرُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ)، فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ (وَكَانَتْ خَدِيجَةُ تَعْتَمُّ وَتَحْزَنُ إِذَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَانَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا، وَتُصَبِّرُهَا، وَكَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ، فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ! مَنْ تُحَدِّثِينَ؟ (مَنْ يُحَدِّثُكَ؟) قَالَتْ: الْجِنِّينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُؤَسِّسُنِي. قَالَ: يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي (يُبَسِّرُنِي) بِأَنَّهَا أُسِّي، وَأَنَّهَا النَّسْلَةُ (النَّسَمَةُ) الطَّاهِرَةُ

ص: 163

1- عيون المعجزات: ص 59- وروي عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: دَخَلْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَقَدْ حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَكَانَتْ وَحْدَهَا تَتَكَلَّمُ، فَقَالَتْ: إِنَّ الْجِنِّينَ الَّذِي فِي بَطْنِي يُكَلِّمُنِي وَأُكَلِّمُهُ، وَ لِي بِهِ أُسٌّ فِي حَالِ وَحْدَتِي.

الْمُؤْمِنَةُ، وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا، وَسَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً، وَيَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِصَاءِ وَحْيِهِ».

آری، همانا چون رسول الله صلی الله علیه و آله با خدیجه (رضوان الله علیها) ازدواج کرد، زنان او را ترک کردند، و نزد او نمی رفتند و بر او سلام نمی کردند، و نمی گذاشتند زنی نزد او برود، خدیجه به وحشت افتاد، و بی تابی و اندوهش مایه نگرانی و بیم بر او بود (و اندوه خدیجه و بیم او بر رسول الله بود که آزاری از آن ها نبیند)، (و چون رسول الله صلی الله علیه و آله خارج می شد خدیجه غمگین می شد) و هنگامی که به فاطمه آبتن شد، در شکمش که بود با او صحبت می کرد و او را تسلی می داد، و این راز را از رسول الله نمان می داشت. روزی رسول الله صلی الله علیه و آله وارد شد و شنید خدیجه با فاطمه سخن می گوید، فرمود: ای خدیجه! با که سخن می گویی؟ گفت: با این بچه که در شکم دارم، با من سخن می گوید و مرا انس می دهد. فرمود: ای خدیجه! این جبرئیل است که به من خبر (و بشارت) می دهد، به راستی این بچه دختر است، و همان نسل پاک با میمنت است، و الله تبارک و تعالی نژاد مرا از او مقرر کند و از نژادش امامانی بر آورد، و پس از پایان وحی، آن ها را در زمین خود خلیفه سازد.

«فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَصَّ رَتْ وَلَادَتْهَا، فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَبَنِي هَاشِمٍ: أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مِنِّي مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ، فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا: أَنْتِ عَصَّةٌ بَيْنَنَا، وَلَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا، وَتَرَوْتِ مُحَمَّدًا، يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ، فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ، فَلَسَدْنَا نَجِيءًا، وَلَا نَلِيَّ مِنْ أَمْرِكِ شَيْئًا. فَاعْتَمَّتْ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ لِذَلِكَ، فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا

أَرْبَعِ نِسْوَةٍ طَوَالَ، كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ، فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ، فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ! فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ، وَنَحْنُ أَخَوَاتُكَ، أَنَا سَارَةُ، وَهَذِهِ أَسَدِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَهِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ، وَهَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَهَذِهِ كَلْثُومُ (بِنْتُ عِمْرَانَ) أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكَ، لِئَلَيْكَ مِنْكَ مَا تَلِي النِّسَاءَ. فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا، وَأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا، وَالثَّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا، وَالرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا، فَوَضَعَتْ فَاطِمَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، فَلَمَّا سَدَّ قَطْعُ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ، وَلَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ، وَدَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَإِبْرِيْقٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَفِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ، فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا، فَغَسَّ لَمْتَهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ، وَأَخْرَجَتْ خَرْقَتَيْنِ بَيَضَاوَتَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ، وَأَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ، فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ، وَقَتَعَتْهَا بِالثَّانِيَةِ، ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا». خديجه پیوسته بر این حال بود تا این که زمان زایمان او فرا رسید و به دنبال زان قریش و بنی هاشم فرستاد که از من چون زنان دیگر پذیرایی کنید. جوابش دادند که: تو با ما مخالفت کردی، و سخن ما را نپذیرفتی، و با محمد، یتیم ابوطالب، فقیر بی مال ازدواج کردی، و ما نمی آیم و برایت کاری نمی کنیم. خدیجه از این پاسخ اندوه ناک شد. در این میان چهار زن گندم گون بلند بالا، گویی مانند زنان

بنی هاشم بر او داخل شدند، از آنان هراسید، یکی از آن‌ها گفت: ای خدیجه! غم مخور که ما فرستاده پروردگاریم نزد تو، و ما خواهران تو هستیم؛ من ساره ام، و این آسیه دختر مزاحم است که در بهشت رفیق توست، و این مریم دختر عمران، و این کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خداوند ما را فرستاده که مانند سایر زنان از تو پذیرایی کنیم. یکی سمت راستش نشست، و یکی سمت چپش، و سومی برابرش، و چهارمی پشت سرش، سپس فاطمه را پاک و پاکیزه زایید، و چون به زمین آمد، نوری از او درخشید که به همه خانه های مکه پرتو افکند، و جایی از شرق و غرب زمین نماند مگر آن که آن نور در آن تابید، و ده تن حور العین که هریک طشت و آب دان بهشتی داشتند وارد شدند، و در آن آب دان ها آب کوثر بود، و زنی که برابرش بود گرفت و او را با آب کوثر شست، و دو پارچه سفیدتر از شیر و خوشبوتر از مشک و عنبر برآورد، و او را در یکی از آن ها پیچید، و با دیگری سر و رویش را بست، و از او خواست زبان به سخن باز کند.

«فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ (بِسْمِ هَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) بِالشَّهَادَةِ وَقَالَتْ: اللَّهُ هَدَانُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنَّ بَعْلِي (عَلِيًّا) سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، وَوُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ. ثُمَّ سَلَّمْتُ عَلَيْهِنَّ، وَسَمَّيْتُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا، وَأَقْبَلُنَّ يَضْحَكُنَّ إِلَيْهَا، وَتَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعَيْنُ، وَبَشَّرَ أَهْلُ السَّمَاءِ (أَهْلُ الْجَنَّةِ) بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ، وَحَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ، لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ (الْيَوْمَ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا.)، وَقَالَتِ النَّسْوَةُ: خُدَيْجَةُ، يَا خُدَيْجَةُ، طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ، زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ، بُورِكَ فِيهَا وَ

فِي نَسَبِهَا. فَتَنَّاوَلَتْهَا فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً، وَأَلْقَمَتْهَا ثَدْيَهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا. فَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنَمِّي فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنَمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ، وَ تَنَمِّي فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنَمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ» (1).

فاطمه عليها السلام لب به ذکرتهلیل گشوده، فرمود: گواهی میدهم که جز الله معبود حقّی نیست، و پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سیّد انبیاء است، و شوهرم (علی) سیّد اوصیاء است، و فرزندانم سروران نوادگان پیامبران هستند. سپس به آن ها سلام کرد و نام یکایک آن ها را گفت و آن ها با او رویه رو شده و برایش خندیدند، و حوریان به یک دیگر بشارت دادند، و اهل آسمان (و اهل بهشت ولادت فاطمه عليها السلام را به هم بشارت دادند، و در آسمان نوری تابید که فرشتگان پیش از آن (روز) ندیده بودند (پس به این خاطر زهراء نورافشان)) عليها السلام نامیده شد، و آن زن ها گفتند: ای خدیجه! او را پاک و پاکیزه بگیر، زکّیه و با میمنت است، و خودش و نسلش با برکت است. پس شاد و خرم او را گرفت، و پستان به دهانش نهاد و شیر برایش جاری گشت. فاطمه در هر روز به اندازه رشد یک ماه نوزاد پسر، بزرگ می شد، و در یک ماه به اندازه رشد یک سال نوزاد پسر بزرگ می شد.

و در خبر نیز ابن عباس واقعه بارداری حضرت خدیجه به حضرت فاطمه علیهما السلام را همانند روایت امام جعفر صادق علیه السلام با اختلافی اندک حکایت کرده است، و تصریح دارد که آن حضرت در شکم مادر با او سخن می فرمود، و از حضرت خدیجه در جواب به رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند که فرمود:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ الْجَنِينَ الَّذِي أَنَا حَامِلٌ بِهِ إِذَا أَنَا خَلَوْتُ بِهِ فِي مَنْزِلِي كَلَّمَنِي، وَ حَدَّثَنِي مِنْ ظِلْمَةِ الْأَحْشَاءِ» (2).

ص: 167

1- الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 593 المجلس 87 ح 1 - حدّثنا الشّيخ الجليل أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ رضوان الله عليه قال: حدّثنا أبو عبد الله أحمد بن محمّد الخليلي، عن محمّد بن أبي بكر الفقيه، عن أحمد بن محمّد النوفلي، عن إسحاق بن يزيد، عن حمّاد بن عيسى، عن زرعة بن محمّد، عن المفصّل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله الصادق عليه السلام: كيف كان ولادة فاطمة؟ فقال: . و دلالت الإمامة: ص 76 ح 17- حدّثنا أبو المفصّل محمّد بن عبد الله بن المطّلب الشّيباني قال: حدّثني أبو القاسم موسى بن محمّد بن موسى الأشعريّ القميّ، ابن أخت سعد بن عبد الله قال: حدّثني الحسن بن محمّد بن إسماعيل المعروف بابن أبي السّوري قال: حدّثني عبيد الله بن عليّ بن أشيم قال: حدّثني يعقوب بن يزيد الأنباري، عن حمّاد بن عيسى، عن زرعة بن محمّد، عن المفصّل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله جعفر بن محمّد عليه السلام: كيف كانت ولادة فاطمة عليها السلام؟ قال: نعم، إنّ خديجة رضوان الله عليها لمّا تزوّج بها رسول الله صلي الله عليه وآله هجرتها نسوة مكّة، فكُنَّ لا يدخلن عليها، و لا يسلمن عليها، و لا يتركن امرأه تدخل عليها، فاستوحشت خديجة من ذلك. فلمّا حملت بفاطمة عليها السلام، و كانت خديجة تغتم و تحزن إذا خرج رسول الله صلي الله عليه وآله و آله، فكانت فاطمة تحدّثها من بطنها، و تصبرها، و كان حزن خديجة و حدّرها على رسول الله. و كانت خديجة تكتم ذلك عن رسول الله صلي الله عليه وآله، فدخل يوماً، فسّ جمع خديجة تحدّث فاطمة، فقال لها: يا خديجة! من يحدّثك؟ قالت: الجنين الذي في بطني يحدّثني و يؤنّسني. فقال لها: يا خديجة! هذا جبريل يبشّرني أنّها أنثى، و أنّها النسمة الطاهرة الميمونة، و أنّ الله تعالى سيجعل نسلي منها، و سيجعل من نسبها أئمة في الأمّة، يجعلهم خلفاء في أرضه بعد انقضاء وحيه. فلم تزل خديجة رضي الله عنها على ذلك إلى أن حصرت ولادتها، فوجّهت إلى نساء قريش و بني هاشم ليلين منها ما تلي النساء من النساء. فأرسلن إليها بأنك عصّيينا، و لم تقبلي قولنا، و تزوّجت محمّداً، يتيم أبي طالب، فقيراً لا مال له، فلسنا نأنجيك، و لا نلي من أمرك شيئاً، فأغتمت خديجة لذلك. فبينما هي في ذلك إذ دخل عليها أربع نسوة طوال كأنهنّ من نساء بني هاشم، ففزعنّ منهنّ، فقالت لها إحداهنّ: لا تحزني يا خديجة فإنّ رسول ربك إليك، و نحن أخواتك، أنا سارة، و

هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ، وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ هَذِهِ صَفُورَاءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ؛ بَعَثَنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ لِنَلِيَّ مِنْ أَمْرِكَ مَا تَلِي النَّسَاءَ مِنَ النَّسَاءِ. فَجَلَسْتُ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا، وَ الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا، وَ الثَّلَاثَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا، وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا، فَوَضَعَتْ خَدِيدَجَةَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ، وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا - أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ. فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا، وَ دَخَلَتْ عَشْرَ مِنْ الْحُورِ الْعِينِ، كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طُسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقٌ، وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ، فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا، فَغَسَّ لَمْتَهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ، وَ أَخْرَجَتْ خِرْفَتَيْنِ بِيضَاوَتَيْنِ، أَشَدَّ بِيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعُنْبَرِ، فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ، وَ قَنَعَتْهَا بِالْأُخْرَى. ثُمَّ إِنَّهُ تَنَطَّقَتْهَا فَتَنَطَّقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، وَ أَنَّ وُلْدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ. ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ، وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا، وَ ضَحِكْنَ إِلَيْهَا. وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ، وَ بَشَّرَ أَهْلَ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ، وَ حَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ، لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَبَدَأَ ذَلِكَ سَمِيَّتِ الزُّهْرَاءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا. وَ قَالَتْ: خُدَيْجَةُ، يَا خُدَيْجَةُ، طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ، زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ، بُورِكٌ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا. فَتَنَاوَلَتْهَا خُدَيْجَةُ فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً، فَالْقَمْتَهَا ثُدَيْهَا، فَشَرِبَتْ فَدَرَّ عَلَيْهَا، وَ كَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامَ تَنُمُو فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنُمُو الصَّبِيُّ فِي شَهْرٍ، وَ فِي شَهْرٍ كَمَا يَنُمُو الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا. وَ رُوِيَتْهُ الْوَاعِظِينَ وَ بَصِيْرَةَ الْمُتَعَطِّينَ: ج 1 ص 143 - قَالَ الْمَفْضَلُ بْنُ عَمْرِو: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ كَانَ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ؟ قَالَ: نَعَمْ! إِنَّ خُدَيْجَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَجَرَهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ وَ كُنَّ لَا يَدْخُلْنَ إِلَيْهَا وَ لَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَ يَمْنَعْنَ إِمْرَأَةً أَرَادَتْ أَنْ تَدْخُلَ إِلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خُدَيْجَةُ لِذَلِكَ وَ كَانَ جَزَعُهَا وَ غَمُّهَا حَذْرًا عَلَيْهِ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ يَوْمًا فَسَمِعَ خُدَيْجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خُدَيْجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتْ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي قَالَ يَا خُدَيْجَةُ هَذَا جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا ابْنَتِي وَ أَنَّهَا النَّسَلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَيْمَةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خُدَيْجَةُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وَ لَادَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِيَلِينَ مِنِّي مَا تَلِي النَّسَاءَ مِنَ النَّسَاءِ فَارْسَدْنَ لَهَا عَصِيْبَتَنَا وَ لَمْ يَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا بِتَيْمِ أَبِي طَالِبٍ فَقِيْرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِيَّ مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَاعْتَمَّتْ خُدَيْجَةُ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَمَرٍ طَوَالِ كَانَهُنَّ مِنَ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خُدَيْجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ وَ نَحْنُ أَحْوَاثُكَ أَنَا سَارَةٌ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كَلْتُمُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثْنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِيَّ مِنْكَ مَا تَلِي النَّسَاءَ مِنَ النَّسَاءِ فَجَلَسْتُ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّلَاثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى عَلَا بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا فِي غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ وَ دَخَلْنَ عَشْرَةَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طُسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقٌ مِنْ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَّ لَمْتَهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ فَأَخْرَجَتْ خِرْفَتَيْنِ بِيضَاوَتَيْنِ أَشَدَّ بِيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعُنْبَرِ فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَنَعَتْهَا بِالْثَانِيَةِ ثُمَّ إِنَّهُ تَنَطَّقَتْهَا فَتَنَطَّقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِالشَّهَادَتَيْنِ قَالَتْ أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ وَ بَشَّرَ أَهْلَ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَ حَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتْ النَّسْوَةُ خُدَيْجَةُ يَا خُدَيْجَةُ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكٌ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً وَ الْقَمْتَهَا ثُدَيْهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا فَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ تَنُمُو فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنُمُو الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَ تَنُمُو فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنُمُو الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ. وَ الْخِرَانِجُ وَ الْجِرَانِجُ: ج 2 ص 524 ح 1 - عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ كَانَ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ؟ قَالَ: إِنَّ خُدَيْجَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَجَرَهَا نِسْوَةٌ قُرَيْشٍ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا (مَنْزِلَهَا-خ ل) وَ لَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتْرُكْنَ إِمْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خُدَيْجَةُ لِذَلِكَ وَ كَانَ جَزَعُهَا وَ غَمُّهَا حَذْرًا عَلَيْهِ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ كَانَتْ فَاطِمَةُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

فَدَخَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهَا يَوْمًا فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ؟ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤَسِّدُنِي قَالَ يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرَيْلُ يُسِّرُنِي بِأَنِّي أَنْتِي وَ أَنَّهَا النَّسْلُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَ رَتْ وَ لَادَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مَنِّي مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا عَصَةَ بَيْنَنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَاعْتَمَّتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَوَالِ كَانَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَحْوَاثُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كُلُّهُمُ بِنْتُ عِمْرَانَ أَحْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِي مِثْلِكَ مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّلَاثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ وَ دَخَلَ عَشْرَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدَةٍ طُشْتُ مِنْ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَتْ لِنْتَهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بِيضَاوَيْنِ أَشَدَّ بِيضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ فَنَعَتْهَا بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَطَقَّتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِالشَّهَادَتَيْنِ فَقَالَتْ اللَّهُ هَدَانِي لَمْ يَكُنْ لِي إِلاَّ اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي عَلِيٌّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وُلْدِي سَادَةُ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ (بِوِلَادَتِهَا) وَ بَشَّرَ أَهْلَ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَ حَدَّثَتْ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتِ النَّسْوَةُ خَدِيجَةُ يَا خَدِيجَةُ طَاهِرَةٌ مَبَارَكَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُوْرَكٌ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةٌ مُسْتَشْرَةً وَ أَلْقَمَتْهَا ثُدْيَهَا وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ تَنْمُو فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنْمُو الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَ تَنْمُو فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنْمُو فِي السَّنَةِ. وَ الدَّرُّ التَّظْمِي فِي مَنَاقِبِ الْأَنْمَةِ الْهَامِيْمِ: ص 453-455- وَ حَدَّثَ يَعْقُوبُ بْنُ زَيْدِ الْأَنْبَارِيِّ، عَنْ هَمَّامِ (حَمَّادِ) بْنِ عَيْسَى، عَنْ زُرْعَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عِمْرَانَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ: كَيْفَ كَانَتْ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهَا لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَجَرَهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتَرَكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحِشَتْ خَدِيجَةُ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ صَارَتْ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَخَلَ يَوْمًا وَ سَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثُكَ؟ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤَسِّدُنِي فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جَبْرَيْلُ يُسِّرُنِي أَنِّي أَنْتِي وَ أَنَّهَا النَّسْلُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ رَضِيَّةً لِلَّهِ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَ رَتْ وَ لَادَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ بِحَيْثُ يَلِينَ مِنْهَا مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا عَصَةَ بَيْنَنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَاعْتَمَّتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَوَالِ كَانَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَحْوَاثُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ صَدْرَاءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ بَعَثَنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ لِنَلِي مِثْلِكَ مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّلَاثَةُ مِنْ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ خَدِيجَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ وَ دَخَلَ عَشْرَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ [فِي يَدِ] كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ طُشْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقُ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَتْ لِنْتَهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بِيضَاوَيْنِ أَشَدَّ بِيضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ فَنَعَتْهَا بِالْأُخْرَى ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَطَقَّتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَنَّ وُلْدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَ ضَحِكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرْنَ الْحُورُ الْعِينُ وَ بَشَّرَ أَهْلَ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَ حَدَّثَتْ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ

ذَلِكَ الْيَوْمِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ الرَّهَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقَالَتْ خُدَيْهَا يَا خُدَيْجَةَ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكَ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا خُدَيْجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَرِحَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ فَالْقَمْتَهَا تَدِيهَا فَشَدَّ رِبْتٌ فَدَرَّ عَلَيْهَا وَكَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنَمِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنَمِي الصَّبِيُّ فِي شَهْرٍ وَفِي شَهْرٍ كَمَا يَنَمِي الصَّبِيُّ فِي سَنَةٍ. العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة؛ ص 222-15 از كتاب الدرّ التّظيم، و در كتاب العدد القويّة اين قسمت نَمِي بِاشد: (و دَخَلَ عَشْرَةٌ مِّنَ الْحُورِ الْعِينِ [فِي يَدِ] كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ طُشْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْرِيْقُ وَفِي الْاِبْرِيْقِ مَاءٌ مِّنَ الْكُوْثِرِ). بحار الأنوار: ج 16 ص 80 ذيل حديث 20 از العدد القويّة. و الثّاقب في المناقب، فقيه الشيعة محمّد بن عليّ ابن حمزة الطوسيّ قدس سرّه زنده در 556، ص 287 الفصل 1 ح 244: وفي رواية أخرى: أنّ المرأة التي بين يدي خديجة غسلتها بماء الكوثر، وأخرجت خرقتين بيضاوين أشدّ بياضاً من اللبن، وأطيب رائحةً من المسك والعنبر، فلقتها بواحدة، وقنعها بالثانية، ثم استنطقتها فنطقت عليها السلام بالله هادة، فقالت: أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أنّ أبي محمّد رسول الله، وأنّ عليّاً سيّد الأوصياء، ولدي سادة الأسياب. ثم سلّمت عليهنّ وسمّيت كلّ واحدة منهنّ باسمها، وأقبلن فضحكن إليها. و تابشرت الحور العين، وبشّر أهل السماوات بعضهم بعضاً بولادة فاطمة عليها السلام، و حدث في السّماء نور زاهر لم تره الملائكة قبل ذلك، وقالت النّسوة: خديجة يا خديجة طاهرة، مطهّرة، زكية ميمونة، بورك لك فيها، وفي نسلها. فتناولتها فرحة مستبشرة وألقتها تديها فدّرّ عليها، وكانت عليها السلام تنمو في اليوم كما ينمو الصّبّي في الشهر، وتنمو في الشّهر كما ينمو الصّبّي في السّنة. و ذيل حديث 245 فرموده: وفي رواية أخرى: أنّ المرأة التي بين يدي خديجة غسلتها بماء الكوثر، وأخرجت خرقتين بيضاوين أشدّ بياضاً من اللبن، وأطيب رائحةً من المسك والعنبر، فلقتها بواحدة، وقنعها بالثانية، ثم استنطقتها فنطقت عليها السلام بالله هادة، فقالت: أشهد أنّ لا إله إلا الله، وأشهد أنّ أبي محمّد رسول الله، وأنّ عليّاً سيّد الأوصياء، ولدي سادة الأسياب. ثم سلّمت عليهنّ وسمّيت كلّ واحدة منهنّ باسمها، وأقبلن فضحكن إليها. و تابشرت الحور العين، وبشّر أهل السماوات بعضهم بعضاً بولادة فاطمة عليها السلام، و حدث في السّماء نور زاهر لم تره الملائكة قبل ذلك، وقالت النّسوة: خديجة يا خديجة طاهرة، مطهّرة، زكية ميمونة، بورك لك فيها، وفي نسلها. فتناولتها فرحة مستبشرة وألقتها تديها فدّرّ عليها، وكانت عليها السلام تنمو في اليوم كما ينمو الصّبّي في الشهر، وتنمو في الشّهر كما ينمو الصّبّي في السّنة. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 340- المفضل بن عمر، عن الصادق عليه السلام في خبر: أنّ خديجةً لمّا تزوّج بها رسولُ الله هجرها نساءُ مكّة فاستوحشت لذلك فلمّا حملت بفاطمة كانت فاطمة تُحدّثها من بطنها فسَمِعَ ذَلِكَ يَوْمًا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ يَا خُدَيْجَةُ! هَذَا جَبْرَيْلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا ابْنَتِي وَأَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا قَالَ فَلَمَّا حَضَرَتْ وَلَا دَتْهَا اغْتَمَّتْ فَدَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمِّرَ طَوَالَ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خُدَيْجَةُ! فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ وَنَحْنُ أَخَوَاتُكَ وَأَنَا سَارَةٌ وَهَذِهِ آسِيَةٌ وَهَذِهِ مَرْيَمُ وَهَذِهِ كَلْثُومُ أُخْتُ مُوسَى فَجَلَسْنَ عِنْدَهَا فَوَصَّعَتْ فَاطِمَةُ طَاهِرَةً فَأَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَدَخَلَ عَشْرٌ مِّنَ الْحُورِ الْعِينِ مَعَهُنَّ الْأَبَارِيْقُ وَالطَّاسُ وَفِي الْأَبَارِيْقِ مَاءٌ مِّنَ الْكُوْثِرِ فَعَسَلَتْهَا بِهِ وَلَفَفَتْهَا فِي خَرْقَتَيْنِ بِيضاوين أشدّ بياضاً مِنَ اللَّبَنِ وَأَطْيَبَ رِيحاً مِنَ الْمَسْكِ فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ وَقَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْلي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَابِ ثُمَّ سَلَّمْتُ عَلَيْهِنَّ وَسَمَّيْتُ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِاسْمِهَا وَتَبَاشَرْتُ الْحُورُ الْعِينُ فَقُلْنَ خُدَيْهَا يَا خُدَيْجَةَ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكَ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا فَكَانَتْ تَنَمُو فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنَمُو الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ. و بحار الأنوار: ج 43 ص 2 ح 1 - از الأمالي و از مصباح الأنوار: عن أبي المفضل الشّيباني، عن موسى بن محمّد الأشعريّ ابن بنت سعد بن عبد الله، عن الحسن بن محمّد بن إسماعيل المعروف بابن أبي الشّوارب، عن عبيد الله بن عليّ بن أشيم، عن يعقوب بن يزيد، عن حمّاد - و علامه مجلسيّ گوید: مثله. و در كتاب مقصد الرّاغب الطالب في فضائل الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السلام، تحقيق مكتبة العلامّة المجلسيّ، من سلسلة مصادر بحار الأنوار: ج 33 ب 19 ص 283- 285 ح 1/236 قال أبو الحسن الفارسيّ فيما رواه في كتابه عن زرعة، عن المفضل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله جعفر بن محمّد الصادق عليه السلام: كيف كانت ولادة فاطمة عليها السلام؟ قال: . و الصّراط المستقيم: ج 1 ص 170- وإنّ خديجة هجرتها نساء قريش عند ولادتها لأجل تزويجها بها، فتولّى أمرها حواء وآسية و كلثوم أخت موسى و مريم، فلمّا وضعت فاطمة وقعت ساجدة نحو القبلة رافعةً إصبعها ناطقةً بالشّهادتين.

2- الثَّاقِبُ فِي الْمَنَاقِبِ، فِقِيهِ الشَّيْخُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ حَمَزَةَ الطُّوسِيِّ قَدَّسَ سِرَّهُ زَنْدَهُ دَر 556: ص 287 الفِصْل 1 ح 1/244- عن مجاهد، عن ابن عباس، قال: لَمَّا تَزَوَّجَتْ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَجَرَهَا نِسْوَانُ مَكَّةَ، وَكَانَ لَا يَكَلِّمُهَا، وَلَا يَدْخُلُنَ عَلَيْهَا، فَلَمَّا حَمَلَتْ بِالرَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَتْ إِذَا خَرَجَ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ مَنزِلِهَا تَكَلِّمُهَا فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ فِي بَطْنِهَا مِنْ ظِلْمَةِ الْأَحْشَاءِ، وَتَحَدِّثُهَا وَتَوَاسِسُهَا، فَدَخَلَ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ مِنْ تَكَلِّمِينَ؟ قَالَتْ: يَا رَسولَ اللَّهِ، إِنَّ الْجَنِينَ الَّذِي أَنَا حَامِلٌ بِهِ إِذَا أَنَا خَلَوْتُ بِهِ فِي مَنزِلِي كَلَّمَنِي، وَحَدَّثَنِي مِنْ ظِلْمَةِ الْأَحْشَاءِ. فَتَبَسَّمَ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا خَدِيجَةُ، هَذَا أَخِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْبِرُنِي أَنَّهَا ابْنَتِي، وَأَنَّهَا النَّسْمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَسْمِيَهَا فَاطِمَةَ، وَسَيَجْعَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ذُرِّيَّتِهَا أُمَّةً يَهْتَدِي بِهِمُ الْمُؤْمِنُونَ. فَفَرَحَتْ خَدِيجَةُ بِذَلِكَ، فَلَمَّا أَنْ حَضَرَ وَقْتُ وِلادَتِهَا أُرْسِلَتْ إِلَى نِسْوَانِ مَكَّةَ: أَنْ يَتَفَضَّلْنَ وَيَحْضُرْنَ وِلادَتِي لِئَلَيْسَ مِنِّي مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ، فَأُرْسَلْنَ إِلَيْهَا: يَا خَدِيجَةُ! أَنْتِ عَصِيْبَتُنَا، وَلَمْ تَقْبَلِي مَتَا قَوْلُنَا، وَتَزَوَّجْتَ فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ، فَلَسْنَا نَجِيءُ إِلَيْكَ، وَلَا نَلِي مِنْكَ مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ. فَاعْتَمَتِ خَدِيجَةُ رِضِي اللَّهِ عَنْهَا غَمًّا شَدِيدًا، فَيَنْمُو هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِسْوَةِ قُرَيْشٍ، فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: يَا خَدِيجَةُ! لَا تَحْزَنِي فَإِنَّا آسِيَةٌ بِنْتُ مِزَاحِمٍ، وَهَذِهِ صَفِيَّةُ بِنْتُ شَعِيبٍ. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كَلَّمَتْ بِنْتُ عِمْرَانَ أُخْتُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهَذِهِ سَارَةُ زَوْجَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَدْ بَعَثَنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْكَ مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ. وَجَلَسْنَ حَوْلَهَا، وَوَضَعَتْ الرَّهْرَاءُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ طَاهِرَةً وَمُطَهَّرَةً. وَح 245- قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: لَمَّا سَقَطَتْ فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ إِلَى الْأَرْضِ أَزْهَرَتْ الْأَرْضُ، وَأَشْرَقَتِ الْفَلَوَاتُ، وَأَنَارَتِ الْجِبَالُ وَالرَّبَوَاتُ، وَهَبَطَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى الْأَرْضِ، وَنَشَرَتْ أَجْنَحَتِهَا فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَضَرَبَتْ عَلَيْهَا سَرَادِقَاتٍ وَحَجَبَ الْبِهَاءِ، وَكَتَفَتْهَا بِأُظْلَةِ السَّمَاءِ، وَغَشِيَ أَهْلُ مَكَّةَ مَا غَشِيَهُمْ مِنَ النُّورِ، وَدَخَلَ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى خَدِيجَةَ وَقَالَ: يَا خَدِيجَةُ! لَا تَحْزَنِي، إِنَّ كَانَ قَدْ هَجَرَكَ نِسْوَانُ مَكَّةَ وَلَنْ يَدْخُلَنَّ عَلَيْكَ، فَلْيَنْزِلَنَّ عِنْدَكَ الْيَوْمَ نِسْوَانٌ بِهَجَاتٍ عَطْرَاتٍ غَنَجَاتٍ، يَنْقَدِحُ فِي أَعْلَاهُنَّ نُورٌ يَسْتَقْبِلُ اسْتِقْبَالًا وَيَلْتَهَبُ التَّهَابًا، وَتَفُوحُ مِنْهُنَّ رَائِحَةٌ تَسِرُّ أَهْلَ مَكَّةَ جَمِيعًا. فَسَلِّمْتُ الْجَوَارِي فَأَحْسَنَ وَحَيَّيْنَ فَأَبْلَغْنَ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - حَتَّى وَلِيَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْ حَمَلِهَا وَغَسَلَهَا - فِي الطُّشْتِ الَّذِي كَانَ مَعَهُنَّ - وَنَشَفَهَا بِالْمَنْدِيلِ وَتَخَلَّقَهَا وَتَقْمِيطَهَا، فَلَمَّا فَرَّغْنَ عَرَجْنَ إِلَى السَّمَاءِ مَثْنِيَّاتٍ عَلَيْهَا.

یا رسول الله! راستی جنینی که به او حامله شده ام، چون در منزلم با او خلوت کنم با من سخن می گوید، و از تاریکی های شکم با من حرف می زند.

و بسیاری از علمای عامه از رسول الله صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که فرمود:

«أَتَانِي جَبْرِئِيلُ بِنْفَاحَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَكَلْتُهَا وَوَأَقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ، فَقَالَتْ: إِنِّي حَمَلْتُ حَمَلًا خَفِيفًا، فَإِذَا خَرَجْتَ حَدَّثَنِي الَّذِي فِي بَطْنِي. فَلَمَّا أَرَادَتْ أَنْ تَضَعَ بَعَثَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ لِيَأْتِيَنَهَا فَيَلِينَ مِنْهَا مَا يَلِي النِّسَاءَ مِمَّنْ تَلِدُ، فَلَمْ يَفْعَلْنَ، وَفُلْنُ: لَا تَأْتِيكَ، وَقَدْ صِرَتْ زَوْجَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وَآلِهِ) وَسَلَّمَ، فَبَيْنَمَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمَالِ وَالثَّوْرِ مَا لَا يُوصَفُ، فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ: أَنَا أُمُّكِ حَوَاءُ، وَقَالَتِ الْأُخْرَى: أَنَا أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَقَالَتِ الْأُخْرَى: أَنَا كَلْتُمُ إِخْتُ مُوسَى، وَقَالَتِ الْأُخْرَى: أَنَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ أُمَّ عِيسَى، جِئْنَا لِنَلِي مِنْ أَمْرِكِ مَا يَلِي النِّسَاءَ، قَالَتْ: فَوُلِدْتُ فَاطِمَةَ، فَوَقَعَتْ حِينَ وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ سَاحِدَةً رَافِعَةً إصْبَعَهَا» (1).

جبرئیل برایم سیبی را از بهشت آورد، و آن را خوردم و با خدیجه نزدیکی کردم و او به فاطمه باردار شد، در نتیجه گفت: من به بار سبکی باردار شده ام، هنگامی که بیرون می روی درون شکم با من سخن می گوید. سپس چون خواست بار بگذارد (بزاید) به دنبال زنان قریش فرستاد تا نزدش بیایند و در زایمان کمکش کنند، چنان نکردند و گفتند: نزد تو نمی آیم، که زن محمد صلی الله علیه وآله شدی. در همان حال (نگرانی) بود که چهار زن زیبا و نورانی چنان که به وصف نیایند بر او داخل شدند، یکی از آنان گفت: من مادرت حواء هستم، و دیگری

ص: 168

1- سیرة الملاً (وسيلة المتعبدين إلى متابعة سيد المرسلين)، عمر بن محمد بن خضر الإربلي الموصلي، متوفى 570 چاپ حيدر آباد دکن هند، مطبعة دائرة المعارف العثمانية: ج 5 ق 2 ص 211 بنابر آنچه که علامه امینی قدس سره در الغدير: ج 3 ص 34 آورده است. از او: ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى، محب الدين الطبري: ص 44 چاپ مكتبة القدسي مصر- قال: روى الملاً في سيرته أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: أتاني جبرئيل بنفاحة من الجنة، فأكلتها وأقعت خديجة فحملت بفاطمة، فقالت: إنني حملت حملاً خفيفاً، فإذا خرجت حدّثني الذي في بطني. فلما أرادت أن تضع بعثت إلى نساء قريش ليأتيها فيلين منها ما يلي النساء ممن تلد، فلم يفعلن، وقلن: لا تأتيك، وقد صرت زوجة محمد صلى الله عليه وآله وسلم، فبينما هي كذلك إذ دخل عليها أربع نساء عليهن من الجمال والثور ما لا يوصف، فقالت لها إحداهن: أنا أمك حواء، وقالت الأخرى: أنا أسية بنت مزاحم، وقالت الأخرى: أنا كلثم إخت موسى، وقالت الأخرى: أنا مريم بنت عمران أم عيسى، جئنا لنلي من أمرِك ما يلي النساء، قالت: فولدت فاطمة، فوقعت حين وقعت على الأرض ساجدة رافعة إصبعها. از ذخائر العقبي: إشراق الإصباح في مناقب الخمسة الأشباح، إبراهيم بن محمد بن نزار الصنعاني از اعلام قرن 8، نسخه به قلم او در سال 753 در 165 ورق، در یکی از کتاب خانه های شخصی در شهر صنعاء یمن، و نسخه عکس برداری شده از آن در موزه کتاب های خطی عربی موجود است، به کتاب: مصادر الفكر العربي الإسلامي في اليمن صفحه 414 مراجعه شود. در صفحه 130 مانند ذخائر العقبي را آورده است. و فضائل الثقلين، أحمد بن جلال الدين الشافعي الإيجي متوفى 820: ص 441 ح 1215 از طبری در ذخائر العقبي. و ينابيع المودة لذوي القربى: ج 2 ص 134: وعن خديجة رضي الله عنها: ... و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 13، و از وسيلة المأل في عد مناقب الأمل، صفي الدين الحضرمي: ص 77 چاپ المكتبة الظاهرية دمشق، از طريق ملاً مانند ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 25 ص 11 از کتاب توضيح الدلائل: ص 326 نسخه کتاب خانه ملی فارس: از ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 12 از کتاب ينابيع المودة: ص 198 چاپ استانبول. و از کتب عامه: سيّدات نساء أهل الجنة، الشّتاوي:

گفت: من آسیه دختر مزاحم هستم، و دیگری گفت: من کلثم خواهر موسی هستم، و دیگری گفت: منم مریم دختر عمران و مادر عیسی. برای زایمان به کمک شما آمده ایم. (حضرت خدیجه) گفت: سپس فاطمه متولد شد، چون بر زمین افتاد، بلافاصله سجده کنان انگشتش را بالا برده بود (برای گفتن شهادت).

و در خبر دیگری آمده است که حضرت امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام فرمود:

«لَمَّا حَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ حَمَلًا خَفِيًّا تُكَلِّمُنِي مِنْ بَاطِنِي، فَلَمَّا قَرَبْتُ وَلَا دَتِي أُرْسَلْتُ إِلَى الْقَوَائِلِ مِنْ قُرَيْشٍ فَأَبَيْنَ عَلَيَّ لِأَجْلِ مُحَمَّدٍ صَلِي اللَّهُ عَلَيْهِ (وَآلِهِ) وَسَلَّمَ، فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمَالِ وَالنُّورِ مَا لَا يُوصَفُ، فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: أَنَا أُمَّكَ حَوَاءُ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا أَسِيَّةُ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا أُمُّ كُلْثُومٍ أُخْتُ مُوسَى وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا مَرْيَمُ جِئْنَا لِنَلِيَّ أَمْرُكَ» (1).

وقتی که به فاطمه باردار شدم، باری سبک بود و در شکمم با من سخن می گفت. آن گاه که زمان زایمانم نزدیک گردید در پی قابله های قریش فرستادم، به خاطر (ازدواج من با) محمد صلی الله علیه وآله و سلم، از آمدن سرباز زند. در آن حال (نگران) بودم که ناگهان چهار زن زیبا و نورانی چنان که به وصف نیاید داخل شدند، یکی از آنان گفت: من مادرت حواء هستم، و دیگری گفت: من آسیه هستم، و دیگری گفت: من امّ کلثوم خواهر موسی هستم، و دیگری گفت: من مریم هستم آمده ایم تا کار (زایمان) تو را به عهده گیریم.

و شیخ عزّ الدّین عبد السلام شافعی از علمای عامّه می نویسد:

آن گاه که حضرت امّ المؤمنین خدیجه سلام الله علیها به حضرت فاطمه علیها السلام باردار شد، از دل مادر با او سخن می گفت و او از پیامبر

ص: 169

1- نزهة المجالس: ج 2 ص 227 چاپ قاهره، شیخ عبد الرحمان بن عبد السلام الصّفوريّ الشّافعيّ البغداديّ متوفای بعد از سال 884 - قال: قالت أمّها خدیجة رضي الله عنها: لَمَّا حَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ حَمَلًا خَفِيًّا تُكَلِّمُنِي مِنْ بَاطِنِي، فَلَمَّا قَرَبْتُ وَلَا دَتِي أُرْسَلْتُ إِلَى الْقَوَائِلِ مِنْ قُرَيْشٍ فَأَبَيْنَ عَلَيَّ لِأَجْلِ مُحَمَّدٍ صَلِي اللَّهُ عَلَيْهِ (وَآلِهِ) وَسَلَّمَ، فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمَالِ وَالنُّورِ مَا لَا يُوصَفُ، فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: أَنَا أُمَّكَ حَوَاءُ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا أَسِيَّةُ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا أُمُّ كُلْثُومٍ أُخْتُ مُوسَى وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا مَرْيَمُ جِئْنَا لِنَلِيَّ أَمْرُكَ. از او: ملحقات إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل: ج 10 ص 13. و کتاب نزهة المجالس: ج 2 ص 227 چاپ قاهره، شیخ عبد الرحمان الصّفوريّ الشّافعيّ: قال: قالت أمّها خدیجة رضي الله عنها: لَمَّا حَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ حَمَلًا خَفِيًّا تُكَلِّمُنِي مِنْ بَاطِنِي. از او: ملحقات إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل: ج 10 ص 12.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پنهان می کرد، روزی (پیامبر) بر او داخل شد و کسی را با او ندید، از او پرسید با چه کسی سخن می گفت؟ فرمود:

«مَعَ مَا فِي بَطْنِي، فَإِنَّهُ يَتَكَلَّمُ مَعِي».

با آن که در شکم (است سخن می گویم)، که به راستی با من سخن می گوید.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«أَبْشِرِي يَا خَدِيجَةُ! هَذِهِ بِنْتُ، جَعَلَهَا اللَّهُ أُمَّ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ خُلَفَائِي، يَخْرُجُونَ بَعْدِي وَبَعْدَ أَبِيهِمْ».⁽¹⁾

ای خدیجه! بشارت ده که این دختر است، خداوند او را مادر یازده تن از جانشینان من قرار داده است، که پس از من و پدرشان خارج می گردند.

شیخ عبد الله الحنفی متوفای بعد از سال 800 می نویسد:

بعضی از راویان گرامی روایت کرده اند که همانا حضرت خدیجه کبری علیها السلام روزی آرزو کرد که برخی از میوه های بهشت را ببیند، پس جبرئیل دو سیب بهشتی برای رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آورد و گفت:

«يَا مُحَمَّدُ! يَقُولُ لَكَ مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا: كُلُّ وَاحِدَةٍ، وَأَطْعِمِ الْأُخْرَى لِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَاعْشِهَا، فَإِنِّي خَالِقٌ مِنْكُمَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ».

ای محمد! آن (خدایی) که برای هر چیزی قدری قرار داده تورا فرماید: یکی از این دو سیب را بخور، و دیگری را به خدیجه اطعام نما، و با او همبستر شو، همانا من از شما دو تن فاطمه زهراء را خلق می نمایم.

پس رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بنا بر دستور چنان کرد. هنگامی که کافران از آن حضرت معجزه شق القمر (برای صدق ادعای نبوتش) را خواستند و آن زمانی بود که بارداری خدیجه به فاطمه نمایان شده بود، حضرت خدیجه فرمود:

ص: 170

1- ملحقات إحقاق الحق وإزهاق الباطل: ج 10 ص 12 از کتاب تجهيز الجيش: ص 99 مخطوط، حسن بن المولوى أمان الله الدهلويّ العظيم آبادي: قال: ذكر الشيخ عزّ الدّين عبد السلام الشّافعيّ في رسالته مدح الخلفاء الرّاشدين: أنّه لما حملت خديجة بفاطمة كانت تكلمها ما في بطنها وكانت تكتمها عن النبيّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فدخل عليها يوماً ووجدها تتكلم و ليس معها غيرها، فسألها عمّن كانت تخاطبه؟ فقالت: مَعَ مَا فِي بَطْنِي فَإِنَّهُ يَتَكَلَّمُ مَعِي. فقال النبيّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَبْشِرِي يَا خَدِيجَةُ! هَذِهِ بِنْتُ، جَعَلَهَا اللَّهُ أُمَّ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ خُلَفَائِي، يَخْرُجُونَ بَعْدِي وَبَعْدَ أَبِيهِمْ.

«وَأَخْبِيَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّدًا، وَهُوَ خَيْرُ رَسُولٍ وَنَبِيٍّ!».

نا امید و سرافکننده باد آن که محمد را تکذیب کند، حال آن که او بهترین رسول و نبی است.

حضرت فاطمه علیها السلام از شکم مادر بلافاصله ندا داد: «يَا أُمَّاهُ! لَا تَحْزَنِي، وَلَا تَرْهَبِي، فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي».

ای مادر! اندوهگین مباش، و نترس، همانا خداوند حامی پدر من است.

چون مدّت بارداری تمام شد و گذشت، فاطمه را زاد و به نور چهره حضرتش فضا روشن گشت. (1)

رشد جسمی عبد الله بن عبد المطلب

شیخ ابوالحسن احمد بن عبد الله بکری استاد شیخ شهید اول می نویسد: شیوخ و گذشتگان محدث ما برایمان این حدیث را روایت کرده اند:

«... وَ كَانَ عَبْدُ اللَّهِ يَشْبُ فِي الشَّهْرِ مِثْلَمَا يَشْبُ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ، وَ كَانَ النَّاسُ يَرُونَهُ وَيَتَعَجَّبُونَ مِنْ حُسْنِهِ وَ جَمَالِهِ وَ أَنْوَارِهِ...» (2)

... و عبد الله در یک ماه چون رشد دیگران در یک سال بزرگ می شد، و مردم او را می دیدند و در شگفت می شدند از نیکویی و زیبایی و انوار او، ...

رشد جسمی رسول الله صلی الله علیه و آله

دایه رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت حلیمه سعدیه رضی الله عنها فرمود:

«كَانَ يَشْبُ الْيَوْمَ شَبَابَ الصَّبِيِّ فِي الشَّهْرِ، فَبَلَغَ سِتًّا وَ هُوَ جَفْرٌ» (3)

رشد (رسول الله در کودکی) در هر روز مانند رشد یک ماه بچه ها بود، در نتیجه در شش ماهگی نیرومند بود.

دایه رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت حلیمه سعدیه رضی الله عنها فرمود:

ص: 171

1- ملحقات إحقاق الحق: ج4 ص 475 از کتاب الرقائق معروف به الإخائيات، شیخ عبد الله الحنفی متوفای بعد از سال 800، ص 250 خطی، گوید: و روي عن بعض الرواة الكرام أنّ خديجة الكبرى عليها السلام تمت يوماً من الأيام على سيد الأنام أن تنظر إلى بعض فاكهة دار السلام فجاء جبرئيل إلى المفضل على الكونين بتفاحتين وقال: يا مُحَمَّدُ! يقول لك من جعل لكل شيءٍ قدرًا: كُلْ وَاحِدَةً، وَ أَطْعِمِ الْآخَرَ لِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَ اغْشِهَا، فَإِنِّي خَالِقُ مِنْكُمْ فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ. ففعل المختار ما أشار به الأمين و أمره، فلما سأله الكفار أن يريهم انشقاق القمر، وقد بان لخديجة حملها بفاطمة و ظهر، قالت خديجة: وا خَبِيَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّدًا، وَ هُوَ خَيْرُ رَسُولٍ وَ نَبِيٍّ! فَنادت فَاطِمَةَ مِنْ بَطْنِهَا: يَا أُمَّاهُ! لَا تَحْزَنِي، وَلَا تَرْهَبِي، فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي. فلما تمت أيام حملها و انقضت، وضعت فاطمة فأشرق بنور وجهها الفضاء. و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 13 از كتاب الرّوض الفائق، شيخ شعيب أو مدين بن سعد المصري العمراوي الحريش: ص 214 چاپ

خانہ المصطفیٰ البابی الحلبي در قاهرہ گوید: فلما سأله الكفار أن يريهم انشقاق القمر وقد بان لخديجة حملها بفاطمة و ظهر قالت خديجة: وا حَيِّةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّدًا، وَ هُوَ خَيْرُ رَسُولٍ وَ نَبِيٍّ! فَتَادَتْ فَاطِمَةَ مِنْ بَطْنِهَا: يَا أُمَّةَ! لَا تَحْزَنِي، وَ لَا تَرْهَبِي، فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي. فلما تم أمد حملها و انتضى، وضعت فاطمة، فأشرق بنور وجهها الفضاء.

2- الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار صلى الله عليه و آله: ص 83 الجزء 4 - حدثنا أسياننا و أسلافنا الرواة لهذا الحديث -

3- الفائق في غريب الحديث: ج 1 ص 192 قالت حليلة رضي الله عنها التي أرضعته صلى الله عليه و آله و سلم: كان يشب اليوم شباب الصبي في الشهر، فبلغ ستاً و هو جفراً. و النهاية في غريب الحديث و الأثر: ج 1 ص 277 في حديث حليلة ظئر النبي صلى الله عليه و آله و سلم قالت: ... و لسان العرب: ج 4 ص 142 و تاج العروس من جواهر القاموس: ج 6 ص 203 و بحار الأنوار: ج 15 ص 369 ب 4.

«... وَ شَبَّ شَبَاباً مُسْرِعاً، وَ كَانَ يُمَسِّي صَدِّغِيّاً وَ يُصْبِحُ كَبِيْرًا. وَ كَانَ يَزِيْدُ فِي الْيَوْمِ مِثْلَ مَا يَزِيْدُ غَيْرُهُ فِي الشَّهْرِ، وَ يَشِبُّ فِي الشَّهْرِ مِثْلَ مَا يَزِيْدُ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ. قَالَتْ: فَلَمَّا كَبُرَ وَ نَشَأَ لَمْ يَكُنْ فِي زَمَانِهِ أَكْثَرَ مِنْهُ حُسْنًا وَ جَمَالًا...» (1).

... شتابان به نوجوانی رسید، شب کوچک بود و صبح بزرگ شده بود و در یک روز مانند یک ماه دیگران، رشد می کرد. و در یک ماه مانند یک سال دیگران بزرگ می شد. گوید: چون بزرگ شد و رشد نمود، هیچ کس در زمان او، در نیکویی و زیبایی از او بیش نبود....

شیخ ابو الحسن احمد بن عبد الله بکری استاد شیخ شهید اول می نویسد: شیوخ و گذشتگان ما برایمان این حدیث ها را روایت کرده اند که:

أَنَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ... وَ قَدْ كَانَ يَشِبُّ فِي الْيَوْمِ مَا شَبَّ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ وَ يَنْمُو، فَتَعَجَّبَ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ ذَلِكَ وَ حُسْنِهِ وَ جَمَالِهِ، ... (2).

همانا رسول الله (صلی الله علیه و آله) ... در یک روز چنان رشد می کرد که غیر او در یک سال بزرگ می شد و نمو می کرد، در نتیجه اهل مکه از آن و از نیکویی و جمالش شگفت زده می شدند، ...

حکایت ولادت و رشد جسمانی و ... حجة بن الحسن المهدي عجل الله فرجه

نسیم و ماریه دو خدمت کار امام حسن زکّی عسکری علیه السلام گفتند:

همانا آن گاه که صاحب الزّمان علیه السلام زاده شد با دوزانوش افتاد، و انگشت سبّابه اش را به سوی آسمان بلند کرد، و عطسه نمود و فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، عَبْدًا دَاخِرًا لِلَّهِ (مِنْ عَبْدٍ دَاخِرٍ لِلَّهِ) غَيْرِ مُسْتَكْفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ (وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ).

ص: 172

1- الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار صلى الله عليه و آله: ص 206.

2- بحار الأنوار: ج 15 ص 371 - 383 ب ح 20: أقول: قال أبو الحسن البكري في كتاب الأنوار: ... و الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار صلى الله عليه و آله: ص 219 الجزء 7: «... وَ كَانَ يَشِبُّ وَ يَنْمُو وَ قَدْ تَعَجَّبَ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ حُسْنِهِ وَ جَمَالِهِ وَ قَدِّهِ وَ إِعْتِدَالِهِ، ...».

«رَعِمَتِ الظَّلْمَةُ أَنْ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ، وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ» (1).

ستمگران، گمان می کنند که حجّت خدا از بین خواهد رفت، و اگر اجازه یابیم که سخن بگوییم، هر آینه شک از میان می رود.

و گزیده ای از متن روایات بسیاری از حکیمه خاتون دختر گرامی امام محمد جواد علیه السلام در حکایت ولادت اعلی حضرت ولی عصر حجة بن الحسن المهدی علیه السلام و عجل الله فرجه:

... امام زمان حجة بن الحسن المهدی علیه السلام و عجل الله فرجه الشریف در سحرگاه جمعه پانزدهم ماه شعبان سال 255 قمری به دنیا اجلال نزول فرمود، و حکیمه خاتون به امر امام حسن زکی عسکری علیه السلام برای کمک به زایمان در خدمت حضرت نجس (سوسن) خاتون والده مکرمه امام زمان علیهما السلام که دست پرورده و زاده شده در خانه حکیمه خاتون بود، آماده کمک به او بود، و خود شاهد عجایب آن چه که در آن شب گذشت قرار گرفت، وی حکایت می کند که: ... تا سحرگاه آثار زایمان هویدا نبود و امام در پاسخ اظهار تعجب من فرمود:

«إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَوْصِيَاءِ لَا نُحْمَلُ فِي الْبُطُونِ، وَإِنَّمَا نُحْمَلُ فِي الْجَنُوبِ، وَلَا نُخْرَجُ مِنَ الْأَرْحَامِ، وَإِنَّمَا نُخْرَجُ مِنَ الْفَخْرِذِ الْأَيْمَنِ مِنَ أُمَّهَاتِنَا، لِأَنَّ نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا تَنَالُهُ الدَّنَاسَاتُ».

... همانا ما اوصیاء، در شکم (مادران) حمل نمی شویم، و تنها در پهلوها حمل می شویم (و نه جای دیگری)، و از رحمها (ی مادران خارج نمی شویم، و تنها از ران راست مادران مان خارج می شویم، زیرا که ما نور الله هستیم که آلودگی ها

ص: 173

1- إثبات الوصية: ص 260- حدیثی نسیم و ماریه قالتا: لَمَّا خَرَجَ صَاحِبُ الزَّمانِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جَائِئاً عَلَى رُكْبَتَيْهِ، رَافِعاً سَبَابَتَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ، ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مِنْ عَبْدٍ دَاخِرٍ لِلَّهِ، غَيْرِ مُسْتَكْبِرٍ وَ لَا مُسْتَكْبَرٍ ثُمَّ قَالَ: رَعِمَتِ الظَّلْمَةُ أَنْ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ، وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ. و کمال الدین و تمام النعمة: ج 2 ص 430 ب 42 ح 5 و الهدایة الكبرى: ص 357 و الغیبة، الشیخ الطوسی: ص 245 الفصل 2 و کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة: ج 2 ص 498 ب 25 و الثّاقب فی المناقب، ص 584 الفصل 1 ح 532 و ألقاب الرّسول و عترته: ص 287 والخرائج و الجرائح: ج 1 ص 457 ب 13 ح 2.

و چون نزدیک طلوع فجر شد به امر امام شروع به قرائت سوره قدر کردم و آن فرزند از درون مادر با من قرائت می فرمود و بر من سلام کرد، ترسیدم و امام حسن علیه السلام فرمود:

«لَا تَعْجَبِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُنْطِقُنَا بِالْحِكْمَةِ صِغَارًا، وَيَجْعَلُنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ كِبَارًا».

از امر خدای عزوجل تعجب نکن، زیرا خدای تبارک و تعالی از کودکی ما را به حکمت گویا کند، و در بزرگی ما را حجت خود در زمین سازد.

و به ناگاه دیدم که میان من و نرجس خاتون گویی پرده ای قرار گرفت و از دیدگانم پنهان شد، پس فریاد کنان نزد امام علیه السلام رفتم که او فرمود: ای عمه! بازگرد او را در جایش می بینی، بازگشتم و چیزی نگذشت که پرده کنار رفت و او را پوشیده از نوری دیدم که چشمم را تار می کند و خانه نیز پر از نور گردید و آن فرزند را چون پاره ماهی دیدم که بر بازوی راستش این آیه نوشته شده بود:

«جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (1).

حق آمد و باطل نابود شد که قطعاً باطل نابود شدنی است. و دیدم که او در حال سجده رو به قبله است و مواضع سجده را بر زمین نهاده و (دو) انگشت سبابه را بلند کرده و با تصریح می فرماید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّ أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، (وَعَلَيَّ حُجَّةُ اللَّهِ).

پس امامان را یک یک نام برد و بر آنان صلوات فرستاد تا این که به خودش رسید و فرمود:

«اللَّهُمَّ! أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي، وَتَبِّتْ وَطْأَتِي، وَإِمْلَأْ

الأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا».

الهاها! آن چه به من وعده فرمودی برایم محقق ساز، و امر مرا به انجام رسان، و گامم را استوار ساز، و زمین را به واسطه من پر از عدل و داد گردان.

او را پاک و پاکیزه و متضرع یافتم، در آغوش گرفتم، و به فرموده امام نزد او بردم و او با دو دست خویش او را گرفت و در گوشش نجوی کرد و زبان خود را در کامش نهاد و دست خود را بر کمر و مفاصل و گوشش کشید، و صورت و دستها و پاهایش را بوسه زد، حضرتش عطسه ای کرد، و امام حسن علیه السلام به او فرمود:

پسرم! به اذن الله (به قدرت الله) سخن بگو، فرمود:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا».

و امامان را یک به یک نام برد تا این که به خودش رسید و بر دستان امام حسن برای فرج شیعیانش دعا کرد.

به او فرمود: بخوان: او آغاز به قرائت قرآن از اول تا آخرش نمود...

امام به من فرمود: روز هفتم نزد ما بیا، و روز هفتم به خانه امام رفتم و حضرتش فرمود: فرزندم را نزدم بیاور، و چون آوردم با او همان کرد که در روز ولادتش کرد، سپس فرمود: ای پسرم سخن بگو: پس فرمود:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنِ، وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيَّ بْنِ

ص: 175

الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ...».

و بر بازوی راست او این آیه نوشته شده بود:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا».

و امام حسن علیه السلام به او فرمود:

پسرم! آن چه را خداوند بر پیامبران و فرستادگان نازل فرمود، بخوان.

او از صحف شیث نبی و ابراهیم به زبان سریانی شروع کرد و هم چنین صحف ادیس و نوح و صالح و تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن جدش رسول الله صلی الله علیه و آله را از اول تا آخرش قرائت کرد، و قصه انبیاء و مرسلین را تا زمان

خودش حکایت فرمود.

و پس از چهل روز داخل خانه امام ابو محمد علیه السلام شدم به ناگاه مولایم امام زمان علیه السلام را دیدم که در خانه راه می رود، نیکوتر از چهره او ندیده ام و شیواتر از سخن او و نوایی نیکوتر از نوایش نشنیده ام. امام حسن علیه السلام فرمود:

«هَذَا الْمَوْلُودُ الْكَرِيمُ عَلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَلَا».

این همان مولودی است که بر الله عزوجل گرامی است. عرضه داشتم: ای سید و مولایم! آیا امر او را چون من می بینید، (چون) فرزند دو ساله است حال آن که چهل روز دارد؟! در جواب از تعجب من لبخندی زد و فرمود:

يَا عَمَّتِي! أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَا مَعَاشِرَ الْأَوْصِيَاءِ نَشَأُ فِي الْيَوْمِ مِثْلَ مَا يَنْشَأُ غَيْرُنَا فِي الْجُمُعَةِ، وَ نَشَأُ فِي الْجُمُعَةِ مِثْلَ مَا يَنْشَأُ غَيْرُنَا فِي الشَّهْرِ، وَ نَشَأُ فِي الشَّهْرِ مِثْلَ مَا يَنْشَأُ غَيْرُنَا فِي السَّنَةِ؟.

ص: 176

ای عمه ام! آیا ندانستی ما اوصیاء در یک روز برابر رشد یک هفته دیگران رشد می کنیم، و نمو ما در یک هفته، چون رشد یک ماه دیگران است، و رشد ما در یک ماه مانند رشد دیگران در یک سال است؟! ...

«إِنَّ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِذَا كَانُوا أَيْمَةً يَنْشُدُّونَ بِخِلَافِ مَا يَنْشَأُ غَيْرُهُمْ، وَإِنَّ الصَّبِيَّ مِنَّا إِذَا كَانَ أَتَى عَلَيْهِ شَهْرٌ كَانَ كَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ سَنَةٌ، وَإِنَّ الصَّبِيَّ مِنَّا لَيَتَكَلَّمُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ، وَيَعْبُدُ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَعِنْدَ الرِّضَاعِ تُطِيعُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَنْزِلُ عَلَيْهِ صَبَاحًا وَمَسَاءً».

همانا فرزندان انبیاء و اوصیاء اگر مقام امامت داشته باشند بر خلاف دیگران نشو و نما دارند، و همانا کودک ما در یک ماه چون کودک یک ساله باشد، و همانا کودک ما در شکم مادر سخن می گوید و قرآن می خواند، و پروردگار عزوجل خود را عبادت کند، و فرشتگان در شیرخوارگی اش از او فرمان برند، و صبح و شام بر او نازل شوند.

برخاستم و سر حضرت (مهدی) را بوسیدم و رفتم... او را هر چهل روز می دیدم تا چند روز قبل از شهادت امام حسن علیه السلام او را جوان مردی دیدم و نشناختم، به امام حسن علیه السلام عرض کردم: این شخص کیست که مرا امر می فرماید رویه رویش بنشینم؟! فرمود: این پسر نرجس است، و این خلیفه و جانشین من پس از من است... (1)

از مجموع این روایات و احادیث شریف درباره ولادت اعلی حضرت ولی عصر حجة بن الحسن المهدی علیه السلام و عجل الله فرجه مطالبی به دست آمد:

1- اوصیاء علیهم السلام در پهلوی مادران قرار می گیرند و نه در شکم، لذا برای دیگران

ص: 177

1- در این جا تنها به ذکر آدرس اهم منابع کفایت می شود و از ذکر سند آن ها و متن کامل روایات به جهت این که حجم زیادی از کتاب را می گیرد اجتناب شده است: العدد القویة: ص 72 و کمال الدین و تمام النعمة: ج 2 ص 424 و 425 ب 42 ح 1 و روضة الواعظین: ج 2 ص 256 و إعلام الوری: ج 2 ص 215 الفصل 2 و منتخب الأنوار المضية: ص 59 و بحار الأنوار ج 51 ص 2 ب 1 ح 3 و إثبات الوصیة: ص 257-260 و عیون المعجزات: 138 - 141 و الغیبة، الشیخ الطوسی: ص 239 و کمال الدین و تمام النعمة: ج 2 ص 426-428 ب ح 2 و روضة الواعظین: ج 2 ص 257 - 259 و الثاقب فی المناقب، ص 201 ح 7/178 و الصراط المستقیم: ج 2 ص 234 الفصل 3 و بحار الأنوار: ج 51 ص 11 - 13 ب 1 ح 14 و الخرائج و الجرائح: ج 1 ص 455 ب 13 ح 1 و كشف الغمة: ج 2 ص 498 و الغیبة، الشیخ الطوسی: ص 230 و 237 و 238 و دلائل الإمامة: ص 497 ح 489 و 93 و دلائل الإمامة: ص 499 ح 490 ح 94 و ألقاب الرسول و عترته ضمن (مجموعه نفیسة فی تاریخ الأئمة علیهم السلام): ص 212 - 213 ب 13 و الهدایة الکبری: ص 355 مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر: ج 8 ص 20 إلى 26 ح 7/2663 و ... و در کتب عامه: ملحقات إحقاق الحق: ج 13 ص 95 و 96 - از شواهد التوبة: ص 21 چاپ بغداد و از وسیلة التجارة (ص 417 چاپ گلشن فیض لکهنو) و از ینابیع المودة ص 387 چاپ استانبول از فصل الخطاب.

نمایان و محسوس نیستند.

2- اوصیاء علیهم السّلام در دوران جنینی می شنوند و سخن می گویند.

3- اوصیاء علیهم السّلام در دوران جنینی تلاوت آیات قرآن و عبادت الله می نمایند.

4- و از رحم مادران خارج نمی شوند بلکه از ران راست آنان خارج می شوند، و چون نور الله هستند لذا آلوده به ناپاکی ها نمی شوند و پاک و پاکیزه به دنیا می آیند.

5- هنگام ولادت سجده کنان به دنیا می آیند و مواضع سجده را بر زمین می گذارند، و انگشت اشاره را به آسمان به تصریح بلند می کنند، شهادت را بر زبان جاری می نمایند، و اوصیاء را نام می برند.

6- از ویژگی های آنان است که رشد جسمشان پس از ولادت چندین برابر دیگران است.

7- و پس از ولادت بدون آن که درس خوانده باشند، دانای به کتاب های آسمانی از آغاز تا قرآن هستند و آن ها را تلاوت می کنند.

8- و امام زمان علیه السّلام از صحف شیث نبی و ابراهیم به زبان سریانی، و صحف ادریس و نوح و هود و صالح و تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین از آغاز تا آخر آن را قرائت فرمود، سپس ماجرای انبیاء و مرسلین تا زمان خودش را حکایت نمود.

و سایر ائمه معصومین علیهم السّلام نیز چنین بودند، و صدیقه طاهره فاطمه الزّهراء صلوات الله وسلامه علیها نیز سجده کنان به دنیا آمد و انگشت خود را بالا برد و شهادت را فرمود:

(... ساجدة رافعة إصبعها...) (1)

... سجده کنان، انگشت خود را (برای شهادت) بالا برد...

و نیز رشد جسمانی ایشان، به همان ترتیب بوده است:

ص: 178

1- سیرة الملائ (وسيلة المتعبدين إلى متابعة سيد المرسلين)، عمر بن محمد بن خضر الإربلي الموصلي، متوفى 570 چاپ حيدر آباد دکن هند، مطبعة دائرة المعارف العثمانية: ج 5 ق 2 ص 211 بنابر آنچه که علامه امینی قدس سره در الغدير: ج 3 ص 34 آورده است. از او: ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى، محب الدين الطبري: ص 44 چاپ مكتبة القدسي مصر- قال: روى الملا في سيرته أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: أتاني جبريل بنفحة من الجنة، فأكلتها وواقعت حديجة فحملت بفاطمة، فقالت: إني حملت حملاً خفيفاً، فإذا خرجت حدّثني الذي في بطني. فلما أرادت أن تضع بعثت إلى نساء قريش ليأتينها فيلين منها ما يلي النساء ممن تلد، فلم يفعلن، وقلن: لا نأتيك، وقد صيرت زوجة محمد صلى الله عليه وآله وسلم، فبينما هي كذلك إذ دخل عليها أربع نسوة عليهن من الجمال والنور ما لا يوصف، فقالت لهما إحداهن: أنا أمك حواء، وقالت الأخرى: أنا أسية بنت مزاحم، وقالت الأخرى: أنا كلثم إخت

موسى، وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ أُمِّ عِيسَى، جِئْنَا لِنَلِي مِنْ أَمْرِكِ مَا يَلِي النِّسَاءَ، قَالَتْ: فَوَلَدْتُ فَاطِمَةَ، فَوَقَعْتُ حِينَ وَقَعَتْ عَلَيَّ الْأَرْضِ سَاجِدَةً رَافِعَةً إِصْبَاحَهَا. از ذخائر العقبي: إشراق الإصباح في مناقب الخمسة الأشباح، إبراهيم بن محمد بن نزار الصنعاني از اعلام قرن 8، نسخه به قلم او در سال 753 در 165 ورق، در یکی از کتاب خانه های شخصی در شهر صنعاء یمن، و نسخه عکس برداری شده از آن در موزه کتاب های خطی عربی موجود است، به کتاب: مصادر الفكر العربي الإسلامي في اليمن صفحه 414 مراجعه شود. در صفحه 130 مانند ذخائر العقبي را آورده است. و فضائل الثقلين، أحمد بن جلال الدين الشافعي الإيجي متوفای 820: ص 441 ح 1215 از طبری در ذخائر العقبي. و ینابیع المودّة لذوي القربى: ج 2 ص 134: وعن خديجة رضي الله عنها: ... و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 13، و از وسیلة المآل في عدّ مناقب الآل، صفیّ الدّین الحضرمی: ص 77 چاپ المكتبة الظاهرية دمشق، از طریق ملاً مانند ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 25 ص 11 از کتاب توضیح الدلائل: ص 326 نسخه کتاب خانه ملی فارس: از ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 12 از کتاب ینابیع المودّة: ص 198 چاپ استانبول. و سیّدات نساء أهل الجنّة، الشّتاوی: ص 99 چاپ مكتبة التراث الإسلامي - القاهرة.

«... وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنْمُو فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنْمُو الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ، وَ تَنْمُو فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنْمُو فِي السَّنَةِ» (1).

... فاطمه عليها السلام در یک روز چونان یک ماه پسر بچه رشد می کرد و در یک ماه چنان که پسر بچه در یک سال رشد می نمود.

برهان 65- فاطمه، بهترین اهل زمین

یکی دیگر از شرایط امامت اعلم بودن و افضل بودن اوست و این هر دو در وجود گرامی فاطمه زهرا سلام الله عليها است چنانچه رسول الله صلی الله علیه و آله در حدیثی خطاب به عبد الرحمن بن عوف لعنه الله فرمودند:

«...، وَ لَوْ كَانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكَانَتْ فَاطِمَةَ، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ، إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِبْتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا» (2).

... اگر (تمامی) نیکویی، شخصیتی می داشت هر آینه فاطمه بود، بلکه او بزرگ تر است، همانا دخترم فاطمه عليها السلام در جوهر و شرافت و کرامت (ذاتی)، بهترین شخص اهل به زمین است.

بنابراین کمالات همه در جوهر و شئون و صفات اوست.

هم چنین است خلافت کلیه الهیه (3) و مقام شاهد بر خلق بودن (4) که هر دو این ها نیز بنابر نصّ وحی، در فاطمه زهرا سلام الله عليها گرد آمده است.

برهان 66 الی 69- همانند رسول الله و امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما؛ شاهد در آفرینش و اعمال خلق است اطاعتش بر همه فرض است تفویض امر خلق به او شده است ولایت در تشریح دارد

محمد بن سنان گوید: نزد امام محمد تقی علیه السلام بودم و از اختلاف شیعه یاد کردم،

ص: 179

1- متن کامل حدیث و منابع آن پیش تر از الامالی صدوق و غیر آن گذشت، مراجعه شود.

2- مائة منقبة: ص 135- به سند متصل خود، از ابن عباس گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به عبد الرحمن بن عوف (لعنة الله علیه): «يَا عَبْدَ الرَّحْمَانِ! أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَمَنْ قَاسَهُ بِغَيْرِهِ فَقَدْ جَفَانِي، وَ مَنْ جَفَانِي [فَقَدْ] آذَانِي، وَ مَنْ آذَانِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ رَبِّي. يَا عَبْدَ الرَّحْمَانِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ كِتَابًا مُبِينًا، وَ أَمَرَنِي أَنْ أُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ، مَا خَلَا عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّهُ يَسْتَعْنِي عَنِ الْبَيَانِ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ فَصَاحَتَهُ كَفَصَاحَتِي، وَ دِرَايَتَهُ كَدِرَايَتِي، وَ لَوْ كَانَ الْجَلْمُ رَجُلًا لَكَانَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لَوْ كَانَ الْفَضْلُ شَخْصًا لَكَانَ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لَوْ كَانَ الْحَيَاءُ صُورَةً لَكَانَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لَوْ كَانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكَانَتْ فَاطِمَةَ، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ، إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِبْتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا». از او: مقتل الحسين عليه السلام خوارزمی: ج 1 ص 60، و فراند السّمطين: ج 2 ص 68 ح 392 از خوارزمی. و ملحقات إحقاق الحق: ج 15 ص 133 ح 3 از کتاب مودة القربى: ص 118 چاپ لاهور سيد علي همداني حسيني به سند خود از ابن عباس مانند آن با اختلافی اندک.

3- الكافي: ج 1 ص 198 ح 1 و تحف العقول، ص 436 و الغيبة، النعماني: ص 216 ب 13 ح 6 و الامالي، ابن بابويه: ص 674 مجلس 97 ح 1 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 216 ب 20 ح 1 و كمال الدين: ج 2 ص 675 ب 58 ح 32 و معاني الأخبار: ص 96 ح 2

4- سورة (2) آيه 144: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...». و سورة (4) النساء آيه 42: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا...». و سورة (13) الرعد آيه 44: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ...». و سورة (19) النحل آيه 85: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ...». و سورة (16) النحل آيه 90: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ...». و سورة (22) الحج آيه 79: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...». و سورة (28) القصص آيه 76: «وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ...».

«يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزَلْ مُتَّفِرِّدًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ، فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا، وَأَجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا، وَفَوَّضَ أُمُورَهَا إِلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحِلُّونَ مَا يَشَاءُونَ، وَيُحَرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ، وَلَنْ يَشَاءُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! هَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مِنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُحِقٌّ، وَمَنْ لَزِمَهَا لِحِقٌّ، خُذْهَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ» (1).

ای محمد! همانا خدای تبارک و تعالی پیوسته به یگانگی خود یکتا بود (جز او نبود) سپس محمد و علی و فاطمه را آفرید، آن ها هزار دوران بماندند، سپس سایر اشیاء را آفرید. و ایشان را بر آفرینش آن ها شاهد قرار داد، و اطاعت ایشان را در میان آفریدگان جاری ساخت (یعنی بر آن ها واجب کرد)، و امور آفریدگان را به ایشان واگذاشت. پس ایشان هر چه را خواهند حلال کنند، و هر چه را خواهند حرام سازند، حال آن که هرگز جز آن چه خدای تبارک و تعالی خواهد، نخواهند. سپس فرمود: ای محمد! این است آن دیانتی که هر که از آن جلو رود (غلو کنند، از دایره اسلام) بیرون رفته، و هر که عقب بماند نابود گشته [و دینش را باطل کرده]، و هر که به آن بچسبد، به حق رسیده است. ای محمد! همواره ملازم این دیانت باش.

این حدیث شریف در کتاب «ریاض الجنان»، فضل الله بن محمود الفارسی نیز با اضافاتی بسیار مهم روایت شده، که جویندگان را به پی نوشت ارجاع می دهم.

نتایج این حدیث شریف:

حضرت فاطمه علیها السلام خلقت نوری و ویژه ای دارند

ص: 180

1- الکافی: ج 1 ص 441 ح 5 - الحسين بن محمد الأشعري، عن معلى بن محمد، عن أبي الفضل عبد الله بن إدريس، عن محمد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر الثاني عليه السلام فأجريت اختلاف الشيعة فقال: يا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزَلْ مُتَّفِرِّدًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ، فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا، وَأَجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا، وَفَوَّضَ أُمُورَهَا إِلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحِلُّونَ مَا يَشَاءُونَ، وَيُحَرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ، وَلَنْ يَشَاءُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! هَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مِنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُحِقٌّ، وَمَنْ لَزِمَهَا لِحِقٌّ، خُذْهَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ. و مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام: ص 63- وعن محمد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر الثاني عليه السلام فذكرت اختلاف الشيعة فقال: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَزَلْ فَرْدًا فِي وَحْدَانِيَّتِهِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ وَأَشْهَدَهُمَا خَلْقَهَا، وَأَجْرَى عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُمْ، وَجَعَلَ فِيهِمْ مِنْهُ مَا شَاءَ، وَفَوَّضَ أَمْرَ الْأَشْيَاءِ إِلَيْهِمْ، مَدًّا مِنْهُ عَلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحِلُّونَ مَا شَاءُوا، وَيُحَرِّمُونَ مَا شَاءُوا، وَلَا يَفْعَلُونَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، فَهَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مِنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا مُحِقٌّ، خُذْهَا يَا مُحَمَّدُ! فَإِنَّهَا مِنْ مَخْرُوفِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونِهِ. و بحار الأنوار: ج 25 ص 339 ح 21 - من كتاب رياض الجنان، لفضل الله بن محمود الفارسي: بالإسناد، عن محمد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر عليه السلام فذكرت اختلاف الشيعة فقال: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَزَلْ فَرْدًا فِي الْوَحْدَانِيَّةِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ، وَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا، وَأَجْرَى عَلَيْهَا طَاعَتَهُمْ، وَجَعَلَ فِيهِمْ مَا شَاءَ، وَفَوَّضَ أَمْرَ الْأَشْيَاءِ إِلَيْهِمْ فِي الْحُكْمِ وَ النَّصْرِفِ وَ الْإِرْشَادِ وَ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ فِي الْخَلْقِ، لِأَنَّهُمْ الْوَلَاةُ، فَلَهُمُ الْأَمْرُ وَ الْوَلَايَةُ وَ الْهِدَايَةُ، فَهُمْ أَبَوَاءُ، وَ نُوَابِئُهُ، وَ حُجَابُهُ، يُحِلُّونَ مَا شَاءَ، وَيُحَرِّمُونَ مَا شَاءَ، وَلَا يَفْعَلُونَ إِلَّا مَا شَاءَ، عِبَادٌ مُكْرَمُونَ لَا يَسْتَبْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، فَهَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مِنْ تَقَدَّمَهَا غَرِقٌ فِي بَحْرِ الْإِفْرَاطِ، وَ مَنْ تَقَصَّ هُمْ عَنْ هَذِهِ الْمَرَاتِبِ الَّتِي

رَتَّبَهُمُ اللَّهُ فِيهَا زَهَقَ فِي بَرِّ التَّغْرِيطِ، وَلَمْ يُؤَفِّ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ فِيمَا يَجِبُ عَلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ مَعْرِفَتِهِمْ. ثُمَّ قَالَ: خُذْهَا يَا مُحَمَّدُ! فَإِنَّهَا مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونِهِ.

همراه با رسول الله و امیر المؤمنین، مخلوق نخست هستند

همه آفریدگان، در همه عوالم نسبت به نور ایشان در خلق متأخر هستند

همه آفریدگان، در همه عوالم نسبت به نور ایشان در رتبه متأخر هستند

شاهد خلقت آفریدگان هستند

و شاهد اعمال آفریدگان هستند.

ص: 181

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَ
عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ (تُمْكِّنَهُ) فِيهَا طَوِيلًا

ص: 182

در ماجرای ازدواج امیر المؤمنین با حضرت فاطمه علیهما السلام در آسمان ها، ذات احدیت در پاسخ به سؤال فرشته ای که خطبه عقد آنان را در آسمان خواند درباره برکتی که خداوند برای آنان قرار داده چنین فرمود:

«... يَا رَاحِلُ! إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنْ - أَنِّي - أَجْمَعُهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي، وَأَجْعَلُهُمَا حُجَّةً - حُجَّتِي - عَلَى خَلْقِي، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَخْلُقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا، وَلَا تُشَانَنَّ مِنْهُمَا (فيهما) ذُرِّيَّةٌ (مباركة طاهرة)، أَجْعَلُهُمْ خُرَّانِي فِي أَرْضِي، وَمَعَادِنَ لِعِلْمِي (لِحُكْمِي)، وَدُعَاءَ إِلَى دِينِي، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ...» (1).

... ای راحیل، از جمله برکت بیشتری که از جانب خویش به آن دو می دهم، این است که آنان را بر اساس محبت خود جمع می نمایم، و آنان را حجت (خود) بر آفریدگانم قرار می دهم. به عزت و جلالم سوگند، مخلوق از آنان به وجود می آورم، و از آن دو (و در آن دو)، نسلی (با برکت و پاکیزه) ایجاد می کنم که خزانه داران من در زمین، و معادن علم من (حکم من)، و دعوت کنندگان (خلق) به سوی دین من خواهند بود، و بعد از پیامبران و رسولان، به وسیله آنان بر خلق اتمام حجت خواهم نمود... .

ص: 185

1- الأمالی، الصدوق: ص 558 إلى 560 المجلس 83 ح 1- حدّثنا الشیخ الفقیه أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمّی رحمه الله قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید رضوان الله علیه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن سلمة بن الخطاب البراوستانی، عن إبراهيم بن مقاتل قال: حدّثني حامد بن محمد، عن عمرو بن هارون، عن الصادق، عن أبيه، عن ابائه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: لقد هممت بتزويج فاطمة عليها السلام ابنة محمد صلى الله عليه وآله حيناً ولم أتجرأ أن أذكر ذلك للنبي صلى الله عليه وآله وإن ذلك اختلج في صدري ليلى ونهاري، ... فقال راحيل الملك: يا رب! وما برکتك فيهما بأكثر مما رأينا لهما في جنانك ودارك؟ فقال عز وجل: يَا رَاحِلُ! إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنْ أَجْمَعُهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي، وَأَجْعَلُهُمَا حُجَّةً عَلَى خَلْقِي، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَخْلُقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا، وَلَا تُشَانَنَّ مِنْهُمَا ذُرِّيَّةٌ، أَجْعَلُهُمْ خُرَّانِي فِي أَرْضِي، وَمَعَادِنَ لِعِلْمِي، وَدُعَاءَ إِلَى دِينِي، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، و عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 222 إلى 50 ب 21 ح 1- حدّثنا أبو الحسن محمد بن علی بن الشاه بمرورود قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن المظفر بن الحسين قال: حدّثنا أبو عبد الله محمد بن زكريا البصري قال: حدّثني المهدي بن سابق قال: حدّثنا علي بن موسى بن جعفر عليه السلام قال: حدّثني أبي، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال: قال علي بن أبي طالب عليه السلام: لقد هممت بالتزويج فلم أتجرأ أن أذكر ذلك لرسول الله صلى الله عليه وآله، وإن ذلك اختلج في صدري ليلى ونهاري، ... فقال راحيل: يا رب! وما برکتك عليهما بأكثر مما رأينا لهما في جنانك ودارك (و دار كرامتي - خ ل)؟ فقال الله عز وجل: يَا رَاحِلُ! إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنِّي أَجْمَعُهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي [مَحَبَّتِي]، وَأَجْعَلُهُمَا حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَخْلُقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا، وَ لَا تُشَانَنَّ مِنْهُمَا ذُرِّيَّةٌ (مباركة طاهرة - خ ل)، أَجْعَلُهُمْ خُرَّانِي فِي أَرْضِي، وَمَعَادِنَ لِحُكْمِي، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، ح 2- حدّثني بهذا الحديث: علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريا القطان قال: حدّثنا أبو محمد بكر بن عبد الله بن جنبد قال: حدّثنا أحمد بن الحرث قال: حدّثنا أبو معاوية، عن الأعمش، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: لقد هممت بتزويج فاطمة عليها السلام ولم أتجرأ أن أذكر ذلك لرسول الله، و ذكر الحديث مثله سواء. و لهذا الحديث طريق آخر قد أخرجه في مدينة العلم. و تفسير فرات الكوفي: ص 413 ح 552- قال: حدّثنا أبو القاسم عبد الرّحمان بن محمد بن عبد الرّحمان الحسيني قال: حدّثنا فرات بن إبراهيم الكوفي قال: حدّثنا محمد بن علي بن عمرو

بن طريف [ظريف] الحجري قال: حدثنا عقبه بن مكرم الصببي قال: حدثنا أبو تراب عمرو [عمر] بن عبد الله بن هارون الطوسي الخراساني قال: حدثنا أحمد بن عبد الله أبو علي الهروي الشيباني قال: حدثنا محمد بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه، عن آبائه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: لقد هممت بتزويج فاطمة الزهراء عليها السلام [بنت رسول الله صلى الله عليه وآله] حيناً وإن ذلك مُتَخَلِّفٌ فِي قَلْبِي لَيْلِي وَنَهَارِي ... فَقَالَ (اللَّهُ تَعَالَى) مِنْ بَرَكَتِي فِيهِمَا - أَوْ قَالَ - عَلَيْهِمَا إِنِّي أَجْمَعُهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي وَأَجْعَلُهُمَا مَعْدِنَيْنِ لِحُجَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَخْلُقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا وَلَا تُشِدُّ مَنِّ مِنْهُمَا ذُرِّيَّةً فَأَجْعَلُهُمْ خُزَّانًا فِي أَرْضِي وَمَعَادِنَ لِعِلْمِي وَدَعَائِمَ لِكِتَابِي ثُمَّ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي [بِهِمْ] بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، ... وروضة الواعظين: ج 1 ص 144 إلى 146 - قال أمير المؤمنين عليه السلام: لقد هممت بتزويج فاطمة ابنة محمد صلى الله عليه وآله حيناً، ولم أتجرأ أن أذكر للنبي صلى الله عليه وآله، وإن ذلك يُخْتَلِجُ فِي صَدْرِي لَيْلِي وَنَهَارِي، ... فَقَالَ رَاحِلُ الْمَلِكِ: يَا رَبِّ! وَمَا بَرَكَتِكَ فِيهِمَا بِأَكْثَرِ مِمَّا رَأَيْنَا لَهُمَا فِي جَنَاتِكَ وَدَارِكَ؟ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنِّي أَجْمَعُهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي، وَأَجْعَلُهُمَا حُجَّةً عَلَى خَلْقِي، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَخْلُقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا، وَلَا تُشِدُّ مَنِّ فِيهِمَا ذُرِّيَّةً، أَجْعَلُهُمْ خُزَّانِي فِي أَرْضِي، وَمَعَادِنَ لِعِلْمِي، وَدُعَاءَ إِلَى دِينِي، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، ... بحار الأنوار: ج 3 ص 101 إلى 104 ب 5 ح 12 و 13 از الأمالي والعيون والفرات.

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَطَابَ بِهِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَصَدِيقِهِ طَاهِرِهِ فَرَمُودُنْدُ:

«... وَ لَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَهَا لَمْ تُشَدَّ تَأَقُّهُ إِلَيْكُمْ، وَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ قَدَّرَ أَنْ يُخْرِجَ مِنْكُمْ مَا يَتَّخِذُ بِهِ عَلَى الْخَلْقِ حُجَّةً لَأَجَابَ فِيكُمْ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَهَا، ...» (1).

به یقین جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد که بهشت و بهشتیان، مشتاق شما هستند و اگر نبود که خداوند مقدر فرموده از شما حجت های آفریدگان را به وجود آورد، به یقین بهشت و بهشتیان شما را اجابت می نمودند

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُودُ:

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْنَاءَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنْ إِهْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (2).

همانا خداوند؛ علی و همسر و فرزندان را حجت های خود بر خلق قرار داده است، و آنان درهای علم در امت من هستند، هر کسی به وسیله آنان هدایت شود به صراط مستقیم هدایت شده است.

در بیان شخص صدیق طاهره سلام الله علیها در خطبه فدکیه است که فرمودند:

«... وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، ...» (3).

... و ما حجت های او در غیب او هستیم،

نص این احادیث شریف، خود برهان روشن بر مقام حجة الله بودن آن حضرت است همراه با امیر المؤمنین و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام. روایات بسیار دیگری بر این معنا تصریح دارد که برخی از آن ها در ادامه و در ذیل عناوین دیگر آمده است.

برهان 71 الی 75- فاطمة وسیلة الله خاصة الله محلّ قدس الله حجة الله في غيبه وارثة الأنبياء

ص: 186

1- تفسیر فرات الکوفی: ص 413-415 ح 552 و الامالی، صدوق، ص 559 و 560 المجلس 83 ح 1.

2- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: ج 1 ص 76 ح 89- و أخبرنا أيضاً أبو جعفر (محمد بن علي الفقيه)، عن محمد بن علي العلوي، عن عمه محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الكوفي، عن محمد بن سنان، عن المفضل، عن جابر بن يزيد، عن أبي الزبير، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

3- شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج 16 ص 211 از كتاب السقيفة و فدك: ص 98 قسمت 2 به چند سند خطبه فدکیه را نقل کرده است که حضرت فاطمه علیها السلام ضمن خطبه خود فرمودند: «... وَ أَحْمَدُوا اللَّهَ ... وَ نَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ، ...». و شرح نهج البلاغة ابن ميثم البحراني: ج 5 ص 105.

در بیان حضرت در خطبه فدکیه است که فرمودند:

«... وَ نَحْنُ وَسِيَلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ،...» (1).

... و ماییم وسیله خداوند در میان خلق او، و ماییم خاصان او و جایگاه قدس او، و ما حجت های او در غیب اویم، و وارثان پیامبرانش ما هستیم، ...

هرچند، هریک از فرازهای ذکر شده جای بسیار تأمل و درنگ دارد لکن مقصود ما به غایت واضح بوده و نیازی به تبیین نیست و ایشان چون بقیه معصومین، این مقامات را دارند و همه این ها بر طهارت و عصمت مطلقه و ولایت مطلقه و کلیه دلالت دارد.

اعتراف دشمن (و الفضل ما شهدت به الأعداء)

فراوانی دلایل و برهان هایی که رسول الله صلی الله علیه و آله از قرآن کریم بر حجت الله بودن فاطمه الزهراء علیها السلام برای مسلمانان بیان فرموده بود، قابل انکار لدودترین دشمنان آن حضرت هم نبود، که خودش به آن اقرار زبانی کرد هر چند که ایمان نداشت، و کرد آن چه کرد:

در کتاب شریف دلائل الإمامة، محمد بن جریر بن رستم طبری صغیر از اعلام محدثین قرن 5، به هفت سند از امام محمد باقر و امام جعفر صادق و حضرت زینب علیهم السلام و بنی هاشم و زید بن علی و ابن عباس آورده است که:

پس از ایراد خطبه حضرت فاطمه علیها السلام و اقامه حجج بر غاصبین و انصارشان در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و در جمع اصحاب سقیفه

ص: 187

1- شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج 16 ص 211 از کتاب السقیفة و فدک: ص 98 قسمت 2 به چند سند خطبه فدکیه را نقل کرده است که حضرت فاطمه علیها السلام ضمن خطبه خود فرمودند: «... وَ أَحْمَدُوا اللَّهَ ... وَ نَحْنُ وَسِيَلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ،...». و شرح نهج البلاغة ابن میثم البحرانی: ج 5 ص 105.

ملعونوه و جمع مهاجرین و انصار، ابوبکر چنین گفت:

یا بنت رسول الله، أنت عین الحجة، و منطق الحکمة، ... (1).

و در کتاب بلاغات النساء، ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر متوفای 280 هجری به سند خود کلام او را چنین نقل کرده است:

یا بنت رسول الله! أنت عین الحجة، و منطق الرسالة، ... (2).

و در کتاب شریف الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی از اعلام محدثین قرن 6، به روایت خود از عبد الله محض فرزند حسن مثنی از پدرانش علیهم السلام سخن او را چنین نقل کرده:

صدق الله و رسوله، و صدقت ابنته؛ معدن الحکمة، و موطن الهدی و الرحمة، و رکن الدین، و عین الحجة، ... (3).

پس فاطمه کیست؟

امام علی بن موسی الرضا المرتضی صلوات الله و سلامه علیه در وصف امام فرمود:

«... إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا، وَأَعْظَمُ شَأْنًا، وَأَعْلَى مَكَانًا، وَأَمْنَعُ جَانِبًا، وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ، أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرَائِهِمْ، أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ... إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفَرْعُهُ السَّامِي...» (4).

... همانا امامت قدرش والاتر، و منزلتش شگفت تر، و جایگاه اش والاتر، و مکانش منیع تر، و عمقش گودتر از آن است که مردم با عقل خود به آن رسند، یا با نظرات خود آن را دریابند، و یا با انتخاب خود امامی منصوب کنند، ... همانا امامت اساس و ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است، ...

می بینیم حضرت امام علی الرضا المرتضی علیه السلام فرمود که با عقل عموم مردم، معرفت حقیقت امام دست نیافتنی است، به همین ترتیب جز خود رهبران معصوم، همه

ص: 188

1- دلائل الإمامة: ص 119 ح 36.

2- بلاغات النساء: ص 32.

3- الاحتجاج: ج 1 ص 106.

4- حدیث امام رضا علیه السلام در وصف امام و امامت و عجز مردم از شناخت و اختیار امام علیهم السلام: الکافی: ج 1 ص 198 ح 1: «... الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ. الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ. الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأُ عَنِ الْغُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ غَيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَازُ الْكَافِرِينَ. الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا تَطِيرُ مَخْصُوصٌ بِالْفُضْلِ كُلُّهُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اِكْتِسَابٍ بَلِ اِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ فَمَنْ ذَا

الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ أَوْ يُمَكِّنُهُ إِخْتِيَارَهُ؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ صَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ وَ خَسَّتِ الْعُيُونُ وَ تَصَاعَرَتِ
الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَدَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْيَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأُدْبَاءُ وَ عَيَّيَتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ
وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ أَقْرَتِ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ، وَ كَيْفَ يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُنْفَسُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ
يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يُغْنِي غِنَاهُ؟ لَا كَيْفَ وَ أَنَّى وَ هُوَ بِحَيْثُ النِّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاولِينَ وَ وَصَفِ الْوَاصِدِينَ فَأَيُّ الْإِخْتِيَارِ مِنْ هَذَا؟ وَ أَيْنَ الْعُقُولُ عَنْ
هَذَا؟ وَ أَيْنَ يُوجَدُ مِثْلُ هَذَا؟ أَ تَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ آلِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؟ كَذَبَتْهُمْ وَ اللَّهُ أَنْفُسَهُمْ وَ مَنَّتَهُمْ
الْأَبَاطِيلَ فَارْتَقُوا مُرْتَقَى صَدْعًا دَحْضًا تَزَلُّ عَنْهُ إِلَى الْحَضِيضِ يَضِرُّ أَقْدَامَهُمْ رَامُوا إِقَامَةَ الْإِمَامِ بِعُقُولٍ حَائِرَةٍ بَائِرَةٍ نَاقِصَةٍ وَ آرَاءٍ مُضِلَّةٍ فَلَمْ يَزِدُوا مِنْهُ
إِلَّا بُعْدًا...، فَكَيْفَ لَهُمْ بِإِخْتِيَارِ الْإِمَامِ وَ الْإِمَامِ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ وَ رَاعٍ لَا يَنْكُلُ مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَ الطَّهَارَةِ وَ الشُّكِّ وَ الزَّهَادَةِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعِبَادَةِ
مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ نَسَلِ الْمُطَهَّرَةِ الْبُتُولِ،...». وَ تحف العقول، ص 436 و الغيبة، النعماني: ص 216 ب 13
ح 6 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 216 ب 20 ح 1 و كمال الدين و تمام النعمة: ج 2 ص 675 ب 58 ح 32 و معاني الأخبار:
ص 96 ح 2 و الأمالي، ابن بابويه: ص 675 مجلس 97 ح 1 و الإحتجاج: ج 2 ص 433 و الصِّراطِ المستقيم: ج 1 ص 83. بحار الأنوار:
ج 25 ص 120 ب 4 ح 4 از: كمال الدين و معاني الأخبار و الأمالي و العيون و الإحتجاج و التحف و الغيبة و الكافي.

خلق از معرفت حقیقت حضرت فاطمه علیها السلام نیز بریده و منقطع و ناتوان می باشند. حال که امام و شناخت اوصاف او برتر از عقول است پس فاطمه چیست؟ و کیست؟

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؟

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«... اللَّيْلَةُ فَاطِمَةٌ، وَالْقَدْرُ اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا - أَوْ - مِنْ مَعْرِفَتِهَا، ...» (1).

... (مقصود از) «اللَّيْلَةُ» (در سوره قدر) فاطمه است، و «الْقَدْرُ» الله است، پس هر کس به قدر حق معرفت فاطمه او را شناخت، همانا شب قدر را درک نموده، و تنها به این خاطر فاطمه نامیده شد که همه خلق از معرفت او بریده شدند، ...

فاطمه حجة الله على الحجج

حضرت فاطمه علیها السلام حجة الله است نه تنها بر خلق که بر اهل عصمت و این حکایت از سبقت و تقدّم جوهری رتبی ایشان می کند. حضرت امام حسن زکّی عسکری علیه السلام فرمودند:

«نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَجَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا» (2).

ما حجّت های الله بر خلق او هستیم، و مادر بزرگ ما فاطمه حجّت الله است بر ما.

و صدّیقه طاهره علیها السلام که حجّت بر حجج الهی و طاعتش بر همه آنان فرض است، او دلیل و راهنمای انبیاء و اوصیاء و سایر خلق به توحید و معرفت و طاعت و نیز واسطه علوم آنان است؛ و در اخذ و عطاء ولایت دارد ...

ص: 189

1- تفسیر فرات الکوفی: ص 581 ح 747 به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اللَّيْلَةُ فَاطِمَةٌ، وَالْقَدْرُ اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا - أَوْ - مِنْ مَعْرِفَتِهَا، وَ قَوْلُهُ: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ وَ هِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ. وَ الرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ...».

2- تفسیر اطیب البیان: ج 13 ص 226.

«(السَّلَامُ عَلَيْكَ) يَا مُمْتَحَنَةً، اِمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّ لَكَ اَوْلِيَاءَ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ اَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَاِنَّا نَسْأَلُكَ اِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ اِلَّا اَلْحَقَّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا بِالْبُشْرَى لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا، بِاَنَّا قَدْ طَهَرْنَا بِوَلَايَتِكَ».

کنه حقیقت فاطمه سلام الله علیها در دولت کریمه آل محمد صلی الله علیهم و سلم و در قیامت هویدا خواهد شد، و ظرف قابل آن خاتم الانبیاء و ساداتنا الأوصیاء هستند و هر که را مشیت نمایند. (1)

ابو الصّامت یکی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام است گوید: امام فرمود:

«إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، شَرِيفٌ، كَرِيمٌ، ذَكْوَانٌ، ذَكِيٌّ، وَعَرٌّ، لَا يَحْتَمِلُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ».

گوید: به امام عرض کردم: پس چه کسی احتمال آن می کند؟ فرمود:

«مَنْ شِئْنَا يَا أَبَا الصَّامِتِ».

ای ابا الصّامت! آن کس که ما مشیت نمایم.

و درک کنه معرفت فاطمه الزهراء علیها السلام برای غیر ذات احدیت و حضرات محمد و آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم ناممکن و دست نیافتنی است زیرا که او لیله است و پوشیده شده، لکن «لَيْلَةُ الْقَدْرِ»، شب الله است، و از لیله القدر وجود او، طلوع فجر حسین علیه السلام است و فجر قیام مهدی آل محمد صلی الله علیهم خواهد

ص: 191

1- بصائر الدرجات: ص 22 ب 11، ح 10 - حدّثنا أحمد بن إبراهيم، عن إسماعيل بن مهزيار، عن عثمان بن جبلة، عن أبي الصّامت، قال أبو عبد الله عليه السلام: «إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، شَرِيفٌ، كَرِيمٌ، ذَكْوَانٌ، ذَكِيٌّ، وَعَرٌّ، لَا يَحْتَمِلُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ». قُلْتُ: فَمَنْ يَحْتَمِلُهُ جُعِلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: «مَنْ شِئْنَا يَا أَبَا الصَّامِتِ». قَالَ أَبُو الصَّامِتِ: فَظَنَنْتُ أَنَّ لِلَّهِ عِبَادًا هُمْ أَفْضَلُ مِنْ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ.

بود، و بقیه صلوات که امر به محافظت بر آن ها شده ایم «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» پس از او و از اوست، که «وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»، و بقای همه عالم وجود و تکوین و تشریح به نور او و فعل اوست که فاطمه و از اسم فاطر و... .

خیر بسیار و با برکت از اوست، زیرا منشأ و اساس و آغاز و انجام هر خیری از ذات احدیت به آنان است که «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»، و این بطن فاطمه است که ظرف قابل قرار و انتقال امامان و اولیاء معصوم است؛ بلکه از روح و نور و جان و قلب و همه وجود او مردانی حکیم پا به عرصه وجود گذاشته و به عالم دنیا نیز بیایند... .

آن حضرت وعاء و ظرف همه علوم کتاب های آسمانی و قرآن کریم است و عالمه است به معارف و معانی ظاهر و باطن آن ها و چون در حقیقت نوری، با نور رسول الله و ائمه هدی صلوات الله علیهم یکی است، پس هر آن چه را که بر حقیقت آن حضرات نازل می گردد، بر او نیز به نحو انزال نازل گردیده و البته که به ترتیب؛ اول رسول الله و آن گاه امیر المؤمنین و حضرتش و آن گاه بقیه ائمه علیهم السلام، ... آیات بسیاری از قرآن کریم درباره صدیقه طاهره علیها السلام است و در آیاتی که درباره اهل بیت علیهم السلام است نیز شریک است و واجده همه کمالات آن حضرات... .

جان من و جان عزیزانم به فدای آن که رضای الله در رضای او، و دستان تازیانه خورده اش و آستان سوخته ی خانه اش بوسه گاه رسول و وصی و آل الرسول بود، و حجت بر حجج الله، شفیعه شیعتها و شفیعه محبیها است. (1)

برای آن کس که روحش از فاضل طینت حضرات محمد و آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین باشد، آن چه از آیات و احادیث نورانی درباره حضرت آیه الله العظمی حجة الله علی الحجج فاطمة الزهراء صلوات الله و سلامه علیها ذکر گردید، غنیمتی بس

ص: 192

1- الأمالی، ابن بابویه: ص 18 مجلس 5 ح 14، 15-4 - به سند متصل خود، از امام محمد باقر علیه السلام فرمود: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم می گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ، ... فَتَقُولُ: إِلَهِي وَسَيِّدِي! ذُرِّيَّتِي، وَشَيْعَتِي، وَشَيْعَةَ ذُرِّيَّتِي، وَ مُجَبِّي، وَ مُجَبِّي، فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَ شَيْعَتُهَا وَ مُحِبُّوْهَا وَ مُحِبُّو ذُرِّيَّتِهَا؟ فَيَقْبَلُونَ وَ قَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ، فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ حَتَّى تَدْخُلَهُمُ الْجَنَّةَ». از او: بشارة المصطفی: ص 18 ح 15، 14 و روضة الواعظین: ج 1 ص 148. و در الفضائل، ص 11 و مناقب آل أبي طالب علیهم السلام: ج 3 ص 327 مانند آن با اختلافی اندک.

بزرگ است که باید قدرش را بداند. فهنيئاً للمسلمين لهم. الحاصل حضرت آية الله العظمى، عصمة الله الكبرى فاطمة الزهراء سلام الله عليها امام است لكن صامت، زیرا سگان و گرگان نگذاشتند، و بئر معطله است، زیرا ناقابلان نخواستند، در عین حال چون پدر و شوهر و فرزندانش قائم به امر الله است و یاذن الله تعالی زمامدار هستی و شرع بوده، هست و خواهد بود، و واسطه عقل و علم و دیگر عطایای الهی به خرد و کلان عوالم وجود است، و بر آن ها سلطنت می کند. او حجة الله بر حجج الله است و این مقام او هیمنه و سلطنت بر آنان دارد، و اوست که آنان را توفیق و تسدید می کند. ماء معین معرفت به مقامات صدیقه طاهره فاطمة الزهراء سلام الله عليها گوارای آنان که از روی عقل و علم، تسلیم محض اهل بیت اطهار علیهم السلام هستند و از شیعیانشان شده اند که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«شِيعَتْنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا، الْأَخِذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُحَاوِلُونَ لِأَعْدَائِنَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا» (1).

شیعیان ما آنانی هستند که تسلیم امر ما هستند، سخنان ما را پذیرفته (و آن را ملاک می گیرند) و با دشمنان ما مخالفند. پس هر کس این گونه نباشد از ما نیست.

اللهم اجعلنا من شيعة فاطمة الشَّهيدة في الدنيا والآخرة، و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، و صلَّى الله على محمد و آله، و لعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين.

قم المقدسة عش آل محمد صلَّى الله عليهم

عبيدُهُم حيدر حسين حيدر التريبي الكربلائي

يوم الجمعة الرابع والعشرين من شهر ذي القعدة الحرام 1441

ص: 193

1- صفات الشيعة: ص 3 ح 2 - به سند صحيح از حسين بن خالد، از امام علي بن موسى الرضا عليه السلام که فرمود: «شِيعَتْنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا، الْأَخِذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُحَاوِلُونَ لِأَعْدَائِنَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا». الكافي: ج 1 ص 368 ح 2 - به سند متصل خود، از عبد الرحمن بن كثير گوید: نزد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام بودم که مهزم بر آن حضرت داخل گشت و عرضه داشت: قربانت گردم، مرا خبر ده از (فرج آل محمد صلَّى الله عليهم) امری که انتظار آن را می کشیم کی خواهد بود؟ فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ». و الغيبة، النعماني: ص 294 ب 16 ح 11 - از كليني به سندش مانند الكافي. الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 426 - به سند خود از عبد الرحمن بن كثير گوید: نزد امام جعفر صادق عليه السلام بودم که مهزم بر حضرت داخل گشت پس عرض کرد: فدایت گردم، مرا خبر ده از این امر که انتظار آن می برید چه زمانی خواهد بود زیرا بر ما طولانی شده است؟ فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ». و الغيبة، النعماني: ص 198 ب 11 ح 8 - به سند متصل خود از عبد الرحمن بن كثير گوید: خدمت خود از محمد بن مسلم، از امام جعفر صادق عليه السلام، گوید: نزد حضرت بودم که مهزم بر حضرت داخل گشت پس عرض کرد: فدایت گردم، مرا خبر ده از این امر که انتظار آن می بریم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ». و الغيبة، النعماني: ص 198 ب 11 ح 8 - به سند متصل خود از عبد الرحمن بن كثير گوید: خدمت امام جعفر صادق عليه السلام بودم و مهزم اسدی نزد حضرت بود و عرضه داشت: خداوند مرا فدایت گرداند این امری که انتظار آن می

كشيد كى مى شود كه بر ما به درازا كشيده؟ پس حضرت فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْمُتَمَنُّونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ، وَ إِنِّيْنَا يَصِيرُونَ». مختصر البصائر: ص 518 - وفي الحديث: «نَجَا الْمُسْلِمُونَ وَ هَلَكَ الْمُتَكَلِّمُونَ».

1- مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد: ص 401- الصلاة على السيّدة فاطمة عليها السلام: و جمال الأسبوع: ص 486 و البلد الأمين: ص 304.

2- الكافي: ج 1 ص 337 ح 5 و 342 ح 29 و الغيبة، النعماني: ص 166 ح 6 و كمال الدّين: ج 2 ص 343 ب 33 ح 24 و مصباح المتهجد: ج 1 ص 412 و إعلام الوری: ص 432 فصل 2 و جمال الأسبوع: ص 521 و ص 522 و... .

3- سورة (9) التّوبة آیه 103.

4- سورة (4) النساء آیه 175.

5- سورة (16) التّحل آیه 19.

6- بصائر الدّرجات في فضائل آل محمّد صلّى الله عليهم: ص 487 ب 11 ح 1- حدّثنا الهيثم التّهدّي، عن البرقيّ، عن خلف بن حمّاد، عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». والكافي: ج 1 ص 177 ح 4- محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن البرقيّ، -مانند البصائر-. و الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص 135 ب 35 ح 149- سعد، عن التّهدّي، -مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 4- قول الصّادق جعفر بن محمّد عليه السلام - مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 221 ب 22 ح 5- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالوا: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق التّهدّي، - مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 232 ب 22 ح 36 - حدّثنا أبي رضي الله عنه قال : حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميريّ قال: حدّثنا الحسن بن عليّ الرّيتونيّ، عن ابن هلال، عن خلف بن حمّاد، عن ابن مسكان، عن محمّد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام - مانند البصائر-. و الإختصاص: ص 23- أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «الْحُجَّةُ

قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ». و الثَّاقِبُ فِي الْمَنَاقِبِ، ص 117 فَصْل 1- إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلْقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ اصْطَفَاهُ، وَ جَعَلَهُ بَدِيعَ فِطْرَتِهِ، وَ آيَةَ قُدْرَتِهِ، بِفَضَائِلِ إِعْلَاءِ لِقُدْرَتِهِ وَ تَوْيِهَاً بِاسْمِهِ، وَ جَعَلَهُ حُجَّةً قَبْلَ أَنْ يَحْتَجَّ بِهِ عَلَيْهِ، كَمَا رَوَى عَنِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». وَ الدَّرُّ النَّظِيمُ فِي مَنَاقِبِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: ص 256- وَ نَصَبَ الْإِمَامَ مِنَ الْوَاجِبَاتِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» بِدَأً بِالْخَلِيفَةِ قَبْلَ الْخَلِيقَةِ، وَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ يَبْدَأُ بِالْأَهَمِّ دُونَ الْأَعْمِ، وَ ذَلِكَ تَصْدِيقٌ قَوْلِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَيْثُ يَقُولُ: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». وَ لَوْ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْخَلِيقَةَ خَلَوْاً مِنَ الْخَلِيفَةِ لَكَانَ قَدْ عَرَضَهُمْ لِلتَّلْفِ.

7- قَرَبَ الْإِسْنَادُ: ص 348 ح 1260- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَكُتِبَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ... وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يَعْرِفُونَهُ ... وَ الْإِخْتِصَاصُ: ص 268- عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ.

8- الْإِخْتِصَاصُ: ص 268- عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ. وَ الْإِخْتِصَاصُ: ص 269- عَنِ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ، عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ.

9- الْكَافِي: ج 1 ص 177 ح 2- الْحَسِينُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ مَعْلَى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ. وَ الْكَافِي: ج 1 ص 177 ح 1- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ، عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفُ. وَ بِصَائِرِ

الدَّرَجَاتِ فِي فَضَائِلِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ: ج 1 ص 486 ب 10 ح 13 - حَدَّثَنَا عَبْدُ بَنِ سَلِيمَانَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ. وَ الْكَافِي: ج 1 ص 177 ح 3 - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ عَبْدِ بَنِ سَلِيمَانَ، ... - مَانِدُ الْبَصَائِرِ -.

10- التَّوْحِيدُ: ص 158 ب 15 ح 4 - بِسَنَدِهِ الْمَتَّصِلِ الْقَوِيَّ عَنْ عَيْسَى بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «كَمِشَّةٌ كَانَتْ فِيهَا مِصْبَاحٌ» قَالَ: الْمِشْكَاةُ نُورُ الْعِلْمِ فِي صَدْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ» الرُّجَاةُ صَدْرُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، صَارَ عِلْمُ النَّبِيِّ إِلَى صَدْرِ عَلِيٍّ، «الرُّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» قَالَ: نُورٌ، «لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ» قَالَ: لَا يَهُودِيَّةٌ وَلَا نَصْرَانِيَّةٌ، «يَكَادُ رَيْثُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارٌ» قَالَ: يَكَادُ الْعَالِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ يَتَكَلَّمُ بِالْعِلْمِ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَ، «نُورٌ عَلَى نُورٍ» يَعْنِي إِمَامًا مُؤَيَّدًا بِنُورِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ فِي إِثْرِ إِمَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ذَلِكَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ. فَهَؤُلَاءِ الْأَوْصِيَاءُ الَّذِينَ جَعَلَهُمُ اللَّهُ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ، وَ حُجَجَهُ عَلَى خَلْقِهِ، لَا تَخْلُو الْأَرْضُ فِي كُلِّ عَصْرِ مِنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ. أَوْ: مَنَاقِبُ آلِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: ج 1 ص 280 وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ: ج 2 ص 42 فَصَل 3. تَفْسِيرُ مَجْمَعِ الْبَيَانِ: ج 7 ص 226 أَوْ: تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَةِ: ص 356.

11- الْغَيْبَةُ، التَّعْمَانِيَّةُ: ص 140 ب 9 ح 3 أَوْ كَلِينِي مَانِدُ الْكَافِي: ج 1 ص 180 ح 3 - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ كَرَّامٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ، لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ. وَقَالَ: إِنَّ آخَرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ، لِئَلَّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ. وَ الْإِمَامَةُ وَالتَّبَصُّرَةُ مِنَ الْحَيْرَةِ: ص 30 ب 2 ح 13 - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْخَشَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ كَرَّامٍ ... وَ عِلَلُ الشَّرَائِعِ: ج 1 ص 196 ب 153 ح 6 - حَدَّثَنَا الْحَسَنِ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ

قال : حدّثنا أحمد بن إدريس

12- الكافي: ج 1 ص 180 ح 3- محمد بن يحيى، عمّن ذكره، عن الحسن بن موسى الخشّاب، عن جعفر بن محمّد، عن كرام قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ، لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ. وَقَالَ: إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ، لِئَلَّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ. وَالْإِمَامَةُ وَالتَّبَصُّرَةُ مِنَ الْحَيْرَةِ: ص 30 ح 13- أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمّد، عن الخشّاب، عن جعفر بن محمّد، عن كرام، قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: ... أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ. وَالْغَيْبَةُ، التَّعْمَانِي: ص 160 ب 9 ح 3 از كليني مانند الكافي. و علل الشرائع: ج 1 ص 196 ب 153 ح 6- حدّثنا الحسين بن أحمد رحمه الله قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمّد، عن ابن الخشّاب، عن جعفر بن محمّد، عن كرام قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: -مانند الكافي-.

13- الغيبة، التعماني: ص 138 ب 8 ح 7 از كليني مانند الكافي: ج 1 ص 178 ح 8- علي بن إبراهيم، عن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: قال: وَاللَّهِ، مَا تَرَكَ اللَّهُ أَرْضاً مُنْذُ قَبَضَ (اللَّهُ - النعماني والمختصر) آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّتُهُ (حُجَّةٌ لِلَّهِ - المختصر) عَلَى عِبَادِهِ، وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةٌ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ. و مانند آن در: مختصر البصائر: ص 63 ح 30 - (سعد)، عنهما (يعقوب بن يزيد وإبراهيم بن هاشم)، عن محمّد بن الفضيل، عن علي بن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر عليه السّلام... . الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص 29 ب 2 ح 10- وعنه (سعد بن عبد الله)، عن محمّد بن عيسى، عن رجل، عن أبي حمزة: عن أبي جعفر عليه السّلام، قال: وَاللَّهِ، مَا تَرَكَ اللَّهُ أَرْضاً مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، وَهُوَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ (إِمَامٍ)، حُجَّةٌ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ. از الإمامة: علل الشرائع: ج 1 ص 197 ب 153 ح 11 - أبي رحمه الله... . و مانند المحاسن: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص 205- وبهذا

ص: 197

الإسناد (أبي ره قال: حدّثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي قال: حدّثني عبد العظيم بن عبد الله)، عن أحمد بن أبي المعزى، عن ذريح وعلل الشرائع: ج 1 ص 197 ب 13153- أبي رحمه الله قال: الإمامة والتبصرة من الحيرة: ص 31 ب 2 ح 15- وعنه (عبد الله بن جعفر الحميري)، عن إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن حفص، عن عيشم بن أسلم، عن ذريح المحاربي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: وَاللَّهِ، مَا تَرَكَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ - الْكَمَالِ) الْأَرْضَ (قَطُّ - الْكَمَالِ) مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ - الْعِلَلِ وَالْكَمَالِ)، وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ - الْعِلَلِ) عَلَى الْعِبَادِ، وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ. مَنْ تَرَكَهُ هَذَاكَ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى (عَزَّوَجَلَّ - الْعِلَلِ وَالْكَمَالِ). ومانند آن: كمال الدين وتمام النعمة: ج 1 ص 230 ب 22 ح 28- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر قال: حدّثنا إبراهيم بن هاشم، عن أبي جعفر، عن عثمان بن أسلم، عن ذريح... . و حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر، عن محمد بن عيسى، عن جعفر بن بشير و صفوان بن يحيى جميعاً، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله سواء. و كمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 220 ب 22 ح 3- حدّثنا أبي و محمد بن الحسن رضي الله عنهما قالوا: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن أبي الحسن الأول يعني موسى بن جعفر عليهما السلام قال: مَا تَرَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَطُّ مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ، يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ ضَلَّ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. وأعلام الدين: ص 400 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا وَلَوْ أَنْ عَبَدَا عَبْدَ اللَّهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَلْفَ سَنَةٍ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ وَلَا يَتَنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ، وَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ حُجَّةً عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا.

14- الأصول الستة عشر (دار الشبستري): ص 89 و دار الحديث: ص 266 ح 54/381 - (كتاب

محمّد بن المثنى بن القسم الحضرمي) رواية هارون بن موسى التلعكبري، عن أبي عليّ محمّد بن همام بن سهل الكاتب: بسم الله
 الرّحمان الرّحيم حدّثنا الشيخ أبو محمّد هراون بن موسى بن أحمد التلعكبري أيّده الله قال: حدّثنا محمّد بن همام قال: حدّثنا حميد بن
 زياد الدهقان قال: حدّثنا أبو جعفر أحمد بن زيد بن جعفر الأزديّ البرّاز قال: حدّثنا محمّد بن المثنى بن القسم الحضرمي قال: حدّثنا
 جعفر بن محمّد بن شريح الحضرمي، عن ذريح المحاربيّ): جعفر، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: كنّا عنده فقال: إْحْتَجَّ
 (يَحْتَجُّ - دار الحديث) عَلَيْهِمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنْ قَالَ: وَاللَّهِ إِنْ مِنَّا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِنْ مِنَّا حَمْزَةٌ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ، وَإِنْ مِنَّا
 الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعِي، مَنْ أَنْكَرَهُ مَاتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا، وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا. ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ فَطُّ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا
 مَنْ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ إِلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ. و المحاسن: ج 1 ص 92 ب 17 ح 45- عن
 إسماعيل بن مهران، عن رجل، عن أبي المغراء، عن ذريح، عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: مِنَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ، مَنْ
 جَحَدَهُ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ (مَا تَرَكَ الْأَرْضُ - العقاب) مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ - العقاب) آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ
 يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، حُجَّةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ. 15- كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 262 ب 24 ح
 8- حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق رضي الله عنه قال: أخبرنا أحمد بن محمّد الهمداني قال: حدّثنا محمّد بن هشام قال: حدّثنا عليّ بن
 الحسن السائح قال: سمعت الحسن بن عليّ العسكري يقول: حدّثني أبي، عن أبيه، عن جدّه عليهم السّلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ! لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُؤَالِيكَ إِلَّا
 مُؤْمِنٌ، وَلَا يُعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ،... مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ (الْأَيْمَةَ) فَقَدْ أَنْكَرَنِي، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ
 فَقَدْ جَحَدَنِي، وَمَنْ جَحَدَنِي فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ،

لِأَنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَتِي، وَطَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ، وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، وَمَعْصِيَتِي مَعْصِيَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ... اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِي خُلَفَائِي وَ أُمَّةَ أُمَّتِي بَعْدِي، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَ اخْذْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَ لَا تُخْلِ الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مِنْهُمْ بِحُجَّتِكَ ظَاهِرًا، أَوْ خَافِيًا مَغْمُورًا، لِنَلَا يَبْطُلَ دِينُكَ وَ حُجَّتُكَ وَ بُرْهَانُكَ وَ بَيِّنَاتُكَ

16- كفاية الأثر في النص على الأمة الإثني عشر: ص 162- حدّثني علي بن الحسين بن محمّد قال : حدّثنا عتبة بن عبد الله الحمصيّ بمكّة قراءة عليه سنة ثمانين وثلاثمائة قال: حدّثنا موسى القططاني قال: حدّثنا أحمد بن يوسف قال: حدّثنا حسين بن زيد بن عليّ قال: حدّثنا عبد الله بن حسين بن حسن ، عن أبيه، عن الحسن عليه السلام قال: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْمًا فَقَالَ بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! كَمَا نِيَّي أَدْعَى فَأُجِيبُ، وَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ، وَ لَا تَعَلَّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَ لَوْ خَلَّتْ إِذْنٌ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَبِيدُ وَ لَا يَنْقَطِعُ، وَ أَنَّكَ لَا تَخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ؛ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ، أَوْ خَافِيٍّ مَغْمُورٍ، كَيْ لَا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ، وَ لَا تَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ، وَ الكافي: ج 1 ص 178 ح 7- علي بن محمّد، عن سهل بن زياد، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أسامة و علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أسامة و هشام بن سالم، عن أبي حمزة، عن أبي إسحاق، عمّن يثق به من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام قال: اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تَخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ. وَ الكافي: ج 1 ص 335 ح 3- علي بن محمّد، عن سهل بن زياد، عن ابن محبوب، عن أبي أسامة، عن هشام، و محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم ؛ عن أبي حمزة، عن أبي إسحاق قال : حدّثني الثّقّة من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُمْ سَمِعُوا أمير المؤمنين عليه السلام يقول في خطبة له: ... اللَّهُمَّ وَ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَارُزُ كُلَّهُ، وَ لَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ، وَ أَنَّكَ لَا تَخْلِي

أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ؛ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ، أَوْ خَائِفٍ مَعْمُورٍ، كَيْلًا تَبْطُلَ حُجُجَكَ وَ لَا يَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، ...

17- إرشاد القلوب إلى الصّواب: ج2 ص314 - بحذف الإسناد مرفوعاً إلى سلمان الفارسي رضي الله عنه (في حديث طويل) قال: ... قال أمير المؤمنين عليه السلام:..

18- تفسير القمي: ج1 ص359 و الغارات: ج1 ص89 و چاپ جديد: ج1 ص153 و الغيبة، التعماني: ص25 و الغيبة، التعماني: ص136 ب8 ح1 و شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام: ج2 ص370 ح732 و الخصال: ج1 ص187 ح257 و كمال الدين و تمام النعمة: ج1 ص291 - 294 ب26 ح2 و علل الشرائع: ج1 ص195 ب153 ح2 و نهج البلاغة: ص495 حكمت 147/143 و خصائص الأئمة عليهم السلام، الشريف الرضي: ص106 و الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد: ج1 ص228 و نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص57 ح40 و الأمالي، الشيخ المفيد: ص247 ح3 و الأمالي، الشيخ الطوسي: ص21 مجلس1 ح23 و عيون الحكم و المواعظ: ص541 فصل2 ح10037 و غرر الحكم و درر الكلم: ص786 ح384 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج1 ص245 و عوالي اللئالي العزيزية: ج4 ص127 ح216 و كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام: ص74 و ...

19- تاريخ يعقوبي و فرائد السمطين و ينابيع المودة و ...

20- يا كَمِيلَ بْنَ زِيَادٍ! ...

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ.

اللَّهُمَّ بَلَى وَلَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَّا ظَاهِرٍ مَعْلُومٍ، وَإِمَّا خَائِفٍ مَعْمُورٍ، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ.

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ ظَاهِرٍ أَوْ خَائِفٍ مَعْمُورٍ لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ.

ص: 201

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ (بَاطِنٍ) مَغْمُورٍ، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ، إِمَّا ظَاهِرًا مَعْلُومًا، أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجَكَ وَبَيِّنَاتِكَ.

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ (إِمَامٍ) قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا (مَشْهُودًا)، أَوْ (وَإِمَّا) (خَائِفًا) خَائِفًا مَغْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ، أَوْ مُسْتَرٍ مَغْمُورٍ، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.

لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ (إِمَامٍ) قَائِمٍ بِحُجَّةٍ لِلَّهِ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.

لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ (بِحُجَّتِهِ)، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ بَاطِنًا مَغْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.

21- الهداية الكبرى: ص 362 ب 14 - عن الحسن بن محمد بن جمهور، عن علي بن إسماعيل، وعن هارون بن مسلم بن سعدان، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام، في خطبة له مع كميل بن زياد:.

22- كامل الزيارات: ص 214 ب 9 ح 10- حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن أبي سعيد المدائني قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت: جعلت فداك أتى قبر الحسين عليه السلام؟ قال: نَعَمْ يَا بَا سَعِيدِ إِنَّتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَطْيَبَ الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ وَأَبْرَّ الْأَبْرَارِ وَإِذَا زُرْتَهُ يَا بَا سَعِيدِ فَسَبِّحْ

عِنْدَ رَأْسِهِ تَسْبِيحَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ سَبَّحَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَلْفَ مَرَّةٍ ثُمَّ صَلَّى عِنْدَهُ رُكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا يَسُ وَالرَّحْمَنَ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ ثَوَابَ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ عَلَّمَنِي تَسْبِيحَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ: نَعَمْ يَا بَا سَ عِبْدِي، تَسْبِيحَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفُذُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِضْمِحَالَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ. وَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَ الْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا وَ وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ. وَ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه:

ج 2 ص 591 ح 3198- وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُودِعَهُ قُلُّ: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَسْأَلُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ أَمَّنًا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُ بِهِ وَ دَلَّتْ عَلَيْهِ فَانْكُتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ أَسْأَلُكَ هُدًى فِي مَمَاتِي عَلَى مَا سَأَلْتَهُ هُدًى فِي حَيَاتِي أَسْأَلُكَ هُدًى لِمَنْ لَا يَهْدِيهِ إِلَّا اللَّهُ وَ بَعْدَ وَاحِدٍ وَ أَسْأَلُكَ هُدًى أَنْ مَنْ قَتَلَكُمْ وَ حَارَبَكُمْ مُشْرِكُونَ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ وَ أَسْأَلُكَ هُدًى أَنْ مَنْ حَارَبَكُمْ لَنَا أَعْدَاءٌ وَ نَحْنُ مِنْهُمْ بُرَاءٌ وَ أَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ التَّسْلِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - وَ تُسَمِّيَهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ - وَ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْ نِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةِ الْمُسَمَّيْنَ. اللَّهُمَّ وَ تَبَّتْ قُلُوبُنَا بِالطَّاعَةِ وَ الْمُنَاصِحَةِ وَ الْمَحَبَّةِ وَ حُسْنِ الْمُوَازَرَةِ وَ التَّسْلِيمِ. وَ سَبَّحْ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ هُوَ: سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَ الْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا وَ وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ. وَ مَصْبَاحِ الْمَتَهَجِّدِ: ص 301 صَلَاةُ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ - هُمَا رُكْعَتَانِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ مِائَةَ مَرَّةٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ مِائَةَ مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَإِذَا سَلَّمْتَ سَبَّحْتَ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ

عليها السلام ثم تقول: سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبُهْجَةَ وَالْجَمَالَ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ. و مصباح المتهجد: ص 671 ذو الحجة... - ويستحب أن تصلى فيه صلاة فاطمة عليها السلام، وروي أنها أربع ركعات مثل صلاة أمير المؤمنين عليه السلام كل ركعة بالحمد مرة وخمسين مرة قل هو الله أحد و يسبح عقيبها بتسبيح الزهراء عليها السلام و يقول: سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ. و الإقبال بالأعمال الحسنة: ج 2 ص 44 الفصل 6 - فيما نذكره من فضل أول يوم من ذي الحجة... عن الشيخ الطوسي... و جمال الأسبوع: ص 263 الفصل 29 - أربع صلوات لمولاتنا فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله في يوم الجمعة - حدث محمد بن هارون التلعكبري قال: أخبرنا محمد بن قشير قال: حدثنا علي بن حبشي قال: حدثنا العباس بن محمد بن الحسين قال: حدثنا أبي، عن محمد بن سنان، عن المفصل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كانت لأمي فاطمة عليها السلام ركعتان تصليهما علمها جبرئيل عليه السلام فإذا سلمت سبحت التسيح وهو: سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبُهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

23- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 307 ب 28 ح 67 و معاني الأخبار: ص 124 ح 1 - حدثنا عبد الواحد بن محمد بن عبدوس التيسابوري العطار رضي الله عنه قال: حدثنا علي بن محمد بن قتيبة، عن حمدان بن سليمان، عن عبد السلام بن صالح الهروي قال: قلت للرضا عليه السلام: يا ابن رسول الله! أخبرني عن الشجرة التي أكل منها آدم و حواء ما كانت فقد

نَارِي فَمَنْ ادَّعَى مَنَزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أَعَذَّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُسْتَرْكِينَ فِي أَسْفَلِ دَرَكِ نَارِي وَ مَنْ أَقْرَبَ بَوْلًا يَبِيَهُمْ وَ لَمْ يَدَّعِ مَنَزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَكَانَهُمْ مِنْ عَظْمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي رَوْضَاتِ جَنَّتِي وَ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ عِندِي وَ أَبْحَثُهُمْ كِرَامَتِي وَ أَحَلَلْتُهُمْ جِوَارِي وَ شَفَعْتُهُمْ فِي الْمَذْنِبِينَ مِنْ عِبَادِي وَ إِمَائِي فَوَلَا يَتُهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي فَأَيْتُكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَ يَدَّعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَتِي؟ فَابْتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْ ادِّعَاءِ مَنَزِلَتِهَا وَ تَمَنَّى مَحَلَّهَا مِنْ عَظْمَةِ رَبِّهَا فَلَمَّا أَسْكَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ الْجَنَّةَ قَالَ لَهُمَا كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ يَعْنِي شَجَرَةَ الْحِنْطَةِ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَنَظَرَ إِلَى مَنَزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَدَّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَوَجَدَهَا أَشْرَفَ مَنَازِلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ: يَا رَبَّنَا! لِمَنْ هَذِهِ الْمَنَزِلَةُ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ ازْفَعَا رُءُوسَكُمَا إِلَى سَاقِ عَرْشِي فَرَفَعَا رُءُوسَهُمَا فَوَجَدَا اسْمَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِنُورٍ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: يَا رَبَّنَا مَا أَكْرَمَ أَهْلَ هَذِهِ الْمَنَزِلَةِ عَلَيْكَ وَ مَا أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَ مَا أَشْرَفَهُمْ لَدَيْكَ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ هَؤُلَاءِ خَزَنَةَ عِلْمِي وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي إِيَّاكُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنَّى مَنَزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كِرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْبِي وَ عَصِيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ قَالَ: رَبَّنَا وَ مِنَ الظَّالِمُونَ؟ قَالَ الْمُدَّعُونَ لِمَنَزِلَتِهِمْ بغيرِ حَقٍّ. قَالَ: رَبَّنَا فَأَرَدْنَا مَنَازِلَ ظَالِمِيهِمْ فِي نَارِكَ حَتَّى نَرَاهَا كَمَا رَأَيْنَا مَنَزِلَتَهُمْ فِي جَنَّتِكَ، فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى النَّارَ فَابْرَزَتْ جَمِيعَ مَا فِيهَا مِنَ الْأَوَانِ النَّكَالِ وَ الْعَذَابِ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مَكَانُ الظَّالِمِينَ لَهُمُ الْمَدْعِينَ لِمَنَزِلَتِهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكِ مِنْهَا كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلُوا سِوَاهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ، يَا آدَمُ! يَا حَوَاءُ! لَا تَنْظُرَا إِلَى أَنْوَارِي وَ حُجَجِي بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأَهْبِطْكُمَْا عَن جِوَارِي وَ أَحَلِّ بِكُمَْا هَوَانِي فَوْسُوسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيَبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِيمَا وَ قَالَ مَا نَهَاكُمْ رَبُّكُمَْا عَن هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَئِينَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَْا لِمِنَ النَّاصِحِينَ. فَذَلَا هُمَا بِعُزُورٍ وَ حَمَلَهُمَا عَلَى تَمَنَّى مَنَزِلَتِهِمْ فَنَظَرَا

إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَخُذِلَا حَتَّى أَكَلَا مِنْ شَجَرَةِ الْحِنْطَةِ فَعَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَا شَيْءٌ بَعِيرًا فَأَصْلُ الْحِنْطَةِ كُلُّهَا مِمَّا لَمْ يَأْكُلَاهُ وَ أَصْلُ الشَّعِيرِ كُلُّهُ مِمَّا عَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَاهُ فَلَمَّا أَكَلَا مِنَ الشَّجَرَةِ طَارَ الْحُلِيُّ وَ الْحُلُّ عَنْ أَجْسَادِهِمَا وَ بَقِيََا عُرْيَانَيْنِ وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تَلْكُمَا الشَّجَرَةَ وَ أَقَلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَْا عَدُوٌّ مُبِينٌ؟ فَ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَ إِن لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، قَالَ: اهْبِطَا مِنْ حِوَارِي فَلَا يُجَاوِرُنِي فِي جَنَّتِي مَنْ يَعْصِبُنِي فَهَبَطَا مُوَكَّوَلَيْنِ إِلَى أَنفُسِهِمَا فِي طَلَبِ الْمَعَاشِ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمَا جَاءَهُمَا جَبْرَيْلُ فَقَالَ لَهُمَا إِنَّكُمَا ظَلَمْتُمَا أَنفُسَكُمَْا بِتَمَنِّي مَنْزِلَةَ مَنْ فَضَّلَ عَلَيْكُمَا فَجَزَاؤُكُمَا مَا قَدْ عُوْقِبْتُمَا بِهِ مِنَ الْهَبُوطِ مِنْ حِوَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى أَرْضِهِ فَاسْأَلَا رَبَّكُمَا بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ الَّتِي رَأَيْتُمُوهَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ حَتَّى يَتُوبَ عَلَيْكُمَا فَقَالَا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَكْرَمِينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا تُبْتَّ عَلَيْنَا وَ رَحِمْتَنَا فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، فَلَمْ تَزَلْ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ يَحْفَظُونَ هَذِهِ الْأَمَانَةَ وَ يُخْبِرُونَ بِهَا أَوْصِيَاءَهُمْ وَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ أُمَّمِهِمْ فَيَأْبُونَ حَمْلَهَا وَ يُشْفِقُونَ مِنْ ادِّعَائِهَا وَ حَمْلَهَا الْإِنْسَانُ الَّذِي قَدْ عَرِفَ، فَأَصْلُ كُلِّ ظَلَمٍ مِنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. از او: بحار الأنوار: ج 11 ص 172 ب 3 ح 19 و ج 26 ص 320 ب 7 ح 2 و ج 85 ص 136 ب 43 ح 11.

25- ر.ك. پی نوشت شماره 49.

26- مشارق أنوار اليقين: ص 71.

27- بحار الأنوار، ج 25 ص 17 ب 1 ح 30 - من كتاب رياض الجنان، لفضل الله بن محمود الفارسي: بحذف الأسانيد عن أنس بن مالك قال: بينا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ ثُمَّ اسْتَوَى فِي مُحْرَابِهِ كَالْبَدْرِ فِي تَمَامِهِ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَفْسِّرَ لَنَا هَذِهِ الْآيَةَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدُقِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ

ص: 207

الصَّالِحِينَ»، فقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَّا النَّبِيُّونَ فَأَنَا، وَأَمَّا الصَّادِقُونَ فَأَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَأَمَّا الشَّهَادَةُ فَعَمِّي حَمَزَةٌ، وَأَمَّا الصَّالِحُونَ فَأَبْتِي فَاطِمَةُ وَأَوْلَادُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. فنهض العباس من زاوية المسجد إلى بين يديه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَلَسْتُ أَنَا وَأَنْتَ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ مِنْ يَنْبُوعٍ وَاحِدٍ فَصَدَقْتَ، وَلَكِنْ خَلَقَنَا اللهُ نَحْنُ حَيْثُ لَا سَمَاءَ مَبْنِيَّةَ، وَلَا أَرْضَ مَدْحِيَّةَ، وَلَا عَرْشَ وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَارَ، كُنَّا نَسْبُحُهُ حِينَ لَا نَسْبِيحُ، وَنُقَدِّسُهُ حِينَ لَا نُقَدِّسُ، فَلَمَّا أَرَادَ اللهُ بَدْءَ الصَّنْعَةِ فَتَقَّ نُورِي، فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ، فَنُورُ الْعَرْشِ مِنْ نُورِي، وَنُورِي مِنْ نُورِ اللهِ، وَأَنَا أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ، ثُمَّ فَتَقَّ نُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةَ، فَنُورُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ نُورِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ؟ وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نُورِ اللهِ، وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَفَتَقَّ نُورُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، مِنْهُ فَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، فَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، وَنُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللهِ، وَفَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ثُمَّ فَتَقَّ نُورُ الْحَسَنِ، فَخَلَقَ مِنْهُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ فَنُورُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ، وَنُورُ الْحَسَنِ مِنْ نُورِ اللهِ، وَالْحَسَنُ أَفْضَلُ مِنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، ثُمَّ فَتَقَّ نُورُ الْحُسَيْنِ، فَخَلَقَ مِنْهُ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ الْعِينِ، فَنُورُ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ، وَنُورُ الْحُسَيْنِ مِنْ نُورِ اللهِ، وَالْحُسَيْنُ أَفْضَلُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ، ثُمَّ إِنَّ اللهَ خَلَقَ الظُّلْمَةَ بِالقَدْرَةِ، فَأَرْسَلَهَا فِي سَحَابِ البَصَرِ، فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ سُبُوحٌ قُدُّوسٌ، رَبَّنَا! مَذُ عَرَفْنَا هَذِهِ الأَشْدَّ بَاحَ مَا رَأَيْنَا سُوءًا، فَبِحُرْمَتِهِمْ إِلا كَشَفْتِ مَا نَزَلَ بِنَا، فَهَذَاكَ خَلَقَ اللهُ تَعَالَى قَنَادِيلَ الرَّحْمَةِ، وَعَلَّقَهَا عَلَى سَدِّ رَادِقِ الْعَرْشِ، فَقَالَتْ: إِهْنَا! لِمَنْ هَذِهِ الفَضِيلَةُ وَهَذِهِ الأَنْوَارُ؟ فَقَالَ: هَذَا نُورُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، فَلِذَلِكَ سَمَّيْتُ أُمَّتِي الزَّهْرَاءِ، لِأَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ يَنُورُهُمَا ظَهَرَتْ، وَهِيَ ابْنَةُ نَبِيِّ، وَزَوْجَةُ وَصِيِّ، وَحُبَّتِي عَلَى خَلْقِي، أَشَدَّ هِدْكُمْ يَا مَلَائِكَتِي! أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَتُقَدِّيسِكُمْ لِهَذِهِ الْمَرْأَةِ وَشَيْعَتِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. فعند ذلك نهض العباس إلى علي

بن أبي طالب و قَبِل ما بين عينيه وقال: يا علي! لقد جعلك الله حجة بالغية على العباد إلى يوم القيامة. و عيون المعجزات: ص 52- وفي حديث رسول الله صَلَّى الله عليه وآله لما دخل العباس في رواية أبي محمد الجلودي البصري، عن الفرج بن فضالة، عن أبيه، عن يحيى بن سعيد، عن محمد بن أبي بكر، عن عمّار قال: يا محمد! بماذا فضّلت علينا أهل بيتك؟ فقال صَلَّى الله عليه وآله: إليك يا عمّ لا نقل هذا، فإن الله تبارك و تعالی خلقني و علياً نوراً ثم فتق من نورنا سبطي ثم فتق من نورنا نور العرش و من نور سبطي نور الشمس و القمر، كتنا نعلم الملائكة التسيح و التهليل و التمجيد. ثم قال الله تعالی للملائكة: وعزّتي و جلالي و جودي و ارتفاع لأفعلن، فخلق سبحانه نور فاطمة عليها السّلام كالقنديل فزهرت به السّموات فسمّيت الزّهراء، لما استنار بنورها الأفق. فخرج العباس من عنده لا يحير جواباً، فاستقبله علي عليه السّلام فضمّه إلى صدره و قَبِل ما بين عينيه و جبينه و قال: ما أكرمكم على الله يا أهل بيت المصطفى. و كان إسمها في الدار الدّنيا؛ فاطم و فاطم و الزّهراء و البتول و الحصان و الحوراء و

السّيّدة و الصّدّيقة و مريم الكبرى.

28- الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص 133 ب 35 ح 144 - به سند متصل خود از جابر گوید: به امام جعفر صادق عليه السّلام عرض کردم: از برای چه حضرت فاطمة الزهراء زهراء نامیده شدند؟ فرمود: لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمْتِهِ، فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِنُورِهَا، وَ غَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ، وَ خَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ، وَ قَالُوا: إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا، مَا هَذَا النُّورُ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ: هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي، وَ أَسَدُ كُنْتُهُ فِي سَمَائِي، خَلَقْتُهُ مِنْ عَظْمَتِي، أُخْرِجُهُ مِنْ صَدْرِي مِنْ أَنْبِيَاءِي، أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ أُخْرِجُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَيْمَةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي، يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي، وَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي. علل الشرائع: ج 1 ص 180 ب 143 ح 1 به سند متصل خود از جابر از امام صادق عليه السّلام مانند الإمامة و التبصرة. كشف الغمّة: ج 1 ص 464 از امام محمد باقر عليه السّلام مانند آن. نوادر المعجزات: ص 193 ح 3/45 از جابر بن عبد الله از امام محمد باقر عليه السّلام مانند آن و در آن

ص: 209

است: وَيَهْدُونَنِي إِلَىٰ خَلْقِي... . الدَّرُّ النُّظْمِيُّ: ص 456 و حديث کرد حمّاد از عمرو بن شمر از جابر مانند نوادر المعجزات. العدد القويّة: ص 227 از كتاب الدَّرِّ و كتاب مواليد الأئمّة. و دلائل الإمامة: ص 149 ح 60 و يروى: أَنَّهَا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ. معاني الأخبار: ص 64 ح 16- وقد روي: إِنَّمَا سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ.

29- الدعوات، سلوة الحزين، الزّاونديّ: ص 54 ح 137- و عن زين العابدين عليه السّلام قال: ضَمَّنِي وَالِدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَىٰ صَدْرِهِ يَوْمَ قُتِلَ وَالِدُمَا تَغْلَىٰ وَهُوَ يَقُولُ: يَا بُنَيَّ! احْفَظْ عَنِّي دُعَاءَ عَلَمَتَيْهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَعَلَّمَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَّمَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحَاجَةِ وَالْمُهَمِّ وَالْغَمِّ وَالتَّازِلَةِ إِذَا نَزَلَتْ وَالأَمْرِ العَظِيمِ الفَاسِدِ، قَالَ: ادْعُ. از او: بحار الأنوار: ج 92 ص 196 ب 106 ضمن ح 29.

امام زين العابدين عليّ بن الحسين عليهما السّلام فرمود: در روز عاشوراء كه پدرم امام حسين عليه السّلام كشته شد مرا در حالي به سينه اش چسبانيد كه خون از آن جوشش مي كرد به من فرمود: اي پسر! دعايي را كه فاطمه عليها السّلام مرا ياد داد و آن را رسول الله صلى الله عليه و آله به او ياد داد، و آن را جبرئيل عليه السّلام به او ياد داد از من به ياد داشته باش، كه در هر حاجت و گرفتاري و غم و بلا و امر و مصيبيتي (بزرگ و سنگين، دعا كن:.

30- ر.ك. بي نوشت 150.

31- كفاية الأثر: ص 89- حدّثنا أبو الحسن محمد بن جعفر بن محمد التميمي المعروف بابن النجار النحوي قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن محمد بن مروان الغزال قال: حدّثني محمد بن تيم، عن عبد الرحمان بن مهدي قال: حدّثنا معاوية بن صالح، عن عبد الغفار بن القاسم، عن أبي مريم، عن أبي هريرة قال: دخلت على رسول الله صلى الله عليه وآله وقد نزلت هذه الآية: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فقراها علينا رسول الله صلى الله عليه وآله و آله ثم قال: أَنَا الْمُذِيرُ أَمْ تَعْرِفُونَ الْهَادِيَّ؟ فقلنا: لا يا رسول الله . فقال: هُوَ خَاصِيفُ النَّعْلِ . فطوّلت الأعتاق إذ خرج علينا

ص: 210

علي عليه السلام من بعض الحجر ويده نعل رسول الله صلى الله عليه وآله ثم التفت إلينا فقال: أَلَا إِنَّهُ الْمُبْلَغُ عَنِّي، وَالْإِمَامُ بَعْدِي، فَرَوْجُ ابْنَتِي، وَأَبُو سَيْدِ بَطْنِي، فَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ أَذْهَبِ اللَّهُ عَنَّا الرَّجْسَ وَطَهَّرَنَا مِنَ الدَّنَسِ، يَفَاتِلُ بَعْدِي عَلَى التَّأْوِيلِ، كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ، هُوَ الْإِمَامُ، أَبُو الْأَنْمَةِ الرَّهْرِي. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَمْ الْأَنْمَةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نُبُوءَاتِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَمِنَّا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ، يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ فِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْنَا جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ إِلَّا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا. والصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم: ج 2 ص 14- وأسند ابن النجار النحوي إلى أبي هريرة قول النبي صلى الله عليه وآله في علي: أَلَا إِنَّهُ الْمُبْلَغُ عَنِّي... - به إختصار آورده است-

32- كفاية الأثر: ص 162- حدثني علي بن الحسين بن محمد قال: حدثنا عتبة بن عبد الله الحمصي بمكة قراءة عليه سنة ثمانين وثلاثمائة قال: حدثنا موسى القطقاني قال: حدثنا أحمد بن يوسف قال: حدثنا حسين بن زيد بن علي قال: حدثنا عبد الله بن حسين بن حسن، عن أبيه، عن الحسن عليه السلام قال: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا، فَقَالَ بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! كَأَنِّي أُدْعَى فَأَجِيبُ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَلَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.

33- مشارق أنوار اليقين: ص 85- وقال أمير المؤمنين عليه السلام: نَحْنُ أَنْمَةُ الْمُسْلِمِينَ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَنَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَلَوْلَانَا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا.

34- الكافي: ج 1 ص 525 ح 17- ... عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنِّي وَائْتِي عَشْرَ مَنْ وَدِدِي وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضَ يَعْنِي أَوْلَادَهَا وَجِبَالَهَا، بِنَا أَوْ تَدَّ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ مَنْ وَدِدِي سَاخَتْ الْأَرْضُ

بِأَهْلِهَا وَلَمْ يُنْظَرُوا. و الأُصول السَّبعة عشر: ص 16 و دار الحديث: ص 140 ح 6/40 أصل عباد العصفري، عن عمرو بن ثابت، عن أبي الجارود ... و الغيبة، السَّيخ الطُّوسِي: ص 138 - ... عن أبي سعيد العصفري، عن عمرو بن ثابت، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السَّلام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضَ يَعْني أوتادها وَ جبالها، ... و تقريب المعارف: ص 419- و من السَّبعة ما تناصرت به روايتهم عن أبي الجارود، عن أبي جعفر محمَّد بن عليِّ بن الحسين، عن أبيه، عن جدِّه عليهم السَّلام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي وَ اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أوتادُ الْأَرْضِ الَّتِي أَمْسَكَهَا اللَّهُ بِهَا أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يُنْظَرُوا.

35- الأُمالي، الصَّدوق: ص 186 مجلس 34 ح 15 و كمال الدِّين و تمام النِّعمة: ج 1 ص 207 ب 21 ح 22- حدَّثنا محمَّد بن أحمد الشنائي [السَّنانِي] (السَّيباني - كمال الدِّين) رحمه الله قال: حدَّثنا أحمد بن يحيى بن زكريَّا القَطَّان قال: حدَّثنا بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدَّثنا الفضل بن صقر العبدي قال: حدَّثنا أبو معاوية، عن سليمان بن مهران الأعمش، عن الصادق جعفر بن محمَّد، عن أبيه محمَّد بن عليِّ، عن أبيه عليِّ بن الحسين عليهم السَّلام قال: نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسَدِّ لِمِينِ، وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ (أَمَانُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ-الإحتجاج)، كَمَا أَنَّ التُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ بَنَّا يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بَنَّا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَ بَنَّا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ بَنَّا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَ يُخْرِجُ بَرَكَاتٍ (تَخْرُجُ بَرَكَاتُ- الإحتجاج) الْأَرْضِ، وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. (ثُمَّ) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: وَ لَمْ تَخْلُو [تَخْلُ] الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ (حُجَّةٌ لِلَّهِ-الكمال و الإحتجاج) فِيهَا ظَاهِرٌ مَسَّهُ هُوْرٌ (مَسَّهُ هُوْدٌ-الروضة) أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ، وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ (حُجَّةٌ لِلَّهِ-الروضة و

الإحتجاج) فِيهَا، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ. قَالَ سَلِيمَانُ: فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ قَالَ: كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالسَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ. وَ رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ج 1 ص 199 وَ الْإِحْتِجَاجُ: ج 2 ص 317. وَ مَنَاقِبُ آلِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: ج 4 ص 176 از روضة الواعظين.

36- كَمَالُ الدِّينِ وَ تَمَامُ التَّعْمَةِ: ج 1 ص 202 ب 21 ح 6 - بِسَنَدِهِ الْمُتَّصِلِ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ حُجُّجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ، وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ، وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَ العُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ نَحْنُ سُهْدَاءُ اللَّهِ وَأَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ، بِنَا يُمَسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَ بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا، ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ، وَ لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. از او: إرشاد القلوب: ج 2 ص 417.

37- كَمَالُ الدِّينِ وَ تَمَامُ التَّعْمَةِ: ج 1 ص 204 ب 21 ح 14 - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْعَصْفَرِيِّ، عَنِ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمًا (+وَاحِدًا- النُّوَادِرُ وَ الدَّلَائِلُ) بِإِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَ لَعَدَّ بَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ. (+ وَ ذَلِكَ- النُّوَادِرُ وَ الدَّلَائِلُ) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ حُجَّةً فِي أَرْضِهِ، وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِهَا، لَمْ (لَنْ- النُّوَادِرُ وَ الدَّلَائِلُ) يَزَالُوا فِي أَمَانٍ (بِأَمَانٍ- النُّوَادِرُ وَ الدَّلَائِلُ) مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ، ثُمَّ لَا يُمְهِلُهُمْ، وَ لَا يُنْظِرُهُمْ، ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ، وَ رَفَعْنَا إِلَيْهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ (+بِهِمْ مَا يَشَاءُ- النُّوَادِرُ وَ الدَّلَائِلُ) مَا شَاءَ وَ أَحَبَّ. وَ نَوَادِرُ الْمُعْجَزَاتِ: ص 385 ح 4/172 وَ دَلَائِلُ الْإِمَامَةِ: ص 436 ح 11/407 - وَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ ...

38- الأصول السّنة عشر: ص 16 و دار الحديث: ص 40 ح 7/41- عبّاد، عن عمرو، و عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: سمعته يقول: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِلا إِمَامٍ مِنَّا، لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَ لَعَدَّ بَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ، وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، لَنْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ وَ لَا يُنْظِرَهُمْ، ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَ رَفَعَنَا اللَّهُ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا شَاءَ وَ أَحَبَّ.

39- بصائر الدّرجات: ص 9 ب 12 ح 3- حدّثنا محمّد بن عيسى قال: حدّثني المؤمن، حدّثني أبو هراسة، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. و الكافي: ج 1 ص 179 ح 12- عليّ، عن محمّد بن عيسى، عن أبي عبد الله المؤمن، عن أبي هراسة ... و الغيبة، النّعمانيّ: ص 138 ب 8 ح 10- محمّد بن يعقوب الكلينيّ، عن عليّ بن إبراهيم ... لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 202 ب 21 ح 3 - حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن عيسى بن عبيد، عن أبي عبد الله زكريّا بن محمّد المؤمن، عن أبي هراسة ... و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 203 ب 21 ح 9 - حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر قالا: حدّثنا محمّد بن عيسى و محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن أبي عبد الله المؤمن و الحسن بن عليّ بن فضّال، عن أبي هراسة ... و دلائل الإمامة: ص 435 ح 7/403- أبو الحسن عليّ بن هبة الله، عن أبي جعفر، قال: حدّثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن أبي عبد الله محمّد بن خالد البرقيّ، عن الحسن بن عليّ بن فضّال، عن أبي هراسة ...

40- الغيبة، النّعمانيّ: ص 141 ب 10 ح 2- أخبرنا محمّد بن همّام و محمّد بن الحسن بن محمّد بن جمهور جميعاً، عن الحسن بن محمّد بن جمهور قال: حدّثنا أبي، عن بعض رجاله، عن المفصّل بن عمرو قال أبو عبد الله عليه السّلام: خَبِرْتُ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِ تَرْوِيهِ، إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ لِكُلِّ

صَوَابٍ نُورًا. ثُمَّ قَالَ: إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا فَقِيهًا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ، إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ: إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءَ مُنْكَسِفَةً لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا التُّومَةُ، قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَمَا التُّومَةُ؟ قَالَ: الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْطِي خَلْقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ- ثُمَّ تَلَا: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ».

41- بصائر الدرجات: ص 9 ب 12 ح 2- حدَّثنا محمد بن عيسى، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة الثمالي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: (أ) تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، لَسَاخَتْ. وَ الْكَافِي: ج 1 ص 178 ح 10- علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى... . وَ الْإِمَامَةُ وَ التَّبَصُّرَةُ مِنَ الْحَيْرَةِ: ص 30 ب 2 ح 12- سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى... . وَ الْغَيْبَةُ، التَّعْمَانِي: ص 138 ب 8 ح 8- محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم... . وَ كَمَالِ الدِّينِ وَ تَمَامِ التَّعْمَةِ: ج 1 ص 201 ب 21 ح 1- حدَّثنا أبي و محمد بن الحسن رضي الله عنهما قالَا: حدَّثنا سعد بن عبد الله قال: حدَّثنا محمد بن عيسى بن عبيد و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن محمد بن الفضيل... . وَ عِلَلِ الشَّرَائِعِ: ج 1 ص 195 ب 153 ح 5- حدَّثنا محمد بن الحسن قال: حدَّثنا محمد بن الحسن الصفَّار، عن محمد بن عيسى... . وَ عِلَلِ الشَّرَائِعِ: ج 1 ص 198 ب 153 ح 16- حدَّثنا محمد بن الحسن رحمه الله قال: حدَّثنا سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب و محمد بن عيسى بن عبيد، عن محمد بن الفضيل الصيرفي... . وَ عِلَلِ الشَّرَائِعِ: ج 1 ص 198 ب 153 ح 18- أبي رحمه الله قال: حدَّثنا سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن النضر بن سويد، عن محمد بن الفضيل... . وَ الْغَيْبَةُ، الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ: ص 220 ما رواه سعد بن عبد الله الأشعري، عن محمد بن عيسى بن عبيد و

محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب عن محمّد بن الفضل . . . و بصائر الدرجات: ص 9 ب 12 ح 4 - حدّثنا محمّد بن عليّ بن إسماعيل، عن العباس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن الهيثم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له يكون الأرض بلا إمام فيها؟ قال: لا إذا ساخت بأهلها. و علل الشّرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 17 و عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج 1 ص 272 ب 28 ح 1- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمّد بن عيسى و عليّ بن إسماعيل بن عيسى، عن العباس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن القاسم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: تكون الأرض و لا إمام فيها؟ فقال: لا إذا ساخت بأهلها. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 201 ب 21 ح 5- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترقّ، عن أحمد بن عمر الخلال قال: قلت لأبي الحسن الرضا عليه السّلام إنّنا روينا عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: إنّ الأرض لا تبقى بغير إمام - أو - تبقى و لا إمام فيها؟ فقال: معاذ الله لا تبقى ساعة إذا لساخت. و علل الشّرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 15 - أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب و الهيثم بن أبي مسروق النهديّ، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترقّ، عن أحمد بن عمر الخلال، عن أبي الحسن قال: قلت: تبقى الأرض بغير إمام فإنّنا نروي عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: لا، تبقى، إلا أنّ يسخط الله على العباد؟ فقال: لا لا تبقى لو بقيت إذا لساخت. و الكافي: ج 1 ص 178 ح 11- عليّ بن إبراهيم عن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: أ تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: فإنّنا نروي عن أبي عبد الله عليه السّلام: أنّها لا- تبقى بغير إمام إلا أنّ يسخط الله تعالى على أهل الأرض - أو- على العباد؟ فقال: لا لا تبقى إذا لساخت. و الغيبة، النّعمانيّ: ص 138 ب 8 ح 9 - از كليني مانند آن و زيادت: فقال: لا تبقى

الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، وَ لَوْ بَقِيَتْ إِذَا لَسَاخَتْ. وكمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 201 ب 21 ح 2- حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار قال: حدّثنا العباس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن الهيثم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: قلت له: أ تبقى الأرض بغير إمام؟ فقال: لا. قلت: فإنّ نروي عن أبي عبد الله عليه السلام: أنّها، لا، تبقى بغير إمام، إلّا أنّ يسخط الله تعالى على أهل الأرض - أو- على العباد. فقال: لا تبقى إذا لساخت. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 1 ص 245 - سئل الرضا و الصادق عليهما السلام: تكون الأرض و لا إمام؟ قال: إذا لساخت. و بصائر الدرجات: ص 9 ب 12 ح 7. و الكافي: ج 1 ص 178 ح 13- حدّثنا الحسين بن محمّد، عن معلّى بن محمّد، عن الحسن بن عليّ الوشاء قال: سألت الرضا عليه السلام: هل تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: فإنّ نروي: أنّها، لا، تبقى، إلّا أنّ يسخط الله (عزّوجلّ) على العباد؟! قال: لا تبقى إذا لساخت. مانند آن: الغيبة، النعماني: ص 138 ب 8 ح 11- محمّد بن يعقوب، عن الحسين بن محمّد... و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 272 ب 28 ح 3 و علل الشرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 20- حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور رضي الله عنه قال: حدّثنا الحسين بن محمّد بن عامر، عن المعلّى بن محمّد البصريّ... بصائر الدرجات: ص 489 ب 12 ح 6 - حدّثنا محمّد بن سليمان، عن سعد بن سعد، عن أحمد بن عمر، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: قلت له: هل تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: فإنّ نروي عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال: لا، تبقى، إلّا أنّ يسخط الله على العباد؟ قال: لا تبقى إذا لساخت. و بصائر الدرجات: ص 488 ب 12 ح 1- حدّثنا محمّد بن الحسين، عن أبي داود المسترق، عن أحمد بن عمر قال: قلت لأبي الحسن عليه السلام: هل يبقى الأرض بغير إمام فإنّ نروي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا، يبقى الأرض، إلّا أنّ يسخط الله على العباد؟ قال: لا تبقى إذا لساخت. و كمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 203 ب 21 ح 8- و بهذا الإسناد (حدّثنا

أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله وعبد الله بن جعفر الحميريّ قالاً: حدّثنا إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه) عليّ بن مهزيار، عن الحسن بن عليّ الخرزّ، عن أحمد بن عمر قال: سألت أبا الحسن عليه السّلام: أتبقى الأرض بغير إمام؟ قال: فقال: لا. قلت: فإننا نروي: أنّها لا تبقى، إلا أن يسخط الله على العباد. فقال: لا تبقى إذا لساخت. و عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج 1 ص 272 ب 28 ح 2 و علل الشرائع: ج 1 ص 198 ب 153 ح 19 - حدّثنا أبي قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن عبّاد بن سليمان، عن سعد بن سعد الأشعري، عن أحمد بن عمر، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: هل تبقى الأرض بغير إمام؟ فقال: لا. قلت: فإننا نروي عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: لا، تبقى (الأرض بغير إمام - العلل)، إلا أن يسخط الله على العباد! فقال: لا تبقى إذا لساخت.

42- بصائر الدرجات: ص 9 ب 12 ح 8- حدّثنا محمّد بن محمّد، عن أبي طاهر محمّد بن سليمان، عن أحمد بن هلال قال: أخبرني سعيد، عن سليمان الجعفريّ قال: سألت أبا الحسن الرضا عليه السّلام قلت: تخلو الأرض من حجة الله؟ قال: لو خلت الأرض طرفة عين من حجة لساخت بأهلها. مانند آن: مختصر البصائر: 64 ح 34- (سعد) عن سليمان بن جعفر الجعفري... و علل الشرائع: ج 1 ص 199 ب 153 ح 21- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الدينوريّ ومحمّد بن أحمد بن أبي قتادة، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن سليمان بن جعفر الجعفريّ... و كمال الدين و تمام التّعمة: ج 1 ص 204 ب 21 ح 15 - حدّثنا أبي ومحمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالاً: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميريّ، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن جناح، عن سليمان الجعفري... و عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج 1 ص 272 ب 28 ح 4 - حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الحسن بن عليّ الزيتونيّ ومحمّد بن أحمد بن أبي قتادة، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن سليمان، عن سليمان بن جعفر الحميريّ قال: سألت الرضا... .

43- المحاسن: ج 1 ص 234 ب 21 ح 193- بسند صحيح عن زياد العطار، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَكُونُ إِلَّا وَفِيهَا حُجَّةٌ، إِنَّهُ لَا يُصَلِّحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِكَ، وَلَا يُصَلِّحُ الْأَرْضَ إِلَّا ذَلِكَ. وكمال الدين وتمام النعمة: ج 1 ص 203 ب 21 ح 7- بسند صحيح عن حسن بن زياد قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا حُجَّةً عَالِمٌ، إِنَّ الْأَرْضَ لَا يُصَلِّحُهَا إِلَّا ذَلِكَ، وَلَا يُصَلِّحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِكَ.

44- سورة (3) آل عمران (آل محمد صلوات الله عليهم) آية 62.

45- الدعوات، الراوندي: ص 91 تسبيح فاطمة عليها السلام في اليوم الثالث:

از اون بحار الأنوار: ج 1 ص 205 ب 37 ح 3.

46- دلائل الإمامة: ص 139 ح 47/47 - حدثني أبو الحسن أحمد بن الفرج بن منصور بن محمد، قال: حدثنا أبو الحسن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي قال: حدثنا سعد بن عبد الله قال: حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن سعيد الثقفي قال: حدثني عثمان بن سعيد قال: حدثنا أحمد بن حماد بن أحمد الهمداني قال: حدثنا عمرو بن ثابت، عن أبيه، عن محمد بن علي بن الحسين بن علي عليهم السلام قال: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ لِحَاجَةٍ. قَالَ سَلْمَانُ: فَوَقَفْتُ بِالْبَابِ وَقَفَّةً حَتَّى سَلَّمْتُ، فَسَجَعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوْاءَ، وَالرَّحَى تَدُورُ مِنْ بَرٍّ، مَا عِنْدَهَا أُنَيْسٌ. قَالَ: فَعُدْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! رَأَيْتُ أَمْرًا عَظِيمًا فَقَالَ: هِيَ يَا سَلْمَانُ، تَكَلَّمُ بِمَا رَأَيْتَ وَسَجَعْتَ. قَالَ: وَقَفْتُ بِبَابِ ابْنَتِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَسَلَّمْتُ، فَسَجَعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوْاءَ، وَالرَّحَى تَدُورُ مِنْ بَرٍّ مَا عِنْدَهَا أُنَيْسٌ! قَالَ: فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: يَا سَلْمَانُ، إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا، فَتَفَرَّغَتْ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ

ص: 219

عَزَّ وَجَلَّ فَبَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا اسْمُهُ رُؤْفَائِيلُ - وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: رَحْمَةٌ - فَأَدَارَ لَهَا الرَّحَى فَكَفَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُمُونَةَ الدُّنْيَا مَعَ مُمُونَةَ الْآخِرَةِ. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 337. ر.ك. الثاقب في المناقب: ص 290 الفصل 3 ح 248.

47- سورة (98) البينة آية 6.

48- مناقب علي بن أبي طالب، الخطيب الخوارزمي: ص 342 إلى 354 الفصل 20 ح 364 به سند خودش از أم سلمة و سلمان الفارسي و علي بن أبي طالب عليه السلام روایت مفصل و طولانی را درباره ازدواج حضرت فاطمه عليها السلام نقل می کند تا این که می نویسد: ... قَالَ جَبْرَائِيلُ: ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ: أَنْ أَعْقِدَ عُقْدَةَ النِّكَاحِ فَإِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ بِنْتَ حَبِيبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَعَقَّدْتُ عُقْدَةَ النِّكَاحِ، وَأَشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ الْمَلَائِكَةَ أَجْمَعِينَ، وَكُتِبَ شَهَادَتُهُمْ فِي هَذِهِ الْحَرِيرَةِ، وَقَدْ أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَعْرِضَ بِهَا عَلَيْكَ، وَأَنْ أَخْتِمَهَا بِخَاتَمِ مَسْكِ، وَأَنْ أَدْفَعَهَا إِلَى رِضْوَانٍ، از او: كشف الغمّة في معرفة الأئمة: ج 1 ص 357. بحار الأنوار: ج 43 ص 128 ب 5 ضمن ح 23 از كشف الغمّة.

49- الأمالي، ابن بابويه القمي: ص 113 مجلس 24- حدّثنا علي بن أحمد بن موسى الدقاق رحمه الله قال: حدّثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي قال: حدّثنا موسى بن عمران النخعي، عن عمّه الحسين بن يزيد التوفلي، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان جالساً ذات يوم إذ أقبل الحسن عليه السلام فلمّا رآه بكى ثم قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا بُنَيَّ، فما زال يدنيه حتّى أجلسه على فخذه اليمنى ثم أقبل الحسين عليه السلام فلمّا رآه بكى ثم قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا بُنَيَّ، فما زال يدنيه حتّى أجلسه على فخذه اليسرى ثم أقبلت فاطمة عليها السلام فلمّا رآها بكى ثم قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا بُنَيَّةُ، فأجلسها بين يديه ثم أقبل أمير المؤمنين عليه السلام فلمّا رآه بكى ثم قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا بُنَيَّ، فما زال يدنيه حتّى أجلسه إلى جنبه الأيمن. فقال له أصحابه: يا رسول الله! ما ترى واحداً من هؤلاء إلا بكيت أو ما فيهم من تسرّ برؤيته؟ فقال صلى الله عليه وآله: «... و أمّا ابنتي فاطمة، فإنّها سيّدة نساء

ص: 220

الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، ... مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي! انظُرُوا إِلَيَّ أُمَّتِي فَاطِمَةَ، سَيِّدَةَ إِمَانِي، قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ، تَرْتَعِدُ فَرَانِصُهَا مِنْ خِيفَتِي، وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَيَّ عِبَادَتِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ بِشَيْعَتِهَا مِنَ النَّارِ، ...». از او: بشارة المصطفى: ج 2 ص 198 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 360 و إرشاد القلوب: ج 2 ص 295 و الفضائل، ابن شاذان القمي: ص 9 المقدمة و بحار الأنوار: ج 28 ص 38 ب 2 ح 1 و ج 43 ص 172 ب 7 ح 13.

50- بحار الأنوار: ج 43 ص 76 ب 3 ضمن 62 من كتاب قديم من العامة: وقال الحسن: ما كان في الدنيا أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى تتورم قدمها. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 341- حلية أبي نعيم و مسند أبي يعلى ... الحسن البصري: ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى تورمت قدمها. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 84 ب 4. و ربيع الأبرار و نصوص الأخبار: ج 2 ص 274 - الحسن: ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى تورمت قدمها. والمستطرف في كل فن مستطرف: ج 1 ص 26- وقال الحسن: ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة رضي الله عنها بنت رسول الله صلى الله عليه (وآله) و سلم، وكانت تقوم بالأسحار حتى تورمت قدمها. 51- معاني الأخبار: ص 396 ح 53 - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رضي الله عنه قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن يعقوب بن يزيد قال: حدثنا الحسن بن علي بن فضال، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن سدير الصيرفي، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ. فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! فَلَيْسَتْ هِيَ إِنْسِيَّةً؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ. قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! وَ كَيْفَ هِيَ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ؟ قَالَ: خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كَانَتْ الْأَرْوَاحُ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ عُرِضَتْ

عَلَى آدَمَ. قِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! وَأَيْنَ كَانَتْ فَاطِمَةُ؟ قَالَ: كَانَتْ فِي حُقَّةٍ تَحْتَ سَاقِ الْعَرْشِ. قَالُوا: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! فَمَا كَانَ طَعَامُهَا؟ قَالَ: التَّسْبِيحُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّحْمِيدُ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ وَ أَخْرَجَنِي مِنْ صَدْلِهِ، أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ صُلْبِي، جَعَلَهَا تَفَاحَةً فِي الْجَنَّةِ وَ أَتَانِي بِهَا جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا مُحَمَّدُ، قُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ. فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ رَبَّكَ يُفْرِنُكَ السَّلَامُ! قُلْتُ: مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ يَعُودُ السَّلَامُ، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ هَذِهِ تَفَاحَةٌ أَهْدَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَخَذْتُهَا وَ صَدَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: كُلْهَا، فَفَلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ نُورًا سَاطِعًا فَفَزِعْتُ مِنْهُ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ؟ كُلْهَا وَ لَا تَحْخَفْ، فَإِنَّ ذَلِكَ النُّورَ الْمُنْصُورَةَ فِي السَّمَاءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ، قُلْتُ: حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ! وَلِمَ سَدَمَيْتَ فِي السَّمَاءِ الْمُنْصُورَةَ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ؟ قَالَ: سَدَمَيْتَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فَطَمَتْ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ، وَ فُطِمَ أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا، وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمُنْصُورَةَ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بَنَصْرٍ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ، يَعْنِي نَصْرَ فَاطِمَةَ لِمَحَبَّتِهَا.

52- ر.ك. بي نوشت 150.

53- سورة (8) الأنفال آيه 46.

54- سورة (26) الشعراء آيه 228.

55- سورة (33) الأحزاب آيه 36.

56- سورة (12) الجمعة آيه 11.

57- التبيان في تفسير القرآن: ج 8 ص 347- روي في أخبارنا أن: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.

58- معاني الأخبار: ص 193 ح 5- وقد روي في خبر آخر عن الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سَأَلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» مَا هَذَا الذِّكْرُ الْكَثِيرُ؟ قَالَ: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ. حَدَّثَنَا بِذَلِكَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ

ص: 222

بن إدريس، عن محمد بن أحمد قال: حدثنا أبو محمد جعفر بن أحمد بن سعيد البجلي ابن أخي صفوان بن يحيى، عن علي بن أسباط، عن سيف بن عميرة، عن أبي الصباح بن نعيم العاندي، عن محمد بن مسلم قال في حديث يقول في آخره: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ. از او: وسائل الشيعة: ج 6 ص 442 ب ح 8393-4 و بحار الأنوار: ج 82 ص 331 ب ح 37 ح 8. و تفسير العياشي: ج 1 ص 67 ح 122 عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ. و مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 8 ص 568- عن زرارة و حمران ابني أعين، عن أبي عبد الله عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. از او: وسائل الشيعة: ج 6 ص 443 ب ح 8395-6 و البرهان في تفسير القرآن: ج 4 ص 476 ح 8663 و بحار الأنوار: ج 82 ص 335 ب ح 22.

59- الكافي: ج 2 ص 500 ح 4- محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن سيف بن عميرة، عن بكر بن أبي بكر، عن زرارة بن أعين، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. از او: وسائل الشيعة: ج 6 ص 441 ب ح 8390-1.

و تأويل الآيات الظاهرة: ص 446 و البرهان في تفسير القرآن: ج 4 ص 476 ح 8660- قال محمد بن العباس رحمه الله: حدثنا أحمد بن هوزة الباهلي، عن إبراهيم بن إسحاق التهاوندي، عن عبد الله بن حماد، عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

60- تأويل الآيات الظاهرة: ص 446 و البرهان في تفسير القرآن: ج 4 ص 476 ح 8661- قال محمد بن العباس رحمه الله: حدثنا الحسين بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن إسماعيل بن عمارة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: قول الله عز وجل: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ما حده؟ قال: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَنْ تُكَبِّرَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ

تَكْبِيرَةً وَتُسْبِيحًا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً وَتُحَمِّدًا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ مَرَّةً، وَبِالنَّهَارِ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرْتَ اللَّهَ كَثِيرًا.

61- الكافي: ج 3 ص 363 ح 13 - محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن أبي هارون المكفوف، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ، فَالزَّمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمَهُ عَبْدٌ فَسَقِيَ. از او: تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ب 8 ح 165 و وسائل الشيعة: ج 6 ص 441 ب ح 8391-2. و مانند آن الأمامي، الشيخ الصدوق: ص 579 المجلس 85 ح 16- حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رضوان الله عليه قال: حدثنا الحسن بن محمد بن عامر، عن عمه عبد الله بن عامر، عن محمد بن أبي عمير، عن أبي هارون المكفوف ... و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص 163- حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن أبي هارون المكفوف، عن أبي عبد الله عليه السلام قال لأبي هارون المكفوف: يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِتَسْبِيحِ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ، فَالزَّمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمَهُ عَبْدٌ فَيَسْتَقِي.

62- المقنعة: ص 140- و سئل الصادق عليه السلام عن قول الله عز وجل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» ما حدّ هذا الذكر؟ فقال: مَنْ سَبَّحَ فِي عَقَبِ كُلِّ فَرِيضَةٍ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

63- مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 8 ص 561- روي عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ.

از او: وسائل الشيعة: ج 1 ص 447 ب 11 ح 8404 - 4 و بحار الأنوار: ج 22 ص 176 ب 2 و ج 82 ص 335 ب 37 ضمن ح 22.

64- الكافي: ج 3 ص 343 ح 15- (محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة - معلق) عن أبي خالد القمطاط قال: سمعت أبا عبد الله

عليه السلام يقول:.. از او: تهذيب الأحكام: ج2 ص105 ب8 ح167 وفلاح السائل ونجاح المسائل، ص135. و ثواب الأعمال وعقاب الأعمال: ص163- حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن إسماعيل، عن أبي خلف القمطاط قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. و مكارم الأخلاق: ص301- فروي عن الصادق عليه السلام أنه قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي عَقِيبِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. و مجموعة ورام: ج1 ص301- عن الصادق عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ فَرِيضَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج1 ص471- روي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ كُلَّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. و عوالي اللئالي: ج1 ص333 ح91- وروي عن الباقر عليه السلام أنه قال: مَا عِبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامَ، وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ. إِنَّ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ دُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

وسائل الشيعة: ج6 ص444 ب9 ح8397-2 از الكافي و التهذيب و ثواب الأعمال.

بحار الأنوار: ج82 ص332 ب37 ح9 از ثواب الأعمال و از مصباح الأنوار مرسل.

65- الكافي: ج3 ص343 ح14- (محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع- معلق)، عن صالح بن عقبة، عن عقبة، عن أبي جعفر عليه السلام قال:.. از او: تهذيب الأحكام: ج2 ص105 ب8 ح166، و وسائل الشيعة: ج6 ص443 ب9 ح8396 و بحار الأنوار: ج43 ص64 ب3 ح56.

66- سورة (2) آية 239.

ص: 225

67- تفسير العياشي: ج 1 ص 128 ح 421- [عن زرارة]، عن عبد الرحمن بن كثير، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: «حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى - وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» قال: الصَّلَاةُ رُسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَ الْوَسْطَى: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، «وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» طَائِعِينَ لِالْأَيْمَةِ. از او: البرهان في تفسير القرآن: ج 1 ص 498 ح 496 ح 1320.

68- سورة (30) الروم آية 31.

69- سورة (82) الإنفطار آية 2.

70- معاني الأخبار: ص 56 ح 3. از او: بحار الأنوار: ج 37 ص 47 ب 50 ح 23.

71- الأمالي، ابن بابويه: ص 592 المجلس 86 ح 18 و الخصال: ج 2 ص 414 ح 3 و علل الشرائع: ص 178 ب 142 ح 3 - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٍّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ زُبَيْرَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ وَ الصَّبِيحَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ: تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سَمِيَتْ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي. قَالَ: فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و دلایل الإمامة: ص 79 ح 19- أخبرني الشريف أبو محمد الحسن بن أحمد العلوي المحمدي النقيب، قال: أخبرني أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى القمي رضي الله عنه، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٍّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ زُبَيْرَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ وَ الْمَدْبُةُ، وَ الْمُبَارَكَةُ، وَ الطَّاهِرَةُ، وَ الزَّكِيَّةُ،

ص: 226

وَ الرَّاضِيَّةُ، وَ الْمَرْضِيَّةُ، وَ الْمُحَدَّثَةُ، وَ الزَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَ تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي، فَمِمَّا فَطِمْتَ؟ قَالَ: مِنَ الشُّرْكِ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. وَ روضة الواعظين: ج 1 ص 148 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 2 ص 181 و كشف الغمّة في معرفة الأئمة: ج 1 ص 463 و الدرّ التّظيم في مناقب الأئمة اللّهاميم: ص 455 مانند الأمالى و الخصال و الشرائع.

72- سورة (7) الأعراف آيه 47.

73- احاديث بسيارى در كتاب هاى: بصائر الدرّجات و الإختصاص و الكافي وغير آن ها درباره اين مطلب است، و ما در اين جا به دو حديث شريف اكتفا مى كنيم: بصائر الدرّجات: ص 497 ب 16 ح 7 به سند خود از اصبع بن نباتة از سلمان فارسى گفّت: قسم به خداوند هر آينه از رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم شنيدم كه به حضرت على عليه السلام مى فرمود: يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِي - أَوْ قَالَ: - مِنْ بَعْدِكَ أَعْرَافٌ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ، وَ أَعْرَافٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ، وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَ أَنْكَرْتُمُوهُ. وَ بصائر الدرّجات: ص 497 ب 16 ح 6 به سند صحيح از اصبع بن نباتة گويد: امير المؤمنين عليه السلام فرمود: ... وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا، ...

74- سورة (98) البينة آيه 6.

75- تأويل الآيات الظاهرة: ص 800- محمّد بن خالد البرقي مرفوعاً، عن عمرو بن شمر، عن جابر بن يزيد، عن أبي جعفر عليه السلام قال: في قوله عزّ وجلّ: «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» قَالَ هُمْ مُكَذِّبُو الشَّيْعَةِ لِأَنَّ الْكِتَابَ هُوَ الْآيَاتُ، وَ أَهْلُ الْكِتَابِ الشَّيْعَةُ. وَ قَوْلُهُ: «وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ» يَعْنِي الْمُرْجِيَّةَ، «حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيْتَةُ» قَالَ: يَتَّضِحُ لَهُمُ الْحَقُّ. وَ قَوْلُهُ: «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ» يَعْنِي مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، «يَتْلُوا صَدْحًا مُطَهَّرَةً» يَعْنِي يَدُلُّ عَلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِهِ، وَ هُمْ الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ هُمْ الصُّحُفُ الْمُطَهَّرَةُ، وَ قَوْلُهُ: «فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ» أَي عِنْدَهُمْ

ص: 227

الْحَقُّ الْمُبِينُ. وَقَوْلُهُ: «وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» يَعْنِي مَكِّدِي الشَّيْعَةِ. وَقَوْلُهُ: «إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ» أَي مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْحَقُّ، «وَمَا أَمُرُوا» هُوَ لِأَصْدِنَافُ «إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» وَالإِخْلَاصُ الإِيْمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَقَوْلُهُ: «وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ» وَالصَّلَاةُ وَ الزَّكَاةُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» قَالَ: هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَقَوْلُهُ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» قَالَ: الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِأَوْلِي الأَمْرِ وَاطَاعُوهُمْ بِمَا أَمَرُوهُمْ بِهِ فَذَلِكَ هُوَ الإِيْمَانُ وَالعَمَلُ الصَّالِحُ، وَقَوْلُهُ: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُ رَاضٍ عَنِ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا وَالأُخْرَى، وَ الْمُؤْمِنُ وَإِنْ كَانَ رَاضِيًا عَنِ اللَّهِ فَإِنَّ فِي قَلْبِهِ مَا فِيهِ لِمَا يَرَى فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ التَّمَحِيصِ، فَإِذَا عَايَنَ الثَّوَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ الْحَقُّ حَقَّ الرِّضَا، وَهُوَ قَوْلُهُ: «وَرَضُوا عَنْهُ»، وَقَوْلُهُ: «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» أَي أَطَاعَ رَبَّهُ. وَمَعْنَى آخِرِ أَنْ بُولَايَتِهِمْ تَقْبَلُ الصَّلَاةَ وَ الزَّكَاةَ وَ جَمِيعَ الأَعْمَالِ. وَقَوْلُهُ: «وَدِينُ الْقِيَمَةِ» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، أَي صَاحِبَةُ دِينِ الْقِيَمَةِ أَي المَلَّةِ المُسْتَقِيمَةِ.

76- سورة (74) المدثر آية 36.

77- تفسير القمي: ج 2 ص 396 - أخبرنا الحسين بن محمد، عن المعلى بن محمد، عن الحسن بن عليّ الوشاء، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «إِنَّهَا لِأَحَدِي الكُبَرِ* نَدِيرًا لِلْبَشَرِ» قال: يَعْنِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. از او: البرهان في تفسير القرآن: ج 5 ص 528 ح 11207 و بحار الأنوار: ج 24 ص 331 ب 67 ح 55 و ج 43 ص 23 ب 3 ح 16.

78- الكافي: ج 1 ص 434 ح 91.

79- كنز الفوائد: ج 1 ص 149 به سند خود از موسى بن جعفر از پدران گرامش از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كه فرمود: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أَيْةُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَتَا اللَّهِ، عَلَى مُبَغْضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.

ص: 228

81- احادیث بسیاری در کتاب های: بصائر الدرجات و الإختصاص و الکافی و غیر آن ها درباره این مطلب است، و ما در این جا به دو حدیث شریف اکتفا می کنیم: بصائر الدرجات: ص 497 ب 16 ح 7 به سند خود از اصبع بن نباته از سلمان فارسی گفت: قسم به خداوند هر آینه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که به حضرت علی علیه السلام می فرمود: يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِي - أَوْ قَالَ: - مِنْ بَعْدِكَ أَعْرَافٌ لَا يُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ، وَأَعْرَافٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَأَنْكَرْتُمُوهُ. و بصائر الدرجات: ص 497 ب 16 ح 6 به سند صحیح از اصبع بن نباته گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ... وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا، ...

82- سورة (6) الأنعام آیه 98.

83- تفسیر القمی: ج 1 ص 211. از او: مناقب آل ابي طالب عليهم السلام: ج 4 ص 178.

84- معاني الأخبار: ص 115 ح 2- حدّثنا أبو الحسن محمد بن عمرو البصريّ قال: حدّثنا أبو القاسم نصر بن الحسين الصّفّار التّهانديّ بها قال: حدّثنا أبو الفرج أحمد بن محمد بن خوزيّ السامريّ قال: حدّثنا أبو بكر القاسم بن إبراهيم القنطريّ قال: حدّثنا إبراهيم بن خالد الحلوانيّ قال: حدّثنا محمد بن خلف العسقلانيّ قال: حدّثنا محمد بن السريّ، عن محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِفْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَافْتَدُوا بِالْقَمَرِ، فَإِذَا غَابَ الْقَمَرُ فَافْتَدُوا بِالزُّهْرَةِ، فَإِذَا غَابَتِ الزُّهْرَةُ فَافْتَدُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ. فقالوا: يا رسول الله! فما الشمس وما القمر وما الزهرة وما الفرقدان؟ فقال: أَنَا الشَّمْسُ، وَ عَلِيٌّ الْقَمَرُ، وَ الزُّهْرَةُ فَاطِمَةُ، وَ الْفَرْقَدَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. حدّثنا أحمد بن محمد بن عبد الرّحمان المقرئ قال: حدّثنا أبو الحسن عليّ بن الحسن بن بندار قال: حدّثنا أبو الحسن بن حيسون [حيون] قال: حدّثنا القاسم بن إبراهيم قال: حدّثنا إبراهيم بن خالد الواسطيّ قال: حدّثنا محمد بن خلف قال: حدّثنا عبد الله بن السريّ، عن محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله، عن رسول الله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَّهُ قَالَ: إِفْتَدُوا بِالشَّمْسِ - وذكر الحديث مثله سواء . از او: بحار الأنوار: ج 24 ص 74 ب 30 ح 9.

و از كتب عامه: شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 76 ح 91 - أخبرنا أبو عبد الله محمد بن عبد الله بن أحمد الفسوي بقراءتي عليه من أصله قال: حدثنا أبو يعقوب بن يوسف بن مكِّي الرنجاني بهمذان قال: حدثنا أبو بكر أحمد بن سليمان ببغداد قال: قرئ على هلال بن العلاء الرقي و أنا أسمع قال: حدثني أبي، عن الدراوردي، عن مكحول، عن محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إهتدوا بالشَّمْسِ، فإذا غاب الشَّمْسُ فَاهْتَدُوا بِالْقَمَرِ، فإذا غاب القَمَرُ فَاهْتَدُوا بِالزُّهْرَةِ، فإذا غابت الزُّهْرَةُ فَاهْتَدُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ. فقيل: يا رسول الله! ما الشَّمْسُ و ما القمر و ما الزُّهْرَةُ و ما الفرقدان؟ قال: الشَّمْسُ أَنَا، القَمَرُ عَلِيٌّ، وَ الزُّهْرَةُ فَاطِمَةُ، وَ الْفَرْقَدَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. و شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 2 ص 288 ح 922- أخبرنا أبو سعد السعدي في فوائده، أخبرنا أبو الحسن علي بن محمد السري الهمداني ببغداد، حدثنا محمد بن هبة الله بن المهدي بالله، حدثنا أبو منصور نصر بن عبد الرحمن المصيبي، حدثنا عبد الله بن عبد الرحمن البصري، حدثنا عمرو بن مرزوق، حدثنا شعبة، عن الأعمش، عن أبي عبد الرحمن السلمي، عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا فَقَدْتُمُ الشَّمْسَ فَاتُّوا الْقَمَرَ، وَإِذَا فَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَاتُّوا الزُّهْرَةَ، فَإِذَا فَقَدْتُمُ الزُّهْرَةَ فَاتُّوا الْفَرْقَدَيْنِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الشَّمْسُ؟ قَالَ: أَنَا، قِيلَ: مَا الْقَمَرُ؟ قَالَ: عَلِيٌّ. قِيلَ: مَا الزُّهْرَةُ؟ قَالَ: فَاطِمَةُ. قِيلَ: مَا الْفَرْقَدَانِ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. و فرائد السمطين: ج 2 ص 16 ب 3 السمط 2: ح 367 - أخبرني أحمد بن إبراهيم الفاروقي، أنبأنا أبو طالب بن عبد المسيح الهاشمي، أنبأنا شاذان بن جبرئيل القمي بقرائتي عليه، أنبأنا محمد بن عبد العزيز القمي، أنبأني أبو عبد الله محمد بن أحمد بن علي النطنزي قال: أنبأنا أبو الفتح [الفتح «خ»] المحسن بن أبي طاهر حامد بن محمد بن أبي الصِّباح الماه آبادي فيما قرأت عليه من أصل سماعه قال: حدثنا الحافظ أبو مسعود سليمان بن إبراهيم بن سليمان قال: حدثنا أبو

الحسن عليّ بن جعفر الإمام، حدّثنا عمر بن عليّ بن إبراهيم بن عيسى بن جرير بن موسى البغداديّ بالبصرة إملاءً سنة سبع و خمسين و ثلاث مائة قال: أخبرنا القاضي يوسف بن يعقوب بن إسماعيل بن حمّاد بن زيد بن درهم، قال: أخبرنا عمرو بن مزروق، عن شعبة بن الحجاج، عن الأعمش، عن أبي عبد الرحمن السلميّ، عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلم: اطلُّوا الشَّمْسَ، فَإِذَا غَابَتْ فَاطْلُبُوا الْقَمَرَ، فَإِذَا غَابَ فَاطْلُبُوا الزُّهْرَةَ، فَإِذَا غَابَتْ فَاطْلُبُوا الْفَرْقَدَيْنِ. قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَنِ الشَّمْسُ؟ قَالَ: أَنَا. وَمَنِ الْقَمَرُ؟ قَالَ: عَلِيٌّ. قُلْنَا: وَمَنِ الزُّهْرَةُ؟ قَالَ: فَاطِمَةُ. قُلْنَا: فَمَنِ الْفَرْقَدَانِ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

85- الأُمالي، الطُّوسِيّ: ص 516 المجلس 18 ح 1131-38- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل قال: حدّثنا الحسن بن عليّ بن زكريّا أبو سعيد البصريّ قال: حدّثنا محمّد بن صدقة العنبريّ قال: حدّثنا موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمّد، عن أبيه محمّد بن عليّ عليهم السّلام، عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: صلّى بنا رسول الله صلّى الله عليه وآله يوماً صلاة الفجر، ثم انفتل و أقبل علينا يحدثنا، فقال: أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ، وَمَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْفَرْقَدَيْنِ. قَالَ: فَقُمْتُ أَنَا وَ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ وَمَعَنَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مِنَ الشَّمْسِ قَالَ: أَنَا، فَإِذَا هُوَ صَدَرَ رَبِّ لَنَا مَثَلًا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنَا وَ جَعَلَنَا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّمَاءِ، كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَأَنَّى الشَّمْسُ فَإِذَا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ. قُلْنَا: فَمَنِ الْقَمَرُ؟ قَالَ: أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَزِيرِي وَ قَاضِي دِينِي وَ أَبُو وَ لَدِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. قُلْنَا: فَمَنِ الْفَرْقَدَانِ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. ثُمَّ مَكَثَ مَلِيًّا، وَقَالَ: فَاطِمَةُ هِيَ الزُّهْرَةُ، وَ عَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. از او: بحار الأنوار: ج 24 ص 75 ب 30 ح 11. 86- الأُمالي، ابن بابويه القميّ: ص 487 مجلس 73 - از ابن عباس از رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلم ضمن حديثي درباره حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمودند: ... فَأَمَّا ابْنَتِي

فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ، وَإِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ: « يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ » ... و بشارة المصطفى: ج2 ص 177 و روضة الواعظين: ج1 ص 149 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج3 ص 360 مانند الأمالي.

87- الأمالي، ابن بابويه القمي: ص 114 مجلس 24 به سند خود از ابن عباس از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ضمن حديثي درباره حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمودند: ... وَ تَسْتَوْحِشُ إِذَا جَنَّهَا اللَّيْلُ لِفَقْدِ صَوْتِي الَّذِي كَانَتْ تَسْتَمِعُ إِلَيْهِ إِذَا تَهَجَّدَتْ بِالْقُرْآنِ، ثُمَّ تَرَى نَفْسَهَا ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كَانَتْ فِي أَيَّامِ أَبِيهَا عَزِيزَةً فَعِنْدَ ذَلِكَ يُرْسِدُهَا اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِالْمَلَائِكَةِ، فَنَادَتْهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا فَاطِمَةُ! اقْنِطِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ. از او: بشارة المصطفى: ج2 ص 198 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج3 ص 360.

88- احاديث بسياری در باب محدث بودن حضرات محمد و آل محمد و حضرت فاطمه صلوات الله عليهم است که به برخی از آن ها اشاره می شود: سوره (22) الحج آیه 53: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسُخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». و تفسیر علی بن ابراهیم القمي: ج2 ص 85 و اما در روایات خاصه همانا روایت شده است از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَصَابَهُ خِصَاصَةٌ فَجَاءَ إِلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ: هَلْ عِنْدَكَ مِنْ طَعَامٍ؟ فَقَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَبَحَ لَهُ عَنَاقًا وَشَوَاهُ، فَلَمَّا أَدْنَاهُ مِنْهُ تَمَنَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَنْ يَكُونَ مَعَهُ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَجَاءَ مُنَافِقَانِ، ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ بَعْدَهُمَا، فَانزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ»، يَعْنِي فُلَانًا وَ فُلَانًا». و بصائر الدرجات: ص 320

ب5 ح3 به سند متصل خود از حکم بن عینة قال: دخلت على علي بن الحسين يوماً فقال لي: «يا حَكَمُ! هل تدري ما الآية التي كان علي بن أبي طالب عليه السلام يعرف بها ما صاحب قبيله (يعرف قاتله بها- الكافي) و يعلم بها الأمور العظام التي كان يحدث بها الناس؟». قال الحَكَمُ: فقلت في نفسي: قد وقفت على علم من علم علي بن الحسين، أعلم بذلك تلك الأمور العظام. قال: فقلت: لا والله لا أعلم به أخبرني بها يا ابن رسول الله صلى الله عليه وآله. قال: «والله قول الله وما أرسَلنا من رسول ولا نبي ولا محدث» فقلت: وكان علي بن أبي طالب عليه السلام محدثاً؟ قال: «نعم وكل إمام من أهل البيت فهو محدث». از او: الكافي: ج1 ص270 ح2 مانند او و اضافه نمود: فقال له رجل يقال له عبد الله بن زيد كان أخا علي لأمه: سبحان الله محدثاً كأنه ينكر ذلك فأقبل علينا أبو جعفر عليه السلام فقال: «أما والله إن ابن أمك بعد قد كان يعرف ذلك». قال: فلما قال ذلك سكت الرجل. فقال: «هي التي هلك فيها أبو الخطاب فلم يدرك ما تأويل المحدث والنبي». و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج3 ص336 در كتاب الأحياء است كه ابن عباس آيه را چنین قرائت می نمود: «وما أرسَلنا من رسول ولا نبي ولا محدث». و دلائل الإمامة: ص80 و 152 به سند خود از امام جعفر صادق عليه السلام روایت کند كه فرمود: سمعت فاطمة محدثة لأن الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها كما كانت تنادي مريم بنت عمران فتقول: «يا فاطمة! إن الله اصطفاك وطهرک و اصطفاك على نساء العالمين». «يا فاطمة! ائنتي لربك و اسجدي و ازكعي مع الراكعين»، و تحدثهم و يحدثونها. مانند آن: الدرّ النظيم: ص456. و العدد القويّة: ص226 از كتاب الدرّ و كتاب مواليد الأئمة عليهم السلام: اسمها فاطمة... و محدثة لأن الملائكة كانوا ينادونها: «يا فاطمة! إن الله اصطفاك وطهرک و اصطفاك على نساء العالمين». «يا فاطمة! ائنتي لربك و اسجدي و ازكعي مع الراكعين»، و تحدثهم و يحدثونها...

89- الأمامي، ابن بابويه: ص384 مجلس 61 ح1- به سند خود از امام جعفر صادق، از پدران گرامش، از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: «يا فاطمة! إن الله تبارک و تعالی ليغضب»

لِغَضَبِكِ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ، ...». مانند آن: دلائل الإمامة: ص 146 ح 53 به سند خود از امام حسین از پدرش از جدش رسول الله، و الأماي، الشَّيخ الطُّوسِي: ص 427 مجلس 15 ح 954 - 11 به سند خود از امام جعفر صادق، از پدرانش، از رسول الله. و روضة الواعظين: ج 1 ص 149 - از رسول الله. و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: از امام صادق، و از كتاب شرف النبي ابن سعيد واعظ، و از كتاب الفضائل: از ابوصالح مؤذن، از ابن عباس، و از كتاب الإبانة عكبري، و از كتاب الديانة محمود إسفرائيني، همگی از رسول الله. و الإحتجاج: ج 2 ص 354 از حسين بن زيد، از امام جعفر صادق عليه السلام، از رسول الله، و كشف الغمّة: ج 1 ص 458 از كتاب الآل، از امام حسين، از پدرش عليهما السلام، از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 26 ب 31 ح 6 - به سند خود از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «تُحَسِّرُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَّصْبُوعَةٌ بِالدَّمِّ، فَتَعْلَقُ بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ: يَا عَدْلُ! أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وُلْدِي.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَيَحْكُمُ اللَّهُ تَعَالَى لِابْنَتِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ، وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَغْضَبُ بِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 46 ب 31 ح 176 - به سند خود از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». و معاني الأخبار: ص 303 ح 2 به سند خود از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ شَجْنَةٌ مِنِّي، يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا، وَيَسْرُنِي مَا يَسْرُهَا، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». و كشف الغمّة: ج 1 ص 467 از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ شَجْنَةٌ مِنِّي، يُسِّدُ خَطْبِي مَا أَسَدَ حَظَّهَا، وَيَرْضَى بَيْنِي مَا أَرْضَاهَا». الأماي، الشَّيخ المفيد: ص 95 مجلس 16 ح 4 - به سند خود از امام محمد باقر از رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». مانند آن: إعلام الوری: ص 149 فصل 2 از رسول الله صلى الله عليه وآله، و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 325 - از حسين بن زيد بن علي، از امام جعفر صادق، و از جابر، از امام محمد باقر، از رسول الله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَشَفَ الْغَمَّةَ : ج 1 ص 467- روایت شده است از امام جعفر صادق، از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. بشارة المصطفى: ج 2 ص 208- به سند خود از امام رضا، از پدرانش، از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعَظْبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى بِرِضَاهَا». إعتقادات الإمامية: ص 105 - و أما فاطمة صلوات الله عليها فاعتقادنا فيها أنها سيّدة نساء العالمين من الأولين والآخرين، و أن الله يغضب لغضبها، و يرضى لرضاها، و أنّها خرجت من الدنيا ساخطة على ظالميها و غاصبيها و مانعي إرثها.

90- برخی از منابع عامّه: مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ابن شهر آشوب: ج 3 ص 373 نقل از کتاب های - شرف النبي، ابو سعيد خرگوشی - فضائل العشرة، ابو صالح المؤذن - الإبانة، ابو عبد الله العكبري - كتاب الديانة، محمود الإسفرائيني.

السقيفة و فلك، الجوهري: ص 106 و مستدرك الصحيحين: ج 3 ص 167 ح 4730- المعجم الكبير: ج 2 ص 401 ح 1001 - التّودين: ج 3 ص 42/ از چاپ جديد اين كتاب در بيروت حذف شده است - أسد الغابة: ج 5 ص 522 - ذخائر العقبى: ص 39 - كفاية الطالب: ص 219- ميزان الاعتدال: ج 2 ص 72- أخبار الدّول: ص 87- الخصائص الكبرى، ج 16 ص 265 - الإصابة: ج 4 ص 366 - نظم درر السّمطين: ص 177- كنز العمّال: ج 1 ص 219 و ج 7 ص 111 و ج 13 ص 96 و ص 280- تهذيب التّهذيب: ج 12 ص 441- كنوز الحقائق: ص 32- ينابيع المودّة: ص 173 و 179 و 198- رشفة الصّادي: ص 61 - مناقب عليّ بن أبي طاب عليه السلام، ابن المغازلي: ص 351 ح 401 و ص 352 ح 402 - المدهش: ص 129 مسند فاطمة الزّهراء عليها السلام: ص 74 ح 186- الذّريّة الطّاهرة: ج 2 ص 762 عيون الأخبار في مناقب الأخيار: ص 46- تهذيب الكمال: ج 22 ص 144- ترجمة الإمام الحسن عليه السلام تاريخ دمشق: ص 37 و... .

91- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 229 - 236 ب 23 ح 1- حدّثنا عليّ بن الحسين بن شاذويه المؤدّب و جعفر بن محمّد بن مسرور رضي الله عنهما قالا: حدّثنا محمّد بن عبد الله بن

جعفر الحميري، عن أبيه، عن الرّيان بن الصلت قال: حضر الرضا عليه السلام مجلس المأمون بمرور، وقد اجتمع في مجلسه جماعة من علماء أهل العراق وخراسان، فقال المأمون: أخبروني عن معنى هذه الآية: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا. فقالت العلماء: أراد الله عز وجل بذلك الأمة كلها. فقال المأمون: ما تقول يا أبا الحسن؟ فقال الرضا عليه السلام: لَا أَقُولُ كَمَا قَالُوا وَ لَكِنِّي أَقُولُ: أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ الْعِتْرَةَ الطَّاهِرَةَ... فقالت العلماء: فأخبرنا هل فسّر الله عز وجل الإصطفاء في الكتاب؟ فقال الرضا عليه السلام: فَسَّرَ الإصْطِفَاءَ فِي الظَّاهِرِ سَوَى البَاطِنِ فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَوْطِنًا وَ مَوْضِعًا... وَ أَمَّا الآيَةُ السَّابِعَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يَصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِيمَ عَلَيْكَ، فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ: تَقُولُونَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَهَلْ بَيْنَكُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فِي هَذَا خِلَافٌ؟ فَقَالُوا: لَا، قَالَ الْمَأْمُونُ: هَذَا مِمَّا لَا خِلَافَ فِيهِ أَصَلًا، وَ عَلَيْهِ إِجْمَاعُ الْأُمَّةِ فَهَلْ عِنْدَكَ فِي الْآلِ شَيْءٌ أَوْضَحُ مِنْ هَذَا فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: نَعَمْ، أَخْبَرُونِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: يَسْ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِدْرٍ مُسَدِّقِينَ، فَمَنْ عَنَى بِقَوْلِهِ يَسْ؟ قَالَتِ الْعُلَمَاءُ: يَسْ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمْ يَشْكُ فِيهِ أَحَدٌ. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَعْطَى مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَضْلًا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَصْفِهِ، إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَسَلِّمْ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، وَ قَالَ: سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَ قَالَ: سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ، وَ لَمْ يَقُلْ: سَلَامٌ عَلَى آلِ نُوحٍ، وَ لَمْ يَقُلْ: سَلَامٌ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ لَا قَالَ: سَلَامٌ عَلَى آلِ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ قَالَ عَزَّوَجَلَّ: سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسْ، يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقَالَ الْمَأْمُونُ: قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ فِي مَعْدِنِ الثُّبُورِ شَرْحُ هَذَا وَ بَيَانُهُ فَهَذِهِ السَّابِعَةُ، ... وَ سَعِدَ السُّعُودُ لِلنَّفُوسِ مَنْصُودٌ: ص 273 [فيما نذكره من مناقب النبي و الأئمة للأستبر آبادي] و منه آيات، و اختار من الوجهة الأولى من ثاني قائمة من الكراس الرابع بلفظه: وقد روى محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن الرّيان بن الصلت قال:

92- كتاب سليم بن قيس الهلالي: ج 2 ص 823 ح 37... فقلت لمحمد: من تراه حدث أمير المؤمنين عليه السلام عن هؤلاء الخمسة بما قالوا؟ فقال: رسول الله صلى الله عليه وآله، إته يراه في منامه كل ليلة و حديثه إياه في المنام مثل حديثه إياه في [الحياة] و اليقظة فإن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى، لِأَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَلَا يَقْظَةٍ، وَلَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». قال سليم: فقلت لمحمد بن أبي بكر: من حدثك بهذا؟ قال علي عليه السلام. فقلت: و أنا سمعته أيضا منه كما سمعت أنت. فقلت لمحمد: فلعل ملكاً من الملائكة حدثه؟ قال: أو ذاك. قلت: و هل تحدث الملائكة إلا الأنبياء؟ قال: أما تقرأ القرآن: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَلَا مُحَدَّثٍ؟» قال: قلت له: أمير المؤمنين عليه السلام محدث هو؟ قال: نعم، و كانت فاطمة عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة و مريم كانت محدثة ولم تكن نبيّة و أم موسى ما كانت نبيّة و كانت محدثة و كانت سارة امرأة إبراهيم قد عاينت الملائكة فبشروها «بِاسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» و لم تكن نبيّة. قال سليم: فلما قتل محمد بن أبي بكر بمصر و نعي عزيت به أمير المؤمنين عليه السلام و خلوت به فحدثته بما حدثني به محمد بن أبي بكر و خبرته بما خبرني به عبد الرحمان بن غنم قال: صدق محمد رحمة الله، أما إنّه شهيد حي يرزق، ... و بصائر الدرجات: ص 372 جزء 8 باح 16 به سند متصل خود از سليم گوید: شنیدم حضرت علی علیه السلام می فرمود: إِنِّي وَأَوْصِيَاءِي مِنْ وُلْدِي (أئمة مهتدون - الاختصاص) مهديون كلنا محدثون. فقلت: يا أمير المؤمنين من هم؟ قال: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ ابْنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ: وَعَلِيٌّ يَوْمِنْدِ رَضِيعٍ - ثُمَّ ثَمَانِيَّةٌ مِنْ بَعْدِهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، وَ هُمُ الَّذِينَ أَقْسَمَ اللَّهُ بِهِمْ فَقَالَ: «وَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ»، أَمَّا الْوَالِدُ فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «وَمَا وَلَدٌ» يَعْنِي هَؤُلَاءِ الْأَوْصِيَاءِ. قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! تَجْمَعُ [أَيَجْتَمِعُ] إِمَامَانِ؟ قَالَ: «لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا مُصَمَّتٌ لَا يَنْطِقُ حَتَّى يَمُضِيَ الْأَوَّلُ». قَالَ سَلِيمُ الشَّامِيُّ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ قُلْتُ: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُحَدَّثًا؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَ هَلْ يُحَدِّثُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا الْأَنْبِيَاءَ؟ (وَيُحَدِّثُ الْمَلَائِكَةُ الْأُمَّةَ - الاختصاص) قَالَ: أَمَا تَقْرَأُ: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَلَا مُحَدِّثٍ؟» قُلْتُ: فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُحَدِّثٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَ فَاطِمَةُ كَانَتْ مُحَدِّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً. الإختصاص: ص 329 از اسماعيل بن يسار مانند البصائر با اختلافي اندك. و علل الشرائع: ج 1 ص 183 ب 146 ح 2 - از پدرش، از عبد الله بن الحسن مؤدب، از احمد بن علي إصفهاني، از إبراهيم بن محمد ثقفی، از اسماعيل بن بشار، از علي بن جعفر حضرمي، از سليمان، از محمد بن أبي بكر: لَمَّا قَرَأَ: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَلَا مُحَدِّثٍ»، وَ هَلْ يُحَدِّثُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا الْأَنْبِيَاءَ؟ قَالَ: مَرِيْمٌ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَ كَانَتْ مُحَدِّثَةً، وَ أَمُّ مُوسَى بِنُ عَمْرَانَ كَانَتْ مُحَدِّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً، وَ سَارَةُ امْرَأَةُ إِبْرَاهِيمَ قَدْ عَايَنَتْ الْمَلَائِكَةَ فَبَشَّرُوهَا «بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَتْ مُحَدِّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً. وَ كَشَفَ الْغَمَّةَ: ج 1 ص 468 وَ رَوَى أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ... مَانَدِ الْعُلَلِ. وَ مَنَاقِبِ آلِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: ج 3 ص 336 از سليم مانند علل الشرائع. و گوید: و قد ذكر سعد القمي في بصائر الدرجات و محمد بن يعقوب الكليني في الكافي باباً في ذلك.

سوره (11) هود عليه السلام آیه 72: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ».

و إرشاد القلوب: ج 2 ص 393... قال (سليم) قلت لمحمد: من تراه حدث أمير المؤمنين عليه السلام عن هؤلاء الخمسة بما قالوا؟ فقال: رسول الله، إنه يراه كل ليلة في المنام و حدثه إياه في المنام مثل ما حدثه إياه في اليقظة والحياة. وقد قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَلَا فِي الْيَقَظَةِ وَلَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». قال سليم: فقلت: لمحمد: من حدثك بهذا؟ قال: أمير المؤمنين علي بن أبي طالب. فقلت: وأنا أيضا سمعته منه كما سمعته أنت، فلعل ملكا من الملائكة حدثه. قال: و هل تحدث الملائكة إلا الأنبياء؟ أو ما تقرأ كتاب الله العزيز: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ

وَلَا نَبِيٍّ وَلَا مُحَدَّثٍ؟ قلت: فأمر المؤمنين عليه السلام محدث؟ قال: نعم وفاطمة عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة، ومريم عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة، وأم موسى عليها السلام محدثة ولم تكن نبيّة، وسارة امرأة إبراهيم عليهما السلام محدثة قد عاينت الملائكة ولم تكن نبيّة وبشروها «بإسحاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ»... قال سليم: فلما قتل محمد بن أبي بكر بمصر ونعي عزيت به أمير المؤمنين عليه السلام و خلوت به و حدّثته بما حدّثني به محمد بن أبي بكر و بما حدّثني به ابن غنم قال: «صَدَقَ مُحَمَّدٌ (رَحِمَهُ اللَّهُ) أَمَا إِنَّهُ شَهِيدٌ حَيٌّ مَرُورٌ. يَا سَلِيمُ! إِنِّي وَأَوْصِيَاءِي أَحَدَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي أَيْمَةَ الْهُدَى مَهْدِيُونَ مُحَدَّثُونَ». قُلْتُ: وَمَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: ابْنِي [ابْنَايَ] الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، ثُمَّ ابْنِي هَذَا - وَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ هُوَ رَضِيعٌ ثُمَّ قَالَ: - ثَمَانِيَةٌ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، وَ هُمْ الَّذِينَ أَقْسَمَ اللَّهُ بِهِمْ فَقَالَ: «وَ الْوَالِدِ وَ مَا وَآدٍ» فَالْوَالِدُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ أَنَا وَ مَا وَآدٍ، يَعْنِي هَؤُلَاءِ الْأَحَدَ عَشَرَ وَأَوْصِيَاءِي (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، وَ اللَّعْنَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَبَدًا [أَبَدِ الْأَبْدِينَ]. قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! يَجْتَمِعُ إِمَامَانِ؟ قَالَ: «لَا، أَحَدُهُمَا لَا يَنْطِقُ حَتَّى يَهْلِكَ الْأَوَّلُ».

93- سورة (3) آل عمران (سورة آل محمد صلى الله عليهم) آية 82.

94- بصائر الدرجات: ص 73 ب 8 ح 7 به سند متصل خود از حذيفة بن أسيد الغفاري گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: ما تكاملت النبوة لنبِيِّ فِي الْأُظْلَةِ، حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَ لَا يَتِي وَ لَا يَأْتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ مَثُلُوا لَهُ فَأَقْرَبُوا بِطَاعَتِهِمْ وَ لَا يَتِيهِمْ. وَ غَرَرِ الْأَخْبَارِ: 305 فصل 24- از حذيفة بن أسيد غفاري مانند البصائر و در آن است: فَأَقْرَبَ بِهَا بِطَاعَتِهِمْ وَ لَا يَتِيهِمْ. وَ غَرَرِ الْأَخْبَارِ: 206 فصل 7- رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأُظْلَةِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ نُبُوتِي وَ لَا يَأْتِي أَهْلَ بَيْتِي فَيَقْرَبُ بِهَا وَ بِإِمَامَةِ ابْنِ عَمِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ». وَ مَجْمَعِ النُّورِينَ: ص 20 و فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله: ص 86 از مدينة المعاجز از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ،

ص: 239

حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مُجَبَّتِهَا».

95- بصائر الدرجات: ص 73 ب 8 ح 7 - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ حَازِمِ بْنِ أَبِي سَمِيحَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْغَفَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأُطْلَلِ، حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلا يَتِي وَلا يَأْتِي أَهْلَ بَيْتِي وَمَثَلُوا لَهُ فَاقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ وَلا يَتِيهِمْ. وَغَرَّرَ الْأَخْبَارُ: 305 الفصل 24 از حذيفة بن أسيد غفارى مانند البصائر و در آن است: فَأَقَرَّ بِهَا بِطَاعَتِهِمْ وَلا يَتِيهِمْ. وَغَرَّرَ الْأَخْبَارُ: 206 الفصل 7- رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأُطْلَلِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ نُبُوتِي وَلا يَأْتِي أَهْلَ بَيْتِي فَيَقْرَأُ بِهَا وَبِإِمَامَةِ ابْنِ عَمِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ».

96- ملحقات إحقاق الحق: ج 9 ص 192 از كتاب المناقب المرتضوية: ص 97 چاپ بمبئی از كتاب خلاصة المناقب رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَهُ الْحَمْدُ عَرَضَ حُبِّ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَذُرِّيَّتِهَا عَلَى الْبَرِيَّةِ، فَمَنْ بَادَرَ مِنْهُمْ بِالْإِجَابَةِ جَعَلَ مِنْهُمْ الرُّسُلَ، وَ مَنْ أَجَابَ بَعْدَ ذَلِكَ جَعَلَ مِنْهُمْ الشَّيْعَةَ، وَإِنَّ اللَّهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ».

97- مجمع النورين: ص 20 و فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله: ص 86. از مدينة المعاجز از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ، حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مُجَبَّتِهَا».

98- الأُمالي، الشَّيخ الطوسي: ص 668 مجلس 36 ح 1399 - 6- به سند متصل از اسحاق بن عمار و ابو بصير از امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَهَرَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ رُبْعَ الدُّنْيَا، فَرُبِعُهَا لَهَا، وَأَمَهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النَّارَ، تُدْخِلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ، وَ تُدْخِلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ، وَ هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى (الأولى - البحار). از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 105 ب 5 ح 19.

99- منابع حديث شريف :

1- كشف اللائلي (مخطوط): ص 5.

ص: 240

از او: جنة العاصمة، سيد حسن مير جهاني: ص 283 نگارنده مؤلف قاصر حسن مير جهاني طباطبائي جرقوئي اصفهاني عفي الله عن جرائمه گوید: زمانی که در نجف اشرف مشرف بودم، بر حسب اتفاق برای اخذ کتابی از فضيلة العلامة خلد مقام شيخ محمد سماوی مؤلف کتاب إِبصار العين في أنصار الحسين عليه السلام شرف خدمت ایشان را حاصل کردم، در مکتبه ایشان به کتابی مخطوط که در مقابل داشتند نگاه می کردم، از نام آن کتاب پرسیدم، فرمودند: کتاب کشف اللآلئ تأليف عالم جليل شيخ صالح بن عبد الوهّاب بن العرندس حلّي است، که یکی از علماء بزرگ شيعه بوده از علماء قرن نهم، و کتاب را به من دادند، کتابی بود به قطع وزیری، کاغذ زرد، قریب سیصد صفحه بخط شيخ احمد تونی نوشته شده بود. در ضمن این که مشغول دیدن عناوین آن بودم، برخورد کردم به حدیثی که مکرّر از زبان معدودی از بزرگان اهل فضل شنیده بودم به طور مرسل و هرچند تفحص کرده و از بعضی از محدثین از سند آن پرسش می کردم اظهار بی اطلاعی می کردند، و بعضی هم از احادیث موضوعه می دانستند، دیدم در آن حدیث را مسنداً نقل نموده، از مرحوم سماوی استجازه استنساخ آن را نمودم، ایشان هم مضایقه فرمودند، من با نهایت خوشحالی در همان مجلس حدیث را نوشتم چون در فضیلت بی بی معظّمه فاطمه زهراء سلام الله علیها بود مقتضی دیدم که در این کتاب درج نمایم، و العهدة علی راویه. فی کتاب کشف اللآلئ لصالح بن عبد الوهّاب بن العرندس أنّه روی عن الشيخ إبراهيم بن الحسن الذّراق، عن الشيخ عليّ بن هلال الجزائريّ، عن الشّیخ أحمد بن فهد الحلّيّ، عن الشّیخ زين الدين عليّ بن الحسن الخازن الحائريّ، عن الشّیخ أبي عبد الله محمد بن مكّي الشّهيديّ، بطرقه المتّصلة إلى أبي جعفر محمد بن عليّ بن موسى بن بابويه القمّيّ، بطريقه إلى جابر بن يزيد الجعفيّ، عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ، عن رسول الله صلّى الله عليه وآله، عن الله تبارك وتعالى أنّه قال: «يا أحمد! لولاك لَمَا خَلَقْتُ الأَفلاكَ، وَ لولا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لولا فاطمةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ». ثمّ قال جابر: هذا من الأسرار التي أمرنا رسول الله صلّى الله عليه وآله بكتمانه إلا عن أهله. یعنی: به سند مذکور از

جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ روایت کرده که فرمود: خدای تبارک و تعالی فرمود: ای احمد! اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم، و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم، و اگر فاطمه نبود هیچ يك از شما را نمی آفریدم. مؤلف کتاب کشف اللآلی یکی از علماء قرن نهم هجری بوده، و او یکی از مؤلفین از علماء شیعه در فقه و اصول و حدیث بوده، کان عالماً ناسکاً زاهداً ورعاً اديباً شاعراً، و در حدود هشتصد و چهل هجری تقریباً وفات یافته، و قبر او در حله هیفاء مزاری است که به آن تبرک می جویند. و سلسله راویان حدیث همه عدل امامی و از بزرگان مشیخه به شمار می روند، و سند حدیث در نهایت اتقان است.

2- بحر المعارف.

از او: مجمع التورین: ص 13 و 14 وفي الحديث القدسي: «يا أحمد! لولاك لما خلقت الأفلاك، و لولا علي لما خلقتكما»، كما ذكره الوحيد البهبهاني، و روي في بحر المعارف: «لولاك لما خلقت الأفلاك، و لولا علي لما خلقتك»، وفي ضياء العالمين للشيخ أبي الحسن الجدد الأمي للشيخ محمد حسن صاحب الجواهر بزيادة فقرة: «و لولا فاطمة لما خلقتكما».

و زندگانی حضرت فاطمة الزهراء عليها السلام، حسین عمادزاده: ص 242 در بحر المعارف در دنباله عبارت: «لولاك لما خلقت الأفلاك» می نویسد: «و لولا فاطمة لما خلقتكما» اگر فاطمه نبود شما را (یعنی محمد و علی) خلق نمی کردم.

القطرة من بحار مناقب النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالعتره، المستنبط: ج 1 ص 273. و مستدرک عوالم العلوم (فاطمه الزهراء عليها السلام): ج 11-قسم 1- ص 44 ب 4 از مستدرک سفینه البحار: ج 3 ص 334 از مجمع التورین. و الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، الأنصاري: ج 1 ص 233 ح 16 از برخی از منابع.

3- ضياء العالمين، أبو الحسن بن محمد طاهر العاملی الفتونی ت 1138:

از او: مجمع التورین: ص 14 ... وفي ضياء العالمين للشيخ أبي الحسن الجدد الأمي للشيخ محمد حسن صاحب الجواهر بزيادة فقرة: «و لولا فاطمة لما خلقتكما».

101- طرف من الأنباء و المناقب، للسيد علي بن طاوس: ص 143 الطرفة 10 نقلًا من كتاب الوصية للشيخ عيسى بن المستفاد الصّري: عن موسى بن جعفر، عن أبيه عليهما السلام قال: لَمَّا حَضَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوُفَاةَ دَعَا الْإِنصَارَ وَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْإِنصَارِ! قَدْ حَانَ الْفِرَاقُ، وَقَدْ دُعِيْتُ وَأَنَا مُجِيبُ الدَّاعِي، وَقَدْ جَاوَزْتُمْ فَأَحْسَنْتُمْ الْجَوَارِ، وَنَصَرْتُمْ فَأَحْسَنْتُمُ النَّصْرَةَ، وَوَسَّيْتُمْ فِي الْأَمْوَالِ، وَوَسَّعْتُمْ فِي السُّكْنَى، وَبَدَلْتُمْ لِلَّهِ مَهْجَ النَّفُوسِ، وَاللَّهُ يَجْزِيكُمْ بِمَا فَعَلْتُمْ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى. وَقَدْ بَقِيَتْ وَاحِدَةٌ، وَهِيَ تَمَامُ الْأَمْرِ وَخَاتِمَةُ الْعَمَلِ، الْعَمَلُ مَعَهَا مَقْرُونٌ إِنِّي أَرَى أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا جَمِيعًا، لَوْ قِيسَ بَيْنَهُمَا بِشَيْءٍ عُرِّ مَا انْقَاسَتْ، مَنْ أَتَى بِوَاحِدَةٍ وَتَرَكَ الْأُخْرَى كَانَ جَاحِدًا لِلأُولَى، وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا. قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَايُنْ لَنَا نَعْرِفُهَا، وَلَا نُمْسِكُ عَنْهَا فَنَضِلَّ وَنَرْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ، وَالنَّعْمَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَسُولِهِ عَلَيْنَا، فَقَدْ أَنْقَذَنَا اللَّهُ بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَقَدْ بَلَغْتَ وَنَصَحْتَ وَأَدَيْتَ، وَكُنْتَ بِنَا رَعُوفًا رَحِيمًا، شَدِيدًا مُشْفِقًا، فَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ لَهُمْ: كِتَابُ اللَّهِ وَأَهْلُ بَيْتِي، فَإِنَّ الْكِتَابَ هُوَ الْقُرْآنُ، وَفِيهِ الْحُجَّةُ وَالتَّوْرُ وَالبُرْهَانُ، وَكَلَامُ اللَّهِ جَدِيدٌ غَضُّ طَرِيٍّ، شَاهِدٌ وَمُحَكَّمٌ عَادِلٌ، دَوْلَةٌ قَائِدٌ بِحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ وَأَحْكَامِهِ، بَصِيرٌ بِهِ، قَاضٍ بِهِ، مَضْمُونٌ فِيهِ، يَقُومُ عَدْلًا فَيُحَاجُّ بِهِ أَقْوَامًا، فَتَرِلُّ أقدامُهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ، فَاحْفَظُونِي مَعَاشِرَ الْإِنصَارِ فِي أَهْلِ بَيْتِي، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. أَلَا وَإِنَّ الْإِسْلَامَ سَقْفٌ تَحْتَهُ دَعَامَةٌ، وَلَا يَقُومُ السَّقْفُ إِلَّا بِهَا، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَتَى بِذَلِكَ السَّقْفِ مَمْدُودًا لَا دَعَامَةَ تَحْتَهُ، فَأَوْشَكَ أَنْ يَخْرَجَ عَلَيْهِ سَقْفُهُ فَهَوَى فِي النَّارِ. أَيُّهَا النَّاسُ! الدَّعَامَةُ دَعَامَةُ الْإِسْلَامِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ، فَالْعَمَلُ الصَّالِحُ طَاعَةُ الْإِمَامِ - وَلِيِّ الْأَمْرِ - وَالتَّمَسُّكُ بِحَبْلِ اللَّهِ. أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا فَهَمَّتُمْ؟ اللَّهُ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي! مَصَابِيحِ الْهُدَى، وَمَعَادِنِ الْعِلْمِ، وَبِنَائِبِ الْحَكْمِ، وَمُسْتَقَرِّ الْمَلَائِكَةِ، مِنْهُمْ وَصِيِّي وَأَمِينِي وَوَارِثِي، وَهُوَ

مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟! وَاللَّهِ يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ! لَتَقِرَّنَّ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْكُمْ، أَوْ لِيُضْرَبَنَّ بَعْدِي بِالذُّلِّ. يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ! أَلَا إِسْمَعُوا وَمَنْ حَضَرَ، أَلَا إِنَّ بَابَ فَاطِمَةَ بَابِي، وَبَيْتَهَا بَيْتِي، فَمَنْ هَتَكَهُ فَقَدْ هَتَكَ حِجَابَ اللَّهِ. قَالَ عَيْسَى بْنُ الْمُسْتَفَادِ: فَبَكَى أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَوِيلًا، وَقَطَعَ عَنْهُ بِقِيَّةَ الْحَدِيثِ، وَأَكْثَرَ الْبُكَاءِ، وَقَالَ: هُنْتُكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ، هُنْتُكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ، هُنْتُكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ، وَحِجَابُ اللَّهِ حِجَابُ فَاطِمَةَ، يَا أُمَّهُ يَا أُمَّهُ صَلَّوْاْتُ اللَّهُ عَلَيْهَا. از او: بحار الأنوار: ج 22 ص 476 با اختلافی.

102- سوره (24) التور آیه 37.

103- تفسیر علی بن ابراهیم القمّی: ج 2 ص 103- به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: هِيَ بِيُوتِ الْأَنْبِيَاءِ، وَبَيْتِ عَلِيٍّ مِنْهَا. وَ تفسیر فرات الکوفی: ص 282 ح 382 - به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «... هِيَ بِيُوتِ الْأَنْبِيَاءِ، وَبَيْتِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْهَا». وَ تفسیر فرات الکوفی: ص 286 ح 386- به سند خود از زید علیه السلام گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «هِيَ بِيُوتِ الْأَنْبِيَاءِ». فقال أبو بكر: هذا منها - يعني بيت علي بن أبي طالب-؟ فقال له النبي: «هذا من أفصح ليلها». والكافي: ج 8 ص 113 ح 92 - به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «... وَ هِيَ بِيُوتَاتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ وَ الْحُكَمَاءِ وَ أَيْمَةَ الْهُدَى، فَهَذَا بَيَانُ عُرْوَةِ الْإِيْمَانِ الَّتِي نَجَا بِهَا مَنْ نَجَا قَبْلَكُمْ، وَ بِهَا يَنْجُو مَنْ يَتَّبِعُ الْأَيْمَةَ». وَ كامل الزيارات: ص 53 ح 2 - به سند خود از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام که فرمودند: «... طِبْتُمْ وَ طَابَتْ مَنِيِّكُمْ، مَنْ بَكُمُ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بِيُوتِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا،...». مانند آن: من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 613 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 275 و كمال الدين: ج 1 ص 218.

شواهد التنزيل: ج 1 ص 533 ح 567 - به سند خود از انس بن مالک و بریده که گفتند: رسول الله این آیه را قرائت فرمود کسی برخاست و گفت: (مراد آیه از خانه) کدام خانه است ای

ص: 244

رسول الله؟ فرمود: «يُؤْتِ الْأَنْبِيَاءَ». پس أبو بكر برخاست و گفت: ای رسول الله! این خانه از آن هاست (خانه علی و فاطمه)؟ فرمود: «نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِ لَهَا». شواهد التنزیل: ج 1 ص 533 ح 568 به سند دیگری از انس و بريدة مانند آن. خصائص الوحي المبين: ص 79 و الصراط المستقيم: ج 1 ص 293 از تفسیر ثعلبی مانند آن. و كشف الغمة: ج 1 ص 319 از کتاب ما نزل من القرآن في شأن علي عليه السلام از ابن مردويه مانند آن. و تأويل الآيات الظاهرة: ص 308 و تفسیر البرهان: ج 3 ص 138 از محمد بن العباس الماهيار مانند آن.

104- كشف الغمة في معرفة الأنمة: ج 1 ص 466- و روي عن مجاهد قال: خرج النبي صلى الله عليه وآله وسلم وهو أخذ بيد فاطمة عليها السلام فقال: «مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَهِيَ قَلْبِي، وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ». و نقلت من كتاب لأبي إسحاق الثعلبي، عن مجاهد قال: خرج رسول الله صلى الله عليه وآله وقد أخذ بيد فاطمة عليها السلام وقال: مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَ هِيَ قَلْبِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 54 ب 3. والمحتضر، الشيخ حسن بن سليمان الحلبي قدس سره: ص 403 ح 387 - من كتاب لأبي إسحاق الثعلبي، عن مجاهد ... و الغدير: ج 3 ص 20 از: الفصول المهمة، ابن الصبّاغ المالكي: ص 150 و نزهة المجالس: ج 2 ص 228 و نور الأبصار، الشبلنجي: ص 45.

105 - سورة (24) النور آيه 64.

106- تفسیر البرهان: ج 4 ص 104 ح 7734 از کتاب المناقب الفاخرة في العترة الطاهرة سيّد رضی به سند خود از امام جعفر صادق از پدرانش از حضرت فاطمه عليهم السلام فرمود: عَلَيَّ سَيِّدِي (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»، فَحِثُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ: يَا أَبَاهُ، فَجَعَلْتُ أَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَقْبَلَ عَلَيَّ، وَقَالَ: يَا بُنَيَّةُ، لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَلَا فِي أَهْلِكَ مِنْ قَبْلُ، قَالَ: أَنْتِ مِنِّي، وَأَنَا مِنْكَ،

ص: 245

وَإِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ، وَإِنَّ قَوْلَكَ: يَا أَبَاهُ، أَحَبُّ إِلَيَّ قَلْبِي، وَأَرْضِي لِلرَّبِّ، ثُمَّ قَالَ: أَنْتِ نِعَمَ الْوَلَدِ، وَقَبْلَ وَجْهِي، وَمَسْحَنِي مِنْ رِيقِهِ، فَمَا احْتَجْتُ إِلَيَّ طَيِّبٌ بَعْدَهُ». و الدرّ النظيم: ص 462 به سند خود از امام جعفر صادق عليه السلام مانند آن.

و در کتب مخالفین:

ملحقات إحقاق الحق: ج 19 ص 94 از مناقب الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام ابن المغازلي: ص 364 چاپ اسلامية طهران به سند متصل خود از امام جعفر صادق عليه السلام مانند آن. و در المناقب چاپ جديد: ص 292 ح 411.

107- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 320 از کتاب قاضي أبو محمد الكرخي از امام صادق از حضرت فاطمه عليهمما السلام که فرمود: لَمَّا نَزَلَتْ: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»، هَبْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ: يَا أَبَتِ! فَكُنْتُ أَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَعْرَضَ عَنِّي مَرَّةً وَاثْنَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَلَا فِي أَهْلِكَ وَلَا فِي نَسَبِكَ، أَنْتِ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَالْعِلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَدَخِ وَالْكَبْرِ، قُولِي: يَا أَبَتِ! فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَأَرْضِي لِلرَّبِّ، ...

108- معاني الأخبار: ص 56 ح 3.

109- معاني الأخبار: ص 108 ح 1- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَامِ بِالْفَنِيِّ عَامٍ، فَجَعَلَ أَعْلَاهَا وَأَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَعَشِيهَا نُورُهُمْ. فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْسَّمَاوَاتِ وَالْجِبَالِ: هُوَ لَاءِ أَحِبَّائِي، وَأَوْلِيَّائِي، وَحُجَجِي عَلَى خَلْقِي، وَأَيْمَةُ بَرِيَّتِي، مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، وَلِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي، وَلِمَنْ خَالَفَهُمْ وَعَادَاهُمْ خَلَقْتُ

ص: 246

نَارِي فَمَنْ إِدْعَى مَنَزَلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظَمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أَعْدَبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُسْرِكِينَ بِي فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْ نَارِي وَ مَنْ أَقْرَبُوا إِلَيْهِمْ وَ لَمْ يَدْعِ مَنَزَلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَكَانَهُمْ مِنْ عَظَمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي رَوْصَاتِ جَنَاتِي وَ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ عِندِي وَ أَبْحَثُهُمْ كِرَامَتِي وَ أَحَلَلْتُهُمْ جِوَارِي وَ شَفَعْتُهُمْ فِي الْمَذْنِبِينَ مِنْ عِبَادِي وَ إِمَائِي فَوَلَا يَتُّهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي فَايُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَ يَدْعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَتِي؟ فَابْتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْ إِدْعَاءِ مَنَزَلَتِهَا وَ تَمَنِّي مَحَلَّهَا مِنْ عَظَمَةِ رَبِّهَا فَلَمَّا أَسْكَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ الْجَنَّةَ وَ قَالَ لَهُمَا: كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ يَعْنِي شَجَرَةَ الْحِنْطَةِ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَنَظَرَا إِلَى مَنزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي الْجَنَّةِ فَوَجَدَهَا أَشْرَفَ مَنَازِلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَا: يَا رَبَّنَا! لِمَنْ هَذِهِ الْمَنزِلَةُ؟ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: إِزْفَعَا رُءُوسَكُمْ إِلَى سَاقِ عَرْشِي فَرَفَعَا رُءُوسَهُمَا فَوَجَدَا أَسْمَاءَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِنُورٍ مِنْ نُورِ الْجَلَالِ فَقَالَا: يَا رَبَّنَا مَا أَكْرَمَ أَهْلَ هَذِهِ الْمَنزِلَةِ عَلَيْكَ وَ مَا أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَ مَا أَشْرَفَهُمْ لَدَيْكَ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ هُوَلاءِ خَزَنَةٌ عَلَيَّ وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي إِيَّاكُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنَّىا مَنَزَلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كِرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْيِي وَ عَصِيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ قَالَا: رَبَّنَا وَ مِنَ الظَّالِمُونَ؟ قَالَ: أَلَمْ دَعُونَ لِمَنَزَلَتِهِمْ بَعِيرٍ حَقٌّ. قَالَا: رَبَّنَا فَأَرْنَا مَنزِلَةَ ظَالِمِيهِمْ فِي نَارِكَ حَتَّى نَرَاهَا كَمَا رَأَيْنَا مَنَزَلَتَهُمْ فِي جَنَّتِكَ، فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى النَّارَ فَابْتَرَزَتْ جَمِيعَ مَا فِيهَا مِنَ الْوَانِ النَّكَالِ وَ الْعَذَابِ وَ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: مَكَانُ الظَّالِمِينَ لَهُمُ الْمُدَّعِينَ لِمَنَزَلَتِهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْهَا كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَ كُلَّمَا نَصَبَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلُوا سِوَاهَا لِيَذُقُوا الْعَذَابَ، يَا آدَمُ! يَا حَوَاءُ! لَا تَنْظُرَا إِلَى أَنْوَارِي وَ حُجَجِي بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَأَهْبِطُكُمْ مِنْ جِوَارِي وَ أَحِلُّ بِكُمْ هَوَانِي، فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيَبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَ قَالَ مَا نَهَاكُمْ رَبُّكُمْ عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. وَ فَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمْ لِمَنِ النَّاصِحِينَ. فَذَلَّاهُمَا بِعُرُورٍ وَ حَمَلَهُمَا عَلَى تَمَنِّي مَنَزَلَتِهِمْ فَنَظَرَا

إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَخُذَلَا حَتَّى أَكَلَا مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ الْحِنْطَةَ فَعَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَا شَعِيرًا فَأَصْلُ الْحِنْطَةِ كُلُّهَا مِمَّا لَمْ يَأْكُلَاهُ وَ أَصْلُ الشَّعِيرِ كُلُّهُ
مَا عَادَ مَكَانَ مَا أَكَلَاهُ فَلَمَّا أَكَلَا مِنَ الشَّجَرَةِ طَارَ الْحُلِيُّ وَ الْحُلُّلُ عَنْ أَجْسَادِهِمَا وَ بَقِيََا عُرْيَانَيْنِ، وَ طَفِقَا يَخْصِمَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ
نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا: أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَقَلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَْا عَدُوٌّ مُبِينٌ؟ فَ قَالَا: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا
لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، قَالَ: اهْبِطَا مِنْ جَوَارِي فَلَآ يُجَاوِرُنِي فِي جَنَّتِي مَنْ يَعَصِي بِنِي، فَهَبَطَا مُوَكَّلَيْنِ إِلَى أَنفُسِهِمَا فِي طَلَبِ الْمَعَاشِ فَلَمَّا أَرَادَ
اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمَا جَاءَهُمَا جَبْرَيْلُ فَقَالَ لَهُمَا: إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمَا أَنفُسَكُمْ كَمَا بَتَمَنِّي مَنزِلَةَ مَنْ فَضَّلَ عَلَيْكُمَا فَجَزَاؤُكُمْ مَا قَدْ عُوِقْتُمَا بِهِ مِنَ الْهُيُوطِ
مِنْ جَوَارِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى أَرْضِهِ فَسَلَا رَبَّكُمَا بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ الَّتِي رَأَيْتُمُوهَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ حَتَّى يَتُوبَ عَلَيْكُمَا، فَقَالَا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِحَقِّ
الْأَكْرَمِينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيْنَا وَ رَحْمَتُنَا، فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ، فَلَمْ يَزَلْ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ يَحْفَظُونَ هَذِهِ الْأَمَانَةَ وَ يُخْبِرُونَ بِهَا أَوْصِيَاءَهُمْ وَ الْمُنْخَلَصِينَ مِنْ أُمَّمِهِمْ فَيَأْبُونَ حَمَلَهَا وَ يُشْفِقُونَ مِنْ
إِدْعَائِهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الَّذِي عَرِفَ، فَأَصْلُ كُلِّ ظُلْمٍ مِنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَلْبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشَدَّ فَمَقَنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. از او: بحار الأنوار: ج 11 ص 172 ب 3 ح 19 و
ج 26 ص 320 ب 7 ح 2 و ج 85 ص 136 ب 43 ح 11. 110 - سورة (14) إبراهيم عليه السلام آية 14 و 15.

111- الفضائل، ابن شاذان القمي: ص 80 - خبر مفاخرة علي بن أبي طالب و فاطمة الزهراء عليهما السلام: روي أنه جاء في الخبر أن
الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام كان ذات يوم هو و زوجته فاطمة عليها السلام يأكلان تمرًا في الصحراء إذ تدعبا بينهما بالكلام فقال
علي عليه السلام: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُحِبُّنِي أَكْثَرَ مِنْكَ. فَقَالَتْ وَاعْجَبًا مِنْكَ! يُحِبُّكَ أَكْثَرَ مِنِّي وَ أَنَا ثَمَرَةٌ فُؤَادِهِ، وَ عَضُوٌّ
مِنْ أَعْصَانِهِ، وَ عُصْنٌ مِنْ أَعْصَانِهِ، وَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ

غَيْرِي؟! فَقَالَ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا فَاطِمَةُ! إِنْ لَمْ تُصَدِّقِيَنِي فَأَمْضِي بِنَا إِلَى أَبِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: فَمَضَى بِنَا إِلَى حَضْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَدَمَّتْ وَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيُّنَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنَا أَمْ عَلِيٌّ؟ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَعَلِيٌّ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْكَ. فَعَدَّهَا قَالَ سَيِّدُنَا وَمَوْلَانَا الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَمْ أَقُلْ لَكَ أَنَا وَلَدُ فَاطِمَةَ ذَاتِ النَّقِيِّ؟ قَالَتْ فَاطِمَةُ: وَأَنَا ابْنَةُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، ... قَالَ عَلِيُّ: وَأَنَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنِينَ، قَالَتْ فَاطِمَةُ: وَأَنَا الشَّجَرَةُ الَّتِي تُخْرَجُ أَكْلُهَا أَعْنَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، ...

112- مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 1 ص 480- وروي عن ابن عباس قال: قال جبريل عليه السلام للنبي صلى الله عليه وآله: أنت الشَّجَرَةُ، وَعَلِيُّ غُصْنُهَا، وَفَاطِمَةُ وَرَقُّهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا.

113- الأُمَالِي، الشَّيْخُ الْمَفِيدُ، ص 245 الْمَجْلِسُ 28 ح 5 - أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَبْهَرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الصَّبَّاحِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَخِي عَبْدِ الرَّزَّاقِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامِ بْنِ نَافِعٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي هَمَّامُ بْنُ نَافِعٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي مِينَا مَوْلَى عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ عَوْفِ الزَّهْرِيِّ قَالَ: قَالَ لِي عَبْدِ الرَّحْمَانَ: يَا مِينَا! أَلَا أَحَدَّثُكَ بِحَدِيثٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قُلْتُ: بَلَى قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: أَنَا شَجَرَةٌ، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَمُحِبُّوهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَرَقُّهَا رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. أَوْ: الْأُمَالِي، الطُّوسِيُّ: ص 19 الْمَجْلِسُ 1 ح 20. وَبِشَارَةِ الْمَصْطَفَى لِشَيْعَةِ الْمُرْتَضَى: ص 40 - أَوْ: شَيْخِ حَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ بَابُوِيهِ أَوْ شَيْخِ طُوسِيٍّ أَوْ شَيْخِ مَفِيدٍ - بَقِيَّةُ سُنْدٍ وَمِثْنٌ مِثْنُ الْأُمَالِي شَيْخِ مَفِيدٍ - . وَالْأُمَالِي، الطُّوسِيُّ: ص 610 الْمَجْلِسُ 28 ح 10-1262 - أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ شَرْحَبِيلِ أَبُو بَكْرٍ التَّرْخَمِيُّ بِحَمَصٍ وَعَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ سَلِيمَانَ بْنِ غَالِبِ الْأَزْدِيِّ بَارْتَاخَ وَالْفَلْظُ لَهُ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الْغَنِيِّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْأَزْدِيِّ الْمَعَانِي بِمَعَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي، عَنْ مِينَا بْنِ أَبِي مِينَا مَوْلَى عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ عَوْفٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَفَاطِمَةُ

فَرَعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا. وزاد عبد الرزاق: وَشَيْعَتُنَا وَرَقُّهَا، الشَّجَرَةُ أَصْلُهَا فِي جَنَّةِ عَدْنٍ، وَالْفَرْعُ وَالْوَرَقُ وَالشَّمْرُ فِي الْجَنَّةِ. وإعلام الوري: ج 1 ص 296 مانند الأمالى طوسى و با اضافه عبد الرزاق.

شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 406 ح 429 - أخبرنا أبو القاسم القرشي و كتبه لي بخطه قال: أخبرنا علي بن بندار قال: حدثني أبو بكر الرازي قال: حدثني محمد بن أبي يعقوب قال: حدثني إبراهيم بن عبد الله، قال: حدثني عبد الرزاق قال: حدثني أبي [قال: حدثني مينا مولى عبد الرحمان بن عوف قال: قال عبد الرحمان: يا مينا ألا أحدثك حديثه قبل أن تشاب الأحاديث بالأباطيل؟! سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَفَاطِمَةٌ فَرَعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَمُجِبُّوهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَرَقُّهَا. ثم قال: هُم فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ. وشواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 407 ح 430 - حدثني أبو عبد الله الدينوري قال: حدثنا محمد بن الحسن بن صفلاب قال: حدثنا محمد بن الفيض بن محمد بدمشق قال: حدثنا مؤمل بن يهاب قال: حدثنا عبد الرزاق، عن أبيه، عن مينا مولى عبد الرحمان بن عوف، عن أبيه قال: سمعت عبد الرحمان بن عوف يقول: خذوا مني حديثا قبل أن تشاب الأحاديث بالأباطيل، سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَفَاطِمَةُ فَرَعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَشَيْعَتُنَا وَرَقُّهَا، وَأَصْلُ الشَّجَرَةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ سَائِرُ ذَلِكَ فِي سَائِرِ الْجَنَّةِ. و ملحقات إحقاق الحق: ج 5 ص 246 از كفاية الطالب: ص 278 چاپ نجف اشرف - أخبرنا المفتي أبونصر بن هبة الله الشيرازي، أخبرنا الحافظ علي بن عساكر، أخبرنا أبو القاسم ابن السمرقندي، أخبرنا إسماعيل بن مسعدة، أخبرنا حمزة بن يوسف، أخبرنا أبو أحمد بن عدي، حدثنا عمر بن سنان، حدثنا الحسن بن علي أبو عبد الغني الأزدي، حدثنا عبد الرزاق، عن أبيه، عن مينا بن أبي مينا مولى عبد الرحمان ابن عوف، عن عبد الرحمان بن عوف أنه قال: ألا تسألوني قبل أن يشوب الأحاديث الأباطيل؟ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَفَاطِمَةُ فَرَعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَشَيْعَتُنَا وَرَقُّهَا، وَ

الشَّجْرَةُ أَصْلُهَا فِي جَنَّةٍ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ، وَالْأَصْلُ وَالْفَرْعُ وَاللَّقَاحُ وَالْوَرِقُ فِي الْجَنَّةِ. قلت: أخرجه محدث دمشق بطرق شتى. و ملحقات إحقاق الحق: ج 23 ص 135 از تاريخ مدينة دمشق: ج 3 ص 15 از كپی نسخه كتاب خانه سلطان أحمد سوم در استانبول - و ملحقات إحقاق الحق: ج 18 ص 347 از ترجمة الإمام الحسين عليه السلام تاريخ دمشق: ص 124 چاپ بيروت - أخبرنا أبو القاسم ابن السنن، أخبرنا إسماعيل بن مسعدة، أخبرنا حمزة ابن يوسف، أخبرنا أبو أحمد ابن عدي، أخبرنا عمر بن سنان، أخبرنا الحسن بن عليّ أبو عبد الغني الأزدي، أخبرنا عبد الرزاق، عن أبيه، عن ميناء بن أبي ميناء مولى عبد الرحمان بن عوف، عن عبد الرحمان بن عوف أنه قال: ألا تسألوني قبل أن تشوب الأحاديث الأباطيل؟ قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أنا الشجرة، وفاطمة أصلها - وأفرعها - وعليّ لقاحها، والحسن والحسين ثمرتها، وشيعتنا ورقها، فالشجرة أصلها في جنة في جنة عدن، والأصل والفرع واللحاق والورق والثمر في الجنة. و ملحقات إحقاق الحق: ج 23 ص 135 از الكامل في ضعفاء الرجال: ج 2 ص 748 و از ج 6 ص 2451 چاپ بيروت - ثنا عمر بن سنان، ثنا الحسن بن عليّ الأزدي أبو عبد الغني، - بقيه سند و متن مانند تاريخ دمشق با اختلاف اندك در متن - . و تفسير جوامع الجامع: ج 2 ص 282- عن النبي صلى الله عليه وآله: أنا شجرة، وفاطمة فرعها، وعليّ لقاحها، والحسن والحسين ثمرها، وشيعتنا أوراقها.

114- الأمالي، الطوسي: ص 611 المجلس 28 ح 1264-12- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل قال: حدثنا الحسن بن عليّ بن زكريّا العاصمي قال: حدثنا صهيب بن عبّاد بن صهيب قال: حدثنا أبي، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن أبيه، عن عليّ بن أبي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا الشَّجْرَةُ، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، وَأَغْصَانُ الشَّجْرَةِ ذَاهِبَةٌ عَلَى سَاقِهَا، فَأَيُّ رَجُلٍ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَدْ عَرَفْنَا الشَّجْرَةَ وَفَرْعَهَا، فَمَنْ أَغْصَانُهَا؟ قَالَ: عِترتي، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا، وَ حَاسَبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يُحَاسَبَ،

إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ. وإرشاد القلوب: ج 1 ص 145 ب 46- وعن عليّ عليه السلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، وَشَيْعَتُنَا أَغْصَانُهَا، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَعَمِلَ بِأَعْمَالِنَا وَحَاسَبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحِلَّ رَمْسَهُ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. وبشارة المصطفى لشيعته المرتضى: ص 40 وجدت في كتاب ابن الفقيه أبي القاسم بن محمد رحمة الله عليه مكتوباً بخطه: حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْحَسَنُ الْمُتَكَلِّمُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَمْرٍو أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ السَّانِي، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَدِيِّ بَجْرَجَانَ، حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ ضَرِيرِيسِ الْكُوفِيِّ بِفَيْدٍ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ سَهْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ سَفِيَانَ الثَّوْرِيِّ، عَنْ لَيْثٍ، عَنْ مَجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَمَا قَوْلُكُمْ فِي شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُهَا، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَارُهَا، وَشَيْعَتُنَا أَوْرَاقُهَا؟! فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا سَاقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ تَرَكَهَا هَوَى فِي النَّارِ. و غرر الأخبار: ص 211 الفصل 17- ابن عباس قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يخطب، فقال للأَنْصَارِ: أَلَمْ تَكُونُوا ضَالًّا فَهَدَاكُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِي؟ أَلَمْ تَكُونُوا خَائِفِينَ فَأَمَّنَكُمْ اللَّهُ بِي؟ أَلَمْ تَكُونُوا ذُلًّا فَأَعَزَّكُمْ اللَّهُ بِي؟ ثُمَّ قَالَ: مَا لِي لَا أَرَاكُمْ تُجِيبُونَ؟ قَالُوا: مَا نَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَقَدْ صَدَقْتَ؟ قَالَ: تَقُولُونَ: أَنْفُسَنَا وَأَمْوَالَنَا لَكَ (الْفِدَاءُ) يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَوْدَّةُ فِي الْقُرْبَى)؛ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الشَّجَرَةَ أَنَا أَصْلُهَا، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَارُهَا، وَشَيْعَتُهُمْ وَرَفُؤُهَا، طِبْتُهُمْ طِينَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً.

و ملحقات إحقاق الحق: ج 18 ص 344 از أهل البيت، توفيق أبو علم: ص 124 چاپخانه السعادة القاهرة: عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَمَا قَوْلُكُمْ فِي شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُهَا، وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَارُهَا، وَشَيْعَتُنَا أَوْرَاقُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ

بِغُصْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا سَاقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَنْ تَرَكَهَا هَوِيَ إِلَى النَّارِ.

115- بصائر الدرجات: ص 60 ح 2- حدّثنا موسى بن جعفر قال: وجدت بخط أبي روية، عن محمد بن عيسى الأشعري، عن محمد بن سليمان الديلمي مولى عبد الله، عن سليمان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله تعالى: «سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى» وقوله: «أصلها ثابت وفرعها في السماء». فقال: رسول الله صلى الله عليه وآله جَذَرُهَا، وَعَلِيٌّ ذُرْوُهَا، وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَ الْأَيْمَةُ أَعْصَانُهَا، وَ شَيْعَتُهُمْ أَوْزَاقُهَا...».

116- الصراط المستقيم: ج 1 ص 209 - وقال صلى الله عليه وآله: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ حَمْلُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ ثَمَرُهَا، وَ الْمُحِبُّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَفَقَهَا، إِلَى الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا. و ملحقات إحقاق الحق: ج 18 ص 347 از ترجمة الإمام الحسين (عليه السلام) تاريخ دمشق: ص 123 چاپ بيروت- أخبرنا أبو الفرج عبد الخالق بن أحمد بن عبد القادر بن محمد بن يوسف، أنبأنا أبو نصر محمد بن محمد بن عليّ الزينبي، أنبأنا أبو بكر محمد بن عمر ابن خلف بن زنبور، أنبأنا أبو بكر محمد بن عمر بن عليّ بن خلف الوراق، عن أبي بكر محمد بن المقرئ ابن عثمان التمار، أنبأنا نصر بن شعيب، أنبأنا موسى بن نعمان، أنبأنا ليث بن سعد، عن ابن جريح، عن مجاهد، عن ابن عباس قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بأذنيّ وإلا فصممتا وهو يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ حَمْلُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَ الْمُحِبُّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَفَقَهَا، مِنَ الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا. و از وسيلة المآل: ص 77 خطى از ابن عباس مانند تاريخ دمشق. و ملحقات إحقاق الحق: ج 23 ص 135: از تفسير آية المودة: ص 46- وعن ابن عباس رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وآله وسلم يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ حَمْلُهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، وَ الْمُحِبُّونَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَرَفَقَهَا، هُمْ فِي الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا. و از استجلاب ارتقاء الغرف بحبّ أقرباء الرسول، ص 35 از كپي نسخه خطي كتاب خانه استانبول و او از المسند ديلمي از ابن عباس مانند آن.

117- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 408 ح 431- أخبرنا أبو عثمان الحيري قال:

ص: 253

حدَّثنا أبو الحسن محمد بن منصور النوشري قال: حدَّثنا أبو بكر أحمد بن موسى بن عمران البلخي قال: حدَّثنا إسحاق بن إبراهيم بن عباد بصنعاء اليمن قال: حدَّثنا عبد الرزاق، قال: أخبرني أبي، عن مينا مولى عبد الرحمان بن عوف قال: حدَّثني مولاي عبد الرحمان بن عوف بحديث [و] ذكر أنه سمع من النبي صلى الله عليه وآله، سمعته يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: أنا شجرة، وعليّ القلب، وفاطمة اللقاح، والحسن والحسين الثمر، وشيعتنا الورق، وحيث ينبت الشجر تساقط ورقها. ثم قال: في جنة عدن والذي بعثني بالحق. وح 432 - حدَّثنيه عالياً الحاكم أبو عبد الله الحافظ قال: حدَّثنا أبو بكر محمد بن حيويه بن المؤمل التحوي بهمدان قال: حدَّثنا إسحاق بن إبراهيم الدبري ب «صنعاء» به. وساق الحديث كلفظ الدينوري سواء.

118- ملحقات إحقاق الحق: ج 16 ص 131 از ترجمة الإمام علي من تاريخ دمشق: ج 1 ص 132 چاپ بيروت - و أنبأ ابن السمسار، أنبأنا علي بن الحسن الصوري، وأنبأنا سليمان بن أحمد أيوب الطبراني اللخمي بأصبهان، أنبأنا الحسين بن إدريس الحريري التستري، أنبأنا أبو عثمان طلوت بن عباد البصري الصيرفي، أنبأنا فضال بن جبر (ظ)، أنبأنا أبو أمامة الباهلي قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: خلق الله الأنبياء من أشجار شتى، وخلقني وعلياً من شجرة واحدة، فأنا أصلها، وعليّ فرعها، وفاطمة لقاحها، والحسن والحسين ثمرها، فمن تعلق بغصن من أغصانها نجاً، ومن زاع عنها هوى. ولو أن عبداً عبد الله بين الصفا والمروة ألف عام ثم ألف عام ثم ألف عام، ثم لم يدرك محبتنا أهل البيت لأكبه الله على منخريره في النار. ثم تلا: قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة في القربى.

و ملحقات إحقاق الحق: ج 5 ص 262 از كفاية الطالب: ص 178- أخبرنا الحافظ يوسف بن خليل بن عبد الله الدمشقي بحلب، أخبرنا محمد بن إسماعيل بن محمد الطرسوسي، أخبرنا أبو منصور محمد بن إسماعيل الصيرفي، أخبرنا أبو الحسين بن فاذشاه، أخبرنا الحافظ أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب الطبراني، أخبرنا الحسين بن إدريس التستري، حدَّثنا أبو عثمان

طالوت بن عباد الصِّيرفي البصري، حدَّثنا فضال بن جبير، حدَّثنا أبو أمامة الباهلي قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا، وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُضْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا نَجَا، وَ مَنْ زَاغَ عَنْهَا هَوَى، وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ، ثُمَّ لَمْ يَدْرِكْ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ. ثم تلا: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. قلت: هذا حديث حسن عال رواه الطبراني في معجمه كما أخرجه سواه و رواه محدث الشام في كتابه بطرق شتى. و ملحقات إحقاق الحق: ج 5 ص 263 از لسان الميزان، ابن حجر العسقلاني: ج 2 ص 226 و ج 4 ص 434 چاپ حيدر آباد دكن - أنبتت عن محمد بن إسماعيل الطرسوسي، أخبرنا محمود الصيرفي، أخبرنا ابن فاذشاه، أنا الطبراني، ثنا الحسين بن إدريس التستري، ثنا طالوت بن عباد، ثنا فضال، ثنا أبو أمامة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى، وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، أَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا، وَ فَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُضْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا نَجَا. و از تنزيه الشريعة، الكنانى المصرى: ج 1 ص 400 چاپ قاهره - عن أبي أمامة مانند لسان الميزان.

لازم به ذکر است که: این حدیث را به همین روایت و سند بسیاری از مخالفین با حذف آن قسمت که مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام است روایت نموده اند از جمله خود طبرانی، و یا این که در چاپ این کتاب ها حذف نموده اند. 119- بصائر الدرجات: ص 59 ب 2 ح 3- حدَّثنا أحمد، عن الحسن بن محبوب، عن مؤمن الطاق، عن سلام بن المستنیر قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى: «كَشَّ جَرَّةً طَيِّبَةً أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ قال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ، نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَ عُصْرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَعْصَانُ الشَّجَرَةِ وَ ثَمَرُهَا الْأَئِمَّةُ وَ وَرَقُ الشَّجَرَةِ الشَّيْعَةُ. وَ إِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْهُمْ لِيُولَدَ فَتُورِقُ وَرَقَةً، وَ إِنَّ

الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَمُوتَ فَتَسَقُطُ مِنْهَا وَرَقَةٌ. قَالَ: جُعِلَتْ فِدَاكَ: تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ قَالَ: مَا يُفْتِي الْأَيْمَةَ شَيْعَتُهُمْ فِي كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. و بصائر الدرجات: ص 59 ب 2 ح 2- حدَّثنا يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن الأحول، عن سلام بن المستنير قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؟ فقال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ، نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيٌّ، وَغُنْصُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ، وَأَغْصَانُهَا الْأَيْمَةُ، وَوَرَقُهَا الشَّيْعَةُ. وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَمُوتُ فَتَسَقُطُ مِنْهَا وَرَقَةٌ، وَإِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْهُمْ لَيُولَدُ فَتَوْرِقُ وَرَقَةٌ. قَالَ: قلت له: جُعِلَتْ فِدَاكَ قوله تعالى: «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؟ قال: هُوَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْإِمَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى شَيْعَتِهِ. و تفسير جوامع الجامع: ج 2 ص 282- وعن الباقر عليه السلام: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفَرْعُهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُنْصُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَ ثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا، وَأَغْصَانُهَا وَوَرَقُهَا شَيْعَتُهَا (شيعتنا).

120- تفسير القمّي: چاپ بيروت: ج 1 ص 370- فحدَّثني أبي، عن الحسن بن محبوب، عن أبي جعفر الأحول، عن سلام بن المستنير، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن قول الله: «مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً» قال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَصْلُهَا نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَغُنْصُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَ ثَمَرُهَا الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ شَيْعَتُهُمْ وَوَرَقُهَا. وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيَمُوتُ فَتَسَقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةٌ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُولَدُ فَتَوْرِقُ الشَّجَرَةُ وَرَقَةٌ. قُلْتُ: أَرَأَيْتَ قَوْلَهُ «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؟ قَالَ: يَعْنِي بِذَلِكَ مَا يُقْتُونَ بِهِ الْأَيْمَةَ شَيْعَتُهُمْ فِي كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ (فهذا مثل آل مُحَمَّدٍ ... - تفسير البرهان چاپ سنگی). از او، مختصر تفسير القمّي، ابن العتائقي: ص 262 ح 24-26 و البرهان في تفسير القرآن: چاپ الأعلمی بيروت: ج 4 ص 320 ح 7 و چاپ بعثت تهران: ج 3 ص 297 ح 5716. و تأويل الآيات الظاهرة، تحقيق مدرسة الإمام المهدي قم: ج 1 ص 242 ح 2 و چاپ وزارت ارشاد: ص 247 - ما ذكره علي بن إبراهيم رحمه الله في

تفسيره قال: روي عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: «كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء» الشجرة رسول الله، ونسبه ثابت في بني هاشم، وفرع الشجرة علي بن أبي طالب، وعصن (عصن - چاپ ارشاد) الشجرة فاطمة، وثمرتها الحسن والحسين والأئمة من ولد علي وفاطمة عليهم السلام، وعلم الأئمة من أولادهم أغصانها وشيعتهم ورقها وإن المؤمن من شيعتنا ليموت فتسقط من تلك الشجرة ورقة وإن المؤمن ليولد للمؤمن منهم فيورق الشجرة ورقة. قلت: رأيت قوله: «تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها»؟ قال: علمها وهو ما يفتي به الأئمة شيعتهم في كل حج وعمرة من الحلال والحرام. فضرب الله لآل محمد صلى الله عليه وعليهم هذا مثلاً، أنهم في الناس على هذا القياس، ... وكنز جامع الفوائد: ج 1 ص 263 - ما ذكره علي بن إبراهيم رحمه الله في تفسيره، قال: روي عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: «شجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء» فالشجرة رسول الله، ونسبه ثابت في بني هاشم، وفرع الشجرة علي بن أبي طالب، وعصن الشجرة فاطمة، وثمرتها الحسن والحسين والأئمة من ولد علي وفاطمة عليهم السلام، وعلم الأئمة من أولادهم أغصانها، وشيعتهم ورقها. وإن المؤمن من شيعتنا ليموت فتسقط من تلك الشجرة ورقة، وإن المؤمن ليولد للمؤمن منهم فيورق الشجرة ورقة. قلت: رأيت قوله: «تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها»؟ قال: علمها وهو ما يفتي به الأئمة شيعتهم في كل حج وعمرة من الحلال والحرام. فضرب الله لآل محمد صلى الله عليه وعليهم هذا مثلاً، أنهم في الناس على هذا القياس، ...

وشواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 406 ح 428 - أخبرنا أبو عبد الله الشيرازي قال: أخبرنا أبو بكر الجرجاني قال: حدثنا أبو أحمد البصري قال: حدثني المغيرة بن محمد قال: حدثني جابر بن سلمة قال: حدثني حسين بن حسن، عن عامر السراج، عن سلام الخثعمي قال: دخلت على أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام فقلت: يا ابن رسول الله! قول الله تعالى: «أصلها ثابت وفرعها في السماء»؟ الشجرة محمد، والفرع علي أمير المؤمنين، والثمر الحسن والحسين! وشعب ذلك الغصن الأئمة من ولد فاطمة

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ الْوَرَقُ شَيْعَتُنَا وَ مُحِبُّونَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِذَا مَاتَ مِنْ شَيْعَتِنَا رَجُلٌ تَنَاطَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً، وَإِذَا وُلِدَ لِمُحِبِّينَا مَوْلُودٌ إِخْضَرَ مَكَانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَرَقَةً. فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» مَا يَعْنِي؟ قَالَ: يَعْنِي الْأَيْمَةَ تُقْتَلُ شَيْعَتُهُمْ فِي الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فِي كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ.

121- معاني الأخبار: ص 400 باب نوادر المعاني... ح 61 - حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقاني رحمه الله قال: حدثنا عبد العزيز بن يحيى قال: حدثنا عبد الله بن محمد الضبي قال: حدثنا محمد بن هلال قال: حدثنا نائل بن نجیح قال: حدثنا عمرو بن شمر، عن جابر الجعفي قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام عن قول الله عز وجل: «كَشَّ جَرَّةً طَيِّبَةً أَصَدَّ لَهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» قال: أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ فَرْعُهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ غُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ ثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ وَرَقُهَا شَيْعَتُنَا. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيَمُوتُ فَيَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً، وَ إِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيُولَدُ فَتَوَرَّقُ الشَّجَرَةُ وَرَقَةً. وَ مَجْمَعُ الْبَيَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ: ج 6 ص 480 - وَ رَوَى ابْنُ عَقْدَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الشَّجَرَةَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ فَرْعُهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ غُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَ ثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَوْزَاقُهَا شَيْعَتُنَا. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً، وَ أَنَّ الْمَوْلُودَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيُولَدُ فَيَوَرَّقُ مَكَانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَرَقَةً. از او: بحار الأنوار: ج 9 ص 112.

122- الأمالي، الشيخ الطوسي: ج 2 ص 295 ح 8 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 2 ص 51 و الإحتجاج: ج 1 ص 145 و شرح ابن ميثم: ج 5 ص 105 و الدرر النظيم: ص 145.

123- مشارق أنوار اليقين: ص 133 الفصل 3.

124- زندگانی حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها نوشته حسين عمادزاده: ص 242.

125- الكافي: ج 1 ص 458 ح 3- أحمد بن مهران رحمه الله رفعه؛ و أحمد بن إدريس، عن محمد

بن عبد الجبار الشيباني قال: حدّثني القاسم بن محمّد الرّازي قال: حدّثنا علي بن محمّد الهرمزي، عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ عليهما السلام قال: لما قبضت فاطمة عليها السلام دفنّها أمير المؤمنين سرّاً، وعفا على موضع قبرها، ثمّ قام فحوّل وجهه إلى قبر رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: السلام عليك يا رسول الله عني، والسلام عليك عن ابنتك، وزائرتك، والباينة في الثرى ببعثتك، والمختار الله لها سرعة اللّحاق بك. قلّ يا رسول الله عن صفيّتك صبري، وعفا عن سيّدة نساء العالمين تجلّدي، إلا أنّ لي في التّأسي بسنتك في فرقتك موضع تعزّ، فلقد وسدتك في ملحودة قبرك وفاضت نفسك بين نحري وصدري بلّى وفي كتاب الله لي أنعم القبول إنّ الله وإنّا إليه راجعون قد استرجعت الوديعه وأخذت الرّهينه وأجلست الرّهراء فما أقبح الحضراء والعبراء يا رسول الله أمّا حزني فسرمد و أمّا ليلى فمسهد وهم لا يبرح من قلبي أو يختار الله لي دارك التي أنت فيها مقيم كمّد مفيح وهم مهيج سرعان ما فرق بيننا وإلى الله أشكو وسئبتك ابنتك بتظافر أمّتك على هضمها فأحفيها السؤال واستخبرها الحال فكم من غليل معتلج بصدورها لم تجد إلى بئس سبيلاً وستقول ويحكم الله وهو خير الحاكمين سلام مودع لا قال ولا سيم فإن أنصرف فلا عن ماله وإن أقم فلا عن سوء ظنّ بما وعد الله الصابرين واهأ والصبر أيمن وأجمل ولو لا غلبه المستولين لجعلت المقام واللبث لزاماً معكوفاً ولأعولت إغوال الشكلى على جليل الرزيه فبعين الله تدفن ابنتك سرّاً وتهمم حقهها وتمنع إزتها ولم يتباعد العهد ولم يخلق منك الذكّر وإلى الله يا رسول الله المّشتكى وفيك يا رسول الله أحسن العزاء صلى الله عليك وعليها السلام والرّضوان. والأمالى، الشّ يخ المفيد: ص 281 المجلس 33 ح 7 - قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين قال: حدّثنا أبي قال: حدّثنا أحمد بن إدريس قال: حدّثنا محمّد بن عبد الجبار، عن القاسم بن محمّد الرّازي، عن عليّ بن محمّد الهرمزي، عن عليّ بن الحسين بن عليّ، عن أبيه الحسين عليهما السلام قال: لما مرضت فاطمة بنت النّبي صلى الله عليه وآله وصّت إلى عليّ صلوات الله عليه أن يكتم أمرها، ويخفي خبرها، ولا يؤذن أحداً بمرضها، ففعل ذلك، وكان يمرضها بنفسه، وتعينه على ذلك أسماء

بِنْتُ عُمَيْسٍ رَحِمَهَا اللَّهُ عَلَى اسْتِسْرَارٍ بِذَلِكَ كَمَا وَصَّتْ بِهِ فَلَمَّا حَضَرَ رَتَهَا الْوَفَاةُ وَصَّتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَتَوَلَّى أَمْرَهَا، وَيَدْفِنَهَا لَيْلًا - وَيُعْفَى قَبْرَهَا فَتَوَلَّى ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَفَنَهَا، وَعَفَى مَوْضِعَ قَبْرِهَا فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تُرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ فَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَيْهِ وَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنِّي، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ ابْنَتِكَ وَ حَبِيبَتِكَ وَ قَرَّةِ عَيْنِكَ، وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ لَهَا اللَّهُ سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ ضَعْفَ عَنِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ تَجَلُّدِي إِلَّا أَنْ فِي التَّأْسِي لِي بِسُنَّتِكَ وَ الْحُزْنَ الَّذِي حَلَّ بِي بِفِرَاقِكَ مَوْضِعَ التَّعْزِي، ...

و الأماي، الشَّيخ الطوسي: ص 109 المجلس 4 ح 166-20- از شيخ مفيد به سندش ...

و دلائل الإمامة: ص 138 ح 46/46 - أخبرني أبو الحسن علي بن هبة الله قال: حدثنا أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين القمي قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال: حدثنا علي بن مسكان، عن محمد بن سنان، عن المفصل بن عمر، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه علي بن الحسين عليهم السلام قال: قال لي أبي الحسين بن علي عليهما السلام: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَعَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا بِيَدِهِ، ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ، وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ، وَ الْمُخْتَارِ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ؛ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَعَفَا عَنِ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي، إِلَّا أَنْ لِي فِي التَّأْسِي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعْزٍ، ...

وروضة الواعظين: ج 1 ص 152 - وروي أن أمير المؤمنين عليه السلام قال عند دفن فاطمة عليها السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جَوَارِكِ وَ السَّرِيعَةِ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ رَقَّ عَنْهَا تَجَلُّدِي إِلَّا أَنْ فِي التَّأْسِي بِعَظِيمِ فُرْقَتِكَ وَ فَادِحِ مُصِيبَتِكَ مَوْضِعَ تَعْزٍ، ...

ص: 260

وبشارة المصطفى لشيعته المرتضى: ص 259 - قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه قال: حدّثني أبي قال: حدّثنا أحمد بن إدريس قال: حدّثنا محمّد بن عبد الغفّار، عن القاسم بن محمّد الرّازي، عن عليّ بن محمّد الهرمذاريّ [الهرمذانيّ]، عن عليّ بن الحسين، عن أبيه الحسين عليهما السّلام قال:.

و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج 3 ص 364- وروي أنّ أمير المؤمنين عليه السّلام قال عند دفنها عليها السّلام: . و كشف الغمّة في معرفة الأنمّة: ج 1 ص 504 - وقال عليّ عليه السّلام عند دفن فاطمة عليها السّلام كالمناجيّ بذلك رسول الله صلّى الله عليه وآله عند قبره: . و نهج البلاغة: ص 319 الكلمة 202 - و من كلام له عليه السّلام روي عنه أنّه قاله عند دفن سيّدة النّساء فاطمة عليها السّلام كالمناجيّ به رسول الله صلّى الله عليه وآله عند قبره: .

126- سورة (53) النّجم آيات 4-6.

127- سورة (17) الإسراء آية 27.

128- سورة (30) الرّوم آية 39.

129- سورة (8) الأنفال آية 42.

130- سورة (59) الحشر آية 8.

131- سورة (16) النحل آية 91.

132- تفسير فرات الكوفيّ: ص 236 ح 319 - حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن أبي جعفر [محمّد بن عليّ] عليه السّلام قال: كنت معه جالساً فقال لي: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» قال: الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْإِحْسَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ. و تفسير فرات الكوفيّ: ص 236 ح 320 - حدّثني جعفر بن محمّد بن سعيد الأحمسيّ معنعناً، عن أبي جعفر عليه السّلام في قوله: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» قال: الْعَدْلُ النَّبِيُّ، وَالْإِحْسَانُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ ذِي الْقُرْبَى فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ. و تفسير فرات الكوفيّ:

ص: 261

ص 236 ح 321 - حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن أبي جعفر عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» قال: الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْإِحْسَانُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَذِي الْقُرْبَى فَاطِمَةُ وَأَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

133- سورة (42) الشورى آية 26: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ».

134- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 335 - ودخل النبي صلى الله عليه وآله على فاطمة فرآها منزعة فقال لها: ما لك؟ قالت: «الْحُمَيْرَاءُ افْتَحَرَتْ عَلَى أُمِّي أَنْهَا لَمْ تَعْرِفْ رَجُلًا قَبْلَكَ، وَإِنَّ أُمَّي عَرَفْتَهَا مُسِنَّةً. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ بَطْنَ أُمِّكَ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً».

از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 43 ب 3.

135- سورة (14) إبراهيم عليه السلام آية 35 و سورة (16) النحل آية 19.

136- سورة (14) إبراهيم عليه السلام آية 29.

137- تفسير القمي: ج 1 ص 85- حدّثني أبي، عن إسحاق بن الهيثم، عن سعد بن ظريف، عن الأصبع بن نباتة: أن علياً عليه السلام سئل عن قول الله عز وجل: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»؟ قال: السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا فِيهِمَا مِنْ مَخْلُوقٍ فِي جَوْفِ الْكُرْسِيِّ، وَ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَمْلا كِ يَحْمِلُونَهُ بِإِذْنِ اللَّهِ؛ (فَأَمَّا الْمَلِكُ الْأَوَّلُ) فِي صُورَةِ الْآدَمِيِّينَ، وَ هِيَ أَكْرَمُ الصُّورِ عَلَى اللَّهِ، وَ هُوَ يَدْعُو اللَّهَ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِبَنِي آدَمَ. (وَ الْمَلِكُ الثَّانِي) فِي صُورَةِ الثَّوْرِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الْبَهَائِمِ، وَ هُوَ يَطْلُبُ إِلَى اللَّهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِلْبَهَائِمِ، (وَ الْمَلِكُ الثَّلَاثُ) فِي صُورَةِ النَّسْرِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الطَّيْرِ، وَ هُوَ يَطْلُبُ إِلَى اللَّهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِجَمِيعِ الطَّيْرِ. (وَ الْمَلِكُ الرَّابِعُ) فِي صُورَةِ الْأَسَدِ، وَ هُوَ سَيِّدُ السَّبَاعِ، وَ هُوَ يَرْعُبُ إِلَى اللَّهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفَاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِجَمِيعِ السَّبَاعِ. وَ لَمْ يَكُنْ فِي هَذِهِ الصُّورِ أَحْسَنُ مِنَ الثَّوْرِ، وَ لَا أَشَدُّ انْتِصَاباً مِنْهُ، حَتَّى اتَّخَذَ الْمَلَأُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعِجْلَ إِلْهًا، فَلَمَّا

عَكَّفُوا عَلَيْهِ وَعَبَدُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَفِضَ الْمَلِكُ الَّذِي فِي صُورَةِ الثَّوْرِ رَأْسَهُ اسْتَحْيَاءً مِنَ اللَّهِ أَنْ عُبِدَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شَيْءٌ يُشَبِّهُهُ، وَتَحَوَّفَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ الْعَذَابُ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الشَّجَرَ لَمْ يَزَلْ حَصِيْدًا كُلُّهُ حَتَّى دُعِيَ لِلرَّحْمَانِ وَلَدًّا، أَعَزَّ الرَّحْمَانُ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ، فَكَادَتْ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ، وَتَنَشَقُّ الْأَرْضُ، وَتَخْرُ الْجِبَالُ هَدًّا، فَعِنْدَ ذَلِكَ أَقْبَدَ عَرَّ الشَّجَرَ، وَصَارَ لَهُ شَوْكٌ حِذَارٌ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ الْعَذَابُ، فَمَا بَالُ قَوْمٍ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَدَلُوا عَنْ وَصِيَّتِهِ فِي حَقِّ عَلِيٍِّّ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا يَخَافُونَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ؟! ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ». ثُمَّ قَالَ: نَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، بِنَا فَازَ مَنْ فَازَ.

و تفسير العياشي: ج 2 ص 229 ح 24 - عن الأصبع بن نباتة قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه في قول الله: «الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» قال: قال: نَحْنُ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ الْعِبَادِ.

138- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم: ص 63 ب 3 ح 10- حدثنا عبد الله بن عامر، عن العباس بن معروف، عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله البصري، عن أبي المعزى، عن أبي بصير، عن خيثمة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ، وَنَحْنُ صَفْوَتُهُ، وَنَحْنُ خَيْرَتُهُ، وَنَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ، وَنَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ أَرْكَانُ الْإِيمَانِ، وَنَحْنُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، وَنَحْنُ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ، وَبِنَا يَخْتِمُ، وَنَحْنُ أئِمَّةُ الْهُدَى، وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، وَنَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى، وَ نَحْنُ السَّابِقُونَ، وَنَحْنُ الْأَخْرُونَ، وَنَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا غَرِقَ، وَنَحْنُ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ نَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ الطَّرِيقُ، وَصِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ، وَنَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَنَحْنُ الْمُنْهَاجُ، وَنَحْنُ مَعَادِنُ النَّبُوَّةِ، وَ نَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ إِلَيْنَا مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَنَحْنُ السَّرَاجُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا، وَنَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا، وَنَحْنُ الْهُدَاهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَنَحْنُ عِزُّ (عُرَى) الْإِسْلَامِ، وَنَحْنُ الْجُسُورُ، وَالْقَنَاطِرُ، مَنْ

مَضَى عَلَيْهَا سَبَقٌ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مَحَقٌ، وَنَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ، وَبِنَا تُسَقُونَ الْعَيْثُ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصَدَّرُ عَنْكُمْ الْعَذَابُ، فَمَنْ عَرَفْنَا، وَنَصَرَنَا، وَعَرَفَ حَقَّنَا، وَأَخَذَ بِأَمْرِنَا، فَهُوَ مِنَّا وَإِلَيْنَا. وكمال الدين وتمام النعمة: ج 1 ص 206 ب 21 ح 20- حدثنا أبي رضي الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن العباس بن معروف، عن عبد الله بن عبد الرحمن البصري، عن أبي المغراء حميد بن المثنى العجلي، عن أبي بصير، عن خيثمة الجعفي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ، وَنَحْنُ صَفْوَتُهُ، وَنَحْنُ حَوْزَتُهُ، وَنَحْنُ مُسَدِّ تَوَدُّعِ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَنَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ، وَنَحْنُ أَرْكَانُ الْإِيمَانِ، وَنَحْنُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، وَنَحْنُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَنَحْنُ مَنْ بِنَا يُفْتَحُ، وَبِنَا يُخْتَمُ، وَنَحْنُ أَيْمَةُ الْهُدَى، وَنَحْنُ مَصَابِيحُ الدُّجَى، وَنَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى، وَنَحْنُ السَّابِقُونَ، وَنَحْنُ الْآخِرُونَ، وَنَحْنُ الْعُلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا عَرِقٌ، وَنَحْنُ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَنَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ، وَصِدْرُ الرَّاطِ اللَّهُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَنَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ، وَنَحْنُ الْمِنْهَاجُ، وَنَحْنُ مَعْدِنُ النَّبُوَّةِ، وَنَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ إِلَيْنَا تَخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةُ، وَنَحْنُ السَّرَاحُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا، وَنَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا، وَنَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَنَحْنُ عُرَى الْإِسْلَامِ، وَنَحْنُ الْجُسُورُ وَالْقَنَاطِرُ، مَنْ مَضَى عَلَيْهَا لَمْ يُسَبِّقْ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مَحَقٌ، وَنَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُنْزِلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرَّحْمَةَ، وَبِنَا يُسَقُونَ الْعَيْثُ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصَدَّرُ عَنْكُمْ الْعَذَابُ، فَمَنْ عَرَفْنَا، وَأَبْصَرْنَا، وَعَرَفَ حَقَّنَا، وَأَخَذَ بِأَمْرِنَا، فَهُوَ مِنَّا، وَإِلَيْنَا.

139- تفسير القمي: ج 1 ص 372 - حدثني أبي، عن محمد بن أبي عمير، عن عثمان بن عيسى، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأله عن قول الله: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا؟» قال: نَزَلَتْ فِي الْأَفْجَرَيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ، وَمِنْ بَنِي أُمَيَّةَ، وَبَنِي الْمُغِيرَةَ. فَأَمَّا بَنُو الْمُغِيرَةَ فَتَقَطَعَ اللَّهُ دَابِرَهُمْ يَوْمَ بَدْرٍ، وَأَمَّا بَنُو أُمَيَّةَ فَمُتَّعُوا إِلَى حِينٍ. ثم قال: وَنَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا يَقُورُ مَنْ فَازَ. و تفسير القمي: ج 1 ص 388 - قال الصادق عليه السلام: نَحْنُ وَاللَّهِ

نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا فَازَ مَنْ فَازَ.

140- سورة (5) المائدة آية 4.

141- در عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 225 ح 3 - حدّثنا أبو محمّد جعفر بن التّعيم الشّاذانيّ رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، حدّثنا إبراهيم بن هاشم، عن عليّ بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن عليّ بن موسى الرضا، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ عليهم السلام قال: و در عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 225 ح 4- حدّثنا بهذا الحديث أحمد بن زياد بن جعفر الهمدانيّ رضي الله عنه، حدّثنا عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن عليّ بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن الرضا، عن آبائه، عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام، عن رسول الله صلّى الله عليه وآله. وقد أخرجت ما روّيته في هذا المعنى في كتاب مولد فاطمة عليها السلام وفضائلها. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 92 ب 5 ح 3.

142- الكافي: ج 1 ص 461 ح 10- عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد، عن الوشاء، عن الخيريّ، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ.

مانند آن: تهذيب الأحكام: ج 7 ص 470 ب 41 ح 90 - أحمد بن محمّد، عن عمر بن عبد العزيز، عن الخيريّ، عن المفصل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ. و الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 43 المجلس 2 ح 46-15 حدّثني جماعة، عن أبي غالب الرّزاريّ، عن محمّد بن يعقوب، عن عدّة من أصحابه، عن أحمد بن محمّد، عن الوشاء، عن الخيريّ، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ. وبشارة المصطفى: ج 2 ص 267 و كشف الغمّة: ج 1 ص 472. و بحار الأنوار: ج 100 ص 375 ب 21 ح 17 از مصباح الأنوار. و من لا يحضره الفقيه:

ص: 265

ج3 ص393 باب الأكلفاء ح4383 - وقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ فَاطِمَةَ لِعَلِيٍّ مَا كَانَ لَهَا عَلَيَّ وَجْهٌ
الْأَرْضِ كُفُوَ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ.

143- الأُمالي، ابن بابويه، ص592 المجلس 86 ح 18 و الخصال: ج2 ص 414 ح3 و علل الشرائع: ص 178 ب 142 ح 3 - حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٍّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ
الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَاطِمَةَ وَ الصِّدِّيقَةَ وَ الْمُبَارَكَةَ وَ الطَّاهِرَةَ وَ الزَّكِيَّةَ وَ الرَّاضِيَةَ وَ الْمَرْضِيَّةَ وَ الْمُحَدَّثَةَ وَ
الزَّهْرَاءَ. ثُمَّ قَالَ: تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سَمَّيْتَ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي. قَالَ: فَطِمْتَ مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ وَجْهٍ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ. و دلائل الإمامة: ص 79 ح 19- أَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ أَبُو
مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْعُلُوِّيِّ الْمُحَمَّدِيُّ التَّقِيْبُ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى الْقَمِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ:
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٍّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ
اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَاطِمَةَ، وَ الْمَدُوبَةَ، وَ الْمُبَارَكَةَ، وَ الطَّاهِرَةَ، وَ الزَّكِيَّةَ، وَ الرَّاضِيَةَ، وَ الرَّضِيَّةَ، وَ الْمُحَدَّثَةَ، وَ الزَّهْرَاءَ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَدْرِي
أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي، فَمِمَّا فَطِمْتَ؟ قَالَ: مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ وَجْهٍ الْأَرْضِ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ. و روضة الواعظين: ج 1 ص 148 و مناقب آل أبي طالب
عليهم السَّلَامُ: ج2 ص 181 و كشف الغمّة في معرفة الأئمة: ج 1 ص 463 و الدرر التّظيم في مناقب الأئمة اللّهاميم: ص 455 مانند
الأُمالي و الخصال و الشرائع.

144- تأويل الآيات الظاهرة: ص 766 به سند از جابر جعفي از امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ الْفَجْرُ وَ الْفَجْرُ هُوَ الْقَائِمُ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ، «وَ اللَّيَالِي الْعَسْرَةَ» الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَى الْحَسَنِ، «وَ الشَّفْعُ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، «وَ الْوَتْرُ» هُوَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، «وَ اللَّيْلُ إِذَا يَسَرَ» هِيَ دَوْلَةُ حَبْتَرٍ، فَهِيَ تَسْرِي إِلَى قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ.

145- الأمالى، الصدوق: ص 135 المجلس 28 ح 4 - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنَا الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَاتِي مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَ معاني الأخبار: ص 403 ح 69 - أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: ... وَ روضة الواعظين: ج 1 ص 152 قال جابر: ... وَ بحار الأنوار: ج 3 ص 261 ح 4 از الأمالى شيخ صدوق و معاني الأخبار.

146- مسند أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة: ج 2 ص 623 ح 1067- و فضائل (مناقب) علي بن أبي طالب عليه السلام، أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني المتوفى 241 برواية ابنه عبد الله، تحقيق سيد عبد العزيز الطباطبائي: ص 234 ح 189 - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ، قَتْنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى الْجَهَنِّيَّ [غَرِيقُ الْجَحْفَةِ] قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا

الرَّيْحَانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَذْهَبُ (يَنْهَدُّ) زُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَ فَاطِمَةٌ، قَالَ: هَذَا الرُّكْنُ الْآخَرُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

از او: الرياض النضرة: ج2 ص154 چاپ محمد أمين الخانجي در مصر و جواهر المطالب في مناقب الإمام علي عليه السلام، الباعوني: ص 30 از كتاب مناقب علي عليه السلام احمد حنبل. و تذكرة الخواص: ص320 و سمط النجوم: ج2 ص 485 و عمدة صحاح الأخبار، ابن البطريق: ص 803 ح 215 و ذخائر العقبي: ص 56 و أرجح المطالب ص 12 چاپ لاهور. زوائد القطيعي على فضائل الصحابة: ج2 ص 623 الرقم 1067 و جزء ألف دينار: ص410؛ الرقم 269. و مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، ابن مردويه المتوفى 410: ص 204 ح 285 - عن جابر قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال لعلي قبل موته بثلاثة أيام: سلام الله عليك يا أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتين من الدنيا، فعن قليل ينهد زكناك، والله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال علي: هذا أحد ركني الذي قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. قال: فلما ماتت فاطمة، قال علي: هذا الركن الثاني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. از او: كشف الغمة في معرفة الأئمة: ج1 ص66 از كتاب مناقب ابن مردويه: عن جابر رضي الله عنه قال: ... و كتاب ألقاب الرسول و عترته عليهم السلام (ضمن مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمة عليهم السلام): ب2 ص 225 از ابن مردويه: حدثنا أحمد بن إسحاق بن سنجاب، حدثنا محمد بن يونس موسى، حدثنا حماد بن عيسى، حدثنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر، سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول لعلي عليه السلام قبل موته بثلاث: ... و مفتاح النجا: ص 50 و أرجح المطالب: ص12 چاپ لاهور. و تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين، المحسن بن كرامة المتوفى 494: ص 43 روى السيد الإمام أبو طالب بأسناده عن جابر، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قبل موته بثلاث، و هو يقول لعلي سلام الله عليه: سلام الله عليك يا أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتين من

الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ، قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ت 571: ج 14 ص 167- أخبرنا أبو طالب علي بن عبد الرحمن، أنا أبو الحسن علي بن الحسن، أنا أبو محمد بن التَّحَّاسِ، أنا أبو سعيد بن الأعرابي، نا محمد بن يونس، نا أبو العباس الحارثي، نا حماد بن عيسى الجهني بالجحفة، نا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم لعلي: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أبا الرِّيحَانَتَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَنْهَدَ رُكْنِي، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. قَالَ: فَلَمَّا مَاتَ النَّبِيُّ قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ، قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و أخبرنا أبو العلاء عيسى و أبو الوفاء عتيق ابنا محمد بن عيسى و أبو بكر ناصر بن منصور بن محمد الشوكاتيون قالوا: أنا أبو طاهر محمد بن عيسى بن محمد بن عيسى الفقيه، أنا أبو الحسن أحمد بن محمد بن أحمد بن عبدوس بن كامل السَّراج الفقيه المعروف بالزَّعفراني، نا أبو بكر أحمد بن جعفر بن حمدان بن مالك القطيعي، نا محمد بن يونس بن موسى القرشي سنة أربع وثمانين ومائتين، نا حماد بن عيسى الجهني، نا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم لعلي بن أبي طالب: سَلَامٌ عَلَيْكَ أبا الرِّيحَانَتَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و ملحقات إحقاق الحق: ج 20 ص 439 از: توضيح الدلائل: ص 134 و النسخة مصورة من مكتبة الملي بفارس) قال: عن جابر رضي الله تعالى عنه قال: سمعت رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وبارك و سلم يقول لعلي عليه السلام قبل موته بثلاث:

سَلَامٌ عَلَيْكَ أبا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أُوصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مَنَ الدُّنْيَا، فَعَن قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. وَ غَايَةُ الْمَرَامِ فِي رِجَالِ الْبُخَارِيِّ إِلَى سَيِّدِ الْأَنْبَاءِ، الشَّيْخِ مُحَمَّدِ الْبَازِلِيِّ الْمَتَوَفَّى سَنَةَ 925: ص 76 نَسَخَهُ كِتَابُ خَانَةِ جَسْتَرِيَّتِي فِي أَيْرَلَنْدِ - قَالَ جَابِرٌ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ أبا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أُوصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مَنَ الدُّنْيَا، فَعَن قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ، قَالَ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي. وَ مَعْرِفَةُ الصَّحَابَةِ: ج 1 ص 87 الرَّقْمُ 341 وَ حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ، أَبُو نَعِيمٍ الْإِسْبَهَانِيُّ ت 430، چاپخانه السَّعَادَةِ مِصْرَ: ج 3 ص 201- حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ خَلَّادٍ (وَ أَبُو بَجْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - الْحَلِيَّةِ) وَ أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ حَمْدَانَ، قَالَ: ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ، ثَنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى غَرِيقُ الْجَحْفَةِ، ثَنَا جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ (ة أَيَّامٍ): سَلَامٌ (اللَّهُ) عَلَيْكَ أبا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أُوصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مَنَ الدُّنْيَا خَيْرًا؛ فَعَن قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. قَالَ: فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا رُكْنِي الثَّانِي الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَ فِي حَلِيَّةِ الْأَوْلِيَاءِ أَضَافَهُ نَمُودٌ: هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ مِنْ حَدِيثِ جَعْفَرٍ، تَقَرَّدَ بِهِ عَنْهُ حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى وَ يَعْرِفُ بِغَرِيقِ الْجَحْفَةِ، لَمْ نَكْتُبْهُ إِلَّا مِنْ حَدِيثِ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ عَالِيًّا. أَوْ: مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الْخَوَارِزْمِيُّ ت 568: ص 62 طَبْعَةُ الْغُرِّيِّ وَ چَابِ دِيْغَرِي: ج 1 ص 62 وَ چَابِ دَارِ أَنْوَارِ الْهَدْيِ قَم: ج 1 الْفَصْلُ 5 ح 31 - عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ، أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَدَّادُ، عَنْ أَبِي نَعِيمٍ، أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ خَلَّادٍ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ، أَخْبَرَنَا حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى، أَخْبَرَنَا جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ أبا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أُوصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مَنَ الدُّنْيَا، فَعَن قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ، قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الثَّانِي الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

وكفاية الطالب: ص 212 - أخبرنا أبو طالب عبد اللطيف بن القبيطي والخطيب أبو تمام قالا: أخبرنا محمد بن عبد الباقي، أخبرنا أبو الفضل بن أحمد الأصبهاني، حدثنا أحمد بن عبد الله، حدثنا، حدثنا أبو بكر بن خلاد وأبو بكر محمد بن الحسن قالا: حدثنا محمد بن يونس السامي، حدثنا حماد بن عيسى الجهني، حدثنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر: أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال لعلي بن أبي طالب: سلام عليك يا أبا الریحانتين، أوصيك بریحانتين من الدنيا خيراً، فعن قليل ينهد ركناك، والله خليفتي عليك. فلما قبض النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال علي عليه السلام: هذا أحد الركنين الذين قال رسول الله صلى الله عليه وآله. فلما ماتت فاطمة عليها السلام، قال علي عليه السلام: هذا الركن الثاني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله. واصله نمود: قلت: هذا حديث حسن عال من حديث جعفر بن محمد، تفرد به حماد ابن عيسى، ويعرف بغريق الجحفة، لم نكتبه إلا من حديث محمد بن يونس السامي عالياً. وميزان الاعتدال: ج 4 ص 76 - از حلية الأولياء. وفردوس الأخبار: ص 185 مخطوط - روي عن جابر قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي: سلام عليك أبا الریحانتين، أوصيك بریحانتين من الدنيا، فعن قليل ينهد ركناك، والله خليفتي عليكم. فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله قال علي: هذا أحد ركني الذي قال لي رسول الله. فلما ماتت فاطمة، قال: هذا الركن الثاني. وكنز العمال: ج 13 ص 664 وفضائل الخمسة: ج 3 ص 227. فضائل الصحابة، أبو نعيم الأصبهاني: ج 2 ص 773 الرقم 1067 - حدثنا محمد بن يونس، ثنا حماد بن عيسى الجهني، ثنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله (وآله) وسلم لعلي بن أبي طالب: سلام عليك أبا الریحانتين من الدنيا، فعن قليل يذهب ركناك، والله خليفتي عليك. فلما قبض النبي صلى الله عليه وآله قال علي: هذا أحد الركنين الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله. فلما

مَاتَتْ فَاطِمَةُ قَالَتْ عَلِيٌّ: هَذَا الرُّكْنُ الْأَخْرُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. ومانند الحلية: مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، أخطب خوارزم ت 568: ص 141 ح 160 - وأنبأني الإمام الحافظ أبو العلاء الحسن بن أحمد العطار الهمداني إجازة، أخبرنا الحسن بن أحمد المقرئ، أخبرنا أحمد بن عبد الله الحافظ، حدّثنا أبو بكر بن خلّاد وأحمد بن جعفر بن حمدان قالوا: حدّثنا محمد بن يونس، حدّثنا حمّاد بن عيسى غريق الجحفة، حدّثنا جعفر، عن أبيه، عن جابر قال: سمعت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أُوصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ قَالَتْ عَلِيٌّ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و فرائد السّمطين: ج 1 ص 382 ح 314 - أخبرنا الشيخ الصّالح إبراهيم بن محمّد ابن شيخ الإسلام عمر بن محمّد السّهروردي بقراءتي عليه ببغداد، قلت له: أخبرك الشّرخ أبو الحسن عليّ ابن عبد الله بن المعترّ البغداديّ إجازة بروايته عن أبي الفضل محمّد بن ناصر إجازة بروايته، عن الحافظ أبي محمّد الحسن بن أحمد السّمقنديّ قال: حدّثني الشّرخ الإمام العارف أبو بكر محمّد بن أبي إسحاق إبراهيم بن يعقوب الكلاباذيّ البخاريّ رحمه الله قال: حدّثنا محمّد بن يعقوب البيكنديّ قال: حدّثنا الكديميّ قال: حدّثنا حمّاد ... و نظم درر السّمطين: ص 98- عن جابر رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أُوصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ عَلِيٌّ: هَذَا رُكْنِي الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و مسند فاطمة عليها السلام، السيوطي ص 73 چاپ خانه عزيزية حيدر آباد هند: از معرفة الصّحابة ابو نعيم و ديلمى و ابن النّجار از جابر. و كنز العمّال: ج 13 ص 664- ح 37688 از معرفة الصّحابة أبو

نعيم واز ديلمى وابن النجار وغير آن ها. و كنز العمال: ج 11 ص 625 ح 33044 از أبو نعيم و ابن عساکر: سلام عليك أبا الريحانتين! أوصيك بريحانتى من الدنيا، فعن قليل ينهدم ركنك، و الله خليفتي عليك - قاله لعلّي. و الفائق في غريب الحديث: ج 1 ص 162- حديث عليّ عليه السلام: أن رسول الله صلّى الله تعالى عليه و سلم قال له: أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتيّ خيراً في الدنيا قبل أن ينهدّ ركنك. فلَمَّا مات رسول الله صلّى الله تعالى عليه وآله و سلم قال عليّ: هذا أحد الرُّكنين، فلَمَّا ماتت فاطمةُ قال: هذا الرُّكنُ الآخرُ. و التّهاية في غريب الحديث و الأثر: ج 2 ص 288 - الحديث: قال لعلّي رضي الله عنه: أوصيك بريحانتيّ خيراً في الدنيا قبل أن ينهدّ ركنك. فلَمَّا مات رسول الله صلّى الله عليه وآله و سلم قال: هذا أحد الرُّكنين، فلَمَّا ماتت فاطمةُ رضي الله عنها قال: هذا الرُّكنُ الآخرُ. و لسان العرب: ج 2 ص 459- و في الحديث: قال لعلّي رضي الله عنه: أوصيك بريحانتيّ خيراً قبل أن ينهدّ ركنك. فلَمَّا مات رسول الله صلّى الله عليه وآله و سلم قال: هذا أحد الرُّكنين، فلَمَّا ماتت فاطمةُ قال: هذا الرُّكنُ الآخرُ. و تاج العروس من جواهر القاموس: ج 4 ص 62 - و في آخر: قال لعلّي رضي الله عنه: أوصيك بريحانتيّ خيراً قبل أن ينهدّ ركنك. فلَمَّا مات رسول الله صلّى الله عليه وآله و سلم قال: هذا أحد الرُّكنين. فلَمَّا ماتت فاطمةُ عنها قال: هذا الرُّكنُ الآخرُ.

و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام : ج 3 ص 361- السمعانيّ في الرسالة و أبو نعيم في الحلية و أحمد في فضائل الصّحابة و التّظنزيّ في الخصائص و ابن مردويه في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام و الزمخشريّ في الفائق: عن جابر: قال رسول الله لعلّي قبل موته: السّلامُ عليك أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتيّ من الدنيا، فعن قليل ينهدّ ركنك عليك. قال: فلَمَّا قبض رسول الله صلّى الله عليه وآله قال عليّ: هذا أحد الرُّكنين. فلَمَّا ماتت فاطمةُ قال عليّ: هذا الرُّكنُ الثّاني . و مقصد الراغب: 122 (مخطوط) و تحقيق مكتبة العلامة المجلسي: ص 320 ب 23 ح 1/283 - قال السّمعانيّ في كتابه: من رواية جابر بن عبد الله: أن رسول الله صلّى الله عليه وآله قال لعلّي عليه السلام: «سّلامٌ عليك يا أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتيّ من الدنيا، فعن

قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي». وح 2/284 - وأخبرني والدي قال: أخبرنا أبو منصور عبد الله بن محمد بن هبة الله قال: أخبرنا الشريف الخطيب أبو الغنائم محمد بن محمد بن المهتدي قال: حدّثنا أبو إسحاق إبراهيم بن عمر بن أحمد البرمكي قال: حدّثنا أبو بكر أحمد بن جعفر القطيعي قال: حدّثنا محمد بن يونس قال: حدّثنا حماد بن عيسى الجهني قال: حدّثنا جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَلَامٌ لِلَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيَا، وَعَنْ قَلِيلٍ يَذْهَبُ رُكْنَاكَ، وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ قَالَ: هَذَا الرُّكْنُ الْأَخْرُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ر.ك. مجمع بحار الأنوار: ج 2 ص 53 و تاريخ الخميس: ج 2 ص 275 و مناقب العشرة: ج 4 ص 232 و شرح المرقاة: ص 597 و كنوز الحقائق: ص 79. و موسوعة ملحقات إحقاق الحقّ از بسيارى از منابع عامّه اين روايت را نقل کرده است كه آدرس آن ها را در ملحقات در اين جا مى آوريم: ج 4 ص 237 و 367 و ج 10 ص 622 و 623 و 624 و ج 15 ص 599 و 600 و ج 19 ص 174 و 284 و ج 20 ص 438 و 439 و ج 21 ص 677 و 678 و ج 22 ص 235 و 236 و ج 23 ص 582 و 587 و ج 25 ص 200 و 255 و ج 26 ص 175 و ج 3 ص 142 و 151.

147- الأصول السّنة عشر (دار الشبستري): ص 89 و دار الحديث: ص 266 ح 54/381 (كتاب محمد بن المثنى بن القسم الحضرمي) رواية هارون بن موسى التلعكبري، عن أبي عليّ محمد بن همام بن سهل الكاتب: بسم الله الرحمن الرحيم حدّثنا الشيخ أبو محمد هارون بن موسى بن أحمد التلعكبري أيده الله قال: حدّثنا محمد بن همام قال: حدّثنا حميد بن زياد الدهقان قال: حدّثنا أبو جعفر أحمد بن زيد بن جعفر الأزدي البرّاز قال: حدّثنا محمد بن المثنى بن

القسم الحضرمي قال: حدثنا جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي، عن ذريح المحاربي: جعفر، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنا عنده فقال: إْحَجَّ (يَحْتَجُّ - دار الحديث) عَلَيْهِمْ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنْ قَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّ مَنَّا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ إِنَّ مَنَّا حَمَزَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ، وَ إِنَّ مَنَّا الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ الطَّاعَةَ، مَن أَنْكَرَهُ مَاتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا، وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا. ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ قَطُّ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ آدَمَ إِلَّا وَ فِيهَا مَن يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ إِلَى الْعِبَادِ، مَن تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَن لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ. وَ المحاسن: ج 1 ص 92 ب 17 ح 45 - عن إسماعيل بن مهران، عن رجل، عن أبي المغراء، عن ذريح، عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مَنَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ، مَن جَحَدَهُ مَاتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ (مَا تَرَكَ الْأَرْضُ - العقاب) مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ - العقاب) آدَمَ إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، حُجَّةٌ عَلَى الْعِبَادِ، مَن تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَن لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ.

148- دلائل الإمامة: ص 104-106 ح 34 - حدثني أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى التلعكبري قال: حدثنا أبي قال: حدثنا أبو علي محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك الفزاري قال: حدثنا محمد بن أحمد بن حمدان قال: حدثني علي بن سليمان و جعفر ابن محمد، عن علي بن أسباط، عن الحسين بن أبي العلاء وعلي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام عن مصحف فاطمة صلوات الله عليها؟ فقال: أَنْزَلَ عَلَيْهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا. فَقُلْتُ: ففِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: مَا فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ. قَالَ: قُلْتُ: فَصِفْهُ لِي. قَالَ: لَهُ دَفْتَانِ مِنْ زَبْرَجَدَتَيْنِ عَلَى طُولِ الْوَرَقِ وَ عَرْضِهِ حَمْرَاوَيْنِ. قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ صِفْ لِي وَرَقَهُ. قَالَ: وَرَقُهُ مِنْ دُرٍّ أبيض قِيلَ لَهُ: (كُنْ) فَكَانَ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا فِيهِ؟ قَالَ: فِيهِ خَبْرٌ مَا كَانَ، وَ خَبْرٌ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ فِيهِ خَبْرٌ سَمَاءِ سَمَاءٍ، وَ عَدَدٌ مَا فِي سَمَاءِ سَمَاءٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ غَيْرُ ذَلِكَ، وَ عَدَدٌ كُلِّ مَن خَلَقَ اللَّهُ مُرْسَلًا وَ غَيْرَ مُرْسَلٍ، وَ أَسْمَاءُ هُمْ، وَ أَسْمَاءُ الَّذِينَ أُرْسِلُوا إِلَيْهِمْ، وَ أَسْمَاءُ مَن كَذَّبَ وَ مَن أَجَابَ مِنْهُمْ، وَ فِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَن خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَسْمَاءُ الْبُلْدَانِ، وَ صِفَةُ كُلِّ بَلَدٍ فِي شَرْقِ

الأرضِ وَغَرِبَهَا، وَعَدَدُ مَا فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَدَدُ مَا فِيهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، وَصِفَةُ كُلِّ مَنْ كَذَبَ، وَصِفَةُ الْقُرُونِ الْأُولَى وَقِصَصُهُمْ، وَمَنْ
وُلِّيَ مِنَ الطَّوَاعِيتِ وَمُدَّةُ مُلْكِهِمْ وَعَدَدُهُمْ، وَفِيهِ أَسْمَاءُ الْأَيْمَةِ وَصِفَتُهُمْ، وَمَا يَمْلِكُ وَاحِدًا وَاحِدًا، وَفِيهِ صِفَةُ كَرَامَتِهِمْ، وَفِيهِ صِفَةُ جَمِيعِ مَنْ
تَرَدَّدَ فِي الْأَدْوَارِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَمْ الْأَدْوَارُ؟ قَالَ: خَمْسُونَ أَلْفَ عَامٍ، وَهِيَ سَبْعَةُ أَدْوَارٍ؛ وَفِيهِ أَسْمَاءُ
جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَآجَالُهُمْ، وَصِفَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَعَدَدُ مَنْ يَدْخُلُهَا، وَعَدَدُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ، وَأَسْمَاءُ هَؤُلَاءِ وَ
أَسْمَاءُ هَؤُلَاءِ، وَفِيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَمَا أَنْزَلَ، وَعِلْمُ التَّوْرَةِ كَمَا أَنْزَلَتْ، وَعِلْمُ الْإِنْجِيلِ (كَمَا أَنْزَلَ-خ ل)، وَ (عِلْمُ-خ ل) الزَّبُورِ، وَعَدَدُ كُلِّ
شَجَرَةٍ وَمَدْرَةٍ فِي جَمِيعِ الْبِلَادِ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُنْزِلَهُ عَلَيْهَا، أَمَرَ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْ يَحْمِلُوا
الْمُصْحَفَ فَيُنْزِلُوا بِهِ عَلَيْهَا، وَذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثَّلَاثِ الثَّانِي مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهِ عَلَيْهَا وَهِيَ قَائِمَةٌ تُصَلِّي، فَمَا زَالُوا قِيَامًا حَتَّى قَعَدَتْ،
فَلَمَّا فَرَعَتْ مِنْ صَلَاتِهَا سَلَّمُوا عَلَيْهَا، وَقَالُوا لَهَا: السَّلَامُ يُقَرِّبُكَ السَّلَامُ. وَوَضَعُوا الْمُصْحَفَ فِي حِجْرِهَا، فَقَالَتْ لَهُمْ: اللَّهُ السَّلَامُ، وَمِنْهُ
السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَيْكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ. ثُمَّ عَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا زَالَتْ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ تَقْرَأُ، حَتَّى أَتَتْ
عَلَى آخِرِهِ. وَلَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا طَاعَتَهَا مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَالْإِنْسِ، وَالطَّيْرِ، وَالْبَهَائِمِ (وَالْوَحْشِ-خ
ل)، وَالْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَلَائِكَةِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمَّا مَضَتْ إِلَى مَنْ صَارَ ذَلِكَ الْمُصْحَفُ؟ فَقَالَ: دَفَعْتُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا
مَضَى صَارَ إِلَى الْحَسَنِ، ثُمَّ إِلَى الْحُسَيْنِ، ثُمَّ عِنْدَ أَهْلِهِ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. فَقُلْتُ: إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ كَثِيرٌ! فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ
هَذَا الَّذِي وَصَفْتُهُ لَكَ لَفِي وَرَقَتَيْنِ مِنْ أَوْلِهِ، وَمَا وَصَفْتُ لَكَ بَعْدَ مَا فِي الْوَرَقَةِ الثَّلَاثَةِ، وَلَا تَكَلَّمْتُ بِحَرْفٍ مِنْهُ.

149- سورة (4) النساء آية 60.

150- الإختصاص، ص 90 - أبو الفرج، عن أبي سعيد سهل بن زياد، عن رجل، عن عبد الله بن جبلة، عن أبي المغراء، عن موسى بن
جعفر عليهما السلام قال: سمعته يقول: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى

ص: 276

اللَّهِ حَاجَةً، وَارَادَ أَنْ يَرَانَا، وَ أَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَعْتَسِدْ لِي ثَلَاثَ لَيَالٍ، يُنَاجِي بِنَا، فَإِنَّهُ يَرَانَا، وَيُعْفِرُ لَهُ بِنَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَوْضِعُهُ. قُلْتُ: سَيِّدِي! فَإِنَّ رَجُلًا رَأَى فِي مَنَامِهِ وَهُوَ يَسْتَرْبُ النَّيِّدَ؟ قَالَ: لَيْسَ النَّيِّدُ يُفْسِدُ عَلَيْهِ دِينَهُ، إِنَّمَا يُفْسِدُ عَلَيْهِ تَرْكُنَا، وَ تَخَلُّفَهُ عَنَّا. إِنَّ اللَّهَ قَبِي أَشَدَّ قِيَابَتِكُمْ مَنْ يُكَذِّبُنَا فِي الْبَاطِنِ بِمَا يُخْبِرُ عَنَّا، يُصَدِّقُنَا فِي الظَّاهِرِ، وَيُكَذِّبُنَا فِي الْبَاطِنِ. نَحْنُ أَبْنَاءُ نَبِيِّ اللَّهِ، وَ أَبْنَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَبْنَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَحِبَّابُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، نَحْنُ مِفْتَاحُ الْكِتَابِ، فَبِنَا نَطُقُ الْعُلَمَاءُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَخَرَسُوا. نَحْنُ رَفَعْنَا الْمَنَارَ، وَ عَرَفْنَا الْقِبْلَةَ، نَحْنُ حَجَرُ الْبَيْتِ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، بِنَا عُفِرَ لِأَدَمَ، وَ بِنَا أُبْتُ لِي أَيُّوبَ، وَ بِنَا أُفْتُقِدَ يَعْقُوبَ، وَ بِنَا حَسِبَ يُونُسَ، وَ بِنَا دُفِعَ الْبَلَاءُ، بِنَا أَضَاءَتِ الشَّمْسُ. نَحْنُ مَكْتُوبُونَ عَلَى عَرْشِ رَبِّنَا، مَكْتُوبُونَ مُحَمَّدٌ خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَ عَلِيُّ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، أَنَا طَالِبُ الْبَابِ، أَنَا صَاحِبُ الصَّفِّينَ، أَنَا الْمُنتَقِمُ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، أَنَا صَاحِبُ كَرْبَلَاءَ. مَنْ أَحَبَّنَا وَ تَبَّرَأَ مِنْ عَدُوِّنَا كَانَ مَعَنَا، وَ مِمَّنْ فِي الظِّلِّ الْمَمْدُودِ، وَ الْمَاءِ الْمَسْكُوبِ. - وَ الْحَدِيثُ طَوِيلٌ وَ فِي آخِرِهِ: - أَنْ اللَّهَ إِشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْعِلْمِ وَ الطَّاعَةِ. وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: أَنْ اللَّهَ خَلَقَنَا قَبْلَ الْخَلْقِ بِالْفِي أَلْفِ عَامٍ، فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ لَتَسْبِيحِنَا. از او: بحار الأنوار: ج 26 ص 258 ب 5 ح 33. 151- بسياری از محدثین و مؤرخین خطبه فدکیه حضرت فاطمه سلام الله عليها را نقل نموده اند: دلایل الإمامة: ص 109 - 113 ح 36 - به سندهای متصل از: ابن عباس، و به چند سند از حضرت زینب علیها السلام، و از چند تن دیگر، و از عبد الله محض از گروهی از بنی هاشم، و به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام از پدرش از حضرت زینب، و از ابن عائشه و از زید بن علی بن الحسین از حضرت زینب؛ از حضرت فاطمه سلام الله عليها که در خطبه خود فرمودند: «... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ - الاحتجاج) اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ؛ ... وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا لَمَّا (أَمَاناً - الاحتجاج) لِلْفِرْقَةِ، ...». و الاحتجاج: ج 1

ص 97-99 - به سند خود از عبد الله محض. و كشف الغمّة: ج 1 ص 480-483 از كتاب السقيفة جوهرى به سندها و طرق خود: «... ففرض الله الإيمان تطهيراً لكم من الشرك، ... و طاعتنا نظاماً للملّة، و إمامتنا لِمَا لِفُرْقَةٍ، ...». الدرّ النظيم في مناقب الأئمة الهاميم: ص 465-469 - از ابن عباس از حضرت زينب عليها السلام: «... ففرض الله الإيمان تطهيراً لكم من الشرك، ... و طاعتنا أهل البيت نظاماً للملّة، و إمامتنا لِمَا لِفُرْقَةٍ، ...». ر.ك: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 567 و 568 ح 4940 - به سند خود از جابر از حضرت زينب عليها السلام: «... ففرض الله الإيمان تطهيراً من الشرك، ... و الطاعة نظاماً للملّة، و الإمامة لِمَا مِنَ الْفُرْقَةِ، ...». علل الشرائع: ج 1 ص 248 و 249 ب 182 ح 2 و 3 و 4 - از أحمد بن محمد بن جابر و جمعی از بنی هاشم و زيد بن علي، از حضرت زينب عليها السلام: «... ففرض الإيمان تطهيراً من الشرك، ... و الطاعة نظاماً للملّة، و الإمامة لِمَا مِنَ الْفُرْقَةِ، ...». ر.ك: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 568 ح 4940.

152- الكافي: ج 1 ص 198 ح 1. و تحف العقول، ص 436 و الغيبة، النعماني: ص 216 ب 13 ح 6 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 219 ب 20 ح 1 و كمال الدين و تمام النعمة: ج 2 ص 675 ب 58 ح 32 و معاني الأخبار: ص 96 ح 2 و الأمالي، ابن بابويه: ص 675 مجلس 97 ح 1 و الإحتجاج: ج 2 ص 433 و الصراط المستقيم: ج 1 ص 83. بحار الأنوار: ج 25 ص 120 ب 4 ح 4 از: كمال الدين و معاني الأخبار و الأمالي و العيون و الإحتجاج و التحف و الغيبة و الكافي.

153- عيون المعجزات: ص 54 و چاپ جديد عتبه حسينيه عليه السلام: ص 101 ح 2/41 - و روي عن حارثة بن قدامة قال: حدّثني سلمان الفارسي قال: حدّثني عمّار و قال: أخبرك عجباً قلت: حدّثني يا عمّار! قال: نعم، شهدت علي بن ابي طالب عليه السلام و قد ولج على فاطمة عليها السلام، فلما (أ) بصرت به ناديت: أذن لأحدنك بما كان و بما هو كائن و بما لم يكن إلى يوم القيامة حين تقوم الساعة. قال (عمّار): فرأيت أمير المؤمنين عليه السلام يرجع القهقري، فرجعت برجوعه، إذ دخل على النبي صلى الله عليه و آله فقال له: أذن يا أبا الحسن، فدنا فلما

اطْمَأَنَّ بِهِ الْمَجْلِسُ، قَالَ لَهُ: تُحَدِّثُنِي أَمْ أَحَدُّثُكَ؟ فَقَالَ: الْحَدِيثُ مِنْكَ أَحْسَنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: كَأَنِّي بِكَ وَقَدْ دَخَلْتَ عَلَى فَاطِمَةَ وَقَالَتْ لَكَ كَيْتَ وَ كَيْتَ فَرَجَعْتَ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِنَا؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْ لَا تَعْلَمُ؟ فَسَجَدَ عَلِيُّ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى. قَالَ عَمَّارٌ: فَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَخَرَجْتُ بِخُرُوجِهِ، فَوَلَّجَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَوَلَجْتُ مَعَهُ، فَقَالَتْ: كَأَنَّكَ رَجَعْتَ إِلَى أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرْتَهُ بِمَا قُلْتَهُ لَكَ؟ قَالَ: كَانَ كَذَلِكَ يَا فَاطِمَةُ. فَقَالَتْ: اعْلَمْ يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ نُورِي، وَكَانَ يَسْبُحُ اللَّهَ جَلًّا جَلًّا لَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ فَأَضَاءَتْ، فَلَمَّا دَخَلَ أَبِي إِلَى الْجَنَّةِ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا: أَنْ اقْتَطِفِ الشَّمْرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَادْرُهَا فِي لَهَوَاتِكَ، فَفَعَلَ، فَأَوْدَعَنِي اللَّهُ تَعَالَى صُدْبَ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ أَوْدَعَنِي خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَوَضَعْتَنِي، وَأَنَا مِنْ ذَلِكَ الثُّورِ، أَعْلَمُ مَا كَانَ، وَ مَا يَكُونُ، وَ مَا لَمْ يَكُنْ. يَا أَبَا الْحَسَنِ! الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعَالَى. از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 8 ب 1 ح 11.

154- سوره (55) الرحمان آیه 20: «مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ».

تفسیر علی بن ابراهیم القمّی: ج 2 ص 344 و تفسیر فرات الکوفی: ص 459 ح 600 از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ بَحْرَانِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَيَّ صَاحِبِهِ... - علی و فاطمه دو دریای ژرف اند که هر کدام بر دیگری ستم نکند... و تفسیر فرات الکوفی: ص 460 ح 601 به سند خود از امام علی الرضا علیه السلام درباره آیه فرمود: ذَلِكَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ... و تفسیر فرات کوفی: ص 459 ح 599 و 602 از ابن عباس و أبو ذرّ غفاری رضی اللّٰه عنہ درباره آیه فرمود: أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و فاطمة عليهما السلام... و تفسیر فرات الکوفی: ص 461 ح 603 به سند خود از عبد اللّٰه بن مسعود در جمعی از مهاجرین و أنصار از او درباره این آیه پرسیده شد وی گفت (مراد این است که): لَا يَبْغِي عَلِيٌّ عَلَيَّ فَاطِمَةَ وَ لَا تَبْغِي فَاطِمَةُ عَلَيَّ عَلِيٌّ، يُنْعَمُ عَلَيَّ بِمَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ وَ حَصَّهُ مِنْ نَعِيمِهِ بِفَاطِمَةَ. و شواهد التنزیل: ج 2 ص 284 ح 918 إلى 921 و 923 به سند خود از ضحاک و سلمان و ابن عباس

ص: 279

درباره این آیه گفتند (مقصود): عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ... الخصال: ج 1 ص 65 ح 96 و روضة الواعظين: ج 1 ص 148 به سند خود از امام جعفر صادق عليه السلام در تفسیر این آیه فرمود: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَحْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيْقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَيَّ صَاحِبِهِ... الفضائل: ص 81 در خبر مفاخرت علي بن ابي طالب و فاطمة الزهراء عليهما السلام آمده است که: ... أمير المؤمنين فرمود: أَنَا شَيْعَتِي مِنْ عِلْمِي يَسْطُرُونَ. حضرت فاطمه در پاسخ فرمود: وَأَنَا مِنْ بَحْرِ عِلْمِي يَغْتَرَفُونَ،... مناقب آل ابي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 318 از کتاب های مخالفين؛ کتاب اللوامع و شرف المصطفى خرگوشی به سندش از سلمان، و أبو بکر شیرازی در کتابش از ابو صالح و ابو اسحاق ثعلبی و علی بن احمد الطائي و أبو محمد بن الحسن بن علویة القطان در تفسیرهایشان از سعید بن جبیر و سفیان ثوری، و ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن في أمير المؤمنين عليه السلام از حماد بن سلمة از ثابت از انس، و از ابو مالک از ابن عباس، و قاضی نطنزی از سفیان بن عینة از امام جعفر صادق عليه السلام همه گی در تفسیر آیه گفتند که: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ بَحْرَانِ عَمِيْقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَيَّ صَاحِبِهِ. و در روایتی چنین است: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ» رَسُولُ اللَّهِ... مناقب آل ابي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 319 - أبو معاوية الضمير، عن الأعمش، عن أبي صالح عن ابن عباس: أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَكَتُ لِلْجُوعِ وَالْعُرْيِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِفْنَعِي يَا فَاطِمَةُ بِرُوحِكَ، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا، سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ، وَ أَصْلَحَ بَيْنَهُمَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِيَانِ يَقُولُ: أَنَا اللَّهُ أَرْسَلْتُ «الْبَحْرَيْنِ» عَلَيَّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ بَحْرَ الْعِلْمِ، وَ فَاطِمَةَ بَحْرَ النَّبُوَّةِ، «يَلْتَمِيَانِ» يَتَّصِدَانِ، أَنَا اللَّهُ أَوْقَعْتُ الْوَصْلَةَ بَيْنَهُمَا. از او: بحار الأنوار: ج 24 ص 99 ب 36 ح 6.

155- بصائر الدرجات: ص 200 ب 9 ح 2- حدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّقْفِيِّ، عَنْ بَعْضِ رَفْعِهِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْفَضْلُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هُوَ الْمُتَقَدِّمُ عَلَى الْخَلْقِ جَمِيعًا، لَا يَتَقَدَّمُهُ أَحَدٌ، وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُتَقَدِّمُ مِنْ بَعْدِهِ، وَ الْمُتَقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيَّ عَلَيَّ كَالْمُتَقَدِّمِ بَيْنَ يَدَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ كَذَلِكَ يَجْرِي لِلْأَيْمَةِ مِنْ

بَعْدِهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَزْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَرَابِطِيهِ عَلَى سَبِيلِ هُدَاةٍ، لَا يَهْتَدِي هَادٍ مِنْ صَدْلَالَةٍ إِلَّا بِهِمْ، وَلَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنْ هُدًى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ، وَأَمْنَاءَ اللَّهِ عَلَى مَا أَهْبَطَ مِنْ عِلْمٍ أَوْ عُذْرٍ أَوْ نُذْرٍ، وَشَهَادَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَالْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ، جَزَى لآخِرِهِمْ مِنَ اللَّهِ مِثْلَ الَّذِي أُوجِبَ لِأَوَّلِهِمْ، فَمَنْ اهْتَدَى بِسَبِيلِهِمْ وَسَلَّمَ لِأَمْرِهِمْ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ وَعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى، وَلَا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ، وَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: أَنَا قَسِيمٌ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، لَا يَدْخُلُهَا أَحَدٌ إِلَّا عَلَى أَحَدٍ قَسَمِي، وَإِنِّي الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ، وَقَرْنٌ مِنْ حَدِيدٍ، وَبَابُ الْإِيمَانِ، وَإِنِّي لَصَاحِبُ الْعَصَا وَالْمِيسَمِ، لَا يَتَقَدَّمُنِي أَحَدٌ إِلَّا أَحَمَدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيَدْعَى فَيَكْسِي، ثُمَّ يَدْعَى فَيَسُدُّ فَيَنْطِقُ فَيَنْطِقُ، ثُمَّ أَدْعَى فَيَنْطِقُ عَلَى حَدِّ مَنْطِقِهِ، وَلَقَدْ أَقْرَأْتُ لِي جَمِيعَ الْأَوْصِيَاءِ وَالْأَنْبِيَاءِ بِمِثْلِ مَا أَقْرَأْتُ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَقَدْ أُعْطِيتُ السَّبْعَ النَّبِيِّ لَمْ يَسْ بِقُنْيِي إِلَيْهَا أَحَدٌ، عَلِمْتُ الْأَسْمَاءَ وَ الْحُكُومَةَ بَيْنَ الْعِبَادِ، وَتَسْمِيرَ الْكِتَابِ، وَقِسْمَةَ الْحَقِّ مِنَ الْمَغَانِمِ بَيْنَ بَنِي آدَمَ، فَمَا شَدَّ عَنِّي مِنَ الْعِلْمِ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمَنِيهِ الْمُبَارَكُ، وَلَقَدْ أُعْطِيتُ حَرْفًا يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ، وَلَقَدْ أُعْطِيتُ زَوْجِي مُصَدِّقًا فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَسْ بِقُهَا إِلَيْهِ أَحَدٌ، خَاصَّةً مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. از او: بحار الأنوار: ج 39 ص 343 ب 90 ح 15.

156- بصائر الدرجات: 151 ب 14 ح 70- حدثنا أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد الجمال، عن أحمد بن عمر، عن أبي بصير قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت له: إني أسألك جعلت فداك، عن مسألة ليس ها هنا أحد يسمع كلامي؟ فرجع أبو عبد الله عليه السلام سترًا بيني وبين بيت آخر فاطلع فيه ثم قال: يا أبا محمد! سلَّ عَمَّا بَدَا لَكَ. قال: قلت: جعلت فداك إن الشيعة يتحدثون؛ أن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابًا يَفْتَحُ مِنْهُ أَلْفَ بَابٍ. قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! عَلَّمْ وَ أَلَّهُ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ لَهُ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَ أَلَّهُ هَذَا لِعَلِّمْ. فَفَكَتَّ سَاعَةً! فِي الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ لَعَلِّمْ وَ مَا هُوَ بِذَلِكَ. ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! وَإِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ:

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ: صَدِّ حَيْفَةً طَوْلَهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِمْلَاءٍ مِنْ فُلْقٍ فِيهِ وَ حَطَّ عَلَيَّ بِمِيزَانِهِ فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْخَدَشِ - وَ صَدَّ رَبُّ بِيَدِهِ إِلَيَّ فَقَالَ: - تَأْذُنُ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا أَنَا لَكَ إِصْبَعٌ مَا شِئْتُ. قَالَ فَغَمَزَنِي بِيَدِهِ فَقَالَ: حَتَّى أَرْضُ هَذَا كَأَنَّهُ مُغْضِبٌ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا وَ اللَّهُ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ. ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عِنْدَنَا الْجَهَنَّمَ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَهَنَّمُ مِسْكُ شَاةٍ أَوْ جِلْدُ بَعِيرٍ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْجَهَنَّمُ؟ قَالَ: وَعَاءٌ أَحْمَرٌ أَوْ أَدَمٌ [أَيْمٌ] أَحْمَرٌ فِيهِ عِلْمُ النَّبِيِّينَ وَ الْوَصِيِّينَ. قُلْتُ: هَذَا وَ اللَّهُ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَلِكَ. ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: وَ إِنَّ عِنْدَنَا لِمُصَدِّحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصَدِّحُ فَاطِمَةَ؟ قَالَ: مُصَدِّحٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ اللَّهُ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ أَمْلَأَهَا اللَّهُ وَ أَوْحَى إِلَيْهَا. قَالَ: قُلْتُ: هَذَا وَ اللَّهُ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ. قَالَ: ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عِنْدَنَا لَعِلْمٌ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا وَ اللَّهُ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَلِكَ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيُّ شَيْءٍ هُوَ الْعِلْمُ. قَالَ: مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ وَ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. مانند آن: الكافي: ج 1 ص 239 ح 1.

157- دلائل الإمامة: ص 104-106 ح 34 - حدَّثني أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى التلعكبري قال: حدَّثنا أبي قال: حدَّثنا أبو علي محمد بن همام قال: حدَّثنا جعفر بن محمد بن مالك الفزاربي قال: حدَّثنا محمد بن أحمد بن حمدان قال: حدَّثني علي بن سليمان و جعفر ابن محمد، عن علي بن أسباط، عن الحسين بن أبي العلاء و علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام عن مصحف فاطمة صلوات الله عليها؟ فقال: أنزلَ عَلَيْهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا. فَقُلْتُ: فَبِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: مَا فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ. قَالَ: قُلْتُ: فَصِفْهُ لِي. قَالَ: لَهُ دَفْتَانِ مِنْ زَبْرَجَدَتَيْنِ عَلَى طُولِ الْوَرَقِ وَ عَرْضِهِ حَمْرَاوَيْنِ. قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ صِفْ لِي وَرَقَهُ. قَالَ: وَرَقَهُ مِنْ دُرٍّ أبيضَ قَبِيلَ لَهُ: (كُنْ) فَكَانَ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا فِيهِ؟

قَالَ: فِيهِ خَبْرٌ مَا كَانَ، وَ خَبْرٌ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ فِيهِ خَبْرٌ سَمَاءِ سَمَاءٍ، وَ عَدَدٌ مَا فِي سَمَاءِ سَمَاءٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ غَيْرُ ذَلِكَ، وَ عَدَدٌ كُلُّ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مُرْسَلًا وَ غَيْرَ مُرْسَلٍ، وَ أَسْمَاءُ مَاؤُهُمْ، وَ أَسْمَاءُ الَّذِينَ أُزْسِلُوا إِلَيْهِمْ، وَ أَسْمَاءُ مَنْ كَذَّبَ وَ مَنْ أَجَابَ مِنْهُمْ، وَ فِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَسْمَاءُ الْبُلْدَانِ، وَ صِفَةُ كُلِّ بَلَدٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، وَ عَدَدٌ مَا فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ عَدَدٌ مَا فِيهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، وَ صِفَةُ كُلِّ مَنْ كَذَّبَ، وَ صِفَةُ الْقُرُونِ الْأُولَى وَ قِصَصَهُمْ، وَ مَنْ وُلِّيَ مِنَ الطَّوَاغِيتِ وَ مَدَّةُ مُلْكِهِمْ وَ عَدَدُهُمْ، وَ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَيْمَةِ وَ صِفَتُهُمْ، وَ مَا يَمْلِكُ وَاحِدًا وَاحِدًا، وَ فِيهِ صِفَةُ كَرَاتِهِمْ، وَ فِيهِ صِفَةُ جَمِيعِ مَنْ تَرَدَّدَ فِي الْأَدْوَارِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ كَمِ الْأَدْوَارِ؟ قَالَ: خَمْسُونَ أَلْفَ عَامٍ، وَ هِيَ سَبْعَةُ أَدْوَارٍ؛ وَ فِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ آجَالُهُمْ، وَ صِفَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ عَدَدٌ مَنْ يَدْخُلُهَا، وَ عَدَدٌ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ، وَ أَسْمَاءُ هَوْلَاءِ وَ أَسْمَاءُ هَوْلَاءِ، وَ فِيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَمَا أُنزِلَ، وَ عِلْمُ التَّوْرَةِ كَمَا أُنزِلَتْ، وَ عِلْمُ الْإِنْجِيلِ (كَمَا أُنزِلَ - خ ل)، وَ (عِلْمُ - خ ل) الرَّبُّورِ، وَ عَدَدُ كُلِّ شَجَرَةٍ وَ مَدْرَةٍ فِي جَمِيعِ الْبِلَادِ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُنزِلَهُ عَلَيْهَا، أَمَرَ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ أَنْ يَحْمِلُوا الْمُصْحَفَ فَيُنزِلُوا بِهِ عَلَيْهَا، وَ ذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثَّلَاثِ الثَّانِي مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهِ عَلَيْهَا وَ هِيَ قَائِمَةٌ تُصَلِّي، فَمَا زَالُوا قِيَامًا حَتَّى فَعَدَتْ، فَلَمَّا فَرَعَتْ مِنْ صَلَاتِهَا سَلَّمُوا عَلَيْهَا، وَ قَالُوا لَهَا: السَّلَامُ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ. وَ وَضَعُوا الْمُصْحَفَ فِي حِجْرِهَا، فَقَالَتْ لَهُمْ: اللَّهُ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ، وَ عَلَيْكُمْ يَا رُسُلَ اللَّهِ السَّلَامُ. ثُمَّ عَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا زَالَتْ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ تَقْرَأُ، حَتَّى أَتَتْ عَلَى آخِرِهِ. وَ لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا طَاعَتَهَا مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَ الْإِنْسِ، وَ الطَّيْرِ، وَ الْبَهَائِمِ (وَ الْوَحْشِ - خ ل)، وَ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الْمَلَائِكَةِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمَّا مَضَتْ إِلَى مَنْ صَارَ ذَلِكَ الْمُصْحَفُ حَفْ؟ فَقَالَ: دَفَعْتُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا مَضَى صَارَ إِلَى الْحَسَنِ، ثُمَّ إِلَى الْحُسَيْنِ، ثُمَّ عِنْدَ أَهْلِهِ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. فَقُلْتُ: إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ كَثِيرٌ! فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ هَذَا الَّذِي وَصَفْتُهُ لَكَ لَفِي وَرَقَتَيْنِ مِنَ أَوْلِهِ، وَ

در کتاب دلائل الإمامة از ابو بصیر نقل می کند که گفت: از امام ابا جعفر محمد بن علی علیه السلام در مورد مصحف فاطمه پرسیدم حضرت فرمودند: مصحف فاطمه کتابی است که بعد از فوت رسول خدا بر فاطمه نازل شد. گفتم: آیا در آن از قرآن هم آمده است؟ فرمود: خیر؛ در آن چیزی از قرآن نیست. گفتم: آن را برای من توصیف کن و بشناسان. فرمود: آن مصحف دو جلد دارد و از یاقوت کبود می باشد که طول و عرض ورق آن، قرمز است. عرضه داشتم: فدایت شوم ورق و کاغذ آن را برای من توصیف کن. فرمود: کاغذ آن از درّی سفید است که هر چه بخواهی همان شود. گفتم: فدایت شوم در آن مصحف چیست؟ و مطالب آن چه می باشد؟ فرمود: همه اخبار و حوادث تا روز قیامت در آن می باشد و هم چنین اخبار آسمان ها و آن چه در آن است و تعداد فرشتگان و دیگران و همچنین تعداد مخلوقات خداوند از پیامبران و غیر آن ها و اسامی همه پیامبران و اسامی همه کسانی که پیامبران را تکذیب و یا دعوت آن ها را اجابت کردند. و اسامی همه مردم از مؤمنان و کافران از پیشینیان و پسینیان و نام همه شهرهای شرق و غرب عالم و اوصاف همه آن ها و تعداد مؤمنان و کافران هر شهری و مشخصات و اوصاف تکذیب کنندگان و اوصاف قرون اولیه و داستان های آن ها و هر کس از سرکشان و طاغوت هایی که حکومت کرده اند و مدت زمامداری و تعداد آن ها و اسامی پیشوایان و اوصاف آن ها و همه زمامداران و بزرگان آن ها و هرکسی که در طول ادوار تاریخ زندگی کرده است. گفتم: فدایت شوم ادوار تاریخ چند سال است؟ فرمود: پنجاه هزار سال که در هفت دوره می باشد. در آن مصحف، اسامی همه خلق خدا و اجل آن ها و نیز صفت بهشتیان و تعدادشان و تعداد داخل شوندگان آتش و اسامی همه آن ها آمده است. هم چنین علم قرآن، چنان که نازل شده است و علم تورات چنان که نازل شده است و علم انجیل چنان که نازل شده است و علم زبور و تعداد هر درخت و کلوخی در همه سرزمین ها در آن وجود دارد. و فرمود: و چون خداوند اراده کرد، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل بر او (حضرت زهرا) نازل فرمود تا آن

مصحف را برای آن حضرت حمل کردند و به وسیله آن ملائکه کتاب را بر او نازل فرمود و این واقعه در يك سوم آخر بعد از نیمه شب جمعه اتفاق افتاد پس هبوط کرد با مصحف مذکور در حالی که او (فاطمه زهرا) ایستاده مشغول نماز بود، آن ها (میکائیل و جبرئیل و اسرافیل) ایستاده بودند (به احترام حضرت) تا او نشست و بعد از فراغ از نماز بر او سلام کردند و گفتند: خداوند به تو سلام می رساند و بعد مصحف را در اتاقش قرار دادند. فاطمه فرمود: همه سلام ها برای اوست و از اوست و به سوی اوست و بر شما ای فرستادگان خداوند سلام باد. سپس آن سه فرشته به سوی آسمان عروج کردند، پس حضرت فاطمه، آن مصحف را بعد از نماز صبح تا موقع ظهر قرائت فرمود تا به آخر خواند و اطاعت از او بر جمیع مخلوقات خداوند از جن و انس و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب می باشد. گفتم: فدایت شوم آن مصحف بعد از زمان فاطمه زهرا علیها السلام چه شد؟ و در دست که افتاد؟ فرمود: آن را به امیرالمؤمنین سپرد و بعد از او به امام حسن و سپس امام حسین رسید و بعد از او در نزد اهلش است تا به دست صاحب الامر خواهد رسید. گفتم: این علم بسیار عظیم و کثیری است؟ امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمد آن چه برایت توصیف کردم در دو ورق اول آن کتاب است و حتی يك حرف و بیش از آن نردم. (یعنی همه آن چه ذکر شد فقط در دو ورق از کل کتاب است).

158- من لا یحضره الفقیه: ج4 ص 418 ح5914 و عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج1 ص 213 ب19 ح1 و الخصال: ج2 ص 527 و معانی الأخبار: ص 102 ح4 - حدّثنا محمّد بن ابراهیم ابْنِ إسحاق الطّالقانی رضی اللّٰه عنہ قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعید بن عقدة الكوفيّ قال: حدّثنا عليّ بن الحسن بن عليّ بن فضال، عن أبيه، عن أبي الحسن عليّ بن موسى الرضا عليه السلام قال: لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ؛ يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ، وَأَحْكَمَ النَّاسِ، وَأَتْقَى النَّاسِ، وَأَحْلَمَ النَّاسِ، وَأَشْجَعَ النَّاسِ، وَأَسْخَى النَّاسِ، وَأَعْبَدَ النَّاسِ. وَيُولَدُ مَحْتُونًا، وَيَكُونُ مُطَهَّرًا، وَيَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَإِذَا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَى رَاحَتِيهِ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالشَّهَادَتَيْنِ، وَلَا يَحْتَلِمُ، وَيَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ، وَيَكُونُ

مُحَدَّثًا، وَيَسْتَوِي عَلَيْهِ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا يُرَى لَهُ بَوْلٌ وَلَا غَائِطٌ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ وَكَّلَ الْأَرْضَ بِإِتْبَاعِ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ، وَتَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمَسْكِ، وَيَكُونُ أَوْلَى بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ، وَاشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ، وَيَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضَعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَيَكُونُ آخِذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ، وَأَكْفَى النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ، وَيَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا، حَتَّى إِنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَأَنشَقَّتْ بِنَصْفَيْنِ، وَيَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَسَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ، وَتَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ شَيْعَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَصَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَتَكُونُ عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَهِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا، فِيهَا جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وُلْدُ آدَمَ، وَيَكُونُ عِنْدَهُ الْجُمْرُ الْأَكْبَرُ، وَالْأَصَدُّ عَزْرُ، إِهَابُ مَاعِزٍ وَإِهَابُ كَبِشٍ فِيهِمَا جَمِيعُ الْعُلُومِ حَتَّى أَرْضُ الْخَدَشِ وَحَتَّى الْجِلْدَةُ وَنِصْفُ الْجِلْدَةِ، وَيَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفٌ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

و الاحتجاج: ج 2 ص 437 و كشف الغمّة: ج 2 ص 290 و غرر الاخبار: ص 340 الفصل 30. بحار الانوار: ج 25 ص 116 ب 4 ح 1 از معانى الاخبار و الخصال و عيون اخبار الرضا عليه السلام و الاحتجاج. ر.ك. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 1 ص 253.

159- سورة (24) التور آيه 36: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَأْتِ فِيهَا مِصْبَاحٌ مِصْبَاحٌ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

160- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 1 ص 280 - تظاهرت الروايات عن النبي صلى الله عليه وآله في قوله: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ» أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! «التُّورُ» إِسْمِي، «وَالْمِشْكَاءُ» أَنْتَ يَا عَلِيُّ، «مِصْبَاحٌ» الْمِصْبَاحُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، «الزُّجَاجَةُ» عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، «كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ» جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، «مُبَارَكَةٍ» مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، «زَيْتُونَةٍ» عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، «لَا شَرْقِيَّةٍ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، «وَلَا غَرْبِيَّةٍ» عَلِيُّ بْنُ

مُحَمَّدٍ، «يَكَادُ زَيْتُهَا» الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، «يُضِيءُ» الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

161- تفسير البرهان: ج4 ص72 ح764 گوید: از جابر بن عبد الله الأنصاري روایت شده است که گوید: داخل مسجد کوفه گردیدم و امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه عليه را دیدم که با انگشت خود بر زمین می نوشت و لبخند می زد، عرضه داشتیم: ای امیرالمؤمنین! چه چیز شما را خندان نموده است؟ فرمود: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْرَأُ هَذِهِ آيَةَ وَلَمْ يَعْرِفْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا». فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّ آيَةٍ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: «قَوْلُهُ تَعَالَى: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَاةٍ»، الْمِثْلُ كَاةٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» أَنَا الْمِصْبَاحُ «فِي زُجَاجَةٍ» الزُّجَاجَةُ الْحَسَنُ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «كَانَتْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «زَيْتُونَةٍ» جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «لَا شَرْقِيَّةٍ» مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «وَلَا غَرْبِيَّةٍ» عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «نُورٌ عَلَى نُورٍ» الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «وَيَصِدُّ رَبُّ اللَّهِ الْأُمْتَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

162- تأويل الآيات الظاهرة: ص356- قال محمد بن العباس رحمه الله: حدثنا محمد بن جعفر الحسني، عن إدريس بن زياد الحنطاط، عن أبي عبد الله أحمد بن عبد الله الخراساني، عن يزيد بن إبراهيم أبي حبيب الساجي، عن أبي عبد الله، عن أبيه، عن علي بن الحسين عليهم السلام أنه قال: مثلنا في كتاب الله كمثل المِسْكَاةِ، فَحَنُّ الْمِسْكَاةِ، وَالْمِسْكَاةُ الْكُوَّةُ، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» وَ «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» وَ الزُّجَاجَةُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «كَانَتْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» قَالَ: عَلِيُّ «زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ» الْقُرْآنُ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي لَوْلَايَتِنَا مَنْ أَحَبَّ. وَ تأويل الآيات الظاهرة: ص367 - قال (محمد بن العباس رحمه الله) أيضا: حدثنا الحسين بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن عبد الرحمان قال: حدث أصحابنا أن أبا الحسن عليه السلام كتب إلى

عبد الله بن جندب قال: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنْ مَثَلْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ الْمَشْكَاةِ، وَالْمَشْكَاةُ فِي الْقِنْدِيلِ، فَنَحْنُ الْمَشْكَاةُ، «فِيهَا مَصِّبَاخٌ» وَالْمَصِّبَاخُ: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «الْمِصْبَاخُ فِي زُجَاجَةٍ» نَحْنُ الزُّجَاجَةُ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ» عَلِيٌّ، «زَيْتُونَةٌ» مَعْرُوفَةٌ، «لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ» لَا مُنْكَرَةَ وَلَا دَعِيَّةَ، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارُ نُورٍ «الْقُرْآنُ»، «عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» وَ يَصَدُّرُ مِنَ اللَّهِ الْأَمْثَالُ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «بِأَنْ يَهْدِيَ مَنْ أَحَبَّ إِلَى وَلَا يَتَّبِعْنَا. بحار الأنوار: ج 23 ص 311 ب 18 ح 16 از كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهرة.

163- تفسير علي بن ابراهيم القمي: ج 2 ص 102- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّائِغِ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ: «اللَّهُ نُورٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ»: الْمَشْكَاةُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ «فِيهَا مِصْبَاخُ الْمِصْبَاخِ» الْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ «فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ»، «كَانَتْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ» يُوقَدُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ وَ عَلِيٍّ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ السَّلَامِ، «لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ» يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةٌ وَلَا نَصْرَانِيَّةَ، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَتَفَجَّرُ مِنْهَا، «وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارُ نُورٍ عَلَى نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَيِّمَةِ مَنْ يَشَاءُ، أَنْ يُدْخِلَهُ فِي نُورٍ وَلَا يَتَّيَهُمْ مُخْلِصًا، «وَ يَصَدُّرُ مِنَ اللَّهِ الْأَمْثَالُ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». بحار الأنوار: ج 23 ص 304 ب 18 ح 1 از تفسير علي بن ابراهيم قمي: ج 2 ص 102 - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّائِغِ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ: «اللَّهُ نُورٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ»: «الْمَشْكَاةُ» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ «فِيهَا مِصْبَاخٌ» الْحَسَنُ، الْمِصْبَاخُ الْحُسَيْنُ «فِي زُجَاجَةٍ» الزُّجَاجَةُ، «كَانَتْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَانَتْ فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ» يُوقَدُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، «لَا شَرْقِيَّةٌ

وَلَا -عَرَبِيَّةٌ» لَا -يَهُودِيَّةٌ وَلَا نَصْرَانِيَّةٌ، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ مِنْهَا، «وَلَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامِ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَيِّمَةِ مَنْ يَشَاءُ أَنْ يَدْخُلَهُ فِي نُورٍ وَلَا يَتَّهِمُ مُخْلِصًا «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». الكافي: ج 1 ص 195 ح 5- علي بن محمد و محمد بن الحسن، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن بن شَمُون، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، عن عبد الله بن القاسم، عن صالح بن سهل الهمداني قال: قال أبو عبد الله عليه السلام في قول الله تعالى: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَأَةٍ» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، «فِيهَا مِصْبَاحٌ» الْحَسَنُ، «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» الْحُسَيْنُ، «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهُا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، «زَيْتُونَةٌ لِأَشْرَفِيَّةٍ وَلَا عَرَبِيَّةٍ» لَا يَهُودِيَّةٍ وَلَا نَصْرَانِيَّةٍ، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِهَا، «وَلَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامِ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَيِّمَةِ مَنْ يَشَاءُ، «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ» تأويل الآيات: ص 357 و تفسير البرهان: ج 4 ص 71 ح 7639- وقال محمد بن العباس رحمه الله: حدَّثنا العباس بن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب الرِّيَّاتِ قال: حدَّثني أبي، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، بإسناده إلى صالح بن سهل الهمداني قال: قال أبو عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَأَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» قال: الْحَسَنُ «الْمِصْبَاحُ»، «فِي زُجَاجَةٍ» الْحَسَنِ بْنِ الزُّجَاجَةِ، «كَأَنَّهُا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» إِبْرَاهِيمَ، «زَيْتُونَةٌ لِأَشْرَفِيَّةٍ وَلَا عَرَبِيَّةٍ» لَا يَهُودِيَّةٍ وَلَا نَصْرَانِيَّةٍ، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ مِنْهَا، «وَلَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامِ، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَيِّمَةِ مَنْ يَشَاءُ، «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». و تفسير فرات الكوفي: ص 282 ح 383 - حدَّثني جعفر بن محمد الفزاري، معنعناً عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَأَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» الْحَسَنُ مِصْبَاحٌ، «الْمِصْبَاحُ» وَالْحُسَيْنُ فِي

رُجَا جَةٌ «الزُّجَا جَةٌ» «كَانَهَا كَوَكَبٌ دُرِّيٌّ» فَاطِمَةُ كَوَكَبٌ دُرِّيٌّ مِنْ [بَيْنِ] نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةِ [زَيْتُونَةٍ]» إِبْرَاهِيمَ [الْخَلِيلِ]، [زَيْتُونَةٍ] «لَا شَرْفِيَّةَ وَلَا عَرَبِيَّةَ» يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةَ وَلَا نَصْرَانِيَّةَ، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْبُعُ مِنْهَا.

164- عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، يحيى ابن بطريق الحلبي: ص 356 ح 686 و كشف اليقين: ص 416 المبحث 21 و الصراط المستقيم: ج 1 ص 296 و الطرائف: ج 1 ص 135 و تفسير البرهان: ج 4 ص 72 ح 7642 - از مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، ابن المغازلي: ص 271 ح 319 و چاپ ديگري: ص 316 ح 361- أخبرنا أحمد بن [محمد بن] عبد الوهاب، عن عمر بن عبد الله بن شاذب، عن محمد بن الحسن بن زياد، عن أحمد بن الخليل، عن محمد بن أبي محمود، عن يحيى بن أبي معروف، عن محمد بن سهل البغدادي، عن موسى بن القاسم، عن علي بن جعفر، قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن قول الله عز وجل: «كَمِشَّةٌ كَاهٌ فِيهَا مِصَّةٌ بَاحٌ» قَالَ: «الْمِشَّةُ كَاهٌ» فَاطِمَةُ، وَ «الْمِصَّبَا حٌ» الْحَسَنُ، وَ «الزُّجَا جَةٌ» الْحُسَيْنُ، «كَانَهَا كَوَكَبٌ دُرِّيٌّ» كَانَتْ كَوَكَبًا دُرِّيًّا بَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةِ» الشَّجَرَةُ الْمُبَارَكَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «لَا شَرْفِيَّةَ وَلَا عَرَبِيَّةَ» لَا يَهُودِيَّةَ وَلَا نَصْرَانِيَّةَ «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» قَالَ: يَكَادُ الْعِلْمُ أَنْ يَنْطِقَ مِنْهَا «وَلَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ» قَالَ: فِيهَا إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» قَالَ: يَهْدِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَوْلَا بَيْنَنَا مَنْ يَشَاءُ».

165- تفسير القمي: ج 2 ص 104- فإنه حدثني أبي، عن عبد الله بن جندب قال: كتبت إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام أسأل عن تفسير هذه الآية - فكتب إلي الجواب: أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّ مُحَمَّدًا كَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَمَّا قَبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ، فَنَحْنُ أُمَّةٌ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، عِنْدَنَا عِلْمُ الْمَنَائَا وَ الْبَلَايَا وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَ مَا مِنْ فِتْنَةٍ تَضِلُّ مَائِدَةً بِهِ وَ تَهْدِي مَائِدَةً بِهِ إِلَّا وَ نَحْنُ نَعْرِفُ سَائِقَهَا وَ قَائِدَهَا وَ نَاعِقَهَا، وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ حَقِيقَةِ النِّفَاقِ. وَ إِنَّا شَيْعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقُ، يَرُدُّونَ مَوْرِدَنَا وَ يَدْخُلُونَ مَدْخَلَنَا، لَيْسَ عَلَى مِلَّةِ الْإِسْلَامِ غَيْرُنَا وَ غَيْرُهُمْ

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، نَحْنُ الْآخِذُونَ بِحُجْرَةِ نَبِيِّنَا، وَنَبِينَا آخِذٌ بِحُجْرَةِ رَبِّنَا، وَالْحُجْرَةُ النُّورُ، وَشَيْعَتُنَا آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا، مَنْ فَارَقَنَا هَلَكَ، وَمَنْ تَبِعَنَا نَجَا، وَالْمُفَارِقُ لَنَا وَالْجَاوِدُ لَوْلَايَتِنَا كَافِرٌ، وَمُتَّبِعُنَا وَتَابِعُ أَوْلِيَائِنَا مُؤْمِنٌ، لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ، وَلَا يُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ. وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ يُحِبُّنَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنَا، نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ تَبِعَنَا، وَهُدًى لِمَنْ إِهْتَدَى بِنَا، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ مِنَّا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ. وَبِنَا فَتَحَ اللَّهُ الدِّينَ وَبِنَا يَخْتِمُهُ، وَبِنَا أَطَعَمَكُمُ اللَّهُ عُشْبَ الْأَرْضِ، وَبِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَبِنَا أَمَنَكُمُ اللَّهُ مِنَ الْغَرَقِ فِي بَحْرِكُمْ، وَمِنَ الْخَسْفِ فِي بَرِكُمْ، وَبِنَا نَفَعَكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ، وَفِي قُبُورِكُمْ، وَفِي مَحْشَرِكُمْ، وَعِنْدَ الصِّرَاطِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ دُخُولِ الْجَنَانِ. مَثَلَنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ مِسْكَاةٍ، وَالْمِسْكَاةُ فِي الْقِنْدِيلِ، فَحُجْرَةُ الْمِسْكَاةِ «فِيهَا مِصْبَاحٌ»، الْمِصْبَاحُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» مِنْ عُنُقِ رَءِيسَةٍ طَاهِرَةٍ «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ رَيْثُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» لَا دَعِيَّةٍ وَلَا مُنْكَرَةَ «يَكَادُ رَيْثُهَا يُضِيءُ» وَلَوْ لَمْ تَمَسَّ سُهُ نَارٌ الْقُرْآنُ، «نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» فَالنُّورُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَهْدِي اللَّهُ لَوْلَايَتِنَا مَنْ أَحَبَّ، وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَ وَلِيًّا مُشْرِقًا وَجِهَةً، مُنِيرًا بُرْهَانُهُ، ظَاهِرَةً عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ، حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ أَوْلِيَائِنَا الْمُتَّقِينَ مَعَ الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَائِكَ رَفِيقًا، فَشُدَّ هَدَاؤُنَا لَهُمْ فَضْلٌ عَلَى الشُّهَدَاءِ بِعَشْرِ دَرَجَاتٍ، وَلِشَهِيدِ شَيْعَتِنَا فَضْلٌ عَلَى كُلِّ شَهِيدٍ غَيْرِنَا بِتِسْعِ دَرَجَاتٍ، فَنَحْنُ النُّجَبَاءُ، وَنَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَحْنُ أَوْلَادُ الْأَوْصِيَاءِ، وَنَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِينَهُ، فَقَالَ فِي كِتَابِهِ: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ! وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى، قَدْ عَلِمْنَا مَا عَلِمْنَا وَبَلَّغْنَا مَا عَلِمْنَا وَإِسْتَوَدَعْنَا عِلْمَهُمْ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَوْلِيَ الْعِلْمِ، وَأَوْلِيَ الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ: «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»، مِنَ الشَّرِكِ مَنْ أَشْرَكَ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» مِنْ وِلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا

مُحَمَّدًا! «فِيهِ هُدًى، يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» مَنْ يُجِيبُكَ إِلَى بَوْلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتَابٍ فَتَدَبَّرْهُ وَافْهَمْهُ، فَإِنَّهُ شَيْءٌ مِمَّا لَمَّا فِي الصُّدُورِ وَتُورًا». و تأويل الآيات الظاهرة: ص 356 و البرهان في تفسير القرآن: ج 4 ص 72 ح 7641 و بحار الأنوار: ج 4 ص 23 ب 3 از مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 7 ص 226- روي عن الرضا عليه السلام أنه قال: نَحْنُ الْمَشْكَاهُ فِيهَا، وَ «الْمِصْبَاحُ» مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَهْدِي اللَّهُ لَوْلَايَتِنَا مَنْ أَحَبَّ».

166- سوره (22) الحج آیه 46.

167- بصائر الدرجات: ص 505 ب 18 ح 4 و معاني الأخبار: ص 111 ح 2 - هر دو به سند متصل خود، از نصر بن قابوس گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم درباره آیه کریمه: «وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ». و کمال الدین و تمام النعمة: ج 2 ص 417 ب 40 ح 10 - به سند متصل خود از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نمود که حضرت درباره آیه کریمه: «وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ». و معاني الأخبار: ص 111 ح 1 - به سند متصل خود، از ابراهیم بن زیاد گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره کلام خداوند: «وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» پرسیدم فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ».

الكافي: ج 1 ص 427 ح 75 - به سند متصل خود، از علی بن جعفر، از برادرش امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدم از تفسیر آیه کریمه: «وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ». مانند آن: مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 88.

168- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 88 - احمد بن حميد هاشمی گفت: در کتاب و جامع جعفر صادق علیه السلام درباره سخن خداوند تعالی: «وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» چنین آمده بود که: فرموده بود: «رَسُولُ اللَّهِ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ عَلِيٌّ».

ص: 292

169- معاني الأخبار: ص 111 ح 3- به سند متصل خود، از صالح بن سهل، از امام جعفر صادق عليه السلام كه فرمود: «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبَيْتُ الْمَعْظَلَةُ فَاطِمَةُ وَوَلَدُهَا مُعْظَلِينَ مِنَ الْمُلْكِ». تأويل الآيات الظاهرة: ص 339 و تفسير البرهان: ج 3 ص 895 ح 7376 از تفسير محمد بن العباس رحمه الله، به سند متصل خود، از صالح بن سهل، از امام جعفر صادق عليه السلام كه فرمود: قوله تعالى: «وَبَيْتٍ مُّعْظَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ» «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَالْبَيْتُ الْمَعْظَلَةُ فَاطِمَةُ وَوَلَدُهَا مُعْظَلُونَ مِنَ الْمُلْكِ».

170- تأويل الآيات الظاهرة: ص 791 - وروي أيضاً عن محمد بن جمهور، عن موسى بن بكر، - عن زرارة، عن حمران قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عما يفرق في ليلة القدر هل هو ما يقدر الله فيها؟ قال:..

171- تفسير فرات الكوفي: ص 581 ح 747- به سند خود از امام جعفر صادق عليه السلام كه فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» الْبَيْتُ الْمَعْظَلَةُ، وَالْقَدْرُ اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا -أَوْ- مِنْ مَعْرِفَتِهَا، وَقَوْلُهُ: «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ، وَهِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» وَالْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ. وَالرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ. «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

172- الكافي: ج 1 ص 478 ح 4- أحمد بن مهرا ن و علي بن إبراهيم جميعاً، عن محمد بن علي، عن الحسن بن راشد، عن يعقوب بن جعفر بن إبراهيم قال: كنت عند أبي الحسن موسى عليه السلام إذ أتاه رجل نصراني ونحن معه بالعريض ... «ح.م. وَالْكِتَابُ الْمُبِينُ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ. فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» ما تفسيرها في الباطن؟ فقال عليه السلام: ... أَمَّا ح.م. فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ فِي كِتَابِ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْهِ، وَهُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ، وَ أَمَّا الْكِتَابُ الْمُبِينُ فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَمَّا الْبَيْتُ

فَقَاطِمَةٌ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ، از او: تأویل الآيات الظاهرة: ص 555. 173- بصائر الدرجات: ص 460 ب 18 ح 1 - به سند صحیح از هشام بن سالم گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود درباره این آیه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»: «خَلَقَ أَعْظَمَ مِنْ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى غَيْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ هُوَ مَعَ الْأَيْمَةِ، يُوقِّفُهُمْ وَ يُسَدِّدُهُمْ، وَ لَيْسَ كُلُّ مَا طُلِبَ وَجِدَ». و بصائر الدرجات: ص 461 ب 18 ح 5 - به سند صحیح از ابو بصیر گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم از آیه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» فرمود: هُوَ خَلَقَ أَعْظَمَ مِنْ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ يُوقِّفُهُ، وَ هُوَ مَعَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

174- در این باره احادیث بسیاریست و ما در این جا به چند مورد اکتفا می کنیم: بصائر الدرجات: ص 447 ب 14 ح 4 - به سند خود از جابر از امام محمد باقر علیه السلام گوید: از امام درباره علم عالم (انمه) پرسیدم که فرمود: «يَا جَابِرُ! إِنَّ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ؛ رُوحَ الْقُدْسِ وَ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ رُوحَ الْحَيَاةِ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ، فَبِرُوحِ الْقُدْسِ يَمَّا جَابِرُ عَلِمْنَا مَا تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى». ثُمَّ قَالَ: «يَا جَابِرُ! إِنَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحَ يُصِيبُهَا الْحَدَثَانُ إِلَّا رُوحَ الْقُدْسِ فَإِنَّهَا لَا يَلْهُوُ وَ لَا يَلْعَبُ». و بصائر الدرجات: ص 453 ب 15 ح 12 - به سند خود از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْأَيْمَةَ عَلَى خَمْسَةِ أَرْوَاحٍ؛ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ رُوحَ الْحَيَاةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ وَ رُوحَ الْقُدْسِ، فَرُوحُ الْقُدْسِ مِنَ اللَّهِ وَ سَائِرُ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ يُصِيبُهَا الْحَدَثَانُ، فَرُوحُ الْقُدْسِ لَا يَنْغَيِّرُ وَ لَا يَلْعَبُ، وَ بِرُوحِ الْقُدْسِ عَلِمُوا يَا جَابِرُ مَا دُونَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى».

175- الكافي: ج 1 ص 249 ح 6 - (محمد بن أبي عبد الله و محمد بن الحسن، عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد جميعاً، عن الحسن بن العباس بن الحریش - معلق)، عن أبي

جعفر عليه السلام قال: يا معشر الشيعة! خاصموا بسورة إنا أنزلناه تغلجوا، فوالله إنها لحجة الله تبارك وتعالى على الخلق بعد رسول الله صلى الله عليه وآله، وإنها لسيدة دينكم، وإنها لغاية علمنا. يا معشر الشيعة! خاصموا بحم والكتاب المبين إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا منذرين، فإنها لولاة الأمر خاصة بعد رسول الله صلى الله عليه وآله. يا معشر الشيعة! يقول الله تبارك وتعالى وإن من أمة إلا خلا فيها نذير. قيل: يا أبا جعفر! نذيرها محمد صلى الله عليه وآله؟ قال: صدقت فهل كان نذير وهو حي من البعثة في أقطار الأرض؟ فقال السائل: لا، قال أبو جعفر عليه السلام: أرايت بعينه أليس نذيره كما أن رسول الله صلى الله عليه وآله في بعثته من الله عز وجل نذير؟ فقال: بلى. قال: فكذلك لم يمّت محمد إلا وله بعث نذير. قال: فإن قلت: لا فقد صدق رسول الله صلى الله عليه وآله من في أصلاب الرجال من أمته. قال: وما يكفيهم القرآن؟ قال: بلى إن وجدوا له مفسراً. قال: وما فسره رسول الله صلى الله عليه وآله؟ قال: بلى، قد فسره لرجل واحد وفسر لأمّة شاء ذلك الرجل وهو علي بن أبي طالب عليه السلام. قال السائل: يا أبا جعفر! كأن هذا أمر خاص، لا يحتمله العامة؟ قال: أباي الله أن يعبد إلا سيدي حتى يأتي إبان أجله الذي يظهر فيه دينه كما أنه كان رسول الله مع خديجة مسيراً حتى أمر بالإعلان. قال السائل: ينبغي لصاحب هذا الدين أن يكتبكم؟ قال: أو ما كتبتم علي بن أبي طالب عليه السلام يوم أسلم مع رسول الله صلى الله عليه وآله حتى ظهر أمره؟ قال: بلى. قال: فكذلك أمرنا حتى يبلغ الكتاب أجله.

176- الغيبة، الطوسي: ص 374-377- وقال ابن نوح: أول من حدثنا بهذا التوقيع أبو الحسين محمد بن علي بن تمام... وروي في ثواب القرآن في الفرائض وغيرها أن العالم عليه السلام قال: عجباً لمن لم يقرأ في صلاته إنا أنزلناه في ليلة القدر كيف تقبل صلاته؟!... والإحتجاج: ج 2 ص 482: ومما خرج عن صاحب الزمان صلوات الله عليه من جوابات المسائل الفقهية أيضاً ما سأله عنها محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري فيما كتب إليه وهو: ... وروي في ثواب القرآن في الفرائض وغيرها أن العالم عليه السلام قال: عجباً لمن لم يقرأ في

صَلَاتِهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ تُقْبَلُ صَلَاتُهُ؟!!!!. وسائل الشيعة: ج6 ص79 ب23 ح7399 - 5 از الاحتجاج، و بحار الأنوار: ج 53 ص152 ب31 ضمن ح1 از غيبت طوسی و ج82 ص31 ب23 ح21 از الاحتجاج.

177- الإختصاص: ص90 - أبو الفرج، عن أبي سعيد سهل بن زياد، عن رجل، عن عبد الله بن جبلة، عن أبي المغراء، عن موسى بن جعفر عليهما السلام قال: سمعته يقول: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ، وَ أَرَادَ أَنْ يَرَانَا، وَ أَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَغْتَسِلْ ثَلَاثَ لَيَالٍ، يُتَاجَى بِنَا، فَإِنَّهُ يَرَانَا، وَ يُغْفِرُ لَهُ بِنَا، وَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَوْضِعُهُ. قُلْتُ: سَدَّ يَدِي! فَإِنَّ رَجُلًا رَأَى فِي مَنَامِهِ وَ هُوَ يَشْرُبُ رَبَّ النَّبِيِّد؟ قَالَ: لَيْسَ النَّبِيُّدُ يُفْسِدُ عَلَيْهِ دِينَهُ، إِنَّمَا يُفْسِدُ عَلَيْهِ تَرْكُنَا، وَ تَخْلُفُهُ عَنَّا. إِنَّ اللَّهَ قَمِي أَشَدَّ قِيَاكُمْ مَنْ يُكَذِّبُنَا فِي الْبَاطِنِ بِمَا يُخْبِرُ عَنَّا، يُصَدِّقُنَا فِي الظَّاهِرِ، وَ يُكْذِبُنَا فِي الْبَاطِنِ. نَحْنُ أَبْنَاءُ نَبِيِّ اللَّهِ، وَ أَبْنَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَبْنَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَحِبَابُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. نَحْنُ مِفْتَاحُ الْكِتَابِ، فَبِنَا نَطَقَ الْعُلَمَاءُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَخَرَسُوا. نَحْنُ رَفَعْنَا الْمَنَارَ، وَ عَرَفْنَا الْقِبْلَةَ، نَحْنُ حَجَرُ الْبَيْتِ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، بِنَا غُفِرَ لِأَدَمَ، وَ بِنَا أُبْتُلِيَ أَيُّوبُ، وَ بِنَا أُفْتُتِ دَعْوَةُ يُعْقُوبُ، وَ بِنَا حُسُيُوسُفُ، وَ بِنَا دُفِعَ الْبَلَاءُ، بِنَا أَضَاءَتِ الشَّمْسُ. نَحْنُ مَكْتُوبُونَ عَلَى عَرْشِ رَبِّنَا، مَكْتُوبُونَ مُحَمَّدٌ خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَ عَلِيُّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ، أَنَا طَالِبُ الْبَابِ، أَنَا صَاحِبُ الصِّفِّينَ، أَنَا الْمُنْتَقَمُ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، أَنَا صَاحِبُ كَرْبَلَاءَ. مَنْ أَحَبَّنَا وَ تَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّنَا كَانَ مَعَنَا، وَ مِمَّنْ فِي الظِّلِّ الْمَمْدُودِ، وَ الْمَاءِ الْمَسْكُوبِ. - وَ الْحَدِيثُ طَوِيلٌ وَ فِي آخِرِهِ -: أَنْ اللَّهَ إِشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْعِلْمِ وَ الطَّاعَةِ. وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: أَنْ اللَّهَ خَلَقَنَا قَبْلَ الْخَلْقِ بِالْفِي الْفِ عَامٍ، فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ لِتَسْبِيحِنَا. از او: بحار الأنوار: ج 26 ص 258 ب5 ح33.

178- كتاب سليم بن قيس الهلالي: ج2 ص 869 ح 48... قالت: نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ: فَاطِمَةُ بَصْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي؟ قَالَ نَعَمْ

ص: 296

فَرَفَعَتْ يَدَهَا إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَتْ: اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَدْ آذَيْنِي فَأَنَا أَسْأَلُكَ عَنْهُمَا إِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ، لَا وَاللَّهِ لَا أَرْضَى عَنْكُمَا أَبَدًا حَتَّى أَلْقَى [أبي] رَسُولَ اللَّهِ فَأُخْبِرَهُ بِمَا صَدَعْتُمَا فَيَكُونَ هُوَ الْحَاكِمَ فِيكُمَا وكفاية الأثر: ص 62 - 65 به سند متصل از جابر بن عبد الله الأنصاري از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم در حدیثی در آخر عمر حضرت در بستر شهادت به حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمود: ... وَقَدْ سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ أَنْ تَكُونِي أَوَّلَ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي إِلَّا إِنَّكَ بَصْدَعَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَانِي. جابر گوید پس از شهادت حضرت دو نفر از اصحاب خدمت حضرت فاطمه رسیدند و از حال حضرت جويا شدند و حضرت فرمودند: أُصَدِّقَانِي هَلْ سَمِعْتُمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: فَاطِمَةُ بَصْدَعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي؟ قَالَا: نَعَمْ قَدْ سَمِعْنَا ذَلِكَ مِنْهُ، فَرَفَعَتْ يَدَيْهَا إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَتْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْتَهُمَا قَدْ آذَيْنِي وَغَصَبَ بَا حَقِّي ثُمَّ أَعْرَضْتَ عَنْهُمَا فَلَمْ تُكَلِّمَهُمَا بَعْدَ ذَلِكَ وَعَاشَتْ بَعْدَ أَبِيهَا خَمْسَةَ وَتِسْعِينَ يَوْمًا حَتَّى أَلْحَقَهَا اللَّهُ بِهِ. ر.ك: الجعفریات (الأشعثيات): ص 9 و شرح الأخبار: ج 3 ص 30-31 و 59 و 61 و 64 و الأمالي ابن بابويه: ص 104 المجلس 22 و ص 487 المجلس 73 و اعتقادات الإمامية: ص 105 ب 38 و علل الشرائع: ج 1 ص 187 ب 149 و الأمالي شيخ مفيد: ص 260 مجلس 31 و تقريب المعارف: ص 337 و التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة: ص 134 فصل 16 و عيون المعجزات: ص 58 و دلائل الإمامة: ص 135 و الأمالي، الطوسي: ص 24 مجلس 1 و شواهد التنزيل: ج 2 ص 414 و روضة الواعظين: ج 1 ص 150 و بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله: ج 2 ص 70 و 178 و النوادر قطب الدين الراوندي: ص 14 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 332 و الروضة في الفضائل: ص 167 ح 143 و عمدة العيون: ص 384 و 385 و 388 و 383 و شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج 4 ص 64 و ج 16 ص 273 و 278 و إقبال الأعمال: ج 2 ص 624 و ج 3 ص 164 و الطرائف: ج 1 ص 262 و بناء المقالة الفاطمية: ص 394 و كشف الغمّة: ج 1 ص 363 و 466 و الدرّ النظيم: ص 457 و 458 و 462 و 484 و العدد القويّة: ص 225 و كشف اليقين: ص 351 و نهج الحق: ص 362 و إرشاد

القلوب: ج 2 ص 232 و الصِّراط المستقيم: ج 1 ص 170 و ج 2 ص 118 و 282 و 289 و ج 3 ص 12 و عوالي اللئالي: ج 4 ص 93 و ج 4 ص 279 و تسلية المجالس: ج 1 ص 522 و 69 و الصوارم المهركة: ص 140 و 148 و بسیاری از کتاب های شیعه امامیه و مخالفین.

179- بسیاری از محدثین و مؤرخین خطبه فدکیه حضرت فاطمه سلام الله علیها را نقل نموده اند: دلائل الإمامة: ص 109 - 113 ح 36 - به سندهای متصل از: ابن عباس، و به چند سند از حضرت زینب علیها السلام، و از چند تن دیگر، و از عبد الله محض از گروهی از بنی هاشم، و به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام از پدرش از حضرت زینب، و از ابن عائشة و از زید بن علی بن الحسین از حضرت زینب؛ از حضرت فاطمه سلام الله علیها که در خطبه خود فرمودند: «... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ - الاحتجاج) اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ؛ ... وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا لَمَّا (أَمَاناً - الاحتجاج) لِلْفُرْقَةِ...». و الإحتجاج: ج 1 ص 97-99 - به سند خود از عبد الله محض. و كشف الغمّة: ج 1 ص 480-483 از کتاب السقيفة جوهری به سندها و طرق خود: «... فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ؛ ... وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ، ...». الدرّ النظیم فی مناقب الأئمة اللهامیم: ص 465-469 - از ابن عباس از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ لَكُمْ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، ... وَ طَاعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ، ...». ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 567 و 568 ح 4940 - به سند خود از جابر از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، ... وَ الطَّاعَةَ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الإِمَامَةَ لَمَّا مِنَ الْفُرْقَةِ، ...». علل الشرائع: ج 1 ص 248 و 249 ب 182 ح 2 و 3 و 4 - از أحمد بن محمد بن جابر و جمعی از بنی هاشم و زید بن علی، از حضرت زینب علیها السلام: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، ... وَ الطَّاعَةَ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الإِمَامَةَ لَمَّا مِنَ الْفُرْقَةِ، ...». ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 568 ح 4940.

180- بحار الأنوار: ج 43 ص 218 ب 7 ضمن ح 49 و ج 78 ص 391 ب 10 ضمن ح 56 - از

ص: 298

مصباح الأنوار خطي: ص 257 از امام جعفر بن محمد، از پدران ش عليهم السلام كه فرمودند: «لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةُ الْوَفَاةَ بَكَتْ، فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: يَا سَيِّدَتِي مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: أَبْكِي لِمَا تَلَقَى بَعْدِي. فَقَالَ لَهَا: لَا تَبْكِي، فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَصَغِيرٌ عِنْدِي فِي ذَاتِ اللَّهِ، ...». مستدرک الوسائل: ج 2 ص 290 ب 29 ح 1995 از بحار الأنوار.

181- سورة (2) آیه 262.

182- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 147 ح 480 - عن المفضل بن محمد الجعفی قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله: «حَبَّةٌ أُنْبِتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ» قال: الْحَبَّةُ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، وَالسَّبْعُ السَّنَابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِهَا سَابِعُهُمْ قَائِمُهُمْ. قُلْتُ: الْحَسَنُ؟ قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ مُفْتَرَضٌ طَاعَتُهُ، وَلَكِنْ لَيْسَ مِنَ السَّنَابِلِ السَّبْعَةِ، أَوْلَهُمُ الْحُسَيْنُ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ. قُلْتُ: قَوْلُهُ «فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ» قَالَ: يُوَلَّدُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي الْكُوفَةِ مِائَةً مِنْ صُلْبِهِ، وَلَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا هُوَ لِأَنَّ السَّبْعَةَ. از او: البرهان في تفسير القرآن: ج 1 ص 542 ح 1464.

183- الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 285 فصل 4 - به سند متصل خود، از ناحیه مقدسه مهديه عجل الله فرجه الشريف توقيعی صادر شد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَافَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْفِتَنِ، وَوَهَبَ لَنَا وَلكُمْ رُوحَ الْبَقِيَّةِ، وَأَجَارَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَقَلِّبِ، ... وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، ...». و مانند آن: الإحتجاج: ج 2 ص 467.

184- تفسیر فرات الكوفي: ص 171 ح 219- فرات قال: حدّثني جعفر بن محمد الفزاري معنعناً، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ، فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِيكَ، وَ أَهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَازِرِينَ عَلَيْكَ، وَ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ. قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا أَبَتِ! أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ؟ قَالَ: يَا بِنْتَاهُ! ذَكَرْتُ [ذَكَرْتَهُ] مَا يُصِيبُ بَعْدِي وَبَعْدَكَ مِنَ الْأَذَى وَالظُّلْمِ [وَالْغَدْرِ] وَالْبُغْيِ، وَهُوَ يَوْمِنَدٍ فِي عَصَبَةٍ كَانَتْهُمْ نُجُومُ السَّمَاءِ، يَتَهَادُونَ إِلَى الْقَتْلِ، وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى

ص: 299

مُعَسَّدِكْرِهِمْ، وَإِلَى مَوْضِعِ رِحَالِهِمْ وَتُرْبَتِهِمْ، قَالَتْ: يَا أَبَتِ! وَأَنْتَى [وَأَيْنَ] هَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِي تَصِفُ؟ قَالَ: مَوْضِعٌ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ، وَهِيَ دَارٌ كَرِبٌ وَبَلَاءٌ عَلَيْنَا وَعَلَى الْأُمَّةِ، يَخْرُجُ [عَلَيْهِمْ] شِرَارُ أُمَّتِي وَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ [وَلَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ أَنَّ] يَسْفَعُ [سَفَعٌ] لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَنْ مَا سَفَعُوا فِيهِ وَهُمْ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ. قَالَتْ: يَا أَبَتِ! فَيَقْتُلُ؟! قَالَ: نَعَمْ يَا بِنْتَاهُ، وَمَا قَتَلَ قَتَلْتَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ، وَتَبْكِيهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْمَلَائِكَةُ [وَالْوَحْشُ] وَالنَّبَاتَاتُ وَالْبِحَارُ وَالْجِبَالُ، وَلَوْ يُؤَذِّنُ لَهَا [مَا بَقِيَ] عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ، وَيَأْتِيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبِّينَا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَلَا أَقْوَمَ بِحَقِّنَا [لِحَقِّنَا] مِنْهُمْ، وَلَيْسَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَمِثُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلُمَاتِ الْجُورِ، وَهُمْ الشُّفَعَاءُ، وَهُمْ وَارِدُونَ حَوْضِي عَدَا، أَعْرِفُهُمْ إِذَا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسِيْمَاهُمْ، وَكُلُّ أَهْلِ دِينٍ [يَطْلُبُونَ أَيْمَتَهُمْ وَهُمْ] [يَطْلُبُونَ] [وَأ] لَا يَطْلُبُونَ غَيْرَنَا، وَهُمْ قَوْمٌ الْأَرْضِ، وَبِهِمْ يَنْزِلُ الْعَيْثُ. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ [الزَّهْرَاءُ] ع: يَا أَبَتِ! إِنَّا لِلَّهِ، وَبَكَتْ. فَقَالَ لَهَا: يَا بِنْتَاهُ! إِنَّ أَهْلَ الْجَنَانِ هُمْ الشَّهْدَاءُ فِي الدُّنْيَا، بَدَلُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ، يُعَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ، وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا، فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا [وَمَا فِيهَا]، قَتَلَتْهُ أَهْوَى مِنْ مَيْتَتِهِ، مَنْ كُتِبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ خَرَجَ إِلَى مَصَدِّجِعِهِ، وَمَنْ لَمْ يُقْتَلْ فَسَوْفَ يَمُوتُ. يَا فَاطِمَةُ! بِنْتُ مُحَمَّدٍ! أَمَا تُحِبِّينَ أَنْ تَأْمُرِينَ عَدَا [بِأَمْرٍ] فَتَطَاعِينَ فِي هَذَا الْخَلْقِ عِنْدَ الْحِسَابِ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ [أَنْ يَكُونَ] أَبُوكَ يَأْتُونَهُ [يَأْتِيهِ] يَسْأَلُونَهُ الشَّفَاعَةَ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ بَعْلُكَ يَدُودُ الْخَلْقِ يَوْمَ الْعَطَشِ عَنِ الْحَوْضِ فَيَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَهُ وَيَدُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَهُ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ بَعْلُكَ قَسِيمَ النَّارِ [الْجَنَّةِ] [وَأ] يَأْمُرُ النَّارَ فَتَطْبِعُهُ يُخْرِجُ مِنْهَا مَنْ يَشَاءُ وَيَتْرُكُ مَنْ يَشَاءُ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَنْظُرِينَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ عَلَى أَرْجَاءِ السَّمَاءِ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَإِلَى مَا تَأْمُرِينَ بِهِ، وَيَنْظُرُونَ إِلَى بَعْلِكَ [وَأ] قَدْ حَصَرَ الْخَلَائِقَ وَهُوَ يُخَاصِمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ، فَمَا تَرِينَ اللَّهَ صَانِعٌ بِقَاتِلِ وَوَلَدِكَ وَقَاتِلِكَ إِذَا أَفْلَحَتْ [فَلَجَتْ] حُجَّتُهُ عَلَى الْخَلَائِقِ وَأَمَرَتِ النَّارَ أَنْ تَطْبِعَهُ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونَ الْمَلَائِكَةُ تَبْكِي لِيْنِكَ وَيَأْسَفُ عَلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ مَنْ أَتَاهُ زَائِرًا فِي صَمَانِ اللَّهِ وَيَكُونَ مَنْ أَتَاهُ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ

حَجَّ إِلَى بَيْتِ [اللَّهِ الْحَرَامِ] وَاعْتَمَرَ وَ لَمْ يَخْلُو [يَخْلُ] مِنَ الرَّحْمَةِ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَإِذَا مَاتَ مَاتَ شَهِيداً، وَإِنْ بَقِيَ لَمْ تَزَلِ الْحَفْظَةُ تَدْعُو لَهُ مَا بَقِيَ، وَ لَمْ يَزَلْ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ أَمْنِهِ حَتَّى يُفَارِقَ الدُّنْيَا؟ قَالَتْ: يَا أَبَتِ! سَدَّ لَمْتُ وَ رَضِيْتُ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، فَمَسَحَ عَلَى قَلْبِهَا وَ مَسَحَ [عَلَى] عَيْنَيْهَا [جَنَاحِهَا] فَقَالَ: إِنِّي [أَنَا] وَ بَعْلُكَ وَ أَنْتِ وَ ابْنَاكَ فِي مَكَانٍ تَقْرَأُ عَيْنَاكَ وَ يَفْرَحُ قَلْبُكَ.

قسمتی از این حدیث شریف در کامل الزیارات: ص 69 ب 22 ح 2- حدیثی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، عن مسمع بن عبد الملك، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ، فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَالَ: لَعَنَ اللَّهُ فَاتِنَاكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ سَائِلِكَ، وَ أَهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَازِرِينَ عَلَيْكَ، وَ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ. قَالَتْ فَاطِمَةُ: يَا أَبَتِ! أَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ؟ قَالَ: يَا بِنْتَاهُ! ذَكَرْتُ مَا يَصِيْبُهُ بَعْدِي وَ بَعْدِكَ مِنَ الْأَذَى وَ الظُّلْمِ وَ الغَدْرِ وَ البَغْيِ، وَ هُوَ يَوْمِنَدِي فِي عَصَبَةِ كَانَتْهُمْ نُجُومُ السَّمَاءِ، يَتَهَادُونَ إِلَى الْقَتْلِ، وَ كَانِي أَنْظُرُ إِلَى مُعَسَدِ كَرِهِي، وَ إِلَى مَوْضِعِ رَحَالِهِمْ وَ تَرْبَتِهِمْ، قَالَتْ: يَا أَبَتِ! وَ أَيْنَ هَذَا الْمَوْضِعِ الَّذِي تَصِفُ؟ قَالَ: مَوْضِعٌ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ، وَ هِيَ دَارُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْأُمَّةِ، يَخْرُجُ عَلَيْهِمْ شِرَارُ أُمَّتِي وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ يَشْفَعُ شَفَعَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ مَا شَفَعُوا فِيهِمْ وَ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ. قَالَتْ: يَا أَبَتِ! فَيُقْتَلُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بِنْتَاهُ، قُتِلَ قَبْلَهُ أَحَدٌ كَانَ تَبَكِّيهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْوَحْشُ وَ الْحَيَاتَانُ فِي الْبَحَارِ وَ الْجِبَالِ، لَوْ يُؤَذَّنُ لَهَا مَا بَقِيَ عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ، وَ يَأْتِيهِ قَوْمٌ مِنْ مُجِبِّينَا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ لَا أَقْوَمُ بِحَقِّنَا مِنْهُمْ، وَ لَيْسَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَفِتُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلَمَاتِ الْجَوْرِ، وَ هُمُ الشُّفَعَاءُ، وَ هُمْ وَارِدُونَ حَوْضِي غَدَاً، أَعْرِفُهُمْ إِذَا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسِيْمَاهُمْ، وَ كَدُّ أَهْلِ دِينٍ يَطْلُبُونَ أَيْمَتَهُمْ وَ هُمْ يَطْلُبُونَنَا وَ لَا يَطْلُبُونَ غَيْرَنَا، وَ هُمْ قَوَامُ الْأَرْضِ، وَ بِهِمْ يَنْزِلُ الْعَيْثُ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بَطُولَهُ. بحار الأنوار: ج 44 ص 264 ب 31 ح 22 از هردو.

185- الأُمالي، الشَّيخ الطوسي: ص 668 مجلس 36 ح 1399 - 6- به سند متصل از اسحاق بن

عمّار و ابو بصير از امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: . از او: بحار الأنوار: ج 43 ص 105 ب 5 ح 19.

186- سورة (21) الأنبياء عليهم السلام آيه 102 الى 104 . 187- تفسير فرات الكوفي: ص 268 ح 362- حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن جعفر، عن أبيه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ بِنْتُ حَبِيبِ اللَّهِ إِلَى قَصْرِهَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ ابْنَتِي، [فَتَمُرُّ وَ] عَلَيْهَا رَيْطَانِ خَضِرَاوَانَ حَوَالَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ فَإِذَا بَلَغَتْ إِلَى بَابِ قَصْرِهَا وَجَدَتْ الْحَسَنَ قَائِماً وَ الْحُسَيْنَ نَائِماً مَقْطُوعَ الرَّأْسِ فَتَقُولُ لِلْحَسَنِ مَنْ هَذَا؟ فَيَقُولُ: هَذَا أَخِي، إِنَّ أُمَّةً أَيْبِكَ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأْسَهُ، فَيَأْتِيهَا النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ: يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ! إِنِّي إِنَّمَا أَرَيْتُكَ مَا فَعَلْتَ بِهِ أُمَّةً أَيْبِكَ، إِنِّي إِدْخَرْتُ لِكَ عِنْدِي تَعْرِيَةً بِمُصِيبَتِكَ فِيهِ، وَ إِنِّي جَعَلْتُ تَعْرِيَتَكَ الْيَوْمَ أَنِّي لَا أَنْظُرُ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ حَتَّى تَدْخُلِي الْجَنَّةَ أَنْتِ وَ ذُرِّيَّتُكَ وَ شَيْعَتُكَ وَ مَنْ وَالَاكُمْ [أَوْلَاكُمْ] مَعْرُوفاً مِمَّنْ [بِمَنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شَيْعَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَنْظُرَ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ. فَتَدْخُلُ فَاطِمَةُ ابْنَتِي الْجَنَّةَ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَ شَيْعَتُهَا وَ مَنْ وَالَاهَا [وَالَاهُمْ أَوْلَاهَا] مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِهَا فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ. قَالَ: هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ فِي مَا اسْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ، هِيَ وَ اللَّهِ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَ شَيْعَتُهَا وَ مَنْ وَالَاهُمْ مَعْرُوفاً [مِمَّنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شَيْعَتِهَا. از او: بحار الأنوار: ج 7 ص 335 ب 17 ح 21 و ج 43 ص 63 ب 3 ح 54.

188- الأمالي، ابن بابويه: ص 18 مجلس 5 ح 4 - حدّثنا محمّد بن إبراهيم قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن جرير الطبري قال: حدّثنا أبو محمّد الحسن بن عبد الواحد الخزاز قال: حدّثني إسماعيل بن عليّ السّندي، عن منيع بن الحجاج، عن عيسى بن موسى، عن جعفر الأحمر، عن أبي جعفر محمّد بن عليّ الباقر عليه السلام قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري يقول: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدَبَّجَةِ الْجَنَّبِينَ خِطَامُهَا مِنْ لَوْلُورَطِبٍ قَوَائِمُهَا مِنَ الزُّمُرْدِ الْأَخْضَرِ ذَنْبُهَا مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ عَيْنَاهَا

يَأْفُوتَانِ حَمْرَاوَانِ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلَهَا عَفْوُ اللَّهِ وَخَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رُكْنًا كُلُّ رُكْنٍ مُرْصَعٌ بِالذَّرِّ وَالْيَافُوتِ يُضِيءُ كَمَا الْكَوْكَبُ الذَّرِّيُّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ وَعَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَعَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَجَبْرَيْلُ أَخِذٌ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص فَلا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلا رَسُولٌ وَلا صِدِّيقٌ وَلا شَهِيدٌ إِلا غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتَسِيرُ حَتَّى تُحَادِي عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَنزُخُ بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَتَقُولُ إِلَهِي وَسَيِّدِي! أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي اللَّهُمَّ أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ قَتَلَ وَوَدَّي فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا حَبِيبِي وَإِنَّهُ حَبِيبِي! سَلِّبْنِي نُعْطِي وَإِسْفَعِي تُسَفِّعِي، فَوْعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا جَازِي ظَلَمَ ظَالِمٍ. فَتَقُولُ: إِلَهِي وَسَيِّدِي! ذُرِّيَّتِي وَشِيعَتِي وَشِيعَةَ ذُرِّيَّتِي وَ مُجِبِّي وَ مُجِبِّي ذُرِّيَّتِي. فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَشِيعَتُهَا وَ مُجِبُّوهَا وَ مُجِبُّو ذُرِّيَّتِهَا؟ فَيَقْبَلُونَ وَ قَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ حَتَّى تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ. از او: بشارة المصطفى: ص 18 ح 15، 14 وروضة الواعظين: ج 1 ص 148. و در الفضائل: ص 11 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 327 مانند آن با اختلافی اندک.

189- كنز الفوائد، الكراچكي: ج 1 ص 149- و ممّا حدّثنا به الشيخ الفقيه أبو الحسن بن شاذان رحمه الله قال: حدّثني أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا ابن الوليد محمد بن الحسن قال: حدّثنا الصّفّار محمد بن الحسين قال: حدّثنا محمد بن زياد، عن مفضّل بن عمر، عن يونس بن يعقوب رضي الله عنه قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السّلام يقول:.. والدّر النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص 458 و ص 641 و العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة: ص 225. بحار الأنوار: ج 29 ص 346 ح 21 و ج 23 ص 355 ب 17 ح 21 از كنز الفوائد.

190- سورة (2) آيه 38.

191- سورة (2) آيه 124.

ص: 303

192- در بصائر الدرجات: ص 430؛ باب 7، 11 حديث از امام محمد باقر و امام جعفر صادق و ائمه عليهم السلام، و در باب 8 تعداد 3 حديث و در باب 9 تعداد 7 حديث و در باب 10 تعداد 2 حديث و در باب 11 تعداد 4 حديث و در باب 12 تعداد 2 حديث و در الكافي شريف و ديگر كتب معتبر حديث شيعه اماميه احاديثي در اين باب مي باشد.

193- بصائر الدرجات: ص 223 ب 3 ح 13- حدثنا عباد بن سليمان، عن محمد بن سليمان الديلمي، عن ابيه سليمان، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّ نُظْفَةَ الْإِمَامِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَإِذَا وَقَعَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعَ وَهُوَ وَاضِعٌ يَدَهُ إِلَى الْأَرْضِ، رَافِعٌ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ مُنَادِيًا يُنَادِيهِ مِنْ جَوْ السَّمَاءِ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ مِنَ الْأَفْقِ الْأَعْلَى: يَا فَلَانَ بْنِ فَلَانَ! أُثْبِتُ فِدَاكَ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي وَعَيْبَةُ عِلْمِي وَلكَ وَ لِمَنْ تَوَلَّكَ أَوْجِبْتُ رَحْمَتِي وَ مَنْحْتُ جَنَانِي وَ أَحَلْتُ [أَحْلُكَ] جَوَارِي ثُمَّ وَعِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَصْحَابِي مَنْ عَادَاكَ أَشَدَّ عِدَائِي وَ إِن أَوْسَعْتُ عَلَيْهِمْ فِي دُنْيَايَ مِنْ سَعَةِ رِزْقِي. قَالَ: فَإِذَا انْقَضَى صَوْتُ الْمُنَادِي أَجَابَهُ هُوَ: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ فَإِنَّمَا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَإِذَا قَالَهَا أَعْطَاهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَ الْعِلْمَ الْآخَرَ وَ اسْتَحَقَّ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.

و دلائل الإمامة: ص 305 ح 2/259- حدثنا أبو المفضل محمد بن عبد الله قال: حدثني أبو النجم بدر ابن عمار الطبرستاني قال: حدثنا أبو جعفر محمد بن علي، رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام، قال: إِنَّ حَمِيدَةَ أَخْبَرْتَنِي بِشَيْءٍ ظَنَنْتُ أَنِّي لَا أَعْرِفُهُ، وَ كُنْتُ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهَا. قُلْنَا لَهُ: وَ مَا أَخْبَرْتَنِي بِهِ؟ قَالَ: ذَكَرْتُ أَنَّهُ لَمَّا سَقَطَ مِنَ الْأَحْشَاءِ سَقَطَ وَاضِعاً يَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ، رَافِعاً رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَأَخْبَرْتَهَا أَنَّ ذَلِكَ أَمَارَةٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْوَصِيِّ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ، أَنْ تَقَعَ يَدَايَ عَلَى الْأَرْضِ، وَ رَأْسُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَ يَقُولُ: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...، أَعْطَاهُ اللَّهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ، وَ الْعِلْمَ الْآخَرَ، وَ اسْتَحَقَّ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ هُوَ أَعْظَمُ خَلْقًا مِنْ جِبْرِئِيلَ.

194- كنز الفوائد: ص 71 و 72 و چاپ جديد: ج 1 ص 166- فروي عنها (آمنة بنت وهب

عليها السلام) من الآيات التي شاهدها ليلة حملها به وعند ولادتها ما يطول ذكره، فكان مما قالت: إِنَّهُ أَتَانِي الْمَخَاضُ وَأَنَا وَحْدِي فَلَمَّا وَصَدَّعْتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَيْتُهُ سَاجِدًا قَدْ رَفَعَ إِصْبَ بَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُبْتَهَلِ الْمُتَضَرِّعِ، ثُمَّ غَسَّتْنِي سَحَابَةٌ غَيْبَتْهُ عَنِّي، وَ سَمِعْتُ مِنْهَا كَلَامًا، ثُمَّ أُعِيدَ إِلَيَّ وَهُوَ مُدْرَجٌ فِي ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَرِيرَةٌ خَضْرَاءُ، وَ وُلِدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَاهِرًا مُطَهَّرًا.

195- كنز الفوائد: ج 1 ص 166- فروي عنها (آمنة بنت وهب عليها السلام) من الآيات التي شاهدها ليلة حملها به وعند ولادتها ما يطول ذكره. فكان مما قالت: إِنَّهُ أَتَانِي الْمَخَاضُ وَأَنَا وَحْدِي فَلَمَّا وَصَدَّعْتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَيْتُهُ سَاجِدًا قَدْ رَفَعَ إِصْبَ بَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُبْتَهَلِ الْمُتَضَرِّعِ، ثُمَّ غَسَّتْنِي سَحَابَةٌ غَيْبَتْهُ عَنِّي، وَ سَمِعْتُ مِنْهَا كَلَامًا، ثُمَّ أُعِيدَ إِلَيَّ وَهُوَ مُدْرَجٌ فِي ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَرِيرَةٌ خَضْرَاءُ، وَ وُلِدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَاهِرًا مُطَهَّرًا.

از او: إثبات الهداة: ج 1 ص 423 ح 630.

196- وروي عن آمنة بنت وهب أنها قالت:

197- الفضائل، ابن شاذان القمي: ص 58 وروضة الواعظين: ج 1 ص 80.

198- الأمالي، الشيخ الصدوق، ص 593 المجلس 87 ح 1 و دلائل الإمامة: ص 76 ح 17 وروضة الواعظين: ج 1 ص 143 و

199- بصائر الدرجات: ص 435 ب 8 ح 2- حدَّثنا معاوية بن حكيم، عن أبي داود المسترق، عن محمد بن مروان، عن الفضيل بن يسار قال: إِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا يَسْمَعُ الْكَلَامَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ سَطَعَ لَهُ نُورٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِذَا دَرَجَ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. و إثبات الوصية: ص 180- وروي عن الفضيل بن يسار قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا يَسْمَعُ الْكَلَامَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذَا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ. و عيون المعجزات: ص 77- و عن الفضل بن يسار، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا يَسْمَعُ الْكَلَامَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَإِذَا وَقَعَ إِلَى

ص: 305

200- عيون المعجزات: ص 59- وروي عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: دَخَلْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَ قَدْ حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ، وَ كَانَتْ وَحْدَهَا تَتَكَلَّمُ، فَقَالَتْ: إِنَّ الْجَنِينَ الَّذِي فِي بَطْنِي يُكَلِّمُنِي وَ أَكَلَّمُهُ، وَ لِي بِهِ أَنْسٌ فِي حَالِ وَحْدَتِي.

201- الأماي، الشيخ الصدوق: ص 593 المجلس 87 ح 1 - حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوهِ الْقَمِيِّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَلِيلِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْفَقِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّوفَلِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو بْنِ قَلْتٍ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ كَانَ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ؟ فَقَالَ: . وَ دَلَائِلُ الْإِمَامَةِ: ص 76 ح 17- حَدَّثَنَا أَبُو الْمَفْضَلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ مُوسَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ الْقَمِيِّ، ابْنُ أُخْتِ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ الْمَعْرُوفِ بَابِنِ أَبِي الشُّورَى قَالَ: حَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَشِيمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ الْأَنْبَارِيُّ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو بْنِ قَلْتٍ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ كَانَتْ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ خَدِيجَةَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهَا لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَجَرَتْهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ، فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا، وَ لَا يُسَلَّمْنَ عَلَيْهَا، وَ لَا يَتَرَكْنَ إِمْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا، فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ مِنْ ذَلِكَ. فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ، وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ تَغْتَمُّ وَ تَحْزَنُ إِذَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَكَانَتْ فَاطِمَةُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا، وَ تُصَبِّرُهَا، وَ كَانَ حُزْنُ خَدِيجَةَ وَ حَذَرُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ. وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَدَخَلَ يَوْمًا، فَدَخَلَ يَوْمًا، فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ، فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ! مَنْ يُحَدِّثُكَ؟ قَالَتْ: الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤَنِّسُنِي. فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جَبْرَيْلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى، وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ، وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا، وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِي الْأُمَّةِ، يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ

انْقِصَاءٍ وَحِيهِ. فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَصَدَتْ رَتْ وَلاَدَتُهَا، فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَبَنِي هَاشِمٍ لِيَلِينَ مِنْهَا مَا تَلِي
 النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ. فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا بِأَنَّكَ عَصَيْتِنَا، وَلَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا، وَتَزَوَّجْتِ مُحَمَّدًا، يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ، فَقِيرًا لَّا مَالَ لَهُ، فَلَسْنَا نَحْبُوكَ، وَلَا نَلِي
 مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا، فَأَعْتَمَّتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ. فَبَيْنَا هِيَ فِي ذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَوَالِ كَانَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ، فَفَزَعَتْ مِنْهُنَّ، فَقَالَتْ
 لَهَا إِحْدَاهُنَّ: لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ، وَنَحْنُ أَخَوَاتُكَ، أَنَا سَارَةُ، وَهَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَهِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ، وَهَذِهِ
 مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَهَذِهِ صَمُورَاءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ؛ بَعَثَنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْ أَمْرِكَ مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ. فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا، وَ
 الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا، وَالثَّلَاثَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا، وَالرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا، فَوَضَعَتْ خَدِيجَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى
 الْأَرْضِ أَسْرَقَ مِنْهَا الثُّورُ حَتَّى دَخَلَ بِيُوتَاتِ مَكَّةَ، وَلَمْ يَبْقَ فِي سَرَقِ الْأَرْضِ وَلَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَسْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ الثُّورُ. فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي
 كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا، وَدَخَلَتْ عَشْرًا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْرِيْقُ، وَفِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ، فَتَنَاوَلَتْهَا
 الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا، فَغَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْكَوْثَرِ، وَأَخْرَجَتْ خَرْقَتَيْنِ بَيْضَاوَتَيْنِ، أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ،
 فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ، وَفَتَعَتْهَا بِالْأُخْرَى. ثُمَّ إِسْتَنْطَقَتْهَا فَطَلَقَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنَّ
 بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، وَأَنَّ وُلْدِي سَيِّدُ الْأَسْدِ بَاطِلٍ. ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ، وَسَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا، وَصَحَّحْنَ إِلَيْهَا. وَتَبَاشَرَتِ الْحُورُ
 الْعِينُ، وَبَشَّرَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ، وَحَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ، لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَلِذَلِكَ
 سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا. وَقَالَتْ: خُدَيْجَةُ، يَا خَدِيجَةُ، طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ، زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ، بُورِكٌ فِيهَا وَفِي نَسَبِهَا. فَتَنَاوَلَتْهَا خَدِيجَةُ فَرِحَةً
 مُسْتَبْشِرَةً، فَأَلْقَمَتْهَا ثَدْيِهَا، فَشَرِبَتْ فَدَرَّ عَلَيْهَا، وَكَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنْمُو فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنْمُو الصَّبِيُّ فِي شَهْرٍ، وَفِي شَهْرٍ كَمَا يَنْمُو الصَّبِيُّ
 فِي السَّنَةِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا. وروضة الواعظين وبصيرة المتعظين: ج 1 ص 143- قال المفضل بن عمر: قلت لأبي عبد الله الصادق

عليه السلام: كيف كان ولادة فاطمة عليها السلام: قال: نعم! إن خديجة لما تزوج بها رسول الله صلى الله عليه وآله هجرها نسوة مكة وكن لا يدخلن إليها ولا يسلمن عليها ويمنعن امرأة أرادت أن تدخل إليها فاستوحشت خديجة لذلك وكان جرعها وعمها حذراً عليه فلما حملت فاطمة كانت فاطمة عليها السلام تحدثها من بطنها وتصبرها وكانت تكتم ذلك من رسول الله صلى الله عليه وآله فدخل رسول الله يوماً فسمع خديجة تحدث فاطمة فقال لها يا خديجة من تحدثين قالت الجنين الذي في بطني يحدثني ويؤنسني قال يا خديجة هذا جبرئيل عليه السلام يبشركم أنها إننتي وأنها النسلة الطاهرة الميمونة وأن الله تعالى سيجعل نسلي منها وسيجعل من نسليها أئمةً ويجعلهم خلفاء في أرضه بعد انقضاء وحيه فلم تزل خديجة على ذلك إلى أن حصرت ولادتها فوجهت إلى نساء قريش وبنو هاشم أن تعالين لتلين مني ما تلي النساء من النساء فأرسلن إليها عصيينا ولم تقبلي قولنا وتزوجت محمداً يتيم أبي طالب فقيراً لا مال له فأسنا نجيء ولا نلي من أمرِك شيئاً فاعتمت خديجة لذلك فبينما هي كذلك إذ دخل عليها أربع نسوة سمر طوال كأنهن من نساء بني هاشم ففرغت منهن لما رأتهن فقالت إحداهن لا تحزني يا خديجة فإننا رسل ربك ونحن أخواتك أنا سارة وهذه آسية بنت مزاحم وهي رفيقتك في الجنة وهذه مريم بنت عمران وهذه كلنم أخت موسى بن عمران بعثنا الله إليك لتلي منكم ما تلي النساء من النساء فجلست واحدة عن يمينها وأخرى عن يسارها والثالثة بين يديها والرابعة من خلفها فوضعت فاطمة عليها السلام طاهرة مطهرة فلما سقطت إلى الأرض أشرق منها النور حتى علا بيوتات مكة ولم يبق في شرق الأرض ولا في غربها موضع إلا أشرق فيه ذلك النور ودخلن عسرة من الحور العين كل واحدة منهن معها طشت من الجنة وإبريق من الجنة وفي الإبريق ماء من الكوثر فتناولتها المرأة التي كانت بين يديها فغسلتها بماء الكوثر فأخرجت خرفتين بيضاوين أشد بياضاً من اللبن وأطيب ريحاً من المسك والعنبر فلفتها بواحدة وقعتها بالثانية ثم استنطقتها فنطقت فاطمة عليها السلام بالشهادتين قالت أشهد أن لا إله إلا الله وأن أباي رسول الله سيد الأنبياء وأن بعلي سيد الأوصياء وولدي

سَادَةُ الْأَسْمَاءِ بَاطِلَةٌ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ بَشَّرَ أَهْلَ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ حَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتِ النَّسْوَةُ خُدَيْجَةَ يَا خُدَيْجَةُ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ رَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكَ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَّاوَلَتْهَا فَرِحَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ الْقَمْتَةُ ذَمِيهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا فَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنُمُو فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَ تَنُمُو فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ. وَ الخرائج و الجرائح: ج 2 ص 524 ح 1- عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام، قلت له: كيف كانت ولادة فاطمة عليها السلام؟ قال: إِنَّ خُدَيْجَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَجَرَهَا نِسْوَةُ قُرَيْشٍ فَكَانَ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا (منزلها-خ ل) وَ لَا يُسَلَّمْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتَرَكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خُدَيْجَةُ لِذَلِكَ وَ كَانَ جَزَعُهَا وَ غَمُّهَا حَدْرًا عَلَيْهِ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَتْ فَاطِمَةُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فَدَخَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيْهَا يَوْمَ مَا فَسَّ مَعَ خُدَيْجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خُدَيْجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ؟ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤَنِّسُنِي قَالَ يَا خُدَيْجَةُ هَذَا جَبْرَيْلُ يُبَشِّرُنِي بِأَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسْلُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خُدَيْجَةُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وَ لَادَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِيَتَلَيْنَ مَنِّي مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَارْسَدْنَ لَهَا عَصَ بَيْتِنَا وَ لَمْ يَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقَبِيْرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَاعْتَمَّتْ خُدَيْجَةُ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَوَالِ كَانْتَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خُدَيْجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيْقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كَلْبُومُ بِنْتُ عِمْرَانَ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْكَ مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّلَاثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةَ

طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النَّوْرُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ مِنْ ذَلِكَ النَّوْرُ وَ دَخَلَ عَشْرًا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ يَبْدُ كُلِّ وَاحِدَةٍ طُسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَعَسَّ لَمْتَهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خُرْقَتَيْنِ بَيضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَبْرُ فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَنَعَتْهَا بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَانْطَقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالشَّهَادَتَيْنِ فَقَالَتْ أَشَدُّ هُدًى أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَيْ مُحَمَّدٍ رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنْ بَعْلي عَلِيٌّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وُلْدِي سَادَةُ الْأَسْوَاطِ ثُمَّ سَلَمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ (بِوِلَادَتِهَا) وَ بَشَّرَ أَهْلَ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ حَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتِ النَّسْوَةُ خُدَيْجَةَ يَا خُدَيْجَةُ طَاهِرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكٌ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ أَلْقَمَتْهَا ثَدْيِهَا وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنُمُو فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنُمُو الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَ تَنُمُو فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنُمُو فِي السَّنَةِ. وَ الدَّرُّ التَّظْمِيمُ فِي مَنَاقِبِ الْأَنْمَةِ الْهَامِيمِ: ص 453-455- وَ حَدَّثَ يَعْقُوبُ بْنُ زَيْدِ الْأَنْبَارِيِّ، عَنْ هَمَّامِ (حَمَّادِ) بْنِ عَيْسَى، عَنْ زُرْعَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: كَيْفَ كَانَتْ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنَّ خُدَيْجَةَ رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهَا لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَجَرَهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا

فَامَسَتْ تَوْحَشَتْ خُدَيْجَةَ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَارَتْ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ خُدَيْجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَدَخَلَ يَوْمًا وَ سَمِعَ خُدَيْجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خُدَيْجَةُ مَنْ تُحَدِّثُكِ؟ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي فَقَالَ لَهَا يَا خُدَيْجَةُ! هَذَا جَبْرَيْلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَيْمَةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خُدَيْجَةُ رَضِي اللَّهُ عَلَى

ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وَلَا دَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَنِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ بِحَيْثُ يَلِينَ مِنْهَا مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا عَصِيْبَتَنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتَ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيْرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءٌ وَلَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَأَعْتَمَّتْ خَدِيْجَةُ لِدَلِكِ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَوَالٍ كَانَتْهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزَعَتْ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيْجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيْقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ صَفْرَاءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ بَعَثْنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْ أَمْرِكَ مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّلَاثَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ خَدِيْجَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّوْرُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّوْرُ وَ دَخَلَ عَشْرَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ [فِي يَدٍ] كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ طَشَّتْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقٌ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْكَوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بِيضَاوَتَيْنِ أَشَدَّ بِيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَنَعَتْهَا بِالْأُخْرَى ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَتَطَقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَنَّ وُلْدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَ ضَحِكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرْنَ الْحُورُ الْعِينُ وَ بَشَّرَ أَهْلَ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَ حَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَلِدَلِكِ سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ قَالَتْ خَدِيْجَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً بُورِكَ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا خَدِيْجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً فَالْقَمَتْهَا ثَدْيِهَا فَشَدَّ رَبَتْ فَدَرَّ عَلَيْهَا وَ كَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنْمِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي شَهْرِ وَ فِي شَهْرِ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي سَنَةٍ. العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة؛ ص 222-15 از كتاب الدرّ التّظيم، و در كتاب العدد القويّة اين قسمت نامى باشد: (و دَخَلَ عَشْرَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ [فِي يَدٍ] كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ طَشَّتْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ

إِبْرِيْقُ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثِرِ). بحار الأنوار: ج 16 ص 80 ذيل حديث 20 از العدد القويّة. و الثّاقب في المناقب، فقيه الشّيعة محمّد بن عليّ ابن حمزة الطّوسيّ قدّس سرّه زنده در 556، ص 287 الفصل 1 ح 244: وفي رواية أخرى: أنّ المرأة التي بين يدي خديجة غسّلتها بماء الكوثر، وأخرجت خرقتين بيضاوين أشدّ بياضاً من اللبن، وأطيب رائحةً من المسك و العنبر، فلقتها بواحدة، و قنعتها بالثّانية، ثمّ استنطقتها فنطقت عليها السّلام بالشّهادة، فقالت: أشهد أن لا إله إلاّ الله، و أشهد أنّ أبي محمّد رسول الله، و أنّ عليّاً سيّد الأوصياء، و ولدي سادة الأسباط. ثمّ سلّمت عليهنّ و سمّت كلّ واحدة منهنّ باسمها، و أقبلن فضحكن إليها. و تباشرت الحور العين، و بشّر أهل السّماوات بعضهم بعضاً بولادة فاطمة عليها السّلام، و حدث في السّماء نور زاهر لم تره الملائكة قبل ذلك، و قالت النّسوة: خديجا يا خديجة طاهرة، مطهّرة، زكية ميمونة، بورك لك فيها، و في نسلها. فتناولتها فرحةً مستبشرةً و ألقيتها ثديها فدرّ عليها، و كانت عليها السّلام تنمو في اليوم كما ينمو الصّبيّ في الشّهْر، و تنمو في الشّهْر كما ينمو الصّبيّ في السّنة. و ذيل حديث 245 فرموده: و في رواية أخرى: أنّ المرأة التي بين يدي خديجة غسّلتها بماء الكوثر، و أخرجت خرقتين بيضاوين أشدّ بياضاً من اللبن، و أطيب رائحةً من المسك و العنبر، فلقتها بواحدة، و قنعتها بالثّانية، ثمّ استنطقتها فنطقت عليها السّلام بالشّهادة، فقالت: أشهد أن لا إله إلاّ الله، و أشهد أنّ أبي محمّد رسول الله، و أنّ عليّاً سيّد الأوصياء، و ولدي سادة الأسباط. ثمّ سلّمت عليهنّ و سمّت كلّ واحدة منهنّ باسمها، و أقبلن فضحكن إليها. و تباشرت الحور العين، و بشّر أهل السّماوات بعضهم بعضاً بولادة فاطمة عليها السّلام، و حدث في السّماء نور زاهر لم تره الملائكة قبل ذلك، و قالت النّسوة: خديجا يا خديجة طاهرة، مطهّرة، زكية ميمونة، بورك لك فيها، و في نسلها. فتناولتها فرحةً مستبشرةً و ألقيتها ثديها فدرّ عليها، و كانت عليها السّلام تنمو في اليوم كما ينمو الصّبيّ في الشّهْر، و تنمو في الشّهْر كما ينمو الصّبيّ في السّنة. و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج 3 ص 340- المفضّل بن عمر، عن الصّادق عليه السّلام في خبر: أنّ خديجةً لَمَّا تزوّجَ بِهَا رَسُوْلُ اللهِ هَجَرَهَا نِسَاءَ مَكَّةَ فَاسْتَوْحَشَتْ لِذَلِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ

كَانَتْ فَاطِمَةُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا فَسَمِعَ ذَلِكَ يَوْمًا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جَبْرِيْلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا ابْنَتِي وَأَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَأَنَّ
اللَّهَ سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا قَالَ فَلَمَّا حَضَرَتْ وَلَدَتْهَا اعْتَمَّتْ فَدَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمِّرُ طَوَالَ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ! فَإِنَّا رُسُلُ
رَبِّكَ وَنَحْنُ أَخَوَاتُكَ وَأَنَا سَارَةُ وَهَذِهِ آسِيَّةُ وَهَذِهِ مَرْيَمُ وَهَذِهِ كُلثُومُ أُخْتُ مُوسَى فَجَلَسْنَ عِنْدَهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةَ طَاهِرَةً فَأَشْرَقَ مِنْهَا التُّورُ
حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَدَخَلَ عَشْرًا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ مَعَهُنَّ الْأَبَارِيقُ وَالطَّاسُ وَفِي الْأَبَارِيقِ مَاءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ فَعَسَّ لَمْتَهَا بِهِ وَلَفَفْتَهَا فِي خِرْقَتَيْنِ
بَيْضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمَسْكِ فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ وَقَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ
بِعَلِيٍّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِي سَادَةُ الْأُمَمِ بَاطِلٌ ثُمَّ سَلَمَتْ عَلَيْهِنَّ وَسَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِاسْمِهَا وَتَبَاشَرَتْ الْحُورُ الْعِينُ فَقُلْنَ خُدَيْجَةُ يَا خَدِيجَةُ
طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكٌ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا فَكَانَتْ تَنْمُو فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنْمَى الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ. وبحار الأنوار: ج 43 ص 2 ح 1 - از
الأمالي واز مصباح الأنوار: عن أبي المفضل الشيباني، عن موسى بن محمد الأشعري ابن بنت سعد بن عبد الله، عن الحسن بن محمد بن
إسماعيل المعروف بابن أبي الشوارب، عن عبيد الله بن علي بن أشيم، عن يعقوب بن يزيد، عن حماد - وعلامة مجلسي گوید: مثله. ودر
كتاب مقصد الراغب الطالب في فضائل الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، تحقيق مكتبة العلامة المجلسي، من سلسلة مصادر بحار
الأنوار: ج 33 ب 19 ص 283-285 ح 1/236 قال أبو الحسن الفارسي فيما رواه في كتابه عن زرعة، عن المفضل بن عمر قال: قلت لأبي
عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: كيف كانت ولادة فاطمة عليها السلام؟ قال: . و الصراط المستقيم: ج 1 ص 170- و إن
خديجة هجرتها نساء قريش عند ولادتها لأجل تزويجها بها، فتولَّى أمرها حواء و آسية و كلثوم أخت موسى و مريم، فلما وضعت فاطمة
وقعت ساجدة نحو القبلة

رافعةً إصبعها ناطقةً بالشهادتين.

202- الثَّاقِبُ فِي الْمَنَاقِبِ، فقيه الشيعة محمد بن علي ابن حمزة الطوسي قدس سره زنده در 556:

ص: 313

ص 287 الفصل 1 ح 1/244- عن مجاهد، عن ابن عباس، قال: لَمَّا تزوجت خديجة بنت خويلد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هجرها نسوان مَكَّةَ، وكنَّ لا يكلمنَّها، ولا يدخلن عليها، فلَمَّا حملت بالزَّهراء فاطمة عليها السَّلَام كانت إذا خرج رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ من منزلها تكلمها فاطمة الزَّهراء في بطنها من ظلمة الأحشاء، و تحدَّثها وتؤانسها، فدخل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فقال لها: يا خديجة من تكلمين؟ قالت: يا رسول الله، إن الجنين الذي أنا حامل به إذا أنا خلوت به في منزلي كلمني، و حدَّثني من ظلمة الأحشاء. فتبسَّم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثم قال: يا خديجة، هذا أخي جبرئيل عليه السَّلَام يخبرني أنَّها ابنتي، و أنَّها النَّسمة الطَّاهرة المطهَّرة، و أنَّ الله تعالى أمرني أن أسميها فاطمة، و سيجعل الله تعالى من ذريتها أئمة يهتدي بهم المؤمنون. ففرحت خديجة بذلك، فلَمَّا أن حضر وقت ولادتها أرسلت إلى نسوان مَكَّة: أن يتفصَّدن و يحضرن ولادتي ليلين مَنِّي ما تلي النَّساء من النَّساء، فأرسلن إليها: يا خديجة! أنت عصيتنا، و لم تقبلي مَنَّا قولنا، و تزوجت فقيراً لا مال له، فلسنا نجيء إليك، ولا نلي منك ما تلي النَّساء من النَّساء. فاغتمت خديجة رضي الله عنها غمّاً شديداً، فينما هي كذلك إذ دخل عليها أربع نسوة كأنهنَّ من نسوة قريش، فقالت إحداهنَّ: يا خديجة! لا تحزني فإنا آسية بنت مزاحم، و هذه صفية بنت شعيب. و في رواية أخرى: كلثم بنت عمران أخت موسى عليه السَّلَام، و هذه سارة زوجة إبراهيم عليه السَّلَام، و هذه مريم بنت عمران عليه السَّلَام، وقد بعثنا الله تعالى إليك لنلي منك ما تلي النَّساء من النَّساء. و جلسن حولها، و وضعت الزَّهراء فاطمة عليها السَّلَام طاهرة و مطهَّرة.

و ح 245- قال ابن عباس: لَمَّا سقطت فاطمة الزَّهراء إلى الأرض أزهرت الأرض، و أشرقت الفلوات، و أنارت الجبال والرَّبوات، و هبطت الملائكة إلى الأرض، و نشرت أجنحتها في المشرق و المغرب، و ضربت عليها سرادقات و حجب البهاء، و كتفتها بأظلة السَّماء، و غشي أهل مَكَّة ما غشيهم من التَّور، و دخل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إلى خديجة و قال: يا خديجة! لا تحزني، إن كان قد هجرك نسوان مَكَّة و لن يدخلن عليك، فليزلنَّ عندك اليوم نسوان بهجات

عطرات غنجات، یقدهح فی آعلاهن نور یستقبل استقبالاً و یلتهب التهاباً، و تفوح منهن رائحة تسرّ أهل مکة جميعاً. فسلمت الجوّاری فأحسنّ و حیین فأبلغن - فی حدیث طویل - حتی ولیت کلّ واحدة من حملها و غسلها - فی الطشت الّذی کان معهنّ - و نشفها بالمنديل و تخلیقها و تقمیطها، فلما فرغن عرجن إلى السماء مشیات علیها.

203- سیره المّلا (وسیلة المتعبّدين إلى متابعه سیّد المرسلین)، عمر بن محمّد بن خضر الإربلی الموصلی، متوفای 570 چاپ حیدر آباد دکن هند، مطبعة دائرة المعارف العثمانیة: ج 5 ق 2 ص 211 بنابر آنچه که علامه امینی قدس سرّه در الغدیر: ج 3 ص 34 آورده است.

از او: ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محبّ الدین الطّبری: ص 44 چاپ مکتبه القدسی مصر - قال: روی المّلا فی سیرته أن النّبیّ صلی الله علیه (وآله) و سلّم قال: أتانی جبریلُ بتمّاحةٍ منّ الجّنة، فأکلتها و واقعتُ خدیجةً فحملتُ بفاطمة، فقالت: إني حملتُ حملاً خفیفاً، فإذا خرّجت حدّثني الّذی فی بطني. فلما أرادت أن تضع بعثت إلى نساء قُریش لیأتیها فیلین منها ما یلی النساء ممّن تید، فلم یفعلن، و قلن: لا نأتیك، و قد صرّت زوجةً محمّدٍ صلی الله علیه (وآله) و سلّم، فبینما هی كذلك إذ دخل علیها أربع نسوة علیهنّ من الجّمال و النور ما لا یوصف، فقالت لها إحداهنّ: أنا أمك حواء، و قالت الأخری: أنا سیدة بنت مزاحم، و قالت الأخری: أنا كلثم إخت موسى، و قالت الأخری: أنا مریم بنت عمران أم عیسی، جنّنا لیلین من أمرک ما یلی النساء، قالت: فولدت فاطمة، فوقعت حین وقعت علی الأرض ساجدةً رافعةً إصبغها. از ذخائر العقبی: إشراق الإصباح فی مناقب الخمسة الأشباح، إبراهیم بن محمّد بن نزار الصنعانی از اعلام قرن 8، نسخه به قلم او در سال 753 در 165 ورق، در یکی از کتاب خانه های شخصی در شهر صنعاء یمن، و نسخه عکس برداری شده از آن در موزه کتاب های خطی عربی موجود است، به کتاب: مصادر الفكر العربیّ الإسلامیّ فی الیمن صفحه 414 مراجعه شود. در صفحه 130 مانند ذخائر العقبی را آورده است. و فضائل الثّقلین، أحمد بن جلال الدین الشافعیّ الإیجیّ متوفای 820: ص 441 ح 1215 از طبری در ذخائر العقبی. و ینابیع المودّة لذوی القربی: ج 2

ص 134: وعن خديجة رضي الله عنها: ... و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 13، و از وسيلة المآل في عد مناقب الآل، صفي الدين الحضرمي: ص 77 چاپ المكتبة الظاهرية دمشق، از طريق ملا مانند ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 25 ص 11 از كتاب توضيح الدلائل: ص 326 نسخه كتاب خانه ملى فارس: از ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 12 از كتاب ينابيع المودة: ص 198 چاپ استانبول.

و از كتب عامه:

سيّدات نساء أهل الجنة، الشّتاوي: ص 99 چاپ مكتبة التراث الإسلامي - القاهرة.

204- نزهة المجالس: ج 2 ص 227 چاپ قاهره، شيخ عبد الرّحمان بن عبد السّلام الصّفوري الشّافعي البغدادي متوفى بعد از سال 884 - قال: قالت أمها خديجة رضي الله عنها: لَمَّا حَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ حَمَلًا خَفِيفًا تُكَلِّمُنِي مِنْ بَاطِنِي، فَلَمَّا قَرَبْتُ وَلَا دَتِي أَرْسَلْتُ إِلَى الْقَوَائِلِ مِنْ قُرَيْشٍ فَأَيَّنَ عَلَيَّ لِأَجْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وَآلِهِ) وَسَلَّمَ، فَبَيَّنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلِيَهُنَّ مِنَ الْجَمَالِ وَالنُّورِ مَا لَا يُوصَفُ، فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: أَنَا أُمُّكِ حَوَاءُ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا سَيْبَةُ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا أُمُّ كُلثومُ أُخْتُ مُوسَى وَقَالَتِ الْآخَرَى: أَنَا مَرْيَمُ جِئْنَا لِنَلِي أَمْرِكَ. از او: ملحقات إحقاق الحق و إزهاق الباطل: ج 10 ص 13. و كتاب نزهة المجالس: ج 2 ص 227 چاپ قاهره، شيخ عبد الرّحمان الصّفوري الشّافعي: قال: قالت أمها خديجة رضي الله عنها: لَمَّا حَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ حَمَلًا خَفِيفًا تُكَلِّمُنِي مِنْ بَاطِنِي. از او: ملحقات إحقاق الحق و إزهاق الباطل: ج 10 ص 12. 205- ملحقات إحقاق الحق و إزهاق الباطل: ج 10 ص 12 از كتاب تجهيز الجيش: ص 99 مخطوط، حسن بن المولوى أمان الله الدهلوي العظيم آبادي: قال: ذكر الشيخ عزّ الدين عبد السّلام الشّافعي في رسالته مدح الخلفاء الرّاشدين: أنّه لَمَّا حَمَلَتْ خَدِيجَةُ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ تُكَلِّمُهَا مَا فِي بَطْنِهَا وَكَانَتْ تُكْتَمُهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وَآلِهِ) وَسَلَّمَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا يَوْمًا وَوَجَدَهَا تُكَلِّمُ وَ لَيْسَ مَعَهَا غَيْرُهَا، فَسَأَلَهَا عَمَّنْ كَانَتْ تُخَاطِبُهُ؟ فَقَالَتْ: مَعَ مَا فِي بَطْنِي فَإِنَّهُ

ص: 316

يَتَكَلَّمُ مَعِي. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ: أَبْشِرِي يَا خَدِيجَةُ! هَذِهِ بِنْتُ، جَعَلَهَا اللَّهُ أُمَّ أَحَدِ عَشَرَ مِنْ خُلَفَائِي، يَخْرُجُونَ بَعْدِي وَبَعْدَ آبَائِهِمْ.

206- ملحقات إحقاق الحق: ج4 ص 475 از كتاب الرفائق معروف به الإخواتيات، شيخ عبد الله الحنفي متوفى بعد از سال 800، ص250 خطي، گوید: وروي عن بعض الرواة الكرام أن خديجة الكبرى عليها السلام تمت يوماً من الأيام على سيد الأنام أن تنظر إلى بعض فاكهة دار السلام فجاء جبرئيل إلى المفضل على الكونين بتفاحتين وقال: يا مُحَمَّدُ! يَقُولُ لَكَ مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا: كُلِّ وَاحِدَةً، وَ أَطْعِمِ الْآخَرَ لِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَ اغْشِيهَا، فَإِنِّي خَالِقٌ مِنْكُمَا فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ. ففعل المختار ما أشار به الأمين وأمره، فلما سأله الكفار أن يريهم انشقاق القمر، وقد بان لخديجة حملها بفاطمة و ظهر، قالت خديجة: وا خَيْبَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّدًا، وَ هُوَ خَيْرُ رَسُولٍ وَ نَبِيٍّ! فَنادت فَاطِمَةُ مِنْ بَطْنِهَا: يَا أُمَّة! لَا تَحْزَنِي، وَ لَا تَرْهَبِي، فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي. فلما تمت أيام حملها و انقضت، وضعت فاطمة فأشرق بنور وجهها الفضاء. و ملحقات إحقاق الحق: ج10 ص13 از كتاب الروض الفائق، شيخ شعيب أو مدين بن سعد المصري العمراوي الحريش: ص 214 چاپ خانه المصطفى البابي الحلبي در قاهره گوید: فلما سأله الكفار أن يريهم انشقاق القمر وقد بان لخديجة حملها بفاطمة و ظهر قالت خديجة: وا خَيْبَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّدًا، وَ هُوَ خَيْرُ رَسُولٍ وَ نَبِيٍّ! فَنادت فَاطِمَةُ مِنْ بَطْنِهَا: يَا أُمَّة! لَا تَحْزَنِي، وَ لَا تَرْهَبِي، فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي. فلما تم أمد حملها و انقضت، وضعت فاطمة، فأشرق بنور وجهها الفضاء.

207- الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار صلى الله عليه و آله: ص 83 الجزء 4 - حدثنا أشياخنا و أسلافنا الرواة لهذا الحديث -

208- الفائق في غريب الحديث: ج1 ص192 قالت حليلة رضي الله عنها التي أرضعته صلى الله عليه و آله و سلم: كَانَ يَشِبُّ الْيَوْمَ شَبَابَ الصَّبِيِّ فِي الشَّهْرِ، فَبَلَغَ سِتًّا وَ هُوَ جَفْرٌ.

و النهاية في غريب الحديث و الأثر: ج1 ص277 في حديث حليلة ظئر النبي صلى الله عليه و آله و سلم قالت: و لسان العرب: ج4 ص 142 و تاج العروس من جواهر القاموس: ج6

ص: 317

ص 203 و بحار الأنوار: ج 15 ص 369 ب4.

209- الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار صلى الله عليه وآله: ص 206.

210- بحار الأنوار: ج 15 ص 371 - 383 ب ح20: أقول: قال أبو الحسن البكري في كتاب الأنوار: ... و الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار صلى الله عليه وآله: ص 219 الجزء 7: «... وَ كَانَ يَشِبُّ وَ يَنْمُو وَ قَدْ تَعَجَّبَ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ حُسْنِهِ وَ جَمَالِهِ وَ قَدَّهُ وَ اعْتَدَالِهِ، ...».

211- إثبات الوصية: ص 260- حدثني نسيم و مارية قالتا: لَمَّا خَرَجَ صَاحِبُ الزَّمانِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جَائِئاً عَلَى رُكْبَتَيْهِ، رَافِعاً سَدَّ بَابَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ، ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مِنْ عَبْدٍ دَاخِرٍ لِلَّهِ، غَيْرِ مُسْتَتَكِفٍ وَ لَا مُسْتَتَكْبِرٍ ثُمَّ قَالَ: رَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ، وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ السَّلْتُ. و كمال الدين و تمام النعمة: ج 2 ص 430 ب 42 ح 5 و الهداية الكبرى: ص 357 و الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 245 الفصل 2 و كشف الغمّة في معرفة الأنمة: ج 2 ص 498 ب 25 و الثاقب في المناقب، ص 584 الفصل 1 ح 532 و ألقاب الرسول و عترته: ص 287 و الخرائج و الجرائح: ج 1 ص 457 ب 13 ح 2.

212- سورة (17) الإسراء آية 82.

213- در این جا تنها به ذکر آدرس اهمّ منابع کفایت می شود و از ذکر سند آن ها و متن کامل روایات به جهت این که حجم زیادی از کتاب را می گیرد اجتناب شده است: العدد القویّة: ص 72 و کمال الدین و تمام النعمة: ج 2 ص 424 و 425 ب 42 ح 1 و روضة الواعظین: ج 2 ص 256 و إعلام الوری: ج 2 ص 215 الفصل 2 و منتخب الأنوار المضيئة: ص 59 و بحار الأنوار ج 51 ص 2 ب 1 ح 3 و إثبات الوصية: ص 257-260 و عیون المعجزات: 138 - 141 و الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 239 و کمال الدین و تمام النعمة: ج 2 ص 426-428 ب ح 2 و روضة الواعظین: ج 2 ص 257 - 259 و الثاقب في المناقب، ص 201 ح

7/178 و الصراط المستقیم: ج 2 ص 234 الفصل 3 و بحار الأنوار: ج 51 ص 11 - 13 ب 1 ح 14 و الخرائج و الجرائح: ج 1 ص 455

ص: 318

ب13 ح1 و كشف الغمة: ج2 ص 498 و الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 230 و 237 و 238 و دلائل الإمامة: ص 497 ح 489 ح 93 و دلائل الإمامة: ص 499 ح 490 ح 94 و ألقاب الرسول و عترته ضمن (مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمة عليهم السلام): ص 212-213 ب13 و الهداية الكبرى: ص 355 مدينة معجز الأئمة الإثني عشر: ج 8 ص 20 إلى 26 ح 7/2663 و ...

و در كتب عامه:

ملحقات إحقاق الحق: ج13 ص 95 و 96 - از شواهد النبوة: ص 21 چاپ بغداد و از وسيلة التجارة (ص 417 چاپ گلشن فیض لکهنو) و از ينابيع المودة ص 387 چاپ استانبول از فصل الخطاب.

214- سيرة الملاء (وسيلة المتعبدين إلى متابعة سيد المرسلين)، عمر بن محمد بن خضر الإربلي الموصلي، متوفى 570 چاپ حيدر آباد دکن هند، مطبعة دائرة المعارف العثمانية: ج 5 ق 2 ص 211 بنابر آنچه که علامه امینی قدس سره در الغدير: ج 3 ص 34 آورده است.

از او: ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى، محب الدين الطبري: ص 44 چاپ مكتبة القدسي مصر - قال: روى الملاء في سيرته أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: أتاني جبريل بتفاحة من الجنة، فأكلتها و وافعت حديجة فحملت بفاطمة، فقالت: إني حملت حملاً خفيفاً، فإذا خرجت حدّثني الذي في بطني. فلما أرادت أن تضع بعثت إلى نساء قريش ليأتينها فيلين منها ما يلي النساء ممن تلد، فلم يفعلن، وقلن: لا تأتيك، وقد صيرت زوجة محمد صلى الله عليه وآله وسلم، فيينما هي كذلك إذ دخل عليها أربع نسوة عليهن من الجمال و الثور ما لا يوصف، فقالت لها إحداهن: أنا أمك حواء، و قالت الأخرى: أنا أسية بنت مزاحم، و قالت الأخرى: أنا كلثم إخت موسى، و قالت الأخرى: أنا مريم بنت عمران أم عيسى، جئنا لنلي من أمرك ما يلي النساء، قالت: فولدت فاطمة، فوفعت حين وفعت على الأرض ساجدة رافعة إصبعها. از ذخائر العقبي: إشراق الإصباح في مناقب الخمسة الأشباح، إبراهيم بن محمد بن نزار الصنعاني از اعلام قرن 8، نسخه به قلم او در سال 753 در 165 ورق، در یکی از کتاب خانه های شخصی در شهر

ص: 319

صنعاء یمن، و نسخه عکس برداری شده از آن در موزه کتاب های خطی عربی موجود است، به کتاب: مصادر الفكر العربي الإسلامي في اليمن صفحه 414 مراجعه شود. در صفحه 130 مانند ذخائر العقبي را آورده است. و فضائل الثقلين، أحمد بن جلال الدين الشافعي الإيجي متوفای 820: ص 441 ح 1215 از طبری در ذخائر العقبي. و ينابيع المودة لذوي القربى: ج 2 ص 134: وعن خديجة رضي الله عنها: ... و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 13، و از وسيلة المآل في عد مناقب الآل، صفي الدين الحضرمي: ص 77 چاپ المكتبة الظاهرية دمشق، از طريق ملا مانند ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 25 ص 11 از كتاب توضيح الدلائل: ص 326 نسخه كتاب خانه ملي فارس: از ذخائر العقبي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 10 ص 12 از كتاب ينابيع المودة: ص 198 چاپ استانبول. و سيدات نساء أهل الجنة، السنّاوي: ص 99 چاپ مكتبة التراث الإسلامي - القاهرة.

215- متن کامل حديث و منابع آن پيش تر از الأمالی صدوق و غير آن گذشت، مراجعه شود.

216- مائة منقبة: ص 135- به سند متصل خود، از ابن عباس گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله به عبد الرحمان بن عوف (لعنة الله عليه): «يا عبد الرحمان! أنتم أصح حايي و علي بن أبي طالب مني و أنا من علي، فمن قاسه بغيره فقد جفاني، و من جفاني [فقد] آذاني، و من آذاني فعليه لعنة ربي. يا عبد الرحمان! إن الله تعالى أنزل علي كتاباً مبيناً، و أمرني أن أبين للناس ما نزل إليهم، ما خلا علي بن أبي طالب عليه السلام، فإنه يسه تغني عن البيان، إن الله تعالى جعل فصاحتها كفصاحتني، و درأيته كدرأيتي، و لو كان ألحلم رجلاً لكان علياً عليه السلام، و لو كان الفضل شخصاً لكان الحسن عليه السلام، و لو كان الحياء صورة لكان الحسين عليه السلام، و لو كان الحسن هينة لكانت فاطمة، بل هي أعظم، إن فاطمة عليها السلام إنبي خير أهل الأرض عنصراً و شرفاً و كراماً». از او: مقتل الحسين عليه السلام خوارزمي: ج 1 ص 60، و فرائد السمطين: ج 2 ص 68 ح 392 از خوارزمي. و ملحقات إحقاق الحق: ج 15 ص 133 ح 3 از كتاب مودة القربى: ص 118 چاپ لاهور سيد علي همداني حسيني

ص: 320

به سند خود از ابن عباس مانند آن با اختلافی اندک.

217- الكافي: ج 1 ص 198 ح 1 و تحف العقول، ص 436 و الغيبة، النعماني: ص 216 ب 13 ح 6 و الأمالي، ابن بابويه: ص 674 مجلس 97 ح 1 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 216 ب 20 ح 1 و كمال الدين: ج 2 ص 675 ب 58 ح 32 و معاني الأخبار: ص 96 ح 2 و الإحتجاج: ج 2 ص 433.

218- سورة (2) آيه 144: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...».

و سورة (4) النساء آيه 42: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا».

و سورة (13) الرعد آيه 44: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ».

و سورة (19) النحل آيه 85: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ».

و سورة (16) النحل آيه 90: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ...».

و سورة (22) الحج آيه 79: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...».

و سورة (28) القصص آيه 76: «وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ».

219- الكافي: ج 1 ص 441 ح 5 - الحسين بن محمد الأشعري، عن معلى بن محمد، عن أبي الفضل عبد الله بن إدريس، عن محمد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر الثاني عليه السلام فأجريت اختلاف الشيعة فقال: يا محمد! إن الله تبارك وتعالى لم يزل متفرداً بوحدانيته،

ثُمَّ

خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ، فَأَشَدَّ هَدَاهُمْ خَلْقَهَا، وَأَجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا، وَفَوَّضَ أُمُورَهَا إِلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحَلُّونَ مَا يَشَاءُونَ، وَيُحَرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ، وَلَنْ يَشَاءُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! هَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُحِقَّ، وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ، خُذْهَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ. و مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام: ص 63-

وعن محمد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر الثاني عليه السلام فذكرت اختلاف الشيعة فقال: إن الله لم يرل فرداً في وحدانيته، ثم خلق مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ أَلْفِ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ وَأَشْهَدَهُمَا خَلْقَهَا، وَأَجْرَى عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُمْ، وَجَعَلَ فِيهِمْ مِنْهُ مَا شَاءَ، وَفَوَّضَ أَمْرَ الْأَشْيَاءِ إِلَيْهِمْ، مَدًّا مِنْهُ عَلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحَلُّونَ مَا شَاءُوا، وَيُحَرِّمُونَ مَا شَاءُوا، وَلَا يَفْعَلُونَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، فَهَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا غَرِقَ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا مُحِقَّ، خُذْهَا يَا مُحَمَّدُ! فَإِنَّهَا مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونِهِ. و بحار الأنوار: ج 25 ص 339 ح 21 - من كتاب رياض الجنان، لفضل الله بن محمود الفارسي: بالإسناد، عن محمد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر عليه السلام فذكرت اختلاف الشيعة فقال: إن الله لم يرل فرداً منفرداً في الوحدانية، ثم خلق مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ صَدِّ لِمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ وَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا، وَأَجْرَى عَلَيْهَا طَاعَتَهُمْ، وَجَعَلَ فِيهِمْ مَا شَاءَ، وَفَوَّضَ أَمْرَ الْأَشْيَاءِ إِلَيْهِمْ فِي الْحُكْمِ وَالتَّصَرُّفِ وَالإِزْشَادِ وَالأَمْرِ وَالنَّهْيِ فِي الْخَلْقِ، لِأَنَّ نُهُمُ الْوُلَاةَ، فَلَهُمُ الأَمْرُ وَالْوَلَايَةُ وَالْهُدَايَةُ، فَهُمْ أَبْوَابُهُ، وَنُوبَاتُهُ، وَحُجَابُهُ، يُحَلُّونَ مَا شَاءَ، وَيُحَرِّمُونَ مَا شَاءَ، وَلَا يَفْعَلُونَ إِلَّا مَا شَاءَ، عِبَادٌ مُكْرَمُونَ لَا يَسْتَبْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، فَهَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا غَرِقَ فِي بَحْرِ الإِفْرَاطِ، وَمَنْ نَقَصَ هُمْ عَنْ هَذِهِ المَرَاتِبِ الَّتِي رَتَّبَهُمُ اللَّهُ فِيهَا رَهَقَ فِي بَرِّ التَّقْرِيطِ، وَلَمْ يُوفِّ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ فِيمَا يَجِبُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ مَعْرِفَتِهِمْ. ثُمَّ قَالَ: خُذْهَا يَا مُحَمَّدُ! فَإِنَّهَا مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونِهِ.

220- الأمامي، الصدوق: ص 558 إلى 560 المجلس 83 ح 1- حدَّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله قال: حدَّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن

الوليد رضوان الله عليه قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار، عن سلمة بن الخطّاب البراوستاني، عن إبراهيم بن مقاتل قال: حدّثني حامد بن محمّد، عن عمرو بن هارون، عن الصادق، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ بن أبي طالب عليهم السّلام قال: لقد هممتُ بتزويج فاطمة عليها السّلام ابنة محمّد صلى الله عليه وآله حيناً ولم أتجرأ أن أذكر ذلك للنبيّ صلى الله عليه وآله وإنّ ذلك اختلج في صدري ليلى ونهاري، ... فقال راحيل الملاك: يا ربّ! وما بركتك فيهما بأكثر ممّا رأينا لهما في جنانك ودارك؟ فقال عزّوجلّ: يا راحيل! إنّ من بركتي عليهما أن أجمعهما على محبّتي، وأجعلهما حجةً على خلقي، وعزّي وجلالي لأخلقنّ منهما خلقاً، ولأنشأنّ منهما ذريّةً، أجمعهم خزائي في أرضي، ومعاين لعلمي، ودعاةً إلى ديني، بهم أحتجّ على خلقي بعد النّبیین والمرسلين، وعيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج 1 ص 222 إلى 50 ب 21 ح 1- حدّثنا أبو الحسن محمّد بن عليّ بن الشاه بمرورود قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن المظفر بن الحسين قال: حدّثنا أبو عبد الله محمّد بن زكريّا البصريّ قال: حدّثني المهديّ بن سابق قال: حدّثنا عليّ بن موسى بن جعفر عليه السّلام قال: حدّثني أبي، عن أبيه جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه عليهم السّلام قال: قال عليّ بن أبي طالب عليه السّلام: لقد هممتُ بالتزويج فلم أجترئ أن أذكر ذلك لرسول الله صلى الله عليه وآله، وإنّ ذلك اختلج في صدري ليلى ونهاري، ... فقال راحيل: يا ربّ! وما بركتك عليهما أكثر ممّا رأينا لهما في جنانك ودارك (و دار كرامتي - خ ل)؟ فقال الله عزّوجلّ: يا راحيل! إنّ من بركتي عليهما أني أجمعهما على محبّتي [محبّتي]، وأجعلهما حجّتي على خلقي، وعزّي وجلالي لأخلقنّ منهما خلقاً، ولأنشأنّ منهما ذريّةً (مباركة طاهرة - خ ل)، أجمعهم خزائي في أرضي، ومعاين لحكمي، بهم أحتجّ على خلقي بعد النّبیین والمرسلين،

ح 2- حدّثني بهذا الحديث: عليّ بن أحمد بن محمّد بن عمران الدقاق رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطن قال: حدّثنا أبو محمّد بكر بن عبد الله بن جندب قال: حدّثنا أحمد بن الحرث قال: حدّثنا أبو معاوية، عن الأعمش، عن جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه،

عن أبيه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْوِيجِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ لَمْ أَجْتَرِ أَنْ أذْكَرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ، وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ مِثْلَهُ سِوَاءِ. وَ لِهَذَا الْحَدِيثِ طَرِيقٌ آخَرٌ قَدْ أُخْرِجَتْ فِي مَدِينَةِ الْعِلْمِ. وَ تَفْسِيرُ فِرَاتِ الْكُوفِيِّ: ص 413 ح 552- قال: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُسَيْنِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا فِرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ طَرِيفِ [طَرِيفِ] الْحَجَرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَقْبَةُ بْنُ مَكْرَمِ الصَّبِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو تَرَابِ عَمْرٍو [عَمْرٍو] بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَارُونَ الطُّوسِيِّ الْخِرَاسَانِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو عَلِيِّ الْهَرَوِيِّ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْوِيجِ فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ [بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] حِينًا وَ إِنَّ ذَلِكَ مُتَخَلِّجٌ فِي قَلْبِي لَيْلِي وَ نَهَارِي ... فَدَالَ (اللَّهُ تَعَالَى) مِنْ بَرَكَتِي فِيهِمَا - أَوْ قَالَ - عَلَيْهِمَا إِنِّي أَجْمَعُهُمَا عَلَيَّ مَحَبَّتِي وَ أَجْعَلُهُمَا مَعْدِنَيْنِ لِحُجَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَخْلَقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا وَ لَأُنْشِدَنَّ مِنْهُمَا ذُرِّيَّةً فَأَجْعَلُهُمْ خُرَّانًا فِي أَرْضِي وَ مَعَادِنَ لِعِلْمِي وَ دَعَائِمَ لِكِتَابِي ثُمَّ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي [بِهِمْ] بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، ... وَ رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ج 1 ص 144 إلى 146- قال أمير المؤمنين عليه السلام: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْوِيجِ فَاطِمَةَ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حِينًا، وَ لَمْ أَتَجَرَّ أَنْ أذْكَرَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ إِنَّ ذَلِكَ يَخْتَلِجُ فِي صَدْرِي لَيْلِي وَ نَهَارِي، ... فَدَالَ رَاحِلُ الْمَلَكِ: يَا رَبِّ! وَ مَا بَرَكَتِكَ فِيهِمَا بِأَكْثَرِ مِمَّا رَأَيْنَا لَهُمَا فِي جَنَاتِكَ وَ دَارِكَ؟ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنِّي أَجْمَعُهُمَا عَلَيَّ مَحَبَّتِي، وَ أَجْعَلُهُمَا حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِي، وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَخْلَقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا، وَ لَأُنْشِدَنَّ فِيهِمَا ذُرِّيَّةً، أَجْعَلُهُمْ خُرَّانِي فِي أَرْضِي، وَ مَعَادِنَ لِعِلْمِي، وَ دُعَاءَةً إِلَى دِينِي، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، ...

بحار الأنوار: ج 3 ص 101 إلى 104 ب 5 ح 12 و 13 از الأمالي و العيون و الفرات.

221- تفسير فِرَاتِ الْكُوفِيِّ: ص 413-415 ح 552 و الأمالي، صدوق، ص 559 و 560 المجلس 83 ح 1.

222- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: ج 1 ص 76 ح 89- وأخبرنا أيضاً أبو جعفر (محمد بن عليّ الفقيه)، عن محمد بن عليّ العلويّ، عن عمّه محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن عليّ الكوفيّ، عن محمد بن سنان، عن المفصّل، عن جابر بن يزيد، عن أبي الزبير، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله:

223- شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج 16 ص 211 از كتاب السّقيفة و فذك: ص 98 قسمت 2 به چند سند خطبه فدكيّه را نقل کرده است كه حضرت فاطمه عليها السلام ضمن خطبه خود فرمودند: «... وَ أَحْمَدُوا اللَّهَ ... وَ نَحْنُ وَسَيْلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ، ...». و شرح نهج البلاغة ابن ميثم البحراني: ج 5 ص 105.

224- شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج 16 ص 211 از كتاب السّقيفة و فذك: ص 98 قسمت 2 به چند سند خطبه فدكيّه را نقل کرده است كه حضرت فاطمه عليها السلام ضمن خطبه خود فرمودند: «... وَ أَحْمَدُوا اللَّهَ ... وَ نَحْنُ وَسَيْلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ، ...». و شرح نهج البلاغة ابن ميثم البحراني: ج 5 ص 105.

225- دلائل الإمامة: ص 119 ح 36:.

226- بلاغات النساء: ص 32:.

227- الإحتجاج: ج 1 ص 106.

228- حديث امام رضا عليه السلام در وصف امام و امامت و عجز مردم از شناخت و اختيار امام عليهم السلام: الكافي: ج 1 ص 198 ح 1: «... الْإِمَامُ الْأَيْمَنُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَمَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ. الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ. الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمَبْرَأُ عَنِ الْعِيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ

ص: 325

عَيْطُ الْمَنَافِقِينَ وَبَوَارِ الْأَكَاْفِرِينَ. الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ لَا يَدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَلَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا إِكْتِسَابٍ بَلِ إِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ أَوْ يُمَكِّنُهُ إِخْتِيَارَهُ؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ صَدَلَتِ الْعُقُولُ وَتَاهَتِ الْحُلُومُ وَحَارَتِ الْأَلْبَابُ وَخَسَّتِ الْعُيُونُ وَتَصَاعَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَتَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَتَقَاصَرَتِ الْحَلَمَاءُ وَحَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ وَجَهَلَتِ الْآلِيَاءُ وَكَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَعَجَزَتِ الْأُدْبَاءُ وَعَيَّيَتِ الْبُلْغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَأَقْرَبَتْ بِالْعَجْزِ وَالتَّقْصِيرِ، وَكَيْفَ يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ وَيُغْنِي عَنْهُ؟ لَا كَيْفَ وَآتَى وَهُوَ بِحَيْثُ النَّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاولِينَ وَوَصَفِ الْوَاصِفِينَ فَأَيْنَ الْإِخْتِيَارُ مِنْ هَذَا؟ وَأَيْنَ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا؟ وَأَيْنَ يُوجَدُ مِثْلُ هَذَا؟ أَتَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ آلِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ كَذَبْتُهُمْ وَاللَّهِ أَنْفُسُهُمْ وَمَنْتَهُمُ الْآبَاطِيلُ فَارْتَقُوا مُرْتَقَى صَعْبًا دَحْضًا تَرَلُّ عَنْهُ إِلَى الْحَضِيضِ أَقْدَامُهُمْ رَامُوا إِقَامَةَ الْإِمَامِ بِعُقُولِ حَائِرَةٍ بَانِرَةٍ نَاقِصَةٍ وَآرَاءٍ مُضِلَّةٍ فَلَمْ يَزِدُوا مِنْهُ إِلَّا بُعْدًا...، فَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيَارِ الْإِمَامِ وَالْإِمَامِ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ وَرَاعٍ لَا يَنْكُلُ مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَالطَّهَارَةِ وَالنُّسْكَ وَالرَّهَادَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَسَلِهِ الْمُطَهَّرَةِ الْبُتُولِ...». و تحف العقول، ص 436 و الغيبة، النعماني: ص 216 ب 13 ح 6 و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 216 ب 20 ح 1 و كمال الدين و تمام النعمة: ج 2 ص 675 ب 58 ح 32 و معاني الأخبار: ص 96 ح 2 و الأمالي، ابن بابويه: ص 675 مجلس 97 ح 1 و الإحتجاج: ج 2 ص 433 و الصراط المستقيم: ج 1 ص 83. بحار الأنوار: ج 25 ص 120 ب 4 ح 4 از: كمال الدين و معاني الأخبار و الأمالي و العيون و الإحتجاج و التحف و الغيبة و الكافي.

229- تفسير فرات الكوفي: ص 581 ح 747 به سند خود از امام جعفر صادق عليه السلام كه فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» الْكَلِيلَةُ فَاطِمَةُ، وَالْقَدْرُ اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا -أَوْ- مِنْ مَعْرِفَتِهَا، وَقَوْلُهُ:

ص: 326

«وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْدَةُ الْقَدْرِ لَيْدَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ وَهِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ. وَ الرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ...».

230- تفسير اطيبي البيان: ج 13 ص 226.

231- بصائر الدرجات: ص 22 ب 11، ح 10 - حدّثنا أحمد بن إبراهيم، عن إسماعيل بن مهزيار، عن عثمان بن جبلة، عن أبي الصّامت، قال أبو عبد الله عليه السلام: «إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، شَرِيفٌ، كَرِيمٌ، ذَكْوَانٌ، ذَكِيٌّ، وَعَرٌّ، لَا يَحْتَمِلُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ». قُلْتُ: فَمَنْ يَحْتَمِلُهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: «مَنْ شِئْنَا يَا أَبَا الصّامِتِ». قَالَ أَبُو الصّامِتِ: فَطَنَنْتُ أَنْ لِلَّهِ عِبَادًا هُمْ أَفْضَلُ مِنْ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ.

232- الأُمالي، ابن بابويه: ص 18 مجلس 5 ح 14، 15-4 - به سند متصل خود، از امام محمد باقر عليه السلام فرمود: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم می گفت: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ، ... فَتَقُولُ: إِلَهِي وَسَيِّدِي! ذُرِّيَّتِي، وَشَيْعَتِي، وَشِبَعَةَ ذُرِّيَّتِي، وَشَيْعَةَ ذُرِّيَّتِي، وَشَيْعَةَ ذُرِّيَّتِي، وَشَيْعَةَ ذُرِّيَّتِي، فَإِذَا نَدَّاءٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَشَيْعَتُهَا وَمُحِبُّوْهَا وَمُحِبُّو ذُرِّيَّتِهَا؟ فَيَقْبَلُونَ وَقَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ، فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَتَّى تَدْخُلَهُمُ الْجَنَّةَ». از او: بشارة المصطفي: ص 18 ح 15، 14 و روضة الواعظين: ج 1 ص 148. و در الفضائل، ص 11 و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج 3 ص 327 مانند آن با اختلافی اندک.

233- صفات الشيعة: ص 3 ح 2 - به سند صحيح از حسين بن خالد، از امام علي بن موسى الرضا عليه السلام که فرمود: «شَيْعَتُنَا الْمُسَلِّمُونَ لِأَمْرِنَا، الْأَخِذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُخَالَفُونَ لِأَعْدَائِنَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا». الكافي: ج 1 ص 368 ح 2 - به سند متصل خود، از عبد الرحمن بن كثير گوید: نزد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام بودم که مهزم بر آن حضرت داخل گشت و عرضه داشت: قربانت گردم، مرا خبر ده از (فرج آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ) امری

ص: 327

که انتظار آن را می کشیم کی خواهد بود؟ فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسَّةِ تَعَجِّلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَّةِ لَمُونَ». و الغيبة، النعماني: ص 294 ب 16 ح 11- از کلینی به سندش مانند الکافی. الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 426 - به سند خود از عبد الرحمان بن کثیر گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مهزم بر حضرت داخل گشت پس عرض کرد: فدایت گردم، مرا خبر ده از این امر که انتظار آن می برید چه زمانی خواهد بود زیرا بر ما طولانی شده است؟ فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسَّةِ تَعَجِّلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَّةِ لَمُونَ، وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ». و الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص 95 ب 23 ح 87 - به سند صحیح خود از محمد بن مسلم، از امام جعفر صادق علیه السلام، گوید: نزد حضرت بودم که مهزم بر حضرت داخل گشت پس عرض کرد: فدایت گردم، مرا خبر ده از این امر که انتظار آن می بریم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسَّةِ تَعَجِّلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَّةِ لَمُونَ، وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ». و الغيبة، النعماني: ص 198 ب 11 ح 8 - به سند متصل خود از عبد الرحمان بن کثیر گوید: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام بودم و مهزم اسدی نزد حضرت بود و عرضه داشت: خداوند مرا فدایت گرداند این امری که انتظار آن می کشید کی می شود که بر ما به درازا کشید؟ پس حضرت فرمود: «يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْمُتَمَنُّونَ، وَ هَلَكَ الْمُسَّةِ تَعَجِّلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَلَّمُونَ، وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ». مختصر البصائر: ص 518 - و في الحديث: «نَجَا الْمُسَلَّمُونَ وَ هَلَكَ الْمُتَكَلِّمُونَ».

برخی از نوشته های مؤلف محترم

عربی

زیارت ذبیح آل محمد صلوات الله و سلامه عليهم العاشورائیه

موسوعة احاديث آل طه و ياسين صلوات الله و سلامه عليهم الفقهية

موسوعة تفسير آل طه و ياسين صلوات الله و سلامه عليهم

فارسی

آداب حج و عمره

از برکه غدیر تا بی کران کربلا (در ردّ غلو)

امامت اصل اصول دین محمدی صلی الله علیه و آله

پاک نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه السلام

پرسش ها و پاسخ ها (جبر، عصمت پیامبران، علم و عصمت اهل بیت علیهم السلام)

پرتوی حق (پاسخ شیعه به برخی از شبهه های وهابیان) پژوهشی نو پیرامون حدیث شریف کساء یمانی (در دفاع از حدیث شریف کساء)

ترجمه زیارات ذبیح آل محمد صلوات الله عليهم العاشورائیه (... و در دفاع از زیارت عاشوراء)

تولی و تبری اساس توحید

حجاب از دیدگاه قرآن و عترت

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام

حضرت حرّ علیه السلام آزاد مرد شهید

حلاج مردی به دار آویخته (در ردّ صوفیه و ...)

حور و آتش (در دفاع از حضرت فاطمه علیها السلام)

در محضر فقیه معارفی 3 جلد (پرسش ها و پاسخ های: معارفی، فقهی، تاریخی، حدیثی، درائی و ...)

دعای صنمی قریش و اعتبار آن

فضل طینت نور (سخنی با عزاداران شیعه و شیعیان عزادار) محبوبِ محبوب (ربا، حجاب، موسیقی، شطرنج و ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت الرسول)

یکصد و ده حدیث معارفی

ص: 329

نویسنده کتاب، در پی محقق ساختن اهداف والایی نظیر ایجاد شبکه جهانی «المحسّٰ نیه» بوده تا بتواند معارف غریب و خاک غربت خورده اهل بیت اطهار علیهم السّلام را در سطح جهانی تبلیغ نماید و این مهم طالب پشتیبانی مادی و معنوی دوست داران اهل بیت علیهم السّلام می باشد. بزرگوارانی که رهرو این مسیر هستند می توانند از طرق زیر، آمادگی خود را برای حمایت از این برنامه عظیم اعلام نمایند.

مسیرهای ارتباطی با نویسنده

پست الکترونیکی:

Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

کانال تلگرامی: در محضر فقیه معارفی

آیدی تلگرام:

@torbatikarbalaeadmin

صفحه اینستاگرام:

almohassaniyah

وبگاه:

Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس

با همراه

09137006112

ص: 330

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

